



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دوفصلنامه انقلاب و پژوهش

سال دوم / شماره ۳ / بهار و تابستان ۱۴۰۳

ا.ا.

انجمن جامعه‌شناسی ایران



پژوهشگاه امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی

هیأت تحریریه

فردین قریشی

استاد گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ایران

سید احمد موثقی گیلابی

استاد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

شجاع احمدوند

استاد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی،

تهران، ایران

عباس کشاورز شکری

استاد علوم سیاسی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

مهدی زیبائی

دانشیار روابط بین‌الملل، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران

سعید معیدفر

دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، ایران

ابوالفضل دلاوری

دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

محمد سالار کسرائی

دانشیار جامعه‌شناسی پژوهشکده مطالعات اجتماعی، تهران، ایران

محمد رضا طالبان

دانشیار جامعه‌شناسی، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران

سید صدرالدین موسوی

دانشیار اندیشه سیاسی، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران

فاطمه طباطبائی

دانشیار عرفان اسلامی، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران

صاحب امتیاز: پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی

مدیر مسئول: سیدمحمد رضا شریفی

سر دبیر: عباس کشاورز شکری

مدیر اجرایی: عباس خورشیدنام

کارشناس نشریه: زهره احسانی

ویراستار ادبی: اعظم سلیمانی

صفحه آرا: زهرا شیرخانزاده

طراح جلد: زهرا شیرخانزاده

نشانی دفتر فصلنامه:

تهران: بزرگراه خلیج فارس، قبل از عوارضی، حرم مطهر امام

خمینی (س)، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی

کد پستی: ۱۸۱۵۱۶۳۱۱۱

صندوق پستی: ۱۸۱۵۵/۱۳۴

دورنویس: ۵۵۲۳۵۶۶۱

تلفن: ۵۱۰۸۵۵۱۰

وب سایت اینترنتی:

<https://trs.ri-khomeini.ac.ir>

پست الکترونیکی:

RevolutionStudiesjournal@gmail.com

شیوه‌نامه تدوین، نگارش و ارسال مقالات

از نویسندگان محترم تقاضا می‌شود برای تسریع در امر ارزیابی و چاپ، شیوه‌نامه زیر را رعایت نمایند:

اول. صفحه نخست: مشخصات اجمالی مقاله

عنوان کامل مقاله

- نام و نام خانوادگی کامل نویسنده یا نویسندگان ذیل عنوان و به صورت زیر باشد:
- نام و نام خانوادگی نویسنده اول که نویسنده مسئول است؛
- نام و نام خانوادگی نویسنده دوم و پس از آن نویسندگان دیگر؛
- تبصره. در پاورقی صفحه نخست، به ترتیب مرتبه علمی، رشته تحصیلی، گروه علمی، و تعلق سازمانی به همراه آدرس پست الکترونیکی نویسنده مسئول و سایر نویسندگان نوشته شود.
- چکیده: بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ واژگان
- واژگان کلیدی: بین ۳ تا ۵ واژگان

دوم. سازماندهی و تدوین مقاله

- مقدمه: شامل بیان مسأله، طرح فرضیه، اهمیت و ضرورت، اهداف مقاله، طرح سؤال اصلی حداکثر ۲ صفحه
- الف) مرور پیشینه تحقیق
- ب) مبانی نظری و روش: تشریح چارچوب نظری، تعیین روش مناسب و همچنین شیوه گردآوری و تحلیل داده‌ها
- ج) بدنه اصلی مقاله: شامل تحلیل و تبیین داده‌های تحقیق، جداول و نمودارها (به همراه شماره و راهنما) و ... به منظور پاسخ به سوالها یا آزمون فرضیه‌ها
- نتیجه‌گیری: بیان یافته‌های مقاله به همراه نقد یا پیشنهاد.
- منابع: در انتهای مقاله. شامل الف) منابع فارسی، ب) منابع انگلیسی و عربی، ج) منابع دیجیتالی به تفکیک

سوم. نظام شماره‌گذاری

شیوه شماره‌گذاری عناوین اصلی یعنی (مبانی نظری، روش تحقیق و...) با حروف فارسی (الف، ب، پ...) و عناوین فرعی با اعداد (۱، ۲، ۳...) عناوین فرعی تر با (۱-۱، ۱-۲، ۱-۳، ۱-۴، ...) شماره‌گذاری شوند.

چهارم. شیوه‌نامه نگارش مقالات

مقاله فقط از طریق نرم افزار مایکروسافت Word نسخه ۲۰۱۰ یا ۲۰۰۷ با قلم (فونت) ۱۲ B lotus (لاتین) ۱۰ Times New Roman و یادداشت‌ها و کتابنامه ۱۲ B lotus (لاتین) ۱۰ Times New Roman (۱۰) حروفچینی شود.

حجم مقاله بین ۶۰۰۰ تا ۸۰۰۰ کلمه (۲۰ تا ۲۵ صفحه ۳۰۰ واژگانی) باشد.

در خصوص واژه‌های خارجی غامض یا معادل‌های غیر مصطلح فارسی، بلافاصله پس از ذکر این گونه واژه‌ها (فقط در اولین ارجاع) معادل لاتین آن را به صورت زیرنویس در پایین همان صفحه قید نمائید. ترجمه انگلیسی عنوان مقاله، چکیده و کلید واژه همراه مقاله ارسال گردد.

ارجاع دهی به صورت درون متنی:

- منابع فارسی: (نام خانوادگی نویسنده، سال نشر، جلد، صفحه) / مانند: (تفضیلی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۳۲).
- منابع لاتین: (صفحه، جلد، سال نشر، نام خانوادگی نویسنده) / مثال: (Barry, 2012, Vol 2, p.78).
تبصره یک. از کاربرد کلمات همان، پیشین و... (Ibid...) در ارجاع دهی خودداری شود.
تبصره دو. چنانچه از نویسنده‌ای در یک سال بیش از یک اثر انتشار یافته، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار، از یکدیگر متمایز شود.

پنجم. فهرست کتابنامه در پایان مقاله براساس ترتیب الفبایی:

- کتاب: نام خانوادگی، نام نویسنده (تاریخ چاپ)، عنوان کتاب، نام مترجم، محل انتشار: نام ناشر، شماره چاپ، جلد.

مانند:

- اسپریگنز، توماس (۱۳۷۰). فهم نظریه‌های سیاسی. ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: انتشارات آگاه.
Nye, Joseph (2004), *Soft Power: The Means of Success in World Politics*, New York: W.W. Norton
- مقاله: نام خانوادگی، نام نویسنده (تاریخ چاپ)، «عنوان مقاله»، نام نشریه، دوره نشریه، شماره نشریه.
مانند:

- مرشدی زاد، علی و دیگران (۱۳۸۹). «بسیج و اقدام سیاسی در نهضت تنباکو». دانش سیاسی، ۶ (۲)، ۱۷۷-۲۰۶.

Nye, Joseph (1990), «Soft Power», foreign policy, No.80, Twentieth Anniversary, Autumn, pp.153-171.

ششم. منابع الکترونیکی

نام خانوادگی، نام نویسنده، عنوان مطلب، تاریخ مراجعه به سایت یا آخرین تاریخ به روز رسانی سایت، نشانی دقیق اینترنتی یا دسترسی CD (همراه با شماره خبر یا کد خبر در صورت وجود)،
مانند:

شریعت، فرشاد. بورس دانشجویان خارج، سایت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، آخرین تاریخ به روز رسانی ۱۳۹۰/۶/۱۶:

<http://www.msrt.gov.ir/index.php/pashoheshi-uni-msrt/associations>

هفتم. ملاحظات

مقاله ارسالی نباید در هیچ مجله داخلی یا خارجی چاپ شده باشد.
مقاله ارسالی نباید همزمان به سایر مجلات فرستاده شده باشد.
مجله «انقلاب پژوهی» در اصلاح و ویرایش مقالات آزاد است.
مقالات ارسال شده به نشریه بازگردانده نمی شود.

فهرست مطالب

تاریخ فکر و بحران‌های زمینه‌ای - آستانه‌ای انقلاب اسلامی ایران عباس منوچهری	۷
بهره‌برداری آمریکا از انقلاب‌های رنگی در روابط با روسیه الهه کولایی و فاطمه عرفانی	۲۷
ایدئولوژی‌های مدرن و تفکر انقلابی علی شریعتی فردین قریشی و خدیجه میری	۵۱
چرا مصدق نتوانست؟ واکاوی علت اصلی شکست نهضت ملی ایران محمد سمیعی	۶۷
بررسی تطبیقی تحول مواضع احزاب و گروه‌های سیاسی اصلاح طلب در ارتباط با کنش‌های جمعی اعتراضی در جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۱-۱۳۷۸) حمید گل محمدی و عباس خورشیدنام	۹۳
قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران با عنوان «محور مقاومت» در نظام قدرت غرب آسیا فرشته میرحسینی	۱۲۵
بررسی گفتمان توسعه اقتصادی هاشمی رفسنجانی در پنجمین انتخابات ریاست جمهوری پریسا امیری فرد	۱۴۹
بررسی مدیریت انقلابی امام خمینی ^(ره) در بحران تسخیر سفارت آمریکا محمد رحیمیان	۱۷۵
واکاوی کیفی مختصات ایدئولوژی در دستگاه فکری علی شریعتی بر اساس چشم‌انداز هانا آرنت حسین صابر دمیرچی	۱۹۵
مطالعه تطبیقی تأثیر گفتمان‌های انقلاب اسلامی حاکم بر کابینه‌های احمدی‌نژاد و روحانی در سیاست خارجی ایران مجید گل‌پرور، زهرا محمدی و حنا نناجی	۲۱۹
واکاوی چرایی شکست سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا در پیش‌بینی انقلاب اسلامی ایران مهدی حیدری و محمد مدبری	۲۴۱
ارائه و تبیین الگوی مدیریت جهادی در جامعه اسلامی مبتنی بر وصیت‌نامه سیاسی - الهی امام خمینی ^(ره) علی امیدی	۲۷۱

تاریخ فکر و بحران‌های زمینه‌ای – آستانه‌ای انقلاب اسلامی

عباس منوچهری^۱

Doi :10.22034/FADEMO.2024.486586.1062

چکیده: «انقلاب‌های اجتماعی» در چندین حوزه مطالعات انسانی-اجتماعی از جمله «جامعه‌شناسی تاریخی»، «جامعه‌شناسی سیاسی»، «روان‌شناسی اجتماعی» و «تاریخ اجتماعی» مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. الگو و چهارچوب فکری در این زمینه، کالبدشکافی انقلاب اثر کرین برنتون است. یکی از مباحث عمده در مطالعات «انقلاب»، بحران‌های زمینه‌ای هر انقلابی است. این مبحث در مورد انقلاب اسلامی ایران، به‌طور عمده با رهیافت‌ها و روش‌های عین‌گرایانه - پوزیتیویستی، ساختارگرایانه و بعضاً فرهنگی مطالعه و پژوهش شده است؛ زیرا در آثار سایر محققان این حوزه، اثری از بررسی در باب بحران‌های زمینه‌ای - آستانه‌ای از منظر «اندیشه‌ای - فکری»^۲ نیست. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که این کار با اتکا به رهیافت دیالکتیکی گادامر برای نزدیک کردن افق فکری شخصیت‌های مورد نظر انجام شده است. لذا می‌توان گفت که تفکرات همه اندیشمندان مورد ارزیابی در این کار پژوهشی، بحران مشروعیت، بحران ناکارآمدی و بحران فرهنگی - هویتی را علاوه بر بحران‌های اقتصادی در جامعه ایران شناسایی کرده‌اند. این متفکرین در کنار سایه سنگین استعمار خارجی و استبداد داخلی به بررسی میزان تأثیرگذاری استعمار درونی که قدرتمندان اجتماعی تحمیل می‌کردند، بسیار زیرکانه آن را در قالب کتاب و فیلم انعکاس داده‌اند؛ بدون آنکه فعالیت سیاسی ضد حکومتی آشکار و مستقیمی را در آثار خود، به تصویر کشند؛ و در حقیقت هر کدام به‌نوعی توانستند وضعیت حال را از طریق بحران‌های زمینه‌ای گذشته تبیین کنند. دانست.

کلیدواژه‌ها: بحران‌ها، تاریخ فکر، پدیدارشناسی فکر، محمود طالقانی، علی شریعتی، مرتضی مطهری، سیمین دانشور، جلال آل‌احمد، اصحاب تأویل، سینمای معترض.

manoocha@modares.ac.ir

۱. استاد گروه علوم سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

2. Discursive

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۱

دوفصلنامه انقلاب‌پژوهی | سال دوم، شماره ۳ | بهار و تابستان ۱۴۰۳ | صفحات ۲۵-۷

<https://trs.ri-khomeini.ac.ir/>

یکی از مشکلات پژوهش‌های تاریخی مشکل واژگان است. در زبان فارسی «تاریخ» و در انگلیسی «History» برای «امر تاریخی» و برای «دانش تاریخ» به کار می‌رود. البته در مورد دانش تاریخ و امر تاریخی در زبان انگلیسی تمایز نوشتاری روشنی وجود ندارد و در مورد دیگر زبان‌ها، موضوع به درجات مختلف متفاوت است؛ بنابراین در این پژوهش، منظور از «تاریخی»، «امر تاریخی»^۱ است؛ و منظور از «تاریخ»، دانش تاریخ است.

مشکل دیگر در این زمینه، ابهام میان سه مفهوم «فکری»، «عقلی» و «روشنفکری» معادل «Intellectual History» است. صرف‌نظر از مختصات دستور زبانی این سه مفهوم، کاربرد نامناسب آن‌ها در تألیفات و ترجمه‌ها، موجب سردرگمی و فهم نادرست شده است. در زبان انگلیسی Intellectual History برای موردی شبیه تاریخ اندیشه سیاسی یا تاریخ فلسفه استفاده می‌شود که کاربرد معینی دارد.

بر اساس ملاحظات نظری فوق می‌توان گفت، اندیشه‌ورزی و شکل‌گیری مکاتب فکری، به‌خصوص در قلمرو اندیشه سیاسی/مدنی، رابطه چند سویه و پیچیده‌ای با تاریخ دارد. البته اندیشه‌ورزی در عین اینکه همیشه در شرایط تاریخی معینی صورت می‌گیرد؛ اما افق آن محدود به زمانه نمی‌شود. «زمان» در اندیشه‌ورزی به حال محدود نمی‌شود و گذشته و آینده هر کدام در ذهن متفکران تأثیرگذار است. اندیشه‌ورز در وضعیتی فکر می‌کند که میراث عینی و ذهنی گذشته جامعه را در خود دارد. لذا بسیاری از متفکرانی که دغدغه وضعیت انسانی و وضع مردمان جامعه خود را داشته‌اند، افق ذهنی خود را به سوی آینده و امکان‌های زیستمانی جدیدی می‌گشایند. چنین اندیشمندی با تکیه بر منابع فکری، دانسته‌ها، تجربیات و یافته‌هایی که در اختیار دارد، به دنبال کشف راه‌هایی برای حل دغدغه‌های فکری اعم از دینی فلسفی، آرمان‌خواهی و... است. لذا افق اندیشه به آینده گشوده می‌شود در عین اینکه گذشته را نیز با خود دارد؛ و بدین ترتیب نمی‌توان گفت «افکار و عقاید مدنی-سیاسی» از مقومات تاریخ بشر محسوب می‌شوند. این مقوم‌انگاری به چند جهت است. اول اینکه افکار و عقاید میراث بشری است؛ دوم آنکه با تغییر و تحولات تاریخی پیوند بنیادین دارد؛ به عبارت دیگر، افکار و عقاید با علائق بشری-انسانی و به تبع آن، سیر حیات و وضعیت بشر در مقاطع مختلف تاریخی ارتباطی بنیادین دارد. ضرورت شناخت تاریخی و نیاز به شناخت جریان‌های فکری در تاریخ یکی از مطمئن‌ترین راه‌های شناخت خویشتن و هویت انسانی فرهنگی، یا خودشناسی به معنای اعم

آن محسوب می‌شود. رابطه بین این دو با یکدیگر، یعنی بین تفکر و علائق انسانی، نیز خود از محوری‌ترین موضوعات برای شناخت بشر و تاریخ بوده است.

تاریخ فکر، از دهه ۱۹۶۰، به یکی از داستان‌های موفقیت حرفه تاریخی، به‌ویژه در جهان انگلیسی‌زبان و همچنین در سراسر اروپا تبدیل شده است. اکنون به سختی می‌توان موضوعی را یافت که از منظر تاریخ فکری بررسی نشده باشد. تاریخ فکر لزوماً در جاه‌طلبی‌های خود و از نظر رویکرد و روش‌های مطالعه‌ای که به‌وسیله بسیاری از دست‌اندرکاران آن برای دستیابی به آن جاه‌طلبی‌ها انتخاب می‌شود، کثرت‌گراست و موضوعی که تاریخ اندیشه را موضوع خود قرار می‌دهد، نمی‌تواند چیزی جز کثرت‌گرا باشد.

برخی پژوهشگران تاریخ فکر بر این نظرند که «چیزی به نام تاریخ فکر وجود ندارد»، درحالی‌که برخی دیگر، مانند کالینگوود بر این عقیده است که تمام تاریخ، تاریخ فکری است. «برداشت ایدئالیستی کالینگوود از کنش انسان برای دیدن معنایی که ممکن است بخواهیم بگوئیم تمام تاریخ، تاریخ اندیشه است» (وارینگتون، ۱۳۸۷، ص. ۸).

بحران‌های زمینه‌ای انقلاب اسلامی عمدتاً با رهیافت‌ها و روش‌های پوزیتیویستی، ساختارگرایانه و بعضاً فرهنگی، مثلاً «آنومی»^۱ دورکهایمی، مطالعه و پژوهش شده است؛ اما در باب بحران‌های زمینه‌ای - آستانه‌ای از منظر اندیشه‌ای - فکری اثری از پژوهش نیست. این در حالی است که در حوزه مطالعات تاریخ اندیشه سیاسی «مشاهده بحران» را نخستین گام نظری در اندیشه ورزی به‌وسیله متفکران سیاسی - مدنی می‌دانند.^۲ در کتاب ناگهان انقلاب چالرز با توجه به‌جای خالی این‌گونه پژوهش، در این نوشتار «بحران‌های زمینه‌ای - آستانه‌ای» انقلاب اسلامی در آثار و آرای چند شخصیت فکری ایرانی مورد شناسایی قرار گرفته است.

۹

در دوران مدرن متأخر و معاصر، آرا و افکار اندیشمندان در طول تاریخ مورد تجزیه و تحلیل جدی قرار گرفته‌اند. در قاره اروپا، نخست هگل در آثاری چون فلسفه حق و فلسفه تاریخ به این موضوع پرداخت. پس از وی مارکس با روش «ماتریالیستی» در تزهایی درباره فویرباخ و در سرمایه، پژوهش کرد سپس دیلتای ذیل مقوله «جهان‌بینی» در هرمنوتیک و مطالعه تاریخ به شیوه تفسیری این کار را انجام داده است. نهایتاً راینهارد کوزلک «تاریخ مفاهیم» را ابداع کرد. در دنیای انگلیسی‌زبان، ابتدا آرتور لاجوی، در زنجیره بزرگ وجود، تاریخ سنتی ایده‌ها را بنیان گذاشت. پس از وی کوئینتن اسکینر و جی. جی. پوکاک، با بنیان‌گذاری مشترک مکتب

1. Anomie

۲. در این مورد ر. ک. به: به کتاب فهم نظریه‌های سیاسی، توماس اسپریگنز، فراسوی رنج و رؤیا، عباس منوچهری.

کمبریج افق‌های جدیدی را در اندیشه‌شناسی گشودند. اسکینر با روش «کنش‌گفتاری»، در تاریخ ایده‌ها و پوکاک با «زبان‌های سیاست»، در لحظه‌ماکیاولی تاریخ فکر را چونان یک دیسیپلین گسترش دادند (Sartori, 2007, p. 1).

۱. تاریخ فکر و بحران‌های زمینه‌ای – آستانه‌ای

بحران، وضعیتی است که در آن کارکردهای سیستم یا اجزای آن به حدی از نظم و ثبات خارج شده است که استمرار سیستم به مخاطره می‌افتد (پیران، ۱۳۸۴. ص. ۸۰). همچنین محققان و نظریه‌پردازان گوناگون با توجه به مسئله‌ای که درصدد بررسی یا تبیین آن بوده‌اند و همچنین با توجه به رویکرد نظری و پارادایمی که از آن بهره برده‌اند، دسته‌بندی‌های متفاوتی از بحران ارائه کرده‌اند (فولادیان، ۱۴۰۲، ص. ۷۰).

برای خواندن آثار فکری مورد نظر، ابتدا وضعیت بحرانی ایران سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷، توصیف تاریخ - واقعی می‌شود و آنگاه با خوانشی تفسیری، این بحران‌ها از چشم چند جریان فکری ارزیابی می‌شود. به تعبیر ادموند هوسرل، پدیدارشناسی متوجه «خود چیزها» است و اجتناب از نظام‌سازی رایج در فلسفه سنتی، یا استدلال بر اساس نقطه شروع از پیش درک شده و پرسش نشده است (Moran and Mooney, 2002, p.1) و به قول هوسرل: «باید تحقیق، نه از فلسفه‌ها، همچنین نه از علوم پوزیتویستی یا جهان‌بینی‌های سنتی، بلکه از «خود چیزها» مسائل پیش برده شود... و دانش یک حرکت از آغازین دور نگاه^۱ به نزدیک مطلق یک پروسه است» (Waldenfels, 1992, P. 65) و بدین ترتیب پدیدار همانا آنچه خود را می‌نماید است که اجازه می‌دهد در نحوه خاص خود، یعنی آن‌گونه که خود را از خویش می‌نمایاند، درک شود. این همان اصل هوسرلی «به‌سوی خود پدیده‌ها»^۲ است؛ و تعبیر «به‌سوی خود پدیده» دربردارنده این کارکرد است که با خود پدیده درگیر شویم (Vetter, 2007, p. 7). پس باید بگوییم، هر تفسیری به‌تبع کدام نظر و از بطن کدام چشم‌انداز تحلیل می‌شود؛ بنابراین اطلاعات آماری درباره کردار آدمیان با پرسش درباره تعاملات آن‌ها با یکدیگر متفاوت است؛ لذا مشاهدات پدیدارشناسانه مبتنی بر هستی‌شناسی واقع‌گرایی است که انسان را موجودی تفسیرگر می‌بیند که تصمیمات و کنش‌های او معلول «علت» نیست، بلکه صرفاً در زمینه و زمانه خود هر بار با وجود انگیزه‌های او با قصد و نیت دست به عمل معینی می‌زند؛ و آنچه در درک ما ظاهر

۱۰

1. Anschauungsferne

2. Zu den Sachen selbst

می‌شود، دقیقاً به صورتی هست که ظاهر می‌شود؛ بنابراین ظهور چیزها، آن‌گونه که هستند، در تجربه‌ها ظاهر می‌شوند (Grätzel, 2007, p.6). تلاش برای روشن کردن موضوع - امور - در یک شیوهٔ رادیکال و بدون مفروض و با توجه نزدیک به شواهد^۱ آن‌گونه که خود را نشان می‌دهند، هستند. با این شرح به سراغ بحران‌ها «در چشم اندیشمندان زمانه» می‌رویم تا به چستی آن‌ها پی ببریم.

با کودتای انگلیسی - آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دورهٔ جدیدی در تاریخ معاصر ایران آغاز شد. پس از کودتا، فضای رعب و وحشت در کشور ایجاد شد؛ اما در همین فضای رعب و وحشت، نهضت مقاومت ملی ایران شکل گرفت. محمدرضا شاه پهلوی در ۱۱ اسفند ۱۳۳۹ دورهٔ بیستم مجلس شورای ملی را افتتاح کرد؛ اما رویدادهای پرشتاب اعتراض مجالی به ادامه کار این مجلس نداد. روز افتتاح مجلس به صحنهٔ تظاهرات اعتراض آمیز دانشجویان در تهران بدل گشت. در روزهای بعد هر رویداد، بهانه‌ای برای اعتراض به رژیم شاه می‌شد.

با بروز آسیب‌ها و معضلات به بار آمده، روند تحولات سیاسی - اجتماعی دههٔ چهل دوران تداوم اعتراض‌ها در ایران بود. دگرگونی در مناسبت‌های زمین‌داری و شروع اصلاحات ارضی در ایران با اجرای طرحی از سمت حاکمیت بود.^۲ از طرف دیگر اصلاحات ارضی زمینه‌ساز خروج نیروی کار گسترده بر زمین، از روستاها به سمت شهرها شد. چنین بود که در کنار رشد مناسبات سرمایه‌داری در پوشش شرکت‌های زراعی در روستاهای ایران نیروی کار گسترده‌ای به شهر مهاجرت کرد (جمعی از پژوهشگران اندیشه و تاریخ، ۱۳۹۹، صص. ۳۳۱-۳۱۳).

در دههٔ پنجاه بحران اقتصادی رژیم رو به گسترش بود. بر اساس گزارش سازمان ملل، در سال ۱۳۵۰ بیش از دوسوم مردم ایران دسترسی به تسهیلات پزشکی و درمانی نداشتند. برنامه‌های توسعه و پیشرفت به علت کمبود مهندسان تحصیل کرده و کارگران ماهر، در شرف متوقف شدن بود. توزیع درآمد در کشور همچنان نامتعادل و میلیون‌ها کشاورز ساکن روستاها، مانند گذشته فقیر بودند. بحران اقتصادی توده‌ها را به میدان کشید و این بار این توده معترض بود که احزاب و رهبران سیاسی - مذهبی را بیش از پیش رادیکال‌تر ساخت.

۲. «تشخیص بحران»: بحران‌های اجتماعی به‌عنوان دلالت وضعیتی

پژوهشگران حوزهٔ مطالعاتی انقلاب‌ها، عموماً با به کار بردن روش‌های تبیینی و منشأ شناسی، به ریشه‌یابی، تبیین و توصیف مختصات بحران‌های آستانه انقلاب‌ها پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها

1. Evidence

۲. در این مورد ر. ک. به: ریشه‌های دموکراسی و دیکتاتوری، برینگتون مور.

عموماً جنس پوزیتیویستی و مونولوژیک دارند. به این معنا که محقق به صورت تاریخی به منابع و رویدادها رجوع می‌کند و بحران‌ها را شناسایی و تبیین می‌کند. در حوزه تاریخ اندیشه سیاسی (مدنی) توماس اسپریگنز در فهم نظریه سیاسی «مشاهده بحران» و عباس منوچهری در فراسوی رنج و رؤیا و «دلالت وضعیتی - تاریخی» گام اول را در فرایند اندیشه ورزی سیاسی توضیح داده‌اند.

۳. روش فهم دلالت‌های وضعیتی

در اینجا برای فهم آنچه شخصیت‌های فکری منتخب درباره بحران‌ها گفته‌اند، روش هرمنوتیک - دیالوگی گادامر استفاده شده است. در این دو روش مسئله فاصله تاریخی میان آرای شخصیت‌های فکری از یکسو و فهم امروزی از آن‌ها، از سوی دیگر رفع می‌شود. این کار با اتکا به عدم لاقیاسیت زبانی در فلسفه زبان گادامر، امکان ارتباط با قلمروهای زبانی [و فرهنگی] را فراهم می‌کند. به تعبیر گادامر «... ما در زبان خود محصور نیستیم، چون می‌توانیم زبان دیگری را فراگیریم» (Krämer, 2018, p. 21) و با این شرح پدیده‌های تاریخی، از جمله اندیشه‌های متعلق به زمانه‌ای گذشته، از طریق روش تاریخ در هرمنوتیک هم متفاوت فهمیده می‌شود. فهم هرمنوتیکی از هر پدیده انسانی منوط است به زمینه تاریخی آن پدیده، پس تاریخ هم می‌تواند موضوع باشد، برای هرمنوتیک و هم بخش عمده فهم هرمنوتیکی است. گادامر در محدود کردن آنچه خصلت واقعی سنت را تشکیل می‌دهد، حتی فراتر می‌رود: «... ما باید بیاموزیم هنر پاسخگو بودن به آثار هنری، متون، سنت‌ها یا دیگر اشخاص با اشکال زندگی که تلاش برای فهمیدن آن‌ها داریم. ما باید در آن‌ها مشارکت یا اشتراک داشته باشیم، به آن‌ها گوش فرا دهیم، خود را بگشاییم برای آنچه آن‌ها می‌گویند و ادعای حقیقت آن‌ها» تحقق کامل مکالمه‌ای کردن که در آن چیزی بیان می‌شود که فقط متعلق به من یا مؤلف من نیست، بلکه مشترک است (Bernstein, 1985, p. 131).

۴. «تاریخ فکر» و بحران در چشم اندیشمندان زمانه

بعد از کودتای ۱۳۳۲، اندیشمندان، ادیبان، متفکران دینی و هنرمندان، کودتا را نشانه یک بحران در نظام سیاسی دانستند و دست به ریشه‌یابی کودتا، تبعات و پیامدهای آن در سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ زدند.

۱-۴. محمود طالقانی

محمود طالقانی، متأله معترضی در ایران بود. وی فساد در مجالس مشروطه و ظهور ناآرامی‌ها را به واسطه جنگ اول جهانی و ظهور مستبدی دیگر، یعنی رضاشاه پهلوی می‌دانست. طالقانی قدرت گیری رضاخان را ناشی از خواسته‌های یک عده فرصت طلب می‌داند که مشروطه را خدشه‌دار کردند (طالقانی، ۱۳۵۲، ص. ۹۱). در این راستا وی حتی بر متولیان دین که در این فضا یعنی در دوره حکومت رضاشاه سکوت کرده و مهر تائید بر این استبداد می‌زنند و مشغول دعا و با توسل از خداوند فرج امام زمان را می‌طلبند، نقد جدی داشت (ملایی توانی، ۱۳۸۸، ص. ۳۹۹؛ غنی، ۱۳۷۹، ص. ۱۱۱). همچنین وی بر گروهی که در ظاهر، عالم‌نما بودند و با سوءاستفاده از جهل مردم ابزار دست مستبدان و توجیه‌گر نظام حکومتی آن‌ها می‌شدند نیز انتقاد می‌کرد (بسته‌نگار، ۱۳۵۹، ج ۱، ص. ۲۱) و صراحتاً به نقد استبداد داخلی و استعمار خارجی نیز می‌پرداخت و در دفاع از مردم فلسطین بی‌مهابا سخنرانی می‌کرد. وی در یکی از نطق‌های خود چنین می‌گوید: «ای علی، اگر امروز بودی و صدای استغاثه زن‌های مسلمان، اطفال آواره مسلمان... {و می‌دیدی} مردمی که خاندان و زندگی و سرزمینشان را گرفتند و این دنیای متمدنی که در قرن بیستم زندگی می‌کند، به جای اینکه به داد این‌ها برسد، دائماً بمب‌های ناپالم به سر این‌ها می‌ریزد... ای علی چه می‌کردی؟» (طالقانی، ۱۳۶۰، صص. ۱۸۳-۱۸۲).

۲-۴. مرتضی مطهری

مرتضی مطهری دیگر اندیشمند برجسته، حوادث، مسائل و مشکلات فکری و سیاسی بسیاری را در قرن اخیر که در تعارض با اصول اسلام و وضعیت مطلوب جامعه اسلامی بود این‌طور برمی‌شمارد:

- استبداد و سلب هر نوع آزادی؛
- نفوذ استعمار نو؛
- جدایی دین از سیاست؛
- کوشش برای بازگرداندن ایران به جاهلیت قبل از اسلام و احیای شعارهای مجوسی و میراندن شعارهای اصیل اسلامی و تغییر تاریخ هجری محمدی به تاریخ مجوسی؛
- تحریف میراث فرهنگی اسلامی با بزرگ‌نمایی فرهنگ گذشته ایرانی؛
- تبلیغ و اشاعه مارکسیسم دولتی، یعنی جنبه‌های الحادی مارکسیسم منهای جنبه‌های سیاسی و اجتماعی آن؛
- کشتار و شکنجه مردم و متهمان سیاسی؛

- تبعیض و ازدیاد روزافزون شکاف طبقاتی، علی‌رغم اصلاحات ظاهری ادعایی؛
- نقض آشکار قوانین و مقررات اسلامی و تسلط عناصر غیرمسلمان بر مسلمانان در دولت
و سایر دستگاه‌ها؛

- ترویج و اشاعه فساد در همه زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی؛
- مبارزه با ادبیات فارسی اسلامی به نام مبارزه با واژه‌های بیگانه؛
- جدا کردن ایران از دیگر کشورهای اسلامی و نزدیکی به کشورهای غیر اسلامی و احیاناً
ضد اسلامی که اسرائیل نمونه آن است (مطهری، ۱۳۷۱، صص. ۶۶-۶۵).

یکی از خطرهایی که مطهری به تحلیل و بررسی آن می‌پردازد، «جمود» برخی از منادیان
فکری اسلام است. وی می‌گوید که صاحبان این طرز فکر از یک طرف با اشاعه اینکه اسلام
مخالف هرگونه نوگرایی است بهانه به دست مردم جاهل می‌دهند و از سوی دیگر جاهلین
ناآگاه از اصول راستین اسلام نیز، با تقلید، غرب‌زدگی، اشاعه و اعتقاد به اینکه سعادت مردم
مشرق زمین در این است که جسماً و روحاً، ظاهراً و باطناً فرنگی بشوند باعث متأثر شدن اذهان
ناآگاه به سوی خود شده‌اند (مطهری، ۱۳۵۷، ص. ۱۱۸).

مطهری شکل‌گیری این جمود و جهالت را به دلیل عدم توجه به مقتضیات زمان و عدم
شناخت اصولی می‌داند که در بطن دین اسلام نهفته است و چندان به آن‌ها توجه نمی‌شود؛
از جمله اصولی که او بر آن‌ها تأکید دارد عبارت است از توجه به روح و معنی و بی‌تفاوتی
نسبت به قالب و شکل (مطهری، ۱۳۵۷، صص. ۴۱۳-۳۹۸).

۳-۴. سیمین دانشور

سیمین دانشور در اثر کلاسیک خود، سووشون جامعه‌ای آشوب‌زده و دارای وضعیتی بحرانی
را توصیف می‌کند. وی با الگوگیری خلاقانه از طاعون آلبر کامو، به شکل نمادینی این بحران‌ها
را به عنوان بیماری نشان داده است؛ و می‌گوید که همه‌جا یا تیفوس است یا هراس از آن. همه
مردم، در تیفوس گرفتارند؛ شهر و روستا در تیفوس می‌سوزد و مریض‌خانه‌ها پر است. از سوی
دیگر تضادهای میان نظام رعیتی-خانی، جنگ جهانی و پیامدهای آن برای ایران که منجر
به حضور خارجی‌ها شده و دخالت خارجی‌ها و استعمارگران در همه جنبه‌های زندگی مردم
مشکل ایجاد کرده است؛ و همچنین بحران‌های اقتصادی به‌ویژه بحران نان از مهم‌ترین مسائلی
است که در رمان مطرح می‌شود. دیگر آنکه، مسئله زمین‌داری و برخورد حاکمیت با آن و
تلفی‌های متفاوت از آن نیز در این رمان برجسته است، همچنین مسئله کوچ عشایر در این رمان
بسیار برجسته است. نویسنده سووشون هرچند با اصل زمین‌داری بزرگ مخالفتی نمی‌کند؛ اما

از اساس با زندگی عشایری و کوچ‌نشینی مخالف است. دانشور بارها از زبان یوسف این نوع زندگی را سرزنش می‌کند و می‌گوید: «یوسف نی‌قلیان را گذاشت زیر لیش و گفت: خودتان هم وضع فعلی را ترجیح می‌دهید. اگر خود شما کمک می‌کردید، شاید کار اسکان به جایی می‌رسید» (دانشور، ۱۳۸۰، ص. ۴۷). دانشور درجایی دیگر می‌گوید:

یوسف گفت: ... رستم بیا از این راهی که پیش گرفته‌ای برگرد. بیا برای حداقل، یک ایشوم، یک تیره، جا و جو و اعتقاد بساز. حرفه پادشان بده... ملک سهراب حرف یوسف را برید و گفت: این‌ها که گفتید به خوی ما نمی‌خواند. ما آزاد زندگی کرده‌ایم... افراد ما عاشق همین نوع زندگی هستند که دارند. اگر مستقر بشوند دلشان می‌گیرد. یوسف گفت: چون فقط همین نوع زندگی را شناخته‌اند؛ اما سهراب جان، وقتی آدم روی زمین کشت کرد و پای زمین زحمت کشید و حاصلش را برداشت، به زمین وابسته می‌شود (دانشور، ۱۳۸۰، ص. ۵۳).

وی زمین‌داران را نیز به دو دسته زمین‌دار عمده خوب و زمین‌دار عمده بد تقسیم می‌کند. از نظر دانشور، مثال یوسف در سووشون نمونه زمین‌دار خوب و مثال ابوالقاسم خان نمونه زمین‌دار عمده بد است. در این روایت داستانی، یوسف در گفتگو با دو خان دیگر، یعنی رستم و سهراب بیانگر این مدعاست که زمین‌داران بد، به دوشیدن رعیت‌هایشان عادت کرده‌اند و بین آن‌ها با گوسفندانشان فرقی نمی‌گذارند؛ و می‌گوید:

... من سهم رعیتم را تمام و کمال می‌دهم و مازادش را می‌آورم شهر. به‌جای بی‌انصاف‌هایی که هم سهم رعیت و هم خوراک مردم هم‌وطنشان را فروخته‌اند به قشون خارجی. ما پنج نفریم و همه‌مان هم ملاک عمده‌ایم و دو تاملان عضو انجمن شهرند، هم قسم شده‌ایم که آذوقه شهر را در اختیار بگیریم. شهردار را هم موافق کرده‌ایم. می‌دانم که آن‌قدر مردانگی داری که ما را لو ندهی. این را هم بدان که من محتکر نیستم. محتکر آن‌هایی هستند که آذوقه همشهری‌های مرا می‌فرستند به شمال آفریقا... (دانشور، ۱۳۸۰، ص. ۴۷).

و بدین ترتیب حاکمیت زمانه در سووشون، مصداق عینی از سلطهٔ ظالم است؛ و در زمانه‌ای که مردم در تأمین مایحتاج روزانه خود درمانده‌اند حاکم دست در دست اشغالگران خارجی دارد و به ریخت‌وپاش مشغول است.

آن روز عقدکنان دختر حاکم بود. ناناها با هم شور کرده بودند و نان سنگکی پخته بودند که نظیرش را تا آن وقت هیچ‌کس ندیده بود... تقدیمی صنف ناناها به حکمران عدالت‌گستر... در موقعی که نان خریدن از دکان‌های

نانوایی کار رستم دستان بود... آذوقه شهر را از گندم گرفته تا پیاز قشون اجنبی خریده بودند... عزت‌الدوله در کیف را گشود و یک کیسه پر از نقل و سکه سفید درآورد و روی سر عروس ریخت و برای آن‌که افسرهای خارجی خم نشوند به دست خودش یکی یک سکه طلا کف دست یک‌یک آن‌ها و خانم حکیم گذاشت... زری اندیشید: همه جمع‌اند. مرهب و شمر و یزید و فرنگی و زینب زیادی و هند جگرخوار و عایشه و این آخری هم فضا (دانشور، ۱۳۸۰، صص. ۹-۵).

۴-۴. جلال آل احمد

به تعبیر آل احمد، وضعیت اجتماعی در ایران «جنگ تضادها» بود. تضادهایی که عمدتاً به دلیل بی‌توجهی و غرب‌زدگی تصمیم‌گیرندگان ایجاد شده بود. تضاد حضور تراکتور در روستا به پشتوانه پول نفت و نابودی سامان‌های سنتی روستا، رشد شهرنشینی بر اثر افزایش مهاجرت روستاییان، رشد مصرف‌گرایی متکی بر واردات، از بین رفتن صنایع محلی بر اثر ورود ماشین، تعارض اعتقادات خرافی با صنعت جدید، آزادی ظاهری زنان و تضاد میان اعتقادات مذهبی نود درصد مردم با فرهنگ آموزشی غرب‌زده و هرهری پرور، همگی محصول تضادها بود. وی همچنین خطرناک‌ترین تضاد را همسایگی با شوروی و اتخاذ مواضع قرون‌وسطایی و محافظه‌کارانه و نتایج مخرب آن نوع دیگر تضادها می‌دانست (وحدت، ۱۳۹۵، صص. ۹۴-۷۳).

آل احمد، تفاوت «شرق و غرب» را در دو بخش از جهان، بر مبنای تفاوت اقتصادی می‌داند که می‌توان نتایج آن را در شاخص‌هایی چون دستمزد، درآمد سرانه، میزان مرگ‌ومیر، خدمات اجتماعی، میزان کالری مصرفی و ... مشاهده کرد. در تمام این شاخص‌ها به‌استثنای «مرگ‌ومیر» غرب از وضعیت بسیار مناسب‌تری نسبت به شرق برخوردار است. این وضعیت از نظر او نشان‌دهنده جهانی است که به دو دنیای مختلف تقسیم شده است. دنیایی که در آن بخشی از کشورها (غرب-توسعه‌یافته) برای ساختن، پرداختن و صادر کردن سازمان یافته‌اند و دنیای دیگری که (شرق-توسعه‌نیافته) در جهت مصرف کردن و فرسودن است؛ یکی سازنده و دیگری مصرف‌کننده است. به نظر آل احمد جامعه ایران با وضعیت پیچیده‌ای از تقابل فقر و ثروت مواجه بود که تأثیر آن را باید در عدم حفظ شخصیت «فرهنگی-تاریخی» و اضمحلال هویتی شرق در برابر غرب دانست. وی در مورد شخصیت غرب‌زده که آن را ملغمه‌ای از «انفراد بی‌شخصیت» و «شخصیت خالی از خصیصه» توصیف می‌کند، می‌نویسد:

تنها مشخصه او که شاید دستگیر باشد و به چشم بیاید، ترس است و اگر در غرب شخصیت افراد فدای تخصص شده است، اینجا آدم غرب‌زده، نه شخصیت دارد، نه تخصص! فقط ترس دارد. ترس از فردا، ترس از معزولی، ترس از بی‌نام و نشانی، ترس از کشف خالی بودن انبانی که به‌عنوان مغز روی سرش سنگینی می‌کند (وحدت، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۲).

او همچنین به بحران ماشین‌زدگی اشاره کرده و آن را ناشی از سرعت تحول کمی ماشین و تکنیک می‌داند که متعلق به جوامع پیشرفته غربی است. عوارض چنین بحرانی، به نظر او از طرفی در گرایش‌های خشونت‌آمیز فاشیستی و شبه فاشیستی و ... که هر چند وقت یک‌بار در غرب رشد می‌کنند، می‌توان دید و از طرف دیگر در میان توده‌گرایی فرهنگی مردم، یکدستی آنان و نیاز به قهرمان‌سازی‌های از پیش آماده‌ای که در شکل ستاره‌های سینما و فضانوردان و ... به پشتوانه کمپانی‌های بزرگ در وسایل ارتباط جمعی مطرح می‌شود، مشهود است. به نظر او این مسائل از عوارض دست‌درازی ماشین به حوزه بشریت و در نتیجه ایجاد یک آدم جدید به‌وسیله ماشین است؛ اما چنین سیاست‌ها و مسائلی چندان با برزخ اجتماعی ما که به‌عنوان غرب‌زدگی توصیف شده است ارتباطی ندارد، بلکه ما تنها با عوارض آن به گونه دیگری مواجه هستیم.

آل احمد، در سه داستان بلند خود،^۱ توصیفی انتقادی از مسائلی مانند استبداد، وابستگی، استعمار، بی‌هویتی، سرگردانی و بیگانگی روشنفکران از جامعه و حکومت و همچنین یأس و پوچی جامعه فکری دوران پس از کودتا دارد. وی همچنین در سه مقاله دیگر که در سال ۱۳۴۱ نوشت به انتقاد از نسل معاصر خویش می‌پردازد که گذشته‌اش را فراموش کرده و به «تقلید و میمون مآبی» پرداخته است (آل احمد، ۱۳۵۵، ص. ۳۷). وی چنین نسلی را حاصل دوره‌ای «بی‌رنگ‌بو» و «خالی از حماسه و شور» می‌داند. روزگاری که سرشار از بطالت و رفع تکلیف است و در پراکندگی و نابسامانی انسان‌هایش هم اختلاف و دعوایی به چشم نمی‌خورد؛ و افراد همچون جزایری تک‌تک و بی‌رابطه هستند که در میان دریایی از بی‌خبری و یکدستی حتی در اعتراضشان هم نمی‌توان از آن‌ها، جز ناله‌ای بی‌ثمر شنید (آل احمد، ۱۳۵۵، ص. ۱۱)؛ بنابراین غرب‌زدگی را باید تلاش او برای توصیف منسجم‌تر چنین جامعه‌ای دانست.

۱. سرگذشت کندوها (۱۳۳۷)، مدیر مدرسه (۱۳۳۷) و نون و القلم (۱۳۴۰) به‌عنوان کنش‌گفتاری قصد شده در ارتباط با گستره زندگی وی (دوران انشعاب و نگرستن در خویش) و پرسش‌ها و استدلال‌های فکری رایج زمانه (۱۳۴۱-۱۳۳۲).

در هر سه مقاله دیگر که حال در قالب کتاب واحدی در آمده است، مقدمه‌ای با عنوان «فریادی از سر چاه» دارد که در همان ابتدا جلال از سر درد و اعتراض و چه بسا ناامیدی می‌نویسد: «سرگذشت اباطیلی که این دفتر را انباشته خود بهترین معرف روزگار صاحبان قلم است. روزگاری بی‌رنگ و بو. سرگذشتی خالی از حماسه و شور. پر از بطالت و رفع تکلیف. دست‌ها کوتاه و صفی پراکنده...» (آل احمد، ۱۳۵۵، ص. ۱۱).

۵-۴. احمد شاملو

هر چند برخی از مهم‌ترین و زیباترین اشعار احمد شاملو را، شعرهای عاشقانه او تشکیل می‌دهند؛ اما او را بیش از هر چیز به عنوان شاعری اجتماعی می‌نامند یا شاعری سیاسی، آن‌گونه می‌شناسند که دیگران می‌نامند. در شعر شاملو، همانند نیما و سایر شاعران معاصر، برای به تصویر کشیدن وضعیت نابسامان موجود بیش از همه از نماد و مفهوم «شب» استفاده شده است. نماد شب در شعر معاصر، به‌طور کلی در معنی «استبداد و خفقان» به کار گرفته شده است و در وضعیت مقابل، «روز»، «سحر»، «صبح»، «ساحل»، «بانگ خروس» و... نمادهایی برای توصیف وضعیت آرمانی‌اند. تفسیر معنایی این نمادها نیز، به‌طور نسبی، در شعر همه شاعران این دوره یکسان است. در شعر شاملو نیز می‌توان استفاده مکرر از این نمادها بخصوص نماد شب را در همان معنای متداول مشاهده کرد. کثرت استفاده از این نماد در اشعار شاملو به‌گونه‌ای است که در نزد منتقدین و مفسرین اشعار او، مجموعه‌ای اشعار او با عنوان «شب‌نامه» نامیده شده است. نمادهایی با معانی سیاسی و اجتماعی نظیر «شب»، «افق تاریک» و «ساحل غم‌افزا»، نمادهایی هستند که کم‌وبیش در اشعار اجتماعی این دوره رایج‌اند و شاملو نیز از آن‌ها برای بیان دیدگاه‌های خود استفاده می‌کند.

«خواهید آفتاب و جهان خواهید / از برج فار، مرغک دریا، باز / چون مادری به مرگ پسر، نالید / گرید به زیر چادر شب خسته / دریا به مرگ بخت من، آهسته».

«دریا» در این شعر در راستای توصیف وضعیت موجود، نماد جایگاهی سرد و وحشت‌زاست که تنها جثه‌های «کبود ورم کرده» را به «ساحل» می‌فرستد و شاعر از آن بیزار است:

«می‌گیردم ز زمزمه تو دل / دریا! خموش باش دگر دریا! / با نوحه‌های زیر لبی امشب / خون می‌کنی مرا به جگر دریا / خاموش باش من ز تو بیزارم / وز آه‌های سرد شبانگهت / وز حمله‌های موج کف آلودت / وز موج‌های تیره جانکاهت / ای دیده دریده سبز سرد / شب‌های مه‌گرفته دم کرده / ارواح دورمانده مغروقین / با جثه کبود ورم کرده / بر سطح موج‌دار تو می‌رقصند...»

همچنین در شعر «ماهی» از مجموعه «باغ آینه»، در مقابل با نمادهای «شام مرگ‌زای» و «شوره‌زار یاس» که نماد وضعیت موجود هستند، از نمادهای «خورشید» و «جنگل شاداب» می‌توان به‌عنوان نمادهای وضع آرمانی نام برد:

«احساس می‌کنم / در بدترین دقایق این شام مرگ‌زای / چندین هزار چشمه خورشید / در دلم / می‌جوشد از یقین / احساس می‌کنم / در هر کنار و گوشه این شوره‌زار یاس / چندین هزار جنگل شاداب / ناگهان / می‌روید از زمین...»

در تطابق با معانی حاکم بر همه اشعار دوران، «شام مرگ‌زای» نماد «استبداد و خفقان» و «خورشید»، نماد «امید» است. همچنین «شوره‌زار یاس»، نماد «وطن گرفتار در چنگ استبداد» و «جنگل شاداب»، نماد «امید و آرزو» به پیروزی است (جمعی از پژوهشگران اندیشه و تاریخ ۱۳۹۹، صص. ۶۵-۶۴).

۶-۴. علی شریعتی

در این دوران، علی شریعتی متفکر ایرانی، با تأثیرپذیری از آرای جلال آل احمد و هربرت مارکوزه، مردم ایران را گرفتار استبداد دیرینه و استعمار جدیدی می‌دید که از حدود یک قرن پیش از وی، بر عالم زندگی ایرانیان حاکم بوده و سایه سلطه پایدار استبداد را سنگین‌تر کرده بود.

شریعتی برای پاسخ به پرسش چرایی درباره وضعیت زمانه خود به تاریخ مراجعه می‌کند و به همین معنا از رهیافت «آغاز از پایان» که همان معنای «تاریخ اکنون» را دارد، استفاده می‌کند. به این معنا که فهم امور و یافتن پاسخ به پرسش‌ها در رجوع به گذشته نیست، بلکه در تبیین حال از طریق گذشته است. برای شریعتی «تاریخ اکنون»، یک «تاریخ تبیینی» است که از چرایی و چگونگی «اکنون» می‌پرسد؛ و نوعی آسیب‌شناسی تاریخی به شیوه هرمنوتیک ژرفایی تاریخ است. اگر فلسفه تاریخ جهت، معنا و غایتی در تاریخ را نشان می‌دهد که در پرتو آن هر اکنونی را می‌توان فهمید، تاریخ تبیینی، کاملاً عینی و اکتشافی به آنچه به ساختن اکنون ما منجر شده، می‌پردازد؛ «بایستی مسائل تاریخی را به‌صورت انضمامی و عینی و باینش دیالکتیکی نگریست و قضاوت کرد. چه، در غیر این صورت، قضاوت درباره آن‌ها قضاوتی نادرست خواهد بود» (شریعتی، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۱۱). باید پذیرفت که نفس وجود تضاد دیالکتیکی در داخل یک جامعه مثل تضاد طبقاتی و فقر، استبداد، استثمار و استعمار... که در داخل (جامعه) تضاد دیالکتیکی ایجاد می‌کند، عامل حرکت نمی‌شود. باید بپذیریم که دیالکتیکی داریم به نام «دیالکتیک منجمد»، «دیالکتیک تعطیل شده»، «دیالکتیک منتظر» یا «دیالکتیک فلج»؛ زیرا آنچه

عامل حرکت در جامعه می‌شود وجود تضاد دیالکتیکی نیست، بلکه خود آگاهی جامعه نسبت به وجود تضاد دیالکتیکی در جامعه‌اش است (شریعتی، بی‌تا، ج ۳۰، ص ۱۴).

بر اساس یک «تاریخ آگاهی انتقادی» و با روش «هرمنوتیک ژرفایی»، شریعتی وضع موجود در کشورهای «جهان سوم» را در رابطه و پیوندی که با مدرنیته داشته‌اند تحلیل می‌کند. در این سطح، شریعتی از منظر یک متفکر «پسا استعماری» دو مقوله تمدن و تجدد را مورد بحث قرار می‌دهد. به نظر او، تمدن در بردارنده فرایند طولانی توسعه در یک جامعه است؛ اما تجدد جوامع جهان سومی معاصر، صورت مجعول آن فرایند است. در واقع چنین تجدیدی نشانه‌گرایی اساساً ویرانگر در جهان غیر غربی معاصر است که از فشارهای مختلف درونی و بیرونی سلطه و استثمار در طی صد و پنجاه سال گذشته رنج می‌برد. او رویکرد استعمار را دو نوع برخورد با فرهنگ و تمدن شرقی شناسایی می‌کند. یکی آنکه وجود یک فرهنگ و تمدن را نفی می‌کند و دیگری آنکه آن‌ها را تحریف می‌کند. به تعبیر او، استعمارگران لزوماً فرهنگ شرقی و تاریخ آن را نفی نمی‌کنند، بلکه می‌کوشند که استعمار شدگان را متقاعد سازند که «موجود درجه دوم» و «ناتوان از اندیشیدن» هستند.

به نظر او بدیهی است که تداوم سلطه استعماری نیازمند عوامل و عناصر خاص خویش است. از جمله مؤثرترین این عوامل در عصر استعمار مدرن، بورژوازی کمپرادور، یعنی بورژوازی غیر غربی است که واسطه عمل بورژوازی غرب در کشور خودش می‌شود. بورژوازی کمپرادور واسطه‌های بورژوازی در کشورهای دنیای سوم و به‌ویژه مستعمره و کشورهای وابسته‌اند و نماینده فروش و واسطه مصرف کالای صنعتی غرب در جامعه سنتی می‌باشند (شریعتی، بی‌تا، ج ۳۰، ص ۶۵).

بدین ترتیب استعمار، استبداد و استثمار که با بهانه ضرورت تجدد توجیه شده‌اند همگی صدمات عمیقی بر مردم جهان سوم تحمیل کرده‌اند. مردم در آسیا و آفریقا به مصرف کنندگان تولیدات اروپایی تبدیل شده‌اند تا الگوهای مصرفی جدید را بپذیرند (شریعتی، بی‌تا، ج ۲۱، صص. ۳۷۴-۳۷۸).

۷-۴. اصحاب تأویل

تأمل در نخستین نوشته‌های اصحاب حلقه تأویل (مانند کتاب آسیا در برابر غرب، نوشته شایگان یا نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت، نوشته سید حسین نصر و همچنین اظهارات محمدحسین طباطبایی در محفل‌های شمیران و در که تهران) نشان می‌دهد که اینان از منظر متفاوت و کاملاً بی‌سابقه‌ای به تعریف و ترسیم پریشانی یا بحران می‌پرداختند (Smith, 1992, P. 3-4). از نگاه

اینان، حیاتی‌ترین بحران‌های جهان اسلام عبارت بودند از: گرایش مسلمین به ترک هویت خود و تقدیس هویت غربی، افول معنویت همسو با سکولار شدن جهان مسیحیت و اسلام، نابودی طبیعت به واسطه میل فزاینده بشر مدرن به تولید و مصرف، گرایش متفکران اسلامی به ارزش‌های مدرن غربی، فرو کاستن سنت به دین حکومتی، ترک فکر و اتکا به ذکر و نیز روندهای اجتماعی - اقتصادی به سبک مارکسیست‌ها، نابودی معماری سنتی و رشد حیرت‌انگیز ساختمان‌های زشت در قاهره، تهران و جا کارتا.

سید حسین نصر در پاسخ به این پرسش که «بحران اساسی ایران چیست؟» خاطر نشان می‌سازد:

بحران اساسی ایران جدا از بحران دیگر جوامع نیست. در غرب هم‌اکنون دو بحران وجود دارد، یکی بحران در درون تمدن غرب که بسیار مهم است، چون بر تمام جهان اثر دارد و دیگری بحران ناشی از برخورد تمدن غربی با تمدن سنتی جوامع غیر غربی؛ چراکه با وجود بی‌هویت شدن فرهنگ غربی، این فرهنگ با دیگر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها نیز برخورد دارد و انسان شرقی نمی‌تواند از آن توشه بگیرد (کاویانی، ۱۳۷۴، ص. ۳۵).

نصر گسست بین شرق و غرب را معضلی می‌داند که پریشانی‌های موجود را افزون‌تر می‌کند. لذا هر گونه قهر و گسست را مایه پریشانی بیشتر می‌شمارد. از نگاه او پیوند میان شرق و غرب گریزناپذیر است و ایران با حفظ استقلال فکری، فلسفی و سیاسی - فرهنگی خود چاره‌ای ندارد جز اینکه عمیق‌ترین دانش را از آنچه در جهان کنونی می‌گذرد در همه زمینه‌ها کسب کند، نه مانند برخی کشورهای اسلامی دچار این خطا شود که دانش‌ها را فقط محدود به فیزیک و بیولوژی و زمین‌شناسی کند و از شناخت فلسفه، جامعه‌شناسی و علوم انسانی غربی که از آن جدایی‌ناپذیر است سرباز زند (کاویانی، ۱۳۷۴، ص. ۳۷).

بر اساس بحران‌ها و پریشانی‌های مذکور (نفی میراث مقدس مانند هنر سنتی و اماکن دینی و زدودن امر قدسی از لابه‌لای عالم)، از منظر اصحاب حلقه تأویل، می‌توان پریشانی‌های فرعی که معلول آن پریشانی بنیادین هستند را به این شرح برشمرد:

۱. سیطره کمیت بر کیفیت زندگی؛
۲. رنگ باختن تعالیم ذوقی و مابعدالطبیعه در آموزه‌های نوین؛
۳. رشد روزافزون تجددگرایی با محوریت اومانیسم؛
۴. اکتفا به قشر دین از سوی بنیادگرایان سلفی وهابی؛
۵. نابودی محیط‌زیست به واسطه رشد مصرف، تولید و شهرنشینی (گنون، ۱۳۹۶، ص. ۵).

سینمای معترضی

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، سینمای ایرانی همانند دیگر عرصه‌های فعالیت اجتماعی روزنه‌های جدیدی را برای تأمل در وضعیت موجود و جستجو برای رهایی از آن گشود؛ و به مرور و با ظهور کارگردانی که نقد رادیکال اجتماعی را در فیلم خود به نمایش می‌گذاشتند، دچار تحول شد. ابراهیم گلستان از جمله اولین نمونه‌های فیلم‌سازی است که در آثار خود توانست نه تنها تلنگری جدی بر پیکره رخوت گرفته جامعه وارد آورد، بلکه با جذب تماشاگران زمینه را برای تبدیل سینما به عرصه‌ای برای گفتگوی فراگیر اجتماعی گشود. «خشت و آینه» را می‌توان نخستین فیلمی دانست که در این زمینه موفق عمل کرد. پس از آن بود که نسل جدید سینماگران جوان ایرانی رخ نمود و در آثاری چون «گاو»، «قیصر»، «آرامش در حضور دیگران» و «رگبار» خود را به نمایش گذاشت. از سوی دیگر در همین سال‌ها ناصر تقوایی نیز توانست در اولین گام سینمایی خویش، لایه دیگری از اجتماع - طبقه متوسط - را به تصویر کشد که با وجود سطح پر از زرق و برق زندگی خود، در درون دچار فساد بنیادین است و در نتیجه راهی جز پوچی و یأس را پیش روی خود نخواهد دید (علوی پور، ۱۳۹۸، صص. ۵۲۷-۵۰۷).

از دیگر مفاخر سینمایی در این عرصه فیلم گاو ساخته داریوش مهرجویی است. خمیرمایه اصلی این فیلم که از داستان چهارم مجموعه داستانی *عزاداران بیل* نوشته غلامحسین ساعدی اقتباس شده است، روایت مسخ انسانی است که در جامعه دچار فقر و قحطی، همواره در معرض غارت و استعمار دیگران زندگی می‌کند. اهالی روستایی که معلوم نیست کجا هستند. در عین حال که به سختی مشغول گذران زندگی روزمره خود می‌باشند، همواره در معرض تهاجم بلوری‌ها که یادآور باج‌گیران حکومتی است، هستند و در تصویر سایه سه مرد جلوه می‌کند که به غارت اموال روستاییان مشغول‌اند. در این شرایط کسی که تمام زندگی خود را در کار طاقت‌فرسا و ابزار آن معنا می‌کرد، دیگر زندگی در میان اجتماعی که حتی توانی برای جلوگیری از غارت بلوری‌ها ندارد. مهرجویی به نقد جامعه خویش مشغول است و مشکل را فریب درونی می‌انگارد که در بهره‌کشی از روستاییان در وضعیت موجود تا آنجا پیش می‌روند که نشان دهد، آن‌ها را از ابتدایی‌ترین حقوق خویش نیز محروم می‌کنند. این استعمارگران البته هر نوع تغییر در این وضعیت را بر نمی‌تابند و به دنبال آن هستند که با خروج عامل بحران (مش حسن) از محل، اوضاع را به شرایط عادی بازگردانند (علوی پور، ۱۳۹۸، صص. ۵۲۷-۵۰۷).

مسعود کیمیایی از سال ۱۳۴۷ فعالیت خود را به فهم آنچه در لایه زیرین اجتماع جاری است معطوف نمود. فیلم قیصر روایت استیصال و طغیان مردمی است که از یک سو زندگی مألوف اجتماعی خود را از کف داده‌اند و از سوی دیگر در چنگال نهادهای مدرن و تحمیلی حکومت پلیسی و دادگاه‌های مدرن - عزت و شرافت خویش را در خطر می‌بینند.

این مردم هم از اعاده آنچه پیش‌تر داشته‌اند مایوسند و همچنان در ناتوانی و بیگانگی مدرن خویش غرق شده‌اند که راهی برای رهایی از [ظلم] نمی‌یابند ... مسئله آن است که نظم جدید به همراه خود، شیوه‌های تعاملی و هنجارهایی را نیز به ارمغان آورده است که پذیرش آن‌ها و عدم مقابله متکی به میراث با این نظم، می‌تواند فاجعه را به دنبال آورد. فاجعه‌ای که با قتل فرمان به دست برادران آب‌منگل (آن‌هم با استفاده از چاقو!) به اوج خود می‌رسد. فرمان شاید از این آینده باخبر بود؛ او به طعنه به برادران آب‌منگل یادآور شده بود که اگر زمانه دیگری بود، برادران فرد گناهکار خودشان در اجرای عدالت تردید نمی‌کردند (علوی پور، ۱۳۹۸، صص. ۵۲۷-۵۰۷).

نتیجه‌گیری

موضوع و پیرنگ این نوشتار، مراجعه پدیدارشناسانه به «تشخیص بحران‌های زمینه‌ای - آستانه‌ای انقلاب اسلامی» به وسیله متفکرین نام آشنا و فعال در حوزه تألیف کتاب و تولید فیلم در سینما، در ایران سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ است. این کار با اتکا به رهیافت دیالکتیکی گادامر برای ممکن کردن تقریب ذهن امروزمین به افق فکری شخصیت‌های مورد نظر انجام شده است. هر چند تصریح کامل کاربرد این روش در چهارچوب این مقاله ممکن نبود؛ اما با توجه به هم‌عصر بودن این پژوهشگر با همه شخصیت‌های فوق، این پژوهش چندان ناممکن هم نبود. کاری که در این پژوهش انجام شد، تشخیص و تحلیل مضاعفی از نوع بحران‌های موجود در جامعه ایرانی منتهی به انقلاب ۵۷، برای فهم بهتر آن‌هاست؛ یعنی اینکه ما می‌توانیم با توجه به دسته‌بندی انواع بحران‌ها در ادبیات علمی بحران‌شناسی، بحران‌هایی که این شخصیت‌ها با آن‌ها مواجه بودند و آن‌ها را با توجه به تجربه زیستی خود توصیف کرده‌اند بهتر بفهمیم. لذا می‌توان گفت که همه شخصیت‌های فوق، بحران مشروعیت، بحران ناکارآمدی و بحران فرهنگی - هویتی را علاوه بر بحران‌های اقتصادی در جامعه ایران شناسایی کرده‌اند؛ و در کنار سایه سنگین استعمار خارجی و استبداد داخلی به بررسی میزان تأثیرگذاری استثمار درونی که به وسیله قدرتمندان اجتماعی تحمیل می‌شد، رسیدند و توانستند بسیار زیرکانه آن را در قالب

کتاب و فیلم انعکاس دهند. بدون آنکه فعالیت سیاسی ضد حکومتی آشکار و مستقیمی را در آثار خود خلق کنند.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: نویسنده به تنهایی در آماده‌سازی مقاله نقش داشته است.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

- آل احمد، جلال (۱۳۵۵). سه مقاله دیگر. تهران: نشر رواق.
- بسته نگار، محمد (۱۳۵۹). مناره‌ای در کویر. مجموعه مقالات آیت‌الله طالقانی، جلد اول توحید و استبداد. تهران: نشر قلم.
- پیران، پرویز (۱۳۸۴). پیامدها و واکنش‌های آشکار ناشی از بحران‌ها و تهدیدهای اجتماعی. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۴(۱۶)، ۷۷-۱۰۳. <https://refahj.uswr.ac.ir/article-1-2222-fa.html>
- جمعی از پژوهشگران اندیشه و تاریخ (۱۳۹۹). در تاریخ فکری ایران معاصر. به اهتمام عباس منوچهری، تهران: نشر روزنه.
- دانشور، سیمین (۱۳۸۰). سووشون، تهران: انتشارات خوارزمی، چاپ پنجم.
- شریعتی، علی (بی‌تا). شیعه، مجموعه آثار ۷. تهران: مؤسسه نشر آثار دکتر شریعتی
- شریعتی، علی (بی‌تا). زن، مجموعه آثار ۲۱. تهران: مؤسسه نشر آثار دکتر شریعتی.
- شریعتی، علی (بی‌تا). اسلام‌شناسی، مجموعه آثار ۳۰. تهران: مؤسسه نشر آثار دکتر شریعتی.
- طالقانی، سید محمود (۱۳۵۲). از آزادی تا شهادت. تهران: نشر ابوذر.
- طالقانی، سید محمود (۱۳۶۰). یادنامه ابوذر زمان، گردآورنده بنیاد فرهنگی آیت‌الله طالقانی، شرکت سهامی انتشار.
- علوی پور، محسن (۱۳۹۸). کتاب دوستی دفتر اول. تهران: انتشارات روزنه.
- غنی، مهدی (۱۳۷۹). راهی که نرفته‌ایم. مجموعه مقالات برگزیده از بیست سال نشریه پیام هاجر درباره آیت‌الله سید محمود طالقانی، مجتمع فرهنگی آیت‌الله طالقانی.
- فولادیان، مجید و حمیدرضا جلالی‌پور (۱۴۰۲). در فروپاشی ساختارها و ظهور کارزمای ملی مقایسه تطبیقی انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۲۴(۴)، ۷۷-۳۵.

Doi:10.22034/jsi.2024.2036426.1729

- کاویانی، شیوا (۱۳۷۴). دیدارها: گفتگو با سید حسین نصر، احسان یار شاطر و دیگران. تهران: نشر فکر روز.
- گنون، رنه (۱۳۹۶). سیطره کمیت و علائم آخرالزمان. ترجمه علی محمد کاردان، تهران: نشر دانشگاهی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۷). نظام حقوق زن در اسلام. قم. نشر: صدرا، چاپ هشتم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۱). بررسی نهضت‌های اسلامی در صدساله اخیر. تهران: نشر صدرا، چاپ شانزدهم.
- ملایی توانی، علیرضا (۱۳۸۸). زندگینامه سیاسی آیت‌الله طالقانی. تهران: نشر نی.
- وارینگتون، مارنی هیوز (۱۳۸۷). تاریخ‌نگاری از دیدگاه رابین جورج کالینگوود. ترجمه غلامحسین نوعی، تهران: نشر آزاد.
- وحدت، فرزین (۱۳۹۵). رویارویی فکری ایران با مدرنیت. ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: نشر ققنوس.
- Bernstein, R. (1985). *Beyond Objectivism and Relativism*. University of Pennsylvania, Philadelphia.
- Grätzel, S (2007). *Grundlagen der praktischen Philosophie: Bd. 2. Methoden der praktischen Philosophie: Phänomenologie, Hermeneutik, Dialektik*, London:urnshare.
- Krämer, H. M. (2018). *Sprache als Medium der Hermeneutischen Erfahrung*. https://www.audimax.de/fileadmin/hausarbeiten/literatur/Hausarbeit_Literatur_Sprache_als_Medium_der_hermeneutischen_Erfahrung_web_axh1023.pdf
- Moran, D. & Mooney, T. (ed). (2002). *The Phenomenology Reader*.Routledge, New York.
- Sartori, A. (2007). *Approaches to Intellectual History*. columbia university press new york.
- Smith, H. (1992). *Forgotten truth: The common Vision of The Words Religious*. NewYork, Hooper.
- Vetter, H.(2007). *was ist Phänomenologie*. Tagungsbricht Das Wesentliche Sehen, Jahrgang.
- Waldenfels, B. (1992). *Einführung in die Phänomenologie W*. Fink, München. German.

بهره‌برداری آمریکا از انقلاب‌های رنگی در روابط با روسیه^۱

الهه کولایی^۲

Doi: 10.22034/FADEMO.2024.478718.1055

فاطمه عرفانی^۳

چکیده: اندیشمندان انقلاب‌های رنگی به تغییرهای مهمی در ساختارهای سیاسی و اجتماعی کشورهای غربی که آن را تجربه کردند، منجر شده که با ابزارهای غیرنظامی و بسیج اجتماعی برای تغییر رژیم‌های بسته دنبال شده است. آمریکا برای گسترش دموکراسی و ارزش‌های غربی از این انقلاب‌ها بهره‌برده است. نمونه‌های صربستان، گرجستان، اوکراین، قرقیزستان، ارمنستان، مصر و تونس از سیاست‌های این کشور تأثیر پذیرفته‌اند. سیاست‌های آمریکا در دموکراتیک‌سازی پس از جنگ سرد تغییرهای قابل توجهی داشته است. این کشور کمک‌های مالی، آموزش و حمایت از رسانه‌های مستقل را دنبال کرده است. این سیاست با واکنش‌های منفی روسیه روبرو شده که نگران تضعیف نفوذ خود و افزایش نفوذ غرب است. روسیه کوشیده است با ابزارهای دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی از این انقلاب‌ها جلوگیری کند. این مقاله به بررسی رویارویی روسیه و طرح‌های دموکراتیک‌سازی آمریکا در خاورمیانه و خارج نزدیک می‌پردازد. فرضیه اصلی نویسندگان این است که انقلاب‌های رنگی در این مناطق به‌عنوان ابزاری برای تأثیرگذاری بر رژیم‌های سیاسی حاکم، با سیاست‌های آمریکا شکل گرفته و بر روابط دو کشور تأثیر گذاشته

۱. این مقاله بخشی از یک طرح پژوهشی است که با حمایت مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی دانشگاه تهران انجام شده است.

۲. استاد گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
ekolaee@ut.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.
fatemeh. Erfani@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۰۵

دوفصلنامه انقلاب پژوهی | سال دوم، شماره ۳ | بهار و تابستان ۱۴۰۳ | صفحات ۵۰-۲۷

<https://trs.ri-khomeini.ac.ir/>

است. هدف این نوشتار تحلیل سیاست‌های روسیه و تأثیر انقلاب‌های رنگی بر روابط این کشور با آمریکاست. در این مقاله مفهوم و مبانی نظری انقلاب‌های رنگی، پیشینه شکل‌گیری، نمونه‌های مختلف آن، سیاست‌های ایالات‌متحد با عنوان دموکراتیک‌سازی، واکنش روسیه و تأثیر این انقلاب‌ها بر روابط دو کشور بررسی می‌شود. تأثیر انقلاب‌های رنگی بر روابط روسیه و آمریکا، نشان‌دهنده برخی از جنبه‌های تنش‌های کنونی در نظام بین‌الملل است.

کلیدواژه‌ها: انقلاب‌های رنگی، آمریکا، روسیه، خارج نزدیک، دموکراتیک‌سازی، خاورمیانه.

مقدمه

در دهه‌های اخیر روند تحولات در اوراسیای مرکزی و خاورمیانه شدت یافته است. پدید آمدن انقلاب‌های رنگی به‌عنوان ابزاری برای اصلاحات در این مناطق مورد استفاده قرار گرفته‌اند. نقش عوامل داخلی و خارجی با هدف تغییر رژیم‌های سیاسی و اجتماعی برجسته شده است. پژوهش در مورد روند شکل‌گیری انقلاب‌های رنگی در این مناطق و راهبردها و واکنش کشورها به این انقلاب‌ها بازتاب رقابت‌های ژئوپلیتیکی در این مناطق و جهان است. نمونه‌های موفقیت‌آمیز انقلاب‌های رنگی در گرجستان، اوکراین و ارمنستان به تغییرهای چشمگیری در این کشورها منجر شده است. روابط روسیه و ایالات‌متحد در زمینه سیاست‌های دموکراتیک‌سازی، به‌ویژه در مناطقی مانند اوکراین و گرجستان پیچیده بوده و به تشدید تنش‌ها در میان دو کشور منجر شده است. پیامدهای عملی و تجربی انقلاب‌های رنگی، تأثیر گسترده‌ای بر سیاست، امنیت و روابط بین‌الملل داشته است. این مقاله با روش کیفی و با رویکرد توصیفی - تحلیلی به مفهوم و مبانی نظری این انقلاب‌ها و آثار و پیامدهای آن پرداخته است.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های بسیاری در زمینه انقلاب‌های رنگی انجام شده است که این پدیده را از دیدگاه‌های متفاوت مورد بررسی قرار می‌دهند و درک عمیق‌تری از فرایندهای سیاسی، اجتماعی آن ارائه می‌کنند. این انقلاب‌ها به‌عنوان تلاشی برای دموکراتیک‌سازی رژیم‌های بسته و ایجاد تغییرهای اساسی در ساختارهای سیاسی مناطق کمتر توسعه‌یافته جهان، به‌ویژه از نظر سیاسی، شناخته می‌شوند. نخست به بررسی و نقد برخی آثار در این زمینه پرداخته می‌شود تا ارتباط آن‌ها با این پژوهش مشخص شود. منابع موجود را می‌توان در دو دسته بررسی کرد: ۱. ادبیات نظری مربوط با انقلاب‌های رنگی، ۲. آثار مربوط به تجربه انقلاب‌های رنگی در اوراسیای مرکزی و خاورمیانه.

منابع نظری

لین (۲۰۰۹) در مقاله خود با عنوان «انقلاب رنگی به عنوان یک پدیده سیاسی» به خوبی شکل های مختلف تغییر سیاسی را بررسی کرده و انقلاب های رنگی را نوعی از کودتاهای انقلابی معرفی می کند. او به شرایط موفقیت این انقلاب ها می پردازد و به پیامدهای ناخواسته ای اشاره می کند که ممکن است در پی ترویج دموکراسی به وجود آید. این تحلیل انتقادی و ارزیابی از مفهوم انقلاب های رنگی، به ویژه در زمینه های اجتماعی و سیاسی، به خواننده کمک می کند تا درک عمیق تری از این پدیده پیدا کند. با این حال این مقاله به طور کامل به آثار بین المللی و نقش قدرت های بزرگ در شکل گیری این انقلاب ها نمی پردازد. با توجه به اینکه انقلاب های رنگی به عنوان ابزاری برای گسترش دموکراسی در مناطقی که منافع روسیه و غرب در تعارض هستند، با حمایت های مالی و سیاسی از سوی آمریکا و دیگر کشورهای غربی استفاده شده اند. این مقاله می تواند به درک این موضوع کمک کند که چگونه این انقلاب ها به عنوان ابزاری برای تضعیف نفوذ روسیه به کار گرفته شده اند. به ویژه در آسیای مرکزی و قفقاز که ایالات متحده به دنبال گسترش دموکراسی و نفوذ خود است، انقلاب های رنگی به چالشی جدی برای رژیم های حاکم و نفوذ روسیه در این مناطق تبدیل شده اند.

سادیکوا و تولتیمیراوا و آراپوا (۲۰۲۳) در مقاله خود «جنبه های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک انقلاب های رنگی» به بررسی تأثیرات جهانی شدن بر جوامع و دولت های سنتی می پردازند. این مقاله به تحلیل ارتباط انقلاب های رنگی و تحولات ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک می پردازد و تأثیر این انقلاب ها بر تصمیم گیری های ملی و قدرت شهروندان در جوامع مختلف بررسی می کند. پژوهشگران استدلال می کنند که جهانی شدن نه تنها موجب تضعیف نهادهای دولتی محلی شده، بلکه با قرار دادن کشورهای آسیب پذیر در وضعیتی وابسته، آن ها را بیش از پیش به ساختارهای جهانی پیوند زده است. آن ها به ویژه تأکید می کنند که چگونه انقلاب های رنگی می توانند بر قدرت شهروندان و نقش آن ها بر فرایندهای تصمیم گیری ملی تأثیر بگذارند. این مقاله به جنبه های فرهنگی و اجتماعی که می توانند به عنوان محرک های این انقلاب ها در نظر گرفته شوند، کمتر توجه کرده است. در حالی که بسیاری از کشورهای پیرامون روسیه و در غرب آسیا تحت تأثیر این انقلاب ها قرار دارند که به آن ها کمک می کند تا از ساختارهای سیاسی و اقتصادی سنتی فاصله بگیرند و تأثیرهای خارجی را به عنوان نیروهای محرک در جهت استقرار دموکراسی به کار گیرند.

گلدستون (۲۰۰۹) در مقاله ای با عنوان «بازنگری در مورد انقلاب ها: منشأ، فرایندها و نتایج»

به تحلیل عمیق و جامع انقلاب‌ها می‌پردازد و می‌کوشد تفاوت‌های موجود در فرایندها و نتایج انقلابی را شناسایی کند. این مقاله به‌ویژه بر گونه‌های مختلف انقلاب‌ها، بر اساس مؤلفه‌ها و ویژگی‌های خاص آن‌ها تمرکز دارد و الگوی منحصر به فرد انقلاب‌های رنگی را در مقایسه با دیگر گونه‌های انقلاب‌های تاریخی بررسی می‌کند. گلدستون در این مقاله به‌خوبی توانسته است تفاوت‌های مهم میان انواع انقلاب‌ها را شناسایی کند. او با بررسی دقیق فرایندهای انقلابی به این نتیجه می‌رسد که هر انقلاب به‌طور ویژه زیر تأثیر عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی قرار دارد. این مقاله نشان می‌دهد که انقلاب‌های رنگی با حمایت‌های خارجی و آثار جهانی‌سازی همراه هستند. لذا گلدستون به‌طور کامل به ابعاد فرهنگی و اجتماعی انقلاب‌ها نپرداخته است.

ادبیات نظری مربوط با انقلاب‌های رنگی

کولی (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان «واکنش‌های منفی علیه «انقلاب‌های دموکراتیک» حمایت‌شده از سوی آمریکا در اوراسیا» به تحلیل واکنش‌های منفی کشورهای اوراسیا نسبت به انقلاب‌های دموکراتیک مورد حمایت ایالات متحده می‌پردازد. این مقاله به‌ویژه بر پیامدهای منفی این انقلاب‌ها بر نفوذ و اعتبار ایالات متحده در منطقه تمرکز دارد و چالش‌هایی را بررسی می‌کند که این انقلاب‌ها برای سیاست‌های خارجی آمریکا ایجاد کرده‌اند. او با بررسی دقیق واکنش‌های دولت‌ها و جوامع محلی، نشان می‌دهد که این انقلاب‌ها تهدیدی برای ثبات سیاسی و اجتماعی در این کشورها برآورد می‌شوند. نویسنده تأکید دارد که این انقلاب‌ها نه تنها به تقویت دموکراسی منجر نشده‌اند، بلکه در بسیاری از موارد به افزایش نارضایتی و بی‌اعتمادی عمومی نسبت به ایالات متحده و سیاست‌های آن انجامیده است. واکنش‌های منفی به انقلاب‌های دموکراتیک حمایت‌شده از سوی آمریکا به‌عنوان عامل مهمی در شکل‌گیری سیاست‌های روسیه و استراتژی‌های آن در برابر نفوذ غرب محسوب می‌شوند. روسیه به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای، فعالانه می‌کوشد نفوذ خود را در برابر تلاش‌های دموکراتیک‌سازی آمریکا حفظ کند. کولی با تحلیل واکنش‌های منفی کشورهای اوراسیا، به درک بهتری از چگونگی تأثیرگذاری این واکنش‌ها بر سیاست‌های روسیه و استراتژی‌های آن در برابر انقلاب‌های رنگی و طرح‌های دموکراتیک‌سازی کمک می‌کند. در خاورمیانه نیز، واکنش‌های منفی به این انقلاب‌ها می‌تواند به چالش‌های جدیدی برای ایالات متحده و متحدانش منجر شود. کولایی (۱۳۹۱) در کتاب *افسانه انقلاب‌های رنگی*، مجموعه مقاله‌هایی را ارائه کرده که به بررسی انقلاب‌های رنگی در اوراسیای مرکزی می‌پردازد. این کتاب نه تنها تأثیرات این انقلاب‌ها را بر جوامع و سیاست‌های منطقه‌ای تحلیل می‌کند، بلکه به مطالعه عوامل داخلی

و خارجی مؤثر بر شکل‌گیری این تحولات نیز می‌پردازد. سخنرانانی که در نشست‌های مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی مقاله‌هایشان را در مورد این انقلاب‌ها ارائه کرده‌اند، به‌طور دقیق نقش ایالات‌متحد و دیگر قدرت‌های بزرگ را در این انقلاب‌ها بررسی کرده و تحلیل‌هایی را ارائه می‌دهند که به درک بهتر پیچیدگی‌های سیاسی و اجتماعی این پدیده‌ها کمک می‌کند. در حالی که ایالات‌متحد به دنبال ترویج دموکراسی و حکمرانی خوب در این مناطق است، این تلاش‌ها بیشتر با واکنش‌های منفی و بی‌اعتمادی روبرو می‌شود. این واکنش‌ها، در برابر طرح‌های دموکراتیک‌سازی آمریکا ممکن است به تضعیف نقش و اعتبار آن در این مناطق منجر شود. روسیه نیز به‌عنوان یک قدرت رقیب از این وضعیت بهره‌برداری کرده و تلاش می‌کند نفوذ خود را در برابر ایالات‌متحد تقویت کند.

خودونف (۲۰۲۲) در کتاب *راهنمای انقلاب‌ها در قرن ۱۲* به انقلاب‌های جدید و تحولات سیاسی در قرن ۲۱ می‌پردازد. این اثر شامل مجموعه‌ای از مقاله‌هاست که به بررسی علل، پیامدها و تأثیرهای انقلاب‌های مختلف در نقاط گوناگون جهان می‌پردازد. نویسندگان مختلف در این کتاب به تحلیل انقلاب‌های رنگی، جنبش‌های اجتماعی و تغییرهای سیاسی در کشورهای مختلف پرداخته، تلاش می‌کنند الگوهای مشترک و تفاوت‌های موجود در این تحولات را شناسایی کنند. یکی از نقاط قوت این کتاب، تنوع موضوع‌ها و دیدگاه‌های مختلف است که به خواننده امکان می‌دهد از زوایای گوناگون به بررسی انقلاب‌ها بپردازد. این کتاب بر انقلاب‌های رنگی تمرکز دارد و ارتباط مستقیمی با پژوهش‌های مربوط به رویارویی روسیه و تلاش‌های دموکراتیک‌سازی ایالات‌متحد در خارج نزدیک و خاورمیانه دارد.

باوجود پژوهش‌های بسیار در حوزه انقلاب‌های رنگی و سیاست دموکراتیک‌سازی آمریکا، تأثیر آن بر ارتباط روسیه و آمریکا و واکنش آن‌ها به این انقلاب‌ها مورد توجه زیادی قرار نگرفته است. در این پژوهش افزون بر بررسی انقلاب‌های رنگی و پیشینه تاریخی آن، به تأثیر این رخدادها بر روابط روسیه و آمریکا نیز پرداخته و آن را در چهارچوب طرح‌های دموکراتیک‌سازی آمریکا بررسی کرده است.

مفهوم و مبانی نظری انقلاب‌های رنگی

رخداد انقلاب‌ها در قرن بیستم و تأثیر دائمی که این انقلاب‌ها به‌جا گذاشته‌اند، عامل اصلی افزایش توجه به این موضوع بوده است. بسیاری از نظام‌های سیاسی رویدادهای انقلابی را به شکل‌های مختلف تجربه کرده‌اند. انواع مختلف انقلاب‌ها به‌این ترتیب معرفی شده‌اند: انقلاب‌های بزرگ جمهوری‌خواهانه (انگلیس، آمریکا، فرانسه و روسیه)، انقلاب‌های

کمونستی (چین و کوبا)، انقلاب‌های ضد دیکتاتوری در جهان سوم (مکزیک، فیلیپین، نیکاراگوئه و ایران)، انقلاب‌های ضد استعماری (الجزیره، ویتنام، زیمبابوه، آنگولا، گینه بیسائو و موزامبیک)، انقلاب‌های ضد کمونستی (لهستان، مجارستان، چکسلواکی و آلمان شرقی) و انقلاب‌های رنگی (صربستان، گرجستان، اوکراین و قرقیزستان) (سبزه‌ای، ۱۳۹۲، ص. ۱۶۳).

انقلاب‌های رنگی به تغییر در حاکمیت سیاسی اشاره دارند که با استفاده از راهبردهای نرم، مبارزه‌های غیر خشونت‌آمیزی را در برابر حکومت‌های اقتدارگرا پیش برده و موجب نوعی جابجایی می‌شوند (Derluguian, 2010, p. 5). باید توجه داشت که یکی از ویژگی‌های اصلی انقلاب‌های رنگی، استفاده نکردن از خشونت است (Mikayelan, 2024, p. 8). فعالیت‌هایی که با عنوان «انقلاب‌های رنگی» شناخته می‌شوند، ایده دموکراسی از پایین را گسترش می‌دهند. این فعالیت‌ها با یک راهبرد مشترک، یعنی اعتراض‌های جمعی در چهارچوب قانون اساسی برای افزایش مشارکت عمومی در نظام‌های سیاسی انجام می‌شوند. این انقلاب‌ها تحولاتی برای گسترش دموکراسی شناخته می‌شوند که هدف اصلی آن‌ها حذف رهبران سیاسی حاکم بوده است (Lane & White, 2010, p. 2). به‌طور کلی مفهوم انقلاب‌های مخملی یک موضوع مهم مطالعه در علوم اجتماعی است، زیرا بینشی را در مورد راه‌هایی ارائه می‌دهد که از مسیر آن، ایجاد تغییرهای سیاسی و اجتماعی قابل توجهی با ابزارهای غیرخشونت‌آمیز دنبال می‌شود.

پیشینه شکل‌گیری انقلاب‌های رنگی

عوامل مؤثر بر شکل‌گیری انقلاب‌های رنگی

انقلاب‌های رنگی پدیده‌های مهمی در قرن بیست و یکم بوده است. براین اساس برخی از کشورها تغییرهای سیاسی قابل توجهی را از راه اعتراض‌های توده‌ای و مقاومت مدنی تجربه کرده‌اند. این انقلاب‌های رنگی در مناطق مختلف مانند بالکان، جمهوری‌های بازمانده از اتحاد شوروی، خاورمیانه و شمال آفریقا دیده شده است. درک عواملی که در شکل‌گیری انقلاب‌های رنگی نقش دارند، برای تحلیل و پیش‌بینی پویایی‌های سیاسی در این مناطق بسیار مهم است. عامل مشترک اولیه، درک ناکارآمدی و ناعادلانه دولت از سوی نخبگان و توده‌ها بود. اختلاف‌های درونی نخبگان دومین عنصر ساختاری قابل توجه در همه انقلاب‌های موفق را تشکیل می‌دهد. سومین عامل ساختاری، بحران اقتصادی یا بحران رفاه ملی است. حمله ترکیبی نخبگان و توده‌ها به اقتدار دولتی برای یک انقلاب ضروری است و چهارمین عنصر در نظر گرفته می‌شود. بدون ایدئولوژی مخالفان هیچ انقلابی نمی‌تواند رخ دهد و این پنجمین عامل

ساختاری است. ششمین و آخرین عامل ساختاری تبیین‌کننده انقلاب‌های رنگی، تأثیر عامل خارجی است. در انقلاب‌های رنگی، این تأثیر نه به شکل مداخله مستقیم سیاسی، بلکه تأثیر اجتماعی فرهنگی است که دموکراسی غربی را یک هنجار و تصویری راهنما از آینده می‌داند (Solovei, 2015, pp. 81-83). در نتیجه شکل‌گیری انقلاب‌های رنگی یک پدیده پیچیده است که عوامل مختلفی بر آن تأثیرگذار است. وجود جامعه مدنی قوی، نارضایتی‌های اقتصادی و سیاسی، حمایت‌های خارجی و دسترسی به فناوری‌های ارتباطی، از عوامل مهمی هستند که می‌توانند به پدید آمدن این انقلاب‌ها کمک کنند.

نمونه‌های انقلاب رنگی

انقلاب‌ها در شمار فرایندهای درونی سیاسی به شمار می‌روند و موج اخیر آن‌ها، به‌ویژه در اوایل دهه ۲۰۰۰ به‌طور گسترده‌ای از فضای پسا شوروی به عرصه‌های مختلف از جمله گسترش دموکراسی در کشورهای گوناگون، از صربستان گرفته تا کشورهای عربی و سرانجام ارمنستان در سال ۲۰۱۸ گسترش یافته است (Elamiryan, 2024, p. 77). موضوع مداخله خارجی در امور داخلی کشورهای مستقل همچنان در کانون توجه جامعه بین‌المللی قرار دارد. در سال‌های اخیر، رخداد مجموعه‌ای از کودتاهای غیر خشونت‌آمیز که تا حدی با تحریک و حمایت خارجی همراه بودند، مورد توجه قرار گرفته است. این رویدادها یا همان «انقلاب‌های رنگی»، در کشورهای صربستان، گرجستان، اوکراین، قرقیزستان، تونس و مصر شکل گرفته‌اند. اگرچه هر یک از این موارد ویژگی‌های خاص خود را داشت؛ اما در مجموع سازوکارهای آماده‌سازی و اجرای آن برای دستیابی به قدرت از سوی دولت‌های حاکم، به‌صورت کلی مشابه و بر اساس یک الگو پیش رفتند (Naumov, 2016, pp. 119-120).

از سال ۲۰۰۰ تا سال ۲۰۰۵ مجموعه‌ای از اعتراض‌های مردمی که به انقلاب‌های رنگی معروف شدند، به سرنگونی رژیم‌های استبدادی و نیمه‌استبدادی در کشورهایمانند صربستان، گرجستان، اوکراین و قرقیزستان منجر شد. جنبه مشترک در این انقلاب‌ها تلاش رهبران اقتدارگرا برای دست‌کاری نتایج انتخابات به سود خود بود. این انقلاب‌ها شامل مجموعه‌ای از استراتژی‌های تغییر رژیم بدون خشونت بود که گاهی به موفقیت منجر می‌شد (Finkel and Brudny, 2014, p. 1). در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست‌ویکم، پدیده انقلاب‌های رنگی به‌عنوان یکی از ویژگی‌های مهم زندگی سیاسی و اجتماعی پدیدار شد. این پدیده شامل انتقال قدرت از نیروهای اجتماعی اقتدارگرا به نیروهای دموکراتیک با حامیان غربی بود. برخی از نمونه‌های این انقلاب‌های رنگی عبارتند از: «انقلاب بولدوزر» در صربستان

(۲۰۰۰)، «انقلاب رز» در گرجستان (۲۰۰۳)، «انقلاب نارنجی» در اوکراین (۲۰۰۴)، «انقلاب لاله» در قرقیزستان، «انقلاب سرو» در لبنان (۲۰۰۵)، «انقلاب رنگی» در مولداوی (۲۰۰۹) و «انقلاب رنگی» در ارمنستان (۲۰۱۸). در ادامه برخی از این انقلاب‌ها بررسی می‌شوند.

انقلاب صربستان

انقلاب صربستان در اواخر دهه ۱۹۹۰ به‌ویژه در سال ۲۰۰۰، به علت عوامل داخلی و نارضایتی‌های گسترده شکل گرفت. بر اساس تحلیل‌های مختلف، این نارضایتی عمیق ناشی از وضعیت اقتصادی نامناسب کشور و مقایسه آن با رفاه نسبی دوران تیتو بود. فساد گسترده، جنگ و نگرانی از بی‌ثباتی منطقه‌ای نیز به تشدید این نارضایتی‌ها کمک کرد. حامیان مخالفان رژیم میلوشویچ که از وضعیت کشور خسته شده بودند، خواستار پایان انزوای صربستان و آغاز روند پیوستن به اتحادیه اروپا بودند؛ هدفی که دیگر کشورهای شرق اروپا نیز به دنبالش بودند. در این دوره صربستان از یک دولت کمونیستی تک‌حزبی به سمت سیستمی شبیه به دموکراسی‌های اروپایی حرکت می‌کرد. حزب کمونیست حاکم خود را به حزب سوسیالیست تبدیل کرد و به‌ظاهر از آزادی‌های دموکراتیک، از جمله آزادی مطبوعات و بیان حمایت می‌کرد. در واقع این دموکراتیک‌شدن سطحی و به‌گونه‌ای متمرکز بر حفظ قدرت در نزد حزب سوسیالیست بود. در این دوره احزاب مخالف و رسانه‌های انتقادی به‌طور آشکار در صحنه سیاسی حاضر شدند. آن‌ها رژیم میلوشویچ را به دیکتاتوری مشابه دوران کمونیستی تشبیه کردند. این تحولات، شرایط لازم را برای شکل‌گیری انقلاب و تغییرهای عمیق سیاسی به وجود آورد و به تدریج جنبش‌های اجتماعی و سیاسی را در صربستان تقویت کرد (Khodunov, 2022, p. 448).

۳۴

انقلاب گل سرخ گرجستان

تحولات گرجستان در سال ۲۰۰۳ موجب تغییرهای مهمی شد که به‌عنوان انقلاب گل سرخ شناخته می‌شود (کولایی، ۱۳۹۱، ص. ۳۰). نقطه شروع این تحولات را می‌توان انتخابات پارلمانی نوامبر ۲۰۰۳ دانست. در این انتخابات، پس از اعلام نتایج اولیه از سوی کمیسیون مرکزی انتخابات، احزاب مخالف به این نتایج اعتراض کردند. در پی این مخالفت‌ها، رئیس‌جمهور مجبور به استعفا شد و پس از برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری، میخائیل ساکاشویلی به ریاست‌جمهوری گرجستان انتخاب شد (کولایی، ۱۳۹۱، صص. ۳۲-۳۱). علل داخلی انقلاب گل سرخ در سال ۲۰۰۳ شامل موارد متعددی بود که در کنار یکدیگر شرایط نارضایتی عمومی

را ایجاد کردند. نخست، فساد گسترده در رهبری ادوارد شوارندادزه یکی از جدی‌ترین معضلات جامعه گرجی و مانع اصلی توسعه این کشور به شمار می‌رفت. در سال ۲۰۰۳ گرجستان در میان ۱۳۳ کشور، در رده ۱۲۴ فساد قرار داشت و ۸۹ درصد مردم بر این باور بودند که همه یا برخی از مقام‌های دولتی فاسد هستند. همچنین بستگان شوارندادزه در تصدی مهم‌ترین سمت‌های دولتی به فساد دامن می‌زدند. بدگمانی عمومی نسبت به مدیریت شوارندادزه در حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی، دیگر عامل نارضایتی بود. علاوه بر این تسلط جرم سازمان‌یافته و دلسردی پلیس، بسیاری از افسران را به انجام فعالیت‌های غیرقانونی و رشوه‌خواری کشاند که این موضوع تنش‌های اجتماعی را افزایش داد. عملکرد اقتصادی ضعیف و فقر گسترده نیز مشکلات جدی دیگری بود که به کاهش تولید ناخالص داخلی و بیکاری شد. همچنین از دست رفتن کنترل بر آبخازیا و اوستیای جنوبی، سبب فرار صدها هزار پناهنده قومی گرجی به داخل کشور شد (Khodunov, 2022, pp. 485-486). در مجموع این عوامل نارضایتی‌های فزاینده را به وجود آوردند که به شکل‌گیری انقلاب گل سرخ منجر شد.

انقلاب نارنجی اوکراین

در ۲۳ نوامبر ۲۰۰۴ پس از برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری در اوکراین و اعلام پیروزی ویکتور یانوکوویچ، موجی از اعتراض‌های داخلی و واکنش ناظران بین‌المللی، به‌ویژه از سوی سازمان امنیت و همکاری اروپا، به وجود آمد. این ناظران به تخلف‌های مهمی در روند رأی‌گیری اشاره کردند، درحالی‌که ناظران اعزامی از کشورهای هم‌سود با وجود این تخلف‌ها، انتخابات را قانونی دانستند. حمایت‌های جدی کرملین از یانوکوویچ نیز در این میان مسئله‌ساز بوده و زمینه‌ساز تشدید بحران سیاسی شد. پس از پیروزی یانوکوویچ، حدود ۲۰۰ هزار نفر در خیابان‌های کی‌یف تجمع کردند و خواستار اعلام پیروزی ویکتور یوشچنکو، رقیب یانوکوویچ از سوی کمیسیون انتخابات شدند. در این شرایط، اتحادیه اروپا خواستار بررسی دوباره نتایج انتخابات شد. ایالات متحده نیز تهدید کرد که در صورت رسیدگی نکردن به تقلب‌های انتخاباتی، روابط خود را با اوکراین تغییر خواهد داد. همچنین به قطع کمک‌ها و توقیف دارایی‌های اوکراین اشاره کرد. در پی این تنش‌ها و اعتراض‌های خیابانی، پارلمان اوکراین نتایج انتخابات را غیرقابل قبول دانسته و تصمیم به برگزاری دوباره انتخابات گرفت. در این انتخابات دوباره، ویکتور یوشچنکو با به‌دست آوردن بیشترین آرا به پیروزی رسید و رئیس‌جمهور اوکراین شد (کولایی، ۱۳۹۱، صص ۸۲-۸۰).

انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۰۴ در اوکراین نه تنها به بحران داخلی منجر شد، بلکه توجه

جهانی را به خود معطوف ساخت و به رخدادی منجر شد که امروز به‌عنوان «انقلاب نارنجی» شناخته می‌شود. این اعتراض‌ها به‌عنوان نتیجه مستقیم یک انتخابات جنجالی، زیر تأثیر رسانه‌ها و تهدید رأی‌دهندگان، تصویر روشنی از وضعیت سیاسی در اوکراین در دهه ۲۰۰۰ ارائه داد. اوکراین در این زمان به دو نیمه تقسیم شده بود. شرق کشور بیشتر روسی‌زبان و وابسته به سیاست‌های کرملین و غرب کشور متعلق به ارزش‌های دموکراتیک و غربی که به افزایش بی‌اعتمادی به روسیه منجر شد (Sivis, 2020, p. 513). بدین ترتیب انقلاب نارنجی نه تنها نشان‌دهنده تنش‌های داخلی در اوکراین، بلکه بازتاب کشمکش‌های روسیه و غرب نیز بود.

انقلاب لاله‌ای قرقیزستان

انقلاب رنگی در قرقیزستان در سال ۲۰۰۵ با عنوان «انقلاب لاله‌ای»، یکی از مهم‌ترین تحولات سیاسی این کشور به شمار می‌آید. شورش‌ها به دنبال نارضایتی‌های گسترده از عملکرد رئیس‌جمهور عسگر آقایف شکل گرفت، به‌ویژه در دوره نزدیک به انتخابات پارلمانی در فوریه و مارس ۲۰۰۵. معترضان با الهام از رخدادهای مشابه در گرجستان و اوکراین و تصمیم گرفتند از گل لاله به‌عنوان نماد اعتراض خود استفاده کنند. آقایف، با توجه به فشارهای داخلی و بین‌المللی دریافت که قدرتش در حال تضعیف است، به همین دلیل پسر و دختر بزرگش را به‌عنوان نامزدهای انتخابات معرفی کرد تا موقعیت خود را تقویت کند. همچنین بسیاری از دیگر نامزدها از شرکت در انتخابات کنار گذاشته شدند. این انتخابات با رسوایی‌های فراوان و اتهام‌هایی در مورد تقلب و فساد همراه شد که به شدت بر اعتبار آقایف تأثیر گذاشت. نرخ بالای نارضایتی، تظاهرات مردمی و سرکوب‌های دولتی موجب شد سرانجام آقایف مجبور به فرار از کشور شود. این تحولات به تغییرهایی در ساختار سیاسی قرقیزستان منجر شد. انقلاب لاله نه تنها نمادی از اعتراض‌ها در آسیای مرکزی شد، بلکه تأثیرهای گسترده‌ای نیز بر دیگر کشورهای منطقه داشت (Ivanov, 2022, p. 522).

انقلاب ارمنستان

پس از فروپاشی شوروی، ارمنستان در مسیر دستیابی به دموکراسی و نوسازی با چالش‌های جدی روبرو شد. این چالش‌ها شامل مسائل توزیع قدرت، تحرک اجتماعی، هویت ملی، مشارکت سیاسی و مشروعیت بودند. در آوریل ۲۰۱۸ اعتراض‌های مردمی گسترده‌ای در ایروان و دیگر شهرها آغاز شد که در یک ماه به انتقال صلح‌آمیز قدرت انجامید. سرژ سرکیسیان رئیس‌جمهور وقت که در آستانه پایان دو دوره ریاست‌جمهوری‌اش بود، در

دسامبر ۲۰۱۶ اصلاحاتی برای تغییر نظام دولت از نیمه ریاستی به پارلمانی پیشنهاد کرده بود. این اصلاحات به‌عنوان ابزاری برای حفظ قدرت او در نظر گرفته شده بود. در نتیجه اعتراض‌ها سرکیسیان در ۲۳ آوریل ۲۰۱۸ استعفا کرد و دولت موقت به رهبری نیکول پاشینیان شکل گرفت. این رویداد به‌عنوان «انقلاب مخملی ارمنستان» شناخته شد (Elamiryan, 2024, p. 83). پس از نامزدی سرکیسیان برای نخست‌وزیری، گروه‌های مخالف او تحرک‌های اعتراضی را آغاز کردند و نیکول پاشینیان رهبری این جنبش را بر عهده گرفت. با افزایش فشارهای مردمی، احزاب مختلف نیز به جنبش پاشینیان پیوستند. سرانجام سرکیسیان به‌ناچار از مقام خود کناره‌گیری کرد و جنبش سیاسی با رهبری پاشینیان با تأکید بر صلح‌آمیز بودن آن، پس از یک دهه به پیروزی رسید. پاشینیان تحولات سال ۲۰۱۸ را یک انقلاب فرهنگی و ارزشی برای از میان بردن فساد و بی‌عدالتی در ارمنستان معرفی کرد. اکثریت نداشتن در مجلس، پاشینیان را وادار کرد تا طرحی برای برگزاری انتخابات زودهنگام پارلمانی ارائه دهد تا بتواند اکثریت آن را به دست آورد. انتخابات پارلمانی زودهنگام در دسامبر ۲۰۱۸ برگزار شد. ائتلاف سیاسی «گام من» به رهبری نیکول پاشینیان موفق شد اکثریت در پارلمان را به دست آورد (Inanlo, 2019). این پیروزی پشتوانه‌ای قوی برای اجرای سیاست‌های او فراهم آورد و تحولات اساسی در عرصه سیاسی ارمنستان به وجود آورد.

انقلاب تونس

انقلاب تونس که به‌عنوان نقطه آغاز بهار عربی شناخته می‌شود، با خودسوزی محمد بوعزیزی در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۰ آغاز شد. این کنش اعتراضی علیه بی‌عدالتی و رفتارهای خشن دولت، موجب برگزاری تظاهراتی در ماه‌های بعد در سراسر کشور شد (کولایی و حضرت پور، ۱۳۹۳، صص. ۳۴-۷). آغاز این اعتراض‌ها نخست به خواسته‌های محلی و اقتصادی بود؛ اما به تدریج به خواسته‌های وسیع‌تر و انقلابی برای دموکراسی تبدیل شد (Barrie, 2023, p.1). این تحولات نه‌تنها تونس را زیر تأثیر قرار داد، بلکه به‌سرعت به دیگر کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا سرایت کرد. بدین ترتیب این جنبش به یک دوره جدیدی در تاریخ این منطقه معروف به «بهار عربی» منجر شد. به‌عنوان نمونه، یک ماه پس از آغاز اعتراض‌ها در تونس، مردم مصر نیز به میدان تحریر در قاهره آمدند تا علیه فساد دولتی و خشونت نیروهای امنیتی اعتراض کنند. این اعتراض‌ها سرانجام به سرنگونی حسنی مبارک منجر شد. این قیام‌ها را بیشتر جوانان عرب رهبری می‌کردند و تلاشی بود برای ایجاد موج دموکراتیک در منطقه (Saidin, 2018, p. 69).

سرنگونی زین العابدین بن علی رئیس جمهور تونس، پس از هفته‌ها اعتراض‌های مردمی، نقطه عطفی در تاریخ جدید جهان عرب بود. بن علی در نتیجه این اعتراض‌ها ناگزیر به عربستان سعودی فرار کرد. این تغییر ناگهانی با شادی گسترده‌ای در تونس همراه بود. به این انقلاب نام «انقلاب یاس» داده شد. این نخستین باری بود که یک قیام مردمی منجر به برکناری یک دیکتاتور در تاریخ جدید عربی می‌شد. مردم تونس به‌روشنی خواستار پایان حاکمیت بن علی شدند. انقلاب تونس علاوه بر تقویت روحیه جوانان در مبارزه با رژیم، احساسات اصلاح‌طلبانه و ضد دولتی را در سراسر جهان عرب افزایش داد و تونس را به نمونه‌ای مهم برای گذارهای دموکراتیک بدل کرد. خواسته‌های معترضان شامل تأمین شغل، فرصت‌های اقتصادی، آزادی سیاسی و عزت نفس بود؛ بنابراین انقلاب تونس یک رویداد لحظه‌ای نبود، بلکه نتیجه یک فرایند طولانی و مشارکت فعال جوانان تونسی به شمار می‌رفت و به‌عنوان یک شگفتی سیاسی نه تنها در تونس، بلکه در سطح بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گرفت (Saidin, 2018, p. 70).

انقلاب مصر

انقلاب مصر در ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ به دلیل نارضایتی‌های عمومی ناشی از بی‌عدالتی اجتماعی، فساد و شرایط اقتصادی نامناسب شکل گرفت. با وجود رشد مثبت تولید ناخالص داخلی، این توسعه به‌طور عادلانه توزیع نمی‌شد و شکاف میان ثروتمندان و فقرا هر روز بیشتر می‌شد. نرخ بیکاری به ۹.۷ درصد رسیده بود و جوانان تحصیل کرده بیشترین آسیب را از این وضعیت متحمل شدند. فساد اقتصادی به حدی افزایش یافته بود که مصر در رتبه‌های پایین جهانی از نظر فساد قرار داشت (Bakr, 2012, pp. 63-65). دلایل سیاسی دیگری نیز در شکل گرفتن این انقلاب نقش داشتند: نقض حقوق بشر، سرکوب تظاهرات و بی‌توجهی به اقلیت‌ها از جمله عوامل مهم بودند. خشونت‌ها علیه کلیساهای قبطی و سوء مدیریت در رویارویی با نارضایتی‌ها، به‌ویژه در زمینه نبود امنیت و بی‌توجهی به خواسته‌های قبطی‌ها، به تشدید ناامیدی عمومی منجر شد. همچنین دگرگونی‌های قانونی در سال ۲۰۰۵ برای هموار کردن راه سلطنت موروثی و نتایج مشکوک انتخابات ۲۰۱۰ تنش‌ها را افزایش داد. در میان این نارضایتی‌ها، رژیم حسنی مبارک به‌جای برخورد مناسب با این شرایط، با خشونت و سرکوب به تظاهرات مردم پاسخ داد. سرانجام، پس از سخنرانی‌های ناکافی، حسنی مبارک در ۱۱ فوریه ۲۰۱۱ استعفا کرد. سیاست خارجی مصر و احساس ناامیدی از کاهش نفوذ منطقه‌ای و نوع برخورد با بحران اسرائیل - فلسطین نیز بر نارضایتی عمومی افزوده بود (Bakr, 2012, p. 57). به‌طوری که این انقلاب نه تنها مشکلات سیاسی و اجتماعی گسترده‌ای برای مصر به بار آورد، بلکه تأثیر آن بر

کشورهای همسایه نیز قابل توجه بود. دوران انتقال سیاسی پس از انقلاب مصر نیز با چالش‌های بسیاری همراه بوده و آینده این کشور تا حد زیادی به توانایی‌اش در ایجاد یک نظام حکومتی شفاف و کارآمد وابسته بوده است (Abdou & Zaazou, 2013, pp. 93-94).

آمریکا و طرح‌های دموکراتیک‌سازی

سیاست‌های آمریکا

سیاست‌های ایالات متحده که دموکراسی را به‌عنوان عنصری اساسی از هویت خود گسترش می‌دهد، در طول تاریخ پیامدهای مهمی بر سیاست خارجی این کشور داشته است. ورود آمریکا به عرصه جهانی پس از جنگ جهانی دوم به‌طور طبیعی موضوع دموکراسی و گسترش آن را به کانون اصلی سیاست خارجی کشور تبدیل کرد. پیش از فروپاشی اتحاد شوروی و از میان رفتن الگوی کمونیستی در جهان، ایالات متحده انگیزه داشت تا مدل دموکراسی سرمایه‌داری خود را در سطح جهانی به‌عنوان مدل برتر معرفی کند. این مسئله زمینه را برای سازمان‌های موفق‌تری مانند بنیاد ملی دموکراسی فراهم کرد (رحمانی و دیگران، ۱۴۰۲، ص. ۷۱). امروزه کارشناسان دو تعریف از ترویج دموکراسی ارائه می‌کنند: کسانی که آن را به‌عنوان فرایندی ناشی از جهانی‌شدن و توسعه اقتصادی تفسیر می‌کنند و کسانی که آن را به سیاست‌های ویژه کشورهای لیبرال دموکراتیک نسبت می‌دهند که ایالات متحده در رأس آن قرار دارد (Beate, 2012, pp. 689-692). پژوهشگرانی مانند ویلیام رابینسون معتقدند کشورهایی مانند آمریکا و سازمان‌های دولتی و غیردولتی آن در نقاط مختلف جهان در جهت گسترش دموکراسی برنامه‌ریزی می‌کنند. او معتقد است که سیاست گسترش دموکراسی شامل چهار مرحله است: طراحی، تأمین مالی، برنامه‌های عملیاتی و نفوذ. درگیر کردن مقام‌های ارشد آمریکا مانند کاخ سفید و کنگره در سطح اول. در سطح دوم، ما بازیگرانی مانند سازمان توسعه بین‌المللی ایالات متحده داریم که سالانه میلیاردها دلار بودجه خرج می‌کند. در سطح سوم، سازمان‌هایی مانند موقوفه ملی برای دموکراسی. در سطح چهارم، گروه‌ها، افراد و جامعه مدنی و رسانه‌های داخلی که می‌توانند نفوذ لازم را در سطح جامعه داشته باشند (Robinson, 2004, pp. 443-445).

برنامه‌های ایالات متحده برای انقلاب‌های رنگی

انقلاب‌های رنگی از اواسط دهه ۱۹۹۰ نقش مهمی در سیاست خارجی و امنیتی آمریکا داشته است (متقی و شهرابی فراهانی، ۱۳۹۱، ص. ۲۲۱). علاوه بر تعامل نظامی، ایالات متحده با

روش‌های جدیدی مانند تغییر دولت‌های طرفدار روسیه از راه اعتراض‌های خیابانی گسترده که بعدها به انقلاب‌های رنگی معروف شد، فعالیت‌های خود را در منطقه افزایش داده است (Mittchell, 2012, p. 92). ایالات متحده علاقه‌مند به دموکراتیک کردن کشورهای منطقه، برای حفظ منافع اقتصادی، قدرت و دیگر منافع خود و ایجاد یک حضور ژئوپلیتیکی ویژه است. هدف این سیاست نیز جلوگیری از تقویت روسیه در منطقه، گسترش چین در آسیای مرکزی و منزوی ساختن ایران است (Kukeyeva, 2006, pp. 87-88).

در زمان دولت بوش، دو سند مهم در سال ۲۰۰۲ به تصویب رسید: قانون حمایت از آزادی افغانستان که هدف آن ترویج یک جامعه دموکراتیک و مدنی در منطقه و مبارزه با تروریسم بود. سند دیگر، «راهبرد امنیت ملی» بر اهداف ژئوپلیتیکی آمریکا در منطقه خزر و آسیای مرکزی تأکید داشت. در این زمینه گسترش دموکراسی در کشورهای آسیای مرکزی یک عامل ژئوپلیتیکی برآورد می‌شود. آمریکا منافع اقتصادی و راهبردی در منطقه دارد؛ بنابراین تحلیل‌گران آمریکایی معتقدند که واشینگتن باید بین این عوامل و تمایل مردم به دموکراسی تعادل ایجاد کند. در اوت ۲۰۰۲ آمریکا تغییر کیفی در سیاست خود را در مورد ازبکستان و قرقیزستان اعلام کرد. هر دو جمهوری در مرکز توجه سیاست دموکراتیک ایالات متحده قرار داشتند. در این جمهوری‌ها، اقدام‌های لازم برای دستیابی به اهداف زیر سازمان‌دهی می‌شد:

- ترویج تأسیس احزاب سیاسی در ازبکستان و قرقیزستان از راه کمک مالی برای تشکیل و گسترش احزاب سیاسی دموکراتیک؛
- کمک به ایجاد بسترهایی که دسترسی به منابع مستقل و رایگان اطلاعات را فراهم می‌کند؛
- حمایت از برنامه تقویت «خبرنگاری مسئولانه» (Kukeyeva, 2006, pp. 87-88).

روسیه و طرح‌های دموکراتیک سازی آمریکا

واکنش روسیه به انقلاب‌های رنگی

برخلاف بازیگران غربی، نقش روسیه بیشتر بر محدود کردن و مخالفت با این انقلاب‌ها متمرکز است. مخالفت روسیه با انقلاب‌های رنگی در کشورهای پس از شوروی به شکل‌های مختلف مشهود است و توجه پژوهشگران را جلب می‌کند (Mikayelan, 2024, p. 15). انقلاب‌های رنگی در پوشش دموکراتیک سازی با استفاده از سازمان‌های غیردولتی خارجی و داخلی، تهدیدی برای امنیت ملی روسیه است (Dobayev, 2023, p. 16). مقام‌های روسی بر این باورند که هدف انقلاب‌های رنگی براندازی نظام قانون اساسی روسیه و کشورهای پس از شوروی

است و در نتیجه آن‌ها را تهدیدی برای امنیت ملی می‌دانند (Minkina, 2021, p. 78). از دیدگاه روسیه، انقلاب‌های رنگی الهام گرفته از غرب و قیام‌های ایالات متحده برای عقب راندن نفوذ روسیه است (Kozłowski, 2016, p. 142). یکی از واکنش‌های روسیه به این انقلاب‌ها، اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه کشورهاست. بر کسی پوشیده نیست که کشورهای منطقه پس از شوروی برای تأمین انرژی و گاز به روسیه وابسته‌اند. روسیه از تحریم‌های اقتصادی به عنوان پاسخ به انقلاب‌های رنگی استفاده می‌کند (Mikayelan, 2024, p. 15). راه دیگری که روسیه به انقلاب‌های رنگی پاسخ می‌دهد، متهم کردن غرب به بی‌ثبات کردن نظم سیاسی در کشورهاست (Danyuk, 2018).

انقلاب‌های آرام در سندهای امنیتی سیاسی روسیه

نهادهای سیاسی روسیه مدت‌هاست، انقلاب‌های رنگی را به عنوان تهدیدی برای منافع و ثبات خود برآورد کرده‌اند. این دیدگاه در اسناد مختلف امنیتی-سیاسی که دولت روسیه منتشر کرده، دیده می‌شود. این اسناد بینش منحصر به فردی از نگرانی‌ها و استراتژی‌های کرملین در مورد این نوع اعتراض‌های مردمی ارائه می‌دهند. یکی از اسناد مهم که موضع دولت روسیه در مورد انقلاب‌های رنگی را تشریح می‌کند، «استراتژی امنیت ملی فدراسیون روسیه» است که آخرین بار در سال ۲۰۲۱ به‌روزرسانی شده است. این سند انقلاب‌های رنگی را تهدیدی جدی برای امنیت ملی روسیه معرفی می‌کند. به بیان این سند: این انقلاب‌ها را نیروهای خارجی برای بی‌ثبات کردن وضعیت سیاسی و اجتماعی در کشور استفاده می‌کردند. این استراتژی همچنین بر نیاز به مقابله با «نفوذ کشورهای خارجی و سازمان‌های بین‌المللی» که به دنبال ترویج انقلاب‌های رنگی هستند، تأکید می‌کند (Russian Federation, 2021).

۴۱

سند مهم دیگر نیز «مفهوم سیاست خارجی فدراسیون روسیه» است که در سال ۲۰۱۶ به‌روزرسانی شده است. این سند همچنین نگرانی‌های کرملین را در مورد انقلاب‌های رنگی برجسته می‌کند و بیان می‌دارد که این انقلاب‌ها برای تضعیف حاکمیت و یکپارچگی سرزمینی کشورهای مستقل استفاده می‌شوند. این سند همچنین پیشنهاد می‌کند روسیه اقدام‌هایی را برای مقابله با «نفوذ کشورهای خارجی و سازمان‌های بین‌المللی» انجام خواهد داد که به دنبال ترویج چنین شورش‌هایی هستند (کولایی و دیگران، ۱۴۰۱، ص. ۳۴۱). تصور دولت روسیه از انقلاب‌های رنگی به عنوان تهدید، همچنین در آیین نظامی که در سال ۲۰۱۴ به‌روزرسانی شده است، دیده می‌شود. این سند «استفاده از انقلاب رنگی» را به عنوان تهدید نظامی اساسی برای روسیه شناسایی کرده و بر نیاز به توسعه «اقدام‌های نظامی و غیرنظامی» برای مقابله با چنین تهدیدهایی تأکید

می‌کند (Russian Federation, 2014). در مجموع، دیدگاه نهادهای سیاسی روسیه نسبت به انقلاب‌های رنگی، نگرانی عمیق و تهدیدی معنادار برای منافع و ثبات خود است. این دیدگاه در اسناد مختلف امنیت سیاسی که دولت روسیه آن را منتشر کرده، منعکس می‌شود و تلاش‌های کرملین را برای مقابله با «نفوذ تخریبی» بازیگران خارجی که به دنبال ترویج چنین شورش‌هایی هستند، برجسته می‌کند.

به‌طور خلاصه، روسیه اصطلاح انقلاب رنگی را برای توصیف رویدادهایی استفاده می‌کند که آن‌ها را به‌عنوان تغییر رژیم غیرقانونی طبقه‌بندی می‌کند که برای حذف سیاستمداران طرفدار روسیه، از قدرت تحت پوشش دموکراسی استفاده می‌شود. روسیه بر اساس آیین مقابله با انقلاب‌های رنگی در کشورهای همسایه روسیه، این حق را برای خود محفوظ می‌دارد که در صورت طبقه‌بندی وضعیت به‌عنوان تغییر رژیم غیرقانونی که دولت هدف را از بین برده است، یک کشور هدف را «شناسایی» نکند. این موضوع سبب می‌شود روسیه دیگر به تعهدهای خود با این کشور پایبند نباشد. به‌ویژه از سال ۲۰۱۴ روسیه ابزارهای سیاسی و حقوقی را در اسناد چندجانبه برای مقابله با انقلاب‌های رنگی آینده گسترش داده است. در حالی که نتوانسته است جامعه بین‌المللی را متقاعد کند؛ اما از نزدیک‌ترین متحدان خود در سازمان پیمان امنیت جمعی و تا حدی در کشورهای مستقل هم‌سود موفق‌تر بوده است (Lundstedt, 2021, p. 221).

روسیه به مقابله با انقلاب‌های رنگی متعهد است و منابع قابل توجهی را برای این کار اختصاص می‌دهد. این کشور، انقلاب‌های رنگی را به‌عنوان تهدیدهای اصلی در پیش‌نویس کنوانسیون سال ۲۰۱۱ در مورد امنیت اطلاعات بین‌المللی و در راهبرد امنیت ملی ۲۰۱۵ فهرست کرده است و پیمان امنیت دسته‌جمعی را تغییر داده است تا بتواند در مورد یک انقلاب راحت‌تر مداخله کند. سرانجام، ارتش روسیه انقلاب‌های رنگی را به‌عنوان شکلی از جنگ فهرست کرده و در حال کار بر روی راه‌هایی برای رویارویی با آن‌ها بوده است. روسیه حاضر به پذیرش هیچ‌گونه تغییر قدرت غیرقانونی در فضای پس از شوروی نیست (Lundstedt, 2021, p. 242).

تأثیر انقلاب‌های رنگی بر روابط روسیه و آمریکا

فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱ تحولات عمیقی در رویکرد نظامی روسیه به جهان به وجود آورد. این تغییرها از دوره بوریس یلتسین آغاز شد، زمانی که نگرش مثبتی به لیبرال دموکراسی، نهادهای اقتصادی غربی و یکپارچگی با اروپا در مسکو وجود داشت؛ اما با روی کار آمدن ولادیمیر پوتین و قدرت‌گیری ملی‌گرایان و اوراسیاگرایان، این روند تغییر کرد.

این گروه با هدف ایجاد همگرایی میان جمهوری‌های پیشین اتحاد شوروی در محور مسکو و همچنین بهره‌برداری از تحرک‌های جدایی‌طلبانه روس‌تبارها، تلاش دارد دوباره به مناطق راهبردی دوران اتحاد شوروی برگردد. علاوه بر این نگرانی‌های امنیتی مسکو از اهداف غرب، مانند گسترش ناتو به سوی شرق، استقرار سامانه سپر دفاع موشکی در مرزها و حمایت از انقلاب‌های رنگی در جمهوری‌های پیشین اتحاد شوروی، موجب تقویت دوباره رویکرد نظامی در برابر غرب شد که به نوعی به دوران جنگ سرد شباهت دارد (کولایی و روا، ۱۳۹۴، ص. ۱۳۵). از نظر بین‌المللی نیز اهداف و منافع روسیه در قفقاز جنوبی بخشی از رقابت راهبردی این کشور با قدرت‌های غربی، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا و ناتو شناخته می‌شود (کولایی و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۹۸).

در دوران جنگ سرد، هم غرب و هم روسیه یکدیگر را تهدیدی برای امنیت خود می‌دیدند. اتحاد شوروی خود را مدافع ملت‌های زیر ستم و غرب نیز خود را به‌عنوان رهایی‌بخش مردم جهان معرفی می‌کرد. در دهه ۱۹۹۰ روند دموکراتیک‌سازی روسیه به دلیل تضعیف توانایی‌های روسیه و دولت یلتسین، خطر جدی برای غرب ایجاد نکرد. با این حال تنش‌ها میان روسیه و غرب از دهه ۲۰۰۰ با روی کار آمدن پوتین افزایش یافت (Wilson, 2010, p. 21). با به قدرت رسیدن پوتین، روسیه شروع به بازپس‌گیری موقعیت خود به‌عنوان یک قدرت هژمونیک در آسیای مرکزی و قفقاز کرد. اگرچند سال زودتر این روند شروع می‌شد، ممکن بود از رخداد انقلاب‌های رنگی در این کشورها جلوگیری کند (Erol & Oğuz, 2023, p. 83).

برخی از سیاستمداران روسی بر این باورند که وزارت امور خارجه ایالات متحده به دنبال برنامه‌ریزی و انجام برنامه‌های مختلف برای تضعیف دولت روسیه و نهادهای قانونی آن است. محافظه‌کاران روس، بر این باورند که واشینگتن در امور داخلی و خارجی روسیه دخالت می‌کند و به روش‌های مختلف به مخالفان روسیه کمک می‌کند. ایجاد انقلاب‌های رنگی در جمهوری‌های پیشین شوروی، شواهد خوبی برای آن‌ها در این زمینه فراهم کرده است (کولایی، ۱۳۹۴، ص. ۳۴). در این زمینه، روسیه انقلاب‌های رنگی را هم به‌عنوان یک موضوع سیاست داخلی و هم در سیاست خارجی می‌نگریست و آن‌ها را تهدیدی دوگانه برای حکومت خود می‌دانست. پیوند میان دموکراسی و همکاری با جهان غرب، موجب تقویت سیاست خارجی روسیه در برابر ایالات متحده و همسایگانش پس از سال ۲۰۰۴ شد تا تلاش‌های هژمونیک ایالات متحده در آسیای مرکزی، قفقاز و اروپای شرقی را تضعیف کند (Delcour & Wolczuk, 2015, p. 459).

انقلاب‌های رنگی موضع قبلی روسیه را در حمایت از جنگ ایالات متحد علیه تروریسم و دخالت آن در آسیای مرکزی تغییر داد (Ünaltdılar Kocamaz, 2019, p. 128). سیاست‌های آمریکا در آسیای مرکزی پس از رخداد‌های ۱۱ سپتامبر، سیاست‌های روسیه و توازن قوا در منطقه را تغییر داد. روسیه با نگرانی از گسترش آمریکا به سوی مرزهای خود، به‌ویژه با انقلاب‌های رنگی، کشورهای پیشین شوروی را «حوزه نفوذ» خود اعلام و خطوط قرمز خود را در منطقه تعیین کرد. روسیه با حمایت چین از طریق سازمان همکاری شانگهای، از کشورهای آسیای مرکزی خواست همکاری با ایالات متحد را لغو کنند و از آمریکا بخواهند آسیای مرکزی را ترک کند (Erol & Oğuz, 2023, p. 86).

باید اشاره کرد که در دوره چهارساله ریاست جمهوری دمتری مدودیف، روسیه تلاش کرد روابط خود را با غرب، به‌ویژه ایالات متحد بهبود بخشد؛ اما روس‌ها این تلاش را موفقیت‌آمیز نمی‌دانستند. با اجرای سیاست «باز شروع» که با تمایل اوباما و مدودیف آغاز شد، هر دو کشور در پی تغییرهایی در روابط دوجانبه بودند؛ اما این سیاست به سرعت شکست خورد. روسیه از آغاز خیزش‌های عربی تلاش کرد که به‌دقت رخدادها را زیر نظر داشته باشد. مداخله غرب در لیبی به‌عنوان چالشی جدی برای منافع ملی روسیه شناخته شد (کولایی و نائینی، ۱۳۹۹، ص. ۶). روسیه ناآرامی‌های بهار عربی را جدی گرفت و به‌صورت کشور به کشور بررسی کرد که کدام ناامنی‌ها می‌توانند منافع روسیه را به خطر بیندازند. حضور و تلاش‌های روسیه در خاورمیانه فقط ناشی از منافع منطقه‌ای مسکو نیست، بلکه آن را باید در چارچوب تلاش‌های این کشور برای داشتن نقشی به‌عنوان یک قدرت بزرگ و تأثیرگذار جهانی دید که بر اساس استفاده از موقعیت‌های سیاسی فرصت‌طلبانه بنا شده است.

گرچه همه اسناد سیاسی و امنیتی روسیه بر اولویت «خارج نزدیک» در سیاست خارجی نظامی و امنیتی این کشور تأکید دارد؛ اما از سال ۲۰۱۱ و به‌ویژه از سال ۲۰۱۵ روسیه دامنه تعامل و تقابل خود با ایالات متحد را در خاورمیانه گسترش داده است. این موضوع در اسناد رسمی این کشور در اولویت پایین تری قرار دارد (کولایی و عابدی، ۱۳۹۶، ص. ۱۳). روسیه به رهبری پوتین در جهانی که به سوی امپریالیسم نوین پیش می‌رود، به دنبال تحکیم نقش خود در ژئوپلیتیک قدرت جهانی است. این کشور نه تنها ادعای قدرت بزرگ بودن خود را به مناطق زیر کنترل پیشین اتحاد شوروی محدود نکرده، بلکه آن را به دیگر مناطق جهان نیز گسترش می‌دهد. به این ترتیب رخداد‌های انقلاب‌های رنگی تأثیر منفی بر روابط دو کشور روسیه و آمریکا داشته و زمینه‌ساز تشدید رویارویی آنها شده است.

نتیجه

در این مقاله، رویارویی روسیه و طرح‌های دموکراتیک‌سازی ایالات متحده در خارج نزدیک و خاورمیانه بررسی شده است. این موضوع به دلیل تأثیرهای عمیق و گسترده‌ای که بر روابط بین‌الملل و امنیت جهانی دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این زمینه، مفهوم و مبانی نظری انقلاب‌های رنگی، پیشینه شکل‌گیری آن‌ها، نمونه‌های مختلف این انقلاب‌ها، سیاست‌های ایالات متحده در زمینه دموکراتیک‌سازی، برنامه‌های ایالات متحده برای انقلاب‌های رنگی، واکنش روسیه به این انقلاب‌ها و تأثیر آن‌ها بر روابط روسیه و آمریکا مورد بررسی قرار گرفت. انقلاب‌های رنگی به‌عنوان پدیده جدید اجتماعی و سیاسی، به تغییرهای مهمی در ساختارهای سیاسی و اجتماعی کشورها منجر شده‌اند. این انقلاب‌ها به‌طور معمول با استفاده از ابزارهای غیرنظامی و به‌ویژه از راه بسیج اجتماعی و رسانه‌ها، به دنبال تغییر رژیم‌های مستبد و برقراری دموکراسی هستند. در این زمینه ایالات متحده به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی در عرصه بین‌المللی، همواره در تلاش بوده است از این انقلاب‌ها به‌عنوان ابزاری برای گسترش دموکراسی و ارزش‌های غربی استفاده کند. با توجه به پیشینه شکل‌گیری انقلاب‌های رنگی، می‌توان به نمونه‌های مختلفی اشاره کرد که هر یک به گونه‌ای تحت تأثیر سیاست‌های ایالات متحده قرار داشته‌اند. از جمله این نمونه‌ها می‌توان به انقلاب‌های صربستان، گرجستان، اوکراین، ارمنستان، قرقیزستان، مصر و تونس اشاره کرد. هر یک از این کشورها با چالش‌های ویژه خود روبرو بوده و واکنش‌های متفاوتی به مداخله‌های خارجی نشان داده‌اند.

سیاست‌های آمریکا در ارتباط با دموکراتیک‌سازی به‌ویژه در دوران پس از جنگ سرد، به‌طور قابل توجهی تغییر کرده است. ایالات متحده با استفاده از ابزارهایی مانند کمک‌های مالی، آموزش و مشاوره به گروه‌های مخالف و حمایت از رسانه‌های مستقل، در ترویج دموکراتیک‌سازی در این کشورها کوشیده است. این سیاست‌ها که با هدف گسترش دموکراسی و حقوق بشر طراحی شده‌اند، در عمل با واکنش‌های منفی از سوی روسیه روبرو بوده است. واکنش روسیه به انقلاب‌های رنگی، به‌ویژه در کشورهای همسایه، نشان‌دهنده نگرانی‌های امنیتی و سیاسی این کشور است. روسیه به‌شدت نگران است که این انقلاب‌ها به تضعیف نفوذ آن در منطقه و افزایش نفوذ غرب منجر شوند. به همین دلیل روسیه تلاش کرده است با استفاده از ابزارهای دیپلماتیک، اقتصادی و حتی نظامی از این انقلاب‌ها جلوگیری کند و به گونه‌ای به تثبیت رژیم‌های موجود کمک کند.

سرانجام، تأثیر انقلاب‌های رنگی بر روابط روسیه و ایالات متحده به‌روشنی نشان‌دهنده

تنش‌های کنونی در نظام بین‌الملل است. این انقلاب‌ها نه تنها به تغییرهای سیاسی در کشورهای هدف منجر شده‌اند، بلکه روابط دو کشور را نیز زیر تأثیر قرار داده و به افزایش رقابت و تنش‌ها در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی دامن زده‌اند. به‌طور کلی می‌توان گفت که رویارویی روسیه و آمریکا در زمینه سیاست‌های ترویج دموکراتیک‌سازی و برپایی انقلاب‌های رنگی، نمایانگر یک رقابت راهبردی در سطح جهانی است که پیامدهای آن می‌تواند بر امنیت و ثبات جهانی تأثیرگذار باشد.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی دارد.
مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.
تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.
تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

- رحمانی، خالد، صالحی، سهراب و مرادی، مریم (۱۴۰۲). پروژه دموکراسی‌سازی آمریکا در طرح خاورمیانه بزرگ. *سیاست پژوهی ایرانی*، ۱۰ (۱)، ۹۰-۶۹.
<https://sanad.iau.ir/journal/se/Article/687227?jid=687227>
- سبزه‌ای، محمدتقی (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی انقلاب و انقلاب‌های اجتماعی*. کرمانشاه: دانشگاه رازی.
- کولایی، الهه (۱۳۹۱). *افسانه انقلاب‌های رنگی*. تهران: نشر میزان.
- کولایی، الهه (۱۳۹۴). تغییرات روابط ایالات متحده و فدراسیون روسیه در دوره مدودیف. *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، ۱۲ (۳)، ۴۲-۱۵.
https://www.isjq.ir/article_93112.html
- کولایی، الهه و حضرت پور، سعیده (۱۳۹۳). ریشه‌های داخلی و خارجی انقلاب ۲۰۱۱ در تونس. *سیاست جهانی*، ۲ (۳)، ۳۴-۷.
https://interpolitics.guilan.ac.ir/article_163.html
- کولایی، الهه و رواء، سارا (۱۳۹۴). عوامل دگرگونی آیین نظامی فدراسیون روسیه. *سیاست خارجی*، ۳ (۲۹)، ۱۳۳-۱۵۰.
http://fp.ipisjournals.ir/article_21428.html
- کولایی، الهه و عابدی، عقیفه (۱۳۹۷). مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی سیاست خارجی روسیه. *ژئوپلیتیک*، ۱۴ (۴۹)، ۲۵-۱.
doi: 20.1001.1.17354331.1397.14.49.1.7

- کولایی، الهه و سعدالدین، سیکا و خان محمدی، زهره (۱۴۰۱). *اسناد راهبردی فدراسیون روسیه (۲۰۲۲-۱۹۹۳)*، (گردآوری و ترجمه) تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کولایی، الهه، اسلامی، محسن و اصولی، قاسم (۱۳۹۵). *کنشگری امنیتی روسیه در قفقاز جنوبی. فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، ۹۷، ۲۲(۹۵)، ۱۳۶-۹۷. http://ca.ipisjournals.ir/article_24334.html.
- کولایی، الهه و نائینی، امین. (۱۳۹۹). *تأثیر رقابت خاورمیانه‌ای روسیه و ایالات متحده آمریکا بر جایگاه منطقه‌ای ایران (۲۰۱۱ - ۲۰۱۹)*. *تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، ۴۵، ۱۶-۱. <https://civilica.com/doc/1384613>
- کولایی، الهه و عابدی، عقیقه. (۱۳۹۶). *فراز و فرود روابط ایران و روسیه ۲۰۱۶ - ۱۹۹۰*. *مطالعات روابط بین‌الملل (پژوهشنامه روابط بین‌الملل)*، ۱۰(۴۰)، ۱۶۴ - ۱۳۵. <https://sid.ir/paper/247535/fa>
- متقی، ابراهیم و شهرابی فراهانی، محبوبه (۱۳۹۱). *جنگ نرم و انقلاب‌های رنگی آمریکا در کشورهای در حال گذار. سیاست*، ۴۲(۳)، ۲۲۵ - ۲۰۷. doi: 10.22059/jpq.2012.29995
- Abdou, D. & Zaazou, Z. (2013). *The Egyptian rRevolution and Post Socio-Economic Impact*. *Topics in Middle Eastern and African Economies*, 15(1), 92-115. https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2848704
- Bakr, N. (2012). *The Egyptian Revolution*, https://www.um.edu.mt/library/oar/bitstream/123456789/39509/1/The_Egyptian_revolution_2012.pdf (Accessed on June 17, 2023).
- Barrie, C. (2023). *The Process of Revolutionary Protest: Development and Democracy in the Tunisian Revolution*. *Perspectives on Politics*, 1-19. DOI: <https://doi.org/10.1017/S1537592723002062>
- Beat, J. (2012). *Rethinking Democracy Promotion*. *Review of International Studies*, 38(4), 685-705. DOI: <https://doi.org/10.1017/S0260210511000763>
- Cooley, A. (2012). *These Colors May Run: The Backlash Against the U.S. Backed 'Democratic Revolutions' in Eurasia*. *PonarsEurasia - Policy Memos*.
- Danyuk, N. (2018), *Нукита Данюк: Геополитика и геэкономика "цветных революций"*, Часть третья. [Geopolitics and geo-economics of "color revolutions". Part three], Institute for Strategic Studies and Predictions. <http://isip.su/ru/articles/206>
- Delcour, L. & Wolezuck, K. (2015). *Spoiler or Facilitator of Democratization? Russia's Role in Georgia and Ukraine*. *Democratization*, 22(3), 459-478. <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/13510347.2014.996135>
- Derluigian, G. (2010). *The Color Revolutions Betrayed*. Northwestern University, No.

- 100, 1-6. https://ponarseurasia.org/wp-content/uploads/attachments/pepm_100.pdf
- Dobayev, I. (2023), «Цветные революции» в геополитических трансформациях на постсоветском пространстве, [“Color Revolutions” in Geopolitical Transformations in the Post-Soviet Space], No. 1, 9-18, DOI: 10.31249/rimm/2023.01.01.
- Elamiryan, R. & Sikharulidze, A. (2024), *Colored Versus Velvet: Revolutions in Georgia and Armenia*. in: *The ‘New’ Geopolitics in the Caucasus: What Role for the EU?* (pp. 77-97).
- Erol, M. S. & Oğuz, Ş. (2023). *Changes in the Geopolitics of Central Asia in the Post-Cold War Era*. *Tesam Akademi Dergisi*, 10(1), 75-91. <https://acikerisim.kapadokya.edu.tr/xmlui/handle/20.500.12695/1981>
- Finkel, E. & Brudny, Y. M. (2014). *No More Colour! Authoritarian Regimes and Colour Revolutions in Eurasia*. in: *Coloured Revolutions and Authoritarian Reactions* (pp. 1-14), Routledge. <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/13510347.2012.641298>
- Goldstone, J. A. (2009). *Rethinking Revolutions: Integrating Origins, Processes, and Outcomes*. *Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East*, 29, 18 - 32. https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1531915
- Inanlo, A. (2019), *Armenia 2018; People’s Revolution and Hope for a Better Future*, <https://www.irna.ir/news/83154661>
- Ivanov, Y. (2022), *Revolutions in Kyrgyzstan*, in: *Handbook of Revolutions in the 21st Century: The New Waves of Revolutions, and the Causes and Effects of Disruptive Political Change*, (pp. 517-547), Cham: Springer International Publishing.
- Khodunov, A. (2022). *Revolutions in the 21st Century: The New Waves of Revolutions, and the Causes and Effects of Disruptive Political Change*. Cham: Springer International Publishing.
- Kozłowski, K. (2016). *The Colour Revolutions in the Post-Soviet Space: Illusion and Reality of Post-Soviet Civil Disobedience*, Warsaw School of Economics.
- Kukeyeva, F. (2006). *Color Revolutions in Central Asia and the U.S. Position*. *Taiwan International Studies Quarterly*, 2(2), 81-96. <https://www.tisanet.org/quarterly/2-2-5.pdf>
- Lane, D. (2009). ‘Coloured Revolution’ as a Political Phenomenon. *Journal of Communist Studies and Transition Politics*, No. 25, 113-135. <https://www.tandfonline.com/doi/pdf/10.1080/13523270902860295>
- Lane, D. & White, S. (2010). *Rethinking the Coloured Revolutions*, London: Routledge.
- Lundstedt, T. (2021). *The Destruction of Statehood and the Color Revolutions under*

Russian International law Doctrine. Groningen Journal of International Law, 8(2), 228-243. <https://helda.helsinki.fi/server/api/core/bitstreams/97bc858f-e9ce-4b4d-a036-4d0a1b66fab7/content>

- Mikayelan, S. (2024). *The Geopolitics of Color Revolutions: The Role of 21st Century Color Revolutions in Post-Soviet Eurasia in the Political Competition between Russia and the West*.

- Mitchell, L. A. (2012). *Color Revolutions*. Philadelphia: Philadelphia University Press.

- Minkina, M. (2021). *Color Revolutions as a Threat to the Security of the Russian Federation: An Analysis of the Russian Perspective*. Theoretical Social Minerva. <https://apcz.umk.pl/TSM/article/view/34176>

- Naumov, A. O. (2016). "Bulldozer Revolution in Serbia in 2000: The Technologies of the Regime's Change", St Petersburg State University, 6(4), 119-135. https://www.researchgate.net/publication/338619522_Bulldozer_Revolution_in_Serbia_in_2000_the_Technologies_of_the_Regime's_Change

- Robinson, W. I. (2004). *What to expect from U.S. democracy promotion in Iraq*. New Political Science, 26(3) 441-448. https://robinson.faculty.soc.ucsb.edu/Assets/pdf/new%20pdfs/democracy_promotion.pdf

- Russian Federation (2014). *Military Doctrine of the Russian Federation*, <https://www.rusemb.org.uk/press/2029>.

- Russian Federation (2016). *Foreign Policy Concept of the Russian Federation*, https://www.mid.ru/en/foreign_policy/official_documents/_asset_publisher/CptICkB-6BZ29/content/id/2542248.

- Russian Federation (2021). *National Security Strategy of the Russian Federation*, Retrieved from https://www.mid.ru/en/foreign_policy/official_documents/_asset_publisher/CptICkB6BZ29/content/id/4512330.

- Садыкова, Р. Тултемирова, Г. & Арапова, М. (2023). *Геополитические и геоэкономические аспекты "цветных" революций*. Бюллетень науки и практики, 9(2), 365-376.

- Saidin, M. I. S. (2018). *Rethinking the 'Arab Spring': The Root Causes of the Tunisian Jasmine Revolution and Egyptian January 25 Revolution*. International Journal of Islamic Thought, 13, 69-79. https://www.researchgate.net/publication/326185188_Rethinking_the_'Arab_Spring'_The_Root_Causes_of_the_Tunisian_Jasmine_Revolution_and_Egyptian_January_25_Revolution

- Sivış, E. (2020). *Ukraine's Orange Revolution and Foreign Policy of the U.S.*

Anemon Muş Alparslan Üniversitesi Sosyal Bilimler Dergisi, 8(2), 513-521.
<https://www.everycrsreport.com/reports/RL32845.html>

- Solovei, V. (2015). *Color Revolutions and Russia. in: Democracy in a Russian Mirror*, (pp. 78-92), Cambridge University Press.

- Ünalçılar Kocamaz, S. (2019). *The Rise of New Powers in World Politics: Russia, China, and the Shanghai Cooperation Organization. Uluslararası İlişkiler*, 16(61), 127-141. <https://dergipark.org.tr/tr/download/article-file/673710>

- Wilson, J. L. (2010). *The Legacy of the Color Revolutions for Russian Politics and Foreign Policy. Problems of Post-Communism*, 57(2), 21-36.
<https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.2753/PPC1075-8216570202>

ایدئولوژی‌های مدرن و تفکر انقلابی علی شریعتی

فردین قریشی^۱

Doi: 10.22034/FADEMO.2023.402884.1010

خدیجه میری^۲

چکیده: شریعتی یکی از نظریه‌پردازان اصلی انقلاب اسلامی است و کار اصلی او طرح مکتب اسلام به مثابه یک ایدئولوژی انقلابی بوده است. برای درک ابعاد این ایدئولوژی، بررسی میزان تأثیرپذیری شریعتی از ایدئولوژی‌های رقیب سودمند است. در همین چهارچوب، هدف این مقاله بررسی چگونگی تأثیرات ایدئولوژی‌های ناسیونالیسم، سوسیالیسم و مارکسیسم بر اندیشه‌ورزی علی شریعتی است. روش کار استناد به داده‌های تاریخی و تحلیل محتوای کیفی است. نتایج تحقیق حاکی از تأثیر الهام‌بخش این ایدئولوژی‌ها بر ساختار تفکر علی شریعتی در تدوین ایدئولوژی انقلاب اسلامی است.

کلیدواژه‌ها: انقلاب، ایدئولوژی، دموکراسی متعهد، سوسیالیسم، مارکسیسم، ناسیونالیسم.

مقدمه و بیان مسئله

علی شریعتی کار جدی خود را در عرصه نظریه‌پردازی از اواسط دههٔ چهل شروع کرد و زمانی که هنوز سیطرهٔ ایدئولوژی چپ در جهان پابرجا بود، چشم از جهان فرو بست. شریعتی در همین دورهٔ کوتاه تقریباً ده‌ساله برجسته‌ترین متفکر باز ساز اندیشهٔ دینی در محافل نوگرایان مذهبی شد. او تمام تلاش خود را مصروف احیای ابعاد ایدئولوژیک اسلام کرد. دستگاه تئوریک او در این زمینه بیش از هر کس دیگری منسجم، جذاب و درعین حال غنی و پرمعناست. به لحاظ

۱. استاد گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
ghoreishi3583@ut.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.
kadije.miri1372@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۷

دوفصلنامه انقلاب پژوهی | سال دوم، شماره ۳ | بهار و تابستان ۱۴۰۳ | صفحات ۶۵-۵۱

<https://trs.ri-khomeini.ac.ir/>

تأثیرات ایدئولوژیک باید او را به عنوان یکی از چهره‌های برجسته انقلاب و از نظر نقش آفرینی انقلابی پس از امام خمینی در رتبه دوم قرار داد. اهمیت کار شریعتی سبب توجه پژوهشگران بسیاری به بررسی اندیشه‌های وی شده است^۱ که مرور و نقد آثار آنان می‌تواند موضوع پژوهش مستقلی باشد. در این میان به لحاظ ضرورت درک تحلیلی تلاش فکری شریعتی، هدف اصلی این مقاله معطوف به بررسی نحوه تأثیرپذیری شریعتی از ایدئولوژی‌های مدرن رقیب است. لذا با تکیه بر امکانات روش بررسی تاریخی و روش تحلیل محتوای کیفی، تأثیر ایدئولوژی‌های ناسیونالیسم، سوسیالیسم و مارکسیسم، بر تفکر علی شریعتی بررسی می‌شود.

پیشینه پژوهش

از جمله کتاب‌هایی که به حوادث سیاسی - اجتماعی زمان علی شریعتی پرداخته است کتاب جامعه‌شناسی توسعه فرهنگی کندوکاوها و پنداشته‌های شریعتی (۱۳۸۲) است. نویسنده معتقد است یک قرن قبل از ظهور شریعتی در زمان قاجار یک سری تحولات فکری در مردم ایران ایجاد می‌شود که این تحولات موجب تغییراتی در شکل حکومت می‌گردد زمینه ایجاد این تحولات فکری مرتبط با دو جریان فکری است که تقریباً در یک زمان پا به میدان گذاشته بودند. نخستین جریان فکری، جریان مذهبی نوگراست. پیش‌تاز این جریان سید جمال‌الدین اسدآبادی است که زنگ بیداری را در جوامع اسلامی بالأخص ایران به صدا درمی‌آورد او و هم‌زمانش تمام تلاش خود را جهت بیداری مسلمانان و برانگیختن آن‌ها در مقابل استبداد مطلقه به کار می‌برند. جریان دوم جریانی تجددطلب است، این جریان از زمانی آغاز می‌شود که رابطه ایران با اروپا در حال گسترش است در چنین شرایطی تعدادی از جوانان برای تحصیل به اروپا می‌روند و در زمینه علوم و فناوری با دستاوردهای نوین غرب آشنا می‌شوند و درصدد یافتن علت پیشرفت غرب و عقب‌ماندگی جامعه خویش برمی‌آیند آنان به این نتیجه می‌رسند که جوامع اروپایی به دلیل تفاوت اساسی در شیوه حکومت و کشورداری توانسته‌اند به این مرحله از پیشرفت صنعتی و علمی برسند؛ بنابراین آن‌ها نیز تحت تأثیر فرهنگ سیاسی غرب درصدد محدود کردن حکومت مطلقه فردی و جایگزینی نظام پارلمانی و قانونی به جای استبداد برمی‌آیند و اندیشه‌های قانون‌گرایی و آزادیخواهی را در جامعه ایران رواج می‌دهند. در واقع شریعتی تحت تأثیر این جریانات فکری است. با توجه به اینکه این کتاب به جریانات فکری اشاره دارد و این مطالب یکی از جریانات تأثیرگذار بر شکل‌گیری افکار شریعتی است.

۱. از جمله می‌توان به کارهای عبدالکریم سروش، هاشم آقاچری، حامد الگار، شاهرخ اخوی، عبدالعزیز ساشه‌دینا، مهرزاد بروجردی، بیژن عبدالکریمی، عباس منوچهری و... اشاره کرد.

درواقع عوامل دیگری در شکل‌گیری افکار شریعتی مؤثر است که در اینجا بحث نشده است. کتاب مجموعه مقالات همایش علمی شریعتی و دانش تاریخ دارای مقالات متعددی است از جمله این مقالات، مقاله «شریعتی «نفی فردیت» و انقلاب اسلامی» خستو، (۱۳۹۵) و مقاله دیگر «شریعتی و دانش تاریخ» شریعتی، (۱۳۹۵). در مقاله اخیر به موضوعات متفاوتی اشاره شده و به تأثیرپذیری شریعتی از نظریه پردازانی از جمله مارکس پرداخته شده است؛ اما به عوامل دیگری که بر شریعتی مؤثر بوده‌اند پرداخته نشده است.

کتاب *از فراسوی مرزها (بازتاب جهانی اندیشه‌های شریعتی)* شامل مجموعه مقالاتی است که ترجمه شده‌اند از جمله این مقالات مقاله «روشنفکر، اسلام و نوسازی در اندیشه‌های هیکل و شریعتی» چارلز دی، (۱۳۸۳) است و به بررسی آرای شریعتی با کسان دیگری مثل هیکل مصری متمایل به لیبرالیسم پرداخته است.

طرحی از یک زندگی (۱۳۷۶) اثر پوران شریعت رضوی کتابی است که خواننده را با زندگی شخصی، اجتماعی و سیاسی شریعتی آشنا می‌کند و ویژگی‌های شخصیتی وی را بیان می‌کند. البته این کتاب تنها به مسائل خانوادگی بسنده نمی‌کند، بلکه به حوادث و رویدادهای اجتماعی و سیاسی مختلفی می‌پردازد که در مقاطع مختلف سنی شریعتی روی داده است و این به شفاف شدن قسمتی از رخدادها به ما کمک می‌کند.

زمینه تاریخی

محیط اجتماعی دوران کودکی شریعتی با بی‌سوادی، خرافات، فقر و ستم و استبداد و استثمار عصر پهلوی آمیخته بود. بی‌توجهی دولت به فقر و ایجاد یک سیستم غیرعادلانه تأثیر عمیقی بر ذهن او به‌جای گذاشت و موجب شد نفرت عمیقی از این سیستم پیدا کند. نگرانی عمیق او نسبت به سرنوشت بشریت و فقرا و مبارزه‌اش با سیستم در عموم سخنرانی‌ها و نوشته‌هایش انعکاس دارد. او در دوران کودکی و جوانی‌اش شاهد اوضاع نابسامان دو پادشاه پهلوی بود که به گفته خودشان اصلاحات اجتماعی و آموزشی خاصی را دنبال می‌کردند؛ اما از نظر دیگران این اقدامات کشور را به‌جانب اسارت سوق می‌داد و مردم ایران را از سنت‌های قومی، روح و فرهنگ و ارزش‌های خود بیگانه می‌کرد. در این زمان در نظام رسمی، نسلی پرورش می‌یافت که به نحو عمیقی مجذوب غرب و برخی از ایدئولوژی‌های مسلط آن شده بود. جوانان تحصیل کرده در اثر جریان جدایی مذهب از سیاست و گرایش به سوی نوگرایی تماس خود را با مذهب قطع کرده بودند. شریعتی از اوایل دهه ۱۳۳۰ وارد عرصه مبارزات سیاسی شد که به دستگیری او انجامید. شریعتی پیرو مصدق بود. مصدق

مظهر فردی مبارز در برابر استعمارگران و دادخواه مردم محروم و زجر دیده بود. شریعتی با استعمارگران و سلطه آنان مخالف بود. تحصیل و اقامت شریعتی در فرانسه نیز با دوران پر آشوب انقلاب الجزایر همراه بود که طی آن احزاب و گروه‌های مختلف فرانسه و حتی دانشمندان و جامعه‌شناسان مواضع مختلف مثبت و منفی در رابطه با سرنوشت مردم مسلمان تحت انقیاد امپریالیسم فرانسه اتخاذ می‌کردند. شریعتی تمام فکر و ذهن خود را متوجه اتفاقاتی کرد که در الجزایر می‌گذشت؛ زیرا هرگز خود را از مبارزات مردم مسلمان این کشور جدا احساس نمی‌کرد و خودش را شریک سرنوشت آن‌ها می‌دانست. انقلاب خونین الجزایر بسیار مهم بود. مبارزه امپریالیستی در الجزایر کم سابقه بود. ده میلیون مسلمان اعم از روستائیان، کوه‌نشینان و تمامی جمعیت کشور با یکی از قدرتمندترین ارتش‌های امپریالیستی و با ماشین جنگی پانصد هزار نفره ارتش فرانسه وارد جنگ شدند. مردم الجزایر یک میلیون شهید دادند و سرانجام دشمن را وادار به عقب‌نشینی کردند و او را به زانو درآوردند (احمدی، ۱۳۷۴، ص. ۲۸).

پدر شریعتی، محمدتقی شریعتی، بنیان‌گذار «کانون نشر حقایق اسلامی» در مشهد و یکی از بنیان‌جنبش روشنفکری اسلامی ایران بود. او به‌طور مدام چهل سال در تبلیغ منطقی، علمی و مترقیانه مذهب خدمات درخشانی ارائه داد. او به‌ویژه در پیشاپیش صف کسانی قرار داشت که تلاش می‌کردند جوانان تحصیل کرده جدید را به اسلام برگردانند و آن‌ها را از ماتریالیسم ستایش غرب و دشمنی با مذهب بازدارند. اشاره به تأثیر پدر شریعتی از آنجا صورت می‌گیرد که به شناخت ابعاد مختلف زندگی شریعتی کمک می‌کند (احمدی، ۱۳۷۴، صص. ۲۴ - ۲۳). در سال ۱۳۲۳ کانون نشر حقایق اسلامی رسماً در مشهد افتتاح شد. هدف اصلی این کانون، جلوگیری از رشد عقاید الحادی بود که به وسیله کمونیست‌ها ترویج می‌شد (احمدی، ۱۳۸۳، صص. ۱۹ - ۱۷). علی شریعتی متأثر از پدرش، چالش با اندیشه‌های رقیب را در دستور کار فکری خویش قرار داد.

ناسیونالیسم

ناسیونالیسم به یک معنا ایدئولوژی خودیابی، نفی وابستگی به بیگانگان و تلاش در تقویت استقلال و پیشرفت ملت خویش است. این ایدئولوژی از عوامل فکری تأثیرگذار بر تکوین تفکر انقلابی شریعتی بوده است. دوران دانشجویی شریعتی در ایران با اوج مبارزات میهنی ملت ایران به رهبری مصدق مصادف بود. مصدق مظهر مبارزه و مقاومت یک ملت محروم و زجر دیده در مقابل استعمارگران و استثمارگران عالم بود. مصدق سال‌ها علیه استبداد داخل و استعمار خارجی مبارزه می‌کرد و سرانجام پس از یک سری مبارزات درخشان و پیرومند برای قطع دست کارتل‌های نفتی در ایران در اسفند ۱۳۲۹ نفت را ملی کرد.

او به مقام نخست‌وزیری رسید و همه امید و آرزوی مردم ایران در مصدق متبلور شد. علی شریعتی در مبارزات میهنی مصدق همراه با پدرش که از سران جبهه ملی^۱ در خراسان بود شرکت داشت (قنبری، ۱۳۸۱، صص. ۲۰۹-۱۱۰). او در راهپیمایی‌هایی که برای بزرگداشت مصدق سازمان‌دهی شده بود شرکت می‌کرد و حتی به اتهام تبلیغ به نفع مصدق بازداشت شد (احمدی، ۱۳۸۳، صص. ۳۰-۲۷). هم‌زمان با نهضت ملی شدن صنعت نفت، کانون نشر حقایق اسلامی تأسیس شده بود. شریعتی به عضویت این کانون درآمد و به تدریج حوزه فعالیت این کانون از محدوده آموزش به برگزاری تجمعات عمومی و راهپیمایی‌ها و تظاهرات تبدیل شد و شریعتی در نبود پدرش برای حضار سخنرانی می‌کرد (رهنما، ۱۳۸۵، صص. ۴۵-۴۲).

تجربه کودتا حس ستیز با سلطه‌گری بیگانگان را در شریعتی تقویت کرد. شریعتی بین سال‌های ۱۳۳۷ - ۱۳۳۵ اساساً دل‌مشغول خودسازی و پی بردن به مسائل وجودی و معنوی خود و در پی جواب «من کیستم» بود. شریعتی که می‌خواست هویت خود را پیدا کند، عمیقاً از مصدق متأثر شده بود و سقوط مصدق سخت او را غمگین ساخت. شریعتی عشق و دل‌بستگی به آزادی داشت و مصدق را رهبری قلمداد می‌کرد که به طول هفتادسال برای آزادی‌اش نالیده بود و این کودتا به طرفداران مصدق این درس را می‌داد که به آنچه سبب بدبختی و استیصال ایران شده است آگاه شوند (احمدی، ۱۳۷۴، صص. ۶۵-۴۵). در واقع شریعتی که متعلق به نسل ۱۳۲۰ بود، در این سال‌ها دردهای زیادی کشیده بود. در این زمان، استبداد سلطنتی که دست در دست استیلای خارجی به غارت از منابع طبیعی ایران پرداخته بود، به دین و ایمان مردم هم هجوم برده بود. در دوران رضاشاه صحبت‌های زیادی در مورد ملیت و ایران می‌شد و تبلیغ‌هایی هم صورت می‌گرفت. این در حالی بود که رضاشاه خود با کودتای بیگانگان سرکار آمده بود و سرنوشت مملکت را دولت بیگانگان تعیین کرده بود؛ اما زنده کردن فرهنگ ایران باستان شرایط جدیدی را برای تغییر فراهم می‌ساخت.

در دهه سی نیروهای طرفدار مصدق به نهضت‌های مخفی روی می‌آوردند و در مشهد نهضت مقاومت بخش اعظم حزب‌های طرفدار مصدق را به خود جذب کرده بود (رهنما، ۱۳۸۵، ص. ۸۷). شریعتی و پدرش در استان خراسان در به راه انداختن مردم در نقش مهمی ایفا

۱. جبهه ملی اول در آبان ۱۳۲۸ به رهبری مصدق تشکیل شد و غیر از مصدق چهره‌های شاخص دیگری همچون خلیل ملکی و کاشانی در آن حضور داشتند. این جبهه مجمع مبارزین مسلمان و گروه ملی را تشکیل می‌دادند و جبهه ملی دوم هم هفت سال بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تشکیل شد. حزب ایران، حزب مردم ایران، حزب ملت ایران و حزب سوسیالیست احزاب تشکیل‌دهنده آن بودند. اهداف این جبهه اعاده حقوق اساسی فردی و اجتماعی، دولتی و قانونی و داشتن سیاست خارجی مستقل بر اساس منافع ملی بود.

کردند. شریعتی که از غرب و استعمار بیزار بود و فرهنگ غربی را نمی‌پسندید، متأثر از دین بود و معتقد بود روشنفکرانی را که در پی تقلید از غرب و دستاوردهای آنان هستند، باید از افراد اصیل جدا کرد.

شریعتی درباره نفی تقلید از غرب می‌گوید:

اومانسیم، انترناسیونالیسم امروزه یک دروغ بزرگی است که می‌خواهد شخصیت فرهنگی و وجودی همه ما را نفی کند تا در یک بشریت موهوم دروغینی که وجود ندارد نفی شویم. اصالت بشری یعنی شرکت همه ملت‌ها در یک معنی، در یک حقیقت، یعنی شریک شدن انسانی که دستش خالی است با انسان سرمایه‌دار. ما که بومی هستیم، خالی از خویش هستیم. بی‌فرهنگ هستیم. با تو که همه وجود مال توست و آن وقت رابطه ما رابطه آقا و نوکر می‌شود؛ رابطه‌ای که یک طرف آن تهی دست، کارگر و ابزار است و طرف دیگر ثروتمند و سرمایه‌دار؛ بنابراین فقط غربی وجود دارد و به قول سارتر از نظر استعمارگر فقط پانصد میلیون انسان وجود دارد و دو میلیارد و پانصد میلیون دیگر بومی هستند... پس اگر شرقی بخواهد خودش را بر اساس اصالت اومانستی، اصالت انسان غربی شریک کند، خودش را در یک نظام موهوم بشر پرستی دروغین و فانتزی حل کرده و شخصیت وجودی و اصالت خویش را نفی نموده. تا وقتی که به قول آن‌ها بومی هستیم و آن‌ها انسانند، هرگونه شریک بودن اومانستی به آن‌ها خیانت است به وجود خودمان و باید جدا شویم و از آنان بپرهیزیم؛ چون در این معادله، رابطه آن‌ها با ما رابطه استعمارگر و استعمار زده است. در جهان، رابطه بین آن کسی که می‌مکد و آن کسی که مکیده می‌شود، آن کسی که فقط تولید می‌کند و آن کسی که مصرف می‌کند، آن کسی که گوش کند، آن کسی که باید حرف بزند، رابطه دو قطب متضاد است. پس در حقیقت رابطه نیست و پیوند دروغینی است که وجود ندارد (شریعتی ۱۳۸۵، صص ۳۱-۲۹).

شریعتی عنصر استعمار فرهنگی را عامل عمده و اصلی از خودبیگانگی مردم معرفی می‌کند (سعیدی، ۱۳۷۶، صص. ۱۴۶ - ۱۴۲). از نگاه او استعمار در چهره‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نمایان می‌شود. ولی آنچه بیش از همه ویرانگر است، چهره فرهنگی و به عبارتی بهتر ضد فرهنگی آن است و این قضاوت آن گروهی است که اساساً به آگاهی و فرهنگ بیشتر می‌اندیشند تا به سیاست. شکی نیست که هدف استعمار پول است؛ ولی پول هرگز به‌طور مجرد وجود ندارد و همیشه بر گرد آن انبوهی از مسائل انسانی و اجتماعی و سیاسی و اخلاقی

و فرهنگی نیز مطرح می‌شود، ایده «بازگشت به خویش» شریعتی مهم‌ترین حربه برای مبارزه با استعمار فرهنگی غرب است.

شریعتی می‌گوید:

برخلاف خیلی از کسانی که هم‌فکر من هستند، من تقلید از غرب را نفی نمی‌کنم، بلکه معتقدم آنچه الان به نام تقلید از غرب مطرح شده، تقلیدی کاذب و دروغین از غرب است. تقلیدی است که غرب ما را دعوت می‌کند که آن‌جور از آن تقلید کنید، نه تقلیدی که خودمان برای رسیدن به آنچه غرب رسیده انتخاب کرده‌ایم. دو جور تقلید داریم: یکی کسی است که من مقلد بارش آورده‌ام و جوری تربیت کرده‌ام که کورکورانه آن‌چنان که من دلم می‌خواهد از من تقلید کند که تقلید یک نوکر از اربابش است که تقلید نوکر از ارباب یک تقلید کورکورانه است؛ بی‌چون‌وچراست و بدون شرط؛ این تقلید جوری است که خصوصیاتش را ارباب تعیین و بر او تحمیل کرده و به شکلی است که این نوکر هرچه بیشتر در تقلید پیش برود، در نوکرماندنش تثبیت می‌شود؛ اما تقلید دوم که من آن را مطرح می‌کنم، نمی‌گویم بی‌آنکه قدرت استدلال علمی پیدا کنیم مستقل شویم. پیش از آنکه بی‌نیاز شویم، اصلاً غرب را نادیده بگیریم و دنیای امروز و تمدن را نفی کنیم، نه چنین ... [کاری] دعوت به ارتجاع است و ندیده گرفتن واقعیت‌های موجودی است که در برابرمان است و خود را بر ما تحمیل می‌کند. بدین شکل تقلید بکنیم که ببینیم این آقا که الان ارباب است، از چه مسیری و با چه عملی و با چه طرز فکری و با چه پرورشی و روحیه‌ای و نگرشی و بینشی و با چه جهان‌بینی و کوششی و با چه گذشته‌ای به اربابی رسیده است. بعد من آن مسیر را، آن شرایط و آن علل را که او را به ارباب‌شدن رسانده باید بگیریم، بشناسم و تقلید کنم (شریعتی، ۱۳۸۰، صص. ۱۳۰-۱۲۹).

۵۷

با توجه به نکات فوق، تأثیر ناسیونالیسم بر اندیشه شریعتی قابل استنباط است. از آنجا که ناسیونالیسم بعد از جنگ جهانی دوم به یک ایدئولوژی برتر تبدیل شده بود و در دهه‌های پنجاه و شصت میلادی به لحاظ تأثیرگذاری بر تحولات اجتماعی، از دیگر ایدئولوژی‌ها پیشی گرفته بود، این تأثیر با تحولات اجتماعی در جهان به نحو وثیقی در ارتباط بوده است (قریشی، ۱۳۹۰، صص. ۱۷۶-۱۷۳).

سوسیالیسم

در دوره اندیشه‌ورزی شریعتی، سوسیالیسم نیز یکی از ایدئولوژی‌های قدرتمند و مؤثر جهان بوده است. تفکر سوسیالیستی به حدی در شریعتی مؤثر بود که مفاهیم اسلامی را با سمت و سوی این ایدئولوژی تبیین می‌کرد. او عدالت سوسیالیستی را مقیاسی برای سنجش حقیقت امور و تشخیص تفسیر صحیح از دیانت معرفی می‌کرد (زکریایی، ۱۳۷۴، صص. ۷۴ - ۳۷). شریعتی می‌گوید:

ابوذر برای توسعه اشتراکیت اقتصادی و سیاسی اسلام می‌کوشید و دستگاه عثمان اشرافیت را زنده می‌کرد. ابوذر اسلام را پناه در ماندگان و ستم‌دیدگان و مردم محروم می‌دانست و عثمان آن را آلت سرمایه‌داری و سنگر حفظ منافع رباخواران و ثروتمندان و اشراف ساخته بود... مبارزه میان ابوذر و عثمان در گرفت و ابوذر در آخر جاننش را در همین راه باخت. ابوذر فریاد می‌زند این سرمایه‌ها، این ثروت‌ها و سیم و زرهایی که اندوخته‌اید باید میان همه مسلمانان به تساوی تقسیم گردد. باید در سایه برابری و رژیم اقتصادی و اخلاقی اسلام همه از مواهب زندگی برخوردار باشند. ولی عثمان اسلام را در انجام تشریفات و مراسم ظاهری و تظاهر به تقوا و تقدس می‌دانست و دین را در فقر اکثریت و غنای اقلیت دخالت نمی‌داد (شریعتی، ۱۳۸۷، صص. ۱۱ - ۱۳).

شریعتی که بر بُعد دنیوی عدل تأکید داشت، عدالت اجتماعی را به معنای توزیع عادلانه امکانات اقتصادی در جامعه تلقی می‌کرد. از نگاه او عدالت اجتماعی هدف اصلی اسلام است. شیعه، آزادی توده‌های محروم است. یک ایدئولوژی انقلابی است. او بیان داشت که جامعه عادلانه، جامعه‌ای است که اساساً بی‌طبقه باشد. او به رعایت برابری بین افراد جامعه معتقد بود. مفهوم قرآنی قسط به معنای بهره‌مندی کلیه افراد از کار و حقوق برابر است. او رفتار حضرت علی را مورد توجه قرار می‌دهد. حضرت علی رهبری جامعه را پذیرفت تا ثابت کند هدف اسلام برقراری عدالت است. وقتی حضرت به حکومت رسید، دستور توقف پرداخت وجوه را داد و مبنای جدیدی برای پرداخت آغاز کرد که بین همه افراد به صورت برابر توزیع شود (احمدی، ۱۳۸۳، صص. ۱۹۶ - ۱۹۴).

شریعتی معتقد است علی‌رغم اعتقاد مسلمین به ضرورت برقراری عدالت اجتماعی، نظام‌های مبتنی بر برابری و برادری واقعی اقتصادی در جوامع مسلمان نایاب بوده است. او در این خصوص مسئولیت را متوجه حکام و علما می‌داند. به نظر او فقه اهل سنت چون به حکومت‌ها وابسته بوده است، طبیعتاً مدافع طبقه حاکم یعنی اعیان و اشراف و ارباب شده است؛ طبقه‌ای که تکیه‌گاه

قدرت حاکم بوده و روحانیت و سلطنت دو بازوی او به شمار می‌رفته‌اند؛ اما فقه شیعه این‌طور نیست. چون همیشه در برابر حکومت‌های اسلامی رسمی جبهه‌گیری داشته و از قیدوبندهای سیاسی و دولتی آزاد بوده است. حامی حقوق مردم بوده است.

او در خصوص خصلت انقلابی تشیع توضیح می‌دهد:

تشیع از آغاز اسلام با تکیه بر عدالت، ولایت و امامت علی که نمونه برابری و مظهر خصومت آشتی‌ناپذیر با قدرت‌طلبی و سرمایه‌داری و بهره‌کشی و ظلم و جوهر ناب تقوای انسانی و اقتصادی و عدل قاطع و خشن و دفاع از طبقات مظلوم و ملت‌های محروم در نظام خلافت اسلامی است نماینده اسلام انقلابی و مردمی و ضد طبقاتی بود و اسلام که پس از پیامبر گرایش به راست را آغاز کرد تا جایی که با پیروزی عثمان و بالاخره استیلای معاویه، نظام اقتصادی و فرهنگی و اخلاقی اشرافیت جاهلی بر اسلام مستولی شد و نیرویی که در برابر این جریان به مقاومت فکری سیاسی پرداخت تشیع بود. نخستین پیروان علی^(ع) از میان اصحاب راستین پیامبر بودند؛ اصحابی که در اسلام نه تنها دین که عدل را نیز می‌جستند و می‌دانیم که در طول هزار سال پس از آن شیعه با تکیه بر علی^(ع) انقلابی و فاطمه معترض و حسین قائم و شهید همواره در برابر ظلمه که غاصبان حق‌اند قدی افراشته‌اند و سری شورش داشته و با دو شعار سیاسی و اجتماعی امامت و عدالت که معرف جبهه و جهت‌گیری نهضت خویش بوده است و رژیم‌های سیاسی و حکومت را نفی می‌کرد که غضب و سلطه جبارانه بوده است (شریعتی، ۱۳۸۸، صص. ۱۰۰ - ۹۷).

در دوره فعالیت شریعتی، پیروزی‌های پی‌درپی مارکسیسم در جهان موجی از انگیزه گرایش به آن و ایجاد هاله‌ای از حقانیت را برای راه آنان به وجود آورده بود. گرچه مارکسیسم بر بنیاد ماتریالیسم استوار بود، آنچه سبب پیشروی روزافزون آن در جهان به‌ویژه در جوامع عقب‌نگه‌داشته شده از جمله ایران شده بود، جنبه‌های فلسفی آن نبود، بلکه شعارهای عدالت اجتماعی آن بود که به خاطر فقر و بدبختی‌های ناشی از جنگ جهانی زمینه‌های مساعدی یافته بود. تنفر از دنیای سرمایه‌داری غرب به خاطر به وجود آوردن دو جنگ جهانی برای رقابت‌های امپریالیستی نیز زمینه دیگر نفوذ کمونیسم بود.

در این میان حرکت‌هایی نیز در جهت بازسازی تفکر اسلامی در همسویی جریان عدالت‌طلبی در جهان شکل گرفته بود. تکوین نهضت خداپرستان سوسیالیست از جمله همین حرکت‌هاست. خطوط فکری و سیاسی شریعتی به‌شدت وام‌دار اندیشه‌های سوسیالیست‌های خداپرست و

شخص محمد نخشب است (ملکی‌راد، ۱۳۸۷، صص. ۵۷ - ۵۳). نهضت خداپرستان سوسیالیست گروهی بود که به‌طور مخفی در سال‌های ۱۳۲۳ و ۱۳۲۴ در تهران تشکیل شد. این نهضت که به دست جوانان پرشور مسلمان پایه‌ریزی شده بود، ضمن اعتقاد به خدای احد و واحد و پذیرش جهان‌بینی توحیدی، از نظر اقتصادی، سیستم اقتصاد اسلامی را گونه‌ای سوسیالیسم می‌دانست و به یک حرکت انقلابی که همگی ارزش‌های منحنی جامعه را دگرگون سازد و اجتماع نوین را بر پایه ارزش‌های توحیدی بنا نهاد اعتقاد داشت. شیوه کار نهضت شیوه مبارزه مخفی بود و در مراحل اولیه درصدد مبارزات ایدئولوژیک و در کار تربیت کادرهای خود بود؛ بنابراین از هرگونه کار علنی و پرسروصدا اجتناب می‌ورزید. بعدها بر سر شیوه کار علنی یا مخفی ادامه کار ایدئولوژیک یا شرکت در مبارزات سیاسی ملی شدن نفت به رهبری مصدق در نهضت اختلاف افتاد و گروهی که به شیوه کار علنی در آن شرایط اعتقاد داشتند از نهضت جدا شدند و همین گروه بود که بعدها به رهبری نخشب «حزب مردم ایران» را تأسیس کردند (قنبری، ۱۳۸۱، ص. ۱۶).

شریعتی چون شیفته برابری بود، نخستین اثر ترجمه او کتاب ابوذر، خداپرست سوسیالیست اثر جوده السحار مصری است. شریعتی دل‌بسته برابری بود و درباره جنبش‌های سوسیالیست مطالعه عمیق داشت. او بر این باور بود که مذهب حق و راستین همواره تکیه‌گاه اصلی برای تحقق سوسیالیسم بوده است. در نگاه شریعتی «تنها یک جهان‌بینی خدایی است که می‌تواند سوسیالیسم اقتصادی را همراه با یک سوسیالیسم اخلاقی و انسانی در جامعه بشری پیاده کند. به این ترتیب برخلاف مارکس که برابری و اشتراکی را که در متن دعوت راستین مذهب بود از آن جدا ساخت. شریعتی تحقق برابری را در باور به توحید ممکن می‌ساخت و معتقد بود باور به توحید است که می‌تواند زیربنای وحدت بشری را فراهم آورد و زمینه وحدت طبقاتی انسانی را استوار سازد» (رحمانیان، ۱۳۹۵، صص. ۳۲۶ - ۳۲۵). در ادامه بحث به بررسی نسبت تفکر شریعتی با مارکسیسم می‌پردازیم.

مارکسیسم

آشنایی شریعتی با افکار مارکس موجب شد وی برای رقابت با مارکسیسم، به دنبال آرا و مفاهیمی در اسلام بگردد که وجود آن‌ها در مارکسیسم راز جاذبه آن بود؛ برای مثال به دنبال این می‌گشت که آیا در اسلام فلسفه‌ای برای تاریخ وجود دارد یا خیر (قریشی، ۱۳۹۰، صص. ۲۱۶ - ۲۱۴). گفته شده است دیدگاه شریعتی در قبال مارکسیسم متناقض به نظر می‌آید. گاهی شدیداً به محکوم کردن آن می‌پردازد، گاهی نیز در جای دیگر مفاهیمی را از

آن آزادانه به عاریه می‌گیرد. این تناقض ظاهری سبب می‌شد که بعضی‌ها او را از نظر سیاسی ضد مارکسیسم قلمداد کنند و دیگران تصور می‌کردند که او مارکسیستی است که عقاید واقعی خود را تحت پوشش اسلام پنهان می‌دارد. افراد دیگری هم بودند که او را یک فرد مبهوت و یک روشنفکر متحیر معتقد به خط سوم قلمداد می‌کردند. این تناقض ظاهری هنگامی برطرف می‌شود که بدانیم از نظر شریعتی سه مارکس وجود دارد. مارکس جوان قبل از همه یک فیلسوف منکر وجود خدا بود که از ماتریالیسم دیالکتیک حمایت می‌کند و منکر خداوند، روح و زندگی اخروی است. این جنبه مارکس از سوی سوسیالیست‌ها و کمونیست‌های اروپایی پیش از حد بزرگ شد؛ زیرا آن‌ها برای مبارزه با کلیساهای ارتجاعی خودشان خودبه‌خود تمامی اشکال مذهب را تقبیح می‌کردند. مارکس دوم مارکس کامل و رشد یافته بود که به‌عنوان یک دانشمند اجتماعی روشن می‌ساخت که چگونه فرمانروایان به استثمار زیردستان و محکومان خود می‌پرداخته‌اند. چگونه قوانین جبر تاریخی و نه جبر اقتصادی عمل می‌کنند و به چه طریق روبنای هر کشور و به‌ویژه ایدئولوژی و نهادهای سیاسی غالب آن بر زیربنای اقتصادی آن اثر متقابل دارد. مارکس سوم، مارکس مسن‌تر و اساساً سیاستمدارتر بود که یک حزب انقلابی خلق کرد و غالباً پیش‌بینی‌هایی می‌کرد که از نظر سیاسی قابل فهم بود؛ اما مسلماً با متدولوژی اجتماعی او مطابقت نداشت.

به گفته شریعتی این نوع مارکسیسم مبتدل در نهایت موجب بدنامی و بی‌اعتباری مارکسیسم علمی می‌شد. از نظر او احزاب طبقه کارگر همراه رشدشان نهادینه و بوروکراتیک می‌شوند و استالین جنبه‌های خاصی از مارکس جوان و پیر را به زیان مارکس کامل و رشد یافته برگزید و مارکسیسم را به سطح عقیده‌ای جزئی درآورد که هیچ چیز را به‌جز ماتریالیسم تنگ‌نظرانه اقتصادی قبول نداشت. شریعتی از این سه نوع مارکسیسم، نوع اول و سوم را به‌صراحت رد می‌کرد؛ اما بسیاری از نظریات مارکس دوم را می‌پذیرفت. او تأکید می‌کرد که انسان بدون داشتن مقداری اطلاع از مارکسیسم نمی‌تواند تاریخ و جامعه را درک کند. او این نظر را قبول داشت که تاریخ بشری مبارزه طبقات بوده است. به گفته خود او از دوران قایل و هابیل بشر در دو اردوگاه متضاد قرار گرفته است. در یک طرف مستضعفان و مردم و طرف دیگر مستکبران یا فرمانروایان قرار گرفته‌اند.

مارکس در نگاه شریعتی جایگاه برجسته‌ای داشت. از این رو شریعتی چهره مارکس را نمودار یکی از نیازهای انسان در تاریخ انسان در غرب می‌دید. البته در این میان اندیشه مارکس بیش از هر چیز به‌مثابه نظریه تاریخ نمود داشت. شریعتی بر این باور بود که مارکس بر بنیاد سنت‌های

فکری پیش از خود بیشتر یک ترکیب کننده و تألیف گر مبتکر بود تا یک نظریه پرداز نوآور. سخن شریعتی در این باره به یک معنا درست است که مارکس نظریه تاریخ خود را با نقادی جریان های عمده اندیشه اروپایی فراهم آورده است. شریعتی معتقد بود: «فلسفه مارکسیسم بر اساس جبر تاریخ است»؛ اما وی این دریافت مارکس از جبر تاریخ را نارسا و نافی آگاهی و آزادی انسان می دانست. شریعتی بر این باور بود که انسان اگر جبر تاریخ را بشناسد و بر آن آگاهی علمی باید و عوامل تاریخی اثرگذار و تعیین کننده در سرنوشت او زمان و جامعه اش را بشناسد و کشف کند. بر اساس قوانین جبر، تاریخ از جبر تاریخ رها خواهد شد.

از دیدگاه شریعتی انسان به میزانی که آگاهی پیدا کند، سهم بیشتری در تغییر خواهد داشت و می تواند به عنوان یک علت وارد جبر تاریخ و نظام اقتصادی اش شود و نظام اقتصادی را عوض کند. شریعتی معتقد بود خود تضاد عامل رهایی نمی تواند باشد، بلکه این آگاهی به تضاد دیالکتیکی است که می تواند رهایی بخش باشد. او همچنین معتقد بود در اندیشه مارکس و مارکسیسم کلاسیک، مقوله دیالکتیک را به عنوان یک عامل اتوماتیک در آورده اند؛ حال آنکه نفس دیالکتیک به عنوان عامل حرکت اجتماعی به شکل ناخود آگاه و اتوماتیک و جبری وجود ندارد، وی با اشاره به اینکه نظریه تحول تاریخی مارکس نظریه تحول تاریخ اروپای غربی است، بر این باور بود که نباید آن را به دیگر جوامع تعمیم داد و نمی توان منطق دیالکتیک را برای همه زمان ها و جوامع به یکسان به کار گرفت. او همچنین در چند و چون فرایند تحول تاریخی جامعه های انسانی و نیز در چند و چون روابط طبقاتی با مارکس اختلاف نظر داشت. چنانکه می دانیم، مارکس دگرگونی جامعه از کمون اولیه یا جامعه اشتراکی اولیه را در شکل گیری تقسیم کار و مالکیت خصوصی می دانست؛ اما شریعتی این دیدگاه مارکس را نارسا می دانست و بر این باور بود که مالکیت مخصوص را زور ایجاد می کند. در نگاه شریعتی وقتی دوره ای که مالکیت وجود ندارد، مالکیت نمی تواند علت باشد. این زور است که مالکیت را ایجاد می کند (رحمانیان، ۱۳۹۵، صص. ۳۲۵ - ۳۲۰).

او در مقابل جهان بینی ماتریالیستی مارکسیسم، جهان بینی توحیدی را طرح کرد و بر پایه این جهان بینی در رقابت با مارکسیسم که نیروهای فرادست و فرودست را در برابر هم می نهاد، نیروهای توحید و نیروهای شرک را در برابر هم نهاد. با این کار، او در عین حال که مارکسیسم را نپذیرفت، نتیجه مبارزاتی مارکسیسم را با تکیه بر ادبیات اسلامی به دست داد؛ یعنی برای مبارزه با عدالت لازم نبود کسی مارکسیست شود، بلکه کافی بود در صف نیروهای توحیدی قرار گیرد. همین جایگاه توحیدی مستلزم مبارزه با استثمار و بی عدالتی بود.

نگاه شریعتی به دموکراسی نیز تحت تأثیر مارکسیسم است. از منظر شریعتی، حکومت ایدئال، حکومت دموکراتیک است؛ اما از نظر او در جامعه‌ای که اکثریت آن‌ها فقیر و ناآگاهند، مراجعه به آرای عمومی به زیان مردم و مانع پیشرفت و تغییر بهینه جامعه است. اصل بر این است که این جامعه باید از وضع فعلی به درآید. این جامعه باید روابط اجتماعی منحطی را که دارد تغییر دهد و باید طرز تفکری که دارد عوض شود. باید فرهنگش پیش رود، باید به صورت انقلابی دگرگون شود. باید تغییر کند. باید از این مرحله به مراحل بالاتر جهش‌وار ارتقا پیدا کند. باید این سنت‌های پوسیده‌اش را ریشه‌کن سازد. اگر اصل را در سیاست و حکومت بر دو شعار رهبری و پیشرفت یعنی تغییر انقلابی مردم قرار دهیم، آن وقت انتخاب این رهبر مطلوب به وسیله افراد همین جامعه امکان ندارد؛ زیرا افراد جامعه هرگز به کسی رأی نمی‌دهند که با سنت‌ها و عادات و عقاید و شیوه زندگی رایج همه افراد آن جامعه مخالف است و می‌خواهد آن را ریشه‌کن کند و بسیاری از سنت‌های مرفعی را جانشین آن‌ها کند که مردم هنوز با آن‌ها آشنا نیستند و با آن‌ها موافق نیستند. چنین فردی و رهبری نمی‌تواند مورد اتفاق اکثریت آرای این مردمی باشد که باید خودشان عوض شوند (شریعتی، ۱۳۴۸، صص. ۲۵۳ - ۲۵۱).

براین اساس، شریعتی بر این باور است که امروز برای تحقق دموکراسی ایدئال باید ابتدا روشنفکران جامعه قدرت را به دست گرفت و صرف نظر از رأی مردم که در شرایط فعلی رأی آگاهانه‌ای نیست، به رفع فقر و گسترش آگاهی پردازند و پس از حصول این شرایط به استقرار دموکراسی و واگذاری نحوه حکومت به رأی مردم اقدام کنند. او نام این نوع حکومت گذار را دموکراسی متعهد نام نهاده است که به وضوح تحت تأثیر تفسیر مارکسیستی از دموکراسی است.

هدف این مقاله، بررسی نسبت اندیشه‌ورزی علی شریعتی در تدوین ایدئولوژی سوسیال‌دموکراسی مذهبی با ایدئولوژی‌های مدرن جهان بود. نتایج حاکی از آن است که شریعتی در استقلال‌خواهی تحت تأثیر ناسیونالیسم، در عدالت‌خواهی و طرح ضرورت مبارزه با نابرابری تحت تأثیر سوسیالیسم و در روش و شکل پردازش ایدئولوژی و در تبیین ایده‌هایی مانند فلسفه تاریخ تحت تأثیر مارکسیسم بوده است. داوری در خصوص میزان موفقیت و کامیابی شریعتی در استفاده از ایدئولوژی‌های فوق می‌تواند موضوع مهمی برای پژوهش‌های آتی باشد.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.
مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.
تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ گونه تعارض منافی وجود ندارد.
تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

- احمدی، حمید (۱۳۷۴). شریعتی در جهان، نقش شریعتی در بیدارگری اسلامی. تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم.
- احمدی، حمید (۱۳۸۳). از فراسوی مرزها، بازتاب جهانی اندیشه شریعتی. تهران: دانشگاه تهران.
- جمعی از نویسندگان گروه تاریخ (۱۳۹۵). مجموعه مقالات همایش علمی شریعتی و دانش تاریخ و همکاری میان‌رشته‌ای، به کوشش داریوش رحمانیان، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، چاپ اول.
- چارلز دی، اسمیت (۱۳۸۳). روشنفکر، اسلام و نوسازی در اندیشه‌های هیکل و شریعتی. ترجمه حمید احمدی، تهران: نشر قصیده‌سرا.
- خستو، رحیم (۱۳۹۵). شریعتی «نفی فردیت» و انقلاب اسلامی. مجموعه مقالات همایش علمی شریعتی و دانش تاریخ، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، چاپ اول.
- راد، فیروز (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی توسعه فرهنگی کندوکاوها و پنداشته‌های شریعتی. تهران: نشر چاپ بخش.
- رهنما، علی (۱۳۸۵). مسلمانی در جستجوی ناکجاآباد. ترجمه کیومرث قرقلو. تهران: نشر گام نو.
- زکریایی، محمدعلی (۱۳۷۴). سفر سبز: یادواره هجدهمین سالگرد شهادت دکتر علی شریعتی. تهران: انتشارات الهام، چاپ اول.
- سعیدی، جعفر (۱۳۷۶). شخصیت و اندیشه دکتر شریعتی. تهران: نشر چاپ بخش، چاپ پنجم.
- شریعت رضوی، پوران (۱۳۷۶). طرحی از یک زندگی (نقدها و نظرها). تهران: نشر چاپ بخش.
- شریعتی، احسان (۱۳۹۵). شریعتی و دانش تاریخ. مجموعه مقالات همایش علمی شریعتی و

- دانش تاریخ، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، چاپ اول.
- شریعتی، علی (۱۳۴۸). امت و امامت. تهران: انتشارات سپیده باوران، چاپ اول.
 - شریعتی، علی (۱۳۸۰). چه باید کرد، مجموعه آثار ۴۲. تهران: انتشارات قلم.
 - شریعتی، علی (۱۳۸۵). بازگشت، مجموعه آثار ۴. تهران: دفتر تدوین و تنظیم مجموعه آثار شریعتی.
 - شریعتی، علی (۱۳۸۷). ابوذر، مجموعه آثار ۳. تهران: انتشارات الهام، چاپ سیزدهم.
 - شریعتی، علی (۱۳۸۸). جهت گیری طبقاتی اسلام، مجموعه آثار ۱۰. تهران: انتشارات قلم، چاپ ششم.
 - قریشی، فردین (۱۳۹۰). بازسازی اندیشه دینی در ایران، تحریر و تبیین جریان های مسلط. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 - قنبری، حسین (۱۳۸۱). شریعتی دیگر، بازخوانی شرح زندگی آثار دکتر شریعتی. تهران: انتشارات آفرینش، چاپ اول.
 - ملکی راد، رسول (۱۳۸۷). شریعتی و نقش او در شکل گیری انقلاب اسلامی. تهران: انتشارات چاپ بخش.

چرا مصدق نتوانست؟ واکاوی علت اصلی شکست نهضت ملی ایران

محمد سمیعی^۱

DOI : 10.22034/FADEMO.2024.464226.1049

چکیده: یکی از مهم‌ترین پرسش‌هایی که پژوهشگران تاریخ معاصر با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند این است که چرا مصدق در نهضت ملی ایران ناکام ماند و چرا در نهایت نتوانست به اهدافی که داشت نائل شود. در این پژوهش تلاش شده با استفاده از روش تحلیل موقعیت بررسی شود که عملکرد مصدق چه نقضی داشت که دشمنان وی موفق به حذف و برکناری او شدند. پیش از این محققان و پژوهشگران، پاسخ‌های متنوعی به این پرسش داده و عواملی را ذکر کرده‌اند. برخی عامل اصلی شکست مصدق را ناتوانی وی از جلوگیری از ایجاد تفرقه در میان هم‌پیمانانش دانسته‌اند؛ برخی انگشت روی ضعف رهبری سیاسی مصدق گذاشته‌اند؛ برخی دیگر، اعتماد بر دولت آمریکا را در جریان مقابله با انگلستان مطرح می‌کنند؛ دسته‌ای نیز آزادی دادن بیش از حد به حزب توده را عامل اصلی شکست مصدق می‌دانند؛ و بالاخره گروهی، تکیه بر انبوه توده‌های سازمان‌نیافته مردم را اشکال اصلی کار مصدق تشخیص دادند. همه این موارد پنج‌گانه صحیح است؛ ولی از نظر این پژوهش، هیچ‌کدام بازتاب‌دهنده علت اصلی نیست. علت اصلی ناکام ماندن مصدق، تذبذب وی در میان نقش‌های سیاسی بود که ایفا می‌کرد. او از یک سو، یک نخست‌وزیر قانون‌مدار و لیبرال بود و از سوی دیگر، یک رهبر انقلابی و قهرمان مبارزه با استعمار که خواهان قطع دستان دولت‌های بیگانه و مزدوران داخلی آنان بود. مطالعه دقیق تاریخ نهضت ملی نشان می‌دهد که علت اصلی ناکامی‌های مصدق ناسازگاری میان این دو نقش بود. زیرا هریک از این دو نقش، الزاماتی دارد که باهم قابل جمع نیستند و نیز توقعاتی را ایجاد می‌کند که نمی‌شود همه آن‌ها را برآورده کرد.

کلیدواژه‌ها: نهضت ملی ایران، مصدق، جنبش‌های سیاسی معاصر، رهبری، جنبش ملی شدن صنعت نفت.

m.samiei@ut.ac.ir

۱. دانشیار گروه مطالعات ایران، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۱

دوفصلنامه انقلاب پژوهی | سال دوم، شماره ۳ | بهار و تابستان ۱۴۰۳ | صفحات ۹۱-۶۷

<https://trs.ri-khomeini.ac.ir/>

مقدمه و بیان مسئله

در جلسه ۷ اردیبهشت ۱۳۳۰ وقتی به نمایندگان اطلاع داده شد که حسین علا از نخست‌وزیری استعفا داده و لازم است مجلس نسبت به شخص دیگری برای احراز این سمت رأی تمایل بدهد، هیچ‌کس گمان نمی‌کرد رأی تمایل به مصدق داده شود. ظاهراً شاه و سفارت انگلیس دربارهٔ نخست‌وزیری سید ضیا به توافق رسیده بودند و برنامهٔ آن‌ها این بود که مجلس شانزدهم را منحل و مصدق و کاشانی را توقیف و مشکل نفت را به صورتی آبرومندانه حل و فصل کنند. ولی وقتی جمال امامی برای ظاهرسازی و به اصطلاح، اتمام حجت، پیش از مطرح کردن نام سید ضیا، پیشنهاد پذیرش این سمت را به مصدق داد، مصدق با پذیرش نخست‌وزیری همه را مبهوت ساخت (مصدق، ۱۳۵۹، ص. ۱۲۰).

نمایندگان مجلس که بیشتر آنان از زمین‌داران بزرگ و طبقهٔ اشراف بودند، از نخست‌وزیری سید ضیا واهمه داشتند؛ زیرا وقتی که سید ضیا در سوم اسفند ۱۲۹۹ به قدرت رسید، طیف وسیعی از سرمایه‌داران و اشراف را زندانی کرده بود. بعید نبود که این بار نیز با همان روش وارد سیاست شود (مصدق، ۱۳۶۵، ص. ۱۷۷). این شد که آنان مصدق را ترجیح دادند و این گونه بود که به صورتی غیرمترقبه مصدق در مقام نخست‌وزیری قرار گرفت. او چهار روز بعد در ۱۱ اردیبهشت، برنامهٔ خود را به مجلس فرستاد که فقط شامل دو ماده بود: ماده نخست، اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت و استفاده از درآمدهای آن برای بهبود اقتصاد کشور و ماده دوم، اصلاح قانون انتخابات مجلس و شهرداری‌ها. مقصود از قانون ملی شدن صنعت نفت همان قانونی بود که ۴۱ روز پیش از آن در ۲۹ اسفند به تصویب رسیده بود. جهت مشخص شدن چگونگی اجرای آن قانون، مجلس یک طرح قانونی دیگر در ۹ اردیبهشت به تصویب رساند. عنوان آن طرح «طرح قانونی دایر به طرز اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور» یا به اختصار، قانون خلع ید بود و روند کوتاه نمودن دست انگلیسی‌ها را از صنعت نفت مشخص می‌کرد.

راهی که مصدق با پذیرش نخست‌وزیری در آن قدم گذاشته بود، راهی سهل و هموار نبود. او می‌خواست به جنگ کشوری استعمارگر برود که یکی از فاتحان جنگ جهانی دوم و برای سال‌ها، سفارت آن کشور قوی‌ترین نیروی سیاسی در ایران بود. اینک مصدق و جمع کوچکی از نخبگان می‌خواستند فقط به اتکای حمایت توده‌های مردم به جنگ آن نیروی قدرتمند بروند. البته سه سال پیش از آن، گاندی توانسته بود پس از سال‌ها مبارزه، استقلال هندوستان را از بریتانیا باز پس گیرد. هندوستان بزرگ‌ترین و ثروتمندترین مستعمره انگلستان بود؛ اما سرمایه‌گذاری

بریتانیا در نفت ایران نیز بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاری آن کشور در ماورای بحار بود (موحد، ۱۳۷۸، ج ۱، ص. ۷۴). اگر ملی شدن صنعت نفت ایران آن گونه که مصدق می‌خواست اتفاق می‌افتاد، ضربه‌ای که بر پیکر فرسوده پیر استعمار می‌نواخت کمتر از ضربه‌ای نبود که استقلال هندوستان وارد کرده بود. از آنجا بود که وقتی چند ماه پس از نخست‌وزیری مصدق، عملیات خلع ید محقق شد، ساندی تایمز آنچه را که در آبادان رخ داد «بدترین شکست بریتانیای کبیر در حوزه سیاست خارجی در سده کنونی» توصیف کرد (عظیمی، ۱۳۹۴، ص. ۱۷۲).

بستر اصلی ملی شدن صنعت نفت در جبهه ملی شکل گرفت. مصدق پس از تحصن بیست نفره‌ای که در دربار در مهرماه سال ۱۳۲۸ با جمعی از یاران خود با هدف تضمین سلامت انتخابات مجلس شانزدهم داشت، در روز یکشنبه اول آبان در جلسه‌ای که در منزلش تشکیل شده بود، خطاب به جمعی از یارانش که آنجا حضور داشتند، گفت که مایل به تشکیل یک جمعیت سیاسی است. مقصود او از جمعیت، چیزی فراتر از یک حزب بود؛ زیرا احزاب مختلف نیز می‌توانستند در آن جمعیت عضو شوند. از این رو آن جمعیت را «جبهه ملی» نام نهادند. این نوع تشکیل برای کارهای مقطعی و برآوردن اهدافی معین، مناسب بود؛ ولی برای برآوردن اهداف بلند و مقاصد طولانی، کافی نبود. با اینکه چند بار جهت تبدیل شدن جبهه ملی به یک حزب فراگیر تلاش شد؛ ولی هیچ‌وقت این تلاش‌ها به نتیجه نرسید (شایگان، ۱۳۸۵، ج ۱، صص. ۳۳۹ - ۳۳۸).

اصولاً مصدق نسبت به پا گرفتن احزاب بزرگ در ایران خوش‌بین نبود. او می‌گفت: «عقیده‌ام این است که در ایران، حزب بزرگ سر نمی‌گیرد. چون همه می‌خواهند جزو کمیته و هیأت عامله باشند... فکر می‌کردم [جبهه ملی] مجمع بین‌الاحزابی باشد تا هر حزب مرام خود را حفظ کند و دو سه نفر نماینده به مجمع بین‌الاحزاب بفرستد» (مصدق، ۱۳۵۹، صص. ۱۳۷ - ۱۳۶)؛ اما دور هم جمع شدن و حصول توافقات مقطعی احزاب مختلف، با برنامه‌ریزی کلان جهت کارهای بزرگ و طولانی متفاوت است. برای چنان کارهایی که همانا نهضت ملی ایران یکی از آنها بود، یک جمعیت متنوع و متکثر نمی‌توانست کارآیی لازم را داشته باشد. به هر حال، جبهه ملی در چنین قالبی شکل گرفت.

مهم‌ترین هدف و کارکرد جبهه ملی از ابتدای تأسیس، مبارزه با استعمار انگلیس و احقاق حقوق نفتی ایران بود (شایگان، ۱۳۸۵، ج ۱، ص. ۳۲۲). مصدق و همراهان او در جبهه ملی تا اعماق استخوان‌های خود، دخالت سیاسی انگلستان را در امور داخلی ایران حس می‌کردند. آنان به این مسئله نیک واقف بودند که شرکت نفت انگلیس مهم‌ترین پایگاه استعمار در

ایران است که نه تنها منابع و ذخایر ارزشمند این ملت فقیر را به ثمن بخش می‌برد، بلکه دولت انگلیس از جایگاه آن شرکت به‌عنوان یک شرکت بزرگ صنعتی و تجاری در ایران جهت اعمال نفوذ سیاسی در راستای تحصیل منافع استعماری و بر ضد منافع ملی نهایت استفاده را می‌برد. همین «نه» بزرگ به استعمار انگلیس بود که طیف وسیعی از نخبگان را با هم هم‌صدا کرد. البته این «نه» هم‌زمان با انگلیس به دربار و نیروهای هم‌پیمان دربار نیز گفته می‌شد؛ زیرا آنان بودند که مهم‌ترین یاران و عاملان ایرانی انگلیس محسوب می‌شدند؛ اما چگونه می‌شد از شر این امتیاز استعماری نفت که بر سیاست و اقتصاد کشور چنبره زده بود، خلاص شد. مصدق خود می‌گوید که نخستین کسی که در این زمینه یک پیشنهاد عملیاتی داد، حسین فاطمی بود (موحد، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۱۷). در آبان ماه ۱۳۲۸ فاطمی پیشنهاد ملی کردن صنعت نفت را مطرح کرد و گفت به همان نحوی که پس از جنگ جهانی دوم دولت کارگری انگلستان، صنایع مهمی را در آن کشور، ملی کرده و به صاحبان آن صنایع غرامت پرداخته است، ایران نیز می‌تواند صنعت نفت خود را ملی اعلام کند و غرامت لازم را به شرکت نفت انگلیس و ایران که از زمان قرارداد داری تا آن تاریخ صاحب امتیاز نفت بود، پرداخت نماید (کاتوزیان، ۱۳۷۱، ص ۱۷۷). این پیشنهاد از نظر حقوقی و سیاسی و اقتصادی بهترین گزینه ممکن بود.

ملی شدن صنعت نفت در راستای همان پیشنهاد فاطمی مسیر خود را آغاز کرد و در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ تبدیل به قانون شد و با تصویب قانون خلع ید در اردیبهشت ۱۳۳۰ و سپس نخست‌وزیری مصدق و اجرای عملیات خلع ید، تحقق یافت. ولی این مبارزه ضد استعماری ملت ایران در طول دوره اول نخست‌وزیری مصدق تا ۲۵ تیر ۱۳۳۱ و نیز دوره دوم از ۳۰ تیر همان سال، با دشواری‌های بسیاری مواجه شد و بالاخره در پی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، نافرجام ماند. نه تنها ملت ایران نتوانست به آرزوی خود جهت شکست استعمار و در اختیار داشتن منابع نفتی خود نائل شود، بلکه مجبور شد حکومت دیکتاتوری محمدرضا شاه را با شدت و حدت بیشتر برای ۲۵ سال دیگر تحمل کند. از آن‌پس ناکامی نهضت ملی ایران به رهبری مصدق به یک خاطره تلخ ملی تبدیل شد.

یکی از مهم‌ترین سؤال‌هایی که پژوهشگران تاریخ معاصر با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند این است که چرا مصدق در نهضت ملی ایران ناکام ماند و چرا در نهایت نتوانست به اهدافی که داشت نائل شود؟ البته مشخص است که دربار و دولت‌های خارجی از تمام توان خود برای تضعیف و حذف مصدق بهره می‌گرفتند. ولی سؤال اصلی اینجاست که عملکرد مصدق چه نقشی داشت که آنان بالاخره موفق به حذف او شدند؟ در صدها کتاب و مقاله‌ای که در مورد

این برهه بحرانی از تاریخ ایران نوشته شده است، محققان و پژوهشگران، پاسخ‌های متنوعی داده‌اند و عواملی را ذکر کرده‌اند.

از جمع‌بندی همه این عوامل می‌توان به پنج عامل رسید:

۱. برخی عامل اصلی شکست مصدق را ناتوانی وی از جلوگیری از ایجاد تفرقه در میان هم‌پیمانانش دانسته‌اند.

۲. برخی انگشت روی ضعف مدیریتی مصدق گذاشته‌اند.

۳. برخی دیگر، اعتماد بر دولت آمریکا را در جریان مقابله با انگلستان مطرح می‌کنند.

۴. دسته‌ای نیز آزادی دادن بیش از حد به حزب توده را عامل اصلی شکست مصدق می‌دانند.

۵. اما گروهی از تحلیل‌گران، تکیه بر انبوه توده‌های مردم را اشکال اصلی کار مصدق تشخیص دادند، همان توده‌هایی که در روز ۲۸ مرداد پشت مصدق را خالی کردند. همه این موارد پنج‌گانه صحیح است؛ ولی از نظر این پژوهش، هیچ‌کدام بازتاب‌دهنده علت اصلی نیست. علت اصلی ناکام ماندن مصدق، تذبذب وی در میان نقش‌های سیاسی بود که ایفا می‌کرد و این تذبذب، خود می‌تواند مسبب همه عوامل مذکور دیگر باشد. به عبارت دیگر، اگر مصدق به ملزومات آن نقش سیاسی که در آن برهه از تاریخ ایفا می‌کرد، آگاهی بیشتری داشت و دقیقاً طبق آن ملزومات عمل می‌نمود، شاید هیچ‌یک از موارد مزبور که از آن‌ها به‌عنوان عوامل شکست وی یاد می‌شود، محقق نمی‌شد.

برای اینکه بتوان علت اصلی ناکام ماندن نهضت ملی ایران را به‌خوبی درک کرد، لازم است که عملکرد مصدق را به‌عنوان رهبر آن نهضت به‌صورت روشمند مورد تحلیل و بررسی قرار داد. روشی که در این مقاله مورد استفاده قرار می‌گیرد، روش تحلیل موقعیت^۱ است. در ادامه، ابتدا به روش‌شناسی مقاله پرداخته خواهد شد. لذا ضمن کاوش در پژوهش‌های موجود، به بررسی عوامل پنج‌گانه پرداخته و سپس نشان داده می‌شود که علت اصلی چه بوده است. لازم به ذکر است که در این پژوهش فقط روی شخص مصدق و کاستی‌های مدیریت سیاسی او تمرکز شده است و این اصلاً به این معنی نیست که برخی یاران و هم‌پیمانان او بدون تقصیر بوده‌اند. بلکه دامنه این مطالعه فقط محدود به ارتباط نوع عملکرد مصدق در مقام رهبری نهضت و ناکامی نهایی است.

روش‌شناسی

کارل پوپر روش تحلیل موقعیت را به‌عنوان روش مقبول در علوم انسانی و اجتماعی پیشنهاد کرده است (Popper, 1974, p. 178). این روش بیش از اینکه ساختارمحور باشد، کارگزار محور است و از این جهت در فهم مسائل مختلف تاریخی و اجتماعی، اولویت را به چگونگی درک کنشگران انسانی یا همان کارگزاران از شرایطی می‌دهد که در آن قرار گرفته‌اند. به دیگر سخن، روش تحلیل موقعیت به ما کمک می‌کند فرایند تصمیم‌سازی را در مورد یک کنشگر عاقل^۱ بررسی کنیم. در این روش، لازم است موقعیت مورد تحلیل و اجزای آن را بازسازی کنیم و سپس بر اساس اصل عقلانیت^۲ به تحلیل افعال کنشگر پردازیم. در بررسی موقعیت، معمولاً به محیطی که کنشگر در آن قرار گرفته است، رقیبان وی و نهادهایی که در تصمیم‌سازی کنشگر تأثیر گذارند، توجه می‌شود (پایا، ۱۳۸۲؛ ۱۳۸۵).

در پژوهش حاضر با توجه به اینکه علل شکست مصدق به‌عنوان رهبر نهضت ملی ایران مورد بررسی است، او به‌عنوان کنشگر مرکزی مورد مطالعه قرار گرفته است. همچنین به محیطی که مصدق در آن قرار گرفته بوده، رقیبان وی مانند دولت انگلیس و دربار و نهادهای موجود مانند شورای امنیت سازمان ملل و دادگاه لاهه توجه شده است. در واقع با توجه به اسناد تاریخی موجود در مورد نهضت ملی شدن صنعت نفت، تلاش می‌شود تا دیده شود در مقاطع مختلف، تصمیم‌گیری‌های مصدق بر چه اساسی شکل گرفته بوده است. از اینجا به نقش‌هایی که مصدق ایفا می‌کرده می‌رسیم و رابطه آن نقش‌ها با دستاورد نهایی مصدق مورد مطالعه قرار گرفته است.

علل و عوامل ناکامی نهضت ملی ایران در پژوهش‌های موجود

نخستین علتی که در منابع زیادی ذکر شده و واقعاً مصدق را تا حد زیادی تضعیف کرده، تفرقه و شکاف میان او و برخی دوستان و هم‌پیمانانش در جبهه ملی است (خانی، ۱۳۹۵). در کشاکش مسائل سیاسی و تفاوت مرام و مسلک‌ها و اختلاف سلیقه‌ها، از آن نفری که از ابتدای تأسیس جبهه ملی با مصدق بودند، ۹ نفر از او جدا شده و به گروه دشمنان او پیوستند. در کنار این اختلافات و مؤثرتر از همه آن‌ها، ایجاد شکاف و تفرقه میان مصدق و کاشانی بود. هیچ تاریخ‌نویسی نمی‌تواند سهم مهم کاشانی را در نهضت ملی شدن صنعت نفت انکار کند.

1. Rational Actor

2. Principle of Rationality

این از مسائل روشن تاریخی است که در خصوص ایجاد حماسه سی تیر، مصدق اصلاً دخالتی نداشت و فقط در خانه نشسته بود و بیشترین سهم، متعلق به کاشانی و گروهی از اعضای جبهه ملی بود که چند ماه بعد از مصدق جدا شدند. این گسیختگی به خاطر ضعف ساختاری بود که این افراد و جریان‌ها را کنار یکدیگر جمع کرده بود. پیش از این گفتیم که جبهه ملی چتری بود برای گردآوردن افرادی که جز جمع شدن زیر آن چتر، در افکار و عقاید سیاسی خود شباهت زیادی با هم نداشتند. جبهه ملی ایدئولوژی مدون واحدی را دنبال نمی‌کرد و همچون حزبی نبود که مرام و مسلک مشخصی داشته باشد و افراد هم‌فکری را در کنار یکدیگر قرار دهد. جبهه ملی یک توافق مقطعی برای مبارزه با یک دشمن مشترک بود. چنین توافقی‌هایی فقط می‌تواند به صورت موقت جواب دهد.

شکاف میان یاران مصدق وقتی اوج گرفت که او در ۱۸ دی ماه ۱۳۳۱ طی نامه‌ای درخواست تمدید یک‌ساله اختیارات قانون‌گذاری خود را به مجلس فرستاد. این کار به معنی خارج کردن مجلس هفدهم از جریان قانون‌گذاری بود؛ اما اینجا یک مشکل جدی وجود داشت. از زمانی که علی‌اکبر داور در زمان رضاشاه درخواست اختیارات کرده بود تا مجلس شانزدهم که رزم‌آرا همان درخواست را نموده بود، بارها خود مصدق در نطق‌های آتشین، اعطای اختیارات به دولت را خلاف صریح قانون اساسی دانسته بود. او در جلسه ۸ مرداد ۱۳۲۹ مجلس شانزدهم در رابطه با درخواست اختیارات رزم‌آرا گفته بود: «ما نمایندگان و کیل در توکیل نیستیم که به دولت اجازه دهیم از طرف مجلس قانون وضع کند... قوه مجریه حق تصویب قانون ندارد و چنانچه مجلس شورای ملی این حق را به آن قوه دهد، نقض اصول قانون اساسی را نموده است. مجلس شورای ملی که باید حافظ قانون اساسی باشد، نباید آن را نقض کند...» او در جای دیگری گفته بود:

مجلس شورای ملی نمی‌تواند به دولت اجازه قانون‌گذاری بدهد، چرا برای اینکه این مثل این است که یک کسی اجازه اجتهاد خودش را به کس دیگر بدهد! اجتهاد غیرقابل انتقال است و ما هم وکیل در توکیل که نبوده‌ایم که به دولت بگوییم برو قانون وضع کن! (افشار، ۱۳۸۲، ص. ۲۱۰).

این بود که یاران پیشین مصدق او را متهم به دیکتاتوری کردند. در همان روزی که نامه درخواست تمدید یک‌ساله اختیارات در مجلس قرائت شد، مکی که از اعضای مهم جبهه ملی بود و به‌عنوان نماینده نخست از تهران در مجلس هفدهم انتخاب شده بود، استعفانامه خود را تقدیم مجلس کرد و طی مصاحبه‌ای مصدق را به هیتلر تشبیه کرد. کاشانی با ارسال نامه‌ای به هیأت رئیسه این تقاضای مصدق را خلاف قانون اساسی دانست و گفت که مجلس اصولاً حق

طرح کردن چنین لایحه‌ای را ندارد. بقایای و حائری زاده، دو نماینده عضو دیگر جبهه ملی نیز هر کدام در نطق‌های مفصلی در مجلس با تندوی و به شدت بر مصدق تاختند. اینجا بود که دوستان متحد قدیمی، در دو قطب متضاد در مقابل هم ایستادند.

این صحیح است که چرخ‌های نظام مشروطه به خاطر مسائل تاریخی و مشکلات ساختاری خوب نمی‌چرخید و به خاطر فقدان احزاب ماندگار، جریان سیاست در مملکت پرفت‌وخیز بود. ولی باید این اشکالات، به‌مرور زمان و با ایجاد هم‌فکری میان نخبگان رفع می‌شد. نه اینکه به یک‌باره مهم‌ترین رکن مشروطیت، یعنی مجلس شورای ملی، از مهم‌ترین وظیفه خود که قانون‌گذاری است، کنار گذاشته شود. میان وضع نامطلوب موجود و گرفتن اختیارات یک‌ساله، راه‌حل‌های بینابین دیگری نیز وجود داشت که اگر آن راه‌ها پیموده می‌شد، به یک‌باره یک رکن اصلی مشروطه از دور خارج نمی‌شد. این دست راه‌حل‌های بینابین که کار دولت‌ها را تسهیل می‌کند در شرایط خاص در نظام‌های پارلمانی دنیا مرسوم است. ولی مصدق و اطرافیان او برای به کرسی نشاندن راه‌حل مطلوب خود، به بزرگ‌نمایی تهدید از ناحیه کشورهای بیگانه متوسل می‌شدند و وضعیت را بحرانی نشان می‌دادند؛ چون در وضعیت بحرانی، می‌توان راه‌حل‌های نامطلوب را به کار گرفت. به‌عنوان مثال، شایگان در مصاحبه‌ای با روزنامه کیهان در تاریخ ۲۰ دی ۱۳۳۱ در توجیه تقاضای تمدید اختیارات یک‌ساله می‌گوید: آقاییان من سند و دلایلی دارم که الآن که سر بزنگاه است و چرچیل و آیزنهاور مشغول مذاکره هستند، دولت انگلستان به‌عنوان اینکه از اختیارات شش ماهه قانونی دکتر مصدق، بیش از یک ماه باقی نمانده و دولت سقوط خواهد کرد، سعی می‌کند برای حل قضیه نفت قدمی برداشته نشود. ولی دکتر مصدق با گرفتن اختیارات، جواب دندان‌شکنی به حریف خواهد داد و به آن‌ها خواهد فهماند که من یک سال دیگر بر سر کار باقی هستم و این دولت رفتنی نیست (شایگان، ۱۳۸۵، ج ۱، ص. ۴۸۰).

این استدلال‌های عوام‌گرایانه شایگان، حرکت توده‌های طرفدار مصدق را برانگیخت و مخالفان مصدق نیز توده‌های طرفدار خویش را به خیابان کشاندند. در ۲۸ دی «تظاهرات شدیدی در تهران و تمام شهرها له و علیه مصدق و کاشانی بروز کرد و تعطیلی مغازه‌ها آغاز شد. سیل طومار و تلگراف به طرفداری مصدق همه‌جانبه شد، در تهران بعضی از افراد به زدوخورد پرداخته و لقب حسین مکی را از «سرباز فداکار به سرباز خطاکار تغییر دادند» (عاقلی، ۱۳۶۹). شکاف در توده‌ها تابع شکاف در نخبگان بود. بالاخره با اعمال نفوذ دولت، لایحه تمدید اختیارات یک‌ساله در ۲۹ دی‌ماه به تصویب رسید؛ ولی شکاف ایجاد شده در

•

میان مصدق و هم‌پیمانان گذشته‌اش ترمیم نشد و در وقایع بعدی، از جمله واقعه ۹ اسفند و نیز در ماجرای قتل سرتیپ افشار طوس خود را نشان می‌داد.

اوج شکاف میان مصدق و یارانش در ماجرای همه‌پرسی مرداد ۱۳۳۲ جهت انحلال مجلس هفدهم بود. برگزاری همه‌پرسی در قانون اساسی پیش‌بینی نشده و در حقیقت، این اقدام مصدق نوعی عبور از همان قانون اساسی‌ای بود که سال‌ها سنگ آن را به سینه می‌زد. مصدق نباید فراموش می‌کرد که هر قدر هم که قوای حاکم در نظام مشروطه فاسد باشند، او با پذیرش مشروعیت آن قوا و به کمک همان قوا نخست‌وزیر شده است. او نمی‌توانست تنها خود را مطابق قانون و قوای دیگر را فاسد و عامل بیگانگان بدانند و به ابتکار خود، دیگران را از جایگاه‌هایی که داشتند، حذف کند. توسل به همه‌پرسی، در حقیقت عبور از دموکراسی به پوپولیسم (عوام‌گرایی)، از قانون به اراده عمومی و از نخبگان به توده‌ها بود (آبراهامیان، ۱۳۹۳، ص. ۲۲۵).

حذف مجلس که اصلی‌ترین نهاد مشروطیت است، برای مصدق کم‌هزینه تمام نشد. او در آخرین ملاقات خود با هندرسون، سفیر آمریکا، جهت توجیه انحلال مجلس گفت: انگلیسی‌ها ۳۰ نفر از وکلای خود را خریداری کردند و وقتی می‌خواستند ۱۰ نفر دیگر را هم با پرداخت یک‌صد هزار تومان به هر نفر بخرند، او در جریان قرار گرفت و فهمید که دیگر آن مجلس به درد نمی‌خورد. این دست استدلال‌ات، البته در شأن یک نخست‌وزیر لیبرال نبود و بیشتر به گفتار دیکتاتورهای عوام‌گرا یا انقلابیان سرکش که اعتقادی به نظام موجود نداشتند، شباهت داشت. اتهاماتی که مصدق وارد می‌ساخت در هیچ دادگاه صالحی ثابت نشده بود و فقط یک اتهام بود. از این رو هندرسون در پاسخ، فقط اظهار تأسف کرد که چرا ایران قادر نیست یک حکومت پارلمانی داشته باشد (موحد، ۱۳۷۸، ج ۲، ص. ۸۱۷). هزینه‌ای که مصدق برای برداشتن مجلس از سر راه خود پرداخت، خیلی بیش از آن چیزی بود که تصورش را می‌کرد. این کار او اعلان جنگ به همه نخبگانی بود که خارج از حلقه قدرت دولت قرار داشتند.

دومین دلیلی که در منابع موجود برای ناکامی مصدق ذکر می‌شود، مشکلات مدیریتی، انتصابات وی و نوع سهم‌دهی به جناح‌های مختلف سیاسی بود. در سی تیر، وقتی که مصدق در خانه خویش انزوا گزیده بود، این کاشانی بود که نقش اصلی را در بسیج توده‌ها و بازگرداندن مصدق به قدرت داشت. در آن ماجرا قوام از طریق ارسنجانی به کاشانی پیغام داده بود که در صورت موافقت کاشانی با قوام، شش نفر از وزرای کابینه را به صلاح‌دید او انتخاب خواهد کرد (عظیمی، ۱۳۹۴، ص. ۱۵۴)؛ اما وقتی در سی تیر بر اثر بسیج توده‌ها و برخی از اعضای جبهه

ملی، مصدق به قدرت بازگشت، سهم مهمی از قدرت در اختیار کاشانی نگذاشت. پس از سی تیر کاشانی با برخی انتصابات مصدق از جمله با احمد وثوق که به معاونت وزارت دفاع منصوب شده بود، مخالف بود.

وثوق در حوادث سی تیر رئیس ژاندارمری بود و در کاروانسرای سنگی جلوی حرکت کفن پوشان طرفدار مصدق را به سوی تهران گرفته بود. مصدق در پاسخ به اعتراض کاشانی، خطاب به او نوشت: «چنانچه بخواهند اصلاحاتی بشود، باید از مداخله در امور مدتی خودداری فرمایند. خاصه اینکه هیچ گونه اصلاحاتی ممکن نیست مگر اینکه متصدی مطلقاً در کار خود آزاد باشد» (موحد، ۱۳۷۸، ج ۲، ص. ۵۵۹). درخواست آزادی مطلق در امور اجرایی البته در شأن یک نخست‌وزیر مشروطه نبود. در همه نظام‌های دموکراتیک سهم‌دهی در قدرت و تعامل میان قوا در انتخاب اعضای کابینه کاملاً مرسوم است. کاشانی که پیشنهاد در اختیار داشتن شش وزارتخانه را در کابینه قوام رد کرد، در حالی که در بازگرداندن مصدق به قدرت مهم‌ترین نقش را بازی کرده بود، اینک حق نداشت حتی در مورد انتصاب یک معاون وزیر نظر دهد.

یکی از مهم‌ترین اشکالات کاشانی به مصدق، انتصاب سرتیپ محمد دفتری، از بستگان مصدق، در ۲۶ آذر ۱۳۳۱ به ریاست گارد مسلح گمرک بود. گفته شده که پیش از آن، دفتری در تظاهراتی که در ۲۷ خرداد ۱۳۲۷ از طرف کاشانی برای مخالفت با هژیر برگزار شد، دستور تیراندازی صادر کرده بود (خسروشاهی، ۱۳۷۹، ص. ۵۸). همچنین گفته شده در همان سال وقتی پس از ترور ناموفق شاه، کاشانی دستگیر شد، دفتری به او سیلی زده بود (خسروشاهی، ۱۳۷۹، ص. ۶۳). دفتری همچنین در دوران نخست‌وزیری رزم‌آرا به ریاست شهربانی منصوب شد و یکی از مهره‌های اصلی او بود؛ اما شاید مهم‌ترین اشتباه مصدق این بود که در روز ۲۸ مرداد، دفتری را به ریاست شهربانی و فرمانداری نظامی تهران گمارد. صدیقی، وزیر کشور مصدق، می‌گوید: «آقای نخست‌وزیر با تلفن به من گفتند با مطالعاتی که کرده‌ام مقتضی است، دستور بدهید ریاست شهربانی کل را به تیمسار سرتیپ دفتری بدهند و فرمانداری نظامی هم به عهده او واگذار شده است و او فعلاً در شهربانی است» (موحد، ۱۳۷۸، ج ۲، ص. ۸۲۵)؛ اما دفتری وقتی در آن سمت قرار گرفت، تمام نیروهای امنیتی تحت امر خود را بر ضد مصدق به کار گرفت (کاتوزیان، ۱۳۷۱، ص. ۳۴۸). سال‌ها بعد، ریاحی به تلخی از این ماجرا یاد کرده و گفت: «اگر مصدق با اصرار، سرتیپ محمد دفتری را به ریاست شهربانی منصوب نمی‌کرد، جریانات روز ۲۸ مرداد اتفاق نمی‌افتاد» (موحد، ۱۳۷۸، ج ۲، ص. ۸۵۹).

سومین و همچنین چهارمین عامل که از نظر نگارنده باهم مرتبط هستند، اعتماد مصدق به دولت آمریکا و همچنین آزادی دادن به حزب توده بود. مصدق در طول دوران نخست‌وزیری اش از طریق سفیر آمریکا و همچنین با یک سفر به آمریکا و مذاکره با رئیس‌جمهور ترومن و دیگر دولت‌مردان آمریکا مایل بود که انگلستان را از طریق آن دولت در فشار قرار دهد. او همچنین به خاطر تنگنای مالی که در آن قرار گرفته بود، بارها از آمریکا درخواست وام و کمک مالی کرد که البته موافقت نشد. مصدق پس از سفر به آمریکا که بیش از ۴۰ روز طول کشید در آن سفر نیز در جلسه شورای امنیت سخنرانی کرده و در ۳ آذر ۱۳۳۰ گزارش سفر خود را طی نطقی در مجلس به استحضار نمایندگان رساند. آنجا او مذاکرات خود را با ترومن و دیگر مقامات آمریکایی گزارش می‌کند و درخواست کمک‌های مالی را که از آمریکا کرده بود، به اطلاع نمایندگان می‌رساند.

نکته‌ای که در نطق مصدق جلب توجه می‌کند، نگاه غلیظ ضد استعماری مصدق و اعتقاد راسخ او به این است که باید به هر قیمت شده، دست غاصب انگلستان را از منابع اقتصادی و هم از عرصه سیاسی ایران قطع کرد. او تا آنجا پیش می‌رود که به‌صراحت، جریان نهضت ملی را نه صرفاً یک حرکت سیاسی، بلکه «مبارزه بین حق و باطل» می‌داند و چون خود را در طرف حق می‌بیند، معتقد است که بالاخره پیروزی را به دست خواهد آورد. همچنین به این نکته توجه دارد که طرف مقابل، یعنی دولت انگلستان، قصد ممانعت و وقت‌کشی دارد و در واقع در پی رسیدن به توافق با دولت او نیست و ترجیح می‌دهد پس از سرنگونی مصدق با جانشین او به توافق برسد. در واقع انگلستان به‌هیچ‌وجه حاضر به پذیرش ملی شدن صنعت نفت ایران نیست؛ زیرا از دید آن کشور به رسمیت شناختن ملی شدن نفت برای ایران، موجب خواهد شد که تمام کشورهای نفت‌خیز دیگر نیز همین مسیر را انتخاب کنند و در این صورت، منافع حیاتی انگلستان - و نیز آمریکا که در این مذاکرات نقشی میانجیگرانه بازی می‌کرد و منافع مشابهی در کشورهای دیگر داشت - از دست خواهد رفت.

مصدق در آن جلسه نمایندگان مجلس را به ایستادگی دعوت می‌کند و می‌گوید: آقایان محترم! در این مبارزه عظیم حیاتی به‌هیچ‌وجه نباید در اراده ما رخوت و فتوری حاصل شود؛ زیرا مشکلات طرفین تقریباً مساوی است. اگر ما احتیاج به عواید نفت خود داریم دیگران هم به همان اندازه به نفت ما نیازمند هستند. اگر بودجه ما از تعادل خارج شده و اصلاح آن مستلزم فداکاری است، دیگران هم از همین جهات با مشکلات عظیم دست به‌گریبان‌اند. اما در اینجا مصدق دو اشتباه محاسبه داشت. اولین اشتباه این بود که دولت انگلیس و

جهان غرب، اگرچه در کوتاه‌مدت ممکن بود از قطع صادرات نفت ایران متضرر شوند؛ ولی در پی افزایش تولید کشورهای نفت‌خیز دیگر، به‌زودی بازار نفت اشباع گردید و جای خالی ایران پر شد. اینک نوبت ایران بود که برای مدت طولانی به‌تنهایی مشکلات اقتصادی را تحمل کند. دومین اشتباه محاسبه مصدق این بود که منافع آمریکا را جدای از انگلیس می‌دید. در صورتی که آمریکا نیز از ملی شدن صنعت نفت در ایران به همان اندازه انگلیس متضرر می‌شد؛ زیرا منافع نفتی آمریکا هم مشابه منافع نفتی انگلیس در جای‌جای دنیا بر اساس قراردادهای و امتیازات مشابهی شکل گرفته بود و اگر ایران می‌توانست فرمول خود را به کرسی بنشاند، کشورهای دیگر جهان سوم که طرف قرارداد آمریکا بودند نیز مطالبات مشابهی را مطرح می‌کردند.

یکی از راهبردهای اصلی سیاست خارجی مصدق استفاده از اهرم حزب توده در مقابل دولت آمریکا بود. او می‌خواست به آمریکایی‌ها القا کند که در پی بحران اقتصادی که در ایران به وجود آمده و مسئول مستقیم آن دولت انگلستان است، وضع اقتصادی ایران خراب و خراب‌تر می‌شود و گرایش به کمونیسم در ایران افزایش خواهد یافت. بنابراین به نفع آمریکاست که انگلیس را وادار به مصالحه با ایران کند. ولی حتی برخی از یاران بسیار نزدیک مصدق، درک صحیحی از این راهبرد نداشتند. در سالگرد ۳۰ تیر وقتی جمع کثیری از توده‌ای‌ها تظاهرات کردند و حتی تعداد آن‌ها از تعداد جناح‌های دیگر بیشتر برآورد شد (عظیمی، ۱۳۸۷، ص. ۶۲۰)، ملکی، سنجابی، فروهر و جمعی دیگر نزد مصدق رفتند و گلایه کردند: «خلیل ملکی آنجا تند صحبت کرد... گفت: جای آن‌ها [= توده‌ای‌ها] توی خیابان‌ها نیست! جای آن‌ها باید در زندان باشد!» (موحد، ۱۳۷۸، ج ۲، ص. ۷۵۹). ولی مصدق در پاسخ، رندانه مسامحه می‌کند و زیر بار ایجاد محدودیت برای حزب توده نمی‌رود.

البته نباید لیبرال‌منشی مصدق را نادیده گرفت. او واقعاً نمی‌خواست که فضای سیاسی را محدود کند و جلوی احزاب و دسته‌های سیاسی را بگیرد. از این‌رو بود که در طول دوران مصدق، مطبوعات و روزنامه‌ها از طیف‌های مختلف سیاسی، آزادی‌وسعی داشتند. تا آنجا که یک پژوهشگر ادعا می‌کند: «در دولت مصدق مطبوعات از آزادی‌ای برخوردار بودند که حتی مطبوعات انگلستان تا بدان حد آزاد نیستند» (کاتوزیان، ۱۳۷۱، ص. ۳۰۹). مصدق نیز در خاطرات خود، علت آزاد گذاشتن حزب توده را اهمیت دادن به اصل آزادی می‌داند (مصدق، ۱۳۶۵، ص. ۲۸۸)؛ ولی ساده‌اندیشی است اگر در توجیه باز گذاشتن دست حزب توده فقط به لیبرال‌منشی مصدق بسنده کنیم و نقش اساسی حزب توده به‌عنوان یک اهرم فشار به آمریکا

را در نظر نگیریم. مصدق به خوبی از شرایط جنگ سرد آگاهی داشت و می دانست که مهار کمونیسم در اولویت نخست سیاست خارجی آمریکا قرار دارد. او در طول مذاکراتی که با آمریکاییان داشت، همواره از خطر کمونیست شدن ایران به عنوان حربه‌ای برای امتیاز گرفتن از آمریکا استفاده می کرد (موحد، ۱۳۷۸، ج ۱، صص. ۱۸۳، ۲۰۷، ۲۴۴، ۲۷۲، ۲۸۳، ۲۹۰، ۳۶۰ و ۳۶۵).

واقعیت آن بود که سقوط ایران در ورطه کمونیسم می توانست بابتی را برای سقوط کل خاورمیانه بگشاید که دارنده ۶۰ درصد منابع نفتی جهان بود. مسلماً آمریکا چنین خطری را بر نمی تابید. لذا مصدق در نامه خود به آیزنهاور در تاریخ ۷ خرداد ۱۳۳۲ ضمن اشاره به مشکلات اقتصادی که دولت انگلیس برای ایران پدید آورده است و درخواست کمک اقتصادی از جانب آمریکا، نوشت: «ملت ایران در برابر مشکلات اقتصادی و سیاسی بزرگی قرار گرفته است که ادامه این وضع از نظر بین المللی نیز ممکن است عواقب خطیری داشته باشد و اگر در این موقع، کمک مؤثر و فوری به این مملکت نشود شاید اقداماتی که فردا به منظور جبران غفلت امروز به عمل آید خیلی دیر باشد» منظور مصدق از «عواقب خطیر»، احتمال سقوط ایران در ورطه کمونیسم بود (موحد، ۱۳۷۸، ج ۲، ص. ۷۴۷)؛ اما سیاست میدان دادن به حزب توده و پررنگ کردن خطر آن، شمشیری دو لبه بود. درست است که مصدق می خواست از این حربه برای ایجاد تضاد میان منافع دولت های خارجی استفاده کند؛ ولی بسیاری از نیروهای سیاسی که با او هم پیمان بودند، از شرایط به وجود آمده وحشت می کردند. اگر به صورت جلسات مجلس شورای ملی نگاهی انداخته شود و اطلاعیه ها و سخنان کاشانی مرور شود، دیده می شود که تحلیل آن ها از گسترش فعالیت های آزادانه حزب توده با مصدق متفاوت است و آنان مسامحه مصدق را در این زمینه بسیار خطرناک ارزیابی می کردند. شاید این نکته یکی از اصلی ترین علل ایجاد شکاف میان مصدق و هم پیمانانش بود.

برای برخی نیروهای سیاسی ایران، دفع خطر حزب توده و کمونیسم، حتی از خود نهضت ملی ایران نیز مهم تر بود. ولی آنان می دیدند که روزه روز، کمونیست ها در ایران قوت می گیرند و مصدق نه تنها از آن ها ممانعت نمی کند، بلکه به آن ها میدان می دهد. «اگر در تظاهرات سال ۱۳۳۱ یک سوم جمعیت، اعضای حزب توده بودند، از اوایل ۱۳۳۲ قضیه برعکس شده و میتینگ ها و تظاهراتی که به نفع دولت صورت می گرفت، دوسوم آن را اعضای حزب توده تشکیل می دادند». یک خبرنگار خارجی هشدار می دهد که میزان هواداران این حزب چنان افزایش می یابد که «دیر یا زود می تواند حتی بدون خشونت کشور را به دست

گیرد» (آبراهامیان، ۱۳۸۴، ص. ۳۵۹). اقبال عمومی به حزب توده نیز رو به افزایش بود. «مسئولان دانشگاه در اواخر سال ۱۳۳۰، هشدار می‌دادند که در نتیجه تبلیغات دیرین دبیرستان‌ها ۷۵ درصد دانشجویان تازه وارد، کمونیست هستند» (آبراهامیان، ۱۳۸۴، ص. ۴۱۰).

اما در این بین دولت انگلستان بهتر از دیگران توانست از این آب گل آلود ماهی بگیرد. با روی کار آمدن آیزنهاور از حزب جمهوری خواه دیپلماسی انگلیس در آمریکا روی خطر کمونیست شدن ایران به خاطر حکومت مصدق، بیش از پیش تأکید می‌ورزید. آنان در این زمینه نیاز به ارائه دلایل زیادی نداشتند. خود مصدق با پررنگ کردن خطر کمونیسم، دلیل کافی را برای آنان فراهم آورده بود. ریچارد کاتم اذعان می‌دارد که «انگلیسی‌ها آن روزها با توجه کامل به جنون ترس از کمونیسم... عالماً و عامداً به این نقطه ضعف انگشت نهادند و پای ما [آمریکاییان] را در میدان کشیدند» (موحد، ۱۳۷۸، ج ۲، ص. ۷۸۵). یکی از دیپلمات‌های انگلیسی وقتی برای مذاکرات نفت ایران به آمریکا رفته بود، با زیرکی دریافت که چگونه باید آمریکایی‌ها را متقاعد سازد که مصدق خطرناک است و باید حذف شود. او می‌گوید:

ما رفته بودیم آمریکایی‌ها را قانع کنیم که با مصدق به هیچ جا نمی‌توان رسید و ماندن او به لحاظ منافع هردو کشور بسیار خطرناک خواهد بود. ما بر آن بودیم کمی هم دربارهٔ وسایلی که برای تغییر دولت مصدق در اختیار داریم با آمریکایی‌ها حرف بزنیم. پس از مدتی صحبت، احساس کردیم این نظر که ماندن مصدق سرانجام به روی کار آمدن کمونیست‌ها خواهد انجامید نزد آمریکایی‌ها جا افتاده و مورد قبول قرار گرفته است (موحد، ۱۳۷۸، ج ۲، ص. ۷۸۵).

البته مشکل مصدق با آمریکا به اینجا محدود نمی‌شد. در دوران جنگ جهانی دوم، سهم آمریکا از منافع نفتی خاورمیانه فقط ۱۳ درصد و سهم انگلیس ۸۰ درصد بود؛ ولی تا سال ۱۳۲۴ آمریکا سهم خود را به ۵۵ درصد افزایش داد و سهم انگلیس به ۴۱ درصد تنزل یافت (کاتم، ۱۳۷۱، ص. ۲۰۵). طبیعی بود در چنین شرایطی، آمریکا در صورت وزش نسیم جنبش ملی شدن صنعت نفت در منطقه، حتی خسارت بیشتری از انگلیس متحمل می‌شد. مصدق به خوبی از این مسئله آگاه بود. او در گفتگویی که پس از سی تیر با هندرسون، سفیر آمریکا در تهران داشت، به او گفت: «آمریکا می‌ترسد اگر ایران بتواند صنعت نفت خود را اداره کند، منافع آمریکا در عربستان سعودی و سایر جاها به مخاطره افتد» (موحد، ۱۳۷۸، ج ۲، ص. ۵۷۴). هندرسون نتوانست پاسخ متقاعدکننده‌ای به این اشکال مصدق بدهد و فقط گفت که «منافع نفتی آمریکا در درجه دوم از اهمیت قرار دارد» (موحد، ۱۳۷۸، ج ۲، ص. ۵۷۴). ولی این اشکال مصدق وارد بود.

چون در نهایت، آمریکا یک نظام سرمایه‌داری است، کمپانی‌های بزرگ و البته کمپانی‌های نفتی، نفوذ سیاسی زیادی دارند و در بسیاری از موارد، آن‌ها هستند که حرف آخر را می‌زنند. رؤسای پنج شرکت بزرگ نفتی آمریکا در ۱۰ اکتبر ۱۹۵۱/۱۷ مهر ۱۳۳۰ در حضور وزیر خارجه آمریکا و معاون وی، نگرانی‌های خود را در مورد بحران نفت ایران ابراز کردند. آنان گفتند نباید در مورد ایران طوری عمل شود که درآمد بیشتری نصیب آن کشور گردد، و گرنه «تمامی صنعت نفت بین‌المللی در معرض خطر جدی قرار خواهد گرفت» آنان حتی پا را از این فراتر نهاده و گفتند «حتی از دست دادن ایران [و افتادن آن کشور به ورطه کمونیسم]، بر عدم ثباتی که از موافقت با شرایط بسیار مساعد با ایران ناشی خواهد شد، ترجیح دارد»؛ زیرا اگر به ایران امتیازات ویژه داده شود، نه تنها نفت، بلکه همه سرمایه‌گذاری‌های آمریکا در ماورای بحار متزلزل خواهد شد (موحد، ۱۳۷۸، ج ۱، ص. ۱۹۰). اینجا بد نیست به نکته مهم دیگری که تاکنون در منابع فارسی موجود به آن اشاره‌ای نشده است نیز اشاره شود. آیزنهاور که به‌تازگی به ریاست جمهوری آمریکا انتخاب شده بود و شرکت‌های نفتی در جریان مبارزات انتخاباتی به‌شدت از او حمایت می‌کردند از این جهت وامدار آنان بود (Kenny, 2023, p. 212). برای کسانی که با سیاست آمریکا آشنا هستند روشن است که او نمی‌توانست به خاطر مصدق به حامیان اصلی خود پشت کند.

باری، مصدق در مقابله با انگلیس به یک مبارزه بزرگ ضد استعماری اقدام کرده بود. هدف اصلی او بیرون آوردن منابع حیاتی ایران از زیر سیطره اجنبی بود. در تمام مذاکرات میان مصدق و انگلیس دعوای اصلی بر سر این بود که «چه کسی کنترل منابع نفتی را در اختیار داشته باشد» منافع اقتصادی در درجه دوم اهمیت قرار می‌گرفت. حتی انگلیس حاضر شده بود که کنترل را در اختیار داشته باشد و ۶۰ درصد سود را به ایران بپردازد، یعنی ۱۰ درصد بیش از چیزی که آرامکو به عربستان می‌داد. ولی چیزی که مصدق هیچ‌از آن پایین نمی‌آمد و البته انگلیس و آمریکا نیز حاضر به پایین آمدن از آن نبودند، این بود که چه کسی کنترل منابع را در اختیار داشته باشد. این موضع مصدق را چنین توصیف می‌کند: «در تمام مدت این بحران او کاملاً پیگیر و دارای موضع ثابتی بوده است... هیچ‌گونه تردیدی نمی‌تواند وجود داشته باشد که هدف بنیادی او اخراج بیگانگان از هرگونه پست و جایگاهی در ایران غیر از جایگاه یک خدمت‌گذار است. او قبل از هر چیز و بیش از هر چیز یک ناسیونالیست است» (آبراهامیان، ۱۳۹۳، ص. ۱۲۱).

در نقطه مقابل، انگلیس و آمریکا به هیچ‌نحوی مایل به واگذاری کنترل منابع نفتی به ایران

نبودند؛ زیرا در فضای آن روزگار، آنان گمان می‌کردند درخواست این امتیاز از جانب ایران به تمام کشورهای دیگری که مواد خام خود را در امتیازهای مشابهی واگذار کرده‌اند سرایت خواهد کرد و این کار موضع قدرت‌های جهانی را بسیار تضعیف می‌کند (آبراهامیان، ۱۳۹۳، صص ۱۲۳ - ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۲۹ و ۱۳۵). از این جهت بود که انگلیس و آمریکا متوجه شدند هیچ راهی جز برکناری مصدق، خواه از طریق قانونی، خواه غیرقانونی، ندارند. بنابراین کودتای ۲۸ مرداد، سرکوب یک جنبش آزادی‌بخش «در چهارچوب تضاد امپریالیسم و ناسیونالیسم، بین جهان اول و جهان سوم، بین شمال و جنوب و بین اقتصادهای توسعه‌یافته صنعتی و کشورهای توسعه‌نیافته» بود (آبراهامیان، ۱۳۹۳، ص. ۲۲).

نهضت ملی شدن صنعت نفت را می‌توان یک جنبش ملی ضد سلطه امپریالیسم انگلیس دانست (موحد، ۱۳۷۸، ج ۱، صص ۱۳۹، ۱۷۸ و ۱۸۳؛ طاهرزاده کوزانی و همکاران، ۱۴۰۲؛ نجاتی، ۱۳۷۸) که در جریان آن نهضت، آمریکا نیز در اولین ورود مؤثر خود در عرصه سیاست ایران، نشان داد که دنبال‌کننده همان راه استعماری انگلیس است.

بالاخره پنجمین علتی که برای ناکامی مصدق ذکر می‌شود، اتکای او به توده‌های مردم بود. واقعیت این است که نهضت ملی ایران از ابتدا تا انتها فقط با اتکا به توده‌های مردم بود که توانست توفیقاتی را به دست آورد. بدون بهره‌گیری از آن نیروی سیاسی، هرگز امکان رویارویی با دربار و دولت‌های استعماری وجود نداشت (سمیعی، ۱۳۹۸)؛ اما باید اذعان کرد که استفاده مصدق از توده‌های مردم قدری تناقض‌آلود بود. از یک طرف مصدق خود اذعان دارد که دولتش با اتکا بر نیروی سیاسی توده‌ها و بر «روی احساسات و افکار عمومی تشکیل شده بود» (مصدق، ۱۳۶۵، ص. ۲۷۹). اینکه او مجلس را آنجا می‌داند که مردم حضور دارند و همچنین خود را مستظهر به پشتیبانی مردم می‌داند، تکیه کامل او به احساسات و افکار توده‌ها را تأیید می‌کند. از طرف دیگر، وقتی تاریخ نهضت ملی ورق زده می‌شود، مشاهده می‌کنیم مصدق به صورت تمام‌عیار از توده‌ها به عنوان یک نیروی سیاسی بهره نمی‌گرفت. «در جریان رویدادهایی که به ۳۰ تیر ۱۳۳۱ انجامید، مصدق شخصاً هیچ تمسکی به مردم نکرد و نه در رویدادهای ۲۵ تا ۲۸ مرداد مردم را به خیابان‌ها کشاند» (عظیمی، ۱۳۹۴، ص. ۸۰).

این یکی از معماهای تاریخ نهضت ملی ایران است که چرا مصدق در روز ۲۸ مرداد، هیچ تقاضای استمدادی از مردم نکرد. رادیو تهران آن روز برنامه‌های عادی خود را پخش می‌کرد و با اینکه مصدق در جریان کامل آشوب‌ها و درگیری‌ها قرار داشت، هیچ اطلاعیه‌ای از طرف دولت صادر نشد که هواداران مصدق را در جریان بگذارد و از آنان تقاضای کمک کند

(موحد، ۱۳۷۸، ج ۲، ص. ۸۵۱). عکس‌العمل مصدق تنها سکوتی مرموز بود (موحد، ۱۳۷۸، ج ۲، ص. ۸۳۸). برخی طرفداران مصدق این را به حساب صلح‌طلبی او می‌گذارند و می‌گویند او مایل نبود که در خیابان‌ها کشت و کشتار و خون‌ریزی راه بیفتد (موحد، ۱۳۷۸، ج ۲، ص. ۸۵۱). کسان دیگری که چندان با او نظر خوشی ندارند، معتقدند که مصدق حمایت مؤثر توده‌ها را از دست داده بود.

توده سیاسی مخالف دربار، بیشتر یا مدافع کاشانی بود و دل در گرو مسجد و منبر داشت، یا گوش به فرمان حزب توده بود. آنچه باقی می‌ماند نیز نیرویی نبود که در مقابل کودتا تاب مقاومت بیاورد. واقعیت آنکه مصدق کم‌ویش در تمام عرصه‌ها شکست خورده بود و بدون کودتا نیز ماندنی نبود (شوکت، ۱۳۸۵، ص. ۳۲۴).

اما هیچ‌کدام از این توجیحات قانع‌کننده نیست. اینکه مصدق به خاطر صلح‌طلبی از طرفداران خود استمداد نکرده باشد، توجیه درستی نیست. از طرفی مصدق سیاست‌مداری بود که در عرصه قدرت گام نهاده بود و به ملزومات آن نیک آگاه بود. او یک صلح‌طلب تارک دنیا نبود که از ایستادگی در مقابل دشمنانش به بهانه احتمال خون‌ریزی واهمه داشته باشد. طبق روایت حسینی، مصدق در ۲۷ مرداد در آخرین ملاقات خود با هندرسون به او گفته بود که «ما مقاومت می‌کنیم مگر آنکه تانک‌های شما از روی نعش‌های ما عبور نمایند» (موحد، ۱۳۷۸، ج ۲، ص. ۸۱۳). از طرف دیگر، نیروهای کودتاگر آن‌قدر توانمند نبودند که بتوانند در مقابل انبوه طرفداران مصدق عرض اندام کنند. یک شاهد غربی، تعداد تظاهرکنندگان مخالف مصدق را در روز کودتا حداکثر ۳۰۰۰ نفر برآورد کرده است (آبراهامیان، ۱۳۹۴، ص. ۷۷)؛ اما این توجیه که مصدق توده‌های طرفدار خود را از دست داده بود، نیز سخن صحیحی نیست. شواهد و قراین زیادی مانند پیروزی قاطع مصدق در همه‌پرسی و نیز تظاهراتی که طرفداران او در ۲۹ خرداد در سالروز خلع‌ید و همچنین در سالروز سی‌تیر و همچنین پس از کودتای ناموفق ۲۵ مرداد ترتیب دادند، همگی نشان می‌دهد که مصدق هنوز نفوذ بالایی در میان توده‌ها داشت و اگر اراده می‌کرد، می‌توانست آنان را بسیج کند. پاسخ صحیح به سؤال بالا این است که مصدق با توجه به همان تناقضی که در نقش سیاسی خود داشت، همواره مردد بود که آیا یک نخست‌وزیر قانونی دولت مشروطه است یا یک رهبر انقلابی. درخواست از توده‌ها برای حضور در خیابان، مناسب شخصیت یک رهبر انقلابی است؛ ولی همین کار می‌تواند کارکرد دستگاه‌های نظامی و انتظامی تحت امر یک نخست‌وزیر قانونی را زیر سؤال ببرد. بنابراین تردید مصدق میان دو

نقشی که داشت، جلوی واکنش سریع و به موقع او را گرفت. توضیح بیشتر در این زمینه در ادامه خواهد آمد.

علت اصلی ناکامی مصدق

مصدق در طول مدت زعامت خویش در عرصه سیاست دو نقش کاملاً متضاد را بازی می کرد: از یک سو یک نخست وزیر قانونی، قانونمدار و لیبرال بود و از سوی دیگر یک قهرمان مبارزه با استعمار که خواهان قطع دستان دولت‌های بیگانه و مزدوران داخلی آنان بود در هر لباس و مقام و منزلتی که باشند. مطالعه دقیق تاریخ نهضت ملی نشان می دهد که علت اصلی ناکامی های مصدق ناسازگاری میان این دو نقش بود. زیرا هر یک از این دو نقش، الزاماتی دارد که باهم قابل جمع نیستند و همچنین توقعاتی را ایجاد می کند که نمی شود همه آن‌ها را برآورده کرد.

نقش نخست مصدق، نخست وزیری فرهیخته بود که در اروپا تحصیل کرده و منشی لیبرال داشت. او آن قدر لیبرال بود که حتی نمی خواست از موقعیت خود به عنوان نخست وزیر استفاده و جبهه ملی را تبدیل به یک حزب فراگیر کند و از آن راه، نمایندگان طرفدار خود را وارد مجلس نماید. کمتر از یک دهه پیش از آن، قوام السلطنه این کار را در جریان انتخابات دوره پانزدهم مجلس انجام داد و با تأسیس حزب دموکرات ایران توانست بیشتر کرسی های مجلس را به دست آورد؛ ولی مشکل قوام آن بود که حزبی که بنا نهاده بود، بنیان های مستحکم سیاسی نداشت؛ اما مصدق با توجه به سابقه درخشان جبهه ملی می توانست به راحتی حزب فراگیر و ماندگاری را بنیان گذارد و به راحتی صندلی های مجلس هفدهم را از نمایندگان موافق خویش پر کند. ولی درست در نقطه مقابل، مصدق آن قدر لیبرال منش بود که «در دوره نخست وزیری می خواست از محدوده وابستگی های حزبی فراتر رود و نماینده همه ملت باشد و نه حزب و گروهی مشخص» (عظیمی، ۱۳۹۴، ص. ۱۰۶)؛ و چون خود را نماینده همه مردم دانستن با داشتن وابستگی به حزبی خاص ناسازگار بود، ترجیح داد فعالیت حزبی نداشت باشد. او نه تنها حزب فراگیری بنیان نگذاشت، حتی از پوشش چتر جبهه ملی استفاده نکرد تا رأی هواداران خود را روی اشخاص هم فکر خود متمرکز کند. «نزاهت طلبی مصدق او را بر آن داشت که... جبهه ملی در جلسه ای با حضور آیت الله کاشانی در منزل یوسف مشار، تنها ۱۵ نفر را به نامزدی معرفی کرد. نه نفر برای تهران و شش نفر برای شهرستان ها» (موحد، ۱۳۷۸، ج ۲، ص. ۸۸۹). نتیجه آن همه نزاهت طلبی روشن بود. او مجلس هفدهم را از دست داد.

مصدق در خاطرات خود افتخار می‌کند که دولت او «یگانه دولتی بود که اعتبار سری نداشت» (مصدق، ۱۳۶۵، ص. ۳۶۹). مقصود او این است که سازمان اطلاعات و امنیت و نیز تشکیلات ضد جاسوسی در دولت او وجود نداشت. این ممکن است برای یک نخست‌وزیر لیبرال افتخارآمیز باشد. ولی واقعیت آن بود که دستگاه‌های جاسوسی و سرویس‌های امنیتی انگلیس و آمریکا به صورت گسترده مشغول دسیسه‌چینی ضد او بودند و مصدق میدان را برای آنان باز گذاشته بود تا به سادگی با عوامل خود ارتباط برقرار کنند و به آنان پول و دستورات لازم را برسانند (عظیمی، ۱۳۹۴، صص. ۱۷۴ و ۱۸۳). وقتی مصدق در جامه یک نماینده خدمت می‌کرد، معتقد بود که یک نخست‌وزیر قانونی مشروطه باید عملکردی شفاف و اختیارات محدودی داشته باشد و هر چه این اختیارات محدودتر باشد، امکان تبدیل او به یک دیکتاتور کمتر خواهد بود. گویی اینک مصدق همان نخست‌وزیر مطلوبی بود که خود سال‌ها ترسیم کرده بود.

یکی از مشکلات مهم عملکرد مصدق این بود که چون خود را یک نخست‌وزیر قانونی می‌دانست دست به نهادسازی خارج از نهادهای رسمی و قانونی مملکتی نزد. از خرداد ۱۳۳۲ که شایعه کودتای ضد دولت قوت گرفت، حزب زحمت‌کشان نیروی سوم به رهبری خلیل ملکی پیشنهاد تشکیل «کمیته‌های محلی و منطقه‌ای جبهه ملی و گارد جبهه ملی را به منظور دفاع از دولت مطرح ساخت» که دولت آن را نپذیرفت (کاتوزیان، ۱۳۷۱، ص. ۲۰۷).

مصدق اصولاً اعتقادی به کارهای انقلابی و خارج شدن از محدوده سازمان‌های رسمی و قانونی نداشت. او فقط می‌خواست نیروهای نظامی و انتظامی به وظیفه خود عمل کنند، چون بیش از آنکه خود را یک فرد انقلابی بداند، یک نخست‌وزیر قانون‌مند می‌دانست. برای یک رهبر سیاسی با چنین ذهنیتی، وظیفه شهروندان نیز بیش از ارائه یک رأی نبود که طرفداران مصدق آن را در جریان همه‌پرسی به صندوق انداخته بودند. او خود در خاطراتش اذعان دارد که در روز ۲۸ مرداد «مردم چکار بیش از آنچه کردند می‌توانستند بکنند؟ قدرت و توانایی هر کس همان یک رأی بود که موقع رفراندوم به دولت داده بود!» (مصدق، ۱۳۶۵، ص. ۲۵۳). ولی واقعیت چیز دیگری بود. اگر او مانند رهبران انقلابی، نهادسازی کرده بود و آن هسته‌های مقاومت مردمی که پیشنهاد شده بود، شکل گرفته بود و توده‌های مردم بیشتر از یک شهروند و نیروی انقلابی در نظر گرفته می‌شدند، امکان نداشت که مصدق به آن سادگی از قدرت ساقط شود؛ اما جهانی بینی آن نخست‌وزیر لیبرال چنین بود.

مصدق به‌عنوان یک نخست‌وزیر لیبرال، ستیزی با فرهنگ و تمدن غرب نداشت. مبارزه او

با دولت انگلیس، «از همان ارزش‌هایی مُلهم بود که پایه فرهنگ مدرن جوامع غربی را تشکیل می‌داد؛ ضدیت او با استعمار، نفی ارزش‌های بنیادین تمدن غرب نبود» (عظیمی، ۱۳۹۴، ص. ۹۳). از این رو بود که وقتی پرونده ایران در شورای امنیت و دادگاه لاهه طرح شد، او با زبردستی و با هوشمندی توانست با به‌کارگیری گفتمان مقبول در غرب، از حقوق ایران دفاع کند و در هر دو مورد برنده شد. ولی سکه غرب دو رو دارد. یک روی آن ارزش‌های متعالی و انسانی است و روی دیگرش استعمار و استثمار و پلیدی است (حائری، ۱۳۷۲). مصدق در تعامل با آن روی روشن تمدن غرب نشان داد که بسیار توانمند است؛ ولی در مقابله با روی تاریک آن بود که شخصیت لیبرال مصدق کارآیی چندانی نداشت و نیاز به یک شخصیت انقلابی بود که به فکر مبارزه مردمی ضد استعمار و استبداد باشد؛ اما در مقابل آن نقش لیبرال و قانون‌مدار، مصدق گاهی در تلاطم روزگار مجبور می‌شد نقش دیگری را بازی کند. در نقش دوم، مصدق شخصیتی انقلابی و استعمارستیز بود. اولویت اصلی او به‌عنوان یک قهرمان مبارزه با استعمار، نه رفاه شهروندان، بلکه مبارزه جهت کسب استقلال بود. او خود می‌گوید:

از تشکیل آن دولت مقصود این نبود که پل و بندر ساخته شود. دولت این‌جانب روی احساسات و افکار عمومی تشکیل شده بود و هدف ملت این بود که به آزادی و استقلال برسد و مقدرات مملکت خود را در دست بگیرد و کارهایی بزرگ‌تر از ساختن پل و بندر انجام دهد (مصدق، ۱۳۶۵، ص. ۲۷۹).

یک‌بار نیز در نطقی در مجلس ۱۶ گفت: «بنده به نان و قماش اهمیتی نمی‌دهم؛ آن چیزی را که بنده اهمیت می‌دهم، استقلال ایران است» (مکی، ۱۳۶۸، ص. ۳۳۱). در آخرین نطق دفاعیه خود در دادگاه نیز چنین گفت: «نهضت ملی ایران از این نظر به وجود آمده بود که این سرطان مهلک را از بیخ و بن بر کند و مردم کشور از آزادی و استقلال سیاسی به معنای حقیقی خود استفاده کنند» (کاتوزیان، ۱۳۷۱، ص. ۳۶۹).

این استعماری که مصدق با آن سرستیز داشت و این غده سرطانی که می‌خواست از بیخ و بن برکند، آن‌قدر در کشور ریشه دوانده بود که برای مبارزه با آن باید گاهی قانون زیر پا گذاشته می‌شد. باید مصدق حکومت نظامی بر پا می‌کرد، همان چیزی که وقتی خودش نماینده مجلس بود با آن به‌شدت مخالفت کرده بود؛ باید تقاضای دریافت اختیارات قانون‌گذاری از مجلس می‌نمود و آن تقاضا باید تمدید می‌شد؛ و بالاخره همان مجلس باید منحل می‌شد و نمایندگان مخالف باید سلب مصونیت و بازداشت می‌شدند. وقتی به دلایل مصدق برای این کارها - که همه از نظر خود او در شرایط عادی غیرقانونی بود - دقت کنیم، او نفوذ بیگانگان و

استعمارستیزی را دلیل همه این امور می‌داند. مصدق در این نقش دوم، دیگر یک نخست‌وزیر لیبرال نبود. او استعمارستیزی انقلابی بود.

یک رهبر انقلابی که اولویتش مبارزه با استعمار است، اگر احساس کند که نهادهای قانونی مشروطه مانند مجلس شورای ملی تحت نفوذ دشمن قرار گرفته‌اند، چندان به قانونی بودن آن‌ها بها نمی‌دهد و آن‌ها را از سر راه انقلاب برمی‌دارد. چنان‌که اگر غده سرطانی در اعضای بدن ریشه دوانده باشد، برای معالجه و در صورت لزوم، برخی اعضای بدن را نیز برمی‌دارند. مصدق در مورد مجلس هفدهم چنین کرد. او در خاطرات خود اذعان می‌دارد که نمایندگان مجلس هفدهم به صورتی آزاد و قانونی انتخاب شده بودند. او در شمار دستاوردهای دولت خود، آزادی در انتخابات را به‌عنوان ششمین دستاورد یاد می‌کند و می‌گوید: «ششم. آزادی انتخابات که آن‌هم نصیب ملت شد و در انتخابات دوره هفدهم، سیاست خارجی دخالت ننمود» او اضافه می‌کند که برخی عمال بیگانه به آن مجلس راه یافتند که این نه بر اثر دخالت بیگانگان، بلکه به خاطر آثاری بود که سیاست بیگانه از خود به‌جای گذاشته بود (مصدق، ۱۳۶۵، ص. ۲۳۳)؛ ولی از نظر او انتخابات در مجموع، آزاد و مقبول و جزو دستاوردهای دولتش به حساب می‌آمد. به‌ویژه نمایندگان تهران که از نظر مصدق نمایندگان واقعی ملت بودند؛ ولی از دید یک رهبر انقلابی، اگر همان مجلس قانونی و همان نمایندگان واقعی تهران به‌واسطه نفوذ خارجی (مصدق، ۱۳۶۵، ص. ۲۰۳ پانویس) بخواهند جلوی انقلاب بایستند، نباید در حذف آن‌ها حتی یک لحظه هم تردید نمود و مصدق در نقش یک رهبر انقلابی چنین کرد.

مشکل عمده مصدق در عملکرد سیاسی خود همین تذبذب میان این دو نقش متضاد بود. پیش از این نیز برخی منابع به ناسازگاری اهداف مختلفی که مصدق دنبال می‌کرد، اشاره کرده بودند. نعمتی زرگران (۱۳۸۷) به این نتیجه رسیده بود که ناسازگاری درونی دو هدف حفظ سلطنت و کنترل نیروهای نظامی که هم‌زمان مصدق آن را پیگیری می‌کرد، علت اصلی ناکامی او بود؛ اما نباید به این دو مصداق بسنده کرد. همان‌طور که در مقاله اشاره شد، در حقیقت، دو نقش اصلاح‌گری [که اینجا به‌عنوان نخست‌وزیر لیبرال از آن یاد شد] و انقلابی مصدق که به ترتیب حفظ سلطنت و کنترل نیروهای نظامی تنها یکی از مصادیق هر یک از آن دو نقش بودند، باهم سر ناسازگاری داشتند. مصدق نه کاملاً این و نه کاملاً آن بود و درعین حال می‌خواست هر دو باشد. برای اینکه این تردد مصدق میان دو نقش و تردید و سستی‌ای که محصول این دوگانگی بود برای خوانندگان عزیز روشن‌تر شود، اینجا دو شخصیت تاریخی را نام می‌بریم که هر کدام در نقش خود ثابت‌قدم بودند و به خاطر همین ثابت بود که به

نتیجه مطلوب رسیدند. شخصیت اول قوام السلطنه بود که در نقش یک نخست‌وزیر عمل‌گرا (پراگماتیک) از بهمن سال ۱۳۲۴ تا آذر ۱۳۲۶ توانست یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای طول خدمت سیاسی خود را - بازگرداندن دو استان آذربایجان و کردستان به ایران - رقم زند. شخصیت دوم نیز امام خمینی بود که در نقش یک مرجع تقلید انقلابی توانست بساط سلطنت پهلوی را برچیند. رمز پیروزی این دو نفر این بود که نقش ثابتی را ایفا کردند و همه ملزومات آن را نیز پذیرفتند و از آن طریق توانستند به هدفی که می‌خواستند، دست یابند. ولی اشکال اصلی مصدق این بود که نتوانست نقش سیاسی خود را به‌درستی تعریف کند و روی آن ایستادگی نماید و ملزوماتش را بپذیرد.

نتیجه‌گیری

مصدق اگرچه به‌ظاهر، نبرد قدرت را باخت؛ ولی در محضر وجدان تاریخ، از میدان مبارزه با استعمار سربلند بیرون آمد. درست است که آفتاب زندگی سیاسی مصدق در روز ۲۸ مرداد برای همیشه غروب کرد؛ ولی شخصیت او به‌عنوان اسطوره درستکاری و استقامت در مقابل بیگانگان، تازه طلوع کرد. اینک «با پایان زندگی سیاسی فعال مصدق، یک اسطوره آغاز شد... اراده قوی و خوی سرکش مصدق با مهرورزی، شفقت و صداقت درهم آمیخته بود و او را آماج محبت و احترام مردم قرار می‌داد» برای محاکمه به دادگاه نظامی سپرده شد. او در نهایت محکوم به سه سال حبس شد و پس از آزادی به احمدآباد تبعید گردید و تا آخر عمر در حصر خانگی قرار داشت؛ اما او نهایت استفاده را از جریان محاکماتش برد و توانست در قالب دفاعیاتی مستدل، محبوبیت خود را در میان طرفدارانش تثبیت و در دفتر تاریخ برای آیندگان ثبت نماید.

۸۸

شاید بزرگ‌ترین میراث سیاسی مصدق و درسی که ایران از نهضت وی گرفت، این بود که ملت ایران جز با انقلاب نمی‌تواند خود را از زیر یوغ استعمار و نظام وابسته شاهنشاهی خارج سازد؛ و این همان چیزی بود که در سال ۱۳۵۷ تحت زعامت رهبری که کاملاً شخصیت انقلاب داشت، تحقق یافت. فقط در پی ناکامی نهضت ملی ایران بود که نخبگان ایران دریافتند که برای براندازی نظام شاهنشاهی نمی‌توان جز ردای انقلاب چیز دیگری بر تن نمود. ولی مصدق چون در مورد نقش سیاسی خویش دچار تذبذب بود و گاهی در قالب نخست‌وزیری لیبرال و گاهی هم در ردای یک رهبر انقلابی عمل می‌کرد، خودش و هم‌پیمانانش را به اشتباه می‌انداخت. همین اشتباه، مهم‌ترین عامل ایجاد تفرقه در میان اعضای

جبهه ملی بود. همین تذبذب میان دو نقش بود که مصدق را از احراز کفایت در مدیریت سیاسی ناتوان می‌ساخت. اگر او واقعاً می‌خواست نقش یک رهبر انقلابی را پیاده کند، باید نوع سیاست خارجی خویش را بازتعریف می‌کرد و دیگر نمی‌توانست مانند یک نخست‌وزیر لیبرال به حزب توده آزادی اعطا کند. نگاه و استفاده او از انبوه توده‌های مردم نیز متفاوت می‌شد. یک رهبر انقلابی هیچ‌گاه وظیفه مردم را منحصر در انداختن رأی به صندوق نمی‌داند. خلاصه آنکه مصدق یا باید می‌پذیرفت که یک نخست‌وزیر لیبرال است و شعارهای انقلابی را کنار می‌گذاشت یا در جامه یک رهبر انقلابی در همه موارد، انقلابی عمل می‌کرد. جمع کردن این هر دو نقش متناقض، همان‌گونه که گذشت، علت اصلی ناکامی او در رهبری نهضت ناسازگاری میان ملزومات این دو نقش بود.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.
مشارکت نویسندگان: نویسنده به تنهایی در آماده‌سازی مقاله نقش داشته است.
تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسنده در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.
تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسنده حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۴). *ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران معاصر*. ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی ولیلایی، تهران: نشر نی.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۳). *کودتا (کودتای ۲۳۳۱، سازمان سیا و ریشه‌های روابط ایران و ایالات متحده در عصر جدید)*. ترجمه ناصر زرافشان، تهران: نشر نگاه.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۴). *مردم در سیاست ایران: پنج پژوهش موردی*. ترجمه بهرنگ رجبی، تهران: نشر چشمه.
- افشار، ایرج (۱۳۸۲). *گردآورنده*. مصدق و مسائل حقوق و سیاست. تهران: نشر سخن.
- پایا، علی (۱۳۸۲). *ابهام‌زدایی از منطق موقعیت*. *نامه علوم اجتماعی*، (۲۱)، ۳۰۱ - ۲۷۱.
https://jnoe.ut.ac.ir/issue_1054_3160.html
- پایا، علی (۱۳۸۵). *ابهام‌زدایی از «منطق موقعیت» (بخش دوم)*. *نامه علوم اجتماعی*، (۲)، ۲۵-۱.
https://jnoe.ut.ac.ir/article_10502.html

- حائری، عبدالهادی (۱۳۷۲). نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- خانی، امین (۱۳۹۵). مصدق و نهضت ملی شدن نفت. تاریخنامه خوارزمی، ۴(۲)، ۱۰۸ - ۸۹. <http://ensani.ir/fa/article/journal-number/40229>
- خسروشاهی، سید هادی (۱۳۷۹) (گردآورنده). فدائیان اسلام: تاریخ، عملکرد، اندیشه. تهران: اطلاعات.
- سمیعی، محمد (۱۳۹۸). نقش سیاسی توده‌ها در ایران معاصر، بازخوانی و تحلیل تأثیر توده‌ها در تحولات سیاسی. فصلنامه سیاست، ۴۹(۲)، ۳۹۳ - ۳۷۳. doi:10.22059/jpq.2019.233441.1007065
- شایگان، احمد (۱۳۸۵). سید علی شایگان: زندگی‌نامه سیاسی، نوشته‌ها و سخنرانی‌ها، تهران: نشر آگاه.
- شوکت، حمید (۱۳۸۵). در تیررس حادثه: زندگی سیاسی قوام‌السلطنه. تهران: نشر اختران.
- طاهرزاده کوزانی، نوری، هادی و علیزاده، رضا (۱۴۰۲). خوانش پسااستعماری هویت در اندیشه محمد مصدق با تأکید بر روش و اساسی. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۸ (۳) ۲۳۴ - ۱۹۹. doi: 10.22034/ipsa.2023.494
- عاقلی، باقر (۱۳۶۹). روزشمار تاریخ ایران. تهران: نشر گفتار، ۲ جلدی.
- عظیمی، فخرالدین (۱۳۸۷). بحران دموکراسی در ایران ۱۳۳۲-۱۳۲۰. ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نوذری، تهران: نشر آسیم.
- عظیمی، فخرالدین (۱۳۹۴). تأملی در نگرش سیاسی مصدق: گفتارهایی در تاریخ، سیاست و فرهنگ سیاسی ایران. تهران: نشر خجسته.
- کاتم، ریچارد (۱۳۷۱). ناسیونالیسم در ایران. ترجمه فرشته سرلک، تهران: نشر گفتار.
- کاتوزیان، همایون (۱۳۷۱). مصدق و نبرد قدرت در ایران. ترجمه احمد تدین، تهران: نشر رسا.
- مصدق، محمد (۱۳۵۹). تقریرات مصدق در زندان درباره حوادث زندگی خویش. به اهتمام جلیل بزرگمهر، به کوشش ایرج افشار، تهران: فرهنگ ایران‌زمین.
- مصدق، محمد (۱۳۶۵). خاطرات و تألمات دکتر محمد مصدق. به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات علمی.
- مکی، حسین (۱۳۶۸). خاطرات سیاسی حسین مکی. تهران: انتشارات علمی.

•
- موحّد، محمدعلی (۱۳۷۸). خواب آشفته نفت: دکتر مصدق و نهضت ملی ایران. تهران: نشر کارنامه.

- نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۸). جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲. تهران: شرکت سهامی انتشار.

- نعمتی زرگران، مرتضی (۱۳۸۷). علت ناکامی مصدق در تحقق استراتژی کنترل ارتش توسط نهادهای غیرنظامی. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۴(۱)، ۲۴۷ - ۲۱۳.

https://www.ipsajournal.ir/article_84.html

-Kenny, P.(2023). *Why Populism? Political Strategy from Ancient Greece to the Present*. Cambridge: Cambridge University Press.

-Popper, K(1974).*Objective Knowledge: an evolutionary approach*. Clarendon Press.

بررسی تطبیقی تحول مواضع احزاب و گروه‌های سیاسی اصلاح‌طلب در ارتباط با کنش‌های جمعی اعتراضی در جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۱-۱۳۷۸)

حمید گل محمدی^۱

DOI:10.22034/FADEMO.2024.465084.1050

عباس خورشیدنام^۲

چکیده: در این پژوهش مواضع حزب اتحاد ملت ایران اسلامی (جبهه مشارکت) و گروه سیاسی مجمع روحانیون مبارز از طیف اصلاح‌طلب در ارتباط با اعتراض‌های به وقوع پیوسته در بازه زمانی (۱۳۷۸-۱۴۰۱) بررسی شده است. برای انجام این پژوهش، به بیانیه‌های صادر شده در خصوص کنش‌های جمعی اعتراضی از طرف دو تشکل سیاسی فوق مراجعه شده است. داده‌های به‌دست آمده به وسیله روش تحلیل مضمون، مورد تحلیل قرار گرفته است. این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش اصلی است که آیا مواضع حزب اتحاد ملت و مجمع روحانیون در ارتباط با اعتراض‌های (۱۳۷۸-۱۴۰۱) دارای تحول بوده؟ همچنین به دنبال پاسخ به این پرسش فرعی است که مواضع حزب اتحاد ملت و مجمع روحانیون نسبت به اعتراض‌ها دارای چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی است؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد: مواضع مجمع روحانیون در خصوص حوادث بعد از انتخابات سال ۱۳۸۸ و حوادث سال ۱۴۰۱، نسبت به مواضع آن‌ها در حوادث سال ۱۳۹۶ دارای تحول بوده؛ ولی مواضع حزب اتحاد ملت در خصوص اعتراض‌ها مورد بررسی، تحولی نداشته است. مواضع حزب اتحاد ملت و مجمع روحانیون مبارز در تأکید

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی انقلاب، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).
hgolmohammadi1394@gmail.com

۲. استادیار جامعه‌شناسی، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.
abbas_khorshidnam@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۳

دوفصلنامه انقلاب پژوهی | سال دوم، شماره ۳ | بهار و تابستان ۱۴۰۳ | صفحات ۹۳-۱۲۴

<https://trs.ri-khomeini.ac.ir/>

بر مردم‌سالاری، همه‌پرسی و آزادی بیان، انتقاد از نحوه حکمرانی و عملکرد جناح محافظه‌کار (اصول‌گرا) دارای تشابه و در رعایت اخلاق، دین‌داری صحیح، آموزه‌های دینی و تأکید بر ضرورت هوشیاری مردم جهت مقابله با فتنه‌ها و دشمنی آمریکا، دارای تفاوت می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: بررسی تطبیقی، بیانیه سیاسی، مواضع احزاب، تحول مواضع، تحلیل مضمون، کنش جمعی اعتراضی.

مقدمه و بیان مسئله

کشور ما به خاطر مشکلات عدیده ساختاری، ناکارآمدی‌های متعدد، وفور رنج و شیوع فساد و سوء مدیریت همواره مستعد وقوع کنش‌های جمعی اعتراضی است. این اعتراض‌ها در کشورمان در طی سال‌های گذشته روبه افزایش بوده و در طی سال‌های (۱۴۰۱-۱۳۷۸) دلایل مختلفی از قبیل تعطیلی روزنامه سلام و اعتراض دانشجویان و حوادث کوی دانشگاه تهران در تیرماه سال ۱۳۷۸، اعتراض به نتایج انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۱۳۸۸، افزایش قیمت بنزین در اواخر آبان ۱۳۹۸ و اخیراً هم مسئله رعایت حجاب اجباری و فوت مرحومه مهسا امینی در اواخر شهریور ۱۴۰۱، داشته است. در این پژوهش فقط اعتراض‌های سال‌های فوق مورد بررسی قرار گرفته و کنش‌های جمعی سال‌های قبل از ۱۳۷۸ به دلیل عدم اعلام موضع در خصوص برخی از کنش‌های جمعی از جانب برخی از احزاب و گروه‌های سیاسی و عدم دسترسی به برخی از بیانیه‌های احزاب، مورد بررسی این پژوهش قرار نگرفته است. از شواهد امر پیداست که مردم فقط هنگامی دست به کنش‌های جمعی اعتراضی می‌زنند که برای ابراز درخواست‌هایشان چاره‌ای جز توسل به یک چنین کنش‌هایی نداشته باشند. همگی اعتراض‌های نام برده شده با شکست مواجه شده، به توسعه یأس و ناامیدی و فکر مهاجرت و ترک کشور منتهی شدند.

۹۴

در این بین بیانیه‌های احزاب و گروه‌های سیاسی همواره حائز اهمیت بوده است؛ چراکه احزاب و گروه‌های سیاسی با گرایش‌های مختلف فکری یا از این کنش‌های جمعی اعتراضی حمایت کرده و برخی از این احزاب، این قبیل اعتراض‌ها را محکوم نموده‌اند. فارغ از اینکه انگیزه بروز اعتراض‌ها چه می‌باشد، مواضع احزاب و گروه‌های سیاسی در به وجود آمدن و ادامه یافتن و شدت و کاهش یافتن این اعتراض‌ها می‌تواند مؤثر باشد، به همین دلیل با تحلیل مضمونی بیانیه‌های صادر شده از طرف احزاب و گروه‌های سیاسی در سال‌های مورد اشاره می‌توان به بررسی این موضوع پرداخت که آیا مواضع حزب اتحاد ملت و مجمع روحانیون مبارز، در طول دوره زمانی مورد اشاره تحول داشته است؟ و اگر تحول داشته، چگونه بوده

است؟ با توجه به تعداد زیاد احزاب و گروه‌های سیاسی موجود در جناح اصلاح طلب و اینکه نمی‌توان عملاً تمام بیانیه‌های این احزاب و گروه‌های سیاسی را مورد بررسی قرار داد به همین دلیل یک حزب و یک گروه سیاسی به نام‌های حزب اتحاد ملت ایران اسلامی و گروه سیاسی مجمع روحانیون مبارز مورد بررسی و تحلیل مضمونی قرار گرفته‌اند.

از آنجا که مجمع روحانیون در مورد حادثه کوی دانشگاه تهران (۱۳۷۸) و حوادث آبان ۱۳۹۸ بیانیه‌ای نداشته، تسامحاً از بیانیه این گروه سیاسی در حوادث دی‌ماه ۱۳۹۶ استفاده شده است. بدین ترتیب مواضع و دیدگاه‌های این حزب و گروه سیاسی از جناح اصلاح طلب به شرح ذیل مورد بررسی قرار گرفته است:

۱. مواضع حزب اتحاد ملت و مجمع روحانیون را در ارتباط با کنش‌های جمعی اعتراضی به وقوع پیوسته در طی سال‌های فوق بررسی کرده تا مشخص شود آیا در طول این مدت تحول مواضع داشته‌اند؟

۲. مواضع حزب اتحاد ملت و مجمع روحانیون در ارتباط با اعتراض‌ها سال‌های فوق با یکدیگر مقایسه شده تا تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود در مواضع آن‌ها مشخص شود. لازم به ذکر است که مجمع روحانیون مبارز با توجه به اساسنامه‌اش، در این پژوهش به‌عنوان گروه سیاسی در نظر گرفته شده است.

۱. پیشینه پژوهش

با بررسی‌های صورت گرفته، مشخص شد که تحقیقی با این عنوان صورت نگرفته است؛ اما اگر این عنوان را به اجزای سازنده‌اش تقسیم کنیم، کارهایی به‌صورت بررسی موردی انجام شده است. نظیر پژوهشی با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی تحول گفتمان مجمع روحانیون مبارز طی دو دهه ۱۳۸۸-۱۳۷۶» که در سال ۱۳۹۲ انجام شده است. نویسندگان به تحلیل و تبیین تحول گفتمان مجمع روحانیون به‌عنوان یکی از گفتمان‌های سیاسی مؤثر پس از انقلاب اسلامی پرداخته‌اند. در این چهارچوب پس از مروری بر تحول گفتمان مجمع روحانیون در دولت‌های جنگ، سازندگی، اصلاحات و دولت اصولگرا، عوامل ساختاری تحول این گفتمان بررسی شده است. تحول این گفتمان طی دو دهه از اسلام (قرائت ایدئولوژیک و انقلابی اسلام) به مردم (قرائت دموکراتیک و مردم‌گرایانه اسلام)، ارزش‌های آرمانی و انقلابی به ارزش‌های واقع‌گرایانه و عمل‌گرایانه، عدالت به آزادی، اقتصاد دولتی به اقتصاد بازار بوده است. یافته‌های این تحقیق در سطح نخست نشان داد که عوامل ساختاری نظیر فرایند تکوین این گفتمان در

یک جامعه پسانقلابی بر تحول آن اثر گذاشته است. از مهم‌ترین خصائص جامعه پسانقلابی انشعاب نیروها و تحول فضای ایدئولوژیکی جامعه است. در سطح دوم عوامل ساختاری به دو گروه عوامل سخت‌افزاری و عوامل نرم‌افزاری تقسیم شدند، عوامل سخت‌افزاری نظیر تحولات جمعیتی، گسترش شهرنشینی، افزایش سواد، تحولات اقتصادی، معیشتی و عوامل نرم‌افزاری نظیر گذار از اقتدار کاریزماتیک به اقتدار عقلانی-قانونی، تحولات روشنفکری، تحولات رسانه‌ای، چیرگی موج دموکراتیزاسیون در جهان و رواج آموزه‌های آزادی‌گرایانه بوده است.

همچنین در پایان‌نامه «بررسی مواضع احزاب و گروه‌های چپ‌گرا در جریان شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی» (۱۳۷۵) نویسنده با توجه به فعالیت‌ها و عملکرد طیف احزاب چپ‌گرا به معنای مارکسیستی آن در جریان شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی که دوره پس از قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ را شامل می‌شود به تبیین آثار احتمالی حضور این گروه‌ها در صحنه انقلاب پرداخته است. این تحقیق سعی در پاسخ‌یابی به این پرسش است که آیا احزاب و گروه‌های چپ‌گرا در عوامل کوتاه یا بلندمدت شکل‌گیری انقلاب اسلامی مؤثر بوده‌اند یا خیر؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که احزاب موردنظر این تحقیق عموماً گرایش‌های مارکسیستی-لنینیستی و مائوئیستی داشته‌اند و از این رو فاقد جایگاه مردمی مناسب جهت عمل پوشاندن به اهداف خود در میان مردم مسلمان ایران بوده‌اند. از این رو جز در مواردی آن‌هم با ریاکاری و استفاده از نقاب اسلام، فاقد وجهه مردمی بوده‌اند. علی‌رغم این مسئله، فعالیت گروه‌های موردنظر، دارای نکات مثبتی چون پدیدآوردن سازمان‌هایی متشکل و مبارز در برابر رژیم، شکستن جو رعب و وحشت مستولی بر جامعه از طریق فعالیت‌های مسلحانه و انتشار کتب و اعلامیه‌های مختلف، تأثیر بر ادبیات و فرهنگ انقلابی جامعه ایران بوده است. هرچند، گسترش فرهنگ بیگانه و الحادی مارکسیسم تحت پوشش علم انقلاب و ایدئولوژی مبارزه، برخورد دوگانه با اعتقادات مذهبی ایران، اتخاذ استراتژی و تاکتیک‌های غلط، ایجاد جو بدبینی نسبت به احزاب و گروه‌های سیاسی از نکات منفی فعالیت این گروه‌ها به شمار می‌روند. کتاب *گفتمان‌های حاکم بر دولت‌های بعد از انقلاب در جمهوری اسلامی ایران* (۱۳۸۶) به بررسی مهم‌ترین مسائل اجتماعی دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی پرداخته است و به این سؤالات پاسخ می‌دهد که مهم‌ترین مسئله هریک از مسئولین درجه اول دولت‌های بعد از انقلاب چه بوده و عمده‌ترین راه‌حل‌ها و برنامه‌های اجتماعی دولت برای مواجهه با مهم‌ترین مسئله هریک از مسئولین درجه اول چه می‌باشد؟ در اولین دوره که از سال ۱۳۵۷ تا سال

۱۳۶۰ تداوم یافته است، دوران گذار نامیده شده. مهم‌ترین مسئله اجتماعی دولت موقت بازرگان، انقلابی‌گری و بی‌ثباتی و نامشخص بودن ساختارهای حکومتی است و میانه‌روی و محافظه‌کاری، گفتمان و رویکرد حاکم بر این دولت می‌باشد. زمینه اجتماعی، موضوع و محور منازعه این دوره یا مسئله اجتماعی دولت بازرگان، سیاسی می‌باشد. دوره دوم انقلاب با آغاز ریاست جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای در سال ۱۳۶۰ و نخست‌وزیری موسوی آغاز می‌شود. در این دوره نیروهای انقلابی و مکتبی پس از سه سال کشمکش سیاسی با میانه‌روهای محافظه‌کار (دولت موقت) و لیبرال‌های مدرن (بنی‌صدر)، قوای سه‌گانه را تحت کنترل خود درآوردند. در این دوره آرایش سیاسی با توجه به اختلاف درونی نیروهای انقلابی شکل گرفته و موضوع منازعه از مسائل سیاسی به مسائل اقتصادی، تغییر پیدا کرده و برای بخش قابل توجهی از نیروهای انقلاب، مسئله اصلی انقلاب، عدالت و برای بخش دیگر، آزادی و مالکیت خصوصی است. مسئله عدالت اجتماعی به‌عنوان هدف به سیاست‌گذاری تبدیل شده و گفتمان حاکم و رویکرد کلی این دوره محسوب می‌شود و راهبرد اقتصاد دولتی، ابزار و راه‌حل دولت برای رسیدن به وضعیت مطلوب بوده است. مهم‌ترین مسئله اجتماعی دولت هاشمی رفسنجانی که به هدفی برای سیاست‌گذاری تبدیل شده بود و رویکرد و گفتمان حاکم بر دولت ایشان نیز محسوب می‌شد، رشد اقتصادی و سازندگی بود. در حقیقت گفتمان سازندگی به نفعی و نقد گفتمان عدالت اجتماعی دولتی پرداخت؛ اما شباهت‌هایی نیز با دوران قبلی دارد از جمله اینکه زمینه عملی مسئله اجتماعی، باز اقتصادی است؛ ولی سمت‌وسوی آن از اقتصاد عدالت‌خواه و دولت‌محور به اقتصاد بازار و آزاد تغییر پیدا کرده بود.

انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶، به‌عنوان تحولی برآمده از برآیند تحولات دوران دولت هاشمی رفسنجانی و نتیجه‌گیرینا پذیر سیاست‌های آن بود. خاتمی در چنین فضایی در دوم خرداد به‌عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد و مسئولیت قوه مجریه را برعهده گرفته، توسعه سیاسی را محور برنامه‌های خود اعلام نمود. مهم‌ترین مسئله اجتماعی دولت خاتمی، بحران مشارکت بود و توسعه سیاسی، رویکرد گفتمان حاکم بر دولت در این دوره محسوب می‌شد که در اعتراض و نقد به سیاست‌های دوران هاشمی شکل گرفت. در نهایت می‌توان گفت که مسیر حرکت دولت‌های بعد از انقلاب، یک حرکت پویا و پیش‌رونده بوده است و لذا پس از انقلاب، اگرچه موانعی از جمله جنگ تحمیلی از خارج و فقدان یکپارچگی در حاکمیت، ایجاد می‌شده است؛ ولی همچنان حرکت دولت‌ها و نظام انقلابی، مداوم بود و به سمت رسیدن به اهداف انقلاب و امام و تبدیل شدن به هژمونی برتر در منطقه و جهان است.

مسئله اصلی پایان‌نامه «بررسی تحول در نظام ارزشی گروه‌های سیاسی حاکم پس از پیروزی انقلاب اسلامی مقایسه نظام ارزشی گروه‌های سیاسی حاکم در سال‌های (۶۲-۶۰) با گروه‌های سیاسی حاکم در سال‌های (۷۸-۸۰)» (۱۳۸۴) ارزیابی وجود یا عدم ترمیدور در نظام ارزشی گروه‌های سیاسی حاکم در سال‌های (۷۸-۸۰) بوده است. اگر مجموعه گروه‌های سیاسی حاکم در دوره دوم تحقیق (۷۸-۸۰) را به‌عنوان یک کل واحد در نظر بگیریم، می‌توان مدعی شد که نظام ارزشی گروه‌های سیاسی حاکم در سال‌های (۷۸-۸۰) دست‌خوش واکنش ترمیدوری شده است. واکنشی که در حال پشت سر گذاردن تغییرات حداقلی و ورود به سطح میانه و حداکثری است. بنا بر یافته‌های این تحقیق در انقلاب اسلامی ایران یکی از وجوه آنچه بریتون ترمیدور می‌خواند (تغییر بازگشتی در سطح ارزش‌ها) در میان گروه‌های سیاسی حاکم دیده می‌شود؛ اما نایستی از نظر دور داشت که این ادعا تنها مبتنی بر روش‌های کمی و آماری است و با توجه به اینکه خاستگاه ارزش‌ها، نظام فرهنگی است؛ پس بایستی این مجموعه (نظام ارزشی) با روش‌های معناکاوانه مورد بررسی و واکاوی قرار بگیرد. برای چنین کاری لازم است علاوه بر آنچه در اینجا گرد آمده است به تغییر شرایط و محیط در دوره‌های مورد نظر نیز توجه نمود. در پایان‌نامه «بررسی نگرش گروه‌های سیاسی درون حاکمیت نسبت به نقش مردم در نظام سیاسی» (۱۳۸۵) سؤال تحقیق این‌گونه مطرح شده که نگرش گروه‌های سیاسی درون حاکمیت نسبت به نقش مردم در نظام سیاسی چگونه است؟ برای پاسخ به این سؤال پس از بررسی مبانی نظری تحقیق دو نوع نگرش سیاسی از یکدیگر تفکیک شده‌اند که عبارتند از نگرش سیاسی حق‌گرایانه و نگرش سیاسی تکلیف‌گرایانه و فرضیات تحقیق بر مبنای این دو نوع نگرش سیاسی طرح شده است. واحدهای تحلیل در این پژوهش دوره‌های اول، دوم، هفتم، نهم انتخابات ریاست جمهوری است. شواهد تجربی، فرضیات این پژوهش را به جزء یک مورد (نگرش جناح راست در دوره نهم انتخابات) تأیید کرده است. یافته‌های تجربی بیانگر آن است که نگرش سیاسی گروه‌های سیاسی از نگرش تکلیف‌گرایانه به سمت نگرش حق‌گرایانه تغییر یافته است. این تغییر نگرش از دوره هفتم انتخابات ریاست جمهوری به بعد کاملاً محسوس است.

هدف اصلی پایان‌نامه «تحلیل گفتمان اندیشه سیاسی جامعه مدرسین حوزه علمیه در ارتباط با دیدگاه سیاسی امام خمینی» (۱۳۹۰) توصیف گفتمان سیاسی جامعه مدرسین حوزه علمیه و نسبت سنجی آن با گفتمان سیاسی امام خمینی بر اساس نظریه تحلیل گفتمان است. بر اساس یافته‌های این پژوهش حکومت ولایی دال مرکزی گفتمان امام خمینی است که نظریه

ولایت فقیه با مشروعیت الهی و پیوند وثیق دین با سیاست از مؤلفه‌هایی هستند که دال مرکزی این گفتمان را تقویت می‌کنند. در نهایت، خروجی این مسئله منتج به این نظر شد که بین این دو گفتمان شباهت‌های زیادی وجود دارد و در واقع گفتمان سیاسی جامعه مدرسین همواره مروج و مؤید گفتمان سیاسی امام خمینی است. بنابراین در حوزه اختیارات ولی فقیه و میزان اختیارات دولت اسلامی و همچنین مالکیت خصوصی و... دارای اختلاف نظر می‌باشند که این اختلاف ناشی از اختلاف در مبانی فقهی است و این مسئله خود نشانگر باز بودن باب اجتهاد در فقه سیاسی شیعه است.

۲. احزاب و گروه‌های سیاسی پس از پیروزی انقلاب در ایران

میان اندیشمندان علوم سیاسی درباره حزب اتفاق نظر چندانی وجود ندارد و هر یک از آن‌ها حزب را بر اساس برداشت‌های علمی و یافته‌های تجربی خویش تعریف کرده‌اند، گنجل حزب سیاسی را مرکب از گروهی از شهروندان کم‌ویش سازمان‌یافته می‌داند که به‌عنوان واحد سیاسی عمل می‌نمایند و با استفاده از حق رأی خود می‌خواهند بر حکومت تسلط پیدا کنند و سیاست‌های عمومی خود را عملی سازند. مک‌آیور حزب سیاسی را گردهمایی سازمان‌یافته برای حمایت از برخی اصول یا سیاست‌ها که از راه‌های قانونی می‌کوشند حکومت را به دست گیرند تعریف می‌کند (زیباکلام و مقتدایی، ۱۳۹۳، صص. ۹-۸).

بعضی تعاریف درباره احزاب، با توجه به دکترین احزاب صورت می‌گیرد که این خود ناشی از استنباط دموکراسی‌های لیبرال از احزاب است. بنزامن کنستان در سال ۱۸۱۶ حزب را اجتماعی از انسان‌ها دانست که به دکترین سیاسی واحدی عقیده دارند. پس از پیدایش و گسترش مارکسیسم تعریف حزب بر مبنای طبقه، علاوه بر تعریف لیبرالی حزب بر اساس دکترین مطرح شد (مدیرشانه‌چی، ۱۳۷۵، ص. ۱۸). پیدایش و رشد احزاب سیاسی در کشورهای اروپای غربی آغاز شد. در این کشورها پارلمان و حکومت پارلمانی، قبل از پیدایش احزاب سیاسی به وجود آمد و احزاب به‌طور تدریجی رشد کرده، کم‌کم جای بسیار محکمی در نظام سیاسی کشور یافتند (اتحادیه، ۱۳۶۱، ص. ۹).

یکی از پیش‌نیازهای مهم برای کسانی که قصد ورود به عرصه فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی و کسانی که می‌خواهند نسبت به تحولات جاری کشور آگاهی داشته باشند شناخت صحیح، دقیق و اصولی جریان‌های فکری و سیاسی جامعه و مواضع آن‌هاست (امانیا، ۱۳۸۵، ص. ۸). جناح‌های سیاسی موجود در کشور را می‌توان به دو جناح عمده چپ و راست و هر یک از

این جناح‌ها را به سه زیر گروه دیگر تقسیم‌بندی کرد. برای اساس جناح چپ را به چپ سنتی یا ارزش‌گرا و چپ مدرن (اصلاح طلب) و چپ میانه‌رو تقسیم می‌کنند. جناح راست را به راست سنتی یا ارزش‌گرا و راست مدرن (اصلاح طلب) و راست میانه‌رو می‌توان تقسیم‌بندی کرد (شادلو، ۱۳۷۹، ص. ۱۹).

اصول‌گرایان که به محافظه‌کاران ایرانی نیز شناخته می‌شوند و قبلاً به آن‌ها جناح راست یا راست گفته می‌شد یکی از دو جریان سیاسی اصلی در جمهوری اسلامی ایران هستند. پس از سال ۱۳۷۸ و انتخابات مجلس ششم تا ۱۳۸۱ و انتخابات شوراها، جریان اصول‌گرایان از دل جریان راست خارج می‌شود. مفهوم راست را می‌توان به نوعی ارتجاع و مخالفت با هرگونه تغییر یا نوگرایی و یا به عبارتی اصرار به محافظه‌کاری دانست. برخی از ویژگی‌های گروه‌های راست عبارتند از: ۱. بی‌تفاوتی نسبت به اختلاف طبقاتی و یا به عبارتی پذیرش اقتصاد سرمایه‌داری و در نتیجه نابرابری سطح امکانات افراد مختلف جامعه؛ ۲. تأکید بر لزوم وجود نهادهای سنتی قدرت جامعه مثل رهبری مذهبی؛ ۳. تأیید و تشویق ملی‌گرایی (ناسیونالیسم) و تهییج احساسات میهن‌پرستانه و تبلیغ و رجحان فرهنگ ملی و بومی بر فرهنگ بیگانه؛ ۴. اصالت دادن به نظام دموکراسی پارلمانی و قانون‌گرایی؛ ۵. تأکید بر اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد، سرمایه‌گذاری، جریان آزاد سرمایه و تولید و رونق اقتصادی؛ ۶. ارزشمندتر و قابل اعتمادتر دانستن نهادهای قدیمی و ریشه‌دار در مقایسه با نهادهای نو و بی‌تجربه؛ ۷. اهمیت دادن به قانون و نظم، پیوستگی، سنت، احتیاط در نوآوری و اهمیت آداب و رسوم اجتماعی (شادلو، ۱۳۹۲، ص. ۱۸)؛ ۸. ناخرسندی و انتقاد از وعده‌ها و برنامه‌های آزادی‌سازی سیاسی و فرهنگی اصلاح‌طلبان؛ ۹. مخالفت با تسلط لیبرالیسم و رواج اباحه‌گری و تهدید ارزش‌های مذهبی و تسلط دگراندیشان (ابوالحسن شیرازی و صحرایی، ۱۳۹۷، ص. ۱۰۰).

اصلاح‌طلبان دیگر جناح سیاسی اصلی در بین گروه‌های داخل حکومت ایران به شمار می‌روند که جناح چپ تلقی می‌شوند. مفهوم چپ به گروه‌هایی اطلاق می‌شود که خواستار اصلاح در دستگاه حاکم و حفظ روحیه انقلابی در جامعه، همچنین ترقی‌خواهی، برابری‌خواهی، دموکراسی، آزادی و حقوق بشر می‌باشند و به معنای دیگر جناح چپ به گروه‌های انقلابی تندرو و هوادار تغییرات در جامعه گفته می‌شود که دارای دیدگاه‌هایی به این شرح می‌باشند: ۱. طرفداری از تغییرات کلی و سریع اجتماعی و اقتصادی در جهت ایجاد برابری اجتماعی و اقتصادی افراد جامعه و از میان برداشتن فاصله طبقاتی با دخالت هرچه بیشتر دولت در امور اقتصادی و اجتماعی؛ ۲. طرفداری از عقل‌گرایی و منطق و استدلال در پذیرش مسائل مذهبی

۱۰۰

و داشتن باورهای فلسفی دینی، همچنین پشتیبانی از آزادی آرا و عقاید و مذاهب و فرقه‌ها؛ ۳. ایجاد دگرگونی‌های قابل ملاحظه در فضای سیاسی و فرهنگی کشور؛ ۴. گرایش به سنت‌شکنی و اجرای طرح‌های تازه اجتماعی، مخالفت با محافظه‌کاری، ارتجاع، انحصارطلبی و برعکس ایمان به مردم به‌عنوان مرجع تصمیم‌گیری و قدرت سیاسی و پذیرش آرای آن‌ها در نتیجه پذیرش دموکراسی یا مردم‌سالاری؛ ۵. در عرصه اقتصادی طرفدار رفع اختلاف طبقاتی، جلوگیری از انباشت سرمایه در دست طبقه خاصی از جامعه و مخالفت با هرگونه انحصار اقتصادی در نهادهای اقتصادی خصوصی و خواهان دخالت و اعمال کنترل دولت بر تمام بخش‌های اقتصادی و حتی به دست‌گیری کامل جریان اقتصاد به دست دولت هستند (شادلو، ۱۳۹۲، ص. ۱۹)؛ ۶. ایجاد انبساط، تحرک و تنوع قابل ملاحظه در فضای سیاسی کشور و طرح مسائل و خواسته‌ها و انتقادات گوناگون از سوی گروه‌های مختلف؛ ۷. تحقق آزادی‌های فکری و سیاسی و ضرورت بازنگری در تفسیرهای محافظه‌کارانه، در حقوق و آزادی‌های گروه‌های مختلف به‌ویژه زنان و جوانان و نحوه ارتباط و معاشرت‌های اجتماعی تا ضرورت بهبود اوضاع اقتصادی و معیشتی مردم (ابوالحسن شیرازی و صحرايي، ۱۳۹۷، ص. ۹۹) تقسیم‌بندی فوق تا حدودی مبتنی بر تقسیم‌بندی احزاب در غرب بوده و مطابق با شرایط تاریخی ایران می‌باشد.

۳. ملاحظات نظری و روش پژوهش

پژوهش حاضر یک پژوهش تجربی، کیفی و اکتشافی است. پژوهش کیفی مدعی توضیح زیست‌جهان‌ها (از درون) و از دیدگاه کسانی است که در آن‌ها مشارکت دارند. با این کار در پی کمک به درک بهتر واقعیت‌های اجتماعی و جلب توجه به سمت فرایندها، الگوهای معنادار و ویژگی‌های ساختاری است. پژوهش کیفی با توصیف‌های دقیق و (پرمایه‌اش) نه تصویری ساده از واقعیت ارائه می‌دهد و نه به‌خودی‌خود به‌گونه‌ای عجیب و غریب عمل می‌کند (فلیک، ۱۳۹۷، ص. ۱۶) تحقیق کیفی در رویکردش به پدیده مورد پژوهش اغلب بازتر و در نتیجه درگیرتر از دیگر استراتژی‌های تحقیقی است که با کمیت‌های بزرگ و روش‌های بسیار استاندارد و در نتیجه عینی‌تر و مفاهیم هنجارمند کار می‌کنند (فلیک، ۱۳۹۷، ص. ۱۹). از آنجاکه روش این پژوهش تابع دستگاه نظری خاصی نیست، از روش تحلیل مضمون کیفی برای شناخت الگوهای موجود در داده‌های کیفی داخل بیانیه‌های احزاب استفاده شده. در این پژوهش از روش تحلیل مضمون کیفی برای شناخت الگوهای موجود در داده‌های کیفی موجود در بیانیه‌های حزب اتحاد ملت و مجمع روحانیون استفاده شده است. در این

روش از تحلیل قالب مضامین بیانیه‌ها و تحلیل شبکه مضامین استفاده شده است. قالب مضامین فهرستی از مضامین را به صورت سلسله مراتبی نشان می‌دهد، شبکه مضامین نیز ارتباط میان مضامین را در نگاره‌هایی شبیه تارنما نشان می‌دهد (شیخزاده و همکاران ۱۳۹۰، ص. ۱۵۱)؛ بنابراین پس از مطالعه متن، از اطلاعات ظاهراً نامرتب برداشت و درک مناسب اخذ می‌شود، تحلیل کیفی اطلاعات و مشاهده نظام‌مند انجام می‌شود و الگوهای موجود در داده‌های بیانیه‌های حزب اتحاد ملت و مجمع روحانیون شناسایی، تحلیل و گزارش می‌شوند. شبکه مضامین روش مناسبی در تحلیل مضمون است که «آتراید-استیرلینگ» آن را توسعه داده است. آنچه شبکه مضامین عرضه می‌کند نقش‌های شبیه تارنما به مثابه اصل سازمان دهنده و روش نمایش است. شبکه مضامین، براساس روندی مشخص، پایین‌ترین سطح قضایای پدیده را از متن بیرون می‌کشد (مضامین پایه)؛ سپس با دسته‌بندی این مضامین پایه‌ای و تلخیص آن‌ها به اصول مجردتر و انتزاعی‌تر دست پیدا می‌کند (مضامین سازمان دهنده)؛ در قدم سوم این مضامین عالی در قالب استعاره‌های اساسی گنجانده شده و به صورت مضامین حاکم بر کل متن در می‌آیند (مضامین فراگیر). سپس این مضامین به صورت نقشه‌های شبکه تارنما، رسم و مضامین برجسته هر یک از این سه سطح همراه با روابط میان آنها نشان داده می‌شود. شبکه‌های مضامین به صورت گرافیکی و شبیه تارنما نشان داده می‌شوند تا تصور وجود هرگونه سلسله مراتب در میان آنها از بین برود، باعث شناوری مضامین شود و بر وابستگی و ارتباط متقابل میان شبکه تاکید شود. در این نوع تحلیل، سعی بر این است که از مضامین پایه‌ای که آشکار و مصرح هستند به سوی مضامین انتزاعی‌تر و کلی‌تر حرکت شود تا به مضمون (مضامین) اصلی متن دست پیدا کنیم (ردادی، افتخاری و درخشه، ۱۳۹۴، صص. ۵۵-۵۴).

تحلیل مضمونی یک رویه یا فن تحلیلی جهت شناسایی یا کشف، تحلیل و گزارش مضامین، مفاهیم و الگوهای تکرار شونده در داده‌هاست. به سخن دیگر در این تحلیل که هم می‌تواند کاربرد مستقل داشته باشد و هم می‌تواند در رویه‌ها یا فنون تحلیلی دیگر به کار رود، پژوهشگر یا تحلیل‌گر تلاش می‌کند مضامین یا الگوهای را که برای توصیف پدیده مورد نظر یا در ارتباط با پرسش (های) پژوهش مهم هستند، با دقت مشخص، بررسی، ثبت یا طبقه‌بندی و تفسیر نماید؛ به گونه‌ای که در نهایت یک یا چند الگوی محرز یا معنی‌دار به دست آورد و گزارش نماید (میرزایی، ۱۳۹۶، ج ۲، ص. ۱۲۴۳).

پژوهشگر در تحلیل مضمون، مباحث مهم مطرح شده در متن را استخراج می‌کند. فرایند تحلیل مضمون شامل یک رفت و برگشت مستمر بین مجموعه داده‌ها و خلاصه‌های کدگذاری

شده و تحلیل داده‌هایی است که به وجود می‌آیند (نیکروش، ۱۴۰۰، ص. ۱۵۵). تفاوت اصلی روش تحلیل مضمون با سایر روش‌های کیفی مانند پدیدارشناسی تفسیری، نظریه داده بنیاد و تحلیل گفتمان در این است که این روش وابسته به چهارچوب نظری از پیش تعیین شده‌ای نیست (احمدزاده، ۱۳۹۸، صص. ۵۸ - ۵۷).

این تحقیق، یک پژوهش با رویکرد کیفی و استقرایی و در پی شناسایی تحول مواضع حزب اتحاد ملت و مجمع روحانیون از طریق تحلیل مضمونی بیانیه‌های آن‌ها در خصوص اعتراض‌های به وقوع پیوسته در سال‌های (۱۴۰۱ - ۱۳۷۸) است. بهره‌گیری از رویکردهای کیفی برای شناسایی مضامین موجود در بیانیه‌ها و تحلیل مضمونی کمک می‌کند تا چندوجهی بودن تحول مواضع را به گونه‌ای دقیق‌تر دریابیم. در این پژوهش، برای گردآوری داده‌ها، از طریق بررسی بیانیه‌هایی که حزب اتحاد ملت و مجمع روحانیون صادر کرده و همچنین شناسایی یا کشف و گزارش مضمون‌ها، مفهوم‌ها و الگوهای تکرار شونده در داده‌ها بهره برده شده است. فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها به صورت پی‌درپی انجام شده و پس از مطالعه هر کدام از بیانیه‌ها، بی‌درنگ مراحل کدگذاری انجام شده است. در این راستا برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. این شیوه تحلیل در پی الگوییابی از متن داده‌های موجود در بیانیه‌هایی است که از طرف آن‌ها صادر شده است؛ به گونه‌ای که مضمون‌ها از داده‌های خام استنتاج می‌شوند.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. تبدیل متن بیانیه‌های مجمع روحانیون به مضامین پایه

در گام اول از تحلیل مضمونی لازم است از متن اصلی مضمون‌های پایه‌ای استخراج شود. در اینجا متن اصلی بیانیه‌های مجمع روحانیون در ارتباط با اعتراض‌های سال‌های (۱۴۰۱ - ۱۳۷۸) خوانده شده و در قالب کدهایی سازمان‌دهی شده‌اند. هر کدام از این تکه‌های انتخاب شده از بیانیه‌ها حاوی مضمونی است که با خواندن آن متن مستقیماً به ذهن متبادر می‌شود. این مضامین که از متن اصلی استخراج شده‌اند، (مضامین پایه‌ای) نامیده می‌شوند. بدیهی است که اگر روند استخراج مضامین پایه‌ای به درستی انجام نشود، ایجاد شبکه مضامین فراگیر دشوار خواهد شد. خواندن متن بیانیه‌ها، کلیدواژه‌هایی را به ذهن متبادر خواهد ساخت که زمینه‌های ورود به مرحله دوم فراهم می‌شود. با توجه به اینکه تبدیل متن بیانیه‌های مجمع روحانیون به مضامین پایه حجم زیادی از مقاله را دربرمی‌گیرد و به دلیل محدودیت حجم مقاله از ذکر این مطلب به ناچار صرف نظر می‌شود.

۱۰۳

۴-۲. تبدیل مضامین پایه‌ای بیانیه‌های مجمع روحانیون به مضامین فراگیر

پس از دست یافتن مضامین پایه‌ای اکنون نوبت به آن می‌رسد که مضامین سازمان دهنده و مضامین فراگیر با توجه به مضامین پایه‌ای انتزاع شوند. در این مرحله از تحلیل مضمونی سعی می‌شود با سازمان‌دهی مجدد مضامین اولیه یا همان مضامین پایه‌ای به مضامین انتزاع‌تری دست یابیم که ما را به مضمون‌های اصلی‌تر، فراگیرتر و مرکزی‌تر رهنمون سازد.

جدول ۱: تبدیل مضامین پایه‌ای بیانیه‌های مجمع روحانیون به مضامین فراگیر

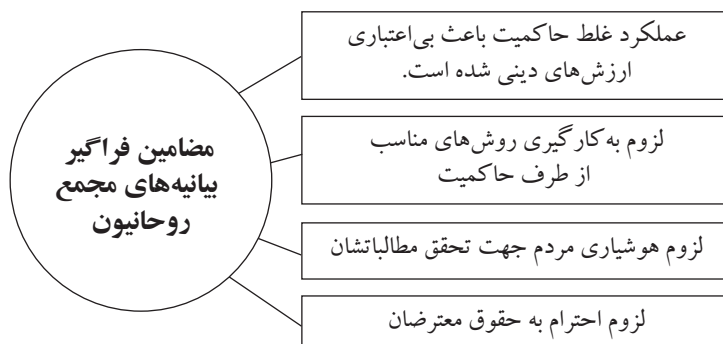
ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
۱	رهایی و آگاهی‌بخش بودن دین اسلام	وامدار بودن انقلاب اسلامی به آموزه‌های دینی	عملکرد غلط حاکمیت باعث بی‌اعتباری ارزش‌های دینی شده است.
۲	پشت‌گرم بودن انقلاب اسلامی ایران به معارف ظلم ستیزانه پیامبر (ص)		
۳	بدنام شدن چهره نظام با ایجاد محدودیت در فضای جامعه	ظلم به اخلاق و دین‌داری به دلیل اتخاذ روش‌های نادرست حکومتی	
۴	تعدی به اخلاق از سوی بعضی محافل مدعی اسلام‌خواهی در انتخابات ۱۳۸۸		
۵	محرومیت نسل جوان از حقیقت دین		
۶	نظرخواهی از عموم مردم از طریق همه‌پرسی، جهت خروج از بحران انتخابات ۱۳۸۸	تحقق خواسته‌ها و مطالبات مردم از طریق مدنی و همه‌پرسی	لزوم به کارگیری روش‌های مناسب از طرف حاکمیت
۷	تحقق خواسته‌های مردم با روش‌های اصلاح‌طلبانه		
۸	اظهار مطالبات مردم از راه‌های قانونی و مدنی		
۹	وجود مشکلات معیشتی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی در ایران	لزوم حل مشکلات مردم به وسیله جلب مشارکت عمومی	
۱۰	ضرورت حل مشکلات مردم به وسیله مسئولان		
۱۱	ضرورت اداره بهتر کشور به وسیله جلب مشارکت عمومی		

ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
۱۲	برکناری بانیان و آمران رویه‌های شکست خورده از مسئولیت	رفع شیوه‌های ناکارآمد حاکمیتی	لزوم به‌کارگیری روش‌های مناسب از طرف حاکمیت
۱۳	کنار گذاشتن شیوه‌های ناکارآمد		
۱۴	محکومیت اقدامات آشوبگران در تخریب اموال عمومی و قتل افراد بی‌گناه	اقدامات آشوبگران در جهت انحراف در تحقق مطالبات مردم	لزوم هوشیاری مردم جهت تحقق مطالباتشان
۱۵	ایجاد انحراف در مسیر تحقق مطالبات واقعی مردم		
۱۶	ضرورت هوشیاری مردم در مقابله با فتنه‌ها	مردم ایران جهت مقابله با دشمنی آمریکا باید هوشیار باشند.	
۱۷	آمریکا و دشمنان کینه‌توز ملت ایران از اقدامات آشوبگران حمایت کردند.		
۱۸	مردم ایران جنایات آمریکا را فراموش نخواهند کرد.		
۱۹	سرکوب و پایمال شدن حق اعتراض مدنی مردم در انتخابات ۱۳۸۸	نقض شدن حق اعتراض و بی‌اعتمادی مردم به حاکمیت	لزوم احترام به حقوق معترضان
۲۰	تهدید شدن جمهوریت و اسلامیت نظام در انتخابات ۱۳۸۸		
۲۱	آسیب جدی به اعتماد عمومی در انتخابات ۱۳۸۸		
۲۲	تضییع حقوق اولیه شهروندان به وسیله تداوم شیوه‌های غلط		
۲۳	منع حاکمیت از نقض حقوق شهروندی و قانون اساسی		
۲۴	و اداری نمودن مسئولین به تجدیدنظر در استفاده از شیوه‌های غلط از طریق علما و اساتید دانشگاه	جلوگیری از تضییع حقوق معترضان	

۳-۴. کشف و توصیف شبکه مضامین بیانیه‌های مجمع روحانیون

با بررسی و تحلیل، مضامین مرتبط در سه بیانیه صادره از طرف مجمع روحانیون در اعتراض‌های صورت گرفته در سال‌های (۱۴۰۱-۱۳۷۸) چهار مضمون فراگیر قابل انتزاع است که در ادامه توضیح داده می‌شود.

نمودار ۱: شبکه مضامین بیانیه‌های مجمع روحانیون



۱-۳-۴. عملکرد غلط حاکمیت باعث بی‌اعتباری ارزش‌های دینی شده است.

اولین مضمون فراگیری که می‌توان به آن اشاره کرد تأکید بر این مطلب است که حاکمیت در مسیر روش‌های استبدادی و زور و فشار بر مردم جهت پذیرش عقاید خاص و تصرف در رأی مردم است و بدین شکل حقوق شهروندی و قانون اساسی و جمهوریت و اسلامیت را مورد نقض و تهدید قرار داده است. مجمع روحانیون اعتراض را حق مسلم و شرعی مردم دانسته و سرکوب اعتراض‌ها، از طرف حاکمیت را محکوم کرده و آن را ظلم غیرقابل جبران در حق انقلاب و ارزش‌های آن و میهن تلقی کرده و اهانت به ملت و چهره‌های مورد اعتماد و احترام مردم دانسته که چهره انقلاب و نظام اسلامی را خدشه‌دار کرده است.

۲-۳-۴. لزوم به کارگیری روش‌های مناسب از طرف حاکمیت

دومین مضمون فراگیری که قابل ردیابی است، دعوت مسئولین به تجدیدنظر در محدود کردن فضای گفتگو و راه‌های ارتباطی و شیوه‌های غلط برخورد با اعتراض‌هاست. از آنجاکه منشأ و عامل پیروزی انقلاب اسلامی و ثمره آن یعنی ایجاد نظام جمهوری اسلامی، اعتماد عمومی، آزادی و عدالت و نفی استبداد بوده است و ادامه حیات و بقای نظام نیز به حفظ این اعتماد عمومی و آزادی و عدالت و نفی استبداد بازمی‌گردد، هر گونه اقدامی از قبیل محدود کردن فضای گفتگو و راه‌های ارتباطی بین مردم و مسئولین و توجه نکردن به صدای مردم و

معترضین، منجر به کاهش و تضعیف اعتماد عمومی و نهایتاً از بین رفتن چهره انقلاب و نظام اسلامی و زوال نظام سیاسی خواهد شد.

۴-۳-۳. لزوم هوشیاری مردم جهت تحقق مطالباتشان

سومین مضمون فراگیر اشاره به لزوم هوشیاری مردم جهت مقابله با اقدامات آشوبگران، آمریکا و دشمنان کینه‌توز جهت انحراف در مسیر تحقق مطالبات ملت ایران است. مردم ایران جهت جلوگیری از سوءاستفاده آشوبگران و دشمنان کینه‌توز از شرایط معیشتی و اقتصادی نامساعد باید هوشیار باشند.

۴-۳-۴. لزوم احترام به حقوق معترضان

مضمون فراگیر چهارم تأکید بر این مطلب است که جمهوری اسلامی، نظامی است که در جهت نفی استبداد و ظلم و برپایی آزادی و عدالت به وجود آمده و جهت تحقق خواسته‌های مردم باید از روش‌های اصلاح‌طلبانه و همه‌پرسی استفاده کند و از دیکتاتوری و ظلم و فشار بر مردم همواره نهی نموده و استبداد و ظلم را تقبیح کرده است، موضع مجمع روحانیون همواره مراجعه به همه‌پرسی و آرای عمومی بوده است؛ مطابق مصداق گفته امام خمینی «میزان، رأی ملت است» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۸، ص. ۱۷۳).

۵. تبدیل متن بیانیه‌های حزب اتحاد ملت به مضامین پایه

در اینجا نیز مانند قسمت قبل، متن اصلی بیانیه‌های حزب اتحاد ملت در ارتباط با کنش‌های جمعی اعتراضی سال‌های (۱۴۰۱-۱۳۷۸) خوانده شده و در قالب کدهایی سازمان‌دهی شده و مضامین پایه‌ای استخراج می‌شوند. با توجه به اینکه تبدیل متن بیانیه‌های حزب اتحاد ملت به مضامین پایه حجم زیادی از مقاله را در برمی‌گیرد و به دلیل محدودیت حجم مقاله از ذکر این مطلب به‌ناچار صرف نظر می‌شود.

۱۰۷

۶. تبدیل مضامین پایه‌ای بیانیه‌های حزب اتحاد ملت به مضامین فراگیر

پس از دست یافتن به مضامین پایه‌ای اکنون نوبت آن می‌رسد که مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر با توجه به مضامین پایه‌ای انتزاع شوند. در این مرحله از تحلیل مضمونی سعی می‌شود با سازمان‌دهی مجدد مضامین اولیه یا همان مضامین پایه‌ای به مضامین انتزاع‌تری دست یابیم که ما را به مضمون‌های اصلی‌تر، فراگیرتر و مرکزی‌تر رهنمون می‌سازد.

جدول ۲: تبدیل مضامین پایه‌ای بیانیه‌های حزب اتحاد ملت به مضامین فراگیر

ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
۱	اخلال در برنامه‌های دولت اصلاحات به وسیله حادثه کوی دانشگاه	کارشکنی در برنامه‌های دولت اصلاحات	اقدامات نادرست جناح محافظه کار مشکلات بزرگی برای جامعه به وجود آورده است.
۲	تبلیغ علیه دولت اصلاحات به وسیله حادثه کوی دانشگاه	حادثه کوی دانشگاه	
۳	موضوع قتل‌های مشکوک و تحدید کنندگان آزادی مطبوعات باعث ابهام در جامعه شده است.	منحرف کردن جامعه از اقدامات نادرست جناح محافظه کار برای مانع تراشی در مسیر دولت اصلاحات	
۴	لزوم شناسایی هدف مجریان حمله به کوی دانشگاه		
۵	ضرورت تأمین امنیت شهروندان از جمله دانشگاهیان	توجه ویژه به امنیت و حقوق شهروندی	اقدامات نادرست جناح محافظه کار مشکلات بزرگی برای جامعه به وجود آورده است.
۶	مراجع تقلید و علما درباره حادثه کوی دانشگاه، موضع گیری نمایند.		
۷	به زندان انداختن عاملان اصلی حضور مردم در انتخابات (اصلاح طلبان) ظلم است.	عاملان اصلی حماسه حضور مردم در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ (اصلاح طلبان) در زندان بسر می‌برند.	
۸	اصلاح طلبان تحریم انتخابات را نفی کردند و حماسه حضور را محقق کردند.		
۹	اکثریت اصلاح طلبان در زندان هستند.		
۱۰	عوامل آرامش بخشی و رفتارهای مسالمت آمیز را به زندان انداختند.		

ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
۱۱	لزوم توقف روند بازداشت‌ها و آزادی فوری همه زندانیان سیاسی	فعالین سیاسی و اجتماعی و زندانیان سیاسی آزاد گردند.	اقدامات نادرست جناح محافظه کار مشکلات بزرگی برای جامعه به وجود آورده است.
۱۲	لزوم بازگشت فعالیت احزاب و نهادهای مدنی به حالت عادی براساس قانون		
۱۳	اعمال گسترده نظارت استصوابی در انتخابات و قدرت یافتن اکثریت مطلق جریان اقتدارگرا (اصولگرا) در مجلس هفتم، باعث تصویب طرح تثبیت قیمت‌ها در مجلس در بهمن ۱۳۸۳ شد.	تصویب طرح نادرست تثبیت قیمت‌ها به وسیله جناح محافظه کار	
۱۴	طرح تثبیت قیمت‌ها در سال‌های بعد باعث تخریب اقتصاد ملی شد.		
۱۵	طرح تثبیت قیمت‌ها در انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۴ باعث فریب مردم و انتخاب محمود احمدی‌نژاد به عنوان رئیس جمهور حامی طبقات محروم جامعه شد.	تصویب قانون هدفمندی یارانه‌ها	
۱۶	ادامه فرایند طرح تثبیت قیمت‌ها در سال ۱۳۸۷ باعث تصویب طرح هدفمندی یارانه‌ها در مجلس هشتم شد.	باعث مشکلات اقتصادی گسترده برای مردم شده است.	
۱۷	قانون هدفمندی یارانه‌ها باعث یکی از مهلک‌ترین ضربات به اقتصاد ملی ایران شد.		

ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
۱۸	لزوم مقابله با نابودی مردم سالاری	نابودی پایه‌های جمهوریت و مردم سالاری در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸	لزوم احترام و پذیرش رأی مردم از طرف حاکمیت در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸
۱۹	در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ جناح محافظه کار پایه‌های جمهوریت و مردم سالاری را نابود کرد.		
۲۰	تغییر نتیجه انتخابات ۱۳۸۸ برخلاف آرای اخذ شده از مردم، موجب سلب اعتماد مردم به کار آیی حکومت شد.	تغییر نتیجه انتخابات ۱۳۸۸ باعث بی‌اعتمادی مردم به کار آیی نظام و مردم سالاری شد.	
۲۱	عدم رسیدگی به تغییر نتیجه انتخابات ۱۳۸۸ موجب تحریم صندوق‌های رأی از جانب مردم خواهد شد.		
۲۲	کسانی که نتیجه انتخابات را تغییر دادند باعث خشونت و تخریب و شهادت عده‌ای از مردم هستند.		
۲۳	لزوم ایستادگی بر اعلام نتیجه واقعی انتخابات با آرامش و پرهیز از خشونت		
۲۴	هر کس در برابر رأی مردم بایستد نابود خواهد شد.	خواستار اصلی و قانونی ملت ایران، وفاداری به رأی مردم است.	لزوم احترام و پذیرش رأی مردم از طرف حاکمیت در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸
۲۵	خواستار اصلی ملت، اعلام نتیجه واقعی انتخابات (اعلام پیروزی موسوی) است.		
۲۶	لزوم بازگشت فعالیت احزاب و نهادهای مدنی به حالت عادی براساس قانون		

ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر		
۲۷	لزوم احترام حاکمیت به رأی ملت (پیروزی موسوی در انتخابات)	فضای سیاسی و اجتماعی به وضعیت قبل از انتخابات بازگردد.	لزوم احترام و پذیرش رأی مردم از طرف حاکمیت در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸		
۲۸	لزوم احترام حاکمیت به برگزاری اعتراض های مسالمت آمیز به نتیجه انتخابات ۱۳۸۸				
۲۹	بیان حقایق و واقعیت ها به مردم از طریق رسانه ها در مورد حوادث بعد از انتخابات ۱۳۸۸				
۳۰	تغییر نتیجه انتخابات ۱۳۸۸، علت اعتراض هاست.	ابطال نتیجه انتخابات و شناسایی عوامل اصلی تغییر نتیجه انتخابات ۱۳۸۸ جهت ایجاد اعتماد در جامعه ضرورت دارد.			
۳۱	باید عوامل اصلی تغییر نتیجه انتخابات ۱۳۸۸ شناسایی شوند.				
۳۲	ضرورت ابطال نتیجه انتخابات ۱۳۸۸				
۳۳	لزوم رعایت عدل و انصاف، از جانب دولتمردان و حاکمان				
۳۴	جناح محافظه کار (اصول گرا) به دنبال خشونت و مایوس کردن مردم از هر گونه اصلاحات است.	افراد وابسته به جناح محافظه کار به دنبال خشونت و مایوس کردن مردم می باشند.	جناح محافظه کار (اصول گرا) باعث تنش و گسترش خشونت در جامعه است.		
				۳۵	افراد وابسته به جناح اصولگرا موجب بی اطلاعی مردم از واقعیت می شوند.
				۳۶	حضور افراد وابسته به جناح اصولگرا در حوادث بعد از انتخابات ۱۳۸۸ موجب افزایش خشونت است.
					۳۷

ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
۳۸	شناسایی عوامل پشت صحنه تخریب‌های سازمان‌یافته در حوادث آبان ۱۳۹۸ مستلزم تحقیق و بررسی‌های امنیتی بیشتری است.	حجم خشونت و غارت اموال عمومی در اعتراض‌های ۱۳۹۸ بسیار زیاد بوده است.	جناح محافظه‌کار (اصول‌گرا) باعث تنش و گسترش خشونت در جامعه است.
۳۹	اعتراض‌های آبان ۱۳۹۸ بسیار سریع‌تر از اعتراض‌های گذشته وارد فاز خشونت و تخریب و غارت اموال عمومی شد.		
۴۰	افزایش آشوبگری و خشونت و تخریب در اعتراض‌های آبان ۱۳۹۸ نسبت به ادوار اعتراضی قبل		
۴۱	سه طیف در آشوبگری اعتراض‌های آبان ۱۳۹۸ می‌توانند نقش داشته باشند: ۱. نیروهای امنیتی خود نظام؛ ۲. جریان‌های سازمان‌یافته غافل‌ی که قصد اعمال فشار بر دولت روحانی را داشته‌اند؛ ۳. گروه‌های سازمان‌یافته بی‌نام‌ونشان	نیروهای امنیتی نظام در حوادث آبان ۱۳۹۸ جهت حضور نظامیان و ایجاد رعب و وحشت اقدام به تخریب و آشوبگری نموده‌اند.	
۴۲	نهادهای امنیتی و اطلاعاتی با پرداختن به فعالان مدنی و اجتماعی از انجام وظایف اصلی خود غافل شده‌اند.		
۴۳	سیاست‌گذاران عالی‌نظام، ارزیابی و تدبیراندیشی صحیح برای اداره کشور ندارند.	برخورد با فساد اقتصادی و اداری گسترده برای اداره کشور ضرورت دارد.	اصلاح شیوه حکمرانی نادرست جهت ایجاد اعتماد و امید در مردم نسبت به حاکمیت لازم است.
۴۴	پدیدار شدن فساد اقتصادی و اداری گسترده در ارکان حکومت		
۴۵	تداوم تحریم‌های اقتصادی، بنیه اقتصاد ملی ایران را به شدت ضعیف کرده است.	انتقال فشار تحریم‌ها به اقتصاد، باعث ناامیدی مردم شده است.	
۴۶	افزایش فساد در اجزای حکومت، موجب بی‌اعتمادی مردم به حاکمیت شده است.		
۴۷	تحریم‌ها، موجب فشار شدید به اقتصاد و ناامیدی مردم شده است.		

ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
۴۸	آشوبگری و خشونت و آسیب رساندن به اموال عمومی و خصوصی باعث تضییع حق معترضان و انحراف اعتراض هاست.	آشوبگری و خشونت باعث تضییع حق معترضان در حوادث آبان ۱۳۹۸ شد.	اصلاح شیوه حکمرانی نادرست جهت ایجاد اعتماد در مردم نسبت به حاکمیت لازم است.
۴۹	مردمی که درگیر تنگناهای اقتصادی هستند، در حوادث آبان ۱۳۹۸ اقدام به تخریب و آتش زدن اموال عمومی نکرده‌اند.		
۵۰	مسئولان با درک صحیح نارضایتی‌های عمومی و اصلاح سیاست‌های غلط، مانع از گسترش و عمق یافتن اختلاف میان حکومت و مردم شوند.	حاکم شدن اصول حکمرانی خوب مانع جدایی میان حکومت و مردم می‌شود.	
۵۱	ممانعت از رسیدن حقایق به مردم، منافی اصول صحیح حکمرانی خوب است.		
۵۲	حاکم شدن اصول حکمرانی خوب و تثبیت اندیشه اصلاحات مانع از جدایی میان حکومت و مردم می‌شود.		
۵۳	حاکمیت عقلانیت و تدبیر کشور را از گزند حوادث تلخ حفظ خواهد کرد.		
۵۴	شیوه اتخاذ تصمیم و اقدام به افزایش ناگهانی قیمت بنزین، نادرست بوده است.	افزایش ناگهانی قیمت بنزین نشانه عدم اعتماد حاکمیت به مردم است.	تصمیمات نادرست حاکمیت در امور اقتصادی باعث افزایش مشکلات معیشتی مردم می‌شود.
۵۵	تصمیمات و قوانینی که در زندگی روزمره مردم تأثیر گذار است را نمی‌توان به صورت لحظه‌ای اجرا کرد.		
۵۶	مسئولین باید مردم را محرم بدانند و در تصمیم‌سازی‌ها مشارکت دهند.		
۵۷	در سال ۱۳۹۲ دولت روحانی توانست با وعده اصلاح رفتارهای غلط اقتصادی دولت احمدی‌نژاد تحت عنوان واریز یارانه نقدی در جامعه، به قدرت برسد.	دولت روحانی با حمایت از قشر محروم در جهت تحقق حداکثری عدالت اجتماعی قدم برداشت.	
۵۸	دولت روحانی با تدوین برنامه ششم توسعه و حذف تدریجی یارانه‌های نقدی موجب تحقق حداکثری عدالت اجتماعی گردید.		

ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
۵۹	جهت ارتقای عدالت اجتماعی و هدفمند کردن یارانه‌ها در جهت افزایش تولید (ماده ۳۹ قانون برنامه ششم توسعه) به دولت اجازه داده می‌شود که قیمت حامل‌های انرژی را اصلاح نماید.	بازپرداخت نقدی وجوه حاصل از طرح اصلاح قیمت بنزین به مردم باعث افزایش قیمت‌ها شده است.	تصمیمات نادرست حاکمیت در امور اقتصادی باعث افزایش مشکلات معیشتی مردم می‌شود.
۶۰	بازپرداخت نقدی وجوه حاصل از طرح اصلاح قیمت بنزین به مردم عملاً مغایر سیاست اصولی عدم پرداخت یارانه نقدی به مردم است.		
۶۱	توجهی برای پرداخت یارانه معیشتی در راستای تعاریف عدالت اجتماعی وجود ندارد.		
۶۲	حذف یارانه‌های بنزینی، باعث افزایش قیمت‌ها و فشار اقتصادی به خانوارهای فقیر خواهد شد.		
۶۳	اقدام شورای عالی هماهنگی رؤسای سه قوه در افزایش قیمت بنزین مغایر با قانون اساسی و ماده ۳۹ قانون برنامه ششم و قانون هدفمندی یارانه‌هاست.	تصمیم یک‌باره رؤسای قوا در افزایش قیمت بنزین مغایر قانون اساسی و اختیارات مجلس شورای اسلامی است.	
۶۴	رئیس‌جمهور مکلف بود تا با ارائه لایحه فوریتی، اصلاح قانون هدفمندی یارانه‌ها و اصلاح قانون بودجه سال ۱۳۹۸ را به مجلس ارائه کند.		
۶۵	تصمیم سران سه قوه در افزایش قیمت بنزین مغایر با وظایف مجلس شورای اسلامی است.		

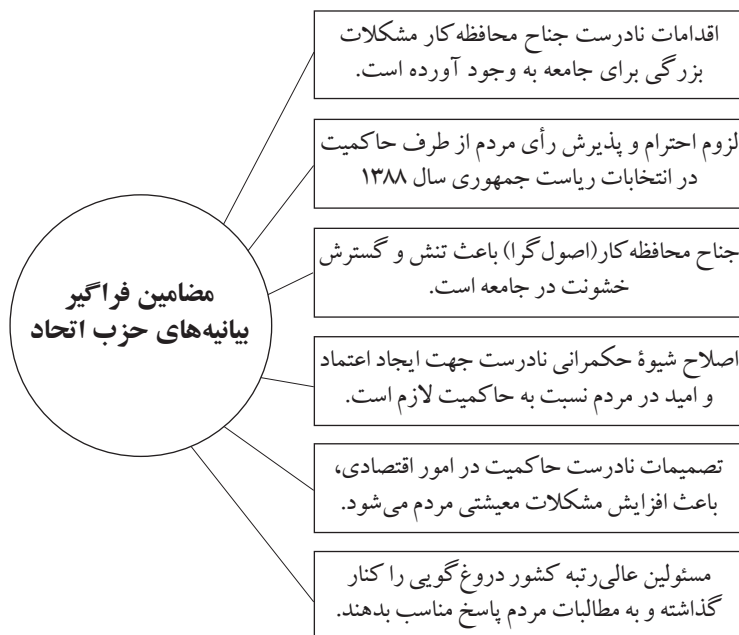
ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
۶۶	لزوم عذرخواهی رؤسای قوا به دلیل نحوه تصمیم گیری و اعلام افزایش قیمت بنزین	تصمیم گیری اشتباه در افزایش قیمت بنزین، باعث اعتراض شده است.	مسئولین عالی رتبه کشور دروغ گویی را کنار گذاشته و به مطالبات مردم پاسخ مناسب بدهند.
۶۷	جامعه در آستانه یک اعتراض عمومی بوده و افزایش قیمت بنزین آن را تشدید کرده است.		
۶۸	بدون آنکه پیش بینی های لازم صورت پذیرد تصمیم به افزایش قیمت بنزین اعلام می شود.		
۶۹	مردم به دلیل بی صداقتی و ریاکاری و بی اعتمادی مسئولین، اعتراض خود را ابراز داشته اند.	ریاکاری و دروغ گویی مسئولین، باعث اعتراض است.	
۷۰	حکومت باید کلیت اعتراض مسالمت آمیز مردم را بپذیرد		
۷۱	شایسته شأن رئیس جمهور دولت تدبیر و اعتدال نیست که معترضان را تهدید نماید.	تهدید معترضان و نسبت دادن اعتراض ها به گروهک های ضدانقلاب اشتباه است.	
۷۲	نسبت دادن اعتراض ها و آشوب ها به گروهک های معاند خارج از کشور، اشتباه بزرگی است.		
۷۳	اهمیت زیاد قائل شدن برای سلطنت طلب ها و گروه مجاهدین خلق در حوادث آبان ۱۳۹۸ اشتباه است.		

ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
۷۴	جمود فکری و اصرار بر سیاست‌های غلط باعث قربانی شدن دختر بی‌گناهی گردید.	بی‌اعتنایی مسئولان به انباشت مطالبات مدنی و تحمیل پوشش اجباری بر زنان باعث نارضایتی مردم شده است.	مسئولین عالی‌رتبه کشور دروغ‌گویی را کنار گذاشته و به مطالبات مردم پاسخ مناسب بدهند.
۷۵	رفتار غیرمسئولانه و بی‌اعتنایی مسئولین به انباشت مطالبات مدنی در سال‌های گذشته باعث اعتراض مردم شده است.		
۷۶	سال‌ها تبعیض، تحقیر و تحمیل یک سبک زندگی بر شهروندان باعث اعتراض‌های اخیر شده است.		
۷۷	فشار اقتصادی ناشی از سیاست‌های غلط و ایدئولوژیک، باعث شده مردم امیدی به حل مشکلات نداشته باشند.		
۷۸	حزب اتحاد ملت از مسئولین می‌خواهد تحمیل پوشش اجباری بر زنان را متوقف کند.		
۷۹	اعتراض و انتخاب آزادانه پوشش، حق مردم است.		
۸۰	حزب اتحاد ملت در شرایط سخت در کنار مردم و حامی حق آن‌هاست.	مسئولان به مطالبات مردم توجه نمایند.	
۸۱	نسل جدید هیچ حرف مشترکی با مسئولان ندارند و مطالبات خود را آشکارا بیان می‌کنند.		
۸۲	حزب اتحاد ملت خواهان پیگیری مستقل پرونده دختر مظلوم و عذرخواهی مسئولان از مردم است.		
۸۳	مسئولان، تکبر و بی‌تفاوتی نسبت به خواست مردم را کنار گذاشته و از مردم عذرخواهی کنند.		

۷. کشف و توصیف شبکه مضامین بیانیه‌های حزب اتحاد ملت

با بررسی و تحلیل مضامین مرتبط در چهار بیانیه صادره از طرف حزب اتحاد ملت در اعتراض‌های صورت گرفته در سال‌های (۱۴۰۱-۱۳۷۸) شش مضمون فراگیر حاصل شده که در ادامه توضیح داده می‌شود.

نمودار ۲: شبکه مضامین بیانیه‌های حزب اتحاد ملت



۱۱۷

۷-۱. اقدامات نادرست جناح محافظه کار، مشکلات بزرگی برای جامعه به وجود آورده است

اولین مضمون فراگیر این است که جناح محافظه کار به وسیله حمله لباس شخصی‌ها و نیروهای انتظامی به کوی دانشگاه تهران و ضرب و شتم دانشجویان معترض، سعی داشته جامعه را از سؤال‌های مطرح شده در مورد علت و انگیزه و عاملان ارتکاب قتل‌های زنجیره‌ای و همچنین طرح قانون محدودیت مطبوعات در مجلس شورای اسلامی و اطلاع‌رسانی روزنامه سلام در خصوص این طرح، منحرف کند و بدین شکل در روند برنامه‌های دولت خاتمی (اصلاحات) و توسعه سیاسی کشور خلل وارد سازد. در انتخابات مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۲ جناح محافظه کار با به کار بردن نظارت استصوابی و رد صلاحیت گسترده اصلاح‌طلبان، قدرت را

در مجلس هفتم به دست گرفته و با تصویب قانون هدمندی یارانه‌ها بزرگ‌ترین ضربه را به اقتصاد ملی کشور وارد کرده است، در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ جناح محافظه‌کار با مهندسی انتخابات، در آراء مردم دست برده و نتیجه انتخابات را به نفع کاندیدای مورد نظر خودش (محمود احمدی‌نژاد) تغییر داده و باعث بروز اعتراض‌ها گسترده و متعاقب آن بازداشت تعداد کثیری از اصلاح‌طلبان و مردم عادی شده است. اصلاح‌طلبان که باعث تشویق و حضور پرشور مردم و تلطیف فضای سیاسی کشور در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ بوده‌اند؛ ولی متأسفانه بعد از اعلام نتایج انتخابات و به دلیل حوادث بعد از آن تعداد بسیاری از فعالین سیاسی و اجتماعی اصلاح‌طلب به دلایل واهی بازداشت شده و در زندان بسر می‌برند.

۷-۲. لزوم احترام و پذیرش رأی مردم از طرف حاکمیت در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸

دومین مضمون فراگیر اشاره می‌کند که انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ از طرف جناح محافظه‌کار مهندسی شده تا برخلاف خواست و رأی مردم، احمدی‌نژاد به عنوان رئیس جمهور منتخب معرفی شود که این امر باعث نابودی جمهوریت و مردم‌سالاری شده و در حالی که انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ می‌توانست به دلیل حضور پر شور مردم، نشان‌دهنده اعتماد ملت به کارآیی نظام باشد، متأسفانه به دلیل مهندسی عجیب و شبه کودتایی که علیه آرای ملت صورت گرفت، موجب بی‌اعتمادی مردم به نظام شده است. خواسته اکثریت مردم ایران، این است که حاکمیت به رأی مردم وفادار باشد و در نتیجه انتخابات تغییری ایجاد نکند و افرادی که در آرای مردم دست برده‌اند را شناسایی و به مردم معرفی کنند.

۷-۳. جناح محافظه‌کار (اصول‌گرا) باعث تنش و گسترش خشونت در جامعه است

یکی دیگر از مضامین فراگیر این است که گروه کوچکی وابسته به قدرت که همان نیروهای وابسته به جناح محافظه‌کار هستند، در انتخابات ریاست جمهوری ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ تقلب کرده و با دست بردن در آرای مردم باعث از بین رفتن جمهوریت و مردم‌سالاری و رأی مردم شده و همین امر منجر به اعتراض‌های مردمی، تنش، خشونت، تخریب و مأیوس شدن مردم از هرگونه اصلاح و مردم‌سالاری شده تا بدین شکل مردم با صندوق‌های رأی قهر کرده و در انتخابات‌های بعدی شرکت نکنند. اعتراض‌های آبان ۱۳۹۸ نیز نسبت به اعتراض‌های ادوار گذشته بسیار سریع‌تر در تمام کشور گسترش پیدا کرده و میزان آشوب‌گری و تخریب در این اعتراض‌ها، گسترده‌تر از گذشته بوده و یکی از علل این موضوع این است که نیروهای امنیتی خود نظام در این آشوب‌گری و تخریب نقش داشته‌اند و هدفشان این بوده است که افزایش

میزان آشوبگری و تخریب را بهانه‌ای جهت توجیه ورود نیروهای نظامی برای کنترل اوضاع جامعه قرار دهند تا بدین شکل رعب و وحشت را در فضای کشور حکم‌فرما نمایند.

۴-۷. اصلاح شیوه حکمرانی نادرست جهت ایجاد اعتماد و امید در مردم نسبت به حاکمیت لازم است

چهارمین مضمون فراگیر این است که در بدنه نظام حکومتی ایران فساد مالی و اقتصادی و اداری به صورت بسیار گسترده و ساختاری وجود دارد که جهت برخورد با این فساد تلاش‌های ناکافی با برخی از سطوح آن به شکل محاکمه نمادین تعدادی از عناصر فاسد صورت گرفته است، که منجر به اقناع جامعه نسبت به عزم همه جانبه حکومت در برخورد ریشه‌ای با عوامل به وجود آورنده آن و ایجاد مانع برای تکرار این گونه مفاسد نشده است، آنچه به اسم مبارزه با فساد در جریان است بیشتر نمایشی است. از سوی دیگر تداوم تحریم‌ها که باید از آن به جنگ تمام عیار یاد کرد، ضعف شدیدی را بر بنیه اقتصاد ملی ایران و معیشت مردم عارض کرده است و همه این‌ها ناشی از تصمیم‌گیری‌های کلان نادرست در حوزه حکمرانی می‌باشد. این مسائل همگی منجر به بی‌اعتمادی و ناامیدی مردم از نظام شده است که نتیجه آن بروز اعتراض‌ها در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ است. جهت جلوگیری از خشونت و آشوبگری و جدایی مردم از حکومت، حاکمیت باید از اقداماتی مانند سانسور عمومی در رسانه ملی و قطع دسترسی به اینترنت و اعمال فشار بر مطبوعات برای عدم پوشش حوادث پرهیز کند، نارضایتی‌های عمومی را درک کرده و سیاست‌های نادرست و غیرمنطقی را اصلاح نمایند. الگوی حزب اتحاد برای جلوگیری از واگرایی میان حکومت و مردم، حاکم شدن اصول حکمرانی صحیح و عقلانیت و تثبیت اندیشه اصلاحات جهت اداره کشور است.

۷-۵. تصمیمات نادرست حاکمیت در امور اقتصادی باعث افزایش مشکلات معیشتی مردم می‌شود

مضمون فراگیر پنجم به این موضوع اشاره دارد که دولت روحانی در انتخابات خرداد ۱۳۹۲ توانست با نقد صحیح عملکرد و رفتارهای اقتصادی عوام‌فریبانه دولت احمدی‌نژاد (دولت نهم و دهم) در مورد طرح‌های تثبیت قیمت‌ها و هدفمندی یارانه‌ها و سیاست پول‌پاشی تحت عنوان واریز یارانه نقدی در جامعه و نیز نقد صحیح نظام چند نرخ در سطوح مختلف و خصوصاً کالاهای اساسی و استراتژیک از جمله سوخت و بنزین و با شعار دولت تدبیر و امید به ریاست جمهوری برسد. دولت روحانی با تدوین برنامه ششم توسعه و جهت‌گیری اصلاح تدریجی قیمت حامل‌های انرژی و نیز حذف تدریجی یارانه‌های نقدی و اختصاص آن به زیرساخت‌ها و الگوهای حمایت از اقشار محروم و آسیب‌پذیر کشور در جهت تحقق حداکثری عدالت

اجتماعی، امیدها را به تغییر روند افزایش داد؛ ولی خروج ناگهانی دولت آمریکا از معاهده برجام و تحریم‌های حداکثری دولت ترامپ باعث شد دولت روحانی از سال ۱۳۹۶ تا آبان ۱۳۹۸ عملاً با مسکوت گذاردن اجرای ماده ۳۹ قانون برنامه ششم توسعه در قالب قوانین بودجه، احتمالاً با توجیهاتی برگرفته از عوام‌گرایی، شرایط را به‌جایی برساند که مجبور شود بدون ارائه لایحه فوریتی در مجلس شورای اسلامی و مطرح کردن این موضوع در فضای جامعه از طریق رسانه‌های جمعی و مطبوعات و عدم صداقت در اطلاع‌رسانی، یک شبه و صرفاً با تصمیم سران سه قوه و تأیید رهبری قیمت بنزین را ۵۰ تا ۳۰۰ درصد افزایش دهد و با بازپرداخت نقدی وجوه حاصل از افزایش یک شبه قیمت بنزین تحت عنوان یارانه معیشتی باعث افزایش مجدد قیمت کالاها و خدمات و مشکلات معیشتی گسترده برای مردم گردید.

۶-۷. مسئولین عالی‌رتبه کشور دروغ‌گویی را کنار گذاشته و به مطالبات مردم پاسخ مناسب بدهند

مضمون فراگیر ششم این است که مسئولین عالی رتبه کشور در موضوعات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی صداقت نداشته و با دروغ‌گویی و عدم اطلاع‌رسانی صحیح از طریق رسانه‌های جمعی، اقلع اجتماعی در مورد این موضوعات را ایجاد نکرده‌اند، نسبت به مطالبات مدنی، اجتماعی و معیشتی عموم مردم بی تفاوت بوده که باعث انباشت این مطالبات بر روی هم و موجب فقر معیشتی، بیکاری، تبعیض و تحمیل یک سبک زندگی خاص به عامه مردم بدون در نظر گرفتن عقاید آن‌ها، تحقیر و سرخوردگی و استیصال عموم مردم شده است.

نتیجه‌گیری

تحلیل مضمونی بیانیه‌های مجمع روحانیون نشان می‌دهد که این گروه در سال ۱۳۸۸ از اعتراض‌های مردم به نتیجه انتخابات به‌صورت قاطع دفاع کرده و حاکمیت را به دلیل به‌کارگیری روش‌های نامناسب، متهم به نقض حقوق شهروندی و مخدوش نمودن چهره نظام و ارزش‌های اسلامی کرده و حتی خواستار برگزاری همه‌پرسی شده است، درحالی‌که در اعتراض‌ها سال ۱۳۹۶ از مواضع قبلی خود در سال ۱۳۸۸ فاصله گرفته و ضمن تأکید بر حل مشکلات معیشتی و اقتصادی مردم به‌وسیله دولت روحانی، تخریب اموال عمومی و قتل افراد بی‌گناه را به آشوبگران نسبت داده و این اقدامات را تقیح کرده است و آن را باعث انحراف در مسیر تحقق مطالبات واقعی مردم دانسته و بر هوشیاری مردم جهت مقابله با فتنه‌ها تأکید کرده و از دولت روحانی حمایت کرده است.

در اعتراض‌های ۱۴۰۱ مجدداً برخلاف مواضع سال ۱۳۹۶ از معترضان حمایت کرده و

حاکمیت و دولت را به نقض حقوق شهروندان و استفاده از شیوه‌های ناکارآمد و محروم نمودن جوانان از حقیقت دین متهم کرده است. مواضع مجمع روحانیون مبارز از سال ۱۳۸۸ تا سال ۱۴۰۱ تحول سینوسی داشته است به این شکل که از دولت‌های احمدی‌نژاد و رئیسی که اصولگرا می‌باشند انتقاد کرده؛ ولی از دولت روحانی که به اصلاح‌طلبان نزدیک است حمایت کرده است. همواره از نحوه حکمرانی و عملکرد جناح اصولگرا انتقاد کرده است.

در مواضع حزب اتحاد ملت در بازه زمانی (۱۴۰۱-۱۳۷۸) تغییر متوسطی رخ داده و با گذشت زمان مواضع این حزب تندتر شده و همواره بر محکومیت جناح اصولگرا به دلیل کارشکنی در مسیر دولت اصلاحات، عدم آزادی زندانیان سیاسی، محکومیت جناح اصولگرا در اعمال نظارت استصوابی، محکومیت مجلس هفتم و هشتم شورای اسلامی و دولت احمدی‌نژاد در تصویب طرح هدفمندی یارانه‌ها، محکومیت حکمرانی در تغییر نتیجه انتخابات ۱۳۸۸، انتقاد از دولت روحانی و رؤسای قوا بابت تصمیمات غلط اقتصادی و انتقاد صریح از جناح اصولگرا و حاکمیت در بی‌اعتنایی به مطالبات گسترده مردم در حوزه‌های مختلف مدنی، اقتصادی، سیاسی، دلالت داشته است.

مواضع گروه سیاسی مجمع روحانیون نسبت به حزب اتحاد ملت که هر دو در طیف اصلاح‌طلب می‌باشند در مواردی از قبیل نفی استبداد و ظلم و برپایی آزادی و عدالت و تحقق خواست و اراده مردم با استفاده از روش‌های اصلاح‌طلبانه و راه‌های مدنی و همه‌پرسی (رفراندوم)، به کارگیری اصول حکمرانی صحیح جهت رفع بی‌اعتمادی مردم به حاکمیت، محکومیت جناح اصولگرا در به کارگیری روش‌های غلط و زیان‌بار جهت نقض حقوق شهروندی و قانون اساسی و جمهوریت، به کارگیری شیوه‌های ناکارآمد حاکمیتی در برخورد با شهروندان و معترضان مثل محدود کردن فضای گفتگو و راه‌های ارتباطی مثل اینترنت، سانسور وقایع در مطبوعات و رسانه‌های جمعی (رسانه ملی)، مواضع مشابهی دارند. تنها تفاوت موضع مجمع روحانیون نسبت به حزب اتحاد در تأکید این گروه سیاسی بر رعایت اخلاق و دین‌داری صحیح و آموزه‌های دینی در حوادث سال ۱۳۸۸ و تأکید بر ضرورت هوشیاری مردم جهت مقابله با فتنه‌ها و دشمنی آمریکا و مقابله با آشوبگران در اعتراض‌های ۱۳۹۶ است.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.
مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.
تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ گونه تعارض منافی وجود ندارد.
تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

- ابوالحسن شیرازی، حبیب اله و صحرایی، علیرضا (۱۳۹۷). نقش و تأثیر احزاب در ثبات سیاسی ایران؛ مطالعه موردی: دولت اصلاحات. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی انقلاب اسلامی، ۱(۳)، ۲۱۱ - ۶۷. <https://ensani.ir/fa/article/419862>
- اتحادیه، منصوره (۱۳۶۱). مرامنامه و نظامنامه‌های احزاب سیاسی ایران در دومین دوره مجلس شورای ملی. تهران: نشر تاریخ ایران.
- احمدزاده، رضا (۱۳۹۸). تحلیل مضمونی و ویژگی‌های جهاد در آیات قرآن کریم. فصلنامه علمی-تخصصی فرهنگ پژوهش، ۱۲(۴۰)، ۱۰۴-۵۴. https://fpq.bou.ac.ir/article_69887.html
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۹). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ ۵، ۲۲ جلدی.
- امانیان، حسین (۱۳۸۵). جریان‌شناسی سیاسی ۱. تهران: سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع.
- پناهی، محمدحسین، خانیکی، هادی و امینی، سعیده (۱۳۹۲). تبیین جامعه‌شناختی تحول گفتمان مجمع روحانیون مبارز طی دو دهه ۱۳۸۸-۱۳۷۶. مجله جامعه‌شناسان، ۱۴(۳)، ۱۷۸-۱۴۹. [dor: 20.1001.1.17351901.1392.14.3.6.0](https://doi.org/10.1001.1.17351901.1392.14.3.6.0)
- حسین زاده، محمدعلی (۱۳۸۶). گفتمان‌های حاکم بر دولت‌های بعد از انقلاب در جمهوری اسلامی ایران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- رحیمی شاد، ابوالفضل (۱۳۸۴). بررسی تحول در نظام ارزشی گروه‌های سیاسی حاکم پس از پیروزی انقلاب اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی.
- ردادی، محسن، افتخاری، اصغر و درخشه، جلال (۱۳۹۴). تحلیل مضمونی اعتماد در اندیشه آیت الله خامنه‌ای. جستارهای سیاسی معاصر، ۶(۳)، ۷۲-۵۳. https://politicalstudy.ihe.ac.ir/?_action=articleInfo&article=1910
- زیباکلام، صادق و مقتدایی، مرتضی (۱۳۹۳). احزاب سیاسی و نقش آن در توسعه سیاسی ایران. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۱۰(۲۹)، ۲۸-۷.

https://journals.iau.ir/article_523751_0.html

- شادلو، عباس (۱۳۷۹). *احزاب و جناح‌های سیاسی ایران امروز*. تهران: انتشارات گستره.
- شیخزاده، محمد، عابدی جعفری، حسن، تسلیمی، محمد سعید و فقیهی، ابوالحسن (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین. *نشریه اندیشه مدیریت راهبردی*، ۵ (۲)، ۱۹۸-۱۵۱.
https://smt.isu.ac.ir/?_action=article&au=675&_au
- فلیک، اووه (۱۳۹۷). *راهنمای روش تحقیق کیفی*. ترجمه ستار محمدی تلوار، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- مدیرشانه چی، محسن (۱۳۷۵). *احزاب سیاسی ایران*. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- میرعلی محمدی، محمد (۱۳۷۵). بررسی مواضع احزاب و گروه‌های چپ‌گرا در جریان شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه امام صادق (ع).
- میرزایی، خلیل (۱۳۹۶). *کیفی پژوهی: پژوهش، پژوهشگری و پژوهش‌نامه‌نویسی*. تهران: نشر فوژان.
- نریمان، سعید (۱۳۹۰). تحلیل گفتمان اندیشه سیاسی جامعه مدرسین حوزه علمیه در ارتباط با دیدگاه سیاسی امام خمینی. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی.
- نیک‌روش، ملیحه (۱۴۰۰). تحلیل مضمون (ماهیت اقدامات آمریکا علیه ایران) در گفتار امام خمینی. *دوفصلنامه تاریخ‌نامه انقلاب*، ۵ (۴)، ۱۷۹-۱۵۳.
https://tarikhname.ri-khomeini.ac.ir/article_168411.html
- وردی زاده، نسرین (۱۳۸۵). بررسی نگرش سیاسی درون حاکمیت نسبت به نقش مردم در نظام سیاسی. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی.

قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران با عنوان «محور مقاومت» در نظام قدرت غرب آسیا

فرشته میرحسینی^۱

Doi :10.22034/FADEMO.2024.470042.1052

چکیده: مقاله ایران از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین بازیگران در معادلات قدرت در منطقه غرب آسیاست. با توجه به اهمیت منطقه غرب آسیا بازیگران مهم در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی در تلاش برای افزایش نفوذ در منطقه هستند. هدف اصلی این پژوهش، شناسایی مهم‌ترین بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تأثیرگذار در نظام قدرت غرب آسیاست. به این منظور از چهارچوب نظری قدرت‌های منطقه‌ای استفاده شده است. به‌طور کلی در سطح ساختار، وضعیت «ساختار نظام قدرت بین‌الملل» و «ساختار نظام قدرت منطقه» و در سطح کار گزار، وزن ژئوپلیتیکی و اهداف راهبردی هریک از بازیگران فرامنطقه‌ای (ایالات متحده آمریکا، روسیه و چین) و بازیگران منطقه‌ای (عربستان و ترکیه)، بر جایگاه ایران در منطقه غرب آسیا تأثیرگذار هستند. در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. با وجود رقابت مهم منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، در حال حاضر ایران جایگاه ژئوپلیتیکی مهم و تعیین‌کننده‌ای در گره‌های شبکه‌ای غرب آسیا از جمله کشورهای عراق، سوریه و لبنان دارد. ایران از جمله تأثیرگذارترین بازیگران در عراق است، نماینده آن حزب‌الله نیروی مؤثری در لبنان است. همچنین تلاش ایران برای حفظ حکومت بشار اسد در سوریه در راستای حفظ محور مقاومت و نابودی داعش موفقیت‌آمیز بوده است.

کلیدواژه‌ها: ایالات متحده آمریکا، ایران، ساختار نظام قدرت منطقه، غرب آسیا، عربستان.

۱. استادیار گروه آموزش معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. fereshte.mirhosieni@cfu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۰۷

مقدمه و طرح مسئله

منطقه غرب آسیا از نظر راهبردی در نقطه اتصال آفریقا، آسیا و اروپا قرار دارد. این منطقه از مصر تا ایران و از ترکیه تا دریای عرب گسترش می‌یابد. برخی از مهم‌ترین آبراهه‌های جهان مثل بسفر و داردانل، باب‌المنندب، تنگه هرمز، کانال سوئز و خلیج عدن به‌عنوان دارایی‌های راهبردی و اقتصادی آن شمرده می‌شود. غرب آسیا مخزن انرژی جهان، گهواره قدیمی‌ترین تمدن‌های جهان، بابل، سومریان، بین‌النهرین و تمدن نیل، مهد ادیان بزرگ جهان، یهودیت، مسیحیت و اسلام و مرکز تلاقی فرهنگ و تاریخ ترکی، عربی و ایرانی است. حادثه ۱۱ سپتامبر و حمله نظامی آمریکا به افغانستان و عراق در آغاز قرن ۲۱ بار دیگر غرب آسیا را در مرکز توجهات جهانی قرار داد. اکنون با توجه به پیچیدگی موضوعات مربوط به امنیت، تعدد بازیگران مداخله‌گر و تعدد بحران‌ها و روندها، ساختار نظام قدرت در غرب آسیا مبهم و در وضعیت گذار قرار دارد. در نتیجه این شرایط، هریک از کارگزاران برای بسط قدرت و شکل‌دهی به نظم مطلوب خود تلاش می‌کنند. ایران که در طول تاریخ همواره بازیگری مؤثر در منطقه غرب آسیا بوده است، در حال حاضر نیز از منظر ژئوپلیتیکی دارای قدرت همه‌جانبه است که به آن امکان می‌دهد تا نقش تأثیرگذاری در منطقه داشته باشد. از نظر نظامی، ایران از قدرتمندترین ارتش‌های منطقه است و از نظر اقتصادی دارای ذخایر عظیم نفت و گاز است. همچنین از نظر فرهنگی - مذهبی دارای ابزارهای مؤثری جهت تأثیرگذاری بر معادلات قدرت در منطقه است. علاوه بر ایران در غرب آسیا بازیگرانی مثل عربستان، مصر، ترکیه و کشورهای کوچکی مثل قطر مدعی نفوذ و قدرت منطقه‌ای هستند. با توجه به اینکه کشورهایی که از ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی مؤثرتری برخوردار باشند جایگاه تعیین‌کننده‌تری در نظام قدرت منطقه خواهد داشت، در سال‌های اخیر این منطقه بیش از همه عرصه رقابت ایران، عربستان سعودی و ترکیه بوده است. همچنین به دلیل اهمیت راهبردی منطقه غرب آسیا، قدرت‌های فرامنطقه‌ای همواره توجه ویژه‌ای به آن داشته‌اند. مهم‌ترین بازیگران فرامنطقه‌ای مداخله‌گر در غرب آسیا ایالات متحده آمریکا، روسیه و چین هستند. از زمان فروپاشی شوروی تاکنون، آمریکا به‌عنوان مهم‌ترین بازیگر مداخله‌گر در مناسبات منطقه از موقعیت برتری نسبت به سایر رقبای برخوردار بوده است. همچنین در سال‌های اخیر به‌ویژه دو کشور چین و روسیه برای افزایش نفوذ خود در منطقه تلاش می‌کنند. هدف اصلی پژوهش این است که با بررسی بازیگران تأثیرگذار در نظام قدرت غرب آسیا، به‌منظور تعمیق و بسط قدرت و نفوذ ژئوپلیتیکی در سطح منطقه فضای راهبردی کشور بهتر شناخته شود. عدم شناخت صحیح این موضوع و عدم توجه به تدابیر

راهبردی و آینده‌پژوهانه، ایران را در مسیر دستیابی به قدرت برتر در منطقه با چالش‌هایی جدی مواجه خواهد ساخت.

۱. پیشینه تحقیق

گرچه پژوهش‌های متعددی درباره قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران با عنوان محور مقاومت صورت گرفته است؛ اما در هیچ‌یک از این آثار قدرت منطقه‌ای ایران در بعد ساختاری و کارکردی و در مقایسه به سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مورد تحلیل قرار نگرفته است. لذا این پژوهش درصدد رفع خلأ علمی در این زمینه است.

صالحی در مقاله «بیداری اسلامی و تکوین نظم نوین منطقه‌ای در خاورمیانه» (۱۳۹۱) چنین فرض می‌کند که در روند بیداری اسلامی برای نظم جدید منطقه سه سناریو قابل ترسیم است که می‌توان آن را نظم اسلام‌گرایی انقلابی، نظم اسلام‌گرایی سلفی و نظم اسلام‌گرایی اخوانی نام‌گذاری کرد. نظم مطلوب گفتمان سلفی، موازنه قوا و نظم مطلوب گفتمان اخوانی کنسرت قدرت‌های بزرگ است. جمهوری اسلامی ایران نیز با الگوی نظم انقلابی تلاش دارد تا نظم و امنیت منطقه را با مدیریت دسته‌جمعی ایجاد کند.

نویسنده کتاب تحولات عربی، ایران و خاورمیانه (۱۳۹۴) به بررسی این موضوع پرداخته است که انقلاب‌های عربی بر نقش بازیگران منطقه‌ای و توازن قوای نیروها تأثیرات جدی داشته و منجر به بازتعریف نقش و توان بازیگران در ترتیبات سیاسی-امنیتی شده است.

عیوضی و آفتابی میان در کتاب چشم‌انداز روابط سیاسی قدرت‌های منطقه‌ای جهان اسلام (۱۳۹۶) با رویکردی آینده‌پژوهانه و با استفاده از روش سناریونویسی به تحلیل و بررسی روابط قدرت‌های مهم در جهان اسلام از جمله ایران، عربستان، مصر و ترکیه پرداخته‌اند. در این کتاب نویسندگان تلاش دارند تا جایگاه این کشورها را به‌عنوان قدرت منطقه‌ای آینده مورد بررسی قرار دهند.

جعفری و ذوالفقاری در کتاب خاورمیانه و امنیت بین‌الملل: قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی (۱۳۹۴)، به این موضوع پرداخته‌اند که غرب آسیا به دلیل اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک از مهم‌ترین مناطق پرآشوب در نظام بین‌الملل است. جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از قدرت‌های مطرح در این منطقه حساس از دکترین تأمین امنیت منطقه‌ای دفاع می‌کند و توانسته است از ثبات و امنیت نسبی برخوردار باشد.

قدسی در مقاله «تحولات ژئوپلیتیکی خاورمیانه و تقابل استراتژی‌ها» (۱۳۹۱) این سؤال را

مطرح کرده است که عناصر و مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی مهم در شکل دادن به جغرافیای سیاسی نوپدید خاورمیانه کدام است؟ بر اساس نتایج پژوهش بیداری اسلامی تحولات ژئوپلیتیکی مهمی در منطقه غرب آسیا به همراه داشته است. کشورهای ایران و ترکیه به دلیل اهمیت ژئوپلیتیکی، رقبای اصلی برای شکل دادن به جغرافیای سیاسی جدید غرب آسیا هستند. بیگزضایی و حیدری فر در مقاله «ژئوپلیتیک و بازیگری قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای در غرب آسیا» (۱۳۹۵) به این مسئله اشاره کرده‌اند که تحولات و حوادث ژئوپلیتیکی غرب آسیا به دلیل تأثیرگذاری بر معادلات قدرت همواره توجه قدرت‌های بزرگ را به خود جلب کرده است. در این مقاله به مخاطرات و موانع قدرت‌های خارج از منطقه (ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا) و رقبای ایران در منطقه (رژیم صهیونیستی، عربستان و ترکیه) پرداخته است. کریمی و صفی‌نژاد در مقاله «بررسی تطبیقی الگوهای نوین هویتی در منطقه غرب آسیا» (۱۳۹۳) به تحلیل موضوع شکل‌گیری و رقابت بین سه الگوی جدید هویتی در غرب آسیا پرداخته‌اند.

۲. ادبیات نظری؛ نظریه قدرت منطقه‌ای^۱

مفهوم قدرت منطقه‌ای پس از پایان نظام دوقطبی مطرح شد. قدرت منطقه‌ای بیان‌گر نوع خاصی از تقسیم‌بندی دولت‌هاست که در آن قدرت ملی به‌عنوان معیار اصلی مورد توجه قرار می‌گیرد. لذا مفاهیمی چون ابرقدرت‌ها، قدرت‌های بزرگ، قدرت‌های میانی و قدرت‌های منطقه‌ای شکل می‌گیرد. ابرقدرت‌ها به دلیل موقعیت برتری که در سطح جهانی دارند، حوزه نفوذ خود را در کل جهان تعریف کرده‌اند؛ بنابراین اگر سیستم بین‌الملل تک‌قطبی باشد، فقط ابرقدرت در گستره جهان اعمال نفوذ می‌کند؛ اما اگر دوقطبی یا چندقطبی باشد ابرقدرت‌ها در مورد نوع و میزان اعمال نفوذ به‌نوعی توافق می‌کنند یا ناگزیر از پذیرش نوعی تفاهم می‌شوند. تقریباً همان نقشی را که ابرقدرت‌ها در سطح جهانی دارند، قدرت‌های منطقه‌ای در سطح منطقه خاص اعمال می‌کنند (خرمشاد و مرادخانی، ۱۳۹۴، ص. ۸). قدرت بزرگ منطقه به دولتی است که در یک سیستم منطقه‌ای که تحت تأثیر سیستم جهانی است، عمل می‌کند. افزایش قدرت کشورها در سطح منطقه برای آن‌ها تأثیرگذاری و گسترش حوزه نفوذ در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در مقیاس منطقه‌ای و جهانی را به همراه خواهد داشت (صبوری و صالحیان، ۱۳۹۴، ص. ۱۰۷).

۱۲۸

در نظام سلسله‌مراتب جهانی، قدرت‌های منطقه‌ای بازیگرانی هستند که جایگاه و کارکردشان دارای اهمیت فراوان است. موضوع سلسله‌مراتب قدرت‌های منطقه‌ای را بوزان و ویور مورد واکاوی قرار داده‌اند. آن‌ها در قالب نظریه «مجموعه امنیتی منطقه‌ای» بین قدرت‌های بزرگ و ابرقدرت‌ها که در سطح جهانی عمل می‌کنند و قدرت‌های منطقه‌ای که نفوذ آن‌ها ممکن است در منطقه خود زیاد باشد؛ اما در سطح جهانی مورد توجه قرار نمی‌گیرند تمایز قائل می‌شوند. از نظر آن‌ها قدرت‌های منطقه‌ای ممکن است از نظر منابع مادی و سخت‌افزاری قدرت چندان وضعیت مناسبی نداشته باشند؛ اما از نظر اصالت تاریخی، سنت‌های ریشه‌دار و موقعیت جغرافیایی وضعیت مساعدی دارند (یاسوری و سجودی، ۱۳۹۴، ص. ۱۷۲).

۳. ویژگی‌ها و شاخص‌های قدرت منطقه‌ای

بسیاری از اندیشمندان حوزه سیاست بین‌الملل درخصوص ویژگی‌ها و مؤلفه‌های قدرت منطقه‌ای به اظهارنظر پرداخته‌اند؛ مارتین بک ویژگی‌های قدرت منطقه‌ای را این‌گونه ذکر می‌کند: قرار داشتن در یک منطقه مشخص با داشتن هویت معین قابل‌شناسایی، داشتن ادعای قدرت منطقه‌ای، اعمال نفوذ قاطع ایدئولوژیک در سطح منطقه، داشتن توانایی‌های نسبتاً بزرگ نظامی، اقتصادی، جمعیتی، سیاسی و ایدئولوژیک، ایجاد انسجام و هماهنگی در منطقه، ایجاد امنیت منطقه‌ای در سطح بالا، کسب احترام از طرف سایر قدرت‌های منطقه‌ای و قدرت‌های دورتر به‌عنوان قدرت منطقه‌ای، ایجاد حلقه اتصال مناسب بین منطقه و دیگر نقاط جهان.

گلدنهورز مؤلفه‌های گوناگونی را برای قدرت منطقه‌ای مطرح کرده است؛ از جمله اینکه قدرت منطقه‌ای دارای برتری مادی عمدتاً اقتصادی، جمعیتی و نظامی است که آن را به کشوری قوی در منطقه تبدیل می‌کند؛ قدرت منطقه‌ای حلقه اتصال با کشورهای دیگر منطقه از نظر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است؛ قدرت منطقه‌ای دارای سطحی بالاتری از توسعه اقتصادی در مقایسه با دیگر کشورهای منطقه است؛ قدرت منطقه‌ای دارای منابع فکری و عقیدتی مثل ارزش‌های اجتماعی و سیاسی، جاذبه و نفوذ فرهنگی، کیفیت رهبری سیاسی در داخل و اعتبار دیپلماتیک در خارج است. بالدوین نیز مؤلفه‌های قدرت منطقه‌ای را حوزه‌های مختلف قدرت، قلمرو نفوذ، اهمیت، وزن و توانایی بازیگر، پرداخت هزینه و استفاده از ابزارها و روش‌های مختلف اعمال قدرت می‌داند (صبوری و صالحیان، ۱۳۹۴، صص. ۱۱۲ - ۱۱۱).

به عقیده ماکسی شومان، قدرت منطقه‌ای باید دارای چهار پیش شرط مهم باشد:

۱. پویایی‌های داخلی: این عامل موجب می‌شود قدرت منطقه‌ای بتواند نقش پیشرو و ثبات

دهنده در منطقه داشته باشد.

۲. تمایل: قدرت منطقه‌ای باید علاقه‌مند به ایفای نقش رهبری در منطقه باشد.

۳. ظرفیت: قدرت منطقه‌ای باید توانایی پذیرش رهبری منطقه را داشته باشد.

۴. پذیرش: قدرت منطقه‌ای باید از طرف همسایگان منطقه نیز به‌عنوان رهبر مسئول در قبال امنیت منطقه پذیرفته شود. همچنین پذیرش فرامنطقه‌ای به‌خصوص از سوی قدرت‌های جهانی با اهمیت است (قنبرلو، ۱۳۸۸، ص. ۱۷).

کوهن کشورهای جهان را از نظر قدرت در پنج گروه از قدرت درجه اول تا درجه پنجم دسته‌بندی می‌کند. به نظر کوهن، قدرت‌های درجه اول مثل ایالات متحده آمریکا، اروپا، روسیه، چین و ژاپن توانایی اعمال نفوذ در سطح جهانی را دارند. قدرت‌های درجه سوم در حوزه‌های کوچک تری در منطقه ژئوپلیتیکی در زمینه‌های ایدئولوژیک، سیاسی یا منابع منطقه با هم رقابت می‌کنند. این کشورها به علت توانایی‌های اقتصادی، جمعیتی و نظامی کم، توانایی رقابت با سطوح بالاتر را ندارند. قدرت‌های درجه چهارم تنها برای تأثیرگذاری بر همسایگان خود تلاش می‌کنند. قدرت‌های درجه پنجم کشورهایی هستند که حوزه نفوذشان صرفاً در محدوده جغرافیایی خودشان است. کوهن قدرت‌های منطقه را قدرت‌های درجه دوم قلمداد می‌کند که در سطح یک منطقه جغرافیایی عمل می‌کنند و دارای ابعاد مختلفی هستند، از جمله اینکه سعی می‌کنند تا خود را مرکز منطقه معرفی کنند؛ از بعد اقتصادی و ارتباطی می‌کوشند تا به گره مواصلاتی منطقه تبدیل شوند؛ به دنبال نفوذ نظامی در منطقه هستند و سعی می‌کنند تا مانع نفوذ قدرت‌های جهانی در منطقه شوند؛ تمایلات برتری طلبانه در منطقه دارند (افشردی و مدنی، ۱۳۸۸، ص. ۱۱۹).

از دید استفان شیرم قدرت منطقه‌ای دارای این ویژگی‌هاست: دارای منابع ایدئولوژیک، سازمانی و مادی قدرت است؛ مدعی رهبری و بسیج منابع قدرت است؛ دارای نفوذ سیاسی واقعی در منطقه است. دتلف نولت سعی در ارائه ترکیبی از شاخص‌های مختلف برای قدرت منطقه‌ای دارد. از دید وی قدرت منطقه‌ای، بخشی از منطقه‌ای است که از نظر جغرافیای اقتصادی و سیاسی مجزاست؛ ادعای موقعیت رهبری در منطقه را دارد؛ دارای نفوذ به شیوه‌ای مؤثر بر مرزهای جغرافیایی و ساخت فکری-سیاسی منطقه است؛ دارای منابع مادی (نظامی، جمعیتی و اقتصادی)، سیاسی و ایدئولوژیک است؛ به‌طور واقعی نفوذ فراوانی در امور منطقه دارد؛ این نفوذ را از طریق ساختارهای حکمرانی منطقه اعمال می‌کند (حاجی یوسفی و محمدیان، ۱۳۹۰، ص. ۴۰).

به همین ترتیب ایویند استرود برای قدرت منطقه‌ای چهار شاخص ذکر می‌کند که عبارتند از ۱. قرار گرفتن در بخش معینی از جغرافیای منطقه؛ ۲. برخورداری از توان مقابله با

ائتلاف‌سازی سایر دولت‌های منطقه؛ ۳. برخورداری از نفوذ بالا در منطقه و ۴. برخورداری از ظرفیت تبدیل شدن به قدرت جهانی است؛ اما از بین اندیشمندانی که در مورد قدرت منطقه‌ای پژوهش کرده‌اند دانیل فلمز به صورت جامع‌تری به این موضوع پرداخته است. فلمز برای قدرت منطقه‌ای پنج معیار اساسی را ذکر می‌کند: ۱. ادعا: برای قدرت منطقه‌ای برخورداری از نفوذ بین‌المللی بدون ادعای داشتن نفوذ ممکن نیست؛ ۲. پتانسیل: بدون منابع سازمانی و مادی امکان قدرت افکنی منطقه‌ای و بین‌المللی سخت است؛ ۳. اقدامات: آیا قدرت منطقه‌ای اقداماتی در مورد دولت‌های تابع خود انجام داده است؟ ۴. پذیرش: آیا سایر دولت‌ها ادعاهای قدرت منطقه‌ای را پذیرفته‌اند؟ ۵. نفوذ: چگونگی اعمال نفوذ واقعی از سوی قدرت منطقه‌ای موضوعی است که می‌تواند مورد قضاوت قرار گیرد.

۴. ساختار نظام قدرت در منطقه غرب آسیا

در منطقه غرب آسیا قدرت یک ویژگی ثابت نیست و وضعیت قدرت‌ها در این منطقه بیشتر از هر جای دیگری در جهان تغییر می‌کند؛ بنابراین مکرراً شاهد کاهش و افزایش چشمگیری قدرت‌های منطقه‌ای هستیم؛ برای مثال مصر در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ رشد کرد؛ اما در دوران ریاست جمهوری مبارک (۲۰۱۳ - ۱۹۸۰) به بازیگر حاشیه‌ای تبدیل شد. عراق در دهه ۱۹۸۰ نسبتاً رشد یافت؛ اما تقریباً تمام نفوذ خود را از دهه ۱۹۹۰ به بعد از دست داد. عراق به دلیل عوامل داخلی و خارجی تقریباً حدود دو دهه است که توان تأثیرگذاری در منطقه را ندارد. سوریه با وجود اهمیت ژئوپلیتیکی از سال ۱۹۵۰ تا اواسط دهه اول قرن ۲۰، در سال ۲۰۱۱ با فشارهای داخلی و خارجی زیادی فراتر از توان خود مواجه شد. این امر به موقعیت سوریه به‌عنوان بازیگر منطقه‌ای مؤثر پایان داد و در نهایت معمر قذافی لیبی را که کشوری دارای نفوذ در مغرب و صحرای آفریقا بود به کشوری ضعیف، آسیب‌پذیر و بدون قدرت مرکزی مؤثر تبدیل کرد (Ehteshami, 2014, pp. 33-34).

هینبوش^۱ ادعا می‌کند که نظام منطقه‌ای بعد از پایان جنگ جهانی دوم به وجود آمد؛ نقطه عطفی که تعدادی از دولت‌ها در منطقه به استقلال رسیدند. او نخستین دوران را به‌عنوان «چندقطبی الیگارش» (۱۹۵۵ - ۱۹۴۵) نام‌گذاری می‌کند و مصر، عربستان و سوریه را به‌عنوان قطب‌های مقابله با محور هاشمی در عراق و اردن به رسمیت می‌شناسد. قدرت رو به افزایش ترکیه، ایران و دولت تازه تأسیس رژیم صهیونیستی باید به معادله اضافه شود تا تصویر کاملی

1. Hinnebusch

از چندقطبی الیگارش‌ی داشته باشیم. این دوره با سطح بالایی از نفوذ قدرت‌های خارجی (به‌ویژه انگلستان) مشخص می‌شود.

دوره دوم (۱۹۷۰ - ۱۹۵۶) با ظهور و سقوط نظام پان‌عربیسم تحت رهبری ناصر مشخص می‌شود. منطق پان‌عربیسم تحت رهبری ناصر، هژمونی قاهره را پی‌ریزی کرد که در طول این دوره رهبری مصر را در سیاست‌های منطقه‌ای تقویت کرد. این موقعیت شبه‌هژمونیک به‌وسیله اتحاد و تحرکات پراکنده کشورهای مثل سوریه، اردن و لبنان پشتیبانی می‌شد. در این مرحله شاهد افزایش همبستگی در میان اعراب و کاهش کنترل غرب بر سیاست‌های منطقه‌ای هستیم. این دوره با دوره مثلث عرب (۱۹۷۰) ادامه یافت. در این دوره سه کشور عربی (مصر، عربستان و سوریه) ائتلافی را برای مقابله با قدرت در حال افزایش رژیم صهیونیستی طی جنگ شش‌روزه ۱۹۶۷ شکل دادند. علاوه بر آن ایران خود را به‌عنوان جزیره قدرت در منطقه معرفی کرد که عمدتاً به دلیل رابطه نزدیک شاه با آمریکا بود. این دوره با آغاز یک رابطه متقابل جدید میان کشورهای عربی در منطقه مشخص می‌شود. پایان مثلث عربی در نتیجه جنگ ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل به وجود آمد. مصر پس از جنگ، دوباره به آمریکا نزدیک شد و رویکرد خود را نسبت به رژیم صهیونیستی از طریق امضای قرارداد کمپ دیوید در سال ۱۹۷۹ تغییر داد. این رویداد منجر به اخراج مصر نه‌تنها از اتحاد سه‌جانبه، بلکه از سیاست‌های منطقه‌ای شد و کشورهای عربی توافق صلح با رژیم صهیونیستی را محکوم کردند (Ilecha et al, 2016, p. 37).

«چندقطبی شکننده بدون مرکز» در دهه ۱۹۸۰ ادامه یافت. در ابتدای این دهه شاهد کاهش پان‌عربیسم به نفع تقویت پان‌اسلامیسم و کمونیسم هستیم. در این دوره پنج قطب قدرت برای کسب رهبری منطقه‌ای با هم رقابت می‌کنند: مصر، سوریه، عربستان، عراق و ایران. به‌طور کلی دو بلوک یکی از آن‌ها به اصطلاح کشورهای طرفدار غرب (عراق، مصر، عربستان و سایر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، شمال یمن و اردن) و دیگری به اصطلاح جبهه مقاومت (لیبی، یمن جنوبی، الجزایر، سوریه و ایران) شکل گرفت. دوره جدید با جنگ خلیج فارس در پاسخ به حمله عراق به کویت در سال ۱۹۹۰ آغاز شد. قطب‌های اصلی قدرت عبارت بودند از عربستان، مصر، سوریه، ایران، رژیم صهیونیستی و ترکیه.

از سال ۲۰۰۳ پنج قدرت منطقه‌ای متوسط شامل مصر، عربستان سعودی، ایران، ترکیه و رژیم صهیونیستی هر کدام با ظرفیت‌های متفاوتی در ساختار نظام چندقطبی منطقه غرب آسیا نقش آفرینی می‌کنند. حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ موجب ناپدید شدن یکی از قطب‌های سنتی در

زیرسیستم شد. این امر با بازگشت ترکیه و ایران به سیاست‌های منطقه‌ای در قرن جدید هم‌زمان شد (ILecha et al, 2016, p. 38).

کریستینا^۱ نظام منطقه‌ای ظهور یافته پس از خیزش سال ۲۰۱۱ را «چندقطبی رقابتی» توصیف می‌کند که تعدادی از بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در ابعاد و وزن‌های مختلف با هم رقابت می‌کنند. نقش آفرینی ایران، ترکیه و عربستان به‌عنوان سه قدرت منطقه‌ای در این نظم شایان توجه است. ایران به‌عنوان قدرت منطقه‌ای و کشمگری فعال در عین برخورداری از مزیت‌های ژئوپلیتیک از توان به‌کارگیری قدرت مصالحه و انعطاف تاکتیکی نیز برخوردار است. عربستان سعودی با توجه به برخورداری از قدرت اقتصادی ناشی از درآمدهای نفتی و نیز نفوذ شایان توجه در میان کشورهای عرب و جهان اسلام به‌عنوان قدرتی بحران‌ساز با توجه به حمایت‌های مالی و لجستیکی از داعش مطرح است. ترکیه در صدد است با سیاست نوع‌نمائی گری و مطرح کردن خود به‌عنوان الگوی اسلام لیبرال و سکولار به مدل‌سازی در منطقه مبادرت ورزد؛ گرچه شکنندگی آن در پی وقوع کودتای نافرجام در این کشور موجب اتخاذ سیاست‌های دوگانه از سوی آنکارا در بحران‌های منطقه شده است (دهقانی فیروزآبادی و احمدی لفورکی، ۱۳۹۷، صص. ۶۱ - ۶۰).

بنابراین برای تعریف ساختارهای کنونی در غرب آسیا باید به سه محور منطقه‌ای اشاره کرد: ۱. ایران و وابستگان آن: عراق، حکومت بشار اسد در سوریه، حزب‌الله لبنان و حوثی‌های یمن؛ ۲. ترکیه، قطر و بازیگران غیردولتی که با عنوان اخوان المسلمین شناخته می‌شوند؛ ۳. دولت‌های محافظه‌کار عربستان سعودی و متحدان آن در خلیج فارس، مصر تحت حکومت عبدالفتاح السیسی، اردن، مراکش و الجزایر.

۱۳۳

در حال حاضر نوع توازن قدرت در میان این سه قطب اصلی نظم امنیتی منطقه را تعیین می‌کند. در واقع یکی از عوامل اصلی شکل‌دهنده به الگوی نظم امنیتی در منطقه صورت‌بندی موازنه قدرت میان بازیگران اصلی میدان سیاست در غرب آسیاست. قطب‌های قدرت برای شکل دادن به نظم امنیتی مطلوب و با استفاده از سیاست‌های موازنه‌گرایانه تلاش می‌کنند تا سایر رقبا را به پذیرش طرح‌های سیاسی خود وادار کنند.

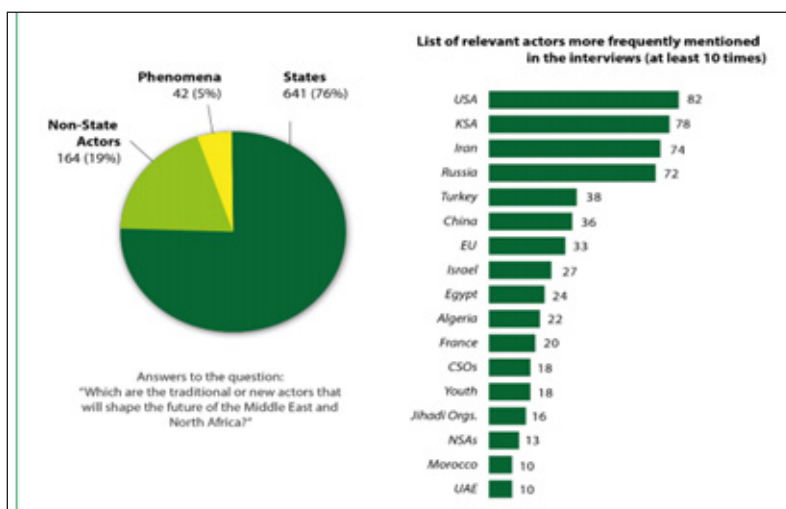
۵. قدرت‌های فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای تأثیرگذار در غرب آسیا

در پژوهش «آینده‌های متصور برای خاورمیانه و شمال آفریقا» با مصاحبه از افراد مختلف از آنان خواسته شد تا بازیگرانی را شناسایی کنند که آینده منطقه را شکل می‌دهند. بر اساس

1. Kristina Kausch

نتایج مصاحبه، شش بازیگر برتر در شکل‌دهی به ساختارهای آینده غرب آسیا به ترتیب آمریکا، عربستان، ایران، روسیه، ترکیه و چین هستند.

شکل ۱. بازیگرانی که آینده منطقه را شکل خواهند داد



(Goll et al, 2019, p. 14)

۶. مهم‌ترین کارگزاران فرامنطقه‌ای تأثیرگذار در غرب آسیا

۶-۱. ایالات متحده آمریکا

آمریکا با دکترین ترومن (۱۹۵۱) به سیاست‌گذاری در غرب آسیا پرداخت و منافع راهبردی خود را در ارتباط با منابع انرژی منطقه تعریف کرد. آمریکا با دکترین آیزنهاور (۱۹۵۷) که شامل کمک نظامی و مالی است، با دو کشور عربستان و رژیم صهیونیستی در غرب آسیا رابطه ویژه برقرار کرد (Eksi, 2017, p. 148). نیکسون (۱۹۶۰) استراتژی دوستونی خود را برای نظارت بر خلیج فارس پیاده‌سازی کرد؛ بنابراین آمریکا کنترل منطقه را از طریق متحدانش در دو طرف خلیج فارس، یعنی ایران و عربستان به دست گرفت. با پایان جنگ سرد، آمریکا با هدف تحمیل نظم منطقه‌ای به ایفای نقش نظامی، سیاسی و اقتصادی در منطقه پرداخت. حضور نظامی و سیاسی آمریکا پس از بحران خلیج فارس به میزان قابل توجهی در منطقه افزایش یافت. (Sinkaya, 2016, p. 14)

پس از این جنگ، آمریکا نفوذ سیاسی و توانایی‌های نظامی قابل توجهی برای ایفای نقش هژمونی در اختیار داشت. قدرت بی‌رقیب آمریکا و حمایت اروپا، مذاکرات رژیم

صهیونیستی و همسایگان عرب را تقویت کرد که بخشی از روند صلح اسلو بین رژیم صهیونیستی و سازمان آزادی‌بخش فلسطین و پیمان صلح بین اردن و اسرائیل (۱۹۹۴) را به ارمغان آورد. در آن زمان به موازات ظهور گفتمان نظم نوین جهانی در نظام بین‌الملل مفهوم «خاورمیانه جدید» اهمیت یافت که دارای دو ستون بود: تحقق صلح اعراب و رژیم صهیونیستی و امنیت جریان نفت از غرب آسیا. در این زمینه روند صلح و مهار دو گانه در دهه ۱۹۹۰ مطرح شد. با این حال در پایان این دهه، سیاست مهار دو گانه کاهش یافت و فرایند صلح خاورمیانه متوقف شد. تلاش‌های آمریکا برای شکل‌دهی به غرب آسیا در دوره‌های بعد نیز ادامه داشت. نمونه قابل توجه این تلاش، طرح «خاورمیانه بزرگ» است. پس از حملات ۱۱ سپتامبر، آمریکا و متحدانش به این نتیجه رسیدند که دلیل اصلی افزایش رادیکالیسم در غرب آسیا عقب‌ماندگی منطقه و نبود دموکراسی است. آن‌ها تصمیم گرفتند به منظور تغییر شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به اصلاحات سیاسی و اقتصادی در جامعه بپردازند. به این منظور جورج دبلیو بوش از هر دو ابزار نظامی و قدرت نرم آمریکا استفاده کرد؛ بنابراین آمریکا باید همواره منافع خود را در اولویت قرار دهد و به مداخله نظامی در هر زمان و هر کجا که ضروری است بپردازد (Sinkaya, 2016, p. 15).

آمریکا تلاش کرد در قالب طرح خاورمیانه بزرگ به دموکراتیزه کردن منطقه بپردازد؛ بنابراین سیاست محافظه کارانه آمریکا در غرب آسیا با رویکردی جدید مبتنی بر دموکراسی لیبرال و اقتصاد بازار آزاد در منطقه جایگزین شد. در زمان اوپاما تمرکز سیاست خارجی به سمت آسیا-پاسیفیک علیه چین به عنوان ابرقدرت جدید سازمان‌دهی شد. استراتژی حاکم بر منطقه، پر کردن شکاف نبود آمریکا به وسیله عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی بود (Eksi, 2017, p. 149).

باراک اوپاما مفهوم «محور آسیا» را مطرح کرد که سیاست خارجی آمریکا را به سمت شرق آسیا تغییر دهد. در نتیجه اهمیت منطقه منا (خاورمیانه و شمال آفریقا) در سیاست اقتصادی و خارجی آمریکا کاهش یافت؛ اما انتخاب ترامپ (۲۰۱۶) موجب بازگشت آمریکا به رویکرد مداخله‌گرایانه در غرب آسیا شد. در طول مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری، دونالد ترامپ «دوباره آمریکایی بزرگ» را وعده داد که آن را از مسئولیت رهبری جهان آزاد خواهد کرد و مشارکت و سرمایه‌گذاری در سراسر جهان را کاهش می‌دهد. او گفت که سفارت آمریکا را از تل‌آویو به اورشلیم انتقال می‌دهد و توافق هسته‌ای با ایران را پاره خواهد کرد و گفت ایران باید به خاطر «احمقانه‌ترین معامله قرن» نامه تشکر بنویسد. ترامپ به میزان زیادی کمک نظامی به رژیم

صهیونیستی را افزایش داد و با فروش عظیم تسلیحات به عربستان و بحرین موافقت کرد و عملیات نظامی آمریکا در عراق، سوریه، یمن و سومالی را گسترش داد (Sedghi, 2017, p. 82). ترامپ در سیاست خود در غرب آسیا قصد داشت رژیم صهیونیستی و عربستان را تقویت و ایران را منزوی کند (Goll et al, 2019, p. 5).

۲-۶. فدراسیون روسیه

ظرفیت‌های روسیه با بیشترین وسعت و هفتمین جمعیت جهان، بزرگ‌ترین ذخایر گازی، تولیدکننده بزرگ نفت، دومین قدرت اتمی جهان و توان نظامی بالا، عضویت دائم در شورای امنیت و دارای حق وتو، عضویت در سازمان شانگهای و بریکس و عرض‌اندام در بحران سوریه و اوکراین این قابلیت را به روسیه داده تا بتواند در راستای دنیای چندقطبی گام بردارد (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۷۴). سیاست خارجی روسیه در منطقه غرب آسیا تاریخی طولانی دارد که به عصر امپراتوری برمی‌گردد. برای بیش از دو‌یست سال هدف اصلی سیاست خارجی روسیه این بود که امپراتوری عثمانی را از منطقه بالکان و دریای سیاه عقب براند. ایران به منطقه تحت نفوذ روسیه و انگلیس تقسیم شد. ورود روسیه به جنگ جهانی اول عمدتاً به دلیل ادعاهایش برای قسطنطنیه و تنگه‌های بسفر و داردانل بود. اتحاد جماهیر شوروی نیز به مداخله فعال در تحولات سیاسی غرب آسیا ادامه داد (Csicsmann, 2017, p. 9).

روسیه در قرن بیست و یکم پس از بی‌ثباتی و هرج مرج دهه ۱۹۹۰ ناشی از فروپاشی نظام دوقطبی دوباره احیا شد و گام‌های قبلی خود را در زمینه توسعه نفوذ در غرب آسیا مورد بازبینی قرار داد (Poti, 2018, pp. 2-5). از سال ۲۰۰۵ روسیه به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای بر حضور خود در غرب آسیا افزوده است. از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ پوتین از مصر، رژیم صهیونیستی، عربستان، اردن، قطر، ترکیه، ایران و امارات متحده عربی بازدید کرد و عضویت ناظر در «سازمان همکاری اسلامی» را به دست آورد. این دیدارها کاملاً در تضاد با سکون نسبی رئیس‌جمهور سابق بوریس یلتسین بود که هیچ سفر رسمی به منطقه انجام نداد. این دیدارها افزایش مشارکت روسیه در مذاکرات منطقه‌ای فرایند صلح خاورمیانه، مذاکرات ۱+۵ با ایران و پیگیری منافع تجاری و اقتصادی روسیه را به همراه داشت. با تأمین حمایت مستقیم هوایی از عملیات نظامی سوریه در سپتامبر ۲۰۱۵ روسیه به اسد کمک کرد تا حکومت خود را حفظ کند و کنترل شهر حلب را به دست آورد. این مداخله در تضاد با اولویت سنتی روسیه برای جلوگیری از مداخله مستقیم است. امروز موضع رسمی مسکو نقش منحصر به فردی در حل اختلافات غرب آسیاست. ولادیمیر پوتین تلاش می‌کند که سیاست خارجی روسیه در غرب آسیا را به‌عنوان «بازیگر

جهانی مسئول» ارائه دهد (Csicsmann, 2017, pp. 8-9). اکنون روسیه موقعیت خود را به عنوان بازیگر کلیدی خارجی در منطقه حفظ کرده است و در هر گونه ترتیباتی در ارتباط با امنیت منطقه، یک شرکت کننده حتمی است. مسکو در روابط دوجانبه خود با رهبران منطقه از جمله ایران، ترکیه و مصر سرمایه گذاری زیادی کرده است (Kortunov, 2019).

۳-۶. چین

از زمان جنگ عراق (۲۰۰۳) چین حضور خود را در خلیج فارس افزایش داده است. افزایش تقاضا برای انرژی، راهبرد چین در غرب آسیاست. از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳ واردات نفت خام چین از کشورهای عربی هر سال ۱۲ درصد افزایش یافته است. از سال ۲۰۱۴ چین دومین شریک تجاری جهان عرب و اولین شریک تجاری ۹ کشور عربی است (Kausch, 2014, p. 5). شی جین پینگ در سال ۲۰۱۳ با راه اندازی «یک جاده یک کمربند» (مفهوم راه ابریشم جدید) در نقشه راهبردی پکن ظاهر شد. این طرح، چهارچوبی فراهم کرد که از دیدگاه چین وابستگی کشور به تولید نفت غرب آسیا در آینده نزدیک می تواند حتی بالاتر رود. ۵۵ درصد انرژی چین از غرب آسیا وارد می شود. امنیت انرژی همچنان یک نگرانی پایدار برای پکن است (McLaughlin, 2015, p. 5).

با توجه به اولویت مسائل اقتصادی در سیاست خارجی چین باید به این امر توجه کرد که ثبات سیاسی برای رشد و همکاری اقتصادی در منطقه کلیدی است. در ژانویه ۲۰۱۶ چین «سند سیاست عربی» را منتشر کرد که طبق آن، چین تمایل دارد که همکاری عمل گرا با سود متقابل و پیروزی برد-برد با کشورهای عربی داشته باشد. نقش و جایگاه چین در صحنه سیاست بین الملل و منطقه غرب آسیا در سال های اخیر به گونه ای چشمگیر ارتقا یافته است. با عنایت به نقش آفرینی چین در بحران های اخیر (به ویژه سوریه) می توان مدعی شد که نقش این کشور اکنون یکی از متغیرهای مهم شکل دهنده به تحولات غرب آسیا است و بدون تحلیل مواضع آن نمی توان تبیین دقیقی در مورد دگرگونی های منطقه ارائه داد. چین در منطقه غرب آسیا منافع اقتصادی و ژئوپلیتیکی مهمی را پیگیری می کند و همین منافع منطق رفتار سیاست خارجی این کشور را در قبال بحران های غرب آسیا شکل داده است (جعفری ولدانی و رحمتی پور، ۱۳۹۲، ص. ۱۶۴). مطابق آمارها، حضور چین در سرمایه گذاری، زیرساخت ها، تجارت، اجرای پروژه های بزرگ و قدرت نرم در غرب آسیا در سال های اخیر چندین برابر شده است (Kortunov, 2019). در واقع در خارج از منطقه آسیا-پاسفیک غرب آسیا مهم ترین منطقه برای چین است (Wormuth, 2019, p. 4).

۷. مهم‌ترین بازیگران دولتی منطقه‌ای تأثیرگذار در غرب آسیا

برای تعیین ساختارهای ژئوپلیتیکی در منطقه غرب آسیا باید به تعیین و مقایسه وزن ژئوپلیتیکی کشورها پرداخته شود. کشورهایی که از وزن ژئوپلیتیکی بالاتری برخوردار باشند، در بخش مرکزی قرار گرفته‌اند و در تعیین ساختار نظام قدرت تعیین‌کننده‌تر هستند. با مطالعه آثار و تحقیقاتی که به سنجش شاخص‌ها و مؤلفه‌های قدرت ملی کشورهای غرب آسیا از ابعاد مختلف نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی ایدئولوژیک می‌پردازد، این نتیجه حاصل می‌شود که ایران، ترکیه و عربستان وزن ژئوپلیتیکی بالاتری در منطقه دارند. لذا در شکل‌دهی به ساختار نظام قدرت منطقه تأثیر بالاتری نسبت به سایر کشورهای منطقه غرب آسیا دارند؛ بنابراین در حال حاضر ساختار نظام قدرت در منطقه غرب آسیا از بعد مادی و بر اساس نوع توزیع قدرت میان بازیگران چندقطبی است. در منطقه غرب آسیا هیچ‌کدام از قدرت‌های منطقه‌ای نتوانستند به برتری نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک دست یابند. ایران الگوی نظم انقلابی، عربستان سعودی الگوی نظم سلفی و ترکیه الگوی نظم اخوانی را مدنظر دارند (دهشیری و شاه مرادی، ۱۳۹۹، ص. ۷۹).

۷-۱. عربستان سعودی

عربستان محل تولد اسلام و دارای دو مکان مقدس مکه و مدینه است (Rbin, 2010, p. 10). از زمان تأسیس، قدرت در این کشور بر دو ستون قرار گرفته است: اول سلطنت که در دست خانواده آل سعود است و از عبدالعزیز بن سعود که عربستان مدرن را در سال ۱۹۳۲ تأسیس کرد به فرزندان او منتقل شد. دوم استقرار مذهب وهابی که از اواسط قرن ۱۸ مشروعیت بخشی مذهبی پروژه سیاسی آل سعود را بر عهده دارد و کنترل زیادی بر جامعه عربستان دارد. عربستان در دهه ۱۹۴۰ زمانی که درآمدهای نفت جاری شد، طرح خود را به عنوان یک قدرت منطقه‌ای آغاز کرد. در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ عربستان از مهم‌ترین بازیگران جنگ سرد عرب بود و سلطنت‌طلبان سنتی و جمهوری‌های سوسیالیستی عربی را مقابل هم قرار داد. گروه اول را فیصل بن عبدالعزیز آل سعود و گروه دوم را جمال عبدالناصر رهبری می‌کرد. قدرت و نفوذ پادشاهی عربستان پس از بحران نفتی ۱۹۷۳ که قیمت نفت چهار برابر شد، بسیار افزایش یافت. ثروت چشمگیر برای مدرنیزه کردن کشور، بهبود سطح زندگی شهروندان و گسترش روابط در سطح بین‌الملل مورد استفاده قرار گرفت (Antepazo, 2015, pp. 2-3). عربستان بیش از نیم قرن است که یکی از بازیگران اصلی در غرب آسیا و از متحدان وفادار به غرب است؛ در این زمینه می‌توان به دو دلیل اصلی اشاره کرد: از دیدگاه اقتصادی

عربستان حدود یک‌پنجم ذخایر اثبات‌شده نفت جهان را دارد. از نظر سیاسی محافظه‌کاری عربستان، آن را به شریک مهمی در برابر نمایندگان ایدئولوژی‌های ضد غربی پان‌عربیسیم و کمونیسم تبدیل کرده است. در جهان اسلام، سلفی‌ها به دلیل تأکید بر اجتناب از سیاست و پذیرش ضمنی وضع موجود به‌وسیله رژیم‌های سکولار مورد مدارا و پذیرش قرار گرفته‌اند. آن‌ها به‌عنوان جایگزینی جذاب برای اسلام سیاسی اخوان المسلمین و سایر اسلام‌گرایان که خواستار نابودی وضعیت موجود هستند مورد توجه قرار گرفته‌اند. در سال‌های اخیر عربستان تلاش کرده است تا جایگاه خود را به‌عنوان ابرقدرت منطقه‌ای تحکیم بخشد. در سال ۲۰۱۱ نیروهای سعودی از پل بحرین عبور کردند تا به مقامات دولتی برای مقابله با جنبش‌های طرفدار دموکراسی که اکثریت شیعیان آن را ایجاد کرده بودند، به‌عنوان شورش حمایت شده به‌وسیله ایران کمک کنند و عملیات طوفان صحرا را علیه شورشیان الحوثی در یمن آغاز کنند (Antepazo, 2015, pp. 3-5).

انتخاب ترامپ، عربستان را برای تغییر شکل دادن به منطقه از طریق مداخله و گسترش نفوذ در یمن، عراق، لبنان، فلسطین و دیگر نقاط و همچنین توسعه همکاری راهبردی نزدیک‌تر با رژیم صهیونیستی ترغیب کرد. ملک سلمان که در ژانویه سال ۲۰۱۵ در عربستان بر تخت سلطنت نشست، سیاست خشونت‌آمیز را دنبال کرد و عملیات یمن را که یک نمایش واضح از جاه‌طلبی آن برای تبدیل به هژمونی منطقه است شروع کرد (Eksi, 2017, p. 134). عربستان بزرگ‌ترین خریدار سلاح در غرب آسیاست. در سال ۲۰۱۷ عربستان ۵۱ میلیارد دلار یا ۲۱ درصد بودجه خود را به هزینه‌های نظامی اختصاص داده است (Sedghi, 2017, p. 87). با بودجه دفاعی سالانه حدود ۴۵ میلیارد دلار عربستان سعودی تنها کشوری است که بیش از ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی خود را به دفاع اختصاص داده است (Ehteshami, 2014, p. 42).

۲-۷. ترکیه

ترکیه تا اوایل دهه ۲۰۰۰ در نظام منطقه غرب آسیا نقش محدودی ایفا کرد تا زمانی که سیاست خارجی آن شروع به تمرکز بیشتر بر مسلمانان و جهان عرب کرد؛ این رویکرد ترکیه را قادر ساخت تا با کشورهای عربی غرب آسیا بهتر ارتباط برقرار کند. تحت رهبری حزب عدالت و توسعه (۲۰۰۳) ترکیه پس از جنگ سرد مجموعه‌ای از هنجارها را برای سازمان‌دهی نظام منطقه‌ای غرب آسیا بیان کرد. فرمول مشکل صفر مبتنی بر عمق راهبردی ترکیه نشان می‌دهد ترکیه چگونه می‌تواند نقش مهمی در نظم منطقه غرب آسیا ایفا کند. قدرت اقتصادی، اعتبار دموکراتیک، روابط سیاسی با قدرت‌های بزرگ و پیوند فرهنگی و تاریخی با منطقه عرب از

شاخصه‌های اهمیت کشور ترکیه است. همان‌طور که ترکیه خود را به‌عنوان متحد به رژیم‌های جدید در منطقه معرفی می‌کند، بسیاری در منطقه و غرب ترکیه را به‌عنوان مدل مطلوب برای کشورهای عربی بعد از انقلاب معرفی می‌کنند؛ برای مثال پس از ۱۱ سپتامبر جورج دبلیو بوش، ترکیه را به‌عنوان نماد اسلام میانه‌رو و مدل دموکراسی برای غرب آسیا معرفی کرد. همچنین باراک اوباما به ترکیه به‌عنوان الگویی برای اسلام‌گرایان برای حرکت به سمت دموکراسی از رژیم‌های سابق دیکتاتوری پس از بیداری اسلامی اشاره کرد. از زمان افزایش قدرت حزب عدالت و توسعه تحت رهبری رجب طیب اردوغان، ترکیه مجموعه‌ای از سیاست‌ها را با هدف بالا بردن وضعیت قدرت جهانی به تصویب رسانده است. به گفته اردوغان ترکیه می‌تواند نقش جهانی بازی کند. او در مورد اهداف سیاست خارجی ترکیه نوشت: این اهداف به‌منظور ایجاد ترکیه معتبر و با مسئولیت است که بتواند سهم اصلی خود را در جامعه جهانی ایفا کند.

برای رسیدن به این هدف، ترکیه باید در همه زمینه‌ها پیشرفت کند، به همه مسائل مربوط به ثبات جهانی علاقه‌مند باشد و در این زمینه مشارکت کند. این تلاش جمعی، ترکیه را بازیگر جهانی این قرن خواهد کرد. اقدامات ترکیه با حس مسئولیت از طریق میراث تاریخی و جغرافیایی غنی و با آگاهی از اهمیت صلح و ثبات جهانی صورت می‌گیرد. در چهارچوب این تفکر، ترکیه سیاست‌هایی را مطرح کرده است که بیانگر جاه‌طلبی‌های نئوعثمانی است که پیامد اصلی آن چرخش ترکیه به سمت غرب آسیاست. ترکیه به تدریج تلاش دارد تا به‌عنوان رهبر مسلمانان منطقه و جهان ظاهر شود. ترکیه ابتدا رابطه خود را با رژیم صهیونیستی قطع کرد و تصویری از حامی فلسطینی‌ها طراحی کرد و سپس از افزایش قدرت اخوان المسلمین در مصر و ریاست جمهوری مرسى حمایت کرد (Kouskouvelis, 2017, pp. 81-83).

۸. جایگاه ژئوپلیتیکی ایران در غرب آسیا

نفوذ ایران در حوزه‌های مختلف ژئوپلیتیکی در غرب آسیا در حال گسترش است. ویژگی نظام‌مند و چندگانه نفوذ ایران و همکاری با عراق، سوریه و لبنان ایران را به تنها کشور منطقه تبدیل کرده است که دارای چنین فعالیت‌های متنوعی است. می‌توان فعالیت فعلی ایران را تلاش برای ایجاد یک «محور» دانست (Venetis, 2011, p. 37). این محور با عنوان «محور مقاومت» متشکل از بازیگران دولتی و غیردولتی ایران، سوریه، حزب‌الله لبنان، گروه‌های مقاومت در عراق، حوثی‌های یمن، جنبش صابرین، جنبش جهاد اسلامی و حماس در

فلسطین است. اصول مشترک ائتلاف محور مقاومت این است که نیازی به حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای به‌ویژه آمریکا در منطقه نیست و حضور آن‌ها مولد ناامنی است؛ بازیگران منطقه‌ای با همکاری یکدیگر قادر به تأمین امنیت هستند؛ رژیم صهیونیستی نامشروع و ساخته‌ استکبار در منطقه است (آدمی و رضایی، ۱۳۹۵، ص. ۸۱).

۹. گره‌های شبکه‌ای در غرب آسیا

اصولاً در هر سیستمی، مناطقی وجود دارد که در موقعیت پیوندی می‌باشند. وجهه مشخص مناطق پیوندی حساسیت بسیار زیاد قطب‌های قدرت نسبت به این مناطق است؛ بنابراین در گره‌های پیوندی بازیگران منطقه‌ای برای کسب و گسترش حوزه نفوذ خود در رقابت‌اند و قدرت‌های فرامنطقه‌ای نیز نسبت به کنترل نظم آن بسیار حساس‌اند. ایران نیز به‌عنوان یکی از قطب‌های قدرت در غرب آسیا با سایر قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در گره‌های پیوندی مختلف در رقابت است (قاسمی و فرجی، ۱۳۹۷، ص. ۱۳۱). این تجزیه و تحلیل بر سه کشور عراق، سوریه و لبنان متمرکز است. این به علت درجه بالای نفوذ ایران در این کشورها و ماهیت ویژه ژئوپلیتیکی و راهبردی این مناطق برای امنیت غرب آسیاست.

۹-۱. عراق

عراق دارای موقعیت جغرافیایی و سیاسی مهمی در منطقه غرب آسیاست. همسایگی با سه قطب قدرت منطقه یعنی ایران، عربستان و ترکیه و رقابت بین این سه قطب در کسب برتری راهبردی در منطقه، عراق را به یک گره پیوندی در غرب آسیا تبدیل کرده است. امروزه عراق از عوامل اصلی نفوذ سیاسی ایران در غرب آسیاست. اگرچه عراق یک دولت عربی است و دو کشور در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ با یکدیگر جنگیدند، امروز روابط ایران و عراق از بهترین روابطی است که تاکنون داشته‌اند. دلیل این تغییر، سقوط حکومت صدام در نتیجه حمله آمریکا (۲۰۰۳) است که تعادل قدرت سیاسی را در عراق تغییر داد. زمانی که عراق از یک عامل تهدیدکننده ایران به یکی از متحدانش تبدیل شد، نقش شیعیان در تغییرات سیاسی و قدرت منطقه‌ای تقویت شد. در نتیجه نقش ایران و تأثیرات آن افزایش یافت و ثبات بیشتری در رقابت‌های منطقه‌ای به دست آورد. پس از این مسلمانان فراموش شده این کشور به یکی از مهم‌ترین نیروهای تأثیرگذار در مسائل منطقه تبدیل شدند (Salavatian et al, 2015, p. 145). انتخاب شیعیان به‌عنوان حزب حاکم در انتخابات سال ۲۰۰۶ از طرف سایر کشورهای عربی مورد استقبال قرار نگرفت. نخست‌وزیری ابراهیم جعفری و نوری المالکی در اتحادیه

عرب به سردی پذیرفته شد و روابط بین عراق و دولت‌های عربی در سطح روابط قبل از سال ۲۰۰۳ بازسازی نشد. در دوران حکومت صدام حسین به‌ویژه پس از جنگ ایران و عراق، اکثر اعضای سیاسی فعلی شیعه در عراق (خانواده‌های حکیم و صدر) بیشتر وقت خود را در تبعید در ایران گذراندند و در حال حاضر رابطه نزدیکی با تهران دارند. در نتیجه رهبران عرب، عراق تحت حکومت شیعیان را با احتیاط و سوءظن می‌نگرند (Venetis, 2011, p. 14).

۲-۹. سوریه

از مهم‌ترین گره‌های پیوندی شبکه غرب آسیا سوریه است. موقعیت ژئوپلیتیک سوریه منجر به رقابت بین بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در این کشور شده است. به طور کلی واقع شدن سوریه بین ترکیه، عراق، لبنان و اردن و با توجه به اهمیت این کشور برای ایران در محور مقاومت و رقابت بین ایران و عربستان برای دستیابی به موقعیت منطقه‌ای و برتری راهبردی و همچنین اهمیت این کشور برای بازیگران فرامنطقه‌ای مانند چین و روسیه برای رقابت با آمریکا، این کشور را به یک گره پیوندی مهم در غرب آسیا تبدیل کرده است (قاسمی و فرجی، ۱۳۹۷، ص. ۱۲۵). امروزه اتحاد ایران و سوریه از پایاترین و بادوام‌ترین اتحادها در غرب آسیاست. این امر از این واقعیت ناشی می‌شود که دو کشور دارای منافع بلندمدت مشترک هستند. پایتخت سوریه، دمشق، تنها یک ساعت با مرز لبنان و ارتفاعات جولان فاصله دارد. در طول جنگ ایران و عراق، سوریه از ایران طرفداری کرد. ایران و سوریه از آن زمان به‌ویژه به دلیل خصومت مشترک با صدام حسین و نیز مذهب شیعه دولت اسد با هم اتحاد راهبردی داشته‌اند. ایران در ایجاد جبهه مشترک متحد با سوریه علیه رژیم صهیونیستی موفق بوده است. این واقعیت که ایران، سوریه را پلی بین لبنان و فلسطین می‌بیند، در این موضوع انعکاس یافته است که سوریه سال‌ها پناهگاهی برای حزب‌الله و حماس فراهم کرده است.

رهبر حزب‌الله، سید حسن نصرالله و رهبر حماس، خالد مشعل، دیدارهای مکرر خود را در دمشق برگزار کرده‌اند. حمایت از سازمان‌های ضد رژیم صهیونیستی محور اصلی رابطه دوجانبه سوریه-تهران است. تهران و دمشق یک توافق بلندمدت برای حمایت از حزب‌الله در لبنان دارند که منافع متقابل آن‌ها را تأمین می‌کند. برای ایران، حزب‌الله نوک پیکان جنگ علیه رژیم صهیونیستی است و برای سوریه، حزب‌الله بهترین شریک اسد برای حفظ ثبات در صحنه سیاسی داخلی لبنان، پس از خروج نیروهای سوریه در سال ۲۰۰۵ است؛ بنابراین حزب‌الله به کاتالیزور همکاری راهبردی سوریه و ایران در لبنان تبدیل شده است (Venetis, 2011, pp. 18-20). سرنوشت جنگ سوریه نقطه عطفی در تعیین شاکله کلی نظم منطقه به

شمار می‌رود. معادلات قدرت در سوریه به زیان ائتلاف آمریکا، رژیم صهیونیستی و عربستان و به سود محور مقاومت رقم خورد (Harrison, 2018, p. 8).

۳-۹. لبنان

لبنان گره دیگری در منطقه است. لبنان از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۰ درگیر جنگ داخلی بود. بعد از خاتمه جنگ، این کشور تبدیل به یک کشور نفوذپذیر ضعیف به وسیله بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی مانند سوریه، ایران، آمریکا، رژیم صهیونیستی و عربستان گردید. لبنان از شمال و شرق با سوریه، از غرب با دریای مدیترانه و از جنوب با فلسطین هم‌مرز است. همجواری لبنان با فلسطین با توجه به حمایت آمریکا از رژیم صهیونیستی و حمایت ایران از شیعیان منطقه، این کشور را به یک گره پیوندی در غرب آسیا تبدیل کرده است (قاسمی و فرجی، ۱۳۹۷، ص. ۱۲۶).

ایران همواره به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی، لبنان را به‌عنوان متحد راهبردی خود در نظر گرفته است. برای دولت ایران حزب‌الله نوک حمله جنگ علیه رژیم صهیونیستی است. لبنان دارای اهمیت راهبردی زیادی برای ایران به دلایل اصلی زیر است: مرز با فلسطین، خصومت نسبت به رژیم صهیونیستی و اقلیت شیعه لبنان زمینه دسترسی ایران به مدیترانه را برای اهداف اقتصادی و ژئوپلیتیکی گوناگون فراهم می‌کند. روابط دوجانبه ایران و لبنان از زمان انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ تاکنون بسیار مناسب بوده است. امام خمینی و روحانیون شیعه ایران، جمعیت شیعه لبنان را شریکی حیاتی در راستای تلاش برای صدور پیام انقلاب اسلامی در لبنان و منطقه می‌دانند؛ بنابراین تهران از شیعیان لبنان و تأسیس حزب‌الله در سال ۱۹۸۲ حمایت کرد. شکل‌گیری حزب‌الله در پاسخ به حمله رژیم صهیونیستی به لبنان رخ داد که تهران حدود دو هزار نفر از نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را برای کمک به نیروهای دفاعی و ارائه خدمات پزشکی به مردم در لبنان مستقر کرد. ایجاد حزب‌الله شروع همکاری نظامی و سیاسی نزدیک بین ایران و شیعیان لبنان و بخشی از گروه‌های سیاسی غیرمسلمانان لبنان است. خروج رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۰ از جنوب لبنان، اعتبار حزب‌الله در لبنان را تقویت کرد و این سازمان به قدرت سیاسی فعال به‌ویژه پس از جنگ سال ۲۰۰۶ تبدیل شد. همچنین این گروه قدرت سیاسی قابل توجهی در لبنان به دست آورد و حدود ۱۰ درصد از کرسی‌های پارلمان را در انتخابات ۲۰۰۵ به دست آورد (Venetis, 2011, p. 21). جمهوری اسلامی ایران بیش از سه دهه از حزب‌الله به‌عنوان عامل بازدارنده در برابر ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی استفاده کرده و نمادی از صدور انقلاب اسلامی ایران است. از اوایل سال

۲۰۱۳ حزب‌الله برای تأمین بقای اسد در سوریه مبارزه می‌کند. مشارکت حزب‌الله در سوریه آن را به بازیگر منطقه‌ای فراتر از قلمروی سنتی خود تبدیل کرد (Kausch, 2017, p. 5).

نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد تا با استفاده از چهارچوب نظری ساختار-کارگزار تجزیه و تحلیلی از جایگاه ژئوپلیتیکی ایران در غرب آسیا ارائه شود. ایران اکنون در وضعیت مناسبی از بُعد ژئوپلیتیکی قرار دارد و تلاش می‌کند در راستای سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ به «دولت تأثیرگذار در منطقه قدرتمند» تبدیل شود. امروز ایران تأثیرگذارترین بازیگر در عراق است، رابطه نزدیکی با دولت بغداد دارد، از شبه‌نظامیان شیعی حمایت می‌کند و با داعش مبارزه می‌کند. نماینده آن حزب‌الله نیروی مؤثری در لبنان است. حمایت ایران برای حفظ حکومت اسد در دمشق موفقیت‌آمیز بوده است. همچنین رابطه تهران با جنبش الحوثی یمن برقرار است. در مقابل تلاش دیگر قدرت‌های منطقه‌ای برای به چالش کشیدن دستاوردهای ایران تا حد زیادی شکست خورده است؛ از جمله حمایت ترکیه و عربستان از مخالفان سوریه، تأمین مالی عربستان به ائتلاف ۱۴ مارس در لبنان، کمک نظامی به دولت لبنان یا تلاش‌های عربستان برای به چالش کشیدن نفوذ ایران در عراق؛ اما در کنار این فرصت‌های منطقه‌ای، ایران با محدودیت‌ها و خطرات متعددی مانند تنش با عربستان، مداخلات قدرت‌های بزرگ به‌ویژه آمریکا در منطقه، رقابت‌های فرقه‌ای و ایدئولوژیک، رژیم صهیونیستی، رشد ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی، تروریسم، رقابت تسلیحاتی، بحران‌های زیست‌محیطی و مشکلات اقتصادی مواجه است؛ بنابراین جمهوری اسلامی ایران برای بسط موقعیت و نفوذ ژئوپلیتیکی خود در منطقه باید به روندهای منفی تأثیرگذار بر حال و آینده جایگاه ژئوپلیتیکی خود در منطقه توجه و برای رفع این خطرات یا حداقل کاهش تأثیرات منفی آن به ارائه راهبرد بپردازد.

۱۴۴

ایران برای گسترش میزان قدرت و نفوذ ژئوپلیتیکی خود نیازمند تنش‌زدایی و گسترش مناسبات خود در سطح منطقه به‌ویژه بهبود رابطه با عربستان است. این امر زمینه را برای تعامل سازنده با سایر کشورهای منطقه، مقابله با منزوی‌سازی و محدودسازی ایران و کاهش میزان دخالت بازیگران خارجی به‌ویژه ایالات متحده آمریکا را در منطقه فراهم می‌کند. آمریکا مانع اصلی تعامل سازنده ایران با کشورهای منطقه است. با بهبود رابطه با عربستان و سایر کشورهای منطقه از طریق افزایش همکاری‌های تجاری و اقتصادی و توجه به اشتراکات فرهنگی و دینی زمینه برای اجبار آمریکا به کاهش مداخله در غرب آسیا

فراهم می‌شود و می‌توان شاهد بسترسازی برای ایجاد یک نظام امنیت بومی با مشارکت تمامی کشورهای منطقه بود.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: نویسنده به تنهایی در آماده‌سازی مقاله نقش داشته است.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسنده در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسنده حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

- آدمی، علی و رضایی، نیما (۱۳۹۵). ماهیت و ابعاد رژیم ضمنی غیررسمی امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا. پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۶(۴)، ۸۹-۶۱.

<https://priw.ir/article-1-393-fa.html>

- افشردی، محمدحسین و مدنی، سید مصطفی (۱۳۸۸). ساختار نظام قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه (با تأکید بر کشورهای برتر منطقه). فصلنامه مدرس علوم انسانی، ۱۳(۲)، ۱۴۲-۱۱۳.

<https://hsm.spm.modares.ac.ir/article-21-10809-fa.html>

- برزگر، کیهان (۱۳۹۴). تحولات عربی، ایران و خاورمیانه. تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، چاپ اول.

- بیگزضایی، مجید و حیدری فر، محمد رئوف (۱۳۹۵). ژئوپلیتیک و بازیگری قدرت‌های

۱۴۵

جهانی و منطقه‌ای در غرب آسیا. فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، ۵(۹)، ۸۴-۶۶

dor: 20.1001.1.23225645.1395.5.9.3.4

- جعفری، علی اکبر و ذوالفقاری، وحید (۱۳۹۶). خاورمیانه و امنیت بین‌الملل قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی. دانشگاه مازندران.

- جعفری ولدانی، اصغر و رحمتی پور، لیلا (۱۳۹۲). فرهنگ استراتژیک و الگوی رفتاری چین در مدیریت بحران‌های بین‌المللی (مطالعه موردی: بحران سوریه). پژوهش‌های راهبردی

سیاست، ۲(۶)، ۱۹۳-۱۶۳. https://qpss.atu.ac.ir/article_2256.html

- حاجی یوسفی، امیرمحمد و محمدیان، محمد (۱۳۹۰). جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی

ایران در دهه اول قرن بیست و یکم. فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱(۲)، ۷۲-۳۳.

https://www.iisajournals.ir/article_41889.html

- خرمشاد، محمدباقر، مرادخانی، حمید (۱۳۹۴). بررسی جایگاه قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران براساس الگوی سوات، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، ۹ (۳۳)، ۲۶ - ۳. https://www.rahyaftjournal.ir/article_52157.html
- دهشیری، محمدرضا و شاه‌مرادی، حسین (۱۳۹۹). عوامل تعیین‌کننده در نظم امنیتی غرب آسیا براساس نظریه موازنه همه‌جانبه. فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، ۱۳(۱)، ۷۵-۱۰۸. <https://sanad.iau.ir/Journal/prb/Article/1066473>
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و احمدی لفورکی، بهزاد (به اهتمام) (۱۳۹۷). مجموعه مقالات دومین کنفرانس امنیتی تهران: روندهای تسلیحاتی و امنیت منطقه‌ای در غرب آسیا. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- صالحی، حمید (۱۳۹۱). بیداری اسلامی و تکوین نظم نوین منطقه‌ای در خاورمیانه. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۵(۵۵)، ۷۹-۱۰۲. [doi: 20.1001.1.17350727.1391.15.55.4.1](https://doi.org/10.17350/201001.1.17350727.1391.15.55.4.1)
- صبوری، ضیاء‌الدین و صالحیان، تاج‌الدین (۱۳۹۴). آینده‌بینی منازعه خاورمیانه و تغییر در توازن قدرت منطقه‌ای ایران و ترکیه. فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۵(۱۷)، ۱۰۵-۱۳۸. https://www.iisajournals.ir/article_41992.html
- عیوضی، محمدرحیم، آفتابی‌مایان، بهروز (۱۳۹۶). چشم‌انداز روابط سیاسی قدرت‌های منطقه‌ای جهان اسلام (ایران، عربستان، مصر و ترکیه). تبریز: نشر فروزش.
- قاسمی، فرهاد و فرجی، محمدرضا (۱۳۹۷). نظریه پیچیدگی و سیاست خارجی: راهبردهای ایران در غرب آسیا. پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، ۷(۱)، ۱۱۳-۱۳۸. <https://doi.org/10.22067/jipr.v7i1.67730>
- قدسی، امیر (۱۳۹۲). تحولات ژئوپلیتیک خاورمیانه و تقابل استراتژی‌ها. مطالعات بیداری اسلامی، ۱، ۱۶۹-۱۵۳. <https://ensani.ir/fa/article/337081>
- قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۸). مفهوم و ماهیت قدرت منطقه‌ای. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۲(۴)، ۳۷-۶۶. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.17350727.1388.12.46.2.0>
- کریمی، غلامرضا و صفی‌نژاد، ابوالحسن (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی الگوهای نوین هویتی در منطقه غرب آسیا. فصلنامه علمی مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۱(۳۶)، ۱۱۱-۱۳۰. <https://enghelab.maaref.ac.ir/article-1-1104-fa.html>
- یاسوری، مجید و سجودی، مریم (۱۳۹۵). نقش و جایگاه ایران در آسیای غربی و جنوب غربی. فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، ۴(۱۳)، ۱۶۹-۲۰۳. <https://ensani.ir/fa/article/356562>

- یزدانی، عنایت‌الله، طالعی حور، رهبر و بهرامی، رستم (۱۳۹۶). نقش روسیه و چین در گذار نظام بین‌الملل از تک‌قطبی به چندقطبی. فصلنامه مطالعات سیاسی، ۳۶(۹)، ۶۵-۹۰.

<https://www.magiran.com/paper/1778500>

- Csicsmann, L. & others. (2017). The MENA Region in Global Order: Actors, Contentious Issue and Integration Dynamics. *MENARA* (4). <https://www.iai.it/en/publicazioni/mena-region-global-order>

- Ehteshami, A. (2014). Middle East Middle Powers: Regional Role, International Impact. *Uluslararası İlişkiler*, Volume 11 (42). <https://www.jstor.org/stable/43925850>

- EKŞİ, M. (2017). Regional Hegemony Quests in the Middle East from the Balance of Power System to the Balance of Proxy Wars: Turkey as Balancing Power for the Iran - Saudi Rivalry. *Akademik Bakış*, Volume 11 (21). <https://dergipark.org.tr/en/pub/gav/issue/34361/379597>

- Goll, E & others (2019). Imagining Future(s) for the Middle East and North Africa. *MENARA Final Report*, No.2.

Harrison, R. (2018). Shifts in the Middle East Balance of Power: An Historical Perspective. Reports, Aljazeera Centre for Studies, Available at <http://studies.aljazeera.net>

- Ilecha, E. S. & others.(2016). Re-conceptualizing orders in the Mena Region, the Analytical Framework of the Menara Project, Methodology and concept papers. <https://www.iai.it/en/publicazioni/re-conceptualizing-orders-mena-region>

- Kausch, K. (2014). Competitive Multipolarity in the Middle East. Istituto Affari Internazionali, IAI Working papers Volume 14, (10). <https://www.iai.it/en/publicazioni/competitive-multipolarity-middle-east>

- Kortunov, A. (2019). The Future of Middle East: Horizons of Challenges & Opportunitise. Available at <http://russiancouncil.ru>. <https://russiancouncil.ru/en/analytiks-and-comments/analytiks/the-future-of-the-middle-east-horizons-of-challenges-and-opportunities/>

- Kouskouvelis, I. (2017). The MENA Region Power Competition and the Challenges to Security. *Conflict Zones*, (2). <https://kiadvany.magyarhonvedseg.hu/index.php/honvszemle/article/view/426>.

- McLaughlin, J. (2015). *The great powers in the Middle East*, a Report of the Middle East Program. https://csis-website-prod.s3.amazonaws.com/s3fs-public/legacy_files/files/publication/150408_McLaughlin_RockyHarbors_chapter3.pdf

- Póti, L. (2018). *Russian Policies Towards the MENA Region*, MENARA, No. 9. <https://hiia.hu/en/russian-policies-towards-the-mena-region>
- Rbin, L. (2010). *A Typology of Soft Powers in Middle East Politics*, ResearchGate. https://www.researchgate.net/publication/260979451_A_Typology_of_Soft_Powers_in_Middle_East_Politics
- Salavatian, H. & others. (2015). Iran and Saudi Arabia: the dilemma of security, the balance of threat. *Journal of Scientific Research and Development*, volume 2, (2). https://www.researchgate.net/publication/315785112_The_Security_Dilemma_in_Saudi-Iranian_Relations
- Sedghi, H. (2017). Trumpism: The Geopolitics of the United States. the Middle East and Iran, *Socialism and Democracy*, Volume 31, (3). https://www.researchgate.net/publication/321033063_Trumpism_The_Geopolitics_of_the_United_States_the_Middle_East_and_Iran
- Sinkaya, B. (2016). Introduction to Middle East Politics: Leading Factors, Actors and Dynamics. ORSAM RESOURCE (1). https://www.researchgate.net/publication/328127488_Introduction_to_Middle_East_Politics_-_Leading_Factors_Actors_and_Dynamics
- Wormuth, Ch. (2019). *Russia and China in Middle East*. Published by the RAND Corporation, Santa Monica, Calif. https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/testimonies/CT500/CT511/RAND_CT511.pdf

بررسی گفتمان توسعه اقتصادی هاشمی رفسنجانی در پنجمین انتخابات ریاست جمهوری

پریسا امیری فرد^۱

Doi : 10.22034/FADEMO.2024.484345.1059

چکیده: در پنجمین دوره انتخابات ریاست جمهوری با محوریت توسعه اقتصادی، هاشمی رفسنجانی با ارائه قرائتی از اسلام و ارزش‌های دینی در جهت بهبود وضعیت اقتصادی و سازندگی، در خطبه‌های نماز جمعه تهران توانست به جلب افکار عمومی موفق شود. بعد از جنگ و بازسازی‌های ناشی از خسارات وارده به کشور، هاشمی در تریبون نماز جمعه به ارائه قرائتی از اسلام دست زد که بر اساس آن رفاه در کانون گفتمان اسلام‌گرایی قرار گرفت. وی در گفتمان خود، سازندگی و بازسازی کشور را ارزش دینی قرار داده است. در این مقاله با تحلیل گفتمان متن هاشمی در خطبه‌های نماز جمعه، به بررسی تغییر کانون گفتمان اسلام سیاسی پرداخته شده است. در تحلیل گفتمان از چهارچوب نظری فرکلاف استفاده شده است. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که چگونه گفتمان توسعه اقتصادی هاشمی رفسنجانی محور گفتمان جنگ را چرخش داد؟ داشت.

کلیدواژه‌ها: گفتمان، اسلام‌گرایی، هاشمی رفسنجانی، توسعه اقتصادی، چرخش‌های گفتمانی، مقبولیت اجتماعی، مشروعیت.

amirifard.parisa@gmail.com

۱. استادیار علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۹

دوفصلنامه انقلاب پژوهی | سال دوم، شماره ۳ | بهار و تابستان ۱۴۰۳ | صفحات ۱۷۴-۱۴۹

<https://trs.ri-khomeini.ac.ir/>

مقدمه

با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، اسلام سیاسی به عنوان ایدئولوژی مرکزی نظام سیاسی جدید از موقعیتی مسلط و تقریباً بلامنازع‌ای برخوردار گردید؛ اما نزاع‌های سیاسی شکل گرفته در سال‌های بعد موجب شکل‌گیری تفسیرهای گوناگون از اسلام سیاسی شد. از این رو در طی این سال‌ها ما همواره با برداشت‌های مختلفی از دین مواجه می‌شویم.

در این میان حوزه عمومی نیز در مواجهه با این قرائت‌ها و گفتگوی با آن‌ها نشان داد که رابطه‌ای متقابل با این خوانش‌ها دارد. دین عملاً با فرهنگ عامه وارد تعامل شد و نمادهای دینی به بخش خودآگاه حوزه عمومی وارد شدند. متناسب با این امر، سازمان‌دهی اجتماعی جدیدی برای توزیع معانی و نمادهای دینی در اجتماعات شکل گرفت. تلاش‌های بسیاری صورت گرفت تا نقش متفاوت و کانونی دین در قالب ایدئولوژی اسلام سیاسی و عملکرد دستگاه‌های ایدئولوژیک نظم جدید تداوم یابد، آنچه می‌تواند گویای تحولات درونی گفتمان اسلام سیاسی باشد.

در تحلیل بنیادهای نظام ادراک اجتماعی و تعیین نقش ارزش‌های دینی، برای تبیین تغییرات و شکل‌گیری تفاسیر دینی، ارتباط بحث گفتمان با زمینه‌های اجتماعی به خصوص ناخودآگاه سیاسی دارای اهمیت کلیدی است. حلقه ارتباطی میان ناخودآگاه و گفتمان عمل سیاسی در این نوشتار انتخابات است و صورت‌بندی‌های گفتمانی مواد لازم را برای کنشگری سیاسی ارائه می‌دهند.

۱. پیشینه تحقیق

۱۵۰

در مقاله «نسبت توسعه فرهنگی و توسعه اقتصادی در گفتمان‌های توسعه ایران پس از انقلابی» (۱۴۰۱) تلاش شده نسبت توسعه فرهنگی و توسعه اقتصادی پس از انقلاب ۱۳۵۷ در ایران در قالب گفتمان‌های توسعه و باروش تحلیل گفتمان مورد واکاوی قرار گیرد. در مقاله «برنامه‌ریزی منطقه‌ای در تحلیل گفتمان توسعه‌ای دولت سازندگی» (۱۳۹۹) به نظر نویسندگان آن در دولت هاشمی رفسنجانی گفتمان تعدیل اقتصادی (سازندگی) به عنوان گفتمان کلان در امر توسعه جامعه ایران مطرح و متکفل امر برنامه‌ریزی توسعه شدند تا عقب‌ماندگی سنتی و تاریخی در جامعه ایران و مشکلات ناشی از جنگ هشت‌ساله و بحران‌های آن را جبران نمایند.

«نقد گفتمان دولت سازندگی مبتنی بر گفتمان سیاسی امام خمینی» (۱۳۹۴) اثر بعدی است که گفتمان دولت سازندگی را موضوع خود قرار داده است. هرچند خرده گفتمان دولت سازندگی

همچون دیگر دولت‌ها ناشی از تحول «در» گفتمان کلان جمهوری اسلامی است؛ اما به نظر می‌رسد در مواردی نیز دارای تفاوت‌های قابل تأملی با گفتمان سیاسی امام خمینی است. «رفاه و گفتمان سازندگی» (۱۳۸۷) مقاله پژوهشی نعمت‌الله فاضلی و روزبه کردونی است. این مقاله تحقیقی، باهدف بررسی گفتمان رفاهی در دوران سازندگی، به بررسی خصوصیات و عناصر اصلی ساخت گفتمان‌های رفاهی در سخنان رئیس‌جمهوری در دوره ۱۳۷۶-۱۳۶۸ (موسوم به دوران سازندگی) پرداخته است تا ضمن بازشناسی و معرفی ویژگی‌های گفتمانی این دوره، تفسیر و بازشناسی معناکاوانه‌ای از گفتمان رفاهی در بستر تاریخی-اجتماعی آن ارائه نماید. در مقاله «تحلیل گفتمان رابطه دولت و طبقات اجتماعی در دولت سازندگی» (۱۴۰۱) گفتمان دولت سازندگی (۷۶-۶۸)، مورد تحلیل و تبیین قرار گرفته است تا برای این سؤال اساسی پاسخی فراهم آورد: گفتمان دولت سازندگی چه تأثیری بر رابطه این دولت و طبقات اجتماعی مختلف داشته است؟ در این راستا برای تحلیل برخی از متون منتخب که معرف و نشان‌گر گفتمان و سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های اصلی دولت سازندگی است، از ابزارهای تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف استفاده شده است.

مقاله «تحلیل گفتمان مدیریت دولتی ایران در بخش اقتصادی» (۱۴۰۰) به تحلیل عملکرد دولت‌های پنج‌م تا دوازدهم با محوریت بخش اقتصادی ایران از بُعد کیفی می‌پردازد. روش پژوهش، استفاده از مدل تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف است. جامعه اطلاعات پژوهش سخنرانی‌های رؤسای جمهور در چهار دوره حاکمیت کارگزاران، اصلاح‌طلبان، آبادگران و تدبیر و امید بر قوه مجریه است.

وجه نوآوری این تحقیق در این است که دوران ریاست جمهوری هاشمی بر اساس استفاده از خطبه‌های نماز جمعه و انتخاب یکی از محوری‌ترین خطبه‌ها در تربیون نماز جمعه برای تحلیل گفتمان است. نوآوری دیگر تحلیل گفتمان روزنامه‌هایی چون کیهان و رسالت است که در زمان کاندیداتوری ایشان در چرخش گفتمانی قانون اسلام سیاسی مشارکت داشته‌اند و هر دو از موافقان حضور و تغییر چرخش قانون گفتمان اسلام سیاسی با محوریت رفاه و انتقال از اسلام‌گرایی دوران جنگ بوده‌اند.

نوآوری سوم، رجوع به کتاب‌ها و استفاده از منابعی است که در زمان بازسازی خرابی‌های جنگ یک وفاق در خصوص بازسازی و چرخش گفتمان داشته‌اند و این وفاق در زمان چرخش اسلام ولایی جنگ به محوریت توسعه اقتصادی در همه مخالفان و موافقان دیده می‌شود. بازسازی خرابی‌های جنگ نیاز به تغییر قانون کار دارد و اجماعی در خصوص تغییر قانون کار صورت

نگرفته و مخالفت‌ها در افزایش حجم کار اداری و نحوه قرارداد بستن با نیروها جهت پیمانکاری و عملکرد سازمانی علی‌رغم بررسی‌ها نتوانسته نیروی کار و سرمایه و بازنشتگی و فراغت و ... در تقسیم کار به نتیجه برساند؛ اما عدم اجماع مسئولیت آن را متوجه مجمع تشخیص مصلحت به‌جای مجلس و شورای نگهبان کرده و مخالفت‌ها آغاز شده است.

در این مقاله سعی شده یک وفاق ملی در تغییر چرخش گفتمانی که موسوم به هاشمی است نشان داده شود؛ اما در روال اداری و فرایند بوروکراسی تبدیل قانون به بخشنامه تغییرات با نارضایتی نیروی کار همراه بوده است. این مسئله کانون حاشیه‌ساز تغییر قانون بوده است.

مسئله دیگر در تربیون نماز جمعه شعار مرگ بر شوروی بنا به درخواست ایشان حذف شده است و این مسئله در کتاب‌هایی که سیاست خارجی را بررسی می‌کنند اهمیت نماز جمعه و تربیون آن را در اوایل انقلاب نشان می‌دهد.

در مشارکت در انتخابات استفاده از بسیج سیاسی در قالب دعوت به مشارکت بوده است و در زمان بازسازی و سازندگی مشارکت سیاسی در قالب بسیج سیاسی صورت نگرفته است و مشارکت بسیار بالا نبوده است.

۲. دین و ناخودآگاه سیاسی

مفهوم ناخودآگاه را فروید به عنوان واضح آن برای توضیح برخی گونه‌های رفتاری که بدون آگاهی و به‌طور غیرارادی است به کار برد. پس از فروید، این مفهوم به‌وسیله یونگ و لاکان و جهی اجتماعی و زبان‌شناختی یافت. در اندیشه یونگ مفهوم ناخودآگاه جمعی در واقع، به کهن‌الگوهای دیرینه یا صورت‌های مثالی موروثی در ضمیر ناخودآگاه که موجب شکل‌گیری گونه‌ای ناخودآگاه مشترک می‌شوند، اشاره می‌کند. یونگ بر این باور است که دین با درونه‌های ناخودآگاه جمعی در ارتباط مستقیمی قرار دارد؛ وی نمادها را محصول تلفیقی ساختار اولیه و اصلی روان و بقایای تجربه مکرر و پیوسته بشر، یعنی زاده آن دسته از محرک‌های طبیعی و اجتماعی می‌داند که در پشت خود اثرات اسطوره‌شناختی مشخصی را در روان به‌جای می‌گذراند. هر موقعیت تکرار شونده‌ای به‌ویژه اگر موجب واکنش هیجانی شدیدی شود، نقش کهن‌الگوها را احیا می‌نماید (یونگ، ۱۳۷۹، ص. ۳۱). مفهوم ناخودآگاه جمعی که بن‌مایه بحث ناخودآگاه سیاسی است، در نظریات لاکان از تعابیر و وجوه ساده‌انگارانه‌اش در توضیح واقعیت اجتماعی و تمایز مختصات نظام ادراک اجتماعی تهی است. لاکان ادعا می‌کند ضمیر ناخودآگاه ثمره ساختارمند شدن میل به‌وسیله زبان است (سلطانی، ۱۳۸۴، ص. ۲۲۹).

از نظر لاکان، زندگی واقعی یا جهان واقعی هرگز فهمیده نمی‌شود، به این دلیل که عمل ادراک، واقعیت را از صافی آگاهی می‌گذرانند و از این طریق امر واقعی وارد منطق روانی تخیلی و نمادین می‌شود؛ پس امر واقعی، بیرون از نمادپردازی، بیرون از زبان قرار دارد و در واقع حتی در مقابل نمادپردازی مقاومت می‌کند. امر واقعی همواره روایت می‌شود. روایت یک شیوه اساسی از میانجی‌گری میان فرد و جامعه و همچنین میان ازهم‌گسیختگی آشکار جامعه و کلیت واقعی زیربنای آن است. روایت جایگاهی در داستان است که به مستقیم‌ترین شکل ممکن کلیت (به هم‌پیوستگی) ناخودآگاه زندگی واقعی را بیان می‌کند. روایت، شکل‌های داستانی در میانجی‌گری تجربه فردی و کلیت اجتماعی نقش بارزی ایفا می‌کنند، طبق فرایندی این امر صورت می‌گیرد که وی آن را تبدیل رمز می‌نامد، یعنی ترجمه واقعیت تاریخی و اجتماعی به رمزی پذیرفته شده (که شامل انتظارات و الگوهای معین روایی است) و قرار دادن این واقعیت در دسترس فرد (رابرتس، ۱۳۸۶، ص. ۱۰۸).

۳. سوژه و گفتمان

گفتمان را مراد از کلامی، بده بستانی بین‌گوینده شنونده، باز نمود یک‌صدا در دل متن و یا مجموعه‌ای درهم‌تنیده از عمل اجتماعی، عمل گفتمانی و متن می‌دانند (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص. ۹۷). روش تحلیل گفتمان عمدتاً به بررسی راه‌هایی می‌پردازد که در آن ساختارهای معانی نحوه خاصی از عمل را ممکن می‌سازد. برای این کار تحلیل‌گر سعی در درک چگونگی تولید، کارکرد و تحول گفتمان‌هایی می‌کند که فعالیت‌های کارگزاران اجتماعی را می‌سازند (حاجی یوسفی، ۱۳۷۸، ص. ۱۹۶). نگرش‌های گفتمانی متعددی در حوزه‌های مختلف زبان‌شناسی، فلسفه و علوم سیاسی وجود دارد؛ ولی در این تحقیق از روش انتقادی فرکلاف که بیشترین همسویی نظری را با مفاهیم دیگر این تحقیق از جمله سیاست و قدرت داشته، استفاده شده است. رویکردهای غیر انتقادی در زبان‌شناسی، به تبیین شیوه‌های شکل‌گیری اجتماعی اعمال گفتمانی و تأثیرات اجتماعی آن‌ها توجه نداشته و صرفاً به بررسی توصیفی ساختار و کارکرد اعمال گفتمانی بسنده می‌کند؛ اما تحلیل انتقادی گفتمان در بررسی پدیده‌های زبانی و اعمال گفتمانی به فرایندهای ایدئولوژیک در گفتمان، روابط بین زبان و قدرت، ایدئولوژی، سلطه و قدرت، پیش‌فرض‌های دارای بار ایدئولوژیک در گفتمان، بازتولید اجتماعی ایدئولوژی زور، قدرت و سلطه و نابرابری در گفتمان توجه کرده و عناصر زبانی و غیرزبانی را به همراه دانش زمینه‌ای کنشگران هدف و موضوع مطالعه خود قرار می‌دهد (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص. ۱۲) و به تحلیل شرایط امکان یک رفتار اجتماعی می‌پردازد.

برای بررسی این روابط، فرکلاف تحلیل خود را نه بر گزاره، بلکه بر روی سخنرانی، خطابه و گفتگو قرار می‌دهد. در تحلیل او:

الف) متن در درجه اول دارای کلیتی است که خود بدان وابسته است در داخل متن مجموعه‌ای از عناصر وجود دارند که نه تنها به یکدیگر مرتبط بوده، بلکه کلیتی را می‌سازند که بدان متن یا گفتمان می‌گویند.

ب) متن گفتمان به مجموعه‌ای از عوامل بیرونی متکی است این عوامل در فرایند تولید متن و در فرایند تفسیر مؤثرند...؛ فرایند تولید و تفسیر با هم دارای کنش متقابل و در نتیجه همدیگر را متأثر می‌سازند.

ج) یک متن علاوه بر بافت متن و فرایند تفسیر و تولید متن شدیداً متأثر از شرایط اجتماعی است که متن تولید یا تفسیر می‌شود. بافت اجتماعی و فرهنگی تأثیر بسیار بیشتری نسبت به بافت متن و فرایند تولید و تفسیر آن دارد (تاجیک، ۱۳۷۸، ص. ۵۵).

در مدل فرکلاف، تحلیل متن در واقع تحلیل ساختمانی زبانی و ویژگی‌های صوری متن است که شامل تحلیل زبانی در قالب واژگان، دستور، نظام آوایی و انسجام در سطح بالاتر از جمله است. تحلیل متن همان مرحله توصیف در فرایند تحلیل گفتمان انتقادی است. ما در تحلیل متون همچون زبان برخورد می‌کنیم که در آن روابط میان چیزها از خود چیزها مهم‌تر است و به قول جانانان کالر این نظر که زبان‌شناسی به کار مطالعه سایر پدیده‌های فرهنگی می‌آید بر دو برداشت استوار است: نخست اینکه پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی صرفاً اشیاء یا رویدادهای مادی نیستند، بلکه اشیاء یا رویدادهایی معنادار هستند و نتیجتاً می‌توان آن‌ها را نشانه یا علامت به حساب آورد؛ دوم اینکه این پدیده‌ها قائم به ذات نیستند، بلکه با شبکه‌ای از روابط تعریف می‌شوند.

در راستای هدف این مقاله الگوی گفتاری منتخبین انتخابات جهت تعیین نقش دین و ارزش‌های دینی در بسیج افکار عمومی ذیل شاخص‌هایی نظیر:

۱. آیا اسلام محوریت دارد؟
۲. اگر اسلام محوریت دارد چه وجهی از اسلام مطرح است: شریعت، فلسفه، عرفان و...؟
۳. اگر اسلام محوریت ندارد اسلام با محور متن چه رابطه‌ای دارد؟
۴. شدت و میزان حضور مفاهیم اسلامی تا چه اندازه است؟
۵. استناد به نصوص دینی، آیات، روایات، اسطوره‌ها و شخصیت‌های دینی چگونه است؟
۶. سبک متن اعم از خطابه و یا سخنرانی علمی، بررسی و جوه ادراکی و تحریکی متن؟
۷. ارائه تصویر به مخاطب خود تحت عنوان نمونه ایدئال و مای جمعی چگونه است؟ مورد مذاقه قرار می‌گیرند.

۴. زمینه اجتماعی و گفتمان

کنترل و تهذیب اخلاقی و فرهنگی افراد برحسب معیارهای سنتی، کنترل فکری نهادهای آموزشی در سطوح گوناگون، نظارت همه‌جانبه بر شیوه زندگی خصوصی، گزینش ایدئولوژیک و مذهبی در دستگاه‌های اداری، مبارزه با مظاهر مختلف زندگی غیر ایدئولوژیک، کنترل فکری و ایدئولوژیک کلیه رسانه‌ها و جلوگیری از شکل‌گیری ایدئولوژی‌ها، هویت‌ها و سازمان‌های رقیب، همه این موارد بخشی از تلاش‌های دولت در جهت تقویت ایدئولوژی اسلامی بود (بشیریه، ۱۳۸۳، ص. ۱۳۹). گستره و حجم وسیع تبلیغات دستگاه ایدئولوژیک گفتمان اسلام سیاسی و مسئله جنگ در طی این سال‌ها حاکی از همبستگی و وحدت شکلی نیروهای سیاسی و اجتماعی بود؛ اما در طی سال‌های پایانی جنگ، بی‌قراری‌های این گفتمان به تدریج آشکار شد و شکاف‌گفتاری ایجاد شده در این گفتمان کم‌کم نمود می‌یافت. واپس‌زدن گفتارهای ارزشی دوران جنگ و انقلاب را در سال‌های پایانی جنگ می‌توان در تغییر برخی الگوهای رفتاری شاهد بود. کم‌اعتنایی به حجاب اسلامی، نوع روابط پسران و دختران، طرح برخی ارزش‌های دنیامدار در تبلیغات بازرگانی، به صحنه آمدن برخی آثار هنری که با ارزش‌های مقدس بیگانه بودند، میل به ثروت‌اندوزی در میان اقشار شهری و شنیده شدن صدای روشنفکران و به صحنه آمدن برخی نشریات با جلوه‌های نوظهور... اموری بودند که بیانگر تغییرات غیرقابل پیش‌بینی دولت جدید محسوب می‌شدند (غلامرضا کاشی، ۱۳۸۴، ص. ۳۴)؛ اما مهم‌ترین عاملی که در شکل‌گیری گفتار انتخاباتی این دوره نقش برجسته‌ای داشت پایان جنگ و اقتضائاتی بود که جامعه پس از جنگ با آن مواجه بود. هشت سال جنگ با عراق، انتظارات اجتماعی و اولویت‌های سیاست‌گذاری را تحت‌الشعاع قرار داده بود. مطالبات اجتماعی با خزانه خالی و نابودی قسمت عمده‌ای از زیرساخت‌های کشور، اعمال تحریم‌های تجاری و مالی از سوی آمریکا، کشور را از فناوری پیشرفته و سرمایه‌ای که شدیداً بدان نیازمند بود، محروم ساخته بود. بحث سرمایه‌گذاری، واردات، صادرات و توسعه در طی این دوره به فراموشی سپرده شده و یا کاملاً بی‌معنا بود. به‌طور کلی کسری بودجه، تورم، بیکاری و کاهش سطح رفاه عمومی از آسیب‌های ناشی از جنگ محسوب می‌شد که ساختار اقتصادی و اجتماعی جامعه را با بحران مواجه ساخته بود. برنامه پیوست توسعه اقتصادی اول، به اتکای نتایج سرشماری سال ۱۳۶۵ کشور و حساب‌های ملی، ۳۳ درصد از ۱۱ میلیون جمعیت شاغل کشور در تولید محصول ملی این دوره نقشی نداشته و در واقع بیکار پنهان تلقی می‌شدند. با این واقعیت از مجموع نیروی کار ۱۲/۸ میلیون نفری کشور، بیش از ۴۷ درصد یا بیکار بوده و اینکه اثر وجودی مؤثری در

تولید و تأمین ثروت نداشتند... در آمد سرانه در سال ۶۷ در مقایسه با سال ۱۳۵۶ نصف شده بود، در آمد نفتی از ۲۰/۹ میلیارد دلار در سال ۵۶ به ۷/۳ میلیارد در سال ۶۷ کاهش یافته و بودجه سرانه دولت به طور متوسط ۱۰/۷ درصد تنزل یافته بود و از ۴۳ هزار ریال در سال ۱۳۵۶ به ۱۲/۴ هزار ریال در سال ۱۳۶۷ رسید (پیوست قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ص. ۲۱۵).

پیگیری سیاست‌های جمعیتی مانند سیاست مولید موجب افزایش نرخ رشد ۳/۵ درصدی جمعیت و حضور آوارگان افغانی، عراقی و کرد در این زمان شده بود. همچنین اعطای امتیازاتی چون وام و تسهیلات بانکی و زمین و توزیع کوپن مصرفی بر اساس ملاک جمعیت خانواده‌ها منجر به تشویق افزایش زادوولد گردید (احمدی امویی، ۱۳۸۲، ص. ۱۸۹).

پیگیری این سیاست‌ها مسائل و مشکلات عمده‌ای چون توزیع نامناسب، تغییر هرم سنی جامعه، شکل‌گیری خیل فزاینده نیروهای مصرف‌کننده، مشکلات بهداشتی، آموزشی و بیکاری در تلفیق با عوامل پیشین، بحران‌های اقتصادی بسیاری را به کشور تحمیل کرد. این بحران‌ها یکی از مهم‌ترین مطالبات و تقاضاهای عمومی مردم از رئیس‌جمهور آینده را، رفع معضلات اقتصادی و تنگناهای مالی و رسیدگی به مسائل اقتصادی قرار داد (روزنامه کیهان، ۱۳۶۸/۴/۲۷). هاشمی در مصاحبه با روزنامه رسالت طرح‌ها و برنامه‌های خود را برای مقابله با این بحران‌ها اعلام کرد؛ اصلاحات اقتصادی نظیر خصوصی‌سازی، سیاست‌گذاری در جهت افزایش تولید، سرمایه‌گذاری در صنایع مادر و زیربنایی، تلاش برای پایان دادن به سیاست‌های حمایتی و سهمیه‌بندی و نظایر (روزنامه رسالت ۱۳۶۸/۵/۴).

۵. هاشمی و گفتمان سازندگی

با خاتمه جنگ و نیاز به بازسازی ویرانی‌های گسترده ناشی از آن نوعی تغییر در نظام ادراکی جامعه از طریق ارائه تفسیرهای جدید از دین به وجود آورد. در این میان هاشمی رفسنجانی که به عنوان رئیس‌جمهور دوره بازسازی مسئولیت و وظیفه‌نوسازی را بر عهده داشت از همان ابتدا تلاش خود را معطوف به ارائه این تفسیر نمود. ارزش‌ها و هنجارهای جدیدی ذیل مقوله توسعه و سازندگی مطرح شد. او توانست در این دوره از انتخابات با استفاده از ادبیات دینی - حوزوی، تفسیری کمی‌گرایانه از مفاهیم دینی با محوریت رفاه، لذت و آبادانی ارائه دهد. در این تفسیر مقولاتی چون رفاه، لذت طلبی و آبادانی کشور با توجه به جایگاه دین در نظام ادراک اجتماعی - و در گفتمان اسلام سیاسی - به مثابه عقیده و همچنین سازمان‌دهنده نظم اجتماعی - سیاسی جدید مطرح گردید.

اهمیت این تفسیر در جهت گیری افکار عمومی به معنی نادیده گرفتن عوامل دیگری چون عوامل اقتصادی نیست، بلکه تأکید بر تفسیر رفاه محور از دین در این دوره به معنی حضور دین به مثابه ساختاری است که در قالب اصطلاحات کار کردی و کمیت گرا نیز درک می شود. هاشمی در اسلام گرایی بر برنامه ریزی تأکید داشت و برای سازندگی اقدام به تدوین برنامه نمود. تدوین این برنامه دارای بنیان های نظری زیر بود:

۱. جامعیت دین و شریعت و کامل بودن: به این معنا که اسلام، ناظر به همه ابعاد زندگی مادی و معنوی انسان است و زندگی دنیوی انسان را هدایت و هرگونه دنیا گرایی را نفی کرده است؛ زیرا هدف اصلی دین تأمین سعادت دنیوی و اخروی است در چگونگی سازمان دهی دنیای نقشی مؤثر و در تأمین حیات اخروی و نجات آخرتی آن ها سهم بسزایی دارد.

۲. اهمیت عقل استدلالی به عنوان منبع دین و این که عقل قاطع و مستدل صلاحیت تشخیص احکام دین و شریعت را دارد؛ زیرا بین عقل و شرع رابطه ناگسستنی برقرار است؛

۳. تبعیت احکام الهی از مصلحت اجتماعی و سیاسی؛

۴. ارائه اجتهاد، به عنوان روش دستیابی به حکم شرع.

در گفتار هاشمی استکبار و بدفهمی دین از سوی برخی مفسران دینی موجب عقب ماندگی جامعه اسلامی شده بود. رویکرد عمل گرایانه وی به سیاست و بازسازی خرابی های ناشی از جنگ سبب شد تا وی برای اصلاح وضعیت نابسامان کشور از پیوند عقل و دین بهره گیرد. گفتار هاشمی نه مبتنی بر آرمان خواهی انقلابی که متکی بر عقلانیت سیاسی بود. در بازسازی خرابی های ناشی از جنگ از ایدئولوژی خاصی بهره نبرد و بدون تفسیر ولایی یا ایدئولوژیک از اسلام بیشتر تلاش کرد تا با قواعد سیاسی موجود، گفتار خود را تنظیم نماید. وی ترجیح می داد تا از طریق تعامل با بازیگران سیاسی ای که با اهداف خود نزدیک می یافت، ائتلاف نماید. رجوع به قواعد و واقعیت های سیاسی در کنار نخبه گرایی هاشمی، موجب شد تا او کمتر به افکار عمومی مراجعه کند.

ایدئولوژی انقلاب اسلامی به شکلی که پس از سال ۱۳۶۰ شکل گرفت، به عنوان ایدئولوژی سنتی و ماقبل سرمایه داری، متضمن آرمان های اشرافی (یعنی نخبه گرایی، پدرسالاری سیاسی، اطاعت و انضباط پذیری)، حاوی آرمان های خرده مالکانه (یعنی تأکید بر مالکیت کوچک، خود کفایی اقتصادی، مبارزه با سلطه سرمایه داری جهانی و غیره) و متضمن برخی آرمان های دهقانی (قسط و عدالت و نیز پدرسالاری و اطاعت پذیری به عنوان روی دیگر آرمان های اشرافی) بود (بشیریه، ۱۳۸۳، صص. ۸۲ - ۸۱).

۶. مواضع جناح راست سنتی/محافظة کار

در رأس این جناح جامعه روحانیت مبارز و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم قرار داشتند. این جناح با گسترش حاکمیت و افزایش اختیارات دولت در عرصه‌های مختلف خصوصاً حوزه اقتصادی و مخالفت می‌کرد. سیاست‌های اقتصادی این جناح معطوف به دفاع از مالکیت خصوصی و سیستم اقتصادی مبتنی بر بازار آزاد بود. گروه‌های راست سنت گرا علاوه بر مخالفت با دخالت دولت در اقتصاد، با اصلاحات ارضی، ملی شدن تجارت خارجی، سرمایه‌گذاری خارجی، عادی‌سازی سیاست خارجی و مشارکت دموکراتیک در سیاست مخالف بوده و در عوض از حق انحصاری روحانیت در حکومت تأکید بر فقه سنتی، کنترل اجتماعی و فرهنگی، جامعه اعمال قیومت و ولایت بر شهروندان، حاکمیت الهی در مقابل حاکمیت ملی، حصر فرهنگی کشور و سرمایه‌داری تجاری حمایت می‌کردند. جناح مزبور، به پاسداری از فقه سنتی و احکام اسلامی که مصون از تغییر و اصلاح از سوی علما یا فقیه هستند و همچنین به ترویج اسلام رساله‌ای می‌پرداخت و مخالفین را التقاطی و منحرف، ضد فقه سنتی، مخالف اسلام فقه‌ای و رساله‌ای می‌نامید. از جمله گروه‌های دیگر می‌توان به جمعیت مؤتلفه اسلامی، جامعه اسلامی مهندسان در این زمان اشاره داشت. در مقابل این جناح، جناح چپ قرار داشت.

۷. مواضع گروه‌های چپ

در رأس این گروه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی قرار داشت که در سال ۱۳۵۷ تشکیل شد و سازوکار انسجام تشکیلاتی، برنامه‌ریزی و حراست امنیتی و احیاناً انتظامی از نظام نوپا را با واسطه، یعنی با ایجاد یا توسل به نهادهای مربوطه یا بی‌واسطه انجام می‌داد (خواجہ سروی، ۱۳۸۲، ص. ۲۲۲). چپ‌گرایان تشکیلات و نهادهایی همچون کمیته و سپاه پاسداران، دادگاه‌های انقلاب، جهاد سازندگی، بنیاد شهید، بنیاد امور جنگ‌زدگان، جهاد دانشگاهی، سازمان تبلیغات اسلامی را در دست داشتند (زیباکلام، ۱۳۷۸، ص. ۳۰) برخلاف جناح راست، این جناح هوادار دخالت دولت در اقتصاد جهت تأمین عدالت اجتماعی و اصلاحات فرهنگی و اجتماعی بود، آن جناح همچنین به دنبال تعبیری دموکراتیک‌تر از فقه و نظریه سیاسی شیعه و تجدیدنظر در سیاست خارجی کشور بود. در امور مربوطه به دین این گروه‌ها بر فقه پویا در مقابل فقه سنتی تأکید نموده اما نگرششان کاملاً سنتی، رادیکال و تندرو بود و آن‌ها فهم خود را از دین، مطلق و عین نظام و انقلاب و اسلام فرض می‌کردند و با مخالفان چپ، برخورد تندی داشتند (ظریفی‌نیا، ۱۳۷۸، ص. ۷۹).

دیدگاه‌های نظری هر دو جناح در باب حکومت مطلوب اسلامی طی نیمه اول دهه شصت بدون آنکه نمودی در سطح جامعه داشته باشد صرفاً در محافل رسمی این گروه‌ها مطرح می‌شد. پس از انتخابات مجلس دوم و به‌ویژه در آستانه انتخابات مجلس سوم که با پیروزی چپ‌ها همراه بود، صف‌بندی این نیروها وضوح بیشتری یافت. در اوایل سال ۱۳۶۷ و در آستانه انتخابات دوره سوم مجلس شورای اسلامی، مجمع روحانیون مبارز از جامعه روحانیت مبارز جدا شد و توانست در آن انتخابات، بیشترین کرسی‌های آن دوره را به خود اختصاص دهد. با انتشار روزنامه رسالت به‌عنوان تربیون رسمی جناح راست و تقابل روزنامه کیهان به‌عنوان ارگان نیروهای چپ با این روزنامه، دامنه اختلافات به سطح جامعه و افکار عمومی کشیده شد. در واقع چنین به نظر می‌رسید که اسلام سیاسی فقهاتی با این تغییرات در تلاش است تا بر بخشی از ناسازواری‌های درونی خود که مربوط به رابطه دولت و شریعت و فقه و قانون بود فائق آید (حسینی زاده، ۱۳۸۵، ص. ۳۶۷).

هیأت مولفه اسلامی از هاشمی رفسنجانی حمایت کرد و با دعوت مردم به حضور در انتخابات، هاشمی یار دیرینه امام، مجاهد نستوه و خستگی‌ناپذیر، سردار قهرمان جبهه‌های جهاد، سیاستمدار متدین و متعهد، مدیر و مدبر و باتقوا را کاندیدای خود معرفی نمود (روزنامه رسالت، ۱۳۶۸/۵/۴).

جامعه روحانیت مبارز هم از کاندیداتوری هاشمی حمایت کردند: «کلیه اعضای شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز در جلسه اخیر خود به اتفاق آرا حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی را برای انتخابات آتی رئیس جمهوری کاندید کردند» (روزنامه کیهان، ۱۳۶۸/۲/۳).

هاشمی در واکنش به این حمایت‌ها سعی می‌کرد در نطق‌های انتخاباتی خود چتر حمایتی برای هر دو جناح بگستراند: «باید افرادی که انتخاب می‌شوند انقلابی، کاردان و دلسوز باشند که بحمدالله چنین افرادی به اندازه کافی وجود دارند ... و طوری نباشد کسانی که صلاحیت کار دارند به لحاظ ملاحظات سیاسی از صحنه خارج باشند...» (روزنامه رسالت، ۱۳۶۸/۵/۴).

اعلام همبستگی در میان نیروهای سیاسی از سوی هاشمی در حالی مطرح می‌شد که او از اعضای اصلی جامعه روحانیت محسوب می‌شد؛ اما همواره عمل‌گرایی را در سیاست‌ورزی پیشه خود ساخته بود. البته در برخی طبقه‌بندی‌های نیروهای سیاسی گاه مواضع هاشمی ذیل مواضع عمل‌گرایان مطرح شده است.

اگر ما در گفتار اولیه انتخابات شاهد به تصویر کشیدن کنشگر انقلابی با صفاتی چون منتقد، خودآگاه، متعهد، قاطع و دارای رسالت در انجام تغییرات بنیادی در سطوح ملی و بین‌المللی هستیم؛

در گفتار جدید به جای تغییرات بنیادین و شالوده‌شکن، سخن از تغییر و تحول تدریجی مناسبات، تقسیم کار و ملزومات رفتاری چون وجدان کاری در رفع فساد از ساختار بوروکراتیک است. در این گفتار هرچند انگیزه رفتارهای فردی و اجتماعی افراد از متعالی‌ترین ارزش‌ها و انگیزه‌ها چون تکامل و خدمت ناشی می‌شود؛ اما حال جسمانیت و وجوه مادی زندگی به عنوان مؤلفه‌ای مهم در تعاریف وارد می‌شود. دیگر مزیقه و دشواری شرایط ملاک خلوص و پذیرش عمل نیست و سعادت‌مندی انسان در توجه به زندگی دنیوی و کسب امکانات آسایش تعبیر می‌شود. نیازها و امیال جسمانی مانع دین‌داری تلقی نمی‌شود.

از این رو مفاهیمی چون لذت و راحتی که در گفتمان انقلاب گفتاری حاشیه‌ای محسوب می‌شدند از این پس در کانون گفتار هاشمی قرار می‌گیرند. پیامد این تغییر در گفتمان انقلاب موجب شد تا رادیکالیسم منتج از آرمان‌گرایی انقلابی با نوعی مصلحت‌اندیشی و واقع‌گرایی مواجه شود. در واقع ایران پس از جنگ، با یک خلأ بنیادی چون جنگ و انقلاب در تداوم چنین تجربیاتی مواجه بود. رزمندگان بازگشته از میدان‌های نبرد قرار بود به خانه‌های امن خود بازگردند، شغل اختیار کنند، ازدواج کنند. این سبک از زندگی برای کنشگر انقلابی خالی از سؤال و ابهام نبود. زندگی‌ای که وجوهی از عقلانیت محاسبه‌گر را می‌طلبد.

به عبارتی واقع‌گرایی حاکم بر گفتار سازندگی از درون تناقضات و شکاف موجود در گفتار جنگ و انقلاب بیرون آمد: شکافی که در مقابل گفتار ارزشی جنگ و انقلاب، از ظهور گفتاری عقلانی خبر می‌داد. این گفتار عقلانی خوش‌بینی‌های پیشین، به سیاست و دولت را نداشت و بر این باور نبود که سیاست و کنش سیاسی عرصه‌رهایی است. به جای رستگاری، چنان‌که گفتار جنگ و انقلاب مشحون از آن بود، به رفاه و آبادانی این جهانی می‌اندیشید. به جای آن نگرش منفی به شهر، روستاها مظهر عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی و مظاهر شهری جذابیت‌آفرین نمودار شدند. ساختار کلامی این گفتار به جای لحن حماسی و سوگوار گفتار جنگ، لحنی آکادمیک، تخصصی و فاقد ارزش‌گذاری و عقلانی داشت. همچنین مضامین این گفتار بیشتر مایل به مفاهیم دنیاگرایانه و این‌جایی بود و کمتر به ارزش‌های آخرت‌گرایانه که اغلب در گفتار جنگ نمود یافته بود می‌اندیشید (غلامرضا کاشی، ۱۳۷۹، صص. ۳۴۵ - ۳۴۴). این تغییر و تحولات، با رخداد عظیم دیگری هم همراه بود؛ رخدادی که این چرخش بنیادی و رادیکال را با بحران مواجه می‌ساخت و آن خلأ امام بود. عدم حضور ایشان هم‌زمان با پایان جنگ به‌طور جدی و عمیق پایان یک دوره و پایانی از جنس پایان تاریخ برای کنشگر انقلابی محسوب می‌شد. پایانی که الزاماً برای بازیگران جنگ و انقلاب نقطه عزیمت یک

دوران تازه کنشگری نبود. با وخامت وضع جسمانی امام، می‌باید برای نظم سیاسی روزهای بدون حضور امام تدبیری اندیشیده می‌شد. عدم حضور ایشان در ساخت سیاسی خود موجد بحران بود؛ چراکه اساساً تا پیش از سال ۶۸، سیاست و حکومت در ایران تحت تأثیر شخصیت رهبر انقلاب به‌عنوان محور اصلی نظام سیاسی قرار داشت. اقتدار کاریزمایی امام به‌عنوان رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی نه بر کنترل نهادهای دولتی یا حزبی، بلکه بر جذابیت شخصی و کاریزمای وی استوار بود که در بین بخش‌های عمده‌ای از نیروهای سیاسی و بیشتر مردم وحدت و یکپارچگی ایجاد می‌کرد. شیوه رهبری کاریزمایی امام نظام سیاسی را همواره در حال پویایی و حرکت نگه می‌داشت و با انسجام سازمانی و سلسله‌مراتبی و اداری به شیوه دولت‌های عادی چندان مناسبتی نداشت... ایشان مهم‌ترین نیروی سیاسی بود که همه نیروها و گرایش‌های سیاسی دیگر را تحت‌الشعاع قرار می‌داد یا در خود جمع می‌کرد (بشیریه، ۱۳۷۲، ص. ۴۷). اما با ارتحال امام دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی هژمونی‌اش را از دست داد و زمینه ظهور دال‌های دیگر مهیا شد. پیامدهای حاصل از پایان جنگ که یک سال پیش از آن روی داد، نیز این وضعیت را تشدید کرد و دوره جدیدی از تاریخ گفتمان انقلاب اسلامی آغاز شد (سلطانی، ۱۳۸۴، ص. ۱۴۸).

با توجه به نقش کانونی امام در ساخت سیاسی و به‌منظور حل بحران‌ها در شرایط فقدان نفوذ و کاریزمای ایشان از ساخت سیاسی، تلاش شد تا اصلاحاتی در قانون اساسی صورت گیرد. شورای بازنگری قانون اساسی پیرو دستور امام در تاریخ چهارم اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۸ تشکیل شد. این شورا به بازنگری در برخی اصول قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ از جمله فصول رهبری، قوه مجریه، قضائیه، مقننه و صداوسیما پرداخت.

۸. اصلاح قانون اساسی

در بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در باب مسئله رهبری سه مورد بازنگری صورت پذیرفت که عبارتند از:

- تعدیل شرایط احراز رهبری به شکل حذف شرط مرجعیت؛
- توسعه اختیارات رهبری به شکل ولایت مطلقه فقیه؛
- حذف شورای رهبری از قانون اساسی گذشته (فوزی، ۱۳۸۷، ص. ۲۲۷). به‌واسطه این اصلاحات اقتدار کاریزماتیک امام نهادینه گردید.

تعدیل شرایط احراز رهبری در قانون اساسی و تعیین مصداق شخص رهبری تردید متاثر از مسئله قائم‌مقام رهبری منتظری به‌عنوان کاندیدای اصلی رهبری نبود. به نظر می‌رسید ایشان پس

از امام از شرایط احراز رهبری - چه شرایط مطروحه در قانون اساسی و چه اجماع عمومی - برخوردارند. این نظر در میان رجال سیاسی نیز از مدت‌ها پیش وجود داشت: «... ما که از نظر علمی پایین هستیم، حتی در میان آن‌ها که از نظر درجات علمی از ما بالاتر... آقای منتظری نه رقیبی دارد و نه کسی با ایشان معارضه خواهد کرد، ایشان رهبر بلامنازع آینده انقلاب‌اند» (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۶/۳/۷).

با شروع مذاکرات میان خبرگان در تعیین مصداق رهبر، مکاتباتی میان امام و منتظری صورت گرفت که نهایتاً منجر به استعفای ایشان شد.

پس از فوت امام و بعد از منازعاتی که بر سر جانشینی کاریزما در گرفت، در نهایت کاریزما به نهادی قانونی تبدیل شد. نهاد ولایت فقیه که اینک جایگزین کاریزما شده بود، در واقع به نقطه کانونی گفتمان راست سنت گرا، به عبارت دیگر، به دال مرکزی گفتمان محافظه کار بدل شد (مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۸، ج ۱۷، ص ۳۴).

اصلاحات قانون اساسی در باب قوه مجریه نیز چشم گیر بود. (میلانی، ۱۳۸۱، ص ۳۹۴) تجربه ده ساله نهادهای مدیریتی - اجرایی کشور پس از انقلاب، حکایت از اختلاف نظر میان رئیس جمهور و نخست وزیر در باب مسئله تعیین وزرا، اتخاذ سیاست‌های اقتصادی و ... داشت. با توجه به این مسئله، بحث تمرکز در مدیریت قوه مجریه از همان آغاز مورد بررسی‌های متعددی قرار گرفت و آرا و نظراتی در باب آن ارائه شد.

مخالفان تمرکز قدرت در قوه مجریه نگران رشد دیکتاتوری و استبداد ناشی از افزایش قدرت آن بودند.

سید هادی خامنه‌ای از اعضای شورا ضمن مخالفت با تمرکز در این نهاد گفت:

سالیانی است قبل از این‌ها در زمینه‌های دیگر هم روی مدیریت و مسئله متمرکز بودن خیلی بحث می‌شود و در جای خودش حرف درستی است؛ اما بحث مردمی بودن حکومت و بیرون نیامدن حکومت از شکل مردمی‌اش و حرکت تدریجی‌اش و به سمت استبداد و دیکتاتوری این هم یک اصلی است که اگر تراحم بین این دو تا پیدا شد نظر ما این است که اول باید مردمی بودن را ترجیح داد (مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۸، ج ۱۷، ص ۳۴).

نحیفقلی حبیبی از دیگر مخالفان نظر خود را این گونه مطرح کرد:

اصول باید به گونه‌ای تنظیم شود که... اولاً وظایف روشن باشد... ثانیاً امکان عمل سریع و تصمیم‌گیری قاطع و فوری را برای دستگاه مجریه فراهم بکند... اصل یا

مقدمه و مبنای دیگری که برای همین اصل مدیریت متمرکز مورد نظر هست مسئله حفظ آزادی است. این تمرکز باید به گونه‌ای تدوین و تنظیم بشود که آزادی جامعه، آزادی افراد، حقوقی که به‌عنوان آزادی‌ها برای مردم منظور شده به‌هیچ‌وجه مخدوش نشود (مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۸، ج ۱۷، ص. ۳۵).

معماران اصلی یک ریاست‌جمهوری مقتدر، هاشمی رفسنجانی، نامزد ریاست‌جمهوری و رئیس‌جمهور آیت‌الله خامنه‌ای بودند. هاشمی رفسنجانی ضمن اذعان به این امر که طراحان اولیه که خود یکی از آنان بود، فاقد مهارت‌های مدیریتی لازم برای طراحی یک دولت یکپارچه و کارآمد بوده‌اند، دو ایراد اساسی را در ساختار قوه مجریه برشمرد: ماهیت غیرمتمرکز قدرت و فقدان یک نظام پاسخگو. او برای درمان این دو معضل، خواستار یک ریاست‌جمهوری مقتدر شد که در آن رئیس‌جمهور رأساً مسئول تعیین سیاست‌های دولت باشد. هاشمی ترس از امکان ظهور یک دیکتاتوری را کاملاً بی‌مورد دانست: از آنجا که فقیه، فرماندهی نیروهای مسلح را در دست دارد، هیچ رئیس‌جمهوری نخواهد توانست خود را به‌عنوان دیکتاتور تحمیل کند. وی معتقد بود که مشکلات اقتصادی و اجتماعی ایران با وجود قوه مجریه غیرمتمرکز همچنان حل نشده باقی خواهد ماند (میلانی، ۱۳۸۱، ص. ۳۹۵).

متعاقب این بحث‌ها و نظرات مختلف پیرامون مسئله تمرکز در قوه مجریه، پست نخست‌وزیری حذف گردید و اختیارات نخست‌وزیر به رئیس‌جمهور تفویض شد. این اختیارات به همراه اختیارات پیشین رئیس‌جمهور، نهاد ریاست‌جمهوری را به نهادی مقتدر تبدیل کرد که در آن رئیس‌جمهور رأساً تعیین سیاست‌های دولت را بر عهده گرفت.

اصلاحات دیگری در فصول مجلس، صداوسیما و... انجام شد که با توجه به عدم ارتباط لازم با موضوع تحقیق از بازگویی آن‌ها صرف‌نظر می‌شود.

به‌طور کلی ویژگی‌های دوره پنجم انتخابات ریاست‌جمهوری عبارت بودند از:

۱. پایان جنگ تحمیلی و آغاز مذاکرات صلح؛
۲. ارتحال امام و انتخاب رئیس‌جمهور قبلی به رهبری نظام؛
۳. اصلاح قانون اساسی جمهوری اسلامی توسط شورای بازنگری قانون اساسی؛
۴. افزایش اختیارات ریاست‌جمهوری با حذف مقام نخست‌وزیری؛
۵. توجه به سازندگی و بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ هشت‌ساله؛
۶. کم‌رنگ شدن شعار، شور و ایثار و توجه به مسائل واقعی زندگی اجتماعی - اقتصادی - سیاسی؛

۷. حضور فقط دو نفر نامزد در صحنه رقابت (محدودیت دامنه انتخاب مردم)؛
۸. بروز اختلافات سلیقه‌ای برای اداره کشور و شفاف شدن نسبی جهت‌گیری‌های سیاسی گروه‌های مختلف؛ و سرانجام همنوایی گفتمان اسلام سیاسی در قرائتی همساز با مقوله کارآمدی حکومت.

۹. نظام گفتاری هاشمی

۹-۱. هاشمی کیست؟

علی اکبر هاشمی رفسنجانی در یک خانواده زمین‌دار، در روستای کوچک بهرمان از توابع استان کرمان متولد شد. تحصیلات اولیه را در بهرمان آموخت و سپس راهی قم شد: در سال ۱۳۲۷ وقتی که به قم رفتیم یک بچه روستایی بودم. زمان حساسی بود. اوج مبارزات جبهه ملی برای ملی کردن صنعت نفت بود. اوج شور و حرکت فدائیان اسلام و اوج شدت مبارزات آیت‌الله کاشانی بود و این شور و حال در حوزه علمیه هم داشت شکل می‌گرفت. در زمان آیت‌الله بروجردی وقتی وارد قم شدم با ذهن خالی در میان امواج سیاسی و عمومی و اجتماعی قرار گرفتم. حماسه‌ای که آن روز وجود داشت در اطراف نواب صفوی، فدائیان اسلام و آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق بود. البته برای من فدائیان اسلام و آیت‌الله کاشانی بیشتر جاذبه داشتند (روزنامه رسالت، ۱۳۶۸/۵/۸).

وی اندکی بعد با کمک باهنر نشریه مکتب تشیع را منتشر کرد: «بسیاری از طلاب جوان، حتی روزنامه‌های عادی را مطالعه نمی‌کردند. از این رو ما تصمیم به انتشار نشریه‌ای گرفتیم که مسائل مهم معاصر را پوشش می‌داد. نشریه‌ای که با روحیه انقلابی برخی طلاب جوان‌تر همخوانی داشت» (میلانی، ۱۳۸۱، ص. ۴۰۰).

ترجمه سرگذشت فلسطین، کتاب امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار از جمله آثار ایشان محسوب می‌شود؛ که البته تألیف کتاب امیرکبیر به‌عنوان کانون تحقیق و بررسی خود نشان‌دهنده خیلی چیزهاست: «از یک دیدگاه اسلامی، امیرکبیر برایم جالب بود و اینکه وی به‌عنوان یک ملی‌گرا، اقداماتی را شروع کرد و خدماتی را ارائه نمود که با دیدگاه‌های اسلامی من سازگاری داشت» (میلانی، ۱۳۸۱، ص. ۴۰۱).

با پیروزی انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی، علاوه بر عضویت در شورای انقلاب مدتی سرپرستی وزارت کشور را نیز عهده‌دار بود. در اولین دوره مجلس شورای اسلامی به نمایندگی از سوی مردم تهران به مجلس راه یافت و ریاست آن را عهده‌دار بود. وی از سوی

امام به امامت جمعه موقت تهران، نمایندگی از ایشان در شورای عالی دفاع، عضویت در مجمع تشخیص مصلحت، جانشینی فرمانده کل قوا، عضویت در شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای بازنگری قانون اساسی منصوب شد.

با توجه به این سوابق، هاشمی چهره‌ای شناخته شده محسوب می‌شد. او به‌عنوان کاندیدای مورد اجماع اسلام‌گرایان در انتخابات ریاست جمهوری دور پنجم معرفی گردید.

۲-۹. محورهای برنامه تبلیغاتی هاشمی

تبلیغات او را می‌توان در دو بخش طبقه‌بندی کرد. بخشی از متون وی به تثبیت نشانه‌های شناخته شده گفتمان اسلام سیاسی می‌پرداخت و بخش دیگر به مواضع جناحی، سیاست‌ها و برنامه‌های او.

۱. **نفی سکولاریسم:** دال مرکزی اسلام گفتمان اسلام سیاسی هاشمی، یعنی نفی سکولاریسم بود. آری این اسلام آمریکایی است که مردم را به دوری از سیاست، فهم و بحث و عمل سیاسی می‌خواند؛ ولی اسلام ناب محمدی سیاست را بخشی از دین و غیرقابل جدای از آن می‌داند و همین مسلمین را به درک و عمل سیاسی دعوت می‌کند (روزنامه رسالت، ۱۳۶۸/۴/۶).

۲. **ماهیت دینی انقلاب:** ملتی که همه چیزش را به خاطر خدا و قرآن و اسلام در میان گذاشته است. جوان و مال و وقت خود را هزینه تظاهرات و مبارزه کرد، برای این که این انقلاب را پیروز کند.

۳-۹. مواضع و سیاست‌های هاشمی

۱. **رفاه دال مرکزی گفتار هاشمی:** عمده‌ترین محورهای تبلیغات هاشمی در این زمان، بازسازی زیربنای اقتصادی و صنعتی کشور، تجدید درسیاست خارجی ایران، به حداقل رساندن محدودیت‌ها علیه ایران، اصلاح ساختار مدیریتی کشور بر مبنای اصول علمی و فنی، افزایش نقش بخش خصوصی و... بود. این برنامه‌ها از هاشمی چهره‌ای عمل‌گرا ساخته بود. او در معرفی برنامه‌ها همواره خود را از پیوستن کامل به یک جناح دور نگاه می‌داشت و برخلاف کابینه‌های پیشین که شامل جوانان متعهد و انقلابی و غلبه رویکرد تعهد بر تخصص بود در کابینه جدید، طیف جدیدی از مدیران جوان و تکنوکرات‌ها حضور داشتند. هاشمی رفسنجانی در معرفی کابینه خود به مجلس این کابینه را کابینه کار معرفی کرد.

عنصر محوری گفتار هاشمی را، رشد و سازندگی و عمل‌گرایی در تنظیم و اجرای سیاست‌ها با رعایت ارزش‌های اسلامی تشکیل می‌داد در واقع ضرورت تبدیل نظام اقتصاد

جنگی به یک نظام بازار آزاد و بازسازی کشور، تشکیل یک کابینه سازندگی را ایجاب می‌کرد (از غندی، ۱۳۸۱، ص. ۱۶).

سیاست آزادسازی اقتصادی چالش‌های نظری عمده‌ای را در گفتمان انقلاب به وجود آورد در واقع یکی از مسائل تئوری اجتماعی، نحوه ارتباط میان ارزش‌های فردی و انتخاب جمعی در فرایند تعدیل ساختاری است. بنیان فلسفی تعدیل ساختاری، بر مبنای اصالت فرد قرار می‌گرفت. حال آنکه تجربه ده‌ساله انقلاب در جهت خلاف این مسیر عمل می‌نمود. چرخش مزبور در این زمینه در برنامه هاشمی با ارائه یک بنیان فکری - دینی همراه شد. در واقع چهره عمل‌گرای هاشمی در روند مدیریت توسعه کشور درصدد برآمد تا برنامه‌های تعدیل - یعنی فلسفه اصالت فرد - را به نگرشی اقتصادی - اجتماعی تبدیل کند.

۱۰. تحلیل گفتمانی متن خطبه‌های نماز جمعه

هاشمی رفسنجانی در نیمه اول سال ۱۳۶۸ و طی ۵ ماهه منتهی به انتخابات، سلسله مباحثی را در خطبه‌های نماز جمعه تهران با موضوع عدالت اجتماعی مطرح کرد. او در این خطبه‌ها درصدد توضیح و تبیین مقوله عدالت اجتماعی با استفاده از نظام معنایی دین و از منظر اسلام فقهاتی پرداخت. تبیین مقوله عدالت اجتماعی عموماً در خطبه‌های اول صورت می‌گرفت و در خطبه‌های دوم خطیب به موضوعات مرتبط با ساختار سیاسی، مسائل و مشکلات آن و اقتضائات نظم جدید در دوران پس از جنگ می‌پرداخت.

با توجه به هدف این مقاله، تلاش می‌شود تا ساختار خطبه‌ها از حیث جایگاه ارزش‌ها و نشانگان دینی مورد تحلیل قرار گیرد. صورت‌بندی عمومی خطبه‌ها با موضوع عدالت اجتماعی را می‌توان در محورهای زیر تشریح کرد:

۱۶۶

اسلام دارای برنامه زندگی است. برنامه‌ای که با تفاسیر دنیا‌گرایز منافات دارد و رهبانیت را بر نمی‌تابد» و «اسلام این نظریه را که به صرف تضعیف جسم می‌توان به تعالی معنوی پرداخت را قبول ندارد (ستاد اقامه نماز جمعه، خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۸/۲/۱۰).

در این برنامه سخن از نقد کردن امکانات طبیعت است و استفاده از نعمت‌های الهی ارزش تلقی می‌شود:

این کیست که به شما گفته که زینت‌ها و نعمت‌های الهی برای بندگان خدا حرام است؟ این طور چیزی نیست. بعد قرآن تأکید می‌کند که این‌ها مال مردم است. مال مؤمنین است. خداوند که این‌ها را برای کفار خلق نکرده، این‌ها را برای

شما مردم خوب خلق کرده... این برنامه که برای زندگی این جهانی بشر تنظیم شده است بر اساس فهم عمومی قابل درک بوده و به هیچ وجه پیچید، معماگونه و دور از دسترس عقل بشر نیست. اسلام برنامه زندگی است و این طور نیست که توجهی به زندگی عادی و روزمره مردم ندارد... الان بعضی تصورات ناصحیح در مورد ادیان الهی و به خصوص اسلام وجود دارد... که اصلاً اینها قابل کشف نیست و از معماهای پیچیده آسمانی می باشد که فکر بشر به هیچ نحوی به اینجاها نمی رسد و نباید خیلی دنبال درک و فهم اینها رفت (ستاد اقامه نماز جمعه، خطبه های نماز جمعه، ۱۳۶۸)

وی به اسلام گرایی بر اساس برنامه ای برای زندگی با توجه به مقتضیات نفسانی و جسمانی موجود در شاکله وجودی انسان و وجه مادی زندگی توجه دارد: «...افراد فکر نکنند که اگر متدین و مسلمان باشند، معنای آن این است که باید با نفسانیاتشان، نیازهای واقعی شان، احساساتشان و چیزهایی که خداوند در وجودشان گذاشته که اینها باید در فطرت رسیدگی شود، مبارزه کنند» (ستاد اقامه نماز جمعه، خطبه های نماز جمعه، تهران، ۱۳۶۸/۳/۴).

همچنین برنامه مزبور برای انسانها مشکل آفرین و طاقت فرسا نیست، بلکه متناسب با توان و طاقت انسانها تنظیم شده به گونه ای که مردم بدون هیچ زحمتی می توانند آنها را انجام دهند: «اصلاً تکلیف حرج، مشکل و اسباب زحمت برای مردم وجود ندارد، مگر این که زمینه های چنین تکلیفی را خود مردم فراهم سازند که این دست خود مردم است» (ستاد اقامه نماز جمعه، خطبه های نماز جمعه، ۱۳۶۸/۳/۵).

در ادامه خطیب به تفسیر احکام روزه و جهاد به صورت ایجابی و با توجه به کانون متن می پردازد. تفسیر احکام ذیل این گزاره ها انجام می شود: طبع احکام اسلام راحتی و آسایش می خواهد و اسلام دین سختی و حرج نیست (خداوند حرج را در دین برای شما قرار نداده است) (حج: ۷۷).

در تفسیر مزبور سختی های ممکن در این احکام دارای وجهی استثنایی بوده و قاعده عمومی احکام اسلامی تلقی نمی شود. همچنین این تفسیر به قرائتی انضمامی و کاربردی از احکام مزبور در ساخت نظام سیاسی اسلامی می پردازد: به عنوان مثال، ضرورت جهاد به دلیل وجود تخلفات است و یا الگوی فرد متقی در دیدگاه خطیب می تواند بر کارمندی منطبق باشد که دارای وجدان کاری است (ستاد اقامه نماز جمعه، خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۸/۲/۱۶).

این بحثها در گفتار خطیب ذیل تشریح جهان بینی اسلام حول زندگی انسان در دنیا، آخرت به پایان می رسد. در این تفسیر علی رغم اهمیت و اولویت زندگی اخروی بر عرصه

زندگی دنیوی، زندگی دنیا مانعی برای آخرت تلقی نمی‌شود و حتی برخورداری از وجوه مادی می‌تواند نمود سعادت‌مندی انسان باشد: «وقتی انسان در آیات و روایات غور و تفحص می‌کند ملاحظه می‌کند که به‌طور پراکنده ذکر شده است که داشتن خانه خوب می‌داند مرکب خوب و دانش و علم را از جمله [موارد] سعادت انسان به حساب می‌آورد» (ستاد اقامه نماز جمعه، خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۸/۴/۹).

- این تفاسیر در چهارچوب جامعه مطلوب و ایدئال اسلامی تعریف می‌شود:
جامعه نمونه اسلامی از نظر بنده آن جامعه‌ای است که همه ابعاد اسلام در آن وجود داشته باشد. اگر جامعه‌ای بسازیم با اخلاق، متدین، قانع، صابر اما فقیر و بی‌عرضه و غیر مسلط بر منابع طبیعی، این جامعه تنها از یک جهت اسلامی است. برعکس اگر جامعه‌ای بسازیم مرفه، عالم، پیشرفته و مترقی و صنعت‌گر و دارای تکنولوژی بالا در استفاده از طبیعت، ولی با اخلاق اسلامی زندگی نکند، باز هم این یک بعدی است. باید جامعه‌ای در ایران بسازیم که هم آرمان‌ها و اهداف معنوی اسلام را در خود حفظ کند ... (ستاد اقامه نماز جمعه، خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۶۸/۶/۱۰).

- این تفسیر ناظر به رفع مسائل مبتلابه جامعه است:
ما چند مسئله عمده داریم... یکی همین مسئله سوء توزیع و گرانی است، یکی مسئله سوء اخلاق بخشی از انسان‌هاست، بدحجاب‌ها و آن افرادی که اخلاق اسلامی را مراعات نمی‌کنند و یکی هم همین مسئله سیاسی است که از بیرون دائماً برای کشور ما مسئله می‌سازند... اگر چرخ‌های تولید راه افتاد، اگر استفاده از منابع آن طوری که شایسته است انجام شد، اگر همه کارها را درست کردیم، چنانچه این مسائل مان را حل نکنیم باز نمی‌توانیم به جایی برسیم (ستاد اقامه نماز جمعه، خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۶۸/۲/۱).

حال با توجه به این محورها به تحلیل متون هاشمی از طریق طراحی شاخص‌های دینی به‌منظور سنجش کیفیت حضور نشانگان دینی در قرائت هاشمی پرداخته می‌شود. این شاخص‌ها در قالب سؤالات ذیل مطرح می‌شوند:

۱. **قرائت و تفسیر خطیب از اسلام چیست؟** در قرائت هاشمی، دین و ارزش‌های دینی از تعابیر و تعاریف انتزاعی فاصله گرفته و در مواجهه با حیات این جهانی و مادی بشر به یاری انسان می‌آیند.

خطبه‌های نماز جمعه را می‌توان این‌گونه تقسیم کرد: ۱. مستند نمودن این قرائت با آیات

و روایات؛ ۲. مصادره و به کارگیری احکام و آیات در تفسیر جدید (سیاست‌ورزی مبتنی بر لذت و رفاه). به عبارت دیگر، پردازش متون را می‌توان در قالب ایده اصلی و گزاره‌های مورد حمایت تعریف نمود. خطیب در این خطبه‌ها ذیل بحث‌های کلامی و مستندات روایی درصدد ارائه تفسیری از اسلام است که مفاهیمی چون لذت، رفاه، آسایش را در کانون قرائت خود جای می‌دهد. این مفاهیم اصلی‌ترین مفاهیم دارای بار ارزشی هستند که به‌وفور در متن یافت می‌شوند. از این رو می‌توان آن‌ها را واژگان کانونی مجموعه متون تلقی نمود؛ ۳. در ظل این کانون و جوهر اسلام، سایر اجزای متن در قالب مصرحات اعم از آیات، روایات و احکام که به‌طور صریح معنای کانونی را حمایت می‌کنند.

بر طبق مصرحات متن، دعای خطیب و قرائت لذت محور او از اسلام ذیل بازتعریف احکام و قواعد برگرفته از منظومه دینی، جهاد و روزه تعریف و مفاهیمی چون تقوا تأیید می‌شود. در دلالت‌های ضمنی با توجه به گوهر متن از کج‌فهمی‌ها و بدسلیقگی‌ها در تفسیر اسلام سخن گفته شده و از مبلغانی شکایت می‌شود که اسلام را به شکلی نامطلوب و در قالب دین دنیا گریز معرفی می‌کنند. این دلالت‌ها تکرارکننده و مؤید بر نفی حرج، سختی و مضیقه از زندگی از دیدگاه اسلام است.

۲. در این خطبه‌ها با توجه به مطالب فوق چه وجهی از اسلام مطرح است؟ برای پاسخ به این سؤال به تشریح بخشی دیگر از سخنرانی پرداخته می‌شود؛ خطیب ذیل بحث‌های کلامی خود به دفاع از سیاست‌ورزی و زندگی مبتنی بر شادی و رفاه در فراز دیگری از سخنان خود به بحث در مورد نحوه عمل و مکانیزم اجرای برنامه اسلام می‌پردازد. بر مبنای نظرات وی، شیوه زندگی اسلامی از طریق امکاناتی که احکام و قواعد فقهی و اجرای شریعت در اختیار انسان می‌گذارد قابل حصول و کاربرد است؛ اما باید توجه داشت که تا پیش از این عمدتاً گستره قواعد فقهی منحصر به فروع و مسائل فردی زندگی مسلمانان بود. قوانین فقهی پس از انقلاب حوزه عمل جدیدی در عرصه اجتماعی و سیاسی یافتند؛ از نظر وی، بعد از انقلاب سعی شد تا با اجتهاد مبتنی بر عناصر زمان و مکان و توسل به فقه پویا در حوزه اخلاق عمومی به بسط گستره شریعت پرداخته شود. چنین گستره‌ای از عمل برای دستگاه فقهی با در نظر گرفتن یک مسئله صورت می‌گیرد: فقه و منابع فقهی موجود با توجه به ساختار خطابه‌ای و نه استدلالی‌شان و همچنین اغراق در کیفیت بازگویی مسائل در قالب روایات از این حیث به بازمبانی و بازنگری و پالایش منابع موجود در وجوه اعتبار و صدقشان نیاز دارند.

ما در روایاتمان چیزی به نام اسرائیلیات داریم... فقها این‌ها را در ابواب فقهی پیدا

می‌کنند و با بحث کردن می‌فهمند که این روایت اشکال دارد... اما آن کاری که در فقه می‌شود، در اخلاقیات صورت نمی‌گیرد و این مشکل درست می‌کند... بنابراین الان در جامعه ما به خاطر نقل روایات یا به عنوان تفسیر و عمل ائمه یا بزرگان اسلام چیزهایی گفته می‌شود که احتیاج به تحقیق دارد... یعنی باید همان نقادای که در مورد روایات و اسناد فقهی می‌کنند... (ستاد اقامه نماز جمعه، خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۸/۱/۴).

بنابراین در قرائت هاشمی، بیشتر وجه فقهی دین مطرح است تا وجوه عرفان، فلسفه و... این قرائت قائل به بینشی نوگرایانه صرفاً در قلمرو فقه است و با تکیه بر اجتهاد مبتنی بر عناصر زمان و مکان از گسترش قلمرو فقه از حوزه احکام و مسائل حاشیه‌ای به عرصه عمومی و ایجاد اخلاق عمومی دفاع می‌کند. تأکید بر اهمیت فقه در بازتولید نظم سیاسی - اجتماعی پس از انقلاب، با نفی قرائت‌های دینی دیگر همراه است. نکته دیگر آن که در قرائت خطیب از مرجعیت و انحصار تفاسیر دینی به وسیله علما و روحانیون سخن گفته می‌شود.

۳. درجه و شدت مفهوم اسلام در متون چگونه تعریف می‌شود؟ در این گفتار قرائت حداکثری از دین در حوزه سیاست و اجتماع با استناد به نصوص گوناگون از آیات و روایات و از سیره نبوی و دیگر شخصیت‌ها و سنت‌های دینی دیده می‌شود. به عنوان مثال خطیب به آیاتی چون «وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ» و «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا» در برخورداری از وجوه مادی زندگی اشاره می‌نماید.

«در لغت ذلول به حیواناتی گفته می‌شود که رام هستند، خداوند می‌فرماید زمین برای انسان رام آفریده شده است؛ و منظور از سوار شدن بر روی زمین نیز این است که از زمین رزق بیرون بیاورید و مصرف کنید. بنابراین بُعدی کاملاً مادی دارد؛ یعنی تسلط برای زندگی بهتر و استفاده از نعمت‌های الهی» (ستاد اقامه نماز جمعه، خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۶۸/۳/۵).

«اصلاً دید قرآن، پیامبر و اسلام این است که انسان با فقر و عقب ماندگی نمی‌تواند در مقیاس فردی و جمعی دین هم داشته باشد: تعبیری از پیامبر نقل شده است که می‌فرماید: خدایا نان را برای ما مبارک کن که اگر نان نباشد، نه نماز می‌خوانیم و نه روزه می‌گیریم» (ستاد اقامه نماز جمعه، خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۶۸/۶/۱۰).

۴. مخاطب مطلوب گفتار هاشمی کیست؟ به نظر می‌رسد شیوه گفتاری نصیحت گونه و خطابه‌ای هاشمی در این انتخابات پس از جنگ بر نقش مردم بدون نشانی از توسعه سیاسی و مفاهیمی مانند گسترش مشارکت سیاسی و امثالهم است. این در حالی است که بعد از انقلاب و دور اول انتخابات تأکید بر حضور سیاسی مردم در حوادث مختلف از مؤلفه‌های اساسی بسیج

سیاسی قلمداد می‌شود. هاشمی با تأکید بر نوسازی اقتصادی روند مزبور را کنار گذاشته و همواره به شکل‌های گوناگون حضور مردم را در صحنه‌های اقتصادی محور تبلیغات خود قرار می‌داد: «البته باید شرایطی فراهم کرد که مردم سرمایه‌های خود را وارد میدان کنند و با اطمینان دادن به مردم نقدینگی بخش خصوصی که در دست افراد و بانک‌ها قرار دارد در کارهای تولیدی به کار گرفته شود، وضع بهتر می‌شود» (روزنامه رسالت، ۴/۵/۱۳۶۸).

در گفتار هاشمی این قرائت حداکثری از دین در حوزه سیاست و اجتماع با مرجعیت روحانیت در کشف و بسط وجوه شریعت‌مدار دین همراه است. سپس سایر بازیگران در نظامی سلسله‌مراتبی و مدرج در خلال رابطه‌ای تبعی تعریف می‌شوند. در غیریت‌سازی انجام شده در گفتار هاشمی با توجه به تجربه انقلاب و جنگ گروهی ذیل عنوان پیروان راستین و مخلص تلقی می‌شوند که صرف‌نظر از ملاحظات سیاسی و انشقاق درون جناحی در دایره اسلام‌گرایان مصداق می‌یابند.

در این گفتار انقلابیون در مقابل غیر خود یعنی ضدانقلاب تعریف می‌شوند. منافقین، توده‌ای‌ها، فداییان، کومله، دموکرات، لیبرال‌ها، ملی‌گراها و شاه‌دوست‌ها در طیف ضدانقلاب قرار دارند [مورد حمایت آمریکا هستند]. پس از این طبقه‌بندی مردمی قرار دارند که پس از انقلاب به حاکمیت وفادارند و در عرصه‌هایی نظیر انتخابات حامی نیروهای مخلص هستند؛ همواره به دعوت‌ها پاسخ گفته و مجری تکلیف بوده‌اند.

نتیجه‌گیری

در گفتمان توسعه اقتصادی هاشمی:

- تحقق حکومت مستضعفین مساوی تولید و مساوی با استقلال و رونق اقتصادی با افزایش ظرفیت کارخانه‌های تولیدی.
- در نماز جمعه شعار مرگ بر شوروی حذف شد.
- گذر از مرحله کابینه ایدئولوژیک به کابینه تکنوکرات، نخبگان را به سمت وسوی جدیدی سوق داد.
- تأکید بر اسلام‌گرایی فقه‌ای با نشانه‌هایی چون اسلام برنامه‌ای، سازندگی، بازسازی اقتصادی، رفاه و توسعه در یک جامعه جنگ‌زده با استفاده از ادبیات دینی - حوزوی ایشان کانون رفاه، لذت و آبادانی را ارزش دینی قرار داد.
- در نظام ادراک اجتماعی با تغییر کانون ارزشی جامعه به سمت کار طبقه جدیدی در میان نخبگان شکل گرفت و ارزش‌های اجتماعی دچار گسست - پیوست جدیدی شدند.

- اسلام‌گرایی هاشمی از رادیکالیسم دینی و ارزش‌های دینی انقلابی و جنگ آن‌گونه که در انقلاب و جنگ مطرح بود فاصله گرفت و صورت‌بندی اجتماعی جدیدی را موجب شد که نگاه محافظه‌کارانه و دینی مصلحت‌گرایانه حوزوی همچنان حفظ شد.

- نگاه محافظه‌کارانه حوزوی ایشان جهت بازسازی خرابی‌های جنگ و سازندگی با اصلاحات تدریجی و نه شالوده‌شکنی با ارائه یک الگوی اخلاقی - عقلانی از مرد و زن (سوژه) انقلابی درگیر جنگ که قانون‌گریز است با ارزش‌هایی نظیر چون کار و تأمین و رفاه و همراه با معنویت همراه کرد.

- ایشان در نگاه مشروعیت بخشی به امر سیاست انقلاب و جنگ، گفتمان توسعه اقتصادی را مؤسس شد و ناظر پروژه بازسازی جنگ شد و بهبود شرایط زندگی مردم و حفظ پایگاه جمهوریت با مناقشات درون مجلس و دولت و شورای نگهبان بر سر قانون کار عمدتاً با ساختار حقوقی منتج از قواعد حقوقی سبب مناقشات در پایگاه مردمی ایشان شد.

- با توانمندی فقه در حوزه عمومی یک اسلام برنامه‌ای و تأمین رفاه دنیوی و معنویت اخروی و همراهی و الزام رابطه شرع و عقل و تبعیت از مصلحت‌نخبه‌گرایی جدیدی در جامعه ایجاد کرد.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: نویسنده به تنهایی در آماده‌سازی مقاله نقش داشته است. تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسنده در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد. تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسنده حق کپی‌رایت رعایت شده است.

۱۷۲

منابع

- امویی، احمد (۱۳۸۲). اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر گام نو.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۲). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر قومس.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۳). دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران. تهران: نگاه معاصر.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۲). انقلاب و بسیج سیاسی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بیدار، عارف، اسمعیل زاد، علیرضا و نواختی مقدم، امین (۱۳۹۹). برنامه‌ریزی منطقه‌ای در تحلیل گفتمان توسعه‌ای دولت سازندگی. فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، ۱۰(۴۰)، ۴۳۳-۴۲۱.

doi: 20.1001.1.22286462.1399.10.4.24.1. ۴۲۱-۴۳۳

- پروانه، محمود (۱۳۹۴). نقد گفتمان دولت سازندگی مبتنی بر گفتمان سیاسی امام خمینی. *اندیشنامه ولایت*، ۱(۱)، ۱۱۹ - ۸۷. https://avj.smc.ac.ir/article_20187.html
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۸). *گفتمان و تحلیل گفتمانی*. تهران: فرهنگ گفتمان.
- پیوست برنامه اول توسعه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی برگرفته از برنامه ۵ ساله اول توسعه اقتصادی.
- حاجی ناصری، سعید، یارخی جوشقانی، حسینعلی و شیخ سرایی، نجف (۱۴۰۱). تحلیل گفتمان رابطه دولت و طبقات اجتماعی در دولت سازندگی. *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، ۱۲(۴۴)، ۲۱ - ۱. doi:10.22084/rjir.2022.25424.3427
- حسینی زاده، سید محمدعلی (۱۳۸۵). *اسلام سیاسی در ایران*. مؤسسه انتشارات دانشگاه مفید.
- خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۸۲). *ثبات سیاسی و بی‌ثباتی سیاسی در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- رابرتس، آدام (۱۳۸۶). *فردریک جیمسن. مارکسیسم. نقد ادبی و پسامدرنیسم*. ترجمه وحید ولی زاده، تهران: نشر نی.
- رضائیان، رهام، تاج‌الدین، محمدباقر و معدنی، سعید (۱۴۰۱). نسبت توسعه فرهنگی و توسعه اقتصادی در گفتمان‌های توسعه ایران پس انقلابی. *ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۵ (۳)، ۲۶۱ - ۲۳۹. doi/10.30510 .psi.2022.334159.3261
- رنگریز، حسن (۱۴۰۰). *تحلیل گفتمان مدیریت دولتی ایران در بخش اقتصادی*. سیاست‌گذاری عمومی، ۷(۴)، ۹۰ - ۷۱. doi: 10.22059/jppolicy.2021.84823
- *روزنامه جمهوری اسلامی* (۱۳۶۶/۳/۷).
- *روزنامه رسالت* (۱۳۶۸/۵/۴).
- *روزنامه رسالت* (۱۳۶۸/۵/۸).
- *روزنامه رسالت* (۱۳۶۸/۴/۶).
- *روزنامه کیهان* (۱۳۶۸/۲/۳).
- *روزنامه کیهان* (۱۳۶۸/۴/۲۷).
- زیباکلام، صادق (۱۳۷۸). *عکس یادگاری از جامعه مدنی*. تهران: نشر روزنه.
- ستاد اقامه نماز جمعه، (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۸/۲/۱، ۱۳۶۸/۲/۱۰، ۱۳۶۸/۲/۱۶، ۱۳۶۸/۳/۵، ۱۳۶۸/۵/۱۳، ۱۳۶۸/۴/۹ و ۱۳۶۸/۶/۱۰).
- ستوده‌نیا، سامان، حسنی باقری، مهدی و اژدری، بهناز (۱۴۰۲). *نزاع‌های گفتمانی در ایران پس‌انقلابی: مطالعه موردی انتخابات ریاست جمهوری*. *رهیافت انقلاب اسلامی*، ۱۷(۶۴)،
- پریسا امیری‌فرد: بررسی گفتمان توسعه اقتصادی هاشمی رفسنجانی در پنجمین انتخابات.....

۸۶-۶۷. https://www.rahyaftjournal.ir/article_186833.html

- سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۴). قدرت، زبان، گفتمان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر نی.
- فاضلی، نعمت‌الله و کردونی، روزبه (۱۳۸۷). رفاه و گفتمان سازندگی. فصلنامه علوم اجتماعی، ۱۵ (۴۱)، ۱۶۱-۱۲۵. doi: 20.1001.1.17351162.1387.15.41.5.3
- ظریفی نیا، حمیدرضا (۱۳۷۸). کالبدشکافی جناح‌های سیاسی ایران. تهران: نشر آزادی اندیشه.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان. ترجمه فاطمه شایسته پیران، وزارت فرهنگ و انتشارات اسلامی.
- فوزی، یحیی (۱۳۸۷). تحولات سیاسی-اجتماعی در ایران. تهران: انتشارات سمت.
- غلامرضا کاشی، محمدجواد. (۱۳۷۹). نظم و روند تحول گفتار دموکراسی در ایران. تهران: نشر گام نو.
- غلامرضا کاشی، محمدجواد (۱۳۸۴). جادوی گفتار: ذهنیت فرهنگی و نظام‌های معانی در انتخابات دوم خرداد. تهران: مؤسسه فرهنگی آینده پویان، چاپ دوم.
- مارش، دیوید و استوکر، جری (۱۳۸۴). روش و نظریه در علوم سیاسی. ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۸).
- میلانی، محسن (۱۳۸۱). شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران. ترجمه مجتبی عطارزاده، تهران: نشر گام نو.
- یونگ، کارل (۱۳۷۹). انسان و سمبل‌هایش. ترجمه حسن اکبریان، تهران: انتشارات دایره.

بررسی مدیریت انقلابی امام خمینی (ره) در بحران تسخیر سفارت آمریکا

محمد رحیمیان^۱

Doi:10.22034/FADEMO.2024.459142.1043

چکیده: هدف اصلی این پژوهش، بررسی مدیریت انقلابی امام خمینی در بحران تسخیر سفارت آمریکا است. دانشجویان مسلمان پیرو خط امام سفارت آمریکا را در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ تسخیر کردند. در این راستا سؤال اصلی پژوهش حاضر آن است که نحوه مدیریت انقلابی امام در بحران تسخیر سفارت آمریکا چگونه بود. برای پاسخ به سؤال پژوهش از روش تحلیل اسنادی و از مدارک موجود در کتابخانه‌ها استفاده شده است. طبق یافته‌های پژوهش حاضر، علل بحران شامل استفاده از سفارتخانه برای مقاصد جاسوسی، تشدید اقدامات خصمانه آمریکا علیه انقلاب اسلامی، تلاش سفارت برای جذب نخبگان و دولتمردان، پناه دادن آمریکا به شاه و سیاست‌های میانه‌رو دولت بازرگان بود. در قسمت فرایند، پیدایش و گسترش بحران بررسی شد. در پیامدهای بحران، پیامدهای سیاسی شامل مراجعه به سازمان ملل متحد، استعفای دولت موقت، کودتای نوژه، جنگ عراق علیه ایران و قطع روابط ایران و آمریکا مطالعه شد. پیامدهای فرهنگی شامل ایجاد فرهنگ استقلال از قدرت‌های خارجی و استحکام نیروهای انقلابی، تحقیر آمریکا، تقویت همگرایی، وحدت ملی و روحیه خودباوری و تقویت نهضت‌های آزادی‌بخش بیان شده است. در پیامدهای اقتصادی، ایجاد تزییقات اقتصادی علیه ایران و بلوکه کردن اموال ایران بررسی می‌شود. مدیریت بحران شامل موضع‌گیری امام و ایجاد موج اطمینان و استعفای دولت موقت است. در نهایت تجربه‌اندوزی از بحران شامل تکیه نکردن امام به سایر قدرت‌ها برای مبارزه با دشمن خارجی، اصل قرار دادن مصالح نظام برای اتخاذ تصمیم و محور قرار دادن مجلس شورای اسلامی برای تعیین تکلیف نهایی را می‌توان نام برد.

کلیدواژه‌ها: امام خمینی، پیدایش بحران، تجربه‌اندوزی از بحران، سفارت آمریکا، مدیریت بحران.

۱. دکترای علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

mhrahimian1370@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۹

دوفصلنامه انقلاب پژوهی | سال دوم، شماره ۳ | بهار و تابستان ۱۴۰۳ | صفحات ۱۹۸-۱۷۵

<https://trs.ri-khomeini.ac.ir/>

مقدمه و بیان مسئله

پس از جنگ جهانی دوم، سلطه و نفوذ همه‌جانبه آمریکایی‌ها در ایران افزایش یافت و پس از کودتای ۲۸ مرداد به مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده در سیاست داخلی و خارجی، فرهنگ و اقتصاد ایران تبدیل شد. کاپیتولاسیون را می‌توان اوج تحقیر ملی ایرانیان قلمداد کرد که با حمایت همه‌جانبه از حکومت خودکامه پهلوی تا سال‌های پایانی آن ادامه داشت. تبعید امام از ایران در سال ۱۳۴۳ در پی ایراد سخنرانی شدیداللحن در اعتراض به کاپیتولاسیون و حق قضاوت کنسولی آمریکایی‌ها در ایران بود. همچنین روز ۱۳ آبان، یادآور نهضت امام خمینی است که تأثیر سرنوشت‌سازی بر ایران داشت. ۱۳ آبان ۱۳۴۲، روز تبعید امام، پس از اعلام مخالفت وی با قانون کاپیتولاسیون بود. ۱۳ آبان ۱۳۵۷، روز شهادت تعداد کثیری از دانش‌آموزان و دانشجویان، در مقابل دانشگاه تهران، در زمان همه‌گیری نهضت اسلامی ایران بود و در نهایت ۱۳ آبان ۱۳۵۸ روز تسخیر سفارت آمریکا به وسیله دانشجویان پیرو خط امام بود. این مسئله آن‌چنان مهم بود که امام تسخیر سفارت آمریکا را انقلاب دوم نامید. در این اثنا، وقایع اخیر ناظر به ابعاد، پیامدها و همچنین گستره ملی و بین‌المللی آن از ارزش و اهمیت خاصی در تاریخ انقلاب اسلامی برخوردار است به گونه‌ای که با گذشت بیش از چند دهه، آثار و پیامدهایش و درصحنه سیاست داخلی و خارجی کشور، اثرگذار و قابل تأمل است.

افرادی که طرح اشغال سفارت آمریکا را اجرا کردند، تصور می‌کردند ادامه فعالیت سفارت آمریکا در ایران و ادامه روابط ایران و آمریکا، سرانجام راهی برای تجدید نفوذ آمریکا در ایران خواهد گشود و تکیه‌گاهی برای مخالفان نظام جمهوری اسلامی فراهم خواهد آورد. عناصر انقلابی، از تمایل بازرگان و عناصر معتدل برای نزدیکی به آمریکا و تجدید روابط دوستانه با این کشور بسیار نگران بودند و نیز از آن بیم داشتند که طرفداران رژیم شاه از طریق سفارت آمریکا تأیید شوند. یکی از هدف‌های اصلی گروگان‌گیری این بود که با وارد کردن یک ضربه غیرقابل ترمیم به روابط ایران و آمریکا، از ادامه این قبیل تماس‌ها جلوگیری شود (مهدی‌نیا، ۱۳۸۳، ص. ۲۴۱).

تسخیر سفارت آمریکا واکنش در قبال سیاست‌هایی بود که دولت آمریکا با کودتای ۲۸ مرداد علیه کشور ایران آغاز کرد و تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی و حتی بعد از آن و زمان تسخیر سفارت آن‌ها را ادامه داده بود. تسخیر سفارت آمریکا پاسخ به تهدیدات خارجی نسبت به انقلاب بزرگ اسلامی و دستاوردهای آن بود. با توجه به مطالب گفته شده تسخیر سفارت آمریکا و حمایت همه‌جانبه امام و مردم دارای علل و زمینه‌هایی است. این حادثه دارای دو فرایند

پیدایش و گسترش است. همچنین پیامدهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی این حادثه و سپس مدیریت بحران و در بخش پایانی تجربه‌اندوزی از بحران گفته می‌شود. سؤال اصلی پژوهش حاضر آن است که مدیریت انقلابی امام در بحران تسخیر سفارت آمریکا چگونه بود.

۱. پیشینه تحقیق

دهقانی فیروزآبادی و فاضلی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «بازنمایی یادمان تسخیر سفارت در سیاست خاطره ایران در برابر آمریکا» اشاره می‌کنند از عناصر و مؤلفه‌های مشخص‌کننده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با آمریکا، خطرات تروماتیک از این کشور و به خصوص فراخاطره ۲۸ مرداد بوده است. پیوند خطرات با سیاست خاطره تهاجمی و خصمانه آمریکا و عدم پیگیری عدالت انتقالی از سوی دولت آمریکا و نیز خلق خطرات نه‌چندان مثبت، سبب ادامه‌دار بودن وضعیت پساتروماتیک در روابط میان ایران و ایالات متحده آمریکا شد. علاوه‌براین اراده و آرمان دولت انقلابی و اسلامی مبتنی بر اصل بنیادین استکبارستیزی و مبارزه با استکبار است. به همین خاطر استفاده از خطرات ناگوار از کنش تاریخی آمریکا، مبارزه خاطراتی به یکی از ابعاد مهم رویکرد جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با آمریکا تبدیل شده است. ایران پس از انقلاب اسلامی از وضعیت انفعالی قربانی قبلی خارج شد و با یورش به دردآورترین مکان خاطره ایرانیان یعنی سفارت آمریکا، خاطره خاص و مهمی را در روز ۱۳ آبان ۱۳۵۸ ایجاد کرد. رویکرد خاطراتی ایران در این باره عبارت است از سیاست یادآوری خاطره ۱۳ آبان به وسیله رویه‌های خاطراتی با محتوای روایی عزت، نفرت، پیروزی هم‌زمان و بازتولید مستمر آن به منظور موجه سازی، انگیزه‌بخشی و مشروعیت‌یابی.

۱۷۷

طاهری شمیرانی (۱۳۸۹) در مقاله «سازمان ملل و تسخیر سفارت آمریکا» توضیح داد تسخیر سفارت آمریکا پاسخی در مقابل سیاست‌های دولت آمریکا علیه ایران بود که این سیاست‌ها تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی و حتی پس از آن و زمان اشغال سفارت ادامه داشت. در واقع تسخیر سفارت ایالات متحده آمریکا واکنشی به تهدیدهای خارجی انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن بود که با توجه به تجربیات گذشته تبدیل به نگرانی بزرگی برای بخش قابل توجهی از دانشجویان و آحاد مردم شده بود. نوع واکنش مردم ایران بعد از تسخیر سفارت ایالات متحده آمریکا و اجماع عمومی در تأیید آن حرکت نشان داد که سیاست‌های دولت آمریکا تا چه حد در افکار عمومی آثار منفی داشته و آن سیاست، حمایت و دخالت به نفرت عمومی منجر شده است. در پژوهش مذکور اقدامات دبیر کل وقت سازمان ملل، تشکیل کمیسیون تحقیق،

قطعه‌نامه‌های شورای امنیت در ارتباط با موضوع گروگان‌ها در سفارت آمریکا و نیز طرح مسئله در دیوان بین‌المللی دادگستری و بالاخره بیانیه الجزایر مورد مطالعه قرار گرفت. شاه‌علی (۱۳۹۱) در مقاله «تأثیر واقعه تسخیر لانه جاسوسی آمریکا بر جریان‌های سیاسی داخل کشور» نشان داد بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، تسخیر سفارت آمریکا در تهران سبب پایان استیلای استعمار بر امور کشور شد. این رویداد به سبب اهمیت و بازتاب‌های فراوان داخلی و خارجی، فعالان سیاسی و احزاب و گروه‌های مختلف را در سراسر کشور مجبور به موضع‌گیری شفاف کرد. واقعه تسخیر سفارت آمریکا سبب اعلام مواضع واقعی و نگرش کلان افراد و گروه‌های منسوب به نظام جمهوری اسلامی و پالایش نظام سیاسی کشور شد. پیامد منطقی این روند، حذف تفکرات راست و چپ غیر اسلامی و التقاطی، جوان‌گرایی و کنترل تدریجی پست‌ها و مناصب حساس سیاسی به وسیله نیروهای اصیل انقلابی، خودباوری، افزایش اعتماد به نفس و در نهایت تقویت همگرایی و وحدت ملی در جامعه ایران است. به عبارت دیگر، نیروهای انقلابی پیرو خط امام با تسخیر سفارت آمریکا سبب تصحیح راه جمهوری اسلامی شدند و از انحراف آن جلوگیری کردند.

حسین‌زاده (۱۳۸۷) در بررسی «الگوی مدیریت بحران سیاسی در سیره امام خمینی؛ بررسی موردی: تسخیر لانه جاسوسی» استدلال کرد که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران شکل جدیدی از حکمرانی و حکومت‌داری سیاسی با تمرکز بر دین و نقش فراگیر مردم شکل گرفت. در این بین نقش امام به‌عنوان رهبر و بنیان‌گذار انقلاب اسلامی که مدیریت کلان سیاسی کشور را نیز عهده‌دار بودند نقش ممتاز، برجسته و بی‌نظیری است. بحران تسخیر لانه جاسوسی به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین بحران‌های بعد از انقلاب اسلامی، عناصر اصلی الگوی مدیریت بحران امام شامل برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، تصمیم‌گیری، هدایت و رهبری و کنترل و نظارت را در سه مرحله قبل از بحران، حین بحران و بعد از بحران بررسی می‌کند.

تفاوت مقاله حاضر با مطالعات قبلی از آن جهت است که مقاله حاضر با بهره‌گیری از مبانی نظری مدیریت بحران، نحوه مدیریت انقلابی امام را بررسی می‌کند؛ ولی در سایر مقالات، این مسئله مطالعه نشده است. همچنین در بعضی از مقالات به صورت موردی پیامدهای سیاسی یا اقتصادی و فرهنگی پس از تسخیر سفارت آمریکا تدوین شده است؛ ولی مقاله حاضر علاوه بر بررسی یکجا و توأمان پیامدهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تسخیر سفارت آمریکا در یک پژوهش، نحوه مدیریت انقلاب امام را نیز در این بحران بررسی می‌کند.

۲. مبانی نظری و روش

بحران، حادثه‌ای است که به‌طور ناگهانی یا فزاینده روی می‌دهد و تهدید زندگی بشر، تلفات و خسارات بسیاری به جامعه انسانی تحمیل می‌کند؛ به‌طوری‌که مقابله با آن نیازمند بسیج امکانات و انجام دادن اقدامات اساسی و فوق‌العاده نسبت به حالت عادی است (رضایی، ۱۳۹۰، ص. ۶۴). یک بیانیه تهدیدآمیز شفاهی یا کتبی، یک عمل سیاسی همچون قطع روابط دیپلماتیک، یک عمل اقتصادی مثل تحریم اقتصادی، یک عمل نظامی غیر خشونت‌آمیز مانند نقل و انتقال نیروها، عمل خشونت‌آمیز غیرمستقیم علیه یک دولت یا یک حمله نظامی مستقیم، نمونه‌هایی از اعمال و رویدادهایی هستند که از آن‌ها به‌عنوان جرقه بحران تعبیر می‌شود. مفهوم بحران، با معانی گوناگونی چون پریشانی، وحشت، فاجعه، مصیبت، خشونت بالقوه یا بالفعل یا به‌عنوان نقطه عطفی در تحلیل‌های تصمیم‌گیری به کار گرفته شده است (برچر، ۱۳۸۲، ص. ۲۴).

تئوری فرایند بحران در این تحقیق مبنی بر دو مرحله پیدایش و گسترش است. پیدایش ناظر به مرحله اولیه یک بحران است. در این مرحله تهدید معطوف به ارزش ادراک شده است که تصمیم‌گیرندگان یک دولت به‌سوی ادراک تهدید اندک یا بالاتر سوق پیدا می‌کند که در واقع تهدید فزاینده از سوی یک دشمن است و همراه با آن فشار روانی اندکی به وجود می‌آید. مرحله پیدایش ناظر بر هیچ‌گونه کنش متقابل خصومت‌آمیزی نیست. در واقع این مرحله با یک دگرگونی در شدت شکنندگی روابط میان دو یا چند دولت و با ادراک تهدید حداقل یکی از آن‌ها مشخص می‌شود. پیدایش یک بحران مستلزم حداقل دو طرف است که یکی یا هر دو آن‌ها تحدید بیش‌ازحد معمول به ارزش را درک کرده و با روشنی به این تهدید پاسخ دهند که به‌طور کیفی شکنندگی بیشتری را ایجاد می‌کند (نصیری حامد، ۱۳۸۹، ص. ۱۲۲).

۱۷۹

بحران‌ها با توجه به منشأ آن‌ها، موجب پیامدهای متفاوتی می‌شوند. بحران‌های خارجی سبب نوعی وفاق ملی شده؛ از این‌رو سبب کاهش تهدیدات داخلی و آسیب‌پذیری اجتماعی می‌شود، در حالی که بحران‌های داخلی، مشروعیت نظام سیاسی را خدشه‌دار می‌سازند. رابرت گر نیز معتقد است که تعداد بحران‌ها باعث نوعی بی‌ثباتی سیاسی در جامعه تلقی شده ضمن آنکه وقوع بحران‌ها حتی به‌صورت محدود، قدرت انحصاری دولت را به چالش کشیده و با اختلال در فرایند عادی جامعه پیامدهای امنیتی مهمی نیز ایجاد می‌کنند (رضایی، ۱۳۹۰، ص. ۷۲). مدیریت بحران، علمی است که با مشاهده سامانمند بحران‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها در جستجوی یافتن ابزاری است که بتوان از بروز بحران‌ها پیشگیری کرد یا در صورت بروز آن‌ها، آمادگی لازم را برای کاهش آن‌ها داشت (رضایی، ۱۳۹۰، ص. ۳۸).

فوستر مدیریت بحران را مجموعه‌ای از فعالیت‌های اجرایی و تصمیم‌گیری‌های مدیریتی و سیاسی وابسته به مراحل مختلف و کلیه سطوح بحران، در جهت نجات، کاهش ضایعات و خسارات، جلوگیری از وقفه زندگی، تولید و خدمات، حفظ ارتباطات، حفظ محیط‌زیست و بالاخره ترمیم و بازسازی خرابی‌ها می‌داند (سعیدی، ۱۳۸۹، ص. ۱۶۲).

درباره گام‌های مؤثر در مدیریت بحران می‌توان گفت گام اول در مدیریت بحران احساس بحران است. در احساس بحران، نشانه‌های اولیه خطر یک بحران احتمالی یافته می‌شود. در حقیقت این مرحله تحت نظر گرفتن محیط‌های داخلی و خارجی است. تجزیه و تحلیل ضعف‌ها و قوت‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها به بررسی دقیق محیط عمومی و تشخیص روندهای هشداردهنده‌ای که ممکن است مورد تهدید قرار گیرند، کمک خواهد کرد.

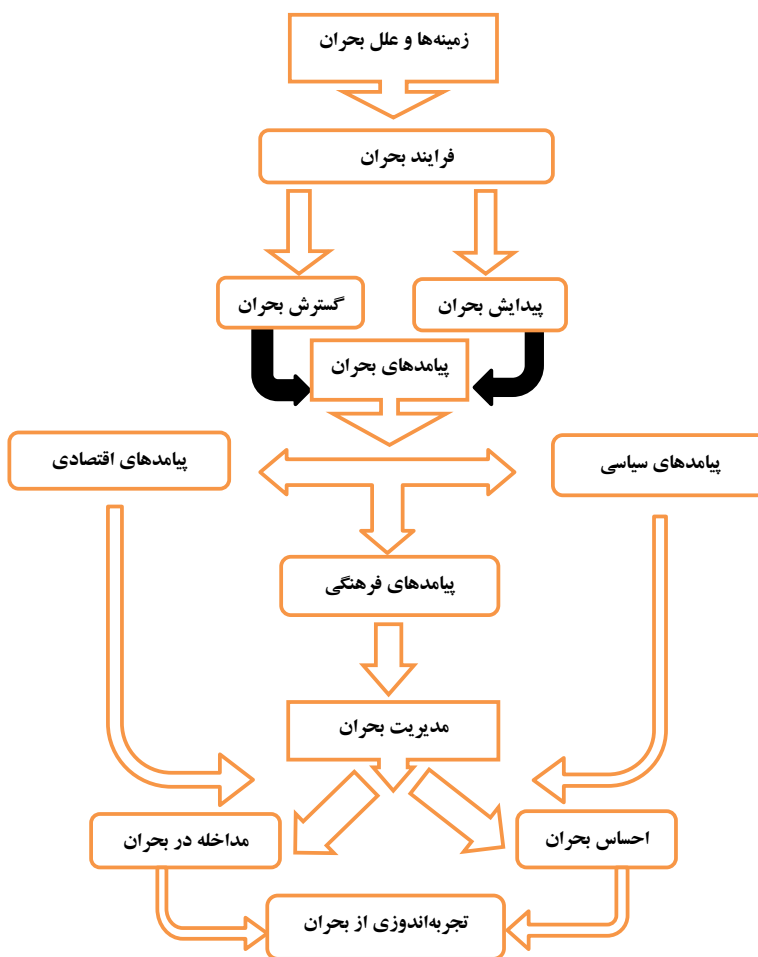
اگر مدیران هشیار باشند، می‌توانند نشانه‌هایی را شناسایی کنند که خبر از بحران می‌دهند. اگرچه پیش‌بینی یک بحران، علم دقیقی نیست، باید به عنوان یک بخش اساسی از برنامه‌ریزی بحران مدنظر قرار گیرد. احساس در پیش‌بینی دقیق‌تر بحران نقش مهمی را ایفا می‌کند، از این نظر که لازم است مدیران و برنامه‌ریزان، چشم و گوش خود را به خوبی باز نگه دارند و از این رو احتمال احساس نشانه‌های اولیه بحران را افزایش دهند؛ به علاوه در انجام امور از اطلاعات گران‌بها بیشتر بهره‌مند شوند. کار شبکه‌ای نیز می‌تواند تماس‌های بیرونی یک مدیر، بحران را گسترش دهد و احتمال بهره‌برداری موفقیت‌آمیز از منابع حیاتی اطلاعات مرتبط با بحران را که ممکن است مورد توجه قرار نگیرد افزایش می‌دهد.

گام دوم در مدیریت بحران، مداخله و اقدام است. احساس و درک علائم بحران در شرایطی که نشانه‌های اولیه به قدری روشن است که قابل چشم‌پوشی نیست، ممکن است مدیران را ناچار به مداخله کند. بررسی مجدد این نشانه‌ها، مشاوره با کارشناسان و ارزیابی همه عوامل مرتبط با ریسک، برای اطمینان از اینکه این نشانه‌ها نمی‌توانند به بحران منجر شوند، برای مدیران حائز اهمیت است. توان ادراک و تحلیل مدیران در دستیابی آن‌ها به نتیجه نهایی از اهمیت زیادی برخوردار است. هرگاه مدیران اطمینان یافتند که مداخله روش مناسبی است، باید استراتژی مداخله موردنظرشان را به سرعت و به موقع اجرا کنند.

بهترین استراتژی آن است که مانع رشد یک بحران بالقوه شود و آن را به طور ریشه‌ای مهار کند. اگر بحران‌ها مهار نشوند، در مراحل اولیه شکل‌گیری، رو به توسعه می‌روند و به قدری افزایش می‌یابند که غیرقابل کنترل و مرگ‌آور می‌شوند. مداخله، مسلماً مرحله‌ای دشوار در مدیریت است. اگرچه مداخله گامی ضروری است، چنانچه مدیران بخواهند سازمان‌هایشان را

سریعاً از دام یک بحران در حال گسترش در امان بدارند، اساساً به منابع بیشتری برای غالب شدن بر آن نیاز خواهد داشت. در خصوص تجربه‌اندوزی از بحران می‌توان گفت بروز بحران‌ها، تأثیراتی در کاهش تأثیرات مخرب و زیان‌بار بحران‌های بعدی دارد. از جمله اقدامات پیشگیرانه، در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری ملی، برنامه و قانون‌گذاری‌های ضد بحران در نظر گرفته می‌شود (رضایی، ۱۳۹۰، ص. ۴۲). با توجه به مطالب گفته شده، شکل ۱ مطالب فوق را بهتر نشان می‌دهد.

شکل ۱. مدل بحران



(تاجیک، ۱۳۷۹)

۳. یافته‌های پژوهش

۳-۱. زمینه‌ها و علل بحران تسخیر سفارت آمریکا

۳-۱-۱. تبدیل سفارت‌خانه به مرکز جاسوسی

ایالات متحده آمریکا به دنبال حمایت از رژیم پهلوی و جلوگیری از موفقیت انقلاب بود و با پیروزی انقلاب اسلامی، سفارت آمریکا به‌عنوان پایگاهی برای طراحی و اجرای توطئه علیه انقلاب تبدیل شد تا بتواند آن قسمت از اقداماتش را که می‌توانست به شکل دیپلماتیک برای انحراف یا شکست نظام نوپای اسلامی انجام دهد، با مرکزیت سفارت اجرا کند. افسران سازمان سیا (CIA) با بهره‌گیری از شرایط نامساعد بعد از انقلاب و درهم‌ریختگی سعی داشتند با نفوذ در مناطق کلیدی و حساس، از تعمیق و گسترش هرچه بیشتر انقلاب اسلامی جلوگیری کنند. سفارت آمریکا با ایجاد شبکه‌های جاسوسی و اطلاعاتی در تلاش بود تا با تضعیف نیروهای اصیل انقلاب، جایگاه و شخصیت امام، بحران‌آفرینی و همچنین ایجاد گسست و شکاف میان رهبری و نسل جوان، انقلابی‌ترین و فعال‌ترین نیروهای سیاسی را از رهبری دور کند تا بتواند با نفوذ بر آن‌ها و تأثیر بر ارتش، حرکت انقلابی مردم ایران را خدشه‌دار کند (شیرودی، ۱۳۸۶، ص. ۱۲۳).

۳-۱-۲. تشدید اقدامات خصمانه آمریکا

پس از اعدام سران رژیم پهلوی در اولین روزهای انقلاب، دو نفر از اعضای سنای آمریکا به نام‌های هنری جکسون و جاکوب جاوتیس که از طرفداران ویژه رژیم پهلوی بودند، در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۸ قطعنامه‌ای در سنا تصویب کردند که ایران را به خاطر این اقدامات تحریم کنند. به عقیده کارل کلمنت که از کارشناسان باسابقه وزارت خارجه آمریکا است، ایالات متحده اشتباهی راهبردی را درباره ایران انجام داده بود و آن، دل بستن به دولت موقت و عدم مذاکره و دیدار مستقیم با رهبر جمهوری اسلامی ایران بود؛ اقدامی که رقبای آمریکا، یعنی فرانسه و شوروی در آغازین روزهای پیروزی انقلاب انجام داده بودند.

بعد از تصویب این قطعنامه و بروز مسائل چالش‌برانگیز میان دو کشور، ایالت متحده در تلاش بود تا نماینده ویژه خود را به‌منظور جذب ایران و جلوگیری از نفوذ شوروی در این کشور، به ایران ارسال کند؛ اما امام خمینی در پاسخ به تصویب این قطعنامه از قبول نماینده مذکور که از دیپلمات‌های با تجربه وزارت خارجه ایالات متحده بود، امتناع کرد. همچنین دولت ایران از پذیرش والتر کاتلر به‌عنوان سفیر خودداری کرد؛ پس از این اتفاق، دولت ایالات متحده به بهانه حفظ امنیت منطقه و با این تصور که احتمال داده می‌شود نفت کشتی در خلیج فارس روبرو شود، نیروی دریایی خود را در تنگه هرمز به حال آماده‌باش درآورد.

۳-۱-۳. تلاش سفارت‌خانه برای جذب دولت مردان

هدف سفارت آمریکا، انحراف افکار عمومی از خطرات آمریکا در ایران بود. به همین دلیل، مسئولان سفارت آمریکا در پی آن بودند تا با برقراری ارتباط با مسئولان دولت موقت، راه رسیدن به اهدافشان را تسهیل کنند. آمریکا می‌خواست با شناسایی مهدی بازرگان به‌عنوان نفر اول اجرایی کشور، این‌گونه نشان دهد که امام خود مایل است که دین و روحانیت از سیاست جدا شوند و آن‌ها ناگزیر از نزدیکی به دولت موقت شده‌اند و بدین ترتیب به آرامی برنامه حذف امام و جایگزینی ایشان را از طریق افرادی مانند شریعتمداری و بنی‌صدر اجرا کنند. به همین دلیل، وزارت خارجه آمریکا مأموریت اصلی سفارت خود را در ایران، تلاش برای هماهنگی فعالیت‌های نیروهای لیبرال و میانه‌روهای مذهبی و پیوند دادن آن‌ها با عناصر ملی‌گرا و سلطنت‌طلبان و طرفداران رژیم سابق علیه انقلابیون مذهبی قرار داده بود (شیرودی، ۱۳۸۶، ص. ۱۲۴).

۳-۱-۴. پناه دادن به شاه مخلوع ایران

ایرانی‌ها پس از فرار محمدرضا شاه از ایران، خواستار بازگشت و محاکمه وی بودند. لینکن، کاردار سفارت آمریکا در تهران، نامه‌ای با طبقه‌بندی سری که برای وزارت امور خارجه آمریکا ارسال می‌کند، در خصوص چگونگی پذیرش محمدرضا پهلوی در آمریکا می‌نویسد:

ناظر به واکنش عمومی در خصوص مخالفت با شاه که ناشی از اقدامات افرادی است که بر افکار عمومی نفوذ دارند، من تردید دارم که مریض بودن شاه بتواند میزان عکس‌العمل عمومی را کاهش دهد. اگر ما وی را به خاطر ملاحظات انسان دوستانه بپذیریم، جایگاه قابل دفاع‌تری را به دست خواهیم آورد (شیرودی، ۱۳۸۶، ص. ۱۳۵).

۱۸۳

امام طی پیامی در اعتراض به پذیرش محمدرضا پهلوی از سوی ایالات متحده آمریکا اعلام کرد: «بر دانش‌آموزان، دانشجویان و محصلین علوم دینی است که با قدرت تمام، حملات خود را علیه آمریکا و اسرائیل گسترش داده و آمریکا را وادار به استرداد این شاه مخلوع جنایتکار نمایند» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص. ۴۱۲) به سبب آنکه در کودتای سال ۱۳۳۲ نیز آمریکا پس از فرار شاه، مجدداً وی را در به دست گرفتن قدرت یاری داده بود، به همین خاطر مردم ایران حق داشتند به مسئله حضور محمدرضا در آمریکا مشکوک باشند و آن را توطئه‌ای دیگر برای سقوط نظام جمهوری اسلامی بدانند (شیرودی، ۱۳۸۶، ص. ۱۲۶).

۵-۱-۳. سیاست‌های دولت بازرگان

یک هفته پس از ورود شاه به ایالات متحده، بازرگان، نخست‌وزیر دولت موقت، به همراه وزیر خارجه و وزیر دفاع به هنگام شرکت در جشن انقلاب الجزایر، سفری به الجزیره داشتند و در آنجا با برژینسکی، مشاور امنیت ملی ایالات متحده ملاقات کردند.

در شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر ایران، هرگونه مذاکره با ایالات متحده مساوی با مفهوم سازش بود. در این راستا ملاقات با برژینسکی به معنی قبول اصل مذاکره با آمریکا و به رسمیت شناختن آن بود، این مسئله موجب خشم نیروهای انقلابی در ایران شد و دانشجویان مسلمان به این نتیجه رسیدند که با حمله به سفارت ایالات متحده به این تصمیم اعتراض و اعلام کنند که هرگونه مذاکره و سازش را با آمریکا، به خصوص تا زمانی که محمدرضا زیر چتر حمایتی آمریکایی‌هاست نمی‌پذیرند و ایالات متحده باید محمدرضا شاه را به همراه ۱۳ میلیارد دلار از دارایی ایران که در بانک‌های آمریکا و شعبات اروپایی آن سپرده شده و نیز میلیاردها دلار اموالی را که محمدرضا شاه به هنگام خروج از ایران بیرون برده، استرداد شود (باقی، ۱۳۷۶، ص. ۲۳).

۲-۳. فرایند بحران

۱-۲-۳. پیدایش بحران

در ظاهر، اشغال سفارت آمریکا را می‌توان نتیجه رقابت بین گروه و جریان‌های سیاسی موجود در آن برهه دانست. به نظر می‌رسید مبارزه با امپریالیسم، در تاریخ سیاسی معاصر ایران تقریباً به انحصار جریان چپ درآمده بود و این جریان، در بیشتر اقدامات ضد استکباری که شوروی از آن استثنا بود، نقش اول و پیشرو را داشتند. در ۲۵ بهمن ۱۳۵۷ مارکسیست‌ها برای چندین ساعت سفارت آمریکا را اشغال کردند. در اشکال دیگر هم به خصوص در عرصه فعالیت‌های دانشجویی، چپ‌ها گویا با شعار مبارزه با امپریالیسم، این جبهه را به انحصار خویش درآورده بودند (درویشی سه‌تالانی، ۱۳۸۷، ص. ۸۸). همچنین از دیگر گروه‌هایی که تلاش کردند فعالیت‌های انجام دهند سازمان مجاهدین خلق بود. یکی از روش‌های مجاهدین برای کنش‌ورزی و بازگشت به موقعیت پیشتازی در ذهن پیروان خود آن بود که دست به کنشی مشابه با دانشجویان خط امام بزنند. در این راستا یک روز پس از تسخیر سفارت ایالات متحده در تهران، اعضای سازمان مجاهدین خلق نیز در شهرهای تبریز و شیراز به کنسولگری آمریکا حمله و آنجاها را تصرف کردند و در آنجا ماندند تا از ارزش و اهمیت اقدام دانشجویان خط امام کاسته شود و در کانون توجه جهان قرار گیرند تا آن‌ها نیز شریک شوند.

سخترانی امام در روز دهم آبان که مصادف با عید سعید قربان بود، مبنای تسخیر سفارت آمریکا قرار گرفته بود. دانشجویان از سخنان امام به این نتیجه رسیدند که بهترین جایی را که می‌شود گرفت سفارت آمریکا است. پس مقدمات کار را آماده کرده و با تلاش فراوان توانستند لائنه جاسوسی آمریکا را تسخیر کنند (الفت‌پور، ۱۳۸۹، ص. ۳۲). در این راستا عده‌ای از دانشجویان مسلمان دانشگاه‌ها تصمیم گرفتند به سفارت آمریکا حمله کنند و به منظور حصول اطمینان از موافقت و تأیید امام، با موسوی خوئینی‌ها که نماینده امام در صداوسیما بود مشورت کردند.

۲-۲-۳. گسترش بحران

یکی از مهم‌ترین عواملی که موجب گسترش بحران در خصوص این حادثه شد، اقدام نظامی آمریکا علیه ایران بود که در آسمان طبرستان ناکام ماند. در این عملیات که جهت آزادسازی گروگان‌های لائنه جاسوسی از سوی نظامیان آمریکایی صورت گرفت، شش فروند هواپیمای C-۱۳۰ و ۹۰ نفر از کماندوهای موسوم به نیروهای دلتا، از قاهره به ناو هواپیمابر نیمیتز در دریای عمان منتقل شدند. طبق نقشه می‌بایست هواپیماها به همراه ۸ فروند بالگرد در صحرای طبرستان فرود می‌آمدند و سپس بالگردها کماندوها را به اطراف تهران منتقل می‌کردند تا از آنجا با کامیون‌ها و خودروهایی که عمال داخلی و نفوذی آمریکا از قبل آماده کرده بودند، به اطراف جاسوس‌خانه انتقال یابند؛ اما یکی از بالگردها پس از ورود به حریم ایران دچار نقص فنی شد و سرنشینان آن با بالگرد دیگری خود را به ناو نیمیتز رساندند. بدین ترتیب شش هواپیما و شش بالگرد در صحرای طبرستان فرود آمدند؛ یکی دیگر از بالگردها در حال سوخت‌گیری جهت انجام مرحله بعد عملیات، دچار نقص فنی شد و با به هم خوردن برنامه‌ها، کارتر دستور توقف این عملیات را که عملیات «پنجه عقاب» نام گرفته بود صادر کرد؛ اما هنگامی که نظامیان آمریکایی قصد بازگشت داشتند، توفان شن برخاست و یک هواپیما و یک بالگرد با هم برخورد کردند و هر دو آتش گرفتند و ۸ تن از نظامیان آمریکایی در آتش سوختند.

از عوامل مؤثر دیگر که سبب گسترش بحران در سطح بین‌المللی شد، بحث شکایت آمریکا از ایران در سازمان ملل بود. شورای امنیت سازمان ملل با صدور قطعنامه ۴۵۷ به تاریخ سیزدهم آذرماه ۱۳۵۸ یک ماه پس از تصرف سفارت آمریکا با اشاره به وضعیت بحرانی‌ای که در روابط ایران و آمریکا به وجود آمده بود اعلام می‌کند این بحران امنیت جهانی را مورد مخاطره قرار داده است. این قطعنامه تأکید کرد که طرفین بر پایه مفاد کنوانسیون «وین» به دیپلمات‌ها احترام بگذارند. در این قطعنامه از ایران خواسته شد برای حل مسائل باقیمانده با آمریکا، بین خودشان به صورت صلح‌آمیز اقدامات لازم را انجام دهند. قطعنامه در نهایت از ایران می‌خواهد گروگان‌ها را آزاد کند.

۳-۳. پیامدهای بحران

۳-۳-۱. پیامدهای سیاسی تسخیر سفارت آمریکا

۳-۳-۱-۱. مراجعه به سازمان ملل متحد

یکی از نخستین اقدامات دولت آمریکا مراجعه به شورای امنیت سازمان ملل بود. دولت آمریکا از این طریق می‌خواست بر فشار سیاسی-اقتصادی و حقوقی خود بر ایران بیفزاید و ایران را در جامعه بین‌الملل منزوی کند، آنان را متقاعد سازد که در صورت تداوم گروگان‌گیری و نقض حقوق بین‌الملل، بهای سنگینی خواهند پرداخت (ونس و برژینسکی، ۱۳۶۲، ص. ۷۳).

با سماجت آمریکا در ۲۷ نوامبر ۱۹۷۹، در شورای امنیت سازمان ملل جلسه فوق‌العاده‌ای تشکیل و تصمیم‌گیری به جلسه دهم آذرماه ۱۳۵۸ موکول شد و از دولت ایران و آمریکا جهت شرکت در این جلسه دعوت به عمل آمد. امام از آنجا که می‌دانست شورای امنیت، علیه ایران رأی خواهد داد، اجازه نداد در این جلسه شرکت کنند. سرانجام شورای امنیت به‌اتفاق آرا دولت ایران و عمل گروگان‌گیری را محکوم کرد (سالینجر، ۱۳۶۲، صص. ۱۰۷-۱۰۶).

۳-۳-۱-۲. استعفای دولت موقت

دولت آمریکا امیدوار بود با دخالت دولت بازرگان هرچه سریع‌تر مسئله خاتمه پیدا کند. بروس لینکن که به وزارت خارجه ایران پناهنده شده بود، با وزیر خارجه آمریکا تماس گرفت و گفت یزدی وزیر خارجه ایران تلاش زیادی برای حل مسئله کرده ولی کسی حرف او را گوش نمی‌کند. با بهشتی هم که از نزدیکان امام است تماس گرفت؛ ولی او هم از اشغال‌کنندگان سفارت پشتیبانی کرد (ونس و برژینسکی، ۱۳۶۲، ص. ۶۹).

روز ۱۳ آبان ۱۳۵۸ سفارت آمریکا اشغال شد و در پی حمایت‌های رهبر انقلاب از دانشجویان، دولت بازرگان دو روز بعد استعفا داد. بازرگان می‌نویسد: «دولت موقت که از نظر مسئولیت سیاسی و اداری کشور و حفظ حقوق نمایندگان و اتباع خارجی طبق دستورات بین‌المللی نمی‌توانست مغایر این اقدام (اشغال سفارت آمریکا) نباشد؛ چون قبلاً تصمیم به استعفا گرفته بود، هیچ‌گونه اعلامیه و اقدامی در این زمینه ابراز نکرد» (بازرگان، ۱۳۶۳، ص. ۹۴). البته شعارهای تند علیه «آمریکا» و «دولت موقت» و «سازش کاری» هم دیگر مجالی برای ادامه کار دولت نگذاشته بود. آخرین استعفای بازرگان روز قبل از اشغال سفارت به تصویب هیأت دولت رسیده بود. وی در تاریخ ۱۳۵۸/۰۸/۱۴ استعفای خود را تقدیم امام کرد (باقی، ۱۳۷۶، ص. ۳۴).

۳-۱-۳. کودتای نوژه

روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز پنج ماه قبل از آغاز تجاوز عراق درباره طرح‌های مرحله‌به‌مرحله دولت آمریکا و در اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۹ از بررسی سه طرح نظامی بسیار مهم دولت آمریکا پس از شکست عملیات طبس خبر می‌داد. این طرح‌ها شامل پیاده کردن نیروی نظامی در شهرهای محل نگهداری گروگان‌ها، مین‌گذاری در میدان‌های صدور نفت، یا بمباران پالایشگاه‌های ایران بود. وی در ادامه می‌نویسد: «واشنگتن امیدوار است که تحریم اقتصادی و سیاسی ایران بتواند در سایه تیرگی روابط ایران و عراق تأثیر بیشتری داشته باشد.» او می‌افزاید: «عده‌ای معتقدند چشم‌انداز جنگ با کشوری نیرومند (عراق) شاید ایران را وادار سازد در سیاست خود تجدیدنظر کند» (محمدی، ۱۳۷۲، ص. ۹).

آژانس جاسوسی آمریکا (سیا) به کودتای نوژه به شدت امید بسته بود و آن را ضربه نهایی بر نظام جمهوری اسلامی می‌پنداشت و اهمیت آن را بیش از تجاوز نظامی صدام می‌دانست؛ چراکه این کودتا از لحاظ تجهیزات نظامی، افراد برجسته، برنامه‌ریزی دقیق و... در تاریخ کودتاهای جهان بی‌سابقه بود و از سوی دیگر، دقت طراحی آن در حدی بود که سیا موفقیت آن را یقینی می‌دانست آن‌گونه که حتی اعلامیه پیروزی و جایگاه شریعتمداری به‌عنوان رهبر مذهبی کودتا مشخص شده بود (حبیبی، ۱۳۸۲، ص. ۱۲۷).

۳-۱-۴. جنگ عراق علیه ایران

طولانی شدن ماجرای اشغال لانه جاسوسی به رژیم جاه‌طلب عراق فرصت داد تا توافق‌های لازم را برای تحمیل جنگ علیه ایران به عمل آورد. هرچند به خاطر وضعیت ایران در سال ۱۳۵۹ و فقدان نیروهای مسلح، تصور دشمن، ختم جنگ در چند هفته با دستاورد تجزیه جنوب ایران و سقوط حکومت ایران یا تسلیم آن بود و دفاع قهرمانانه مردم ایران این تصورات را نقش بر آب کرد. در هر صورت می‌توان جنگ ایران و عراق را یکی از پیامدهای اشغال لانه جاسوسی برشمرد که آمریکایی‌ها از آن به‌عنوان اهرم فشار علیه ایران استفاده کردند. برژینسکی در کتاب قدرت و اصول اخلاقی می‌نویسد: درحالی که کریستوفر و کاتلر به تلاش خود برای رسیدن به نوعی توافق ادامه می‌دادند، توصیه من برای تسریع در حل مسئله این بود که به ایرانی‌ها هشدار دهیم اگر حاضر به مصالحه نشوند، عراق را در جنگ با آن‌ها تقویت خواهیم کرد. براون نظر مرا در یکی از جلساتی که در ماه سپتامبر داشتیم تأیید کرد (باقی، ۱۳۷۶، صص. ۹۹ - ۹۸).

۳-۱-۵. قطع روابط ایران و آمریکا

ونس با تأکید کارتر در اوج ناامیدی و پریشانی، دستور قطع روابط آمریکا با ایران را صادر

می‌کند. در جلسه رسمی ۷ آوریل ۱۹۸۰ (۱۸ فروردین ۱۳۵۹) شورای امنیت ملی آمریکا، بیانیه‌ای به شرح زیر به پیشنهاد ونس وزیر امور خارجه علیه ایران به تصویب رسید: «ایالات متحده روابط دیپلماتیک خود را با ایران قطع شده می‌داند و از این رو تمامی دیپلمات‌ها و کنسول‌های ایران باید هرچه زودتر خاک آمریکا را ترک کنند. صادرات تمامی کالاها از ایالات متحده به ایران ممنوع است، به جز مواد غذایی و دارویی آن هم در کمترین سطح ممکن. وزارت دارایی آمریکا در نظر دارد تحقیقی را در خصوص دارایی‌های ایران در ایالات متحده انجام دهد و همچنین به بررسی دعاوی ایالات متحده علیه ایران بپردازد. تمامی روایدهایی که برای اتباع ایرانی صادر شده است، باطل خواهد شد و از این پس تنها با توجه به مسائل بشردوستانه و منافع ملی آمریکا برای اتباع، روایید ورود به آمریکا صادر خواهد شد».

به هر ترتیب مقرر شد بیانیه ونس بدون تغییر تسلیم کاردار ایران در آمریکا شود. از این رو در همان روز، کاردار ایران به همراه معاونش به وزارت خارجه فراخوانده شدند تا ضمن تقدیم این بیانیه به آن‌ها، از آنان خواسته شود به همراه سایر دیپلمات‌های ایرانی، از آمریکا خارج شوند (سیک، ۱۳۸۴، صص ۴۰۰ - ۳۹۸).

این اقدام آمریکا هشدار می‌بود برای مسئولان ایرانی که احتمال حمله نظامی آمریکا را تقویت شده ارزیابی کنند و این درس تاریخی برای آیندگان هم باقی بماند. امام خمینی با اتخاذ موضعی خردمندانه پیام بسیار جالبی در این مورد صادر کرد:

ملت شریف ایران، خیر قطع رابطه بین ایران و آمریکا را دریافت کردم و اگر کارتر در عمر خود یک کار کرده باشد که بتوان گفت به خیر و صلاح مظلوم است، همین قطع رابطه است. رابطه بین یک ملت بپاخاسته برای رهایی از جنگال چپاولگران بین‌المللی با یک چپاولگر عالمخوار، همیشه به ضرر ملت مظلوم و به نفع چپاولگر است. ما این قطع رابطه را به فال نیک می‌گیریم؛ چون که این قطع رابطه دلیلی بر قطع امید آمریکا از ایران است... من کراراً گوشزد نموده‌ام که رابطه ما با امثال آمریکا، رابطه ملت مظلوم با جهان خواران است. شما ای ملت عزیز! که برای رضای خداوند متعال، با بانگ «الله اکبر» بر دشمنان خود چیره شدید و آزادی و استقلال را به دست آوردید، با اتکال به خداوند تعالی و حفظ وحدت کلمه مهیا باشید برای رودرویی دشمنان اسلام و دشمنان مستضعفین؛ شما به خواست خدای تعالی پیروز هستید (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۲، ص. ۲۳۳).

۶-۱-۳. تقویت نهضت‌های آزادی‌بخش

تسخیر سفارت آمریکا در ایران حامل پیام سیاسی مهمی به نیروهای آزاده و نهضت‌های آزادی‌بخش جهان به‌خصوص کشورهای اسلامی بود. این حادثه مؤلفه‌هایی مانند شجاعت، ایستادگی و مقاومت را در جنبش‌های آزادی‌بخش در مواجهه با استکبار جهانی و در رأس آن ایالات متحده آمریکا تقویت کرد.

۲-۳-۳. پیامدهای فرهنگی تسخیر سفارت آمریکا

۱-۲-۳-۳. ایجاد فرهنگ استقلال از قدرت‌های خارجی و استحکام نیروهای انقلابی

تسخیر سفارت آمریکا سبب کنار زدن نیروهای غیر معتقد به خط واقعی امام و کاهش واقعی جایگاه نیروهای سیاسی مارکسیست و لیبرال شد. علت این امر موضع‌گیری‌ها و عملکرد این گروه‌ها در جریان اشغال سفارت آمریکا و همچنین افشاگری دانشجویان پیرو خط امام در مورد سوابق برخی از آنان بود.

پیامد طبیعی این مسئله تثبیت خط امام و افزایش تسلط نیروهای انقلابی حامی ایشان بر شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه بود. این نیروها که با هدف پیروزی انقلاب اسلامی فداکاری زیادی کرده بودند، به سبب نداشتن تشکیلات و تجربه سیاسی، برخلاف گروه‌های غیرمذهبی و التقاطی در ابتدای پیروزی انقلاب قادر به تأثیرگذاری به‌اندازه وزن خود در جامعه نبودند و همین اقدام سبب شد طرف مقابل نبض سیاست را در جامعه آن روز ایران تحت کنترل بگیرد (شاه‌علی، ۱۳۹۱، ص. ۱۶۱)؛ ولی تسخیر سفارت آمریکا به سرعت شرایط را تغییر داد و این بار نیروهای التقاطی و غیرمذهبی بودند که در موضع ضعف قرار گرفتند و تسلط خود را در ماه‌های پس از پیروزی انقلاب از دست دادند. ابدی در این مورد می‌گوید:

۱۸۹

دقیقاً در عرض یک هفته همه‌چیز برای ما عوض شد و بسیاری از نیروهای غیرمذهبی سراسیمه شدند... حتی بی‌میل نبودند که آن‌ها هم در این حرکت شریک شوند. از نخستین پیامد این حرکت آن بود که به گروه‌های مسلمان اعتماد به نفس داد و اوضاع به ضرر نیروهای التقاطی و غیرمذهبی پیش رفت تا انقلاب فرهنگی که کاملاً از دانشگاه رخت بر بستند (جمهوری اسلامی، ۱۳۷۷/۰۸/۱۳).

۲-۲-۳. تقویت همگرایی، وحدت ملی و روحیه خودباوری

تقویت همگرایی و وحدت ملی از آثار بسیار مهم تسخیر سفارت آمریکا بود که آینده نظام جمهوری اسلامی را در درازمدت بیمه کرد. مردم با حضور در برابر لانه جاسوسی و تظاهرات

بر ضد سیاست‌های آمریکا از قیدوبند همه نارضایتی‌هایی که در اثر عملکرد محافظه‌کارانه دولت موقت برای آن‌ها به وجود آمده بود، رها شدند و با تجدید میثاق با آرمان‌های امام و انقلاب اسلامی دوباره حول محور ایشان و مقابله با استکبار جهانی متحد و یکپارچه شدند. به عبارت دیگر، تسخیر لانه جاسوسی زمینه همبستگی همه نیروهای انقلابی نسبت به اندیشه‌های امام را برای مواجهه با خطرات بزرگ‌تر و مبارزه‌ای وسیع‌تر با همه توان مهیا ساخت و ایالات متحده را دوباره به‌عنوان دشمن شماره یک کشور در اذهان مردم انقلابی زنده کرد (شاه‌علی، ۱۳۹۱، ص. ۱۶۳).

همچنین یکی دیگر از آثار مهم تسخیر سفارت آمریکا از بین بردن روحیه خودباختگی در میان ملت ایران بود. خودباختگی برخی گروه‌های سیاسی در برابر قدرت مرعوب‌کننده غرب و به‌خصوص آمریکا برطرف نشده بود و تأثیرات آن در جامعه ایران کماکان ادامه داشت. با تسخیر سفارت آمریکا ایده شکست‌ناپذیری آمریکا نه تنها در ایران، بلکه در کل جهان از بین رفت. آمریکا که هیچ‌گاه در دوره حیات خود با چنین شرایطی مواجه نشده بود، ضربه شدیدی را از مردم مسلمان و انقلابی ایران دریافت کرد و این مهم موجب رشد سریع و جهش سیاسی قابل توجه ایران شد (شاه‌علی، ۱۳۹۱، ص. ۱۶۵).

۳-۲-۳-۳. تحقیر آمریکا

از دیگر پیامدهای تسخیر سفارت آمریکا، تحقیر آمریکا بود. تحقیر واژه‌ای است که مقامات کاخ سفید در کتاب‌هایی که درباره گروگان‌گیری نوشته‌اند، بارها به کار بسته‌اند. هامیلتون جردن در خاطرات خود می‌نویسد مردم آمریکا در مقابل سفارت ایران در آمریکا به شدت علیه ایران شعار می‌دادند و می‌گفتند: «ما نمی‌توانیم این تحقیر را تحمل کنیم». آن‌ها همچنین به کرات از آشفته‌گی‌ها و مناقشات و درگیری‌های اعضای کابینه آمریکا و عجز و ناتوانی آمریکا و نداشتن امکانات برخورد با مسئله گروگان‌گیری و عصبانیت‌ها و دنباله‌روی از ایران و... سخن گفتند (شیرودی، ۱۳۸۶، ص. ۱۳۲).

۳-۲-۳-۴. تقویت نهضت‌های آزادی‌بخش

از مهم‌ترین پیامدهای تسخیر سفارت آمریکا، تقویت نهضت‌های آزادی‌بخش بود. آمریکا در نخستین واکنش، تصمیم به تحریم اقتصادی ایران گرفت و دارایی‌های ایران را در بانک‌های آمریکایی و بانک‌های خارجی مستقر در آمریکا ضبط کرد. از سوی دیگر، به‌رحال تسخیر سفارت آمریکا اگرچه از سوی دولت‌های وابسته به شرق و غرب محکوم شد، از طرف ملت‌های

محروم و نهضت‌های آزادی‌بخش جهان به شدت مورد حمایت قرار گرفت و سبب گسترش حرکت‌های ضداستعماری در نظام بین‌الملل و به‌خصوص در خاورمیانه شد.

۳-۳-۳. پیامدهای اقتصادی تسخیر سفارت آمریکا

۱-۳-۳-۳. ایجاد تضییقات اقتصادی علیه ایران

سایروس ونس در ۱۰ آذر ۱۳۵۸ به اروپا (لندن، پاریس و رم) سفر کرد تا نظر آن‌ها را برای اعمال فشارهای اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران جلب کند. این کشورها که در مورد تحقیر آمریکا به‌وسیله ایران با آن‌ها همدردی کردند و خود نیز در وضع ناراحت‌کننده‌ای قرار داشتند در عین‌نیاز به نفت خاورمیانه نمی‌خواستند سیاست خود را جدا از ایالات متحده یا در مقابل آن یا بی‌اعتنا نشان دهند. در آبان ۱۳۵۸ کارتر دستور قطع خرید نفت ایران را اعلام کرد؛ اگرچه این تصمیم در آمریکا موجب کمبود نفت و بنزین و گرانی و نارضایتی مردم می‌شد. کارتر از کشورهای غربی نیز خواست از خرید نفت اضافی ایران خودداری کنند و انگلیس، آلمان، فرانسه و ایتالیا پاسخ مثبت دادند. البته برای آمریکا چشم‌پوشی از نفت ایران که فقط ۳ درصد مصرف آن‌ها را تشکیل می‌داد آسان بود؛ زیرا صادرات سالانه ۲۵ میلیون تن نفت ایران به ایالات متحده نسبت به ۴۰۲ میلیون تن کل واردات نفتی آمریکا ناچیز بود در صورتی که همین مقدار نفت برای اروپایی‌ها ارزشمند بود (باقی، ۱۳۷۶، صص. ۵۰ - ۴۹).

۲-۳-۳-۳. بلوکه کردن اموال ایران

پس از قطع خرید نفت ایران، دولت ایران به این نتیجه رسید که دارایی‌های خود را از بانک‌های آمریکایی خارج کند که در روز ۲۳ آبان ۱۳۵۸ کارتر دستور مسدود شدن سپرده‌های ایران در تمام بانک‌های آمریکایی و شعب خارجی آن را صادر کرد و کشورهای اروپایی نیز از آن حمایت کردند. دارایی‌های ایران در بانک‌های مختلف ایالات متحده در امانت بود. دیوان عالی انگلیس نیز دارایی‌های ایران را در این کشور توقیف کرد. در فرانسه نیز سپرده‌های پولی دچار اشکال شد. دولت ایران متقابلاً در ۲۳ نوامبر اعلام کرد که از بازپرداخت وام‌های خارجی خود سرباز می‌زند و شکایتی برای بازگرداندن ۵/۵۶ میلیارد دلار اموالی را که محمدرضا پهلوی از ایران خارج کرده بود، به دادگاه عالی نیویورک تسلیم کرد. سپرده‌های بلوکه‌شده ایران بعدها به‌عنوان ابزاری در معامله برای آزادی گروگان‌ها و بیانیه الجزایر مورد استفاده قرار گرفت به‌ویژه که ایران هرچند در این زمان هنوز حدود ده میلیارد ذخیره ارزی داشت؛ ولی به سبب آنکه در شرایط جنگی بود به این پول نیازمند بود (باقی، ۱۳۷۶، صص. ۵۱ - ۵۰).

۳-۴. مدیریت بحران

۳-۴-۱. مداخله و اقدام در بحران

۳-۴-۱-۱. موضع‌گیری امام خمینی و ایجاد موج اطمینان و هیجان

امام در اولین سخنرانی خود در تاریخ ۱۴ آبان ۵۸، درست یک روز پس از تسخیر سفارت، به وسیله دانشجویان پیرو خط امام، ضمن تأیید کنش دانشجویان، آمریکا را «شیطان بزرگ» نامید و به سفارت آمریکا لقب «لانه جاسوسی» داد. در شرایطی که در اثر تنش‌های شدید داخلی نوعی غفلت عمومی نسبت به خطرات اصلی تهدیدکننده انقلاب ایجاد شد، ایشان ضمن حمایت از دانشجویان، دلایل مهم حمایت خود را نیز بیان کرد:

در حال حاضر خیانت‌های زیرزمینی است. یک توطئه‌های زیرزمینی است که توطئه‌های زیرزمینی در همین سفارتخانه‌ها که هست، دارد ایجاد می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها برای شیطان بزرگ آمریکاست و نمی‌شود بنشینید و آن‌ها توطئه‌شان را انجام دهند. یک وقت ما بفهمیم که از بین رفت یک مملکتی و با حرف‌های نامربوط دموکراسی و امثال ذلک ما را اغفال کنند که مملکت دموکراسی است و هر کس حق دارد در اینجا بماند، هر کس حق دارد توطئه بکند... و شاه را که دارایی‌های ما را برده است و در بانک‌ها مقادیر بسیار زیادی که ما حالا شاید بعضی از آن‌ها را مطلع باشیم در بانک‌ها سپرده است و همه مال ملت است. تا این را برنگرداند و اگر این را برنگرداند ما طور دیگری با آن‌ها رفتار می‌کنیم با انگلستان هم طور دیگر رفتار می‌کنیم. نه خیر، این طور نیست. مسئله باز انقلاب است. یک انقلاب زیادتر از انقلاب اول خواهد شد. باید سر جای خودشان بنشینند و این خائن را او (آمریکا) برگرداند و آن خائن، بختیار خائن را هم او برگرداند... آن مرکزی که جوان‌های ما رفتند آن‌طور که اطلاع دادند مرکز جاسوسی و مرکز توطئه بوده است. آمریکایی‌ها توقع دارند که شاه را ببرند و در آنجا مشغول توطئه، پایگاهی هم اینجا برای توطئه ایجاد کنند و جوان‌های ما بنشینند و تماشا کنند (باقی، ۱۳۷۶، صص. ۳۲ - ۳۱).

۳-۴-۱-۲. پذیرش استعفا دولت موقت از سوی امام خمینی

تسخیر سفارت آمریکا در واقع ضربه نهایی به دولت مهدی بازرگان بود. به بیان دیگر، در نتیجه این اقدام انقلابی، قدرت متزلزل دولت موقت رو به افول گذاشت و همگام با آن، اساس همکاری‌های استراتژیک ایران و ایالات متحده فروپاشید. بازرگان که چند بار در گذشته اعلام استعفا کرده بود؛ ولی امام آن را نپذیرفته بود، این بار دو روز پس از حادثه تسخیر

سفارت آمریکا، از سمت نخست‌وزیری استعفا کرد که بی‌درنگ، امام آن را پذیرفت.

۳-۱-۴-۳. بیانیه الجزایر

نخستین مجلس شورای اسلامی در ۷ خرداد ۱۳۵۹ افتتاح شده بود و امام در پیامی به مناسبت حج در تاریخ ۱۱ شهریور ۱۳۵۹، حل مسئله گروگان‌ها را به مجلس واگذار کرد. مسئله گروگان‌ها به کانون یکی از داغ‌ترین بحث‌ها و مذاکرات مجلس تبدیل شد. پس از تصویب مجلس و ارجاع کار به دولت جمهوری اسلامی، دولت الجزایر به‌عنوان میانجی دولت‌های ایران و آمریکا از سوی دو کشور پذیرفته شد و متعاقباً مذاکرات پرفرازونشیب و فشرده‌ای در الجزیره و تهران به جریان افتاد و بیانیه‌ای به توافق دو کشور ایران و آمریکا رسید و انتشار یافت. قرار شد هم‌زمان با اجرای بیانیه، گروگان‌ها آزاد شوند.

در این مذاکرات، شرایط چهارگانه مصوب مجلس شورای اسلامی (که برگرفته از پیام ۱۱ شهریور امام خمینی بود) مبنای گفتگو قرار گرفت و برای اجرای هر شرط راهکارهایی به توافق طرفین رسید. این شرایط عبارت بودند از: آزاد گذاشتن تمامی سرمایه‌های ایران، لغو تمام ادعاهای آمریکا علیه ایران، تضمین عدم دخالت سیاسی و نظامی آمریکا در ایران. نتیجه مذاکرات در واقع تنظیم دو بیانیه و چند سند تعهد بود که در مجموع به بیانیه‌های الجزایر معروف شد. علت انتخاب کلمه بیانیه بجای قرارداد یا توافقنامه نیز این بود که ایران حاضر به نشستن بر سر میز مذاکره با آمریکا نبود و دولت الجزایر به‌عنوان واسطه، آنچه را طی مذاکرات طولانی میان ایران و آمریکا از طریق الجزایر، به توافق طرفین رسیده بود، به‌صورت بیانیه منتشر کرد و ایران و آمریکا به‌طور جداگانه، بیانیه‌های مزبور را با امضای خود تأیید و به دولت الجزایر تسلیم کردند.

۱۹۳

۳-۱-۴-۴. پایان بحران

با طولانی شدن فرایند ماجرای تسخیر سفارت، ایالات متحده آمریکا به این نتیجه رسید که راه‌حل این مسئله فقط به دست امام انجام می‌شود و کارتر تصمیم گرفت نماینده ویژه‌ای را نزد ایشان بفرستد. پس از مباحثاتی، پیشنهاد شد رمزی کلارک دادستان پیشین آمریکا که در پاریس نیز به دیدار امام رفته بود به همراه ویلیام میلر از کارکنان سابق وزارت خارجه که چندی در تهران خدمت کرده بود و می‌توانست به زبان فارسی صحبت کند، به‌عنوان فرستاده ویژه کارتر عازم تهران شوند. کارتر علی‌رغم انتقاداتی که به کلارک داشت، به گمان اینکه وی می‌تواند فرد مورد اعتماد رهبران ایران باشد، او را مأمور کرد که روز ۱۵ آبان ۱۳۵۸ با یک هواپیمای

نظامی عازم تهران شود. روز ۱۶ آبان رادیو تهران با قطع برنامه‌های خود اعلام کرد که امام طی بیانیه‌ای گفتند که هیچ کس حق مذاکره با آمریکا را ندارد. روزنامه‌های پنج‌شنبه ۱۷ آبان با تیتراژ درشت نوشتند: «امام: نه» و «هیچ کس حق ندارد با آمریکا مذاکره کند» خبر را منعکس کردند. روزنامه اطلاعات متن پیام امام را این گونه شرح کرده است:

گویا فرستاده ویژه کارتر در راه ایران هستند و قصد دارند به شهر قم آمده و با این جانب ملاقات نمایند. به همین خاطر متذکر شوم دولت آمریکا که با نگهداری شاه اعلام مخالفت آشکار با ایران را نموده است و از سوی دیگر آن‌طور که گفته شده است، سفارت آمریکا در ایران محل جاسوسی دشمنان ما علیه نهضت مقدس اسلامی است، در نتیجه ملاقات با من به هیچ وجه برای نمایندگان ویژه امکان‌پذیر نیست و همچنین اعضای شورای انقلاب تحت هیچ شرایطی نباید با آنان ملاقات نمایند. هیچ کدام از مقامات مسئول حق ملاقات با آمریکایی‌ها را ندارند و در صورتی که چنانچه آمریکا محمدرضا پهلوی این دشمن شماره یک ملت عزیز ما را به ایران تحویل دهد و دست از جاسوسی بر ضد نهضت ما بردارد، راه مذاکره در موضع بعضی از روابطی که به نفع ملت است باز است (اطلاعات، ۱۳۵۹).

۵-۳. تجربه اندوزی از بحران

از جمله تجربه اندوزی‌های که می‌شود در نظر گرفت، تکیه نکردن امام به سایر قدرت‌ها برای مبارزه علیه دشمن خارجی است درسی که امام برای همه پویندگان راه حقیقت به ارمغان گذاشت، این بود که نباید برای مقابله با دشمن به سایر قدرت‌ها اتکا کرد؛ چراکه تجربه تاریخی نشان می‌دهد قدرت‌های بزرگ، هر زمان که منافعشان اقتضا کرده است، به راحتی توافق‌های خود را با دیگران نادیده می‌گیرند. این واقعیتی است که به‌طور مکرر در تاریخ ایران و جهان ثابت شده است. امام با استفاده از پشتیبانی مردم و توکل بر خدا توانست توان لازم برای تحمل سختی‌های مبارزه علیه نظام استکباری را در میان مردم به وجود آورد.

از دیگر موارد تجربه اندوزی این بحران آن بود که در آن زمان ایالات متحده آمریکا به‌عنوان ابرقدرت نظامی و لجستیک دنیا شناخته می‌شد. پس از این بحران هر لحظه انتظار می‌رفت که آمریکا علیه ایران اقدام نظامی انجام دهد؛ ولی امام علی‌رغم همه کاستی‌های نظامی هیچ گونه واهمه‌ای از بابت حمله علیه ایران نداشت؛ زیرا مهم‌ترین عامل اطمینان خاطر ایشان، ایمان به خدا و وجود نیروهای مخلص انقلابی بود.

از موارد دیگر تجربه‌اندوزی، اصل قرار دادن مصالح نظام برای اتخاذ تصمیم است؛ خط قرمز امام خمینی در این ماجرا، مصالح نظام جمهوری اسلامی بود و به‌هیچ‌وجه تمایلات گروه‌ها و جریان‌های سیاسی را ملاک عمل قرار نداد و در هر شرایطی اصل را بر تأمین منافع نظام قرار داد و در برابر هر موضع دیگری اولویت برای امام در این جریان حفظ نظام و تأمین منافع نظام اسلامی در کشور بود. در همان حال از ایجاد تعارض بین منافع ملی و مصالح نظام اجتناب می‌کرد.

از موارد دیگر تجربه‌اندوزی، محور قرار دادن مجلس شورای اسلامی برای تعیین تکلیف نهایی است؛ درس بزرگ دیگر امام، حل و فصل نهایی ماجرا به دست مجلس شورای اسلامی بود تا آن‌ها مسئولیت تاریخی پایان ماجرا را بر عهده بگیرند؛ چراکه از همان ابتدا هم حرکت دانشجویان با انجام تظاهرات گسترده مورد تأیید مردم قرار گرفته بود. نکته ظریف در این ماجرا تعیین اصول چهارگانه توافقی نهایی است که امام به‌عنوان رهنمود در اختیار مجلس قرار داد تا نمایندگان مجلس درباره ترتیبات اجرایی و چگونگی شرایط پایانی، تصمیم نهایی را اتخاذ کنند (بهشتی‌پور، ۱۳۸۹، ص. ۹۰).

نتیجه‌گیری

در این مقاله سؤال اصلی آن بود که مدیریت انقلابی امام در بحران تسخیر سفارت آمریکا ایران چه بود. برای این بررسی از روش تحلیل اسنادی استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد تسخیر سفارت آمریکا دارای زمینه‌ها و علل مختلفی است. برای زمینه‌ها و علل مواردی همچون تشدید اقدامات خصمانه آمریکا علیه ایران، استفاده از سفارتخانه برای مقاصد جاسوسی، تلاش سفارتخانه برای جذب نخبگان و دولتمردان، پناه دادن به شاه مخلوع، سیاست‌های میانه‌روانه دولت بازرگان در جو انقلابی اوایل انقلاب توضیح داده شد. فرایند بحران به دو دسته پیدایش و گسترش بحران تقسیم می‌شود. در پیدایش چگونگی اشغال سفارت آمریکا اهداف و انگیزه گروه‌های مارکسیستی، سازمان مجاهدین خلق و دانشجویان مسلمان پیرو خط امام بیان شد و در گسترش بحران چگونگی روند نگهداری از گروگان‌ها، ماجرای طبس و مذاکرات آمریکا برای برگرداندن گروگان‌ها توضیح داده شد.

در قسمت پیامدهای بحران، ابتدا به پیامدهای سیاسی آن پرداخته شد: ۱. مراجعه آمریکا به سازمان ملل متحد؛ بدین معنا که دولت آمریکا می‌خواست بر فشار سیاسی-اقتصادی و حقوقی خود بر ایران بیفزاید و ایران را در جامعه بین‌الملل منزوی کند؛ ۲. کودتای نوژه؛ در خصوص این ماجرا توضیح داده شد که آژانس جاسوسی آمریکا (سیا) به کودتای نوژه به شدت امید

بسته بود و آن را ضربه نهایی بر نظام جمهوری اسلامی می‌پنداشت؛ ۳. جنگ عراق علیه ایران؛ آمریکایی‌ها از آن به‌عنوان اهرم فشار علیه ایران استفاده کردند؛ ۴. استعفای دولت موقت و قطع روابط ایران و آمریکا نیز از دیگر پیامدهای سیاسی بود که توضیح داده شد. پیامدهای فرهنگی عبارتند از:

۱. ایجاد فرهنگ استقلال از قدرت‌های خارجی و استحکام نیروهای انقلابی؛ در توضیح این پیامد اذعان شد که تصرف لائنه جاسوسی موجب کنار زدن نیروهای غیر معتقد به خط واقعی امام و تضعیف جدی جایگاه نیروهای سیاسی مارکسیست و لیبرال شد. نتیجه طبیعی این امر تثبیت خط امام و افزایش تسلط نیروهای انقلابی حامی ایشان بر فرایندهای سیاسی و اجتماعی جامعه بود.

۲. تقویت همگرایی، وحدت ملی و روحیه خودباوری به این معنا که تسخیر سفارت سابق آمریکا زمینه اتحاد و انسجام همه نیروهای متعهد و مؤمن به دیدگاه‌های امام را برای مقابله با تهدیدی بزرگ‌تر و مبارزه‌ای وسیع‌تر با همه توان فراهم ساخت. در پیامدهای اقتصادی هم ایجاد تزییقات اقتصادی علیه ایران و بلوکه کردن اموال ایران ذکر و توضیح داده شد. در مورد بلوکه کردن اموال توضیح داده شد که کارتر دستور مسدود شدن دارایی‌های ایران در کلیه بانک‌های آمریکایی و شعب خارجی آن را صادر کرد. مدیریت بحران شامل موضع‌گیری امام و ایجاد موج اطمینان در مردم بود. در این زمینه هم امام ضمن تأیید اقدام دانشجویان، آمریکا را «شیطان بزرگ» نامید و به سفارت آمریکا لقب «لائنه جاسوسی» داد و به سرانجام رسیدن ماجرای تسخیر سفارت آمریکا را شرح داد.

در نهایت تجربه‌اندوزی از بحران شامل تکیه نکردن امام به سایر قدرت‌ها برای مبارزه علیه دشمن خارجی؛ چراکه تجربه تاریخی نشان می‌دهد قدرت‌های بزرگ هر زمان که منافعشان اقتضا کند به راحتی توافق‌های خود را با دیگران نادیده می‌گیرند. اصل قرار دادن مصالح نظام برای اتخاذ تصمیم بدین معنا که امام به هیچ‌وجه تمایلات گروه‌ها و جریان‌های سیاسی را ملاک عمل قرار نداد و در هر شرایطی اصل را بر تأمین منافع نظام قرار داد.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: نویسنده به تنهایی در آماده‌سازی مقاله نقش داشته است.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسنده در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسنده حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

- الفت پور، علی (۱۳۸۹). *چهل تدبیر، مروری بر مقاطع بحرانی تاریخ جمهوری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات پرستا، چاپ شانزدهم.
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹). *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم، ۲۲ جلدی.
- بازرگان، مهدی (۱۳۶۳). *انقلاب در دو حرکت*. تهران: بنیاد فنی مهندسی مهدی بازرگان.
- باقی، عمادالدین (۱۳۷۳). *تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی ایران*. تهران: نشر تفکر.
- برچر، مایکل (۱۳۸۲). *بحران در سیاست جهان، ظهور و سقوط بحران‌ها*. ترجمه میر فردین قریشی. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بهشتی‌پور، حسن (۱۳۸۹). نقش امام خمینی در مدیریت بحران گروگان‌گیری در لانه جاسوسی آمریکا. *فصلنامه مطالعات تاریخی*، ۷(۳۰)، ۹۳-۱۱.
<https://mtq.ir/temp/519f167ab40813e81c34da514fc8d672.pdf>
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹). *مدیریت بحران؛ نقد بر شیوه‌های تحلیل و تدبیر بحران در ایران*. تهران: فرهنگ گفتمان. چاپ اول.
- حبیبی، حمید (۱۳۸۲). *گروگان‌گیری و آغاز جنگ ایران و عراق*. قم: نشر معارف، چاپ اول.
- حسین‌زاده، ابوالحسن (۱۳۸۷). *الگوی مدیریت بحران سیاسی در سیره امام خمینی (بررسی موردی تسخیر لانه جاسوسی)*. *فصلنامه دین و سیاست*، ۵(۱۸-۱۷)، ۱۵۱-۱۷۱.
https://raj.smc.ac.ir/article_2713_1eb32d8fcd745b3268d2c8adb15b2360.pdf
- درویشی سه‌تانی، فرهاد (۱۳۸۹). *پرسش‌ها و پاسخ‌ها، جنگ ایران و عراق*. تهران: مرکز اسناد و تحقیقات جنگ، چاپ ششم.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و فاضلی، سامان (۱۴۰۲). *بازنمایی یادمان تسخیر سفارت در سیاست خاطره ایران در برابر آمریکا*. *پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، ۱۲(۱)، ۱۵۷-۱۸۸.
<https://doi.org/10.22067/irlip.2023.73149.1173>
- رضایی، علی‌اکبر (۱۳۹۰). *مدیریت بحران*. تهران: نشر یادآوران. چاپ اول.
- *روزنامه جمهوری اسلامی*، ۱۳/۸/۱۳۷۷.
- *روزنامه اطلاعات*، ۱۳۵۹، شماره ۱۵۹۹۷.
- سالیانجر، پیر (۱۳۶۲). *گروگان‌گیری در ایران و مذاکرات محرمانه تهران*. ترجمه جعفر ثقة‌الاسلامی. تهران: نشر نوین. چاپ اول.

- سعیدی، لیلا (۱۳۸۹). مدیریت بحران. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- سیک، گری (۱۳۸۴). همه چیز فرومی ریزد. ترجمه علی بختیاری زاده. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شاه علی، احمد رضا (۱۳۹۱). تأثیر واقعه تسخیر لانه جاسوسی آمریکا بر جریان های سیاسی داخل کشور. پژوهش های سیاسی جهان اسلام، ۲(۳)، ۱۴۳ - ۱۷۱.
https://priw.ir/browse.php?a_code=A-10-1-75&slc_lang=fa&sid=1
- شیرودی، مرتضی (۱۳۸۶). تسخیر لانه جاسوسی آمریکا: علل، روند و پیامدها. فصلنامه پیام، ۸۵، ۱۳۳-۱۲۱.
<http://ensani.ir/fa/article/223199>
- طاهری شمیرانی، صفت الله (۱۳۸۹). سازمان ملل و تسخیر سفارت آمریکا. فصلنامه سیاست خارجی، ۲۴(۲)، ۵۴۵ - ۵۹۶.
http://fp.ipisjournals.ir/article_9509.html
- محمدی، منوچهر (۱۳۷۲). علل و عوامل بروز جنگ تحمیلی. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۳۰(۰)، ۲۷۱-۲۴۹.
https://jflps.ut.ac.ir/article_15165.html
- مهدی نیا، جعفر (۱۳۸۳). معمای اشغال سفارت آمریکا. تهران: امید فردا، چاپ اول.
- نصیری حامد، رضا (۱۳۸۹). مدیریت بحران. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- ونس، سایروس و برژینسکی (۱۳۶۲). توطئه در ایران. تهران: انتشارات هفته، چاپ اول.

واکاوی کیفی مختصات ایدئولوژی در دستگاه فکری علی شریعتی بر اساس چشم‌انداز هانا آرنت

حسین صابر دمیرچی^۱

Doi:10.22034/FADEMO.2024.469635.1051

چکیده: هانا آرنت تعریفی نوآورانه و بدیع از عناصر توتالیتر تشکیل دهنده «ایدئولوژی» و کاربرد آن‌ها در جنبش‌های سلطه‌گر و به‌طور ویژه توتالیتر ارائه می‌دهد. می‌توان گفت پروبلماتیک و ایدئولوژیک شدن عناصری از فرهنگ دینی، نقشی مهم و پیچیده در فراخواندن جامعه ایرانی به میدان انقلاب مردمی - اسلامی ۷۵۳۱ داشته است. در این میان علی شریعتی در ساخت دستگاه ایدئولوژیک از مذهب شیعه جایگاهی تعیین کننده داشته است. مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که با بررسی عناصر ایدئولوژی و جنبش توتالیتر در کتاب سیستم توتالیتر هانا آرنت، میزان همخوانی و ناهمخوانی آن را با مختصات ایدئولوژی و پراتیک احتمالی آن در دستگاه فکری شریعتی بررسی کنیم؟ در این پژوهش از روش مقایسه تحلیلی استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ایدئولوژی ظاهر شده در پروژه فکری شریعتی از منظر عناصر ایدئولوژی و پراتیک احتمالی ایده با برداشت آرنتی از ایدئولوژی توتالیتر همخوانی دارد. همچنین نوعی ناهمخوانی مشروط را در لحظه استقرار پیکره سیاسی و کیفیت مداخله ایدئولوژیک در جزئیات زندگی عمومی می‌توان فهم کرد. یافته دیگر این است که دستگاه فکری شریعتی در لحظه پراتیک سیاسی تاریخی، سوژه دوگانه و متناقضی را از نظر اجتماعی تألیف و نظر کاربست سیاسی فرامی‌خواند.

کلیدواژه‌ها: ایدئولوژی، مذهب شیعه، جنبش مردمی، لحظه تأسیس، تألیف و کاربست سیاسی.

۱. دکترای جامعه‌شناسی، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران. h.saber91@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۲

مقدمه و بیان مسئله

انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ خود نشان از تلاطم و پویایی جامعه ایرانی برای پاسخ‌گویی به مسئله ماهیت قدرت و جایگاه مردم به‌مثابه سوژه فعال و آگاه سیاسی در تاریخ یک‌صد ساله اخیر است (احمدیان و اسلامی، ۱۳۹۲). از منظر جامعه‌شناسی سیاسی، توسعه سیاسی را می‌توان در پرتو مسئله قدرت یا به تعبیر ساده‌تر توزیع قدرت^۱ در میان نیروهای اجتماعی مورد توجه قرار داد. در ایران بعد از انقلاب مشروطه، به‌رغم مقید شدن ظاهری قدرت به قانون، ساخت دولتی اقتدارطلب پدید آمد. دموکراتیزاسیون و به تبع آن توسعه سیاسی در ایران در یک‌صد سال گذشته، با یک مانع اصلی به نام تمایل دولت برای بازتولید مدار بسته قدرت مواجه بوده است (بشیریه ۱۳۹۴، ص. ۱۰۴). در فرایند تکوین ساخت قدرت سیاسی یا همان مدار بسته قدرت، گروهی از نیروهای اجتماعی به حاشیه رانده شده و مدار دومی از قدرت را تشکیل داده‌اند که در این نوشتار از آن به مدار تغییر در ایران یاد می‌شود. از همین رو دولت ایرانی همواره با حاشیه خود، یعنی گروه‌ها و افراد اجتماعی حاشیه‌نشین شده همراه بوده است و کنترل این حاشیه یکی از دغدغه‌های اصلی دولت برای حفظ نظام سیاسی بوده است. این گروه‌های حاشیه‌نشین نیز، در کمین نشسته و در انتظار ظهور تضادهای درونی دولت و تضعیف کنترل آن بر منابع قدرت لحظه‌شماری می‌کردند (قهرمان‌پور، ۱۳۹۲). در این میان روشنفکران بیش از دیگر گروه‌های اجتماعی مورد غضب دولت‌ها قرار می‌گرفتند؛ زیرا یکی از اصلی‌ترین گروه‌های مخالف تمرکز انحصاری قدرت در دولت بودند (بشیریه، ۱۳۹۴، ص. ۱۶۱).

این فرض را می‌توان جدی گرفت که اسلامی که امروز آن قدر در مورد آن سخن به میان آورده می‌شود میان ایدئولوژی مدرن و الهیات سنتی در نوسان است. از نظر کاستوریادیس انگاره اجتماعی مدرنیته بر یک اصل آنتی‌نومیک استوار است: از یک طرف طرح «استقلال و خودمختاری سیاسی» انسان‌ها و جوامع و از طرف دیگر آنچه او «جوهر کاپیتالیسم» می‌خواند که همانا «گسترش نامحدود استیلاي عقلانی بر انسان‌ها و چیزها» است (Castoniaolis, 1986, p.76). ایدئولوژی در نگاه او مربوط به همین ذهنیت تکنیکی مدرن است و نمی‌تواند در جوامع «اسطوره‌ای» یا جوامع «دینی» به وجود آید؛ اما در روایتی دیگر بحث بر سر این است که ایدئولوژی الزامی ندارد که تنها در جوامع مدرن کاپیتالیست غربی یا به عرصه وجود بگذارد. ایدئولوژی می‌تواند در جوامعی که در حال گذار از سنت به مدرنیته هستند نیز

۲۰۰

1. Power distribution

پدید آید (نیک پی، ۱۳۷۸، ص ۳۵۰ به نقل از کاستوریادیس، ۱۹۸۶).

در این مسئله نمی‌توان شک داشت که فراخواندن ایدئولوژیک مفاهیم دینی و مدرن به وسیله علی شریعتی گسترده‌ترین تأثیر را در ذهنیت سیاسی جوانان دههٔ چهل و پنجاه گذاشته است. شریعتی علاوه بر اینکه معتقد بود اسلام متضمن یک ایدئولوژی است بر این باور بود که این ایدئولوژی برتر از ایدئولوژی‌های دیگر نیز هست و یک وجه امتیاز آن نسبت به سایر ایدئولوژی، اعتقاد به وجود خداوند در این ایدئولوژی است... اما شریعتی در جاهای مختلف روشن می‌کند که اسلام صاحب جنبه‌ای ایدئولوژیک است. در واقع او با کشیدن مرز بین دو نوع اسلام، حساب خود را از محافظه‌کاران مذهبی جدا می‌کند (قریشی، ۱۳۹۰، ص. ۲۱۷).

طرح را می‌توان این گونه پیش برد که متفکرین پسا توتالیترسیستم در غرب برای مواجهه و نقد سیستم توتالیتر، نگاه مضمون و منفی به ایدئولوژی و جنبش‌های ایدئولوژیک منتهی به سیستم تمامیت‌گرای توتالیتر را در دستور کار خود قرار دادند. به عبارت دیگر، ایدئولوژی به‌عنوان ایدئال‌های تحریف شده و گزینش سیستم اجتماعی مطرح گردید که ارزیابی ساده‌ای از واقعیت ارائه می‌دهد.

هانا آرنست فیلسوف و نظریه‌پرداز سیاسی چند برگ از کتاب پرآوازه و بنیادین خود به نام سیستم توتالیتر را به پروبلماتیک «ایدئولوژی» اختصاص داده است. او، به دیدهٔ ما، در زمان تاریخی نگارش این اثر، یعنی در نیمهٔ سدهٔ بیستم، تعریفی نوآورانه و بدیع از عناصر توتالیتر تشکیل دهندهٔ «ایدئولوژی» و کاربرد آن‌ها به وسیلهٔ جنبش‌های سلطه‌گر و به‌طور ویژه توتالیتر ارائه می‌دهد (وثیق، ۱۳۹۷، ص. ۱). بنا بر بازشناسی هانا آرنست، اجزای توتالیتر هر ایدئولوژی را می‌توان در سه شاخص فرموله کرد: ۱. ادعای توضیح تام و تمام تاریخ؛ ۲. خلاص کردن تفکر از هرگونه میاننداری آزمون، واقعیت و رخداد‌های واقع شده؛ ۳. بازتولید مداوم تفکر خویش با حرکت از انگاره‌هایی فرضی که به‌جای اصول بدیهی گرفته می‌شوند» (وثیق، ۱۳۹۷، ص. ۵). هدف آرنست در این بخش، نه ارائه تبیین و تعریفی از «ایدئولوژی» از دیدگاه خود، بلکه نشان دادن این مهم است که چگونه «ایدئولوژی»، با وجود تعاریف گوناگون آن، می‌تواند به خدمت جنبش توتالیتر درآید، به‌طور مشخص از آن لحظه که سیستم توتالیتر قادر می‌شود عناصر سازندهٔ ایدئولوژی را که مستعد برای سلطه‌گری می‌باشند به تصاحب خود درآورد (وثیق، ۱۳۹۷، ص. ۲).

در مطالعهٔ تاریخ معاصر ایران، سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ را می‌توان مرحله فرایند صورت‌بندی تئوریک وضعیت ایدئال انقلابی دانست. شناخت کیفیت و عناصر سازندهٔ دستگاه فکری

روشنفکران میدان سیاسی این برهه تاریخی ایران - که به صورت مستقیم و یا مستقیم در شکل‌گیری گفتمان انقلاب نقش داشته‌اند- نیازمند مطالعه‌ای جدی است. بی‌شک هر شخصیت اندیشمند یا اهل فکری از تحولات فکری زمانه خویش تأثیر می‌پذیرد و بر پایه این تأثیرپذیری‌ها نظریات خود را در جامعه تئوریزه و مطرح می‌کند. علی شریعتی نیز به‌عنوان یکی از چهره‌های برجسته تأثیرگذار این جریان، نقش بارزی را در جامعه سیاسی ایفا کرد (تاجیک، ۱۳۹۴، ص. ۸۸).

این نکته را باید به خاطر داشت که در واقع کار شریعتی بازیگری در عرصه تحریر ایدئولوژی است و کار آرت تماشاگری، توصیف مختصات نظری و تحلیل پیامدهای تاریخی و سیاسی ایدئولوژی‌های عینیت یافته در پیکره جنبش‌ها و انقلاب‌های سیاسی است. از این رو مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که با مبنا قرار دادن رهیافت هانا آرت در بحث ایدئولوژی و جنبش‌های توتالیتر، پروژه سیاسی شریعتی در ایدئولوژیک کردن دین مورد واکاوی قرار گیرد. با بررسی عناصر ساختاری ایدئولوژی - و تا حد ممکن جنبش توتالیتر- در کتاب سیستم توتالیتر، میزان سازگاری آن با پیکربندی ایدئولوژی و کاربست سیاسی آن در دستگاه فکری شریعتی بیان شود.

پیشینه تحقیق

در این حوزه می‌توان به برخی کارهای اساسی صورت گرفته اشاره کرد. علی‌رضا علوی تبار در پژوهشی با عنوان «دین، ایدئولوژی و تعبیر ایدئولوژیک از دین» (۱۳۷۱) امکان و مطلوبیت تعبیر ایدئولوژیک از دین را مورد بررسی قرار می‌دهد. وی با توجه به تعریفی که از دین، ایدئولوژی و دین ایدئولوژیک ارائه می‌دهد به این نتیجه می‌رسد که زندگی اجتماعی بدون رقابت و عمل سیاسی بدون ایدئولوژی ممکن نیست. در نهایت وی به یک پارادوکس می‌رسد و نتیجه می‌گیرد که تفسیر و تعبیر ایدئولوژیک از دین غیرقابل قبول است؛ اما گریزی هم از آن نیست.

عباس زاده در پژوهشی با عنوان «تأثیر ترمینولوژی شریعتی بر رادیکالیسم شیعی در تاریخ معاصر ایران» (۱۳۹۶) با الگوی تحلیلی زبان و گفتمان به بررسی مسئله موردنظر خود می‌پردازد. نتایجی که محقق می‌گیرد نشان می‌دهد که ترمینولوژی مطرح شده از سوی شریعتی و ارتباط آن با رادیکالیسم شیعی در دهه چهل و پنجاه جهت بسترسازی برای تکوین و تسریع در ظهور پدیده رادیکالیسم شیعی در انقلاب اسلامی ایران مؤثر است.

نیک‌پی در بحثی با عنوان «ایدئولوژی، دین و انقلاب اسلامی» (۱۳۷۸) این پرسش را طرح

می‌کند که آیا توسعه و گسترش نگرش‌های ایدئولوژیک به دین در مقابل روند مدرنیزاسیون جامعه قرار گرفته و یا برعکس نتیجه منطقی این مدرنیزاسیون است؟ نویسنده پس از بررسی مختصر مفاهیم اصلی کار نتیجه می‌گیرد که در انقلاب ایران پدیده ایدئولوژیک کردن دین نقش مهمی در روند سکولاریزه کردن جامعه داشته است.

مبانی نظری پژوهش

بر اساس دستگاه تحلیل پی‌یر آنسار، پایه‌های سازنده «انگاره اجتماعی» سه عنصر اساطیر، دین و ایدئولوژی‌های سیاسی هستند (نیک‌پی، ۱۳۷۸، ص. ۳۵۱ به نقل از Ansart, 1974). کاسیرر فیلسوف آلمانی معتقد است: اسطوره‌های جدید سیاسی آفرینش‌های مصنوعی است که افراد باهوش آن را می‌سازند. آن‌ها فهمیده‌اند که اسطوره با همان روش‌هایی ساخته می‌شود که ابزار جنگ مدرن مانند تیربار و هواپیما وجود دارد (نیک‌پی، ۱۳۷۸، ص. ۳۵۲ به نقل از کاسیرر ۱۳۹۴، ص. ۳۶۵). می‌توان این برداشت تهورآمیز را داشت که دلیل ظهور ایدئولوژی دینی به وسیله متفکران دینی، نوعی تلاش برای ثابت کردن حقانیت معرفت‌شناختی خود، آن‌هم در زمینه معرفت‌شناختی غرب مدرن بوده است. به این معنا که با مسئله‌مند کردن مفاهیم اسطوره‌ای و بومی خود سعی داشتند ثابت کنند که اساطیر بومی خود مانند بسیاری از ایده‌های مدرن کارآیی دارند.

رفرمیسم دینی معاصر در کشورهای مسلمان را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: ۱. رفرمیسم دینی فقهی - سیاسی؛ ۲. رفرمیسم دینی ایدئولوژیک - سیاسی. رفرمیسم دینی فقهی - سیاسی اصل اساسی اسلامی سازی جامعه و نهادهای اصلی آن از طریق تفسیر فقهی - دینی از پراتیک‌های اجتماعی خرد و کلان و اجرای قوانین دینی بوده است. تراکم یافتگی مادی این تلاش‌تئوریک را می‌توان در ایده تعیین یافتن حکومت اسلامی مشاهده کرد. در رفرمیسم دینی ایدئولوژیک - سیاسی بر قرآن، سنت پیامبر و امامان و... تأکید می‌شود؛ ولی مواضعش شبه سکولار و غیر فقهی است در واقع در این خوانش جدید بیشتر ضرورت سیاسی و اجتماعی است که متفکر را به سمت ارجاع به منابع مشروعیت می‌کشاند و نه واجبیت دینی مسئله، بلکه یک ضرورت سیاسی - ایدئولوژیک است (نیک‌پی، ۱۳۷۸، صص. ۳۵۴ - ۳۵۲).

علی شریعتی یکی از اصلی‌ترین حاملان و نمایندگان فکری رفرمیسم دینی ایدئولوژیک است. شاید بتوان گفت که او عمیق‌ترین تأثیر را در پروبلماتیک شدن مقوله دین در ذهنیت سیاسی نسل جوان قبل از انقلاب داشت. او در ایدئولوژیک کردن دین نقش مهمی ایفا کرد

و آن را به شکل یک مکتب که عبارت از جهان‌بینی و ایدئولوژی است، درآورد (نیک‌پی)، ۱۳۷۸، ص. ۳۵۸).

به نظر برخی از مفسرین معاصر اندیشه‌های شریعتی برخلاف بسیاری از متفکران دینی و غیردینی، بسیار نظام‌مند و در چهارچوب طرح و نقشه‌ای دقیق است. این طرح معطوف به مشخص کردن ابعاد مختلف ایدئولوژی دینی است. در واقع شریعتی دریافته است که اسلام بُعدی ایدئولوژیک دارد و این بُعد ایدئولوژیک مهم‌ترین بُعد مذهب نیز هست و این البته بدان معنا نیست که اسلام غیر از ایدئولوژی چیز دیگری نیست (قریشی، ۱۳۹۰، ص. ۲۱۶). خوانش انتقادی شریعتی از حکومت دینی و مخالفت او با تفسیر سنتی و فقهی از جامعه سیاسی متأثر از چیزی است که برخی آن را پروتستان‌تیسیم اسلامی موجود در لایه‌های پنهان شریعتی عنوان می‌کنند. شریعتی در فکر برقراری یک حکومت و جامعه ایدئولوژیک و مخالف حکومت دینی بود. او دین را ایدئولوژیک کرد و امر سیاسی و دینی را یکی شمرد؛ ولی نماد سیاسی یا حکومت را لائیسز (شبه سکولار) کرد. بدین مفهوم که اصلاً به دنبال این نبود که تمام مشروعیت حکومت را بر مبنای قوانین الهی یا منابع فرا انسانی و یا فرا اجتماعی قرار دهد. او در فکر جایگزین کردن روشنفکران دینی به جای روحانیون بود (نیک‌پی ۱۳۸۹، صص. ۳۵۹-۳۵۸).

در عرصهٔ بازشناسی حکومت‌های توتالیتر می‌توان به نقش محوری ایدئولوژی رجوع کرد (سروش، ۱۳۸۸، ص. ۱۲۳). هانا آرنست جنبش‌های توتالیتر را جنبش‌های هوادار و نمایندهٔ یک آموزهٔ سلطه‌گرایانه، مداخله‌گرا در تخیلات زندگی توده و مذهبی می‌داند که اعضای آن‌ها معتقدند برای درک این آموزه از بصیرت ویژه‌ای برخوردارند (نعیمی شیشوان، ۱۳۹۱). «درونی شدن» یا «نهادینه شدن» ایدئولوژی، یکی از مهمترین سطوح پیکربندی جنبش‌ها و نظام‌های ایدئولوژیک به حساب می‌آید؛ و منظور از این فرایند هم حکم عناصر و سیستم اندیشه ورزی حزبی-ایدئولوژیک در کنش‌های ذهنی تخیلی و کردارهای فکری و عملی کنشگران می‌باشد. به این معنا که مرز حائل و تفکیک کننده میان سوژه و حزب از میان می‌رود و فرد به‌طور کامل درون میدان ایدئولوژی محاط می‌شود. این ایدئولوژی برای خود رسالتی تاریخی قائل است و با مغز شویی و تبلیغ، چنین رسالتی را به ملکهٔ ذهن پیروان و فرمان‌بران «پیشوا» و «رهبر» تبدیل می‌سازد (مرادی، ۱۳۸۸).

۲۰۴

1. Institutionalization

روش تحقیق

مقایسه جوهر و قلب همه تلاش‌هایی است که در جهت آزمون مدعاهای تئوریک انجام می‌پذیرد. روش مقایسه‌ای با مورد‌های اندکی که محقق به‌دقت انتخاب می‌کند و با استفاده از سطح میانه انتزاع مفهومی، دست به تحلیل می‌زند. مطالعه‌ای که از این روش استفاده می‌شود بیشتر ژرفانگر است؛ زیرا توجه و تأکیدشان به‌طور عمده روی ویژگی‌های خاص مورد‌هاست. واحد تحلیل، یک یا چند مورد محدود آن‌هم به‌عنوان کلیت‌هایی مجزا و متمایز است؛ و توجه اصلی بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های میان مورد‌ها به‌عنوان کل است (طالبان، ۱۳۹۳، ص. ۵۵). در این پژوهش با توجه به نوع تحقیق که تحلیلی-توصیفی است، شرایط اقتضا می‌کند که از روش مقایسه‌ای و ابزار گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای بهره‌گرفت.

عملی کردن روش: به این منظور ابتدا با مطالعه متون موردنظر آرنت به تحلیل و پیکربندی ابعاد و استخراج مؤلفه‌های ایدئولوژی تمامیت‌خواه و جنبش اجتماعی موازی آن پرداخته شده است. سپس متون و آثار شریعتی با توجه به مؤلفه‌های مورد اشاره آرنت به‌عنوان یک کل بازسازی شده است؛ و بعد مرحله اصلی فرامی‌رسد. در این مرحله، محقق به استخراج عناصر ایدئولوژی و کیفیت روابط درونی آن و کاربست سیاسی آن در ساخت جامعه ایدئال، در متون شریعتی مبادرت می‌کند در مرحله نهایی - با الهام از خوانش آلتوسر از رهیافت پروبلماتیک متن و سوژه ایدئولوژیک فراخوانده شده در پروبلماتیک نظریه، دستگاه تحلیلی شریعتی را از نظر اجتماعی تألیف و نظر نیروی اجتماعی کاربست ایده موردبررسی، تمایز گذاری قرار داده است. مهم‌ترین سطوح و محورهای مستخرج از بحث آرنت عبارتند از:

جدول شماره ۱: محورهای ایدئولوژی توتالیتار در دستگاه نظری هانا آرنت

ایدئولوژی، داعیه تبیین تمام تاریخ یعنی گذشته، حال و آینده جهان را دارد.	محور اول: منطق تبیین
تفکر ایدئولوژیک خود را از هرگونه تجربه‌ای مستقل می‌داند. اندیشه را با روش‌های برهانی از قید تجربه آزاد می‌سازد.	محور دوم: ظرفیت مواجهه با واقعیت
تفکر ایدئولوژیک واقعیات را در یک نظام منطقی و ذهنی سامان می‌دهد و برای نیل به این مقصود همه‌چیز را از یک قضیه اصلی بدیهی و مسلم آغاز می‌کند (آرنت، ۱۳۶۳، ص. ۳۲۷).	محور سوم: شروع از بدیهیات مفروض

جدول شماره ۲: اصول و سطوح بنیادین ایدئولوژی رهنمون جنبش توتالیتر از منظر آرنه

<p>اصل اول</p>	<p>- ذره‌ای (اتمیزه) شدن توده‌ای^۱ است که از ریشه خود کنده و از طبقه خود رانده. توده‌هایی که به انسان‌هایی فاناتیک تبدیل شده‌اند و زیر فشار اقتصادی و بیکاری به ستوه آمده‌اند. اینان اکنون خارج از احزاب سنتی بسیج می‌شوند، تحت القای دکتربین‌هایی قرار می‌گیرند، سازمان‌دهی و متشکل می‌شوند و آلت دست رهبری یا پیشوایی توتالیتر قرار می‌گیرند ... این همانی است که پایه‌های سیستم توتالیتر را تشکیل می‌دهد....</p>
<p>اصل دوم</p>	<p>وجود رهبری قدر قدرت، برتر و بری از خطاست که می‌تواند حزب واحد (حزب - دولت) یا رهبر کاریزماتیک (مرجع فره‌مند) باشد. اتوریته‌ای که با قرار دادن خود در رأس هرم سیستم، همانند پیامبر^(ص)، حقیقت مطلق و تنها راه ممکن و قابل اطمینان به‌سوی رستگاری را برای انسان‌ها آشکار می‌سازد.</p>
<p>اصل سوم</p>	<p>- وجود ایدئولوژی‌ای دولتی، توتالیتر، همه‌جا حاضر و بسیج کننده توده است که پیرامون واقعیت‌هایی دروغین و کاذب جفت‌وجور می‌شود که شاخص اصلی‌اش نیز خصلت مسیح‌باورانه (نجات بخشانه) آن است.</p>
<p>اصل چهارم</p>	<p>- به کار گرفتن قهر رادیکال علیه جمعیت، اقلیت‌های مختلف و هر مخالف واقعی یا بالقوه است. ترور دولتی و انتظامی که پلیس مخفی، میلیشای شبه‌نظامی و غیره آن را اعمال می‌کردند....</p>
<p>اصل پنجم</p>	<p>اعمال قدرت کنترل حکومتی بر تمام زمینه‌های زندگی اجتماعی و انسانی، خصوصی و عمومی است. نقض کامل حقوق بشر، نابودی آزادی‌ها، پلورالیسم و جامعه مدنی.</p>
<p>اصل ششم</p>	<p>جنگ برای سلطه کامل هم در داخل کشور و هم در خارج (وثیق، ۱۳۹۷، ص ۱).</p>

۴. تفسیر

بازسازی محورهای ایدئولوژی در دستگاه فکری شریعتی بر اساس دستگاه نظری آرنف

جدول شماره ۲: بازسازی مؤلفه‌های ایدئولوژی در دستگاه فکری شریعتی با منطق چشم‌انداز آرنفی

مؤلفه‌های سه‌گانه آرنفی ایدئولوژی	واحدهای فشرده معنایی ایدئولوژی در دستگاه شریعتی	برآیند تحلیل تطبیق
۱. توضیح تام و تمام تاریخ و مسائل جامعه	<p>- ایدئولوژی بینش و آگاهی ویژه‌ای است که انسان نسبت به خود، جایگاه طبقاتی، پایگاه اجتماعی، وضع ملی، تقدیر جهانی و تاریخی خود و گروه اجتماعی که بدان وابسته است دارد.</p>	<p>با خوانش بحث شریعتی از ماهیت فلسفه تاریخ و ویژگی اول ایدئولوژی مدرن از نگاه آرنف، متوجه هم‌خوانی و تطابق آن‌ها می‌شویم</p>
۲. فرار از تجربه و آزمون و واقعیت‌سنجی	<p>- ایدئولوژی محصول تاریخ نیست، اکتسابی هم نیست، بلکه اکتشافی است. - ایدئولوژی نه یک نظام معرفتی بسته و جزمی، بلکه نظام معرفتی انعطاف‌پذیر و باز - مرحله‌ای و دوره‌ای بودن ایدئولوژی است. - ایدئولوژی یعنی آگاهی نسبت به وضع موجود و حالت انتقادی نسبت به آن. - ایدئولوژی در یک تعریف عبارت است از: ایمان آگاهانه به اینکه چگونه باید باشد وضع موجود - ایدئولوژی، مرحله قضاوت درباره ارزش‌هاست... - ایدئولوژی مقدم بر فرهنگ و دستاوردهای اجتماعی و تجربی آن‌ها می‌داند اساس ایدئولوژی، ایمان به ایدئال و آرمان است. - ایدئولوژی تکنیکی است که انسان به کمک آن و به کمک شناخت «جبر تاریخ» جامعه را در استخدام خویش قرار می‌دهد.</p>	<p>با خوانش بحث شریعتی از ماهیت آزمون ناپذیری تجربی مقوله ایدئولوژی و ویژگی دوم ایدئولوژی مدرن از نگاه آرنف، متوجه انطباق مشروط می‌شویم.</p>

برآیند تحلیل تطبیق	واحدهای فشرده معنایی ایدئولوژی در دستگاه شریعی	مؤلفه‌های سه‌گانه آرنتی ایدئولوژی
<p>با خوانش بحث شریعی از ماهیت استدلالی مقوله ایدئولوژی و ویژگی سوم ایدئولوژی مدرن از نگاه آرنت، متوجه همخوانی و تطابق آن‌ها می‌شویم</p>	<p>- شریعی با بدیهی پنداشتن گزاره‌های تنوریک فلسفه تاریخ- انسان‌شناسی مارکسیستی به تشریح دستگاه فکری خود ادامه می‌دهد. توحید غیر از معانی ساده‌اش، در اصل یک جهان‌بینی است.</p> <p>- تلقی همه جهان است به صورت یک وحدت... یعنی تلقی همه به صورت یک کل و یک اندام زنده شاعر و دارای یک اراده و خرد و احساس و هدف... .</p> <p>- هیچ نیروی دیگری را در مقابل وحدت- خداوند به رسمیت نمی‌شناسد.</p> <p>- جهان به گونه‌ای خلق شده است که تقابل و تضاد نیز در عالم واقعیت به چشم می‌خورد.</p> <p>- در جهان واقعی ما شیطان نیز حضور و قدرت زیادی دارد، البته قدرت او اصالت ندارد.</p> <p>- بدیهی است که در این وضعیت بین نیروهای شیطانی و نیروهای الهی درگیری و تضاد به وجود می‌آید و بر این تضادها منطق دیالکتیک حاکم است. بر اساس پذیرش فرض ماتریالیسم تاریخی مارکسیستی... در امت «زیربنا اقتصاد است» (من لا معاش له لا معادله- کسی که زندگی مادی ندارد زندگی معنوی ندارد). بر اساس فرض جهان‌بینی مارکسیستی تصور از آینده مطلوب دارد. نظام اجتماعی بر «قسط و عدل» است و مالکیت مردم، احیای نظام هابیلی، جامعه برابری و در نتیجه برادری انسانی، جامعه بی‌طبقه، این «اصل» است؛ اما... «هدف» نیست.</p>	<p>۳. حرکت از انگاره‌هایی که اصول بدیهی پنداشته می‌شود</p>

برآیند تحلیل تطبیق	واحدهای فشرده معنایی ایدئولوژی در دستگاه شریعتی	مؤلفه‌های سه‌گانه آرنتی ایدئولوژی
	<p>-تحقق تقدیر الهی انسان در فلسفه آفرینش. پذیرش فرض حرکت دیالکتیکی نیروها در تاریخ و درون انسان- از قرآن چنین برمی آید که انسان یک اراده آزاد و مسئول است در پایگاهی میانه دو قطب متضاد «خدا - شیطان». اجتماع این دو تضاد و جمع این دو «تز» و «آنتی تز» که هم در سرشت اوست و هم در سرگذشت او - «حرکت» را در او ایجاد کرده و یک حرکت دیالکتیکی جبری تکاملی را و مبارزه مداوم میان دو قطب متناقض در «ذات» و «زندگی» انسان شده است. در قسمت فلسفه تاریخ نیز شریعتی فرضیات تئوریک اندیشه مارکسیسم را اصولی بدیهی انگاشته است. مجموع سخن شریعتی در این بحث این است که در تاریخ تحت تأثیر وضعیت موجود در زیربنای اقتصادی تضاد دیالکتیکی بین هابیل در مرحله تولید دامدار و شکار از یک طرف و قابیل در مرحله تولید کشاورز در طرف دیگر که نماد دو جناح است وجود داشته است.</p> <p>- به گمان شریعتی پرچم قابیل نسل به نسل به دست طبقات حاکم افتاده است و در طرف دیگر وارثان هابیل مردم محکومی هستند که برای عدالت و آزادی و ایمان راستین مبارزه می کنند. این جنگ تا آخرالزمان ادامه خواهد یافت و سرنوشت نهایی این تضاد پیروزی عدالت، قسط و حقیقت توحیدی هابیلیان خواهد بود (شریعتی، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۸، ۱۳۷۴، ۱۳۷۴ ب، ۱۳۷۵؛ قریشی، ۱۳۹۰).</p>	

جدول شماره ۳. تحلیل مقایسه‌ای عناصر و پراتیک (احتمالی) جنبش ایدئولوژیک
مستخرج از دستگاه فکری شریعتی و جنبش‌های توتالیتر عینیت یافته آرنتی

برآیند تحلیل تطبیق	واحدهای فشرده معنای جنبش توتالیتری در دستگاه فکری شریعتی	شاخص‌های جنبش توتالیتری در دستگاه فکری آرنتی
<p>با خوانش ایدئولوژیک شدن دین در دستگاه فکری شریعتی و ویژگی تمیزه شدن جامعه ایدئولوژی توتالیتر از نگاه آرت متوجه عدم سازگاری و ناهماهنگی آن‌ها در پراتیک احتمالی می‌شویم.</p>	<p>- ایدئولوژی ادامه‌گریزه در انسان - انسان موجودی است که از هدایت‌گری سرباز می‌زند و پارا از مرز حیات طبیعی فراتر می‌نهد. - انسان تنها موجودی است که باید بار سنگین مسئولیت و هدایت و تکامل و پرورش خود را بر دوش بگیرد. - هدایت نیز چیزی جز شناخت و پذیرش ایدئولوژی نیست. - مذهب به‌عنوان ایدئولوژی آنگاه تحقق پیدا می‌کند که افراد آن را آگاهانه انتخاب کنند. - کسی که مذهب را به‌عنوان یک ایدئولوژی در نظر می‌گیرد به نیازهای جامعه خود توجه دارد و برای تحقق ایدئال‌ها از آن‌ها استفاده می‌کند. - وظیفه روشنفکر تدوین یک سیمای کامل از ایدئولوژی اسلامی است. جوان باید «بداند که کجاست، جهتش چیست، مسئولیتش چیست، رابطه‌هایش با پدیده‌ها و واقعیت‌های زمان خودش چیست». - اگر طرح ایدئولوژی اسلامی پرداخته شود دیگر «منحط‌ترین و کثیف‌ترین اشرافیت با آنارشیست‌ترین حالات انقلابی» به اسم اسلام مطرح نمی‌شود.</p>	<p>شاخص اول (ذره‌ای و تمیزه شدن)</p>

برآیند تحلیل تطبیق	واحدهای فشرده معنای جنبش توتالیتری در دستگاه فکری شریعتی	شاخص‌های جنبش توتالیتری در دستگاه فکری آرنتی
<p>با خوانش ایدئولوژیک شدن دین در دستگاه فکری شریعتی و ویژگی متمیزه شدن جامعه ایدئولوژی توتالیتر از نگاه آرنت متوجه عدم سازگاری و ناهماهنگی آن‌ها در پراتیک احتمالی می‌شویم.</p>	<p>- جامعه ایدئال از منظر ایدئولوژی اسلامی را «امت» است. - امت از ریشه «ام» به معنی «راه» و «آهنگ» است. - بنابراین «امت» جامعه‌ای می‌شود که گروهی از افراد بشری که در یک ایمان و هدف مشترک‌اند، باهم همگام شده‌اند تا آهنگ رفتن کنند و برای نیل به هدف مشترک به راه افتند. - درامت، فلسفه سیاسی و شکل رژیم... مبتنی بر «اصالت رهبری» است (نه رهبر که فاشیسم است). - در ایدئولوژی اسلامی تلاش می‌شود تا امتی ساخته شود که انسان‌ها با اشتراک در هدف واحد و اطاعت از رهبری واحد به سوی ایدئال خویش حرکت کنند. - فرد انسانی وقتی عضو امت است که در برابر رهبری جامعه معتقد باشد و تسلیم، البته تسلیمی که خود آزادانه اختیار کرده است. - این روشنفکران هستند که باید توده‌ها را در انقلاب‌های دوگانه رهبری کنند- بخت مناسب روشنفکر ایرانی زندگی در جامعه‌ای است که فرهنگ مذهبی آن شیعه‌گری، ذاتاً انقلابی و بنابراین سازگار با شرایط انقلاب دوگانه است- روشنفکر با نجات جامعه عجین است. افیون جامعه دینی روحانیت سازگار و روشنفکران غرب‌زده و مقلد هستند. - فرد در امت دارای یک زندگی اعتقادی متعهد در برابر جامعه است و جامعه نیز متعهد به ایدئولوژی یا عقیده و ایدئولوژی نیز به تحقق ایدئال و نیل به هدف اطاعت از رهبر و تسلیم شدن به او شرط لازم برای تحقق یک جامعه ایدئال می‌داند البته نه کافی.</p>	<p>شاخص دوم (رهبر قدر قدرت)</p>

برآیند تحلیل تطبیق	واحدهای فشرده معنای جنبش توتالیتری در دستگاه فکری شریعتی	شاخص‌های جنبش توتالیتری در دستگاه فکری آرنتی
<p>رویکرد انتقادآمیز به مدرنیته غربی و آموزه‌هایی چون لیبرال دموکراسی و حقوق بشر غربی از جمله مشخصات و ویژگی‌های قرائت ایدئولوژیک از دین است با خوانش ایدئولوژیک شدن دین در دستگاه فکری شریعتی و ویژگی ایدئولوژی دولتی در جنبش ایدئولوژیک توتالیتر از نگاه آرنت متوجه انطباق و هماهنگی آن‌ها در میدان پراتیک احتمالی می‌شویم.</p>	<p>- ایدئولوژی مقدم بر فرهنگ و دستاوردهای اجتماعی و تجربی آن‌ها و وجود رابطه معکوس میان آن‌ها. - ایدئولوژی به معنای مکتب است؛ زیرا فرهنگ بخشی از ایدئولوژی است. - پیروزی‌های اسلام به‌ویژه در جنگ‌ها (غزوات) مرهون ایمان و ایدئولوژی. - علت شکست‌های اسلام در دوران بعد، از ناحیه فرهنگ بود. - همچنین پیدایش حکومت‌های اسلامی مثل امویان، عباسیان و صفویان محصول اسلام فرهنگی است. - اسلام فرهنگی یک اسلام شبه سکولاریستی است که سعی دارد با تفکیک وظایف و جدایی دو حوزه دین و سیاست، دین را از صحنه خارج نماید. - برای ما اسلام مجموعه سنت اجتماعی و فرهنگ عادت شده و دینی از نوع ادیان دیگر، چون یهود و مسیحیت و بودائی و هندوئی و ... نیست. - دین باید به‌مثابه راهنمای عمل و مرامنامه این دنیایی باشد. - دینی که به درد قبل از مرگ نخورد، به درد بعد از مرگ هم نخواهد خورد. - تبدیل اسلام از صورت یک فرهنگ به یک ایدئولوژی. - به نظر من، بهترین تعریف از مذهب این است که مذهب یک ایدئولوژی است.</p>	<p>شاخص سوم (ایدئولوژی دولتی)</p>

برآیند تحلیل تطبیق	واحدهای فشرده معنای جنبش توتالیتری در دستگاه فکری شریعتی	شاخص‌های جنبش توتالیتری در دستگاه فکری آرنتی
<p>شریعتی ایدئولوژی را نه یک نظام معرفتی بسته و جزمی بلکه نظام معرفتی انعطاف‌پذیر و بازی تعریف می‌کند و معتقد به مرحله‌ای و دوره‌ای بودن ایدئولوژی است</p> <p>با خوانش ایدئولوژیک شدن دین در دستگاه فکری شریعتی و ویژگی کاربرد عملی قهر رادیکال در جنبش ایدئولوژیک توتالیتر از نگاه آرنست متوجه ناسازگاری مشروط آن‌ها در میدان پراتیک احتمالی برآمده از دستگاه فکری شریعتی می‌شویم.</p>	<p>- ایدئولوژی و روشنفکری لازم و ملزوم یکدیگرند.</p> <p>- ایدئولوژی مشخص‌کننده تیپ فکری یک روشنفکر است و کسی نباید بدون داشتن برجسب ایدئولوژی کار روشنفکری کند....</p> <p>- ایدئولوژی، نه یک سری قوانین دکماتیکی است که متأثر از شرایط خاص به وجود آمده باشد و نه یک اساسنامه حزبی که اگر مکان و زمانش تغییر یافت، رنگ و بوی خود را تغییر دهد.</p> <p>- ایدئولوژی بر اساس اصول کلی و جامع و آرمان‌های ثابت انسانی است</p> <p>- ایدئولوژی همانا جانشین تعهد فکری و علمی نیز نیست؛ چراکه این عوامل زمانی هستند و عصری</p> <p>- ایدئولوژی صف‌بندی و صف‌آرایی می‌کند، دوست و دشمن دارد و حدود و ثغور اجتماعی برای خود قائل است که اجازه دخالت و تجاوز دیگران را به آن نمی‌دهد.</p> <p>- انحراف یک انقلاب اجتماعی همین است که وقتی اول، انقلاب به وجود می‌آید بر اساس ایدئولوژی است، بعد انقلاب منحنی و منجمد می‌شود و به صورت فرهنگ و تمدن درمی‌آید.</p> <p>- نباید گذاشت یک انقلاب فکری تبدیل به یک تمدن و نظام علمی شود، بلکه باید همواره نظام علمی و تمدن را همچون ابزارهایی برای ایدئولوژی استخدام گردد.</p>	<p>شاخص چهارم (به کار گرفتن قهر رادیکال)</p>

برآیند تحلیل تطبیق	واحدهای فشرده معنای جنبش توتالیتری در دستگاه فکری شریعتی	شاخص‌های جنبش توتالیتری در دستگاه فکری آرنتی
<p>ایدئولوژی، هم قلمروهای ادراکی و شناختی انسان را در برمی‌گیرد و هم قلمروهای پیشی و نگرشی انسان را و بر اساس این شناخت‌ها و ارزش‌هاست که در هر دوره، سیستم‌های خاص ایدئولوژیک ساخته می‌شود. با خوانش ایدئولوژیک شدن دین در دستگاه فکری شریعتی و ویژگی اعمال قدرت کنترل حکومتی بر حوزه عمومی و خصوصی افراد در جنبش ایدئولوژیک توتالیتر از نگاه آرنت متوجه ناسازگاری مشروط آن‌ها در میدان پراتیک احتمالی تاریخی می‌شویم.</p>	<p>- ایدئولوژی نباید به امور جزئی بپردازد؛ چون به صورت یک سلسله قوانین و مقررات قابل تغییر در خواهد آمد که به مرور محتوای خود را از دست خواهد داد.</p> <p>- ایدئولوژی باید مانند علم بر قوانین کلی و آرمان‌های ثابت انسانی استوار باشد و برای انطباق آن با واقعیات موجود باید روشنفکران به اندیشه بپردازند</p> <p>- ایدئولوژی هیچ‌گاه مسئولیت انتخاب و تکالیف را از دوش انسان ساقط نمی‌کند. برای مثال وقتی که اسلام اصل مبارزه با استضعاف را مطرح می‌سازد، این اصل در همه زمان‌ها جاری است.</p> <p>- ایدئولوژی در اسلام بر اساس تسلیمی است که فرد با آزادی و خودآگاهی، آن را می‌پذیرد.</p> <p>- آزادی جوهره و عنصر ضروری این نوع ایدئولوژی است و نه تنها تناقضی با این ایدئولوژی ندارد، بلکه اساساً شرط لازم آن است.</p>	<p>شاخص پنجم (اعمال قدرت کنترل حکومتی بر حوزه عمومی و خصوصی افراد)</p>

برآیند تحلیل تطبیق	واحدهای فشرده معنای جنبش توتالیتری در دستگاه فکری شریعتی	شاخص‌های جنبش توتالیتری در دستگاه فکری آرنتی
<p>با خوانش تطبیقی ایدئولوژیک شدن دین در دستگاه فکری شریعتی و ویژگی جنگ برای سلطه کامل در جنبش ایدئولوژیک توتالیتر از نگاه آرنت متوجه انطباق و هماهنگی آن‌ها در میدان پراتیک احتمالی و عینی تاریخی می‌شویم.</p>	<p>-تاریخ صحنه نبرد بین حق و باطل- هابیل و قابیل. - هابیلیان به حکم غریزه ایدئولوژیک و طبیعت همواره در موقعیت اعتراض و انقلابی قرار می‌گیرند. - تاریخ به مثابه روند کشمکش همیشگی میان محرومان و مثلث زور و زر و تزویر بوده است. - در قرآن، قارون سمبل قدرت اقتصادی حاکم، فرعون سمبل قدرت سیاسی حاکم و بلعم باعورا سمبل روحانیت رسمی حاکم است که تجلی سه گانه قابیل واحدند. - در برابر قطب قابیلی، قطب هابیلی قرار می‌گیرد که طبقه «مردم» (ناس) است. این دو در طول تاریخ همواره ضد هم هستند. - بالاخره تقابل و جنگ قطب‌های قابیلی و هابیلی نهایتاً به انقلاب جهانی و تسلط و پیروزی نهایی قطب هابیلی خواهد انجامید و جامعه آرمانی «امت» استقرار خواهد یافت.</p>	<p>شاخص ششم (جنگ برای سلطه کامل)</p>

نتیجه‌گیری

پروبلماتیک شدن امر دینی و ایدئولوژیک شدن دین در ایران یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین لحظات تاریخ سیاسی اجتماعی یک‌صد سال اخیر را تشکیل داده است. به گمان بعضی از روشنفکران توانایی ساخت دستگاهی ایدئولوژیک از دین اسلام و به‌خصوص مذهب شیعه موتور حرکت جنبش مردمی در اواخر حکومت پهلوی دوم و انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ بوده است. در این میان علی شریعتی همان‌گونه که حمید عنایت (۱۳۹۲) بیان کرده «مردمی‌ترین و تأثیرگذارترین متفکر معاصر در بین جوامع اسلامی» در ایدئولوژیک کردن دین و ساخت دستگاه ایدئولوژیک از دین نقشی تعیین‌کننده و مطلقاً تأثیرگذار داشته است. او با توانایی و استعداد نظام‌مند اندیشی خود از طریق بازاندیشی در عناصر و مواد خام دین اسلام و به‌خصوص مذهب شیعه یک دستگاه فکری منظم، طبقه‌بندی‌شده و با سازگاری درونی بالایی طراحی کرده است. همان‌گونه که یان کرایب (۱۳۹۷) نقل می‌کند لویی پیر آلتوسر (۱۹۶۹) در بحث شایستگی و توانایی تئوری اجتماعی، ملاک برتری یک تئوری اجتماعی بر تئوری‌های دیگر هم‌عصر و هم‌رشته خود را، کیفیت طبقه‌بندی مقولات و سازگاری منطقی درونی مقولات از یک‌طرف و توانایی طرح پرابلماتیک یک موضوع و پوشش تئوریک مسئله^۱ در سطح گسترده‌تر را از طرف دیگر می‌داند یک ملاک قابل‌اتکا به حساب آوریم؛ دستگاه ایدئولوژیک شریعتی این ویژگی‌ها را در تناسب با سایر متفکران عصر خود، به مناسب‌ترین شکل فراهم آورده است. شریعتی به‌گونه‌ای کاملاً سیستماتیک و ساختارمند درک خود از مکاتب بشری را در چهارچوب دستگاهی فکری با سازگاری درونی بالا و سطح و پوشش کلان مقولات تئوریزه کرده است. در دستگاه فکری او یک جهان‌بینی به‌عنوان نقطه شروع تئوریک وجود دارد که بر اساس آن طرز فکر این دستگاه در بخش‌های سه‌گانه جامعه‌شناختی، انسان‌شناسانه و فلسفه تاریخ مشخص می‌شود. او با تکیه بر همین جهان‌بینی و بخش‌های سه‌گانه، نظام ایدئولوژیک خود را تدوین می‌کند که این نظام ایدئولوژیک معطوف به تحقق انسان و جامعه ایدئال در عالم واقعیت است.

۲۱۶

اندیشمندان غربی و ایرانی پس از انقلاب به تحلیل و نقد و ارزیابی نتایج پیش‌بینی‌نشده نامطلوب ایدئولوژیک شدن دین به‌وسیله بازاندیشان و اصلاح‌گرایان دین و در این میان شریعتی پرداخته‌اند؛ اما در این پژوهش برای تحلیل و ارزیابی واقع‌گرایانه اندیشه و نتایج پراتیک^۲

1. Theoretical coverage of the problem
2. Practical results

احتمالی دستگاه فکری شریعتی در حوزه سیاست و تمامیت‌گرایی قدرت دولتی به سراغ برداشت هانا آرنست از ویژگی‌های ایدئولوژی مدرن توتالیترا رفتیم.

با مطالعه ویژگی‌های توتالیترا ایدئولوژی مدرن و جنبش‌های توتالیترا مترتب بر آن در اندیشه هانا آرنست و انطباق آن با مختصات ایدئولوژی در دستگاه فکری شریعتی نکات ظریف و مهمی کشف شد. در ابتدا می‌توان این‌گونه توضیح داد که دستگاه ایدئولوژیک شریعتی با ویژگی‌های عنوان شده از سوی آرنست انطباق کلی دارد. در دستگاه فکری شریعتی، ایدئولوژی با سه ویژگی: الف) توضیح تمام مسائل تاریخ؛ ب) فرار از تجربه و آزمون بر اساس واقعیت؛ ج) حرکت استدلالی از انگاره‌هایی که اصول بدیهی انگاشته می‌شود؛ همراه است. اگرچه در ویژگی دوم شریعتی ایدئولوژی را مطابق با یافته‌های علمی هر عصر می‌داند و همچنین ایدئولوژی در نزد او نظام باز و منعطفی است که با مقتضیات غیر سازگار است؛ اما این توضیح فقط در تعریف‌های ابتدایی او از ایدئولوژی قرار می‌گیرد و نه بیش‌تر. درحالی‌که او در توضیح علت پیروزی نهضت‌های اجتماعی تاریخ، در تشریح وضعیت جامعه معاصر خود، در مسیریابی آینده احتمالی، در تقدم ایدئولوژی بر دستاوردهای فرهنگی هر عصر، در مشروط کردن اندیشمند به دستگاه ارزشی ایدئولوژی محور، مهم‌تر از همه در جبری تلقی کردن تاریخ و انطباق تاریخ با ایدئولوژی آن را غیر تجربی، غیر قابل آزمون و امر پیشینی می‌داند که تناظری ضروری با واقعیات تاریخی ندارد.

در مرحله دوم تحلیل سراغ شش ویژگی جنبش‌های توتالیترا آرنستی و انطباق آن با نتایج پراتیک احتمالی ایدئولوژیک شدن دین برای پیکره سیاسی می‌رویم. در اینجا به تبعیت از نظریه پردازان و فیلسوفان سیاسی نظیر عبدالکریم سروش ایدئولوژی‌ها را به دو نوع ایدئولوژی‌های انقلاب ساز و ایدئولوژی استقرار حکومت تقسیم می‌کنیم. شریعتی در دهه چهل و پنجاه، در نقطه اوج گفتمان چپ مارکسیستی انقلابی و مبارزه انقلابی نیروهای جامعه مدرنیزه شده پهلوی برای سرنگونی حکومت پهلوی به ساخت دستگاه فکری خود پرداخته است. هرچند در دستگاه فکری او هر دو نوع ایدئولوژی انقلابی (تأسیسی)^۱ و استقراری حضور دارد؛ اما بدون شک نوع انقلابی-تأسیسی در دستگاه فکری او حرف اصلی و تمام‌کننده او را می‌زند و از این زاویه می‌توان نوعی همخوانی توأم با خلاقیت گشودگی تئوریک در ویژگی‌های شمرده شده از سوی آرنست و دستگاه فکری شریعتی مشاهده کرد.

1. Establishment

برای شفافیت بیش‌تر باید گفت شریعتی در لحظات تأسیس-انقلابی در دستگاه فکری خود: اول) با ذره‌ای شدن و تمیزه شدن جامعه مخالف است؛ زیرا یکی از مهم‌ترین کارکردهای ایدئولوژی از نظر شریعتی تشخیص موقعیت اجتماعی و طبقاتی افراد جامعه و بسیج و انسجام دادن به اندیشه و عمل جمعی است. دوم) با ایدئولوژی دینی موافق است، بر اساس برداشت خود از تاریخ سیاسی جنبش‌ها، نهضت‌ها و غزوات پیامبر(ص)، ایدئولوژی را با دولت هم‌ارز می‌داند؛ زیرا پیروزی در نهضت‌ها و غزوات را مدیون هم‌نشینی دولت و ایدئولوژی دینی می‌داند. سوم) ویژگی جنگ برای سلطه کامل در حوزه داخلی و خارج را بر اساس برداشت دینی و منجی باورانه‌اش از فلسفه تاریخ قبول دارد. به گمان شریعتی تاریخ صحنه جنگ میان نیروهای الهی (هابیلیان) و نیروهای شیطانی (قابیلیان) بوده و این نبرد به مرور و در طول جوامع گوناگون، خود را در نبرد میان مردم به‌مثابه طبقات محروم و طبقه حاکم با سه‌گانه (زر، زور و تزویر) انعکاس و تداوم داده است. شریعتی معتقد است همان‌گونه که قرآن بشارت می‌دهد این نبرد تا پیروزی نهایی و تسلط کامل نیروهای الهی بر نیروی شیطانی تداوم خواهد داشت.

در لحظات استقرار حکومت، دستگاه فکری شریعتی با ویژگی‌های جنبش‌های آرنتی قسمی ناسازگار است یا حداقل آنکه به‌گونه‌ای مشروط قابل همخوانی است... اول) با توصیف جامعه به‌عنوان امتی که تحت هدایت و سرپرستی رهبر و امام قرار دارند، ویژگی محوریت با رهبری قدر قدرت را می‌پذیرد. هرچند او با آوردن قید آگاهی و انتخاب در اطاعت از رهبر این پذیرش را مشروط می‌کند؛ اما به‌گونه‌ای ساختاری رابطه میان مردم و امام در اندیشه شریعتی بر اساس مدل امت است که در آن اطاعت، ایمان و تعهد به رهبری حرف اول را می‌زند. دوم) در زمینه اعمال قدرت کنترل حکومتی بر حوزه عمومی و خصوصی به نظر شریعتی هرچند ایدئولوژی صف‌بندی می‌کند و دوست و دشمن می‌سازد؛ اما او معتقد نیست که ایدئولوژی باید به جزئیات امور جامعه بپردازد. او ایدئولوژی را یک طرح و راهنمای کلان می‌بیند نه اساسنامه حزبی اجرائی؛ سوم) کاربرد قهر رادیکال شریعتی با توجه به اعتقادی که به آزادی و حق انتخاب در پذیرش ایدئولوژی دارد موافق کاربرد عملی قهر رادیکال علیه مخالفین نیست.

در مرحله نهایی ضروری است میان پراتیک احتمالی حاصل از دستگاه فکری ایدئولوژیک متفکری خاص و پراکسیس تاریخی عینیت یافته در واقعیت - در اینجا منظور انقلاب مردم ایران در سال ۱۳۵۷- تمایز قائل شویم. محقق - با الهام از خوانش لویی آلتوسر

۱۳۹۹) از پروبلماتیک متن و نیروی اجتماعی فراخوانده شده در متون مانیفستی - سوژه ایدئولوژیک فراخوانده شده در دستگاه تحلیلی شریعتی را از نظر اجتماعی تألیف و نظر نیروی اجتماعی کاربست ایده مورد بررسی، تمایز گذاری قرار داده است. می توان گفت شریعتی تلاش می کند به گونه ای نظام مند یک دستگاه ایدئولوژیک با مختصات و ساختار تئوریک مدرن طراحی کند. در حوزه نتایج احتمالی پراتیک در حوزه سیاست، در حالی که در لحظات تأسیس - انقلاب سازی دستگاه فکری او مطابقت زیادی با جنبش های مدرن تمامیت خواه آرنتی دارد؛ اما در لحظات استقرار جامعه سیاسی حاصل از پراتیک احتمالی مورد نظر او؛ هر چند به گونه ای ضمنی و کلی با جنبش های تمامیت خواه مدرن همخوانی دارد؛ ولی در عرصه عملیاتی شدن انطباق با مسئله مواجه می شود.

در لایه نهایی می توان از چشم انداز مانیفست - جایگاه درباره سوژه فراخوانده شده در متن - روایت ایدئولوژیک شریعتی سخن گفت. به بیان ساده متون شریعتی درخواستی است پرشور برای توسل به راه حل سیاسی ای که منادی آن است. در اینجا با کلیت - متنی سرو کار داریم که مسئله باز خیزش تمدن ایران اسلامی را فرامی خواند. این فراخواندن، پروبلماتیک ایدئولوژیک شدن دین - جامعه ایران را به منزله وظیفه تاریخی واضحی مطرح می کند؛ اما پرسشی که باقی می ماند این است که متون شریعتی چگونه این پروبلماتیک سیاسی و این سامانه تئوریک جدید را بسیج و سامان می دهد؟ در حقیقت شریعتی مسئله ای (ایدئولوژیک شدن دین به مثابه مکانیسم و راه حل دگرگون سازی همه جانبه جامعه ایرانی) را که وضعیت تاریخی - سیاسی ایران دهه چهل و پنجاه اقامه کرده را با زبانی سمبولیم و ساختارمند مطرح می کند و جایگاه نیروی را خلق و تعیین می کند که باید ایجاد شود تا این مسئله را حل کند. به این ترتیب این متون نوشتاری خود را در ایدئولوژی سیاسی که روشنفکران پسا استعماری و به ویژه خود شریعتی ترسیم کرده است اشغال می کنند؛ اما نکته ای حساس و قابل تأمل را می توان در روایت شریعتی از پروبلماتیک دین ایدئولوژیک^۱ بیرون کشید. شریعتی دیدگاه مردم عادی تحت ستم را اختیار می کند؛ اما آن سوژه ای که گذار تاریخی و کاربست ایده را باید محقق کند نه عامه مردم بلکه الیت روشنفکر - امام است؛ یعنی در عین حالی که روشنفکر - امام که مأموریت اصلاح انقلابی جامعه به وی محول گشته است باید به روشنفکری مردمی بدل شود؛ اما خود وی به هیچ وجه نباید توده عامه - مردم شود. این مرز و لایه نخبگانی همچنان باید دست نخورده و پاک باقی بماند؛ و همچنین از عامه مردم خواسته نمی شود که به امام - روشنفکر بدل شوند؛ بنابراین نوعی

1. The problematic of ideological religion

دوگانگی تقلیل ناپذیر میان جایگاه دیدگاه سیاسی و جایگاه نیرو و کاربست سیاسی وجود دارد. در واقع میان سوژه دیدگاه سیاسی یعنی توده محروم تاریخ و سوژه کاربست سیاسی امام-روشنفکر نوعی مرز گذاری تعیین بخش وجود دارد. به این ترتیب می توان از یوتوپای بودن اندیشه و متون شریعتی سخن راند. روایت تئوریک شریعتی به چند معنا یوتوپایی است. نخست تا آنجایی که شریعتی باور داشت که در ایران دهه چهل و پنجاه وضعیت غیر قابل تحمل و به این معنا انقلابی است و عموم مردم و اسلام آماده تبدیل شدن به دولتی ایدئولوژیک. در معنای دوم تا آنجا که شریعتی رسالت نیل به دگرگونی عظیم را به نفع مردم را به یک ماده اجتماعی سمبولیک محول می سازد؛ یعنی دوگانگی جایگاهها و سوژهها به دگرگونی یوتوپیا و محول ساختن پراتیک دگرگونی عظیم به گروهی سمبولیک-چند لایه ای منجر شده است.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: نویسنده به تنهایی در آماده سازی مقاله نقش داشته است.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسنده در این مقاله هیچ گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی رایت: طبق تعهد نویسنده حق کپی رایت رعایت شده است.

منابع

- آرت، هانا (۱۳۶۳). *توتالیتریزم*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر جاویدان.
- آرت، هانا (۱۳۶۸). *ریشه های توتالیتریزم*. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر جاویدان.
- آلتوسر، لویی (۱۳۹۹). *ماکیاولی و ما*. ترجمه فؤاد حبیبی و امین کرمی، تهران: نشر اختران، چاپ سوم.
- احمدیان، مجتبی و اسلامی، روح الله (۱۳۹۲). *نگرش سنجی رابطه دولت و ملت در ایران*. فصلنامه سیاست های راهبردی کلان، ۱(۴)، ۱۳۳-۱۰۷.
- https://www.jmsp.ir/article_6260.html
- بشیریه، حسین (۱۳۹۴). *موانع توسعه سیاسی در ایران*. تهران: انتشارات گام نو، چاپ نهم.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۳). *جامعه شناسی سیاسی*. تهران: نشر نی، چاپ دهم.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۲). *انقلاب و بسیج سیاسی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۶). *تاریخ اندیشه های سیاسی قرن بیستم*. تهران: نشر نی.

- تاجیک، احسان (۱۳۹۴). شریعتی و چپ اندیشی ایدئولوژیک. سیاست (دانشگاه تربیت مدرس)، ۲(۶)، ۱۰۲-۸۲. <http://ensani.ir/fa/article>
- سروش، عبدالکریم (۱۳۸۸). فربه‌تراز ایدئولوژی. تهران: انتشارات صراط.
- شریعتی، علی (۱۳۶۱). جهان‌بینی و ایدئولوژی، مجموعه آثار ۲۳. بی‌جا، چاپ سوم.
- شریعتی، علی (۱۳۶۲). اسلام‌شناسی ۲، مجموعه آثار ۱۷. بی‌جا، چاپ رشدی، چاپ سوم.
- شریعتی، علی (۱۳۶۸). روش شناخت اسلام، مجموعه آثار ۲۸. بی‌جا: نشر آشنا.
- شریعتی، علی (الف) (۱۳۷۴). حج. تهران: نشر الهام، چاپ ششم.
- شریعتی، علی (ب) (۱۳۷۴). بازشناسی هویت ایرانی-اسلامی. تهران: نشر الهام.
- شریعتی، علی (۱۳۷۵). اسلام‌شناسی (۱). تهران: نشر قلم، چاپ سوم.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۹۳). روش‌شناسی مطالعات انقلاب، با تأکید بر انقلاب اسلامی. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، چاپ دوم.
- عباس زاده، سیروس (۱۳۹۶). تأثیر ترمینولوژی شریعتی بر رادیکالیزم شیعی در تاریخ معاصر ایران. فصلنامه تاریخ‌پژوهی، ۱۹ (۶۹)، ۹۶-۶۱.
- <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1255758>
- علوی تبار، علی‌رضا (۱۳۷۱). دین، ایدئولوژی و تعبیر ایدئولوژیک از دین. مجله فرهنگ توسعه، ۴، ۱۴-۱۰. <http://ensani.ir/fa/article/journal-number/31905>
- عنایت، حمید (۱۳۹۲). اندیشه سیاسی در اسلام معاصر. ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: انتشارات خوارزمی.
- قریشی، فردین (۱۳۹۰). بازسازی اندیشه دینی در ایران. تهران: نشر قصیده‌سرا، چاپ دوم.
- قهرمانپور، بهرام (۱۳۹۲). ساختار قدرت و توسعه سیاسی در ایران. پایگاه خبری تحلیلی بصیرت، کد خبر ۲۶۵۲۴۳.
- کاسیرر، ارنست (۱۳۹۴). افسانه دولت. ترجمه نجف دریابندری، تهران: انتشارات خوارزمی.
- کرایب، یان (۱۳۹۱). نظریه اجتماعی کلاسیک. ترجمه شهناز مسمی پرست، تهران: نشر آگه، چاپ ششم.
- مرادی، فریبا (۱۳۸۸). شریعتی در اسلام سیاسی در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، قم: دانشگاه مفید.
- نعیمی شیشوان، بهنام (۱۳۹۱). ریشه‌های بنیادین تیران در روح یک ملت. کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای نمایشی و موسیقی.

•.....
- نیک‌پی، امیر (۱۳۷۸). ایدئولوژی، دین و انقلاب ایران. پژوهشنامه متین، ۱(۳)، ۳۶۲-۳۴۷.
doi: 20.1001.1.24236462.1378.2.3.15.2

- وثیق، شیدان (۲۰۱۸/۱۳۹۷). عناصر توتالیتر ایدئولوژی در پرتو نگاه بدیع هانا آرنست.
www.Chidan-Vassigh.Com

- Castoniaolis, C. (1986). *Domales de L'homme*. paris: seul.

- Ansart, P. (1974). *Ideologies, Conflit, et Pouvoir*. paris: puf.

مطالعه تطبیقی تأثیر گفتمان‌های انقلاب اسلامی حاکم بر کابینه‌های احمدی نژاد و روحانی در سیاست خارجی ایران

مجید گل‌پرو^۱

زهرا محمدی^۲

حنانه ناجی^۳

چکیده: با اینکه مؤلفه‌های خارج از کنترل حلقه محدود قوه مجریه نقش بسزایی در سیاست‌گذاری خارجی دولت‌ها ایفا می‌کند، گفتمان‌ها و به عبارت بهتر خرده گفتمان‌های حاکم بر قوه مجریه نیز در شکل‌گیری تصمیمات و به‌ویژه شیوه اجرای سیاست خارجی حائز اهمیت فراوان هستند. محور مقاله حاضر مطالعه سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران طی شانزده سال تحت تأثیر خرده گفتمان‌های حاکم بر دستگاه اجرایی کشور در دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد و روحانی و شناسایی و تحلیل ابعاد تحول گفتمان سیاست خارجی است. پرسش مقاله این است که بازتاب نظام معنایی کابینه‌های نهم، دهم، یازدهم و دوازدهم بر مؤلفه‌های سیاست خارجی ایران طی دوره‌های مذکور چه بوده است. مطابق نتایج، گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور در کابینه احمدی نژاد با تهییج افکار عمومی در داخل و ترویج باور ناعادلانه بودن نظم بین‌المللی به اتخاذ رویکرد هماوردی با نظام بین‌الملل در سیاست خارجی ایران منجر شد. حمایت از توده فرودست دال مرکزی گفتمان، در مقابل گفتمان اعتدال‌گرایی حاکم بر کابینه روحانی با تعمیم اصل تعادل

۱. استادیار علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت، کرمان، ایران. (نویسنده مسئول)

majid_golparvar@yahoo.com

۲. دکترای علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت، کرمان، ایران.

zahramohammadiza99@gmail.com3

۳. دانشجوی دکترای علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت، کرمان، ایران.

hananenaji2010@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۶

دوفصلنامه انقلاب پژوهی | سال دوم، شماره ۳ | بهار و تابستان ۱۴۰۳ | صفحات ۲۴۴-۲۲۳

<https://trs.ri-khomeini.ac.ir/>

و توازن از محیط داخلی به محیط بین‌المللی به تدوین رویکرد عمل‌گرایی در سیاست خارجی ایران انجامید. پژوهش حاضر با وام‌گیری از نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف، به واکاوی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: احمدی‌نژاد، اصول‌گرایی عدالت‌محور، اعتدال‌گرایی، روحانی، سیاست خارجی، گفتمان.

مقدمه و بیان مسئله

گفتمان‌ها از جمله گفتمان انقلاب اسلامی اساساً پویا هستند و تحول از ویژگی‌های ذاتی آنها محسوب می‌شود. در خصوص گفتمان انقلاب اسلامی ایران به‌مثابه یک کلان‌گفتمان، دو نوع تحول قابل‌شناسایی است: نخست، تحول «از» گفتمان انقلاب اسلامی به گفتمانی دیگر و دوم، تحول «در» درون گفتمان انقلاب اسلامی. تحول نخست معادل عبور از انقلاب اسلامی است؛ اما تحول دوم به معنای تشکیل خرده‌گفتمان‌های گوناگونی است که در درون این کلان‌گفتمان با یکدیگر و نه با گفتمان مادر رقابت می‌کنند. این خرده‌گفتمان‌ها در اصول حاکم و گزاره‌های بنیادی و زیربنایی مشترک‌اند و تفاوت و تمایز آنها تنها در سطح گزاره‌های فرعی و روینایی است. تجربه بیش از چهار دهه نظام جمهوری اسلامی ایران نشان‌دهنده وجود خرده‌گفتمان‌های متعدد درون کلان‌گفتمان انقلاب اسلامی و رقابت آنها با یکدیگر برای تأثیرگذاری بر قوای مقننه و مجریه بوده است.

«گفتمان اسلام‌گرایی» تا پیش از روی کار آمدن کابینه نهم در قالب خرده‌گفتمان‌های چهارگانه «آرمان‌گرایی انقلابی»، «مصلحت‌گرایی»، «واقع‌گرایی یا عمل‌گرایی اسلامی» و «صلح‌گرایی مردم‌سالار» تبیین گردیده و تجلی یافت. این خرده‌گفتمان‌ها در عین اشتراک در اصول و احکام بنیادی در گزاره‌های اشتقاقی با هم و تمایز دارند. از این رو همگی آنها در یک پیوستار قرار می‌گیرند که در یکسر آن آرمان‌گرایی اسلامی و در سر دیگر آن واقع‌گرایی اسلامی قرار دارد. در دوره‌های گوناگون حیات جمهوری اسلامی ایران، سیاست داخلی و خارجی کشور در بین این دو حد گفتمانی در نوسان بوده است.

آرمان‌گرایی انقلابی، گفتمان معارض ملت‌گرایی لیبرال بود که تا اواسط سال ۱۳۶۳ بنا به اقتضای فضای انقلابی و جنگ تحمیلی عراق در جمهوری اسلامی به منزلت هژمونیک نسبی رسید. خرده‌گفتمان مصلحت‌گرایی اسلامی از اواسط دوره دفاع مقدس در سال ۱۳۶۳ تا پایان جنگ تحمیلی در سیاست خارجی ایران ظهور کرد. پایان جنگ تحمیلی و اقتضانات بازسازی اقتصادی و سازندگی به غلبه خرده‌گفتمان واقع‌گرایی در سیاست خارجی کابینه سازندگی

انجامید. اولویت یافتن توسعه سیاسی و اصلاح طلبی در دوره اصلاحات منجر به شکل‌گیری و حاکمیت خرده‌گفتمان صلح‌گرایی مردم‌سالار در سیاست خارجی ایران شد. با تکوین اصول‌گرایی خرده‌گفتمان «اصول‌گرایی عدالت‌محور» بر سیاست داخلی و خارجی کابینه‌های نهم و دهم حاکم شد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶، ص. ۶۸).

با آغاز به کار کابینه یازدهم نیز خرده‌گفتمان دیگری در چهارچوب کلان‌گفتمان اسلام‌گرایی ظهور کرد که «اعتدال‌گرایی» نام گرفت. مهم‌ترین ویژگی گفتمان اعتدال‌گرایی، ایجاد تعادل بین آرمان و واقعیت از طریق تلفیق آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی است. از این رو بر مبنای منطق چرخه‌گفتمان در جمهوری اسلامی ایران، گفتمان اعتدال‌گرایی را می‌توان «آرمان‌خواهی واقع‌بینانه» یا «آرمان‌گرایی واقع‌بین» نامید (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳، ص. ۳). هر یک از این دو گفتمان، همچون سایر خرده‌گفتمان‌های ابرگفتمان اسلام‌گرایی در عین اثرپذیری از تحولات داخلی و خارجی دارند.

هدف اصلی مقاله حاضر، مقایسه تأثیر گفتمان‌های داخلی کابینه‌های نهم، دهم، یازدهم و دوازدهم بر رویکرد سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران است. بر این پایه، پرسشی که مقاله به آن پاسخ می‌دهد این است که نظام معنایی گفتمان‌های اصول‌گرایی عدالت‌محور و اعتدال‌گرایی و دال‌های مرکزی و عناصر و دقایق آن‌ها چه بازتابی در مؤلفه‌های سیاست خارجی کابینه‌های نهم، دهم، یازدهم و دوازدهم داشته است. لذا نظام‌های معنایی اصول‌گرایی عدالت‌محور و اعتدال‌گرایی متغیر مستقل و سیاست خارجی کابینه‌های نهم، دهم، یازدهم و دوازدهم متغیر وابسته به شمار می‌آیند. دال‌های این دو گفتمان به‌ویژه دال‌های مرکزی آن‌ها نیز عناصر تشکیل‌دهنده متغیر مستقل پژوهش محسوب می‌شوند.

۱. پیشینه پژوهش

تاکنون هیچ مطالعه‌ای با موضوع مقاله حاضر انجام نپذیرفته؛ اما برخی ابعاد نزدیک به این موضوع در پژوهش‌های پیشین به بحث گذاشته شده که در این مقاله از یافته‌ها و نتایج آن‌ها استفاده شده است. مهم‌ترین این آثار در ادامه به‌طور خلاصه معرفی شده‌اند:

متقی و طباطبایی (۱۳۹۹) در مقاله «تحلیل تأثیر عناصر گفتمان اعتدال‌گرایی دولت روحانی بر مناسبات جمهوری اسلامی ایران با اتحادیه اروپا» استدلال کردند که طرح گفتمان اعتدال‌گرایی روحانی به‌عنوان رئیس‌جمهور کابینه‌های یازدهم و دوازدهم به همراه رویکردهای تعاملی و انعطافی، با استقبال کشورهای اتحادیه اروپا روبرو شد و با شروع مذاکرات هسته‌ای که به توافق هسته‌ای برجام انجامید به باور آن‌ها، همه عوامل و متغیرهای تحول‌آفرین گفتمانی

در سیاست خارجی کابینه روحانی به سمت ایجاد نوعی واقع‌گرایی به مفهوم درک و شناخت صحنه بین‌المللی و عمل بر اساس منافع و ظرفیت‌های کشور و پرهیز از ایدئولوژیک کردن مسائل به‌منظور بهبود مناسبات در حرکت بوده‌اند.

بر پایه یافته‌های این مقاله، عناصر گفتمان اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی کابینه‌های یازدهم و دوازدهم به شکل رویکردهای تنش‌زدایی، تعامل با جهان و ارائه چهره‌ای مسئولیت‌پذیر و متعهد به قوانین و مقررات بین‌المللی از ایران نمود یافت. نتایج این مقاله گویای آن است که اتخاذ گفتمان اعتدال‌گرایی به تغییر اساسی در باور و برداشت اتحادیه اروپا از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران منجر شد و جهت‌گیری سیاست خارجی و مناسبات دوجانبه را از رویکردهای تقابلی گذشته به سمت تعامل و تنش‌زدایی سوق داد. این اثر در توصیف و تحول گفتمان‌ها به تحول گفتمان‌ها به تحول در پهنه‌های و تأثیر عوامل بین‌المللی در تحول گفتمان بسیار شایسته عمل کرده است.

محمد نیا (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی تطبیقی سیاست خارجی دولت‌های اصول‌گرا و اعتدال» بر آن است که با شروع کابینه اصول‌گرای نهم و تداوم آن در کابینه دهم، به‌نوعی گفتمان تهاجمی نسبت به نظام بین‌الملل و منافع قدرت‌های بزرگ در دستور کار سیاست خارجی ایران قرار گرفت که هدف آن، تغییر وضع موجود در راستای الگوی نوین عدالت‌محور بود. در این دوره، با جابجایی در اهداف بلندمدت و کوتاه‌مدت سیاست خارجی، تحقق آرمان‌های انقلاب و اصلاح نظام مدیریتی جهان در زمره اهداف کوتاه‌مدت جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت و در نتیجه، سیاست خارجی ایران به سمت رادیکالیسم هدایت شد. رویکرد سیاست خارجی کابینه یازدهم برخلاف کابینه‌های نهم و دهم، مبتنی بر پذیرش نسبی نظم موجود بین‌المللی و تنش‌زدایی و تعامل با قدرت‌های بزرگ است. نویسنده معتقد است رویکردهای سیاست خارجی ایران در دو دوره اصول‌گرایی و اعتدال متأثر از ساختارهای متفاوت هنجاری داخلی و بین‌المللی بوده است.

دهقانی فیروزآبادی (۱۳۸۶) در مقاله «گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور در سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد» با رویکردی متفاوت، به سیاست خارجی پرداخته و تلاش کرده رویکرد اصول‌گرا را در عرصه سیاست خارجی تبیین و تأیید کند. برای این منظور، نویسنده ضمن تعریف سیاست خارجی در ایران، به شناسایی ادوار مختلف تحول تاریخی آن از پیروزی انقلاب اسلامی تا زمان کابینه نهم پرداخته و در این چشم‌انداز تاریخی، مقطع کابینه احمدی‌نژاد را به‌عنوان یک مطالعه موردی برای ارائه مصادیق گفتمان اصول‌گرایی انتخاب کرده است.

تلاش نویسنده در این مقاله معطوف به شناخت ارکانی است که می‌توانند نقش «اصول» را در عرصه سیاست خارجی ایفا کنند. به این ترتیب تأکید بر گزاره‌های بنیادین در حوزه اسلامیت، ایرانیت و آرمان‌های انقلابی، اولویت یافته و نویسنده این ارکان را متناسب با فضای سیاست خارجی بازتعریف کرده است.

اتخاذ و پیگیری راهبردی شالوده شکن در قبال نظم و نظام بین‌الملل، سیاست نگاه به شرق، تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و اسلامی، آمریکای لاتین‌گرایی، استفاده از نمادگرایی (سمبولیسم)، توجه به جنبش عدم تعهد، متنوع‌سازی گفتگوهای هسته‌ای فراتر از اروپا، حمایت از جنبش‌های رهایی‌بخش و مظلومان و مسلمانان به‌ویژه مردم فلسطین، نمونه‌هایی از تغییر جهت‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی در کابینه نهم است. در حقیقت سیاست خارجی ایران در بستر گفتمان اصول‌گرایی، تهاجمی شده و نسبت به آمریکا و غرب به مرز تقابل رسیده بود؛ تقابلی که در پرونده هسته‌ای ایران در طول کابینه‌های نهم و دهم کاملاً مشهود بود. این پژوهش با رویکرد جانب‌داری و ایدئولوژیک به بررسی گفتمان‌های بعد از انقلاب اسلامی پرداخته و در نهایت نیز گفتمان عدالت‌محور احمدی‌نژاد اهمیتی ویژه بخشیده است.

۲. تعریف مفهوم عدالت

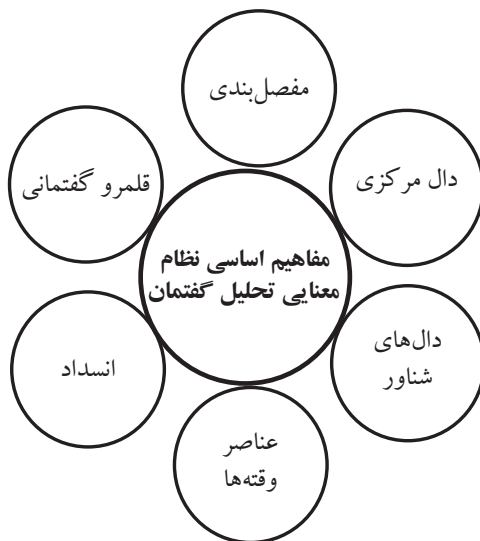
اصطلاح اساسی این پژوهش عدالت است که در سطح کلان شامل بُعد اقتصادی سیاسی و سیاست خارجی است. گفتمان نیز شیوه خاصی برای سخن گفتن درباره جهان و فهم آن است؛ بنابراین گفتمان‌های عدالت شیوه خاصی از بیان عملکرد و فهم درباره عدالت هستند که بر مسئولان اجرایی هر یک از دولت‌های پس از انقلاب ایران حاکمیت داشته است.

۳. چهارچوب نظری نظریه گفتمان لاکلا و موف

نظریه گفتمان لاکلا و موف به‌عنوان نظریه گفتمان در حوزه علوم سیاسی تبیین چگونگی ظهور و استمرار و افول گفتمان‌ها و بررسی تعامل میان آن‌ها برخوردار است و ابزارهای تحلیلی پدیده‌های اجتماعی و سیاسی را در سطح کلان در اختیار قرار می‌دهد (قریشی و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۱۴۴). گردآوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل یافته‌های این مقاله در چهارچوب نظریه گفتمان لاکلا و موف است. نظریه گفتمان بر آن است که معانی و درک ما از جهان فقط در چهارچوب گفتمان‌های گوناگون امکان‌پذیر است. به عبارت دیگر، گفتمان‌ها نظام‌های معنایی هستند که اعتقاد و تجلی خاطر ما را از واقعیت‌های مختلف سیاسی و اجتماعی شکل می‌دهند (بخشایشی اردستانی، ۱۳۸۸).

نظریه‌های تحلیل گفتمان طیف وسیعی را در برمی‌گیرد (ساخت‌گرا، نقش‌گرا، انتقادی، پسامدرن و...) که از میان آن‌ها، نظریه گفتمان لاکلا و موف کاربردی‌ترین نظریه این حوزه محسوب می‌شود (حسینی‌زاده، ۱۳۸۳، ص. ۱۹۴). این دو اندیشمند با استفاده از زبان‌شناسی سوسور، گفتمان را مجموعه‌ای از نشانه‌های مفصل‌بندی شده و پیوندیافته می‌دانند. براین اساس گفتمان یک منظومه معنایی است که واژه‌ها و نشانه‌های آن در کنار هم و در پیوند با یکدیگر مجموعه‌ای معنادار را می‌آفرینند. در این نظریه، مفهوم گفتمان، گستره‌ای از داده‌های زبانی و غیرزبانی (نوشته‌ها، سخنرانی‌ها، اعلامیه‌ها، سیاست‌گذاری‌ها، سازمان‌ها، نهادها و...) را در برمی‌گیرد و آن‌ها را همچون زبان تحلیل می‌کند؛ بنابراین گفتمان فقط به معنای گزاره‌های زبانی نیست. گفتمان همچون هر نظریه و رهیافتی دیگر دربردارنده برخی مفاهیم مهم و حیاتی است که تنها با درک آنان می‌توان به درک کلیت مفهوم و نظریه گفتمان نائل آمد که در زیر آمده است.

نمودار ۱: مفاهیم اساسی نظام معنایی گفتمان



(حجازی و بهرامی، ۱۳۹۸، ص. ۸)

۳-۱. روش‌شناسی تحلیل گفتمان

در این پژوهش بررسی و تحلیل گفتمان عدالت در دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی در سیاست خارجی مدنظر است. به این منظور، ابتدا نشانه‌های اصلی گفتمان با استفاده از تکنیک تحلیل گفتمان لاکلا و موف استخراج شدند. مصادیق عدالت در دولت‌های مذکور با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه‌ای توصیف و تحلیل می‌شوند

درباره موضوع مقاله نیز باید گفت در پرتو تحولات داخلی و خارجی، گفتمان‌ها و خرده گفتمان‌های مختلفی در جمهوری اسلامی ایران غالب و حاکم شده است. پس از انقلاب اسلامی، تنها دو ابر گفتمان «ملت‌گرایی لیبرال» و «اسلام‌گرایی» در سیاست داخلی و خارجی ایران به منزلت هژمونیک نسبی رسیدند. آن‌هم در یک معارضه گفتمانی شدید با گفتمان رقیب یعنی اسلام‌گرایی که حاملان و قائلان آن انقلابی‌های اسلام‌گرا بودند؛ اما گفتمان اسلام‌گرایی به تدریج قوام و دوام یافت و از سال ۱۳۶۰ تا امروز در هیأت و هیبت‌های مختلفی در سیاست داخلی و خارجی ایران تداوم داشته است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳، ص. ۳۴).

در این پژوهش بعد از نگاه به بعضی از مفروضات فلسفی نظریه گفتمان لاکلا و موف، روشی گام‌به‌گام و چندمرحله‌ای برای الگوهای نظری و روش‌شناختی ارائه می‌شود (حجازی و بهرامی، ۱۳۹۸، ص. ۱۷).

۲-۳. مفاهیم اساسی در نظریه گفتمان لاکلا و موف

تحلیل گفتمان متشکل از شمار زیادی مفاهیم متکثر و البته درهم‌پیچیده است.

مفصل‌بندی: تلفیق عناصری که با قرار گرفتن در مجموعه جدید، هویتی تازه می‌یابند؛ از این‌رو هویت یک گفتمان، بر اثر رابطه‌ای که از طریق عمل مفصل‌بندی میان عناصر گوناگون پدید می‌آید (هویت ارتباطی) شکل می‌گیرد (تاجیک، ۱۳۸۳، ص. ۴۶).

دال و مدلول: دال به معنای اشخاص، مفاهیم، عبارات و نمادهایی انتزاعی یا حقیقی است که در چهارچوب‌های گفتمانی خاص، بر معانی خاص دلالت می‌کنند. معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت می‌کند، مدلول نامیده می‌شود؛ برای مثال، تکثر مطبوعات منتقد دال و آزادی بیان مدلول آن است (کسرایی و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸، صص. ۳۴۴-۳۴۳).

دال مرکزی: هسته مرکزی منظومه گفتمانی را دال مرکزی تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر، مفاهیمی که در درون یک گفتمان سازمان‌دهی می‌شوند، گرد یک دال مرکزی ایجاد می‌شوند.

دال شناور: دالی است که مدلول آن شناور (غیرثابت) است. به عبارت دیگر، دال شناور مدلول‌های متعدد دارد (کسرایی و پوزش شیرازی، ۱۳۹۰، ص. ۲۳۰).

1. Articulation
2. Signifier & Signified
3. Nodal point
4. Floating Signifier

ضدیت و غیرت^۱: گفتمان‌ها اساساً در تفاوت و ضدیت با یکدیگر شکل می‌گیرند. هویت‌یابی یک گفتمان صرفاً در تعارض با گفتمان‌های دیگر امکان‌پذیر را در ساختار خود ایجاد ساخته است. در واقع هویت تمامی گفتمان‌ها مشروط به وجود غیر است (سلطانی، ۱۳۸۳، ص. ۱۱۱).

هژمونی و تثبیت معنا: اگر بر سر معنایی خاص برای یک دال در جامعه اجماع حاصل شود، به عبارت دیگر افکار عمومی معنایی مشخص را برای آن، هر چند به‌طور موقت بپذیرد و تثبیت کند، آن دال هژمونیک می‌شود. با هژمونیک شدن دال‌های یک گفتمان، آن گفتمان هژمونیک می‌شود. تثبیت موقت هویت‌ها، در امکانات و موقعیت مهم‌ترین کار ویژه هژمونی در گفتمان است (کسرابی و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸، ص. ۳۵۰).

تزلزل یا بی‌قراری^۲: اساساً هژمونی و تثبیت معنای دال‌ها در تمامی گفتمان‌ها موقتی است. گفتمان‌های هژمون همواره از سوی گفتمان‌های رقیب و بحران‌های اجتماعی دچار تزلزل می‌شوند؛ هنگامی که نظام معنایی یک گفتمان متزلزل شود، کل آن گفتمان متزلزل و زمینه برای جاننشینی گفتمان رقیب فراهم می‌شود.

۴. گفتمان اسلام‌گرایی انقلاب اسلامی

از آنجاکه انقلاب تحولی بنیادین در جامعه محسوب می‌شود و ساختارها، نهادها، مفاهیم و نمادهای جدیدی را به همراه می‌آورد، عمدتاً گفتمانی جدید به شمار می‌آید که با تزلزل گفتمان مسلط پیشین، به برتری رسیده است (MacLachlan, 1996, p. 252). در واقع اغلب انقلاب‌ها نه تنها سامان سیاسی جدیدی را به همراه دارند و «نظم جدیدی» را به ارمغان می‌آورند (Horn, 1991, P. 624).

گفتمان انقلاب اسلامی با معنازدایی از دال‌های گفتمان پیشین (که شاید بتوان آن را گفتمان «توسعه به سبک غرب» نامید) و ارائه معانی جایگزین برای آن‌ها و اضافه و کم کردن برخی دال‌ها، توانست علاوه بر کسب استیلا در حوزه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی داخل کشور، آثار فرا سرزمینی سترگی نیز بر جای بگذارد. تعریف گفتمان انقلاب اسلامی، چگونگی کسب جایگاه برتر از سوی آن و گفتمان یا گفتمان‌های رقیبی که گفتمان انقلاب اسلامی توانست با به حاشیه راندن آن‌ها به برتری برسد، می‌تواند محل بحث باشد. اگرچه این موضوعات مربوط به گذشته است؛ زیرا «حاشیه‌رانی غیر هر اندازه نیز شدید باشد، نمی‌تواند رقیب را به‌طور کامل

1. Antagonism & Otherness

2. Dislocation

از صحنه رقابت حذف کند؛ بنابراین همیشه امکان بازسازی و بازگشت سرکوب‌شدگان وجود دارد» (شفیع‌زاده، ۱۳۹۶، ص. ۸۸).

گفتمان توسعه‌گرای لیبرال (نوسازی به شیوه مدرنیسم غربی) و گفتمان تأثیرگذاری از مارکسیسم، جدی‌ترین گفتمان‌های رقیب گفتمان انقلاب اسلامی به شمار می‌آیند که سعی در جذب نمادها اثرات و نشانه‌های انقلابی به نفع گفتمان خود و علیه دیگر گفتمان‌ها داشتند. هر یک از این سه گفتمان از سال‌های پیش از وقوع انقلاب در تلاش بودند تا ضمن بی‌اعتبار کردن مفاهیم و معنا زدایی از وقته‌های گفتمان «توسعه به سبک غرب»، معانی موجود در حوزه گفتمان گویایی این گفتمان را به نفع خود مصادره کنند. تلاش این سه گفتمان رقیب (اسلامی، لیبرالیسم و مارکسیسم) در بخش نخست (بی‌اعتبار کردن مفاهیم و معنا زدایی از وقته‌های گفتمان توسعه به سبک غرب) تا حد زیادی در یک راستا قرار داشت؛ اما در خصوص بازتعریف دال‌ها و انتساب معنایی خاص برای هر یک از آن‌ها و ارائه هویتی جدید برای جامعه و افراد آن، تضادی ماهوی و جدی میان آن‌ها برقرار بود. این تضادها تا بهمن ۱۳۵۷ به دلیل تمرکز هر سه گفتمان بر فروپاشی منظومه معنایی گفتمان توسعه به سبک غرب کمتر به چشم می‌خورد؛ اما نبرد میان آن‌ها برای کسب برتری به‌زودی آشکار شد.

در نهایت گفتمان انقلاب اسلامی توانست با معنا زدایی از دال‌های اصلی دو گفتمان لیبرالیسم و مارکسیسم و تثبیت معنای خاص خود برای این نشانه‌ها و تولید منظومه‌ای غنی از معنای هویت‌بخش، به برتری نائل شود. گفتمان انقلاب اسلامی، مفاهیم اساسی سوسیالیسم (شرق) و لیبرالیسم (غرب) را نه تنها معارض با معانی خود می‌پنداشت، بلکه آن‌ها را به‌مثابه دیگری گفتمان انقلاب اسلامی تعریف می‌کرد. شعار «نه شرقی، نه غربی» نیز در ابتدا شعاری تبلیغاتی و همچون تلاش گروه کشورهای غیرمتعهد در طول جنگ سرد برای ایجاد نیرویی سوم در کنار غرب و شرق به نظر می‌رسید؛ اما به‌زودی مشخص شد که این شعار در واقع یکی از دال‌های اصلی (نه مرکزی) گفتمان انقلاب اسلامی است و قرار است بخشی از هویت جامعه و افراد آن باشد. غلبه گفتمان انقلاب اسلامی بر گفتمان‌های رقیب خود، محصول عوامل متعددی بود که علاوه بر مشیت الهی به «اعتبار نشانه‌ها و معانی گفتمانی آن نزد افراد جامعه» و «عدم تمایز جدی میان معانی دال‌های اصلی دو گفتمان سوسیالیسم و لیبرالیسم با گفتمان توسعه به سبک غرب» بازمی‌گردد.

برخی گفتمان‌کاوان، دو گفتمان توسعه‌گرای لیبرال (نوسازی به شیوه مدرنیسم غربی) و متأثر از مارکسیسم را به‌مثابه خرده گفتمان‌های گفتمان کلان انقلاب اسلامی در نظر می‌گیرند که

در نهایت به دلیل ضدیتشان با دال مرکزی و گفتمان انقلاب اسلامی و مخالفت با معانی اختصاصی گفتمان انقلاب اسلامی برای دال‌های اصلی، حذف شدند. منطق این دیدگاه، بیشتر شکلی است تا مفهومی و میان گفتمان انقلاب اسلامی و وقوع انقلاب اسلامی تمایز قائل نمی‌شود.

در هر صورت، آنچه مسلم است، گفتمان انقلاب اسلامی تا به امروز در تثبیت نسبی و موقت معنای نشانه‌ها و ممانعت گفتمان‌های رقیب از ساختار شکنی (تلاش غیر برای از بین بردن ثبات معنای نشانه‌ها و برهم زدن رابطه میان دال‌ها با مدلول‌های گفتمان هژمون) موفق ظاهر شده است. یکی از عمده دلایل تداوم این گفتمان به جز مشیت الهی، بهره‌مندی نسبی از توان به کارگیری «رویه‌های برجسته‌سازی و به حاشیه رانی» (به حاشیه رانی ضعف‌های خود و قوت‌های رقیب و برجسته‌سازی قوت‌های خود و ضعف‌های رقیب) و توجه به لزوم حفظ اعتبار گفتمان در میان آحاد جامعه بوده است.

وجود خرده گفتمان‌های متعدد در درون گفتمان کلان انقلاب اسلامی نیز تا حد زیادی به نقد درون گفتمانی کمک کرده و معانی دال‌های آن را به‌روز کرده است. گفتمان انقلاب اسلامی نیز مانند هر گفتمان دیگری برای تداوم خود نیازمند به‌روزرسانی است و نمی‌توان با این توجیه که گفتمان انقلاب اسلامی اصالت فطری و الهی دارد، از آسیب‌شناسی گزاره‌های آن و ظرفیت گفتمان‌های رقیب غافل شد، بلکه باید نخست به بسط کامل گفتمان انقلاب اسلامی دل سپرد و به این گام‌های پیموده دل خوش نبود و دوم، همواره در تکاپوی بازتولید و روزآمد کردن آن برآمد تا از اعتبار نیفتد و از دسترس خارج نشود.

آرمان‌های انقلاب اسلامی و اهداف کلان جمهوری اسلامی فقط از راه تداوم گفتمان انقلاب اسلامی محقق می‌شوند و تداوم این گفتمان نیز نیازمند نقد درون گفتمانی، بازتولید و به‌روزرسانی است. گفتمان‌سازی امری دستوری نیست و نیاز به طراحی فرایندی علمی با توجه به خصوصیات جامعه هدف دارد. هنگامی که از پیوست گفتمان‌سازی در انجام فعالیت‌ها و برنامه‌های کلان اقتصادی و سیاسی صحبت می‌شود، منظور شیوه‌های تبدیل برنامه به ادبیات حاکم بر زندگی تک‌تک نخبگان و مردم جامعه است.

۵. بررسی و تحلیل گفتمان‌های عدالت در دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی

گفتمان، اصطلاحی است که در مواجهه با کثرت معنایی است؛ اما ما مشابه جریان اصلی به کار برنده این اصطلاح، آن را منظومه‌ای از معنایی که در آن نشانه‌ها (گزاره‌های محورین) هویت و معنا می‌یابند و فهم از واقعیت و جهان پیرامون را شکل می‌دهند (جعفری و جانباز، ۱۳۹۵، ص. ۹۵).

۵-۱. گفتمان عدالت‌محور و تأثیر آن بر سیاست خارجی ایران

با انتخاب محمود احمدی‌نژاد به سمت ریاست‌جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۴، گفتمان آرمان‌گرایی به شکلی تازه دوباره از حاشیه به متن سیاست در ایران بازگشت. عمده پایگاه قدرت احمدی‌نژاد را طبقات فرودست جامعه و نهادهای قدرت در درون نظام تشکیل می‌داد و وی با وعده احیای اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی و توانمندسازی مستضعفان در انتخابات شرکت کرد (زیباکلام، ۱۳۸۵، ص. ۳۰۵).

به این ترتیب با آغاز به کار کابینه نهم، گفتمان حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز دستخوش تغییر و تحول درونی شد. در حقیقت ظهور این گفتمان که از گفتمان‌های پیش و پس از خود متمایز و متفاوت است، مفهوم تازه‌ای برای برخی دال‌های پیشین به ارمغان آورد و مفصل‌بندی حول دال محوری گفتمان اسلام‌گرایی انقلاب اسلامی را تغییر داد و این تغییرات بازتاب نسبتاً وسیعی بر سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران داشت.

گفتمان دولت دهم (دولت احمدی‌نژاد) و دولت یازدهم (دولت روحانی) به عنوان خرده گفتمان‌های اسلامی با توجه به نزدیکی تاریخی و عرصه ظهور دو گفتمان آرمان‌گرا و آرمان‌گرایی واقع‌نگر می‌توانند در چهارچوب تحلیلی مناسبی را از تأثیر‌گذاری الگوهای رفتاری آن دو بر امنیت منطقه خاورمیانه، پیش روی همگان قرار گیرد (محمودخانی و کشیشیان، ۱۳۹۵، ص. ۲۹).

از عمده دال‌های برجسته شده در این دوره در سپهر سیاست خارجی می‌توان به مدیریت جهانی، استکبارستیزی، نفی سلطه‌پذیری و حمایت از مسلمانان و مستضعفان اشاره کرد. همچنین در این دوره مفصل‌بندی تازه‌ای از دال‌هایی صورت گرفت که پیش از آن در حوزه گفتمان گونگی رها شده بودند. صدور انقلاب، تجدیدنظرطلبی، شالوده‌شکنی نظام بین‌الملل و انرژی هسته‌ای به مثابه حق مسلم ایرانیان، از جمله این دال‌ها به شمار می‌آیند (رمضانی، ۱۳۹۵، ص. ۴۲؛ علیپوریان و نوری اصل، ۱۳۹۳، ص. ۹۵).

دال مرکزی گفتمان اصول‌گرای عدالت‌محور را عدالت تشکیل می‌داد و همه دال‌ها و مفاهیم دیگر در پیوند و نسبت به آن معنی و مدلول می‌یابند (قریشی و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۱۵۳). دولت و ملت جمهوری اسلامی ایران به مثابه یکی از مهم‌ترین عناصر گفتمانی سیاست خارجی کابینه نهم و دهم متأثر از نظام ادراکی و نگرش رئیس‌جمهور و دیگر اعضای کابینه به آرمان‌ها و اصول انقلاب اسلامی ایران، تأثیر بسیار مهمی بر سیاست خارجی کشور برجای گذاشت. دولت در گفتمان عدالت‌محور بر محور ایدئولوژی و جهان‌بینی اسلام شیعی تعریف می‌شود. (محمودخانی و کشیشیان، ۱۳۹۵، ص. ۱۳).

در این نگرش، رسالت اصلی دولت، پاسداری از اسلام و تعهد و عمل به آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی است، به گونه‌ای که موجب تعالی جوامع بشری و ارتقای منزلت آنان به جایگاهی شایسته و بر پایه ارزش‌های اسلامی شود.

عدالت‌محوری و عدالت‌گستری از محورها و برنامه‌های اصلی کابینه احمدی‌نژاد محسوب می‌شد و وی در صدد احیای اصول، ارزش‌ها و آرمان‌های اولیه انقلاب اسلامی و در رأس آن‌ها عدالت بود؛ بنابراین برنامه اصول‌گرایانه احمدی‌نژاد بر مبنای مبارزه با بی‌عدالتی و نابرابری اجتماعی، فساد و تبعیض تدوین و عرضه شد.

گفتمان عدالت‌گستری احمدی‌نژاد از نظر سیاست اخلاقی به دولت و حکومتی ارجاع داشت که مرکز ثقل آن را تأسیس یک جامعه دینی مبتنی بر اصول و ارزش‌های فرازمانی و فرامکانی شریعت اسلام با هدف تأمین سعادت دنیا و آخرت انسان‌ها تشکیل می‌داد. این گفتمان نه تنها تأمین سعادت و تعالی انسان در جامعه را وظیفه دولت می‌دانست، بلکه یکی از مهم‌ترین رسالت‌ها و مأموریت‌های سیاست خارجی آن را تعالی جوامع انسانی معرفی می‌کرد.

پس از فهم دال مرکزی گفتمان عدالت‌محور کابینه‌های احمدی‌نژاد برای شناخت بهتر عناصر و دال‌های پیرامونی این گفتمان می‌توان به بخش «راهکارهای سیاست خارجی و روابط بین‌الملل» در منشور کابینه نهم (بندهای ۲ تا ۸) مراجعه کرد. اهداف سیاست خارجی ایران در این منشور به دو دسته ملی و ایدئولوژیک تقسیم شده بود اهداف ایدئولوژیک سیاست خارجی کابینه نهم نیز تشکیل قطب جهان اسلام در نظام چندقطبی آینده، مبارزه با ناامنی، جنگ و تحقیر ملت‌ها، مقابله با یک‌جانبه‌گرایی، مبارزه با نظام تک‌قطبی و امپراتوری نظام سلطه جهانی و مبارزه با استعمار و ترندهای نظام سلطه بر شمرده شده بود (اطهری و خانی، ۱۳۹۵، ص. ۳).

عدالت‌طلبی، صلح‌طلبی و مهرورزی نیز که اصول حاکم بر سیاست خارجی کابینه‌های نهم و دهم را تشکیل می‌داد، از عناصر اصلی گفتمان عدالت‌محور محسوب می‌شد. در خصوص راهبردهای نیل به اهداف پیش‌گفته، منشور کابینه نهم بر ضرورت پیگیری شیوه‌های زیر تأکید داشت: اتخاذ دیپلماسی فعال و مؤثر در سیاست خارجی، برقراری و تداوم روابط بین‌الملل بر اساس عزت، حکمت و مصلحت، تعامل سازنده و مؤثر با جهان امروز، پیگیری سیاست تنش‌زدایی و تهدید‌زدایی، استفاده از فرصت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، گسترش همکاری با کشورهای اسلامی، تقدم نگاه منطقه‌ای در روابط بین‌الملل، رعایت اولویت روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با جهان اسلام، حوزه خلیج فارس، حوزه خزر و آسیای میانه، حوزه پاسیفیک، اروپا، مبارزه همه‌جانبه با تروریسم، حرکت در جهت تبیین و مقابله با استعمار نو،

مبارزه با ترفندهای نظام سلطه جهانی و گسترش همکاری با کشورهای مستقل و غیرمتعهد بر اساس منافع و مصالح.

از دیگر مؤلفه‌های سیاست خارجی احمدی‌نژاد می‌توان به سیاست نگاه به شرق در خصوص پرونده هسته‌ای و دیپلماسی عمومی و مخاطب قرار دادن مردم سایر کشورها اشاره کرد. این رویکرد، خود بازتابی از گفتمان عدالت‌محور کابینه‌های نهم و دهم در سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شد گفتمانی که بر وجود بی‌عدالتی در نظام بین‌الملل و ضرورت تلاش برای غلبه بر آن اصرار داشت.

کابینه نهم از سیاست نگاه به شرق به‌عنوان ابزاری برای برقراری تعادل و توازن بین شرق و غرب استفاده می‌کرد. در این میان سیاست نگاه به جنوب نیز در راستای مقابله با سلطه‌گری شمال مورد توجه قرار داشت (عیوضی، ۱۳۸۷، ص. ۲۲۰). تلاش احمدی‌نژاد برای نزدیکی هرچه بیشتر به برخی دولت‌های آمریکای لاتین مانند بولیوی، ونزوئلا و کوبا را نیز باید در رویکردهای ضدآمریکایی آن‌ها جستجو کرد.

عنصر آرمان‌گرایی در گفتمان عدالت‌محور کابینه احمدی‌نژاد در سیاست خارجی بیشتر به شکل سلطه‌ستیزی نمود پیدا کرد. احمدی‌نژاد در راستای تحقق شعار عدالت در نظام بین‌الملل، نفی نظام سلطه را با تأکید بر نظام بین‌الملل عاری از سلطه قدرت‌های استکباری دنبال می‌کرد و با نفی تجاوزگری‌ها و مناسبات ناعادلانه قدرت، عملاً در تقابل آشکار با نظام سلطه جهانی قرار گرفته بود. ضدیت آشکار گفتمان کابینه‌های نهم و دهم با نظام سلطه و عزم جدی سیاست خارجی ایران در دوران احمدی‌نژاد برای ساقط کردن موقعیت برتر ایالات متحده در منطقه و حتی جهان عمده دلیل دشمنی کانون‌های ثروت و قدرت منطقه و جهان علیه تهران و وضع تحریم‌های همه‌جانبه علیه کشورمان بود (پایان، ۱۴۰۲، ص. ۸۹).

سلطه‌ستیزی به معنای مبارزه با استکبار جهانی و مقابله با مدیریت جهانی به رهبری ایالات متحده، مهم‌ترین عنصر گفتمانی کابینه‌های نهم و دهم در سپهر سیاست خارجی بود که دولت عدالت‌محور در سایه آن هویت می‌یافت؛ بنابراین نخستین راهکار گفتمان حاکم بر کابینه احمدی‌نژاد برای ایجاد نظم عادلانه بین‌المللی، مبارزه با سلطه جهانی به رهبری ایالات متحده بود (محمود خانی و کشیشیان، ۱۳۹۵، صص. ۱۷-۱۸).

گفتمان عدالت‌محور، عناصر و دقایق سیاست خارجی ایران را به‌گونه‌ای در نظام معنایی تازه‌ای مفصل‌بندی کرد که رفتارها و کنش‌های متفاوتی را به نسبت قبل در سپهر سیاست خارجی به همراه آورد. معرفی جمهوری اسلامی ایران در این نظام معنایی به‌مثابه دولتی

عدالت‌طلب در عرصه جهانی، نقش‌های متفاوتی برای دولت پدید آورد و رفتارهایی متفاوت با پیش‌مبنی بر تجدیدنظرطلبی نسبت به حکمرانی جهانی را تجویز می‌ساخت (دهقانی فیروزآبادی و عطایی، ۱۳۹۴، ص. ۲۹).

کلان‌گفتمان انقلاب اسلامی در کابینه نهم و دهم احمدی‌نژاد با ارائه مفصل‌بندی جدیدی حول دال مرکزی ولایت‌فقیه، جبراً و طبعاً هویتی عادل پیدا کرد که در سیاست خارجی خود می‌بایست به دفاع از مظلوم و مبارزه با ظالم بپردازد در حقیقت سیاست خارجی ایران در بستر گفتمان اصول‌گرایی به سمت تهاجمی شدن سوق یافت و نسبت به آمریکا و غرب به مرز تقابل رسید (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۴، ص. ۹۴).

۲-۵. گفتمان اعتدال‌گرا و تأثیر آن بر سیاست خارجی ایران

با انتخاب حسن روحانی به ریاست‌جمهوری و تشکیل کابینه یازدهم در سال ۱۳۹۲ و طرح گفتمان اعتدال‌گرایی، عناصر و گزاره‌های گفتمانی تازه‌ای در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پدید آمد که با دوره قبل متفاوت بود و تا حد زیادی به دوران اصلاحات شباهت داشت. محور اصلی این گفتمان، اعتدال در رفتار و تعامل سازنده و مبتنی بر منافع متقابل با جهان خارج بود.

فرهنگ سیاسی در گفتمان اعتدال محصول تکوین گفتمان انقلاب اسلامی و یک جدال متنی-گفتمانی بین گفتمان‌های پیشین خود برای تثبیت شکل و محتوای خاصی از صورت‌بندی قدرت است. دقت در برنامه‌های ارائه‌شده، سخنان و به‌طور کلی رفتار و نظم گفتمانی سیاست خارجی کابینه یازدهم جمهوری اسلامی، نشان از تعقیب رویکردی میانه در همه بخش‌ها دارد (آجیلی و افشاریان، ۱۳۹۵، ص. ۵۲).

این رویکرد در سپهر سیاست خارجی کابینه یازدهم به شکل تعامل سازنده با دیگر دولت‌ها نمود پیدا کرد.

در اصول کلی برنامه کابینه یازدهم که از روحانی به مجلس ارائه شده بود، در توضیح خط‌مشی «تعامل سازنده در روابط بین‌الملل» آمده بود که بدون رابطه سازنده با دنیا نمی‌توان منافع کشور را تأمین کرد و بالأخص در مقطعی از تاریخ انقلاب اسلامی قرار داریم که بیشترین فشارهای خارجی ظالمانه بر کشور وارد می‌شود. از این رو، گذر کردن از شرایط حاضر و تأمین منافع ملت ایران، مستلزم تعامل سازنده و بسیار هشیارانه با دنیاست. همچنین اقتصاد ما باید تعامل سازنده معطوف به تأمین منافع متقابل با اقتصاد جهانی داشته باشد (علیپوریان و نوری اصل، ۱۳۹۳، ص. ۱۰۲). از مهم‌ترین برنامه‌های عملیاتی حوزه سیاست خارجی نیز که تحت تأثیر گفتمان اعتدال‌گرای

کابینه یازدهم تدوین شده بود می توان به برنامه ریزی عملیاتی و هدفمند برای خنثی سازی پروژه امنیتی سازی جهانی جمهوری اسلامی ایران، تقویت دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران، مدیریت روابط با کشورهای متخاصم و عادی سازی روابط با دیگر کشورهای غربی، تقویت روابط با قدرت های جدید و نوظهور، بازسازی نقش منطقه ای و بین المللی جمهوری اسلامی ایران، برنامه ریزی هوشمندانه، انسجام تصمیم گیری و یکپارچگی عملیاتی به منظور ارتقای نقش مثبت سیاست خارجی در توسعه ملی، طراحی ساختار گفتمانی متناسب بر اساس درک واقعیات ساختاری منطقه ای و جهانی، بهره گیری حساب شده، برنامه ای، هماهنگ و مؤثر از دیپلماسی دو جانبه، چند جانبه، عمومی، اقتصادی، فرهنگی، پارلمانی، دفاعی، امنیتی و غیر رسمی در جهت نیل به اهداف توسعه و امنیت کشور اشاره کرد.

گفتمان اعتدال گرای روحانی در سیاست خارجی در پی ایجاد سازگاری آرمان های جمهوری اسلامی ایران با واقعیت های سیاسی جهان آشوب زده بود. در حقیقت گفتمان اعتدال گرا تلاش داشت تا با انجام برخی جرح و تعدیل ها در رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عین رعایت چهارچوب ها، اهداف و آرمان های اصلی مورد نظر در قانون اساسی و سایر اسناد بالادستی به برخی دستاوردها در سطح بین المللی دست یابد.

دیدگاه روحانی مبنی بر اعتدال در سیاست خارجی به دوران پیش از انتخاب وی به سمت ریاست جمهوری بازمی گردد. وی در سال ۱۳۸۹ در مقاله ای متذکر شده بود که سیاست خارجی مطلوب برای ایجاد تعادل پویا و تعامل هم افزا میان آرمان ها و واقعیت ها ناگزیر باید در عین توجه به مسائل امنیتی از اسارت نگرش امنیت محور محض که عمدتاً حاصل تداوم تفکر دوران جنگ سرد است، رهایی یابد و به سوی رویکرد توسعه محور (به عنوان هدف غایی سند چشم انداز) چرخش کند. طبیعی است که رفتار کنش مند در هر یک از این دو الگو، الزامات خاص خود را می طلبد که هر کشور پس از تعیین جهت گیری ها و اهداف کلان ملی خود ناگزیر از زمینه سازی و تمهید الزامات همان الگوست. این بدان معناست که هر کشور با مشخص کردن اولویت فضای کنش خود، ناچار از پیگیری رفتار قاعده مند در فضای مربوطه، مبتنی بر اصول و قواعد بازی همان فضا در راستای تأمین امنیت خود است (روحانی، ۱۳۸۹، ص. ۱۷).

هویت جدید سیاست خارجی دولت روحانی مبتنی بر سیاست واقع گرایانه در مقابل سیاست آرمان گرایانه و انقلابی تعریف می شد و تا حد زیادی با هنجارهای بین المللی سازگاری داشت و بر انگاره هایی نظیر دیپلماسی و مذاکره در جهت حل و فصل اختلافات به ویژه رفع ابهامات هسته ای و پرهیز از هرگونه تنش زایی و سیاست های خصمانه تأکید داشت. دال ها و عناصر

گفتمان اعتدال‌گرا مانند تعامل سازنده، پرهیز از تنش، تأکید بر دیپلماسی و مذاکره که به پایه‌های اصلی سیاست خارجی کابینه‌های یازدهم و دوازدهم تبدیل شده بود در شکل‌دهی به نوع نگاه و برداشت اتحادیه اروپا نسبت به جمهوری اسلامی ایران نقش مؤثری داشت و تلقی آن‌ها از یکدیگر را از دشمنی و تقابل به تعامل نزدیک ساخت (متقی و طباطبایی، ۱۳۹۹، ص. ۱۵۶). «اعتدال‌گرایی» دال مرکزی گفتمان کابینه روحانی را تشکیل می‌داد. از دیدگاه روحانی اعتدال به مثابه عنصر مرکزی و پایه اصلی سیاست خارجی و داخلی به شمار می‌آید تا آنجا که معتقد است تفکر اسلامی و شیعی بر اساس عدل و اعتدال بنا شده است. به عقیده وی، اعتدال در سیاست خارجی به معنی تسلیم و انفعال یا ستیز و تقابل نیست، بلکه به معنی تعامل مؤثر و سازنده با جهان است که باید با توجه به ارزش‌ها و آرمان‌های جمهوری اسلامی ایران، میان واقع‌بینی و آرمان‌خواهی توازن لازم را برقرار کند. وی اعتدال در سیاست خارجی را واقع‌بینی با توجه به آرمان‌گرایی و حفظ ارزش‌ها، خودباوری با اتکا به توان ملی و تعامل مؤثر و سازنده با جهان می‌داند.

گفتمان اعتدال نیز مانند گفتمان عدالت‌محور، ساختار نظام بین‌الملل را عادلانه نمی‌داند؛ اما برخلاف گفتمان کابینه‌های نهم و دهم به ایجاد تحول تدریجی و نه دفعی در نظام بین‌الملل معتقد بود. بر پایه این گفتمان، اعضای کابینه از انجام هرگونه رفتار یا گفتار تهاجمی علیه ساختارهای حاکم بر نظام بین‌الملل از جمله رژیم‌ها، قواعد، سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی یا قواعد مرسوم پرهیز داشتند؛ اگرچه برحسب مورد آن‌ها را مورد انتقاد قرار می‌دادند. در عین حال رویکردهای مصلحت‌اندیشانه و نرمی را با هدف اصلاح ساختار نظام بین‌الملل اتخاذ کرده بودند که جلب همکاری دیگران از جمله قدرت‌های نوظهور و استفاده از ابزارهای قانونی و مشروع همچون چندجانبه‌گرایی، مقابله نرم با زیاده‌خواهی‌های ایالات متحده توسعه روابط با قدرت‌های بزرگ غیر غربی از جمله آن‌ها به شمار می‌آمد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳). در گفتمان اعتدالی روحانی، در مقایسه با سایر گفتمان‌های انقلاب اسلامی سعی شده بود تا تفسیرهای ملایم‌تری در خصوص موضوعات و مسائل ایدئولوژیک ارائه شود. در این برداشت و در مقابل تأکید بر منافع ملی بود؛ زیرا عنصر ایدئولوژی‌گرایی اعتدالی ایجاد می‌کند که میان هر دو جنبه واقع‌گرایانه و آرمان‌گرایانه یا میان اهداف ملی و ایدئولوژیکی جمهوری اسلامی توازن رعایت شود. ایدئولوژی‌گرایی اعتدالی بر آن بود تا ضمن تأکید بر اصول بنیادین و ارزش‌های اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی به رعایت توازن و تعادل در اهداف ملی و فراملی به دور از هرگونه افراط و تفریط پایبند بماند (قریشی و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۱۶۵).

۳-۵. مقایسه گفتمان اصول احمدی نژاد (اصول گرایی) با گفتمان روحانی دولت تدبیر و امید (اعتدال گرایی)

گفتمان اصول گرایی یا نو محافظه کار در بهترین خوانش، برخاستن گفتمان دهه نخست جمهوری اسلامی از خاستگاه راست بوده است (ایزدی و رضایی پناه، ۱۳۹۲، ص. ۶۶). انگاره عدالت اجتماعی، دال مرکزی این گفتمان را در مسئله اقتصاد تشکیل می داد. توجه پیش از حد به توزیع درآمدی و کم توجهی به تولید، ضعف اساسی این گفتمان شد که موجب به زیر کشیدن رقیبانش شد. محمود احمدی نژاد دولتش را در شرایط باثبات سیاسی و اقتصادی روبه رشد و اندوخته ۱۰ میلیارد دلاری در صندوق ذخیره ارزی از دولت اصلاحات تحویل گرفت. بر اساس آمارها درآمد نفتی دولت اصلاحات در هشت سال ۲۱۱/۳ میلیارد دلار بود که متوسط سالانه آن ۲۶/۴۱ میلیارد دلار است. همچنین رشد اقتصادی دولت اصلاحات ۸ درصد در سال ۱۳۷۶ به ۶/۳ در سال ۱۳۸۴ رسید (موسوی و موسوی، ۱۳۹۸، ص. ۱۲۹). گفتمان اصول گرایی احمدی نژاد به عنوان گفتمان غیر توسعه سیاسی بر مبنای آشوب ها و بی قراری های آن با مفصل بندی نشانه های خود حول دال مرکزی عدالت و ایجاد دوقطبی حامیان وضع موجود و تغییر با در دسترس قرار دادن خود و اقلان افکار عمومی و همچنین برجسته سازی عناصر شناور و سرگردان حوزه گفتمان گونگی دولت با مکانیسم انتخابات به گفتمان حاکم تبدیل شد (موسوی و موسوی، ۱۳۹۸، ص. ۱۳۵).

گفتمان	اصول گرایی	اعتدال و توسعه
گفتمان سابق	توسعه سیاسی	اصول گرایی
دال مرکزی	عدالت	نوسازی لیبرالی
سیاسات خارجی	نگاه به شرق	نگاه به غرب
توسعه	عدالت به مثابه توزیع	عدالت به مثابه اعتدال
برنامه هسته ای	چالشی، عدم مصالحه	تعامل، مذاکره برجام
جهت توسعه	درونزا	برونزا
تورم و ثبات اقتصادی	نیمه دوم اختلال قیمت ها بحران ارزی	نیمه دوم اختلال قیمت ها بحران ارزی
تحریم ها	کاغذ پاره	تأثیر گذار
نقدینگی	افزایش حجم نقدینگی	افزایش حجم نقدینگی
درآمد نفت	بالاترین رقم بعد از انقلاب	نوسان و تحریم شدید

نتیجه‌گیری

دو خرده‌گفتمان عدالت در دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی در درون گفتمان جمهوری اسلامی ایران توصیف و تحلیل شدند. این دو خرده‌گفتمان دو قرائت متفاوت از فراگفتمان جمهوری اسلامی به شمار می‌روند.

انقلاب اسلامی ایران نیز نه تنها رژیم سلطنت استبدادی را سست و لرزان کرد، بلکه گفتمان جدیدی را ایجاد کرد که در ادبیات سیاسی انقلابیون جهان مؤثر واقع شد. با این همه گفتمان‌ها به ندرت یکپارچه هستند و عملاً گفتمان‌های متعددی در درون یک «کلان‌گفتمان» با یکدیگر در تعامل و رقابت‌اند که خرده‌گفتمان نامیده می‌شوند.

تاکنون گفتمان‌های مختلفی در جمهوری اسلامی ایران حاکم شده است. با حاکمیت هر یک از این گفتمان‌ها رفتار و راهبرد جمهوری اسلامی ایران نیز دستخوش تغییر و تحول شده است. اگرچه بر اساس بعضی از رویکردهای گفتمانی، عامل یا کارگزار انسانی خود در درون گفتمان تعریف می‌شود و در چهارچوب آن رفتار می‌کند؛ اما تحول گفتمانی در جمهوری اسلامی ایران بیانگر این واقعیت است که رؤسای جمهور نقش تعیین‌کننده‌ای در تدوین و تعریف گفتمان سیاست داخلی و خارجی ایفا می‌کنند.

گفتمان «اصول‌گرایی عدالت‌محور» با دال‌های شناور «موعودگرایی»، «انقلابی‌گری»، «اشرافی‌ستیزی»، «عدالت‌گستری»، «مهرورزی»، «پیشرفت و تعالی مادی و معنوی» و «خدمت‌رسانی» بر کابینه‌های نهم و دهم سرمدار شد. پیروزی روحانی نیز به پیدایش خرده‌گفتمان «اعتدال‌گرایی» در چهارچوب گفتمان اسلام‌گرایی در جمهوری اسلامی ایران منجر شد که از دال‌های شناور آن می‌توان ذکر به «تلفیق آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی»، «تنش‌زدایی»، «اعتدال داخلی»، «پرهیز از تنش داخلی و خارجی» و «مفاهمه» اشاره کرد. گفتمان‌ها در عین اثرپذیری از تحولات داخلی و خارجی بر این دو محیط نیز تأثیرگذاری بسزایی داشتند.

گفتمان‌های اصول‌گرایی عدالت‌محور و اعتدال‌گرایی در اصول حاکم یا گزاره‌های بنیادی، با سایر خرده‌گفتمان‌های اسلام‌گرایی مشترک هستند و اختلاف نظر آن‌ها صرفاً به گزاره‌های فرعی و قضایای اشتقاقی از این احکام و اصول اصلی محدود می‌شود. این امر بدان معناست که ظهور اصول‌گرایی عدالت‌محور یا اعتدال‌گرایی، تحول از یک گفتمان به گفتمانی دیگر یا گسست گفتمانی تلقی نمی‌شود، بلکه هر دو تحولی در گفتمان اسلام‌گرایی به شمار می‌آیند. با وجود این دیدگاه، قرائت و تفسیر خرده‌گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور با خرده‌گفتمان اعتدال‌گرایی در خصوص برخی مفاهیم و قضایای فرعی از جمله رابطه بین حاکمیت الهی و حاکمیت ملی

در ساختار جمهوری اسلامی، میزان نقش و وزن عنصر ایرانیت در تقویم و تکوین هویت ملی جمهوری اسلامی ایران، نسبت و رابطه بین منافع ملی و مصالح اسلامی و... متفاوت است. دو گفتمان عدالت‌محور و اعتدال‌گرا در عناصر آرمان‌گرایانه ابر گفتمان انقلاب اسلامی دارای وحدت نظر و در عناصر واقع‌گرایانه آن از یکدیگر متمایز هستند. به همین جهت هر دو ضمن وفاداری به دال مرکزی و گزاره‌های اصلی گفتمان اسلام‌گرایی در بازتعریف مؤلفه‌های این گفتمان و چگونگی اجرای اهداف آن به‌ویژه در سپهر سیاست خارجی تفاوت‌های زیادی دارند. گفتمان اعتدال‌گرا ضمن پذیرش رسالت خود در تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی به دنبال دستیابی به آن‌ها از طریق سازگاری با مقتضیات زمان و شرایط حاکم بر نظم بین‌المللی بود. به همین جهت منافع ملی برجسته‌ترین راهنمای کابینه‌های یازدهم و دوازدهم در تصمیم‌سازی و اجرای سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آمد. در مقابل، سیاست خارجی کابینه‌های نهم و دهم به دلیل غلبه دیدگاه‌های آرمان‌گرایانه و انقلابی گفتمان اسلام‌گرایی بر گفتمان عدالت‌محور به اتخاذ رویکردی تهاجمی علیه قدرت‌های غربی و در رأس آن‌ها ایالات متحده منجر شد.

بر پایه این یافته‌ها، پاسخ ابتدایی مقاله را می‌توان صادق دانست و اظهار داشت که گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور در کابینه احمدی‌نژاد با تهییج افکار عمومی در داخل و ترویج باور ناعدالانه بودن نظم بین‌المللی به اتخاذ رویکرد هماوردی با نظام بین‌الملل در سیاست خارجی ایران منجر شد. در مقابل، گفتمان اعتدال‌گرایی حاکم بر کابینه روحانی با تعمیم اصل تعادل و توازن از محیط داخلی به محیط بین‌المللی به تدوین رویکرد عمل‌گرایی در سیاست خارجی ایران انجامید.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

- آجیلی، هادی و افشاریان، رحیم (۱۳۹۵). گفتمان اعتدال در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۵ (۱۹)، ۷۳ - ۴۳. <https://doi.org/10.22054/qps.2017.7184>
- اطهری، سید اسدالله و خانی، رضا (۱۳۹۵). تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت‌های نهم و دهم؛ بر اساس تئوری جیمز روزنا. *مجله پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۷ (۲۶)، ۲۶-۱. https://journals.iau.ir/article_526265.html
- ایزدی، رجب و رضایی پناه، امیر (۱۳۹۲). مبانی اجتماعی و اقتصادی تحول در گفتمان‌های سیاسی مسلط در جمهوری اسلامی ایران. *جستارهای سیاسی معاصر*، ۴ (۴)، ۷۴-۴۷. <http://ensani.ir/file/download/article/2015042913141557-9737-.pdf>
- بخشایشی اردستانی، احمد (۱۳۸۸). تحلیل گفتمانی در بازاندیشی اجتماعی. *مجله سیاست*، ۳۹ (۱)، ۶۶-۵۷. <https://ensani.ir/fa/article/176929>
- پایان، سهیلا (۱۴۰۲). نقش نیروی سوم در تاریخ معاصر سیاست خارجی ایران. *فصلنامه تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران*، ۲ (۳)، ۹۱-۷۰. doi: 10.30510/pscci.2022.288822.1023
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳). *کتاب گفتمان، یادگفتمان و سیاست*. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، چاپ دوم.
- جعفری، علی اکبر و جانباز، دیان (۱۳۹۵). تنوع گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و وجوه دیپلماسی نوین هسته‌ای. *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۴ (۱۶)، ۹۳-۱۲۱. https://qps.atu.ac.ir/article_3987.html
- حجازی، سید نصراله و بهرامی، وحید (۱۳۹۸). کاربست روش تحلیل گفتمان لاکلا و موف در رشته علوم سیاسی. *فصلنامه علمی-پژوهشی روش‌شناسی علوم سیاسی*، ۲۵ (۹۹)، ۱۸-۱. <https://doi.org/10.30471/mssh.2019.1575>
- حسینی زاده، سید محمدعلی (۱۳۸۳). نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی. *علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم*، ۷ (۲۸)، ۲۱۲-۱۸۱. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/105626>
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و عطائی، مهدی (۱۳۹۴). تحلیل گفتمانی سیاست هسته‌ای دولت احمدی‌نژاد از هژمونی تا افول. *پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، ۴ (۱)، ۵۸-۲۲. <https://doi.org/10.22067/jipr.v4i1.49042>
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۳). *گفتمان اعتدال گرایی در سیاست خارجی جمهوری*

اسلامی ایران. فصلنامه سیاست خارجی، ۲۸ (۱)، ۳۹-۱.

http://fp.ipisjournals.ir/article_13618.html

- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۶). گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور در سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد. دو فصلنامه دانش سیاسی، ۵ (۶)، ۹۸-۶۷.

<https://doi.org/10.30497/pk.2007.52>

- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۴). تحول گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری. تهران: انتشارات مؤسسه انتشاراتی روزنامه ایران.

- روحانی، حسن (۱۳۸۹). سیاست خارجی و آینده نفت و گاز ایران. فصلنامه روابط خارجی،

۲ (۳)، ۳۷-۷. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.20085419.1389.2.3.7.3>

- رضایی، روح‌الله (۱۳۹۵). چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی، چاپ پنجم.

- زیباکلام، صادق (۱۳۸۵). احمدی‌نژاد و جامعه‌شناسی قدرت در ایران. بازتاب اندیشه شرق،

۷۴، ۳۰۳-۳۰۷. <http://ensani.ir/fa/article>

- سلطانی، سید علی‌اصغر (۱۳۸۳). قدرت، گفتمان و زیان. تهران: نشر نی.

- شفیع‌زاده، سمانه (۱۳۹۶). جناح‌بندی سیاسی در انتخابات مجلس نهم (با تأکید بر تجربه سیاسی

خرده گفتمان‌های اصول‌گرایان). دو فصلنامه مطالعات انتخابات، ۶ (۱۴ و ۱۵)، ۱۰۸-۸۱.

www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1562474

- علیپوریان، طهماسب و نوری اصل، احد (۱۳۹۳). تحول یا تغییر گفتمانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ مقایسه سیاست خارجی دوران احمدی‌نژاد و روحانی. فصلنامه مطالعات

سیاسی، ۷ (۲۵)، ۱۰۷-۷۹. <https://sanad.iau.ir/Journal/jourm/Issue/43030>

- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۷). تحلیلی بر سیاست خارجی آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد.

نشریه راهبرد یاس، ۲ (۱۴)، ۲۳۰-۲۰۹. <http://ensani.ir/fa/article/105044>

- قریشی، فردین، علیرزاده اقدام، محمدباقر و زائر کعبه، رحیم (۱۳۹۶). تحول گفتمان عدالت در

ایران: مطالعه موردی دولت‌های محمود احمدی‌نژاد و حسن روحانی. دو فصلنامه جامعه‌شناسی

اقتصادی و توسعه، ۶ (۲)، ۱۸۰-۱۴۳. <http://ensani.ir/fa/article/384543>

- کسرائی، محمد سالار و پوزش شیرازی، علی (۱۳۸۸). نظریه گفتمان لاکلا و موف ابزاری

کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی. فصلنامه سیاست، ۳۹ (۳)، ۳۶۰-۳۳۹.

https://jppq.ut.ac.ir/article_20194.html

- کسرائی، محمد سالار و پوزش شیرازی، علی (۱۳۹۰). تحلیل گفتمان جنبش دانشجویی پس از پیروزی انقلاب اسلامی با استفاده از نظریه گفتمان لاکلا و موف (۱۳۸۵-۱۳۷۶). فصلنامه سیاست، ۴۱ (۳)، ۲۴۵-۲۲۷. https://jppq.ut.ac.ir/article_29805_3044.html
- متقی، محمدعلی و طباطبایی پناه، سید علی (۱۳۹۹). تحلیل تأثیر عناصر گفتمان اعتدال گرایی دولت روحانی بر مناسبات جمهوری اسلامی ایران با اتحادیه اروپا. فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، ۵۰، ۲۰۳-۱۸۷. <https://sanad.iau.ir/journal/prb/Article/1066608>
- محمد نیا، مهدی (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی سیاست خارجی دولت‌های اصول‌گرا و اعتدال. فصلنامه سیاست پژوهی، ۲ (۱)، ۲۰۴-۱۷۵. <http://ensani.ir/fa/article/538997>
- محمود خانی، زهرا و کشیشیان، گارینه (۱۳۹۵). بررسی مقایسه‌ای گفتمان‌های سیاست خارجی دولت دهم و یازدهم و تأثیر آن بر امنیت منطقه خاورمیانه. فصلنامه سیاست خارجی، ۳۰ (۲)، ۳۵-۷. http://fp.ipisjournals.ir/article_24643.html
- موسوی، سید قائم و موسوی، سید حجت‌الله (۱۳۹۸). مقایسه گفتمانی توسعه در دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی. ماهنامه آفاق علوم انسانی، ۳۲، ۱۳۷-۱۲۱. <http://ensani.ir/file/download/article/15854721546-32-10123-.pdf>
- Horn, J. (1991). The Revolution as Discourse. *History of European Ideas*, 13(5), 623-632. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/019165999190077C>
- MacLachlan, A. (1996). *The Rise and Fall of Revolutionary England*. London: Palgrave.

واکاوی چرایی شکست سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا در پیش‌بینی انقلاب اسلامی ایران

مهدی حیدری^۱

Doi :10.22034/fademo.2024.486278.1061

محمد مدبری^۲

چکیده: انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، بنیان بسیاری از نظریه‌های علوم اجتماعی و سیاسی در خصوص علل وقوع انقلاب‌ها را با چالش اساسی مواجه کرد؛ زیرا کمتر کسی وقوع انقلابی با مختصات انقلاب اسلامی را پیش‌بینی می‌نمود. در خصوص چرایی رخداد انقلاب ایران و تأثیر آن بر تئوری‌های انقلاب تاکنون مطالعات متنوع و مختلفی انجام شده؛ اما در این مطالعات کمتر به نقش دستگاه‌های اطلاعاتی پرداخته شده است. حال اینکه این شکست، قبل از هر چیز یک شکست اطلاعاتی است. بر مبنای این مدعا، سؤال مقاله بدین شرح مطرح شده است که چرا سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا)، نتوانست انقلاب اسلامی ایران را در سال ۱۳۵۷ پیش‌بینی کند؟ برای پاسخ به این سؤال ضمن مرور ادبیات رشته نوظهور مطالعات اطلاعاتی، از الگوی چرخه اطلاعات استفاده شده است و ناکامی مزبور در هر یک از فرایندهای چرخه اطلاعات تحلیل شده است. داده‌های پژوهش از طریق مطالعات اسنادی گردآوری و با استفاده از روش فراترکیب تحلیل شده است. یافته‌های پژوهش دلالت بر آن دارد که سازمان سیا در ارتباط با انقلاب اسلامی ایران، در فرایندهای هدایت، جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل چالش اساسی داشته و لذا در مرحله انتشار نیز با مشکل مواجه شده است؛ در عین حال دال مرکزی در چرایی پژوهشی شکست اطلاعاتی سازمان سیا برای برآورد انقلاب اسلامی ایران را اساساً می‌توان یک شکست تحلیلی ارزیابی کرد.

کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی ایران، رویکرد اطلاعاتی، سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا)، شکست اطلاعاتی، چرخه اطلاعات.

۱. دکترای جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

mheidar90@gmail.com

m.modaberi@gmail.com

۲. استادیار مدیریت، مؤسسه ابرار معاصر، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۴

دوفصلنامه انقلاب پژوهی | سال دوم، شماره ۳ | بهار و تابستان ۱۴۰۳ | صفحات ۲۷۴-۲۴۵

<https://trs.ri-khomeini.ac.ir/>

مقدمه و بیان مسئله

انقلاب اسلامی ایران در حالی رخ داد که علاوه بر نظریه پردازان، بسیاری از سیاستمداران و دستگاه‌های اطلاعاتی دنیا مانند سازمان اطلاعاتی سیا نیز که آشنایی نزدیکی با وقایع ایران داشتند از وقوع آن متحیر شدند. سرشناس‌ترین مورخ خارجی انقلاب ایران، نیکی کدی، تصریح می‌کند که «علی‌رغم مدعاهای بازانديشانه و پس از وقوع، هیچ‌کس هرچقدر هم که از وضعیت ایران مطلع و در آن متخصص بود، نتوانست انقلاب ایران را قبل از وقوعش پیش‌بینی کند» (Keddie, 1995, p.5). اسکاچپول نیز معتقد است انقلاب ایران، موردی از انقلاب اجتماعی بود که غیرقابل انتظار و حیرت‌انگیز برای کلیه تئوری پردازان انقلاب بود. واقعیت این است که شما نمی‌توانید حتی یک تئوری پرداز را در هر مکتب و مرامی پیدا کنید که وقوع انقلاب ایران را پیش‌بینی کرده باشد (Skocpol, 1986, p.192).

ناکامی نظریه پردازان در پیش‌بینی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، باعث تجدیدنظر و بازنگری جدی در تئوری‌های انقلاب گردید. به گونه‌ای که اسکاچپول بعد از وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ میلادی، تئوری ساختاری‌اش را به چالش کشید و در چرخشی کامل، این انقلاب اجتماعی را استثنائی و منحصر به فرد تلقی و نوشت:

اگر یک انقلاب در دنیا وجود داشته باشد که عامدانه و آگاهانه به وسیله یک نهضت اجتماعی توده‌ای به قصد سرنگون ساختن نظام پیشین ساخته شده باشد، بلاتردید انقلاب ایران علیه شاه است ... انقلاب ایران صرفاً نیامد بلکه به صورت عامدانه و منسجمی ساخته شد؛ به ویژه در مرحله اولیه آن یعنی سرنگون ساختن رژیم پیشین ... در ایران، به نحوی یگانه و بی‌نظیر، انقلاب ساخته شد (Skocpol, 1986, p. 267).

در خصوص چرایی رخداد انقلاب ایران و تأثیر آن بر تئوری‌های انقلاب تاکنون مطالعات متنوع و مختلفی انجام شده است (ر.ک. به: طالبان، ۱۳۹۳)؛ اما در این مطالعات کمتر به نقش دستگاه‌های اطلاعاتی پرداخته شده است. حال اینکه این شکست، قبل از هر چیز یک شکست اطلاعاتی است. آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا در اوت ۱۹۷۷ / مرداد ۱۳۵۶ گزارش تحقیق ۶۰ صفحه‌ای را تهیه کرد که در آن دقیقاً این جملات ذکر شده است: «شاه تا دهه ۱۹۸۰ نیز شریک فعالی در حیات ایران خواهد بود» و «شیوه سیاسی ایران در آینده نزدیک، تغییر رادیکال مهمی نخواهد داشت». آژانس ضد اطلاعات دفاعی در ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۸ (۷ مهر ۱۳۵۷) گزارش داد که «شاه در ده سال آینده نیز به طور فعال در رأس قدرت باقی خواهد ماند». کارتر نیز

مرتباً این ارزیابی خوش‌بینانه را تکرار می‌کرد (طالبان، ۱۳۹۳). البته سایر سازمان‌های اطلاعاتی بزرگ دنیا نیز ارزیابی‌شان این بود که شاه این بحران را پشت سر خواهد گذاشت، حتی اگر تظاهرات اعتراضی مردم با سرعت زیادی بیشتر شده باشد. به همین دلیل بود که کلیه قدرت‌های بزرگ دنیا تقریباً تا انتها از شاه ایران حمایت کردند (هویدا، ۱۳۷۴، ص. ۱۲). در مهرماه سال ۱۳۵۶ / سپتامبر ۱۹۷۷، یعنی فقط شانزده ماه پیش از فروپاشی حکومت پهلوی در ایران، آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA)، ایران را یک جزیرهٔ ثبات در یک دریای پرتلاطم ترسیم نمود. بر اساس همین گزارش‌های سیا بود که کارتر در ۳۱ دسامبر ۱۹۷۷ (دی‌ماه ۱۳۵۶) خطاب به شاه گفت: «ایران تحت رهبری با عظمت شاه، جزیرهٔ ثبات در یکی از پرآشوب‌ترین مناطق جهان است. این امر مرهون شما اعلیحضرت و رهبری شما و احترام شما، ستایش و عشقی است که مردم شما نسبت به شما دارند» (بیل، ۱۳۷۱).

بر مبنای این مدعا، سؤال قابل طرح این است که چرا سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا)، نتوانست انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ را پیش‌بینی کند؟ برای پاسخ به این سؤال ضمن مرور ادبیات رشته نوظهور مطالعات اطلاعاتی، از الگوی چرخهٔ اطلاعات استفاده شده است و ناکامی مزبور در هر یک از فرایندهای چرخهٔ اطلاعات تحلیل شده است.

۱. پیشینه پژوهش

در خصوص انقلاب اسلامی ایران مطالعات مختلفی در داخل و خارج از کشور انجام شده است؛ اما به صورت خاص در خصوص چرایی شکست جامعه اطلاعاتی آمریکا در پیش‌بینی انقلاب اسلامی ایران، تاکنون پژوهشی در داخل کشور انجام نشده است و همه پژوهش‌های انجام شده به وسیله پژوهشگران خارج از کشور است که در زیر مهم‌ترین این پژوهش‌ها معرفی می‌شوند:

معرفی	نویسنده	عنوان کتاب/مقاله	
<p>این مقاله استدلال می‌کند که برخی از موارد شکست اطلاعات از جمله انقلاب ۱۹۷۹ ایران، نتیجه روابط معیوب اطلاعات-سیاست‌گذار با تکیه بر انگاره غلط حرفه‌ای‌گرایی در چهارچوب رویکرد سنتی جدایی اطلاعات از سیاست است.</p> <p>مقاله رویکرد «تحلیل از نظرگاه مشتری» را معرفی می‌کند که ترجیحات سیاست‌گذار را در مرکز مسائل اطلاعات قرار می‌دهد. در مورد انقلاب اسلامی ایران، در چهارچوب همان داده‌های موجود، تحلیل‌های در چهارچوب این رویکرد می‌توانست واشنگتن را در زمانی که هنوز اهرمی برای اقدام داشت، نسبت به تصمیم‌گیری حیاتی هشدار دهد.</p>	Arzan Tarapore	The view from somewhere: lessons from the intelligence failure in Iran	۱
<p>در این مقاله شکست اطلاعاتی آمریکا در پیش‌بینی انقلاب اسلامی ایران با بهره‌گیری از خاطرات و اسناد وزارت امور خارجه آمریکا و همچنین تجزیه و تحلیل آماری اسناد و پیام‌ها به سفارت‌ها و کنسولگری‌های آمریکا در ایران انجام شده است. یافته‌ها دلالت بر آن دارد که هرچند مقامات سفارت اعتراض‌های مردمی را گزارش داده‌اند؛ اما بر اهمیت این حوادث تأکید نکرده و لذا سیاست‌گذاران آمریکا را متوجه اهمیت این حوادث نکرده‌اند.</p>	Matthew Connelly, Raymond Hicks, Robert Jervis & Arthur Spirling	New evidence and new methods for analyzing the Iranian revolution as an intelligence failure	۲

معرفی	نویسنده	عنوان کتاب/مقاله	
<p>در این مقاله ویلیام داگرتهی ضعف جامعه اطلاعاتی آمریکا در پیش‌بینی انقلاب اسلامی ایران را بررسی می‌کند. او در این مقاله استدلال می‌کند که ترکیبی از عوامل شامل؛ وابستگی به فرضیات نادرست و درک ناکافی از چشم‌انداز اجتماعی - سیاسی ایران به اشتباهات قابل توجهی در مورد ماهیت و قدرت مخالفان رژیم شاه منجر شد. همچنین در حوزه جمع‌آوری اطلاعات توجه ناکافی به نارضایتی‌های رو به رشد و پیچیدگی جامعه ایرانی را از عوامل این شکست اطلاعاتی می‌داند. داگرتهی بر نیاز به ارزیابی‌های اطلاعاتی دقیق‌تر و با جزئیات تأکید می‌کند و اهمیت آگاهی فرهنگی در روابط بین‌الملل را یادآور می‌شود و پیشنهاد می‌کند که چنین بهبودهایی می‌تواند به جلوگیری از شکست‌های مشابه اطلاعاتی در آینده کمک کند.</p>	William J. Daugherty	Behind the Intelligence Failure in Iran	۳
<p>در این مقاله با استفاده از برخی از داده‌های تاریخی که به‌تازگی منتشر شده است استدلال می‌شود شکست در پیش‌بینی انقلاب اسلامی ایران ناشی از شکست در گردآوری اطلاعات دقیق و به‌موقع نبوده است، بلکه مشکل ناتوانی دستگاه اطلاعاتی در انتقال این اطلاعات به سیاست‌گذاران بوده است.</p>	Michael Donovan	National intelligence and the Iranian revolution	۴

معرفی	نویسنده	عنوان کتاب/مقاله	
<p>در این مقاله ادعا شده است که سرویس اطلاعاتی اسرائیل برخلاف سرویس اطلاعاتی آمریکا در پیش‌بینی انقلاب اسلامی ایران موفق بوده است. در توضیح این تفاوت، مقاله نشان می‌دهد که موفقیت سازمان اطلاعاتی اسرائیل عمدتاً حاصل آشنایی نزدیک نمایندگان اسرائیل در ایران با زبان، تاریخ و فرهنگ محلی و همچنین توانایی برقراری ارتباط با مردم محلی بوده است؛ ابزاری که آمریکایی‌ها کاملاً از آن بی‌بهره بودند.</p>	Uri Bar-Joseph	Forecasting a Hurricane: Israeli and American Estimations of the Khomeini Revolution	۵
<p>این مقاله رویکرد تاریخی به انقلاب اسلامی ایران دارد و حوادث منجر به انقلاب ایران و بعد از آن را تحلیل می‌کند در این مقاله علت ناکامی سیا در پیش‌بینی انقلاب اسلامی ایران جهت فقدان رابطه سیا با معترضین در خیابان‌ها، بازار و مساجد تحلیل شده است.</p>	Taylan DOĞAN	Rethinking the American Era: A Historical Perspective of Iranian Islamic Revolution and the U.S. Intelligence Community (IC)	۶

۳. تعریف مفاهیم و چهارچوب نظری

۳-۱. تعریف مفاهیم و اصطلاحات

سازمان اطلاعاتی^۱: شکلی از قدرت دولتی است (هرمان، ۱۹۹۶) که در قالب یک سازمان رسمی و قانونی در راستای تأمین منافع ملی کشور فعالیت‌هایی اطلاعات پایه پنهان در فرایند چرخه اطلاعات انجام می‌دهد. وظایف سازمان‌های اطلاعاتی در کشورداری در قالب سه نقش: «شناختی»، «نظارتی» و «اجرایی» متبلور می‌شود که نقش شناختی بر ادراک سازی اطلاعات به‌عنوان ابزار هدایت سیاست، نقش نظارتی بر امور بازرسی، حفاظتی و حراستی و نقش اجرایی بر فعالیت‌های میدانی مؤثر بر وضعیت امنیت ملی تأکید دارد.

در رویکرد سنتی برای انجام نقش‌های سه‌گانه فوق، در سازمان اطلاعاتی چهار فعالیت حرفه‌ای به‌عنوان «کارکردهای اطلاعات»^۲ به قرار زیر انجام می‌شود: جمع‌آوری، تحلیل و تخمین، ضداطلاعات^۳ و اقدام پنهان^۴ (شولسکی، ۱۳۹۴). ضداطلاعات معمولاً با فعالیت‌هایی که تهدیدات امنیتی ناشی از سرویس‌های اطلاعاتی خارجی را خنثی می‌کند، سروکار دارد (پرانکان، ۱۳۹۶، ص. ۳) و خود دارای سه کارکرد: ضد جاسوسی، ضد براندازی و حفاظت است (نور محمدی، ۱۳۹۱، ص. ۴۹). اقدام پنهان همان عملیات مخفی تأثیرگذاری بر سوژه یا محیط خارجی است (صالحی، ۱۳۹۵، ص. ۲۷).

هشداردهی اطلاعاتی^۵: هشدار کلمه فارسی و عربی آن تحذیر از باب تفعیل است؛ ریشه آن حذر به معنای دور کردن و احتراز از چیزی ترسناک و هرس آور می‌گویند. فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی در معادل‌سازی واژه Warning کلمه هشدار را پیشنهاد کرده است. در لغتنامه دهخدا «هش‌دار» به معنی هش داشتن و خبر کردن آورده شده است (دهخدا، ۱۳۸۵). فرهنگ عمید هشدار را سخن، علامت یا حرکتی که برای آگاهانیدن و تنبه به کار می‌رود معنا کرده است (عمید، ۱۳۷۵). با در نظر گرفتن مبناهایی از جمله وجود دشمن، امکان غفلت‌پذیری، اعتقاد به تنبه‌آفرینی و اعتقاد به اختیار انسان در انتخاب راه خیر و شر، هشداردهی امری لازم در حیات انسانی است.

1. Intelligence Functions
2. Counterintelligence
3. Counterintelligence
4. Covert Action
5. Intelligence Warning

هشداردهی اعلام و ابراز نشانه‌های بروز یک واقعه از سوی دستگاه اطلاعاتی به مراجع ذی‌ربط است. منظور از اطلاعات هشداردهنده نیز پیش‌بینی احتمال تحقق رویدادی ناخواسته در آینده است که از سطح عادی فزونی یافته یا میزان احتمال آن نسبت به گذشته افزایش خواهد یافت (شیرفمن، ۱۹۹۶، ص. ۷). آبرام شولسکی با تبعیت از الگویی که شرم‌ن کنت ارائه داده است، محصولات اطلاعاتی را به اطلاعات جاری، هشدارها، اطلاعات بنیادین، گزارش‌های مقطعی و برآوردهای اطلاعاتی تقسیم می‌کند (شولسکی، ۱۹۹۴، صص. ۱۲۹ - ۱۲۲).

غافلگیری! غافلگیری مفهومی در برابر مفهوم هشداردهی است. به تعبیری، غافلگیری شرایطی است که در آن، نظام تصمیم‌گیری در معرض پدیده‌هایی قرار می‌گیرد که قبلاً درباره آن‌ها پیش‌آگاهی نداشته باشد. به عبارتی وضعیتی است که مدیریت سیستم با شرایطی مواجه می‌شود که درباره آن‌ها تصویری نداشته و آن‌ها را از قبل حدس نمی‌زده است (حاجیانی، ۱۳۹۰، ص. ۱۲۱). انتهای کار یک سازمان اطلاعاتی، جلوگیری از غافلگیری است که منطقی‌تر مرحله قبل از آن را می‌توان هشداردهی نامید (فاضل و مولایی، ۱۳۹۱، ص. ۱۳۵). وظیفه سازمان این است که با استفاده از ابزار و روش‌های مختلف از جمله جمع‌آوری اطلاعات، بهره‌گیری از تکنیک‌های آینده‌پژوهی مانند تحلیل روند و ... مانع بروز غافل‌گیری شود (علیخانی، ۱۳۹۴، ص. ۱۲۲).

شکست اطلاعاتی: شکست‌های اطلاعاتی محصول غافلگیری اطلاعاتی هستند و این دو وضعیت، از ضعف‌های بنیادی تحلیل اطلاعاتی به شمار می‌آیند (حاجیانی، ۱۳۹۰، ص. ۱۳۴). شکست اطلاعاتی بر این مبنا استوار است که اطلاعات تا چه میزانی قادر به کاهش عدم اطمینان از آینده است. عدم توانایی در پیش‌بینی دقیق آینده و همچنین پیچیدگی‌های ناشی از تغییرات روزافزون باعث بروز غافلگیری و شکست‌های اطلاعاتی خسارت‌بار شده است (شفیعی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص. ۱۲۸۷). شکست اطلاعاتی زمانی رخ می‌دهد که نظام سیاسی، قادر به پیشگیری کامل از بحران یا مدیریت پیشینی شرایط برای کاهش آسیب‌های ناشی از بحران نباشد. این مهم حاصل ضعف کارکرد مجموعه نهاد اطلاعاتی و دستگاه سیاسی در کنار یکدیگر است و در سه حالت عام رخ می‌دهد:

۱. دستگاه اطلاعاتی تهدید را پیش‌بینی نکند و هشدار صادر نشود؛
۲. سیاست‌گذاران به دلایل مختلف چون بی‌اعتمادی به نهاد اطلاعاتی، به هشدار که صادر شده توجه نکنند؛

۳. علی‌رغم صدور و پذیرش هشدار، تهدید در عمل مدیریت نشود و آسیب رخ دهد (معاونت پژوهش و تولید علم، ۱۳۹۵، صص. ۶ - ۳).

۲-۳. رویکردهای نظری در بررسی شکست اطلاعاتی

نظریه‌های شکست اطلاعات به بررسی دلایلی می‌پردازند که چرا آژانس‌های اطلاعاتی ممکن است نتوانند ارزیابی‌ها یا هشدارهای دقیقی در مورد تهدیدات امنیتی یا رویدادهای مهم ارائه دهند. این نظریه‌ها به تجزیه و تحلیل هر دو مسئله سیستمی و عوامل انسانی که منجر به نقص‌های فرایند اطلاعاتی می‌شوند، می‌پردازند.

تراورتن شکست‌های اطلاعات را ناشی از سیاست زدگی اطلاعات می‌داند. سیاست زدگی اطلاعات به روش‌هایی اشاره دارد که فعالیت‌ها و ارزیابی‌های اطلاعاتی تحت تأثیر زمینه‌های سیاسی و دینامیک‌های قدرت قرار می‌گیرند. تراورتن پنج شکل سیاست زدگی اطلاعات را به شرح زیر معرفی می‌کند. (Treverton & Agrell, 2015)

سیاسی سازی اطلاعات: این مورد هنگامی رخ می‌دهد که اطلاعات به‌طور عمدی برای خدمت به اهداف سیاسی تحریف یا دست‌کاری می‌شود. رهبران سیاسی ممکن است بر روی آژانس‌های اطلاعاتی فشار وارد کنند تا ارزیابی‌هایی ارائه دهند که با دستور کار آن‌ها همخوانی داشته باشد که منجر به گزارش‌های جانب‌دارانه یا انتخابی می‌شود.

اطلاعات به‌عنوان ابزار سیاسی: در این شکل، اطلاعات به‌طور فعال به‌عنوان ابزاری برای توجیه تصمیمات یا اقدامات سیاسی استفاده می‌شود. به‌عنوان مثال، دولت‌ها ممکن است از ارزیابی‌های اطلاعاتی برای تأیید مداخلات نظامی یا حمایت از قوانین استفاده کنند و تصمیمات خود را در چهارچوبی قرار دهند که با تحلیل‌های «کارشناسی» پشتیبانی می‌شود.

۲۵۳

تأثیر افکار عمومی بر اطلاعات: سیاسی سازی اطلاعات همچنین می‌تواند از طریق تأثیر افکار عمومی ظهور کند. تصمیم‌گیرندگان ممکن است اطلاعاتی را که به احساسات یا نگرانی‌های عمومی پاسخ می‌دهد، شکل یا درخواست کنند و از این‌رو ارزیابی‌های اطلاعاتی بیشتر منعکس‌کننده تقاضاهای عمومی باشد تا تحلیلی عینی.

سیاست‌های بوروکراتیک: این شکل بر این تأکید دارد که دینامیک‌های داخلی آژانس‌های اطلاعاتی چگونه می‌تواند بر نتایج آن‌ها تأثیر بگذارد. آژانس‌های مختلف ممکن است دارای دستورهای کاری رقابتی باشند و مدیران آن‌ها ممکن است به تأکید بر یافته‌های اطلاعاتی خاصی بپردازند که با منافع بوروکراتیک خود همخوانی دارد و این می‌تواند به نتایج سیاسی زده بر اساس مبارزات قدرت داخلی منجر شود.

فشار سیاسی خارجی: آژانس‌های اطلاعاتی اغلب از طرف نهادهای سیاسی خارجی، از جمله قانون‌گذاران، احزاب سیاسی و گروه‌های ذی‌نفع تحت فشار قرار دارند. این فشار می‌تواند به ایجاد محیطی سیاسی زده منجر شود که در آن اطلاعات تحت تأثیر نیاز به برآورده سازی این تأثیرات خارجی قرار می‌گیرد و نه تنها بر پایه تحلیل عینی متمرکز باشد.

۳-۳. مدل نظری: چرخه اطلاعات^۱

برای درک چرایی شکست اطلاعاتی مطالعه مدل چرخه اطلاعات می‌تواند راهگشا باشد. چرخه اطلاعات نقشی محوری در بررسی و درک اطلاعات طی دوره بعد از جنگ جهانی دوم داشته است. درست به همان شکل که مطالعات علوم ارتباطات معمولاً با شرح ماهیت پیام و رسانه آغاز می‌شود، مطالعات دانشگاهی در زمینه اطلاعات نیز با شرح چرخه اطلاعات شروع می‌شود. از سال ۱۹۴۵ و با انتشار کتاب اطلاعات خاص فرماندهان است نوشته فیلیپ دیویدسون، این موضوع به تدریج وارد متون آموزشی ارتش آمریکا شد (فیتین، ۱۳۹۳، ص. ۵۷) و در سال ۱۹۴۸ با اثر شرمین کنت تحت عنوان اطلاعات راهبردی برای سیاست جهانی آمریکا شهرت یافت (Kent, 1949) و ویلمور کندال^۲ آن را توسعه داد (علیخانی، ۱۳۹۴، ص. ۳۹۹).

طبق چرخه اطلاعات، فعالیت اطلاعاتی با هدف‌گذاری و هدایت شروع می‌شود. فعالیت بدون هدف، ابتر و شکست‌خورده خواهد بود. هدف‌گذاری اطلاعاتی ممکن است بیرون از سازمان اطلاعاتی (به وسیله کارگزاران سیاسی) یا از داخل، تحلیلگران خود سازمان آن را به صورت مستقل انجام دهند. از این موضوع در ادبیات اطلاعاتی، تحت عنوان پیوند میان سیاست و اطلاعات یاد می‌شود. نظریه‌های پیوند سیاست و اطلاعات متأثر از دو نظریه‌های هنجاری است: نظریه تفکیک اطلاعات (شرمین کنت) و نظریه اطلاعات کاربردی (رابرت گیتس). از نظر کنت اطلاعات کارآمد، اطلاعات مستقل است؛ بنابراین تحلیلگران اطلاعاتی باید همواره فاصله خود را با سیاست حفظ کنند. در این رویکرد گزارش تحلیلگران اطلاعاتی نباید بر اساس اولویت و ذائقه مشتریان آنان شکل بگیرد؛ زیرا که این موضوعات باعث سیاست زدگی در سرویس‌های اطلاعاتی می‌شود. در مقابل، برخی دیگر نظیر رابرت گیتس رئیس پیشین سیا، معتقدند که تحلیل‌های اطلاعاتی باید در راستای رفع نیازهای مقامات دولتی باشد. از این رو ضرورت دارد که تحلیلگران اطلاعاتی از نیازمندی‌های سیاست‌مداران آگاهی داشته باشند و در راستای این نیازمندی‌ها فعالیت کنند. به این دلیل گیتس تصریح می‌کند که جامعه اطلاعاتی

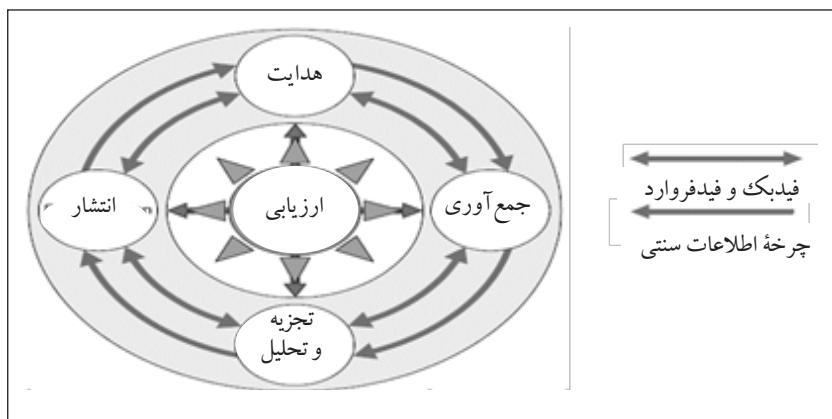
1. Intelligence Cycle

2. Willmoore Kendall

باید درست در کنار سیاست گذار باشد، تحلیلگر بازوی سیاست گذار باشد، فکر سیاست مدار را بخواند و نگرانی‌های آتی وی را بشناسد (خرازی و سپهری، ۱۳۹۶، ص. ۱۷).

مرحله بعدی در چرخه فعالیت اطلاعاتی، جمع آوری اطلاعات است. بر اساس تعریف سازمان سیا در صورت اعمال استانداردهایی خاص، اطلاعات پنهان به صورت مستقیم می‌تواند از شش منبع اصلی جمع آوری شود: علائم^۱، تصویرنگاری^۲، اندازه گیری و تعیین کیفیت^۳، منابع انسانی^۴، جغرافیایی^۵ و آشکار^۶ (سازمان سیا، بی تا).

در مرحله سوم «تجزیه و تحلیل اطلاعات»^۷ صورت می‌پذیرد که با پردازش، داده تصفیه می‌شود و با استفاده از تکنیک‌های مختلفی مانند رمزگشایی، ترجمه زبان، تقلیل و ... داده‌ها به اطلاعات سازماندهی شده تبدیل شده و پس از ارزیابی ترکیب شده و به اطلاعات پنهان تبدیل می‌شود. در مرحله پنجم که «انتشار»^۸ نامیده می‌شود، اطلاعات پنهان ایجاد شده به مشتری ارائه می‌شود.



1. Signal Intelligence (SIGINT)
2. Imagery Intelligence (IMINT)
3. Measurement and Signature Intelligence (MASINT)
4. Human Intelligence (HUMINT)
5. Geographic Intelligence (GEOINT)
6. Open Source Intelligence (OSINT)
7. Processing and Exploitation (Of Information)
8. Dissemination (to Partners) and Integration

بر اساس مدل چرخه اطلاعات، شکست اطلاعاتی ریشه در فرایندهای چرخه اطلاعات، شامل هدایت، جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل و انتشار اطلاعات دارد. لذا برای تحلیل چرایی شکست سازمان سیا در برآورد انقلاب اسلامی ایران از این مدل استفاده خواهد شد.

۴. روش‌شناسی

در این پژوهش برای تحلیل داده‌ها از روش فراترکیب استفاده شده است. فراترکیب نوعی مطالعه کیفی است که یافته‌های سایر تحقیقات کیفی در زمینه یک موضوع را به‌عنوان داده به کار می‌گیرد. در واقع فراترکیب به گروهی از رویکردها و روش‌ها اطلاق می‌شود که برای سنتز و ترکیب مطالعات کیفی با هدف ارائه تفسیری جدید از پدیده تلاش می‌کنند. فراترکیب می‌تواند به نوبه خود با تفسیر، مقایسه و ترجمه مطالعات کیفی مختلف با استفاده از یک دستگاه مفهومی متفاوت یک دانش جامع تولید نماید (Bergdahl, 2019)؛ بنابراین نمونه‌های مطالعات فراترکیب را مطالعات کیفی تشکیل می‌دهند که محقق بر اساس سؤال پژوهش مورد علاقه، آن‌ها را وارد مطالعه می‌کند (عابدی جعفری و امیری، ۱۳۹۸). در پژوهش حاضر نمونه پژوهش شامل ۱۵ پژوهش کیفی به شرح زیر است که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده و وارد تحلیل شده است. داده‌های کیفی گردآوری شده در رابطه با موضوع پژوهش، نهایتاً با استفاده از مدل چرخه اطلاعات تحلیل و نتایج جمع‌بندی و ارائه شده است:

ردیف	پدیدآورنده	عنوان اثر	انتشار	ترجمه
۱	ویلیام سولیوان William H. Sullivan	مأموریت در ایران: خاطرات سولیوان آخرین سفیر آمریکا در ایران Mission to Iran	۱۹۸۱	۱۳۹۳
۲	استانسفیلد ترنر Stansfield Turner	پیش از خواندن بسوزانید Burn before Reading	۲۰۰۶	۱۳۸۸
۳	جیمی کارتر Jimmy Carter	ایران در خاطرات جیمی کارتر Keeping Faith: Memoirs of a President	۱۹۸۲	۱۳۹۰
۴	گری سیک Gary Sick	هر چیز فرومی‌ریزد All Fall Down: Americans tragic in counter with Iran	۲۰۰۱	۱۳۸۴

1. Tasking
2. Collection

ردیف	پدیدآورنده	عنوان اثر	انتشار	ترجمه
۵	رابرت جرویس Robert Jarvis	شکست اطلاعاتی: درس هایی از انقلاب ایران و عراق Why Intelligence Fails: Lessons from Iranians Revolutions and Iraq War	۲۰۱۰	۱۴۰۱
۶	سایروس ونس Cyrus Vance	انتخاب دشوار: سال های بحرانی سیاست خارجی آمریکا Hard Choices: Critical Years in Americas Foreign Policy	۱۹۸۳	۱۳۹۱
۷	جیمز بیل James A. bill	شیر و عقاب The Eagle and the Lion: The Tragedy of American-Iranian Relations	۱۹۸۹	۱۳۷۱
۸	آرزان تاراپور Arzan Tarapore	The view from somewhere: lessons from the intelligence failure	۲۰۲۲	-
۹	Matthew Connelly, Raymond Hicks, Robert Jervis, Arthur Spirling	New evidence and new methods for analyzing the Iranian revolution as an intelligence failure	۲۰۲۱	
۱۰	William J. Daugherty	Behind the Intelligence Failure in Iran	۲۰۰۱	
۱۱	Michael Donovan	National intelligence and the Iranian revolution	۱۹۹۷	
۱۲	Uri Bar-Joseph	Forecasting a Hurricane: Israeli and American Estimations of the Khomeini Revolution	۲۰۱۳	
۱۳	Taylan DOĞAN	Rethinking the American Era: A Historical Perspective of Iranian Islamic Revolution and the U.S. Intelligence (Community IC)	۲۰۱۲	
۱۴	Dahl, E.J	Intelligence and Surprise Attack, Failure and Success from Pearl Harbor to 911/ and Beyond	۲۰۱۳	

۵. یافته‌های پژوهش

در فراترکیب صورت گرفته، از مدل چرخه اطلاعات به‌عنوان قالب تحلیل و چهارچوب افراز گزاره‌های مورد نظر پژوهشگران استفاده شده است و ذیل هر یک از چهار مرحله چرخه؛ معضلات و مشکلات مرتبط با آن به قرار زیر تجمیع شده است:

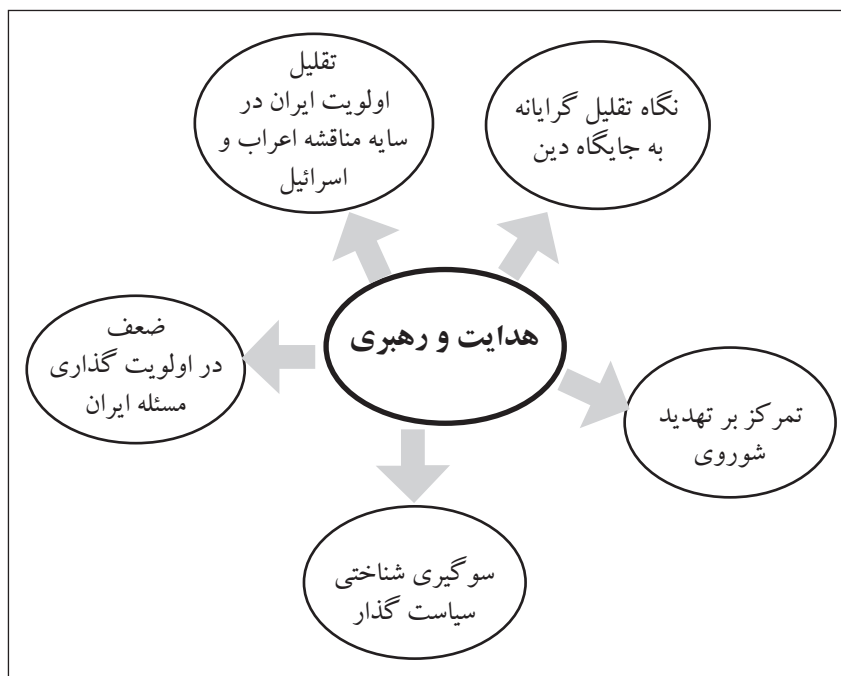
۱-۵. مشکلات چرخه اطلاعات در بُعد هدایت و هدف‌گذاری سازمان اطلاعاتی

هدایت و هدف‌گذاری اولین مرحله از فرایند چرخه اطلاعات است. در این مرحله مدیر اطلاعاتی اهداف و خواسته سازمان اطلاعاتی را که برگرفته از نیازهای اطلاعاتی سیاست‌گذار است به افسران جمع‌آوری ابلاغ می‌کند. در فراتحلیل صورت گرفته از نواقص و معایب موجود در این مرحله، چنین احراز شد که هفت گزاره کلیدی مشکلات محوری و عمده در هدایت و هدف‌گذاری سازمان سیا بوده است.

بُعد ۱. هدایت و هدف‌گذاری سازمان اطلاعاتی		
ردیف	متن	کد
۱	هیچ‌کس نه در داخل و نه در خارج از حکومت، متوجه نقش دین و خمینی نشد. تحلیلگر ارشد سیاست ایران علاقه زیادی به تشکیلات مذهبی داشت و روی این موضوع پژوهش توصیفی هم انجام داده بود؛ اما سرآغاز آنچه را امروز ما اسلام تندرو یا اصول‌گرا می‌نامیم، درک نکرده بود. البته درک شرایط آسان است؛ اما شاید او و دیگران باید تشخیص می‌دادند که محدود کردن همه دیگر شکل‌های جناح مخالف، بدین معنی است که رهبران دینی می‌توانند هسته مرکزی احساسات و فعالیت‌های ضد حکومتی شوند. مشکل اصلی این بود که تحلیلگران مانند هر کس دیگری در آن زمان، اگر نگوییم نقش وجودی، اما پتانسیل دین در بسیاری جوامع را دست‌کم گرفته بودند (جرویس، ۱۴۰۱، ص. ۵۶).	نگاه تقلیل‌گرایانه به جایگاه دین در جامعه ایران
۲	در مورد اینکه آیا به اطلاعات استراتژیک بیشتری نیاز بود یا اطلاعات تاکتیکی، اختلاف نظر وجود دارد. داهل به فراوانی تحلیل‌های استراتژیک اشاره می‌کند که عمدتاً بر درک تهدیدات گسترده شوروی متمرکز بود (Dahl, 2013, p.7).	تمرکز بر تهدید شوروی
۳	در سی‌ام مارس [۱۰ فروردین ۱۳۵۷] وزیر امور خارجه سایروس ونس به‌منظور شرکت در اجلاس وزرای خارجه سنتو وارد ایران شد. او ضمن ملاقات با شاه وی را در جریان تحولات انجام گرفته در خصوص مناقشه اعراب و اسرائیل قرار داد. جالب اینکه در این دیدار ونس با شاه از تحولات داخلی ایران و مشکلات پیش روی حکومت سخن به میان نیامد (سیک، ۱۳۸۴، ص. ۶۵).	تقلیل اولویت ایران در سایه مناقشه اعراب و اسرائیل

ردیف	متن	کد
۴	عجیب است که تا پایان ماه اکتبر سال ۱۹۷۸ [مهر ۱۳۵۷]، یعنی بعد از گذشت ده ماه از وضعیت ناآرام و متلاطم ایران، سران عالی‌رتبه آمریکا در خصوص تحولات ایران حتی یک نشست هم تشکیل نداده بودند (سیک، ۱۳۸۴، ص. ۱۰۸).	ضعف در اولویت‌گذاری
۵	ایران در سال ۱۹۷۴/۱۳۵۳، در بین ۱۳۸ کشور، رتبه هفتم را در جهان به خود اختصاص داده بود و قوام ارتش متضمن ثبات سیاسی بود. در مهرماه ۱۳۵۶/ سپتامبر ۱۹۷۷، یعنی فقط شانزده ماه قبل از فروپاشی حکومت سلطنتی ایران، سازمان اطلاعات آمریکا (سیا)، ایران را به‌عنوان یک جزیره ثبات در یک دریای پرتلاطم ترسیم نمود. بر همین اساس، رئیس‌جمهور وقت آمریکا (جیمی-کارتر) نیز در ۳۱ دسامبر ۱۹۷۷/ دی‌ماه ۱۳۵۶ خطاب به شاه در تهران اظهار نمود: ایران تحت رهبری باعظمت شاه، جزیره ثبات دریکی از پرآشوب‌ترین مناطق جهان است. این امر مرهون شما اعلیحضرت و رهبری شما و احترام، ستایش و عشقی است که مردم شما نسبت به شما دارند (بیل، ۱۳۷۱، ص. ۳۷۴).	سوگیری شناختی سیاست‌گذار (غلبه پیش فرض‌های غلط)
۶	«وزارت خارجه آمریکا همواره برای هر یک از مناطق مهم جهان فهرستی از مشکلات پیش روی خود در آن مناطق را تهیه و آنان را اولویت‌بندی می‌نمود تا بر اساس میزان اهمیت به آن‌ها پرداخته شود. در اواخر سال ۱۹۷۸ [۱۳۵۷] «بی‌ثباتی داخلی ایران» به‌عنوان سومین مشکل از میان شش مشکل در فهرست مربوط به خاورمیانه محسوب شده بود. در نتیجه این الگوی رفتاری بود که در مراحل اولیه انقلاب توجه چندانی به تحولات ایران و فعالیت‌های مخالفان نشد» (سیک، ۱۳۸۴، ص. ۶۶).	عدم اولویت‌بندی دقیق مسائل
۷	«واشنگتن در بحبوحه بحران ایران بیشتر متوجه مسائل دیگری از قبیل قرارداد کمپ دیوید و حل اختلافات اعراب و اسرائیل بود» (سولیوان، ۱۳۹۳، ص. ۱۸۳).	تقلیل اولویت مسئله ایران در سایه مسائل منطقه و جهان

مجموعاً مؤلفه‌های مسئله‌ساز در ذیل بعد مذکور در قالب زیر بازشناسی می‌شوند:



همان‌گونه که از شواهد فوق مشخص است، سیاست‌گذاران ایالات متحده آمریکا اهمیت و فوریت مسئله ایران را به درستی درک نکرده و لذا هدایت سازمان‌های اطلاعاتی آن‌ها از طریق واگذاری مأموریت‌های جایگزین با چالش مواجه گردید. از مهم‌ترین عوامل بروز این مشکل موارد زیر بوده است:

۲۶۰

۱. تحت‌الشعاع قرار گرفتن مسئله ایران در سایه تحولات جهانی و منطقه‌ای (مناقشه اعراب و اسرائیل و جنگ سرد): در این مقطع ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی معاهده‌ای تحت عنوان پیمان محدودسازی تسلیحات راهبردی (سالت ۱) را به امضا رساندند تا تولید موشک‌های بالستیک طرفین را محدود کنند. برای این منظور آمریکا از طریق پایگاه‌های خود، آزمایش‌های نظامی شوروی را برای ساخت موشک‌های بالستیک در دایره رصد داشت که نزدیک‌ترین و دقیق‌ترین آن‌ها پایگاه کپکان در ایران بود. در کشاکش جنگ سرد هم ایستگاه سی. آی. ای در تهران یکی از مراکز کلیدی و راهبردی آمریکا در جهان بود. اسناد منتشر شده از ساواک که حاصل مراقبت‌های معمول این سازمان بر روی سفارت آمریکا در

تهران بوده نیز نشان می‌دهد که سفارت آمریکا در تهران حداقل از دورهٔ سفارت ریچارد هلمز به بعد، تبدیل به ایستگاه منطقه‌ای سی‌ای شده بود؛ اسناد ساواک نشان می‌دهد که سفارت آمریکا و ایستگاه سی‌ای در تهران در این مقطع فعالیت‌هایی فراتر از ایران دارند و عملیات اطلاعاتی کشورهای مختلف منطقه را هدایت می‌کنند (برای آگاهی بیشتر ر.ک.به: محبوبی، ۱۴۰۳).

یکی دیگر از مسائل و اولویت‌های سیاست خارجی آمریکا در این مقطع مناقشه اعراب و اسرائیل بود؛ این مناقشه با جنگ یوم کیپور در سال ۱۹۷۳ به اوج خود رسید و نگرانی‌های عمیقی را برای ایالات متحده از جهت امنیت اسرائیل ایجاد کرد. این مناقشه نهایتاً با وساطت آمریکا در سال ۱۹۷۸ به توافق صلح کمپ دیوید منجر شد.

۲. نگاه تقلیل‌گرایانه به جایگاه دین و رهبران مذهبی در ایران: ماهیت مذهبی قیام ایرانیان در سال ۱۳۵۷ برای جامعه اطلاعاتی و سیاست‌گذاران آمریکا که در تحلیل انقلاب‌ها به مدل‌های سنتی متکی بودند قابل درک نبود. سیاست‌گذاران ایالات متحده اعتراض‌های مردم ایران را از جانب «یک طبقه متوسط، لیبرال و خواهان مدرن شدن» ارزیابی می‌کردند که در واکنش به توسعه‌ناموزن در ایران شکل گرفته است. سیاست‌گذاران آمریکایی در این مقطع نگاه تقلیل‌گرایانه‌ای از جایگاه دین و مذهب در جامعه ایران داشتند و تصور نمی‌کردند روحانیون بخواهند و یا بتوانند حکومت را به دست بگیرند.

۳. پیش‌فرض‌های غیردقیق سیاست‌گذاران ایالات متحده از انسجام و قدرت حکومت در ایران: سیاست‌گذاران آمریکایی تصور می‌کردند شاه با اجرای اصلاحات اقتصادی و اجتماعی، سلطنت را به‌طور قابل توجهی تقویت کرده و مخالفان بسیار پراکنده را ناتوان کرده است. همچنین آمریکایی‌ها معتقد بودند شاه قادر است با اتکا به حمایتی که از طریق مدرنیزاسیون به دست آورده، اقتدار خود را اعمال کند. سرطان پیشرفته شاه احتمالاً بر تصمیم‌گیری‌های او تأثیر گذاشته بود؛ اما دولت کارتر تا اواخر سال ۱۹۷۹ از بیماری شاه مطلع نشد و لذا ارزیابی غیردقیقی از قدرت و انسجام حکومت در ایران داشتند.

۲-۵. مشکلات چرخهٔ اطلاعات در بعد جمع‌آوری اطلاعات

مرحلهٔ جمع‌آوری اطلاعات دومین مرحله از چرخه اطلاعات است که کنشگر محوری و فعال در صحنه آن افسران جمع‌آوری می‌باشند. افسران جمع‌آوری موظف‌اند مطابق محورهای

کلان تعیین شده در مرحله هدایت، با بهره‌گیری از تمامی ابزارهای جمع‌آوری (هدایت منابع^۱، مأمورین^۲ و عوامل انسانی، روش‌های آشکار، فنی و ...) نیازهای کلان سازمانی را برآورده سازند. از طرف دیگر واحد جمع‌آوری وظیفه رصد تمامی شواهد و قرائن محیطی را بر عهده داشته تا بتواند هشداردهی لازم را برای سیاست‌گذاران فراهم کند.

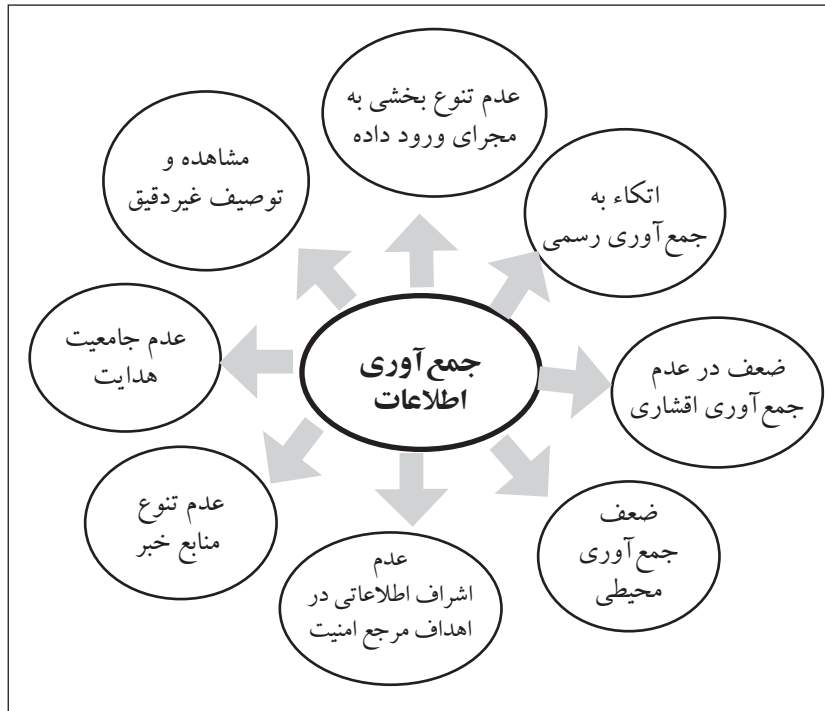
در این قسمت هشت گزاره کلیدی به‌عنوان مشکلات محوری و عمده در جمع‌آوری سازمان اطلاعاتی در نگاه تحلیلگران غربی کشف و مورد مذاقه قرار گرفته است.

بُعد ۲. جمع‌آوری سازمان اطلاعاتی		
ردیف	متن	کد
۱	رهبران سیا بعدها در پاسخ به انتقادات وارده به سیا مبنی بر عدم پیش‌بینی انقلاب، «حرف‌های استانیفیلد ترنر، رئیس وقت سیا را بازگو می‌کردند که تنها منبع موثق اطلاعاتی سیا از اوضاع ایران، ساواک بوده و شکست سیا در پیش‌بینی حوادث ایران به خاطر اعتماد به ساواک بوده است» (سیک، ۱۳۸۴، ص. ۹۷).	عدم تنوع‌بخشی به مجرای ورود داده
۲	دست‌کم حدود یک دهه بود که ایالات متحده روابط خود را با ایران، تنها رابطه با شخص شاه می‌دانست. احتمالاً هیچ دستور رسمی از سوی واشنگتن برای اجتناب از رابطه با گروه‌های مخالف شاه صادر نشده بود؛ اما کارمندان سفارت به‌خوبی می‌دانستند که شاه از برقراری چنین تماس‌هایی ناراحت می‌شود (سیک، ۱۳۸۴، ص. ۶۴).	عدم جامعیت هدایت
۳	«ما متوجه نشده بودیم که پایه‌های سیاسی حکومت شاه تا چه حد متزلزل بود. ما نمی‌دانستیم که شاه بیماری علاج‌ناپذیری داشت» (ترنر، ۱۳۸۸، ص. ۲۱۱).	عدم اشراف اطلاعاتی در اهداف مرجع امنیت
۴	«شناخت ما از نیروهایی که علیه او [شاه] به مبارزه برخاسته بودند بسیار اندک بود؛ ولی اظهارات ضد‌آمریکایی آنان دلیل خوبی بود تا ما را در حمایت از شاه مصمم‌تر سازد» (کارتر، ۱۳۹۰، ص. ۲۶).	ضعف جمع‌آوری محیطی

1.Sources
2.Agents

ردیف	متن	کد
۵	«نظم و سازمان این راهپیمایی در عین حال که موجب حیرت و شگفتی ما شده بود، این واقعیت را آشکار ساخت که ما تشکیلات و فعالیت مخالفان را دست کم گرفته‌ایم و در میان گروه‌های مخالف به ویژه روحانیون و بازاریان منابع اطلاعاتی لازم را نداریم. پس از اینکه گزارش جریان را به واشنگتن فرستادم به فکر برقراری ارتباط با روحانیون و رهبران بازاریان افتادم» (سولیوان، ۱۳۹۳، ص. ۱۷۴).	عدم جمع آوری اقتشاری
۶	گری سیک با نقد جامعیت و همه‌جانبه نگری تحلیل‌ها و گزارش‌های سولیوان سفیر وقت آمریکا در تهران که «تنها به توصیف وضعیت ظاهری شاه» می‌پرداخت و «از ارائه هرگونه قضاوت در خصوص توانایی روحی یا فیزیکی شاه برای پرداختن به تحولات ایران خودداری می‌کرد» انتقاد می‌کند. گری سیک با اشاره به گزارش هم‌زمان و واقع‌بینانه پارسونز سفیر وقت بریتانیا در ایران از بی‌توجهی واشنگتن به گزارش وی اظهار تأسف می‌کرد. پارسونز در آن گزارش شاه را با «قد خمیده» و «صورتی زرد» که «به آهستگی راه می‌رفت» و «خسته و فرسوده به نظر می‌رسید» توصیف کرده بود (سیک، ۱۳۸۴، ص. ۹۸).	مشاهده و توصیف غیر دقیق
۷	در یکی از گزارش‌های وزارت خارجه آمده است: «کارمندان سفارت در جمع آوری اطلاعات در خصوص مخالفان شاه با مشکل مواجه هستند...؛ به دلیل حساسیت‌های دستگاه سلطنت و عدم رضایت آنان از برقراری تماس با این گروه‌ها؛ بنابراین به منظور پرهیز از خشم و غضب شاه، تماس‌های سفارت آمریکا در تهران محدود به مقامات دربار باقی ماند (سیک، ۱۳۸۴، ص. ۶۴).	انکاب به جمع آوری رسمی و پرهیز از سایر روش‌های جمع آوری
۸	حتی زمانی که کارمندان سفارت و سازمان سیا، مخالفان شاه را ملاقات می‌کردند هم این افراد تقریباً همیشه جزء نخبگان طرفدار غرب بوده‌اند. بسیاری از آن‌ها دیدگاه‌های غربی درباره نقش دین در جامعه را عنوان می‌کردند. آن‌ها احساسات کسانی را که برای سرنگونی رژیم به خیابان‌ها ریخته بودند، مطرح نمی‌کردند و نمی‌توانستند منتقل کنند (سیک، ۱۳۸۴، ص. ۸۱).	عدم تنوع منابع خبر

مجموعاً مؤلفه‌های مسئله‌ساز در ذیل بعد مذکور در قالب زیر بازشناسی می‌شوند:



یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف سیا استفاده از منابع غیر محرمانه و رسمی برای درک بهتر معترضان بوده است. اگر افسران اطلاعاتی آمریکا به «مردم در خیابان‌ها، بازارها و سینماها» مراجعه کرده بودند، احتمالاً می‌توانستند «دامنه و عمق نفرت از شاه، قدرت ملی‌گرایی و نقش رهبران مذهبی به‌عنوان نقاط کانونی» را کشف کنند. نکته دیگر اینکه افسران سیا، نتوانست بودند درباره سلامت شاه، اطلاعات دقیقی کسب نمایند.

۲۶۴

شکست جمع‌آوری اطلاعات در نهادهای اطلاعاتی ایالات متحده به دلیل وابستگی به واحد اطلاعات داخلی شاه، ساواک، تشدید شد. همان‌طور که جرویس تأکید می‌کند، ساواک اطلاعات گمراه‌کننده‌ای درباره مخالفان ارائه نداد، بلکه اساساً هیچ اطلاعاتی ارائه نکرد. در زمانی که نهادهای اطلاعاتی ایالات متحده تحت فشار بودند، وابستگی واشنگتن به شاه انگیزه‌اش را برای ادامه جمع‌آوری مستقل اطلاعات از بین برد (جرویس، ۱۴۰۱).

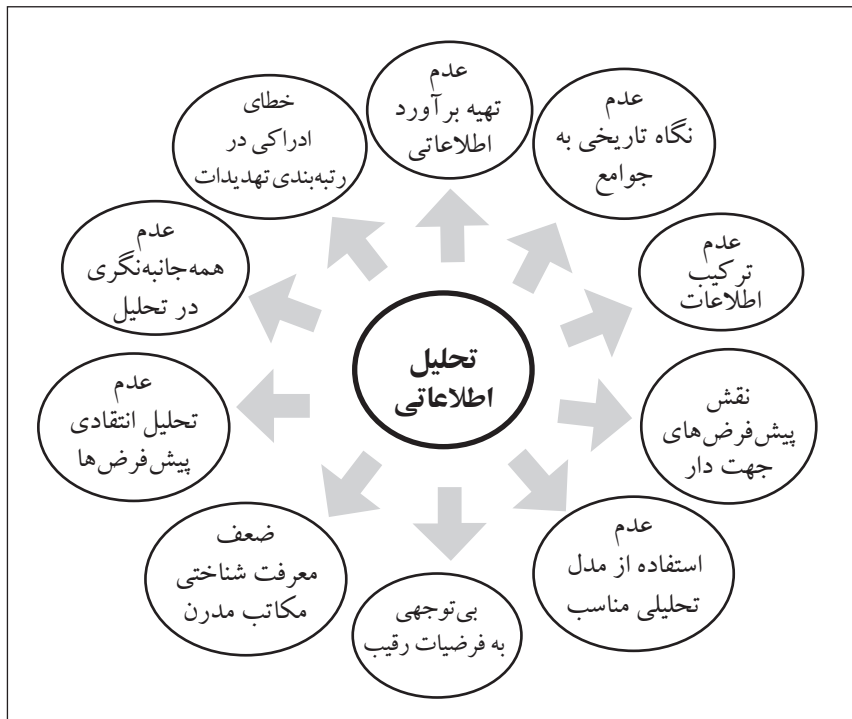
۳-۵. مشکلات چرخه اطلاعات در بعد تحلیل اطلاعاتی

تحلیل اطلاعات سومین مرحله از فرایند چرخه اطلاعات است. در این مرحله اطلاعات گردآوری شده، پس از ارزیابی، تحلیل می‌شوند. هدف از تحلیل اطلاعات کشف مجهولات و پیش‌بینی رویدادهای آتی است. حتی اگر اطلاعات به‌درستی گردآوری شده باشند، در صورتی که به‌صورت مناسب تحلیل نشوند، شکست اطلاعاتی قطعی است. در نتیجه فرایند تحلیل اطلاعات، محصولات مختلفی تولید می‌شود که یکی از مهم‌ترین محصولات، گزارش هشدار است. در این قسمت هشت گزاره کلیدی به‌عنوان مشکلات محوری و عمده در جمع‌آوری سازمان اطلاعاتی در نگاه تحلیلگران غربی کشف شده و مورد مذاقه قرار گرفته است.

بُعد ۳. تحلیل اطلاعاتی		
ردیف	متن	کد
۱	«ما از درک آیت‌الله خمینی رهبر انقلاب و میزان نفوذ او عاجز بودیم. ما هرگز تصور نمی‌کردیم که همه گروه‌های ناراضی و مخالف شاه به‌وسیله یک روحانی ۷۹ ساله به نام آیت‌الله خمینی که به حالت تبعید در فرانسه به سر می‌برد، به هم جوش داده شوند» (ترنر، ۱۳۸۸، ص. ۲۰۷).	خطای ادراکی در رتبه‌بندی تهدیدات
۲	سی‌ای‌ای، وزارت امور خارجه و وزارت دفاع به‌ندرت اطلاعاتی درباره ایران با یکدیگر به اشتراک گذاشتند (جرویس، ۱۴۰۱).	ضعف ترکیب اطلاعات
۳	هوارد هارت (کفیل سرپرست ایستگاه سیا در تهران) می‌گوید: «ما هنوز این ملت را نشناخته بودیم و به افکار و عقایدشان پی نبرده بودیم» (واینر، ۱۳۸۶، ص. ۹۸).	عدم توجه به زمینه‌ها و نگاه تاریخی به جوامع
۴	«اساساً برای بیشتر ناظران رسمی یا غیررسمی، سخت بود که تصور کنند شاه سقوط خواهد کرد... این ذهنیت که یکی از قدرتمندترین پادشاهان جهان به‌وسیله جمعیت غیر مسلحی از متعصبین الهام گرفته از مذهب سرنگون شود، حقیقتاً غیرقابل باور بود. گذشته از این، حتی اگر ناظران عمیق نارضایتی عمومی در ایران را درک می‌کردند، احتمالاً باز هم غیرقابل باور می‌بود» (جرویس، ۱۴۰۱، ص. ۷۵).	سوگیری و حصر در پیش‌فرض جهت‌دار (مدل ذهنی)

ردیف	متن	کد
۵	«تقریباً همه در دولت، ثبات رژیم را دست بالا گرفته بودند. آنها قدرت شاه را بیش از اندازه ارزیابی کرده و تعداد گروه‌ها و افرادی که مخالف او بودند و شدت احساسات آنها را دست کم گرفته بودند. تهدید داخلی یا مخالفت سیاسی جدی‌ای علیه حکومت شاه وجود ندارد. او در ۵۸ سالگی در سلامت و خوبی به سر می‌برد و یک دستگاه امنیتی کامل از او محافظت می‌کند. به نظر می‌رسد شانس فوق‌العاده‌ای برای حکمرانی طی دهه آینده دارد» (جرویس، ۱۴۰۱، ص. ۵۶).	عدم استفاده از مدل تحلیلی مناسب «برجسته-سازی قوت و فرصت در تحلیل اطلاعاتی و عدم توجه به آسیب‌پذیری‌ها (تهدید+ضعف)»
۶	«ما توهمی دربارهٔ محبوبیت رژیم نداشتیم... جایی اشتباه کردیم که پیش‌بینی نکردیم. جریان‌های مختلف مخالف که هر کدام دلیل متفاوتی برای انزجار از حکومت شاه داشتند، به تدریج در جریانی بزرگ از اعتراض به هم خواهند پیوست» (جرویس، ۱۴۰۱، ص. ۵۷).	عدم تهیه برآورد اطلاعاتی
۷	بخش بزرگی از مخالفت به خاطر دین بود و برای بیشتر افرادی که در یک فرهنگ سکولار زندگی می‌کنند، همراهی و درک کامل باورهای دینی سخت است؛ به‌ویژه وقتی این دین برای آنها بیگانه است. اکثر تحلیلگران مدرن تمایل دارند اهمیت دین را کوچک بشمارند و به توضیحات دیگری برای رفتارها بپردازند. به‌علاوه تشیع یک دین غیرمعمول است، شاخه دیگری از اسلام و بنابراین دربردارندهٔ چالشی دو برابر برای فهم آن است. ما دربارهٔ اینکه افراد مرتبط با ایران در مرکز ارزیابی خارجی ملی (اعم از مدیران و تحلیلگران) نقش دین در این وضعیت را چگونه دیدند، نمی‌توانیم کلی‌گویی کنیم. تحلیلگر ارشد مسائل ایران در مرکز ارزیابی خارجی ملی به اهمیت دین به‌عنوان یک عامل سیاسی حساس بود؛ اما ما گمان می‌کنیم که بسیاری دیگر، آن‌قدر حساس نبودند و اگر مخالفت صرفاً سکولار بود، ناظران سریع‌تر عمق و وسعت آن را تشخیص می‌دادند (جرویس، ۱۴۰۱، ص. ۷۷).	ضعف معرفت‌شناسی مکاتب علوم اجتماعی
۸	افسران مستقر در ایران در پرورش اخبار و تبیین شواهد و استدلال‌ها پیرامون مسائل اصلی، کار اندکی انجام دادند. در واقع قابل توجه است که در طول این دوره هیچ متنی تولید نشد که این سؤال را که «آیا رژیم ممکن است سرنگون شود؟» مرکز توجه خود قرار دهد (جرویس، ۱۴۰۱، ص. ۸۶).	عدم تحلیل انتقادی پیش‌فرض‌ها

مجموعاً مؤلفه‌های مسئله‌ساز در ذیل بُعد مذکور در قالب زیر بازشناسی می‌شوند:



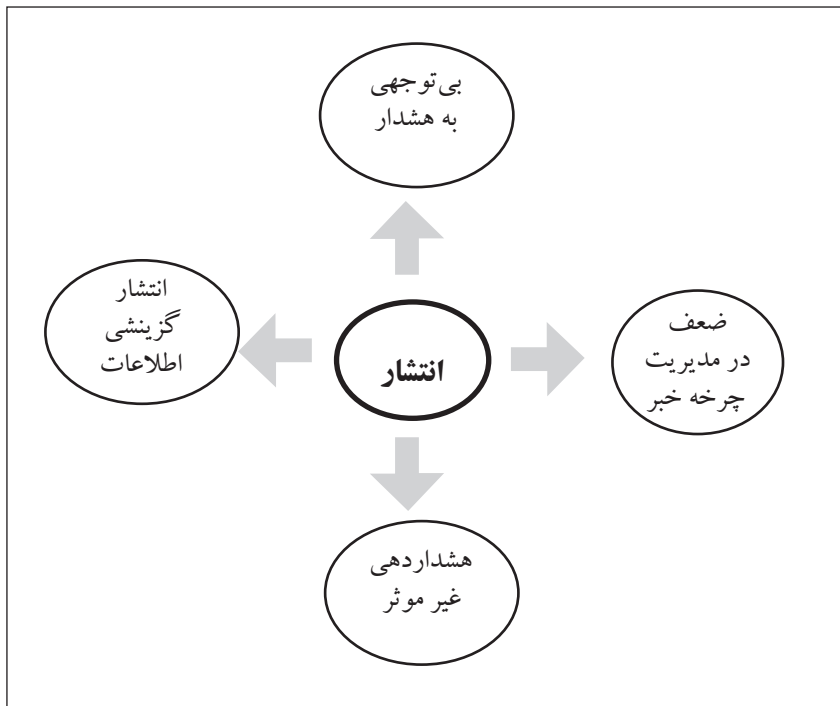
۴-۵. مشکلات چرخه اطلاعات در بعد انتشار محصول سازمان اطلاعاتی

آخرین گام از فرایند چرخه اطلاعات، انتشار اطلاعات است. در این مرحله مهم ترین محصول، انتقال گزارش هشدار است که باید به مقامات سیاسی منتقل شود. در صورتی که اطلاعات گردآوری شده به درستی تحلیل شوند؛ ولی به شکل مناسب و به موقع به سیاست گذار منتقل نشود، شکست اطلاعات همچنان قطعی است. لذا می توان گفت بخشی از شکست های اطلاعاتی ناشی از خلل در مرحله انتشار است؛ این مشکل در نتیجه عوامل مختلفی حادث می شوند. بر اساس بررسی انجام شده، چهار گزاره کلی در نگاه تحلیلگران غربی ناظر بر ناکامی در مرحله انتشار کشف و مورد مذاقه قرار گرفته است.

بُعد ۴. انتشار محصول سازمان اطلاعاتی

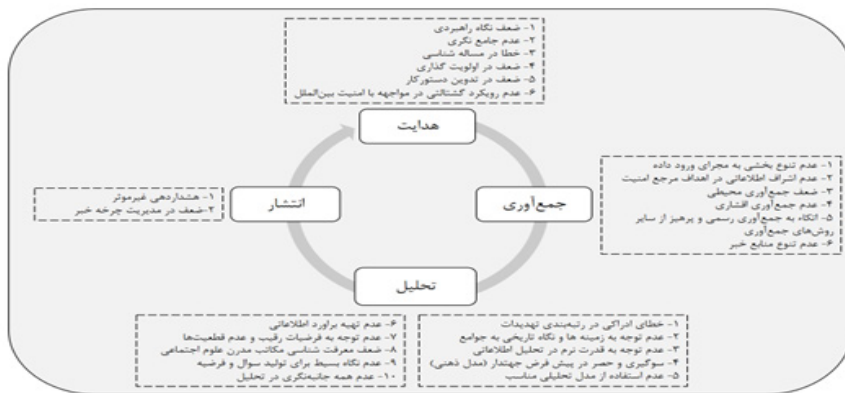
کد	متن
بی توجهی به هشدار	<p>«در این مورد فقط یک استثنا قابل اشاره است و آن پیش‌بینی یک مقام اطلاعاتی جوان سفارت فرانسه مبنی بر اینکه رژیم شاه در عرض یک سال آینده سقوط خواهد کرد. اظهار نظر این مقام سفارت فرانسه به سرعت در محافل دیپلماتیک تهران پخش شد و در مهمانی‌ها و مراسم‌هایی که فرصت دیدار برای دیپلمات‌های خارجی دست می‌داد این موضوع مورد بحث و گفت‌وگو قرار می‌گرفت. از بررسی‌هایی که خود ما در سفارت درباره حوادث جاری به عمل آوردیم یکی از افراد ما به نتیجه‌ای مشابه افسر فرانسوی مزبور رسیده بود» (سولیوان، ۱۳۹۳، ص. ۱۵۹).</p> <p>یوری لوبرانی، نماینده اسرائیل در ایران در آن مقطع، در تلاش بود تا گزارش‌های خود را با واشنگتن به اشتراک بگذارد که برخلاف گزارش سولیوان، سقوط شاه را پیش‌بینی می‌کرد (Joseph, 2013)؛ اما سیاست‌گذاران آمریکایی به این گزارش‌ها توجهی نکردند.</p> <p>از زمانی که وزارت خارجه و سیا شروع به گزارش‌گیری درباره آسیب‌پذیری شاه کردند، برژینسکی از عمل بر اساس این اطلاعات خودداری کرد و همچنان معتقد بود که حکومت شاه باثبات خواهد بود (جرویس، ۱۴۰۱).</p>
انتشار گزینشی اطلاعات (منفعت‌جویانه)	<p>سیک معتقد است که ویلیام سالیوان، سفیر ایالات متحده در ایران، گزارش‌های عمدتاً ملایمی به واشنگتن ارسال می‌کرد و تا دو ماه قبل از انقلاب، هیچ نگرانی درباره آسیب‌پذیری شاه مطرح نکرد. سالیوان به انگیزه‌های شخصی هدایت می‌شد، زیرا او به تجربه می‌دانست که در وضعیت بحران، واشنگتن کنترل اوضاع را به دست می‌گیرد و لذا قدرت سفیر محدود می‌شود. سالیوان تقریباً به‌طور روزانه با شاه ملاقات می‌کرد و این امر او را به منبعی ارزشمند؛ اما در نهایت گمراه‌کننده، از HUMINT تبدیل کرد (سیک، ۱۳۸۴).</p>
هشدار دهی غیر مؤثر	<p>نباید این‌طور تصور شود که تا قبل از ماه سپتامبر [شهریور]، اوضاع داخلی ایران موضوع نگرانی روزمره رئیس‌جمهور یا من بوده است. چرا که تحلیل‌های سفیر آمریکا در تهران، کارشناسان وزارت امور خارجه، سازمان سیا و سایر نمایندگی‌ها و کشورهای خارجی به ما اطمینان می‌دادند که شاه هر چند ممکن است به سازش‌هایی سیاسی با مخالفان تن بدهد که از قدرتش بکاهد، با خطر جدی مواجه نیست (ونس، ۱۳۹۵، ص. ۵۰).</p>
ضعف در مدیریت چرخه خبر	<p>«از مجموعه گزارش‌های ارسال‌شده از سفارت آمریکا در تهران طی سال ۵۶ - ۵۷ و در خلال اعتراض‌های مردمی، فقط و فقط یک گزارش آن هم در تابستان ۱۳۵۷ «از مخالفان شاه و انگیزه‌های آنان» سخن گفته بود و آن گزارش هم طی یک اتفاق هیچ‌گاه به کاخ سفید نرسید» (سیک، ۱۳۸۴، ص. ۱۴۹).</p>

مجموعاً مؤلفه‌های مسئله‌ساز در ذیل بعد مذکور در قالب زیر بازشناسی می‌شوند:



نتیجه‌گیری

پنجره دید تحلیلگر، همان نظریات علمی است که خود منبعث و برساختی از تجارب انسانی و اجتماعی‌اند. لذا تحلیلگران که در جنگل نظریات اجتماعی مفتون‌اند و نهایتاً رسالت کالبدشناسی را برای خود متصورند، امکان رؤیت روح انقلاب پست‌مدرن اسلامی ایران را با عینکی برآمده از جهان بی‌روح مدرن نداشتند. در نمودار زیر ناکامی سازمان سیا در برآورد انقلاب اسلامی ایران، در فرایند چرخه اطلاعات تصویر شده است:



هرچند ایستگاه جمع‌آوری ایالات متحده آمریکا در ایران، نظاره‌گر تحولات میدانی در ایران بوده است؛ ولی به جهت عدم تنوع روش‌های جمع‌آوری اطلاعات در خصوص متعرضین و اتکای صرف به روش‌های جمع‌آوری رسمی (ارتباط با ساواک و حکومت) و همچنین عدم نفوذ در میان جریان‌های اسلام‌گرا نتوانسته است به صورت دقیق ماهیت اعتراض‌های ایران را گزارش و هشدارهای لازم را تولید کند. علاوه بر چالش‌های هدایت و جمع‌آوری در سیا، مکانیسم تحلیل اطلاعات نیز با چالش مواجه بوده است. خطای ادراکی در رتبه‌بندی تهدیدات، عدم توجه به زمینه‌ها و نگاه تاریخی به جوامع، پیش‌فرض‌های جهت‌دار و ... مانع از این شده است تا سیا اهمیت و فوریت انقلاب ایران را درک کند.

همچنین در مرحله انتشار مشکلاتی نظیر، انتشار سوگیرانه اطلاعات و از همه مهم‌تر نادیده انگاری مقامات سیاسی ایالات متحده به هشدارهای اولیه باعث غافلگیری آنان و ناتوانی در پیش‌بینی انقلاب اسلامی ایران شده است.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

- بیل، جیمز (۱۳۷۱). عقاب و شیر: تراژدی روابط ایران و آمریکا. ترجمه مهوش غلامی، تهران: نشر کویه.
- پرانکان، هانک (۱۳۹۶). اصول و مبانی ضداطلاعات. ترجمه مهدی پیروز و یوسف رحمانی، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی.
- ترنر، استانسفیلد (۱۳۸۸). پیش از خواندن بسوزانید. تهران: نشر اطلاعات.
- جرویس، رابرت (۱۴۰۱). شکست اطلاعاتی: درس‌هایی از انقلاب ایران و عراق. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۰). هشداردهی کارکرد تحلیل اطلاعاتی در پیشگیری از غافلگیری. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۵۳ (۱۴)، ۱۲۶-۱۰۳. doi: 10.1001.1.17350727.1390.14.53.5.1
- خرازی، مهدی و سپهری، محمود (۱۳۹۶). بررسی اطلاعاتی: رهیافت‌ها و تکنیک‌ها. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۵). لغتنامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا
<https://www.cia.gov/library/publications/additional-publications/the-word-of-a-nation/work-of-cia.html>
- سیک، گری (۱۳۸۴). هر چیز فرو می‌ریزد. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- سولیوان، ویلیام (۱۳۹۳). مأموریت در ایران: خاطرات سولیوان آخرین سفیر آمریکا در ایران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شفیع، اردشیر (۱۳۹۵). آینده‌پژوهی ابزاری کارآمد در جهت جلوگیری از غافلگیری. مجموعه مقالات مدیریت راهبردی، تهران: دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی.
- شولسکی، آبرام (۱۳۹۴). نبرد بی‌صدا. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشکده اطلاعات.
- صالحی، محمود (۱۳۹۵). مدیریت اطلاعاتی منازعات و بحران‌های سیاسی - اجتماعی. تهران: پژوهشکده اطلاعات، دانشکده اطلاعات.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۹۳). معمای پیش‌بینی انقلاب‌ها. تهران: پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی.
- عابدی جعفری، عابد و امیری، مجتبی (۱۳۹۸). فرا ترکیب، روشی برای سنتز مطالعات کیفی. روش‌شناسی علوم انسانی، ۲۵ (۹۹)، ۸۷-۷۳. doi: 10.30471/mssh.2019.1629

- علیخانی، علی (۱۳۹۴). *آرا و نظریه‌ها در اطلاعات*. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشکده اطلاعات.
- عمید، حسن (۱۳۷۵). *فرهنگ فارسی عمید*. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- فاضل، سید طاهر و مولایی، محمدرضا (۱۳۹۱). *آینده پژوهی*. تهران: پژوهشکده اطلاعات.
- فیتین، مارک (۱۳۹۳). *اصول و مبانی چرخه اطلاعات*. ترجمه معاونت پژوهش و تولید علم، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشکده اطلاعات.
- کارتر، جیمی (۱۳۹۰). *ایران در خطرات جیمی کارتر*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- محبوبی، محمد (۱۴۰۳). *ایستگاه خیابان روزولت*. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- معاونت پژوهش و تولید علم (گردآوری و تدوین) (۱۳۹۵). *اطلاعات و غافلگیری*. تهران: دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی، مؤسسه چاپ و انتشارات.
- نور محمدی، مهدی (۱۳۹۱). *سازمان‌های اطلاعاتی و حوزه‌های تأثیر ملی*. تهران: پژوهشکده اطلاعات.
- واینر، تیم (۱۳۸۶). *سیا و انقلاب ایران*. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، اطلاعات سیاسی اقتصادی، ۲۴۴-۲۴۳، ۱۰۱-۹۴. <https://ensani.ir/fa/article>
- ونس، سایروس (۱۳۹۱). *انتخاب دشوار: سال‌های بحرانی سیاست خارجی آمریکا*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- هویدا، فریدون (۱۳۷۴). *سقوط شاه*. تهران: انتشارات اطلاعات.
- Bergdah, E. (2019). Is meta-synthesis turning rich discriptions in to thin reductions? a criticism of meta-aggregation as a form of qualitive synthesis. *Nursing Inquiry*, 1-8. doi: 10.1111/nin.12273
- Connelly, M., Hicks, R. & Jervis, R. (2021). New evidence and new methods for analyzing the Iranian revolution as an intelligence failure. *Intelligence and National Security*, Volume 36, 2021 - Issue 6. <https://doi.org/10.1080/02684527.2021.1946959>
- Dahl, E.J. (2013). *Intelligence and Surprise Attack, Failure and Success from Pearl Harbor to 9/11 and Beyond*. (pp. 7), Georgetown University Press. DOI:10.1353/book26551

- Daugherty, W.J. (2001). Behind the Intelligence Failure in Iran. *International Journal of Intelligence and counterintelligence*, Volume 14, 2001- Issue 4. <https://doi.org/10.1080/08850600152617119>
- Davies, P. H.J. & Kristian, G. (2011). *The Intelligence Cycle is Dead, Long Live the Intelligence Cycle: Rethinking Intelligence Fundamentals for a New Intelligence Doctrine*. London, Brunel University press.
- Joseph, U. B. (2013). Forecasting a Hurricane: Israeli and American Estimations of the Khomeini Revolution. *Journal of Strategic Studies*, Volume 36, 2013 - Issue 5. <https://doi.org/10.1080/01402390.2012.742009>
- Herman, M. (1996). *Intelligence Power in Peace and War*. Cambridge University Press DOI:<https://doi.org/10.1017/CBO9780511521737>
- Keddi, N. (1995). Can Revolutions be Predicted; Can their Causes be Understood? In: *Debating Revolutions*. (N. Keddi, Ed.) New York University Press. https://doi.org/10.1057/9780230389649_2
- Kent, S. (1949). *Strategic Intelligence for US World Policy*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Michael, D. (1997). National intelligence and the Iranian revolution. *Intelligence and National Security*. Volume 12, 1997. <https://doi.org/10.1080/02684529708432403>
- Shirfman, P. (1996). *Intelligence Analysis in an age of Electronic Dissemination*. Frank Kass.
- Skocpol, T. (1986). *Analyzing Causal Configurations in History: A Rejoinder to Nicos*. Comparative Social Research.
- Tarapore, A. (2022). The view from somewhere: lessons from the intelligence failure in Iran. *Intelligence and National Security*. Volume 38, 2023 - Issue 1 Pages 16-37 | Published online: 19 Jul 2022. <https://doi.org/10.1080/02684527.2022.2102327>
- Taylan, D. (2012). Rethinking the American Era: A Historical Perspective of Iranian Islamic Revolution and the U.S. *Intelligence Community (IC)*, Cumhuriyet Tarihi Araştırmaları Dergisi Yıl 8 Sayı 15 (Bahar 2012)

- Treverton, G. F., & Agrell, w. (2015). *national intelligence and science*.
new york: oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780199360864.002.0003>

ارائه و تبیین الگوی مدیریت جهادی در جامعه اسلامی مبتنی بر وصیت‌نامه سیاسی - الهی امام خمینی (ره)

علی امیدی^۱

Doi:10.22034/fademo.2024.461005.1044

چکیده: یکی از ضرورت‌های انقلاب اسلامی مدیریت جهادی است. هر جای سطوح مدیریتی در کشور که با آرمان‌ها و اصول اسلامی مدنظر امام منطبق بوده، کمتر دچار خطا بوده است. امروزه وضعیت اقتصادی مردم می‌تواند مدیران به صورت جهادی وارد امور شوند و بدون هیچ گونه ترسی و با توجه به مسائل سیاسی و اجتماعی، بیشتر به حل مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم بپردازند. از آنجا که الگوهای مدیریتی غربی بر اصالت منافع تکیه دارند، نمی‌توانند در جامعه اسلامی مورد استفاده قرار گیرند؛ بنابراین بزرگان دین اسلام، خود الگویی مدیریتی در انواع و اشکال آن هستند. هدف پژوهش حاضر، طراحی و تبیین الگوی مدیریت جهادی در جامعه اسلامی، منطبق با اصول حکمرانی اسلامی و مبتنی بر وصیت‌نامه امام است. روش این پژوهش کیفی است. استخراج داده‌ها و مؤلفه‌ها با روش تحلیل مضمون از وصیت‌نامه امام بوده که با نرم‌افزار MAXQDA شبکه مضامین آن ترسیم شد. با مطالعه عمیق وصیت‌نامه امام مضامینی که معرف مدیریت جهادی در جامعه اسلامی بودند، با روش کدگذاری باز، محوری و گزینشی جمع‌آوری شده‌اند. در نهایت کدهای استخراج شده به روش تحلیل مضمون در قالب ۷۲ کد باز، ۵۳ مضمون پایه و ۱۰ مضمون سازمان‌دهنده و دو مضمون فرعی طبقه‌بندی و ارائه گردیدند. یافته‌های پژوهش به صورت الگوی مدیریت جهادی در مدیریت جامعه اسلامی ارائه شد و دو شاخص فراگیر شامل ویژگی‌های اختصاصی و عمومی مدیر استخراج شدند. ویژگی‌های اختصاصی مدیر شامل ساده‌زیستی، دین‌مداری، ایثار و از خودگذشتگی، بصیرت، خدامحوری، خدمتگزاری به مردم و انقلابی‌گری و ویژگی‌های عمومی مدیر شامل مدیر بودن، اعتقاد به قوانین الهی و کارآمدی است.

کلیدواژه‌ها: الگوی مدیریت جهادی، تحلیل مضمون، جامعه اسلامی، حکمرانی اسلامی، مدیریت اسلامی.

۱. دکترای مدیریت دولتی، گرایش رفتار سازمانی، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران. omidimidi82@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۲

دوفصلنامه انقلاب پژوهی | سال دوم، شماره ۳ | بهار و تابستان ۱۴۰۳ | صفحات ۲۷۵-۳۰۰

<https://trs.ri-khomeini.ac.ir/>

مقدمه و بیان مسئله

تأکید رهبر انقلاب اسلامی بر ضرورت اجرای مدیریت جهادی به عنوان اصلی ترین راهبرد اقتصاد مقاومتی بر مبنای استدلال عقلی و نگاه ژرف به گذشته انقلاب است. مدیریت جهادی یکی از ضرورت های انقلاب اسلامی است؛ زیرا عبرت های مدیران غیر جهادی در فراز و فرودهای انقلاب، فاصله زیادی با رقبای جهانی، رسیدن به مفاد بالادستی، عبور از سد مشکلات در حوزه های گوناگون، ایستادگی در مقابل هجمه معاندان، تزریق روح امید در کالبد جامعه، حفظ آرمان های متعالی ایران، پاسداشت تاریخ و تمدن ملی، پاسداری از خون شهدا و استحکام پایه های اصول نظام دینی و تثبیت آن در تاریخ، ضرورت اعمال مدیریت جهادی را صدچندان کرده است. با تحقیق در خصوص حکمرانی غربی متوجه می شویم که در حکمرانی سالم، حکمرانی خوب و حکمرانی متعالی ارائه شده در آنجا کمبودهایی دیده می شود که این مدل غربی در جامعه اسلامی قابل اجرا نیست یا کاملاً نمی شود به آن تکیه کرد؛ اما با حاکمیت حکمرانی اسلامی در مدیریت جوامع اسلامی و حتی کشورهای غیر اسلامی، ارزش های آن به وضوح قابل رؤیت است. یکی از مؤلفه های حکمرانی اسلامی مدیر الهی جهادی است. به این معنی الهی است که مدیر باید رضایت خدا را اولویت در نظر بگیرد و جهادی به این معنی است که در پیشبرد امور خلق باید از خواص بگذرد، به کارها شتاب بدهد، سد و دیوار بین خود و مردم را کوتاه کند و همواره در پی انجام امور مردمی باشد که بر آن ها حاکم است (امیدی و یوسفوند، ۱۴۰۱).

بسیاری از اندیشمندان توسعه، مدیریت را مهم ترین رکن پیشرفت جوامع می دانند. مدیریت جهادی به عنوان سبکی برخاسته از تفکر دینی و اجتماعی، پیشینه ای به درازای انقلاب اسلامی دارد (حجازی فر، ۱۳۹۴، ص. ۹۵). در طول سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مدیریت بر مبنای معیارهای شایستگی از مطالبات امام و رهبر انقلاب بوده است (داوری اردکانی، ۱۳۸۸، ص. ۸۶). مدیریت جهادی واژه ای است که مقام معظم رهبری در چند سال اخیر بر آن تأکید ویژه ای کرده اند؛ اما باید متذکر شد که این مفهوم و واژه با انقلاب کبیر اسلامی متولد شده است و با پایه گذاری جهاد سازندگی از سوی امام توجه به آن بیش از پیش نمایان شد (روحانی، ۱۳۹۸، ص. ۳۵).

در خصوص ضرورت و اهمیت مدیریت جهادی، مقام معظم رهبری در تبیین این مفهوم بیان می کند: اگر مدیریت جهادی یا همان کار و تلاش با نیت الهی و مبتنی بر علم و درایت حاکم باشد، مشکلات کشور در شرایط کنونی فشارهای خباثت آمیز قدرت های جهانی و در

شرایط دیگر قابل حل است و کشور حرکت روبه جلو را ادامه خواهد داد (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای، ۲۳/۱۰/۱۳۹۲). اندیشه‌های امام در زمینه فرهنگ و روحیه جهادی گنجینه گران‌بهایی بجا گذاشته است. ژرف‌نگری در رهنمودهای ایشان، منشور حرکت و تلاش جهادگران را به خوبی نمایان می‌کند (حسنی نیک، ۱۳۹۷، ص. ۷۹).

رهبر انقلاب می‌گوید:

امروز میهن عزیزمان، تشنه خدمت و آماده حرکت جهشی در همه عرصه‌ها و نیازمند مدیریتی با کفایت و جهادی و دانا و شجاع می‌باشد که بتواند توانمندی‌های آشکار و نهفته ملت، به‌ویژه جوانان را که بسیار فراتر از مشکلات هست، بسیج نموده و به میدان کار و تلاش سازنده بیاورد؛ موانع تولید را رفع کند؛ سیاست تقویت پول ملی را رد سرلوحه کارای خود قرار دهد و قشرهای متوسط و پایین جامعه را که سنگینی مشکلات اقتصادی را بیشتر احساس می‌کنند، توانمند سازد؛ مدیریتی که با مشی فرهنگی خردمندانه، همواره مسیر اعتلای مادی و معنوی ملت ایران را بیماید و حرکت کشور را به سمت جایگاه شایسته‌اش سوق دهد (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۲/۰۵/۱۴۰۰).

کارگزاران دولتی در حکمرانی متعالی اسلامی در جامعه اسلامی همواره باید در جهت خدمت به ولی نعمتان خود، مردم، به‌صورت تام و کامل از الگوهای مورد وثوق جامعه اسلامی مانند مدیریت انقلابی و مدیریت جهادی بهره بگیرند. از آنجا که الگوهای مدیریتی غربی بر اصالت منافع تکیه دارند نمی‌توانند در جامعه اسلامی مورد استفاده قرار گیرند؛ بنابراین بزرگان دین اسلام خود الگویی مدیریتی در انواع و اشکال آن هستند. همان‌طور که در قرآن کریم، خداوند متعال از مدیریت پیامبر^(ص) به‌عنوان الگویی فراج جهانی یاد می‌کند. در نهج البلاغه نیز مدیریت حضرت علی^(ع) به‌وضوح الگویی کامل از مدیریت را نشان داده است. امام نیز یکی از بهترین الگوهای مدیریتی در جامعه اسلامی در قرن معاصر است که مدیران کنونی اگر به توصیه‌های بی‌بدیل امام رجوع کنند، قطعاً می‌توانند در راستای اهداف حکومت اسلامی که همانا خدمت صادقانه و بدون حب و بغض است، موفق باشند. آنچه اهمیت انجام پژوهش حاضر را دوچندان می‌کند، شکاف نظری و عملی موجود در خصوص موضوع پژوهش است. به این صورت که تاکنون پژوهشی صورت نگرفته که به تبیین، تکمیل و ارائه یک الگوی جامع و مانع، در خصوص مدیریت جهادی مبتنی بر وصیت‌نامه امام بپردازد. بر همین اساس هدف این پژوهش، طراحی و تبیین الگوی مدیریت جهادی در جامعه اسلامی، منطبق با اصول حکمرانی اسلامی و مبتنی بر وصیت‌نامه امام است. همچنین خلأ تحقیقاتی در این زمینه را به

حداقل ممکن برساند و به‌طور دقیق به این پرسش پاسخ دهد که ویژگی‌های مدیریت جهادی از منظر امام کدم‌اند.

۱. پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهش‌های بسیار کمی در زمینه بررسی علمی جایگاه مدیریت جهادی در کشور و در پی تبیین و ارائه الگوهای مدیریت جهادی و نیز مدیر جهادی به‌وسیله پژوهشگران صورت گرفته است. همچنین پژوهش‌هایی درباره برقراری ارتباط میان گفتمانی جهادی و مدیریت در کشور صورت گرفته است. در ادامه به برخی از مهم‌ترین پژوهش‌هایی که با مفاهیم اصلی این پژوهش ارتباط معنایی و عمیقی دارند به‌طور خلاصه اشاره می‌شود.

شهبازی سلطانی و صلواتیان (۱۳۹۵) در مقاله «شناسایی ویژگی‌های معرف مدیر جهادی به روش فراترکیب» به ۱۶ ویژگی مدیر جهادی در قالب الگوی خورشیدی مدیر جهادی دست یافتند که شامل خدامحوری، دین‌مداری، اخلاق‌مداری، بصیرت، تصمیم‌گیری بر مبنای خرد، شایسته‌سالاری، سعه صدر، ارتباطات مؤثر با همکاران و مردم، بهره‌وری فزاینده، اعتمادبه‌نفس، تعهد، انقلابی‌گری، نظم و قانون‌گرایی، ایثار، همت فزاینده و مدبر بودن است.

رضوان‌خواه و فاضلی دهکردی (۱۳۹۰) در پژوهشی باعنوان «احصا و بررسی مبانی، اصول و روش‌های کار و تلاش جهادی از منظر قرآن کریم» مهم‌ترین مبانی و اصول کار و تلاش جهادی از دیدگاه قرآن کریم را استخراج کردند که عبارت است از: تقویت شخصیت اجتماعی، پیشرفت اقتصادی و استقلال اقتصادی. این مهم از طریق روش‌های ذیل امکان تحقق دارد: کار مضاعف، قرض‌الحسنه دادن، داشتن وجدان کاری، قناعت‌ورزی، پرهیز از تنبلی، احتکار و گران‌فروشی.

۲۷۸

احمدزاده (۱۳۹۸) با به دست آوردن ۸۳ مضمون پایه از این آیات، ۲۱ مضمون سازمان‌دهنده ساخته است. از این تعداد مضامین سازمان‌دهنده، هفت مضمون فراگیر (حاکمیت خداوند در جهاد، انواع جنگ و جهاد الهی، بایسته‌های جهاد، معیار ارزشمندی جهاد، شئون جهاد اسلامی، اهداف جهاد اسلامی و اخلاق جنگی در اسلام) استخراج شده است.

همچنین نادری و همکاران (۱۳۹۸) شاخص‌های مدیریت جهادی، با هدف شناسایی و رتبه‌بندی شاخص‌های مدیریت جهادی را از پژوهش خود استخراج کردند که برای مدیریت جهادی شناسایی شد که بیشتر حالت فرهنگی، ارزشی و معنوی دارند و عمل به آن‌ها برای یک مدیر جهادی بسیار ضروری و مهم است و عدم رعایت آن‌ها خصوصیت جهادی بودن را از مدیریت می‌گیرد.

حجازی‌فر (۱۳۹۴) در مقاله «چیستی و مؤلفه‌های مدیریت جهادی» ویژگی‌های مدیر جهادی را با روش فراترکیب و با توجه به وظایف و موضوعات مرتبط با علم مدیریت در ده مبحث موضوع‌بندی کرده است. این ده بخش شامل برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری، ارتباطات، سازمان‌دهی، رهبری، نظام ارزشی، تصمیم‌گیری، کنترل، توجه به رشد و توانمندسازی، منابع و امکانات، خلاقیت و نوآوری است.

احمدی و روستا (۱۴۰۰) پژوهشی با عنوان تبیین عملکرد جهادی مدیران با تأکید بر قرآن، نهج البلاغه و بیانات آیت‌الله خامنه‌ای انجام دادند و دریافته‌اند مسئولیت و پاسخگویی مدیران، شایسته‌سالاری، التزام به تعهدات، روابط خوب و قوی مدیران با کارکنان، و نظارت مبتنی بر نیاز، بر عملکرد جهادی مدیران تأثیر دارد.

طوطیان اصفهانی، رجبی و سیاپور (۱۴۰۰) در مقاله «شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های مدیریت جهادی در بنیاد شهید استان تهران» نشان دادند در مؤلفه‌های روحیه ایثارگری، کار و تلاش مضاعف، مسئولیت‌پذیری، شایسته‌سالاری، وجدان کاری و خودباوری توافق و اتفاق‌نظر وجود دارد. مؤلفه مسئولیت‌پذیری با بیشترین میانگین مهم‌ترین مؤلفه مدیریت جهادی است و بعد از آن شایسته‌سالاری در رتبه دوم اهمیت قرار دارد. مؤلفه خودباوری در رتبه سوم است و در نهایت مؤلفه کار و تلاش مضاعف در رتبه آخر اهمیت قرار گرفته است.

شامردی و معظمی (۱۴۰۰) در مقاله «بررسی تأثیر مدیریت جهادی بر عملکرد سازمانی کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی» دریافته‌اند ارزش‌گرایی، روحیه جهادی و سازگاری بر مدیریت جهادی تأثیر معنادار و مثبتی دارد. همچنین کاهش تعارض بر عملکرد سازمانی کارکنان تأثیر مثبت و معناداری دارد. انگیزه کارکنان بر عملکرد سازمانی کارکنان تأثیر مثبت و معنادار دارد.

۲۷۹

ضمناً تأیید شد که شفافیت نقش بر عملکرد سازمانی کارکنان، دارای تأثیر معنادار و مثبت است.

بیک‌زاده، رزم‌جو و رحمتی (۱۴۰۰) در تحقیقی که با عنوان «الگوسازی تأثیر مدیریت جهادی و رفتار سیاسی بر بهره‌وری نیروی انسانی با نقش واسطه‌ای فضیلت سازمانی» انجام شده است نتایج آن حاکی از اثر مستقیم و معنادار مدیریت جهادی بر بهره‌وری نیروی انسانی و فضیلت سازمانی و تأثیر مستقیم و معنادار فضیلت سازمانی بر بهره‌وری نیروی انسانی است. تأثیر غیرمستقیم مدیریت جهادی بر بهره‌وری نیروی انسانی با نقش میانجی فضیلت سازمانی است.

نظری قزوینی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «طراحی مدل توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی مبتنی بر مدیریت جهادی» مشخص شد کارآفرینی جهادی شامل سه مؤلفه روحیه جهادی، انگیزه جهادی و حرکت جهادی به‌عنوان مقوله محوری کارآفرینی روستایی است و

مقوله‌های علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردی و پیامدها به‌نوعی با کارآفرینی جهادی همسو هستند.

در این پژوهش ویژگی‌های مدیر جهادی با ویژگی‌های معرف یک مدیر جهادی در پژوهش‌های شهبازی و صلواتیان (۱۳۹۵)، نادری و همکاران (۱۳۹۸)، حجازی‌فرد (۱۳۹۴) و همچنین احمدزاده (۱۳۹۸) همخوانی دارد. همچنین تفاوت‌های بنیادی با تحقیق نظری، شامرادی و معظمی (۱۴۰۰) دارد، تفاوت عمده این پژوهش با سایر پژوهش‌های مطرح‌شده در این تحقیق، ارائه یک الگوی جامع‌و مانع از خصوصیات یک مدیر جهادی است که در سایر پژوهش‌ها دیده نشده است. تفاوت دیگر این است که الگوی این پژوهش، از وصیت‌نامه امام است.

۲. مبانی نظری

۲-۱. جامعه اسلامی

مفهوم جامعه در اسلام بر قانون الهی استوار است که بنیاد نظم جهانی را در اصل و نظریه توحید می‌بیند. در همین رابطه مفهوم جامعه نه متعصبانه و نه نژادی و نه ایل‌گرایانه، بلکه کلی و مطلق است. بنا بر اسلام، حیات یک کل ارگانیک است و تمام بخش‌های سیاسی، اقتصادی، دینی و فرهنگی اجزای این کل هستند. جامعه تحت حکومت قانون، یعنی قانون الهی است (Mowlana, 1986, p. 234).

رهبر انقلاب می‌گوید:

جامعه اسلامی یعنی جامعه‌ای که در آن آرمان‌های اسلامی، اهداف اسلامی، آرزوهای بزرگی که اسلام برای بشر ترسیم کرده است، تحقق پیدا کند. جامعه عادل برخوردار از عدالت، جامعه آزاد، جامعه‌ای که مردم در آن، در اداره کشور، در آینده خود، در پیشرفت خود دارای نقش‌اند، دارای تأثیرند. جامعه‌ای دارای عزت ملی و استغنا ملی، جامعه‌ای برخوردار از رفاه و مبرا از فقر و گرسنگی، جامعه‌ای دارای پیشرفت‌های همه‌جانبه، پیشرفت علمی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت سیاسی و بالاخره جامعه‌ای بدون سکون، بدون رکود، بدون توقف و در حال پیشروی دائم است (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۷/۲۴).

در تعریف رهبری، کلیدواژه‌های جامعه یا کشور اسلامی عبارتند از: عدالت، پیشرفت، پیشرفت علمی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت سیاسی، رفاه، مردم‌سالاری، کرامت انسانی، عزت

حقیقی، عزت ملی و استغنائی ملی، آرمان‌های اسلامی، اهداف اسلامی، آرزوهای بزرگ، جامعه عادل، جامعه آزاد، جامعه‌ای بدون سکون، بدون رکود، بدون توقف، بدون تبعیض، مبرا از فقر و در حال پیشروی دائم و سایر واژه‌های مشابه دیگری که شالوده و درون‌مایه یک جامعه اسلامی را شامل می‌شود (روحانی، ۱۳۹۸، ص. ۳۰). اگر جامعه‌ای دارای روح واحد و تفکر اجتماعی واحد شد، حکم یک فرد انسان را پیدا می‌کند و افرادش مانند قوا و اعضای انسان می‌شوند که لذت و دردشان عین لذت و درد انسان است و سعادت و شقاوتشان عین سعادت و شقاوت انسان است (جاسبی، ۱۳۸۰، ص. ۲۰۹).

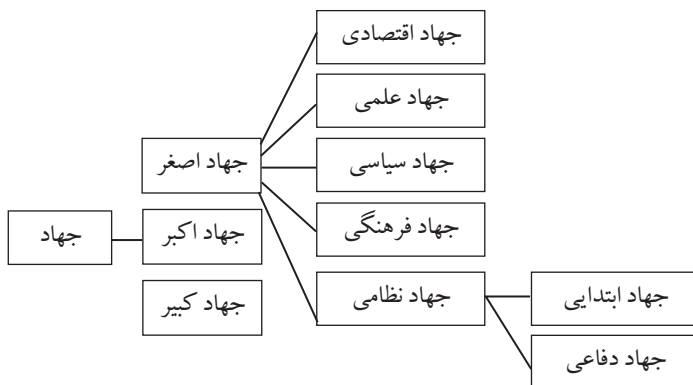
۲-۲. جهاد در لغت و اصطلاح

کلمه جهاد از ریشه جهد به معنای کوشش، سختی و مشقت مشتق شده است. همچنین معنای لغوی جهاد، سخت کوشیدن و بذل کردن امکان و توان آدمی در راهی و انجام دادن هر کاری است تا آنجا که توانایی آدمی اجازه آن کار را بدهد. جهاد در اصطلاح، یعنی نثار جان و هر آنچه از اموال که در محاربه با مشرکان یا باغین لازم باشد یا در مسیر اعتلای کلمه اسلام و برپایی شعائر ایمان که در این صورت به کفار و اهل بغی مختص نمی‌شود (باقر زاده، ۱۳۸۹، ص. ۸۸).

۲-۳. انواع جهاد

در قرآن به سه نوع جهاد اشاره شده است؛ اول جهاد ابتدایی است که در سوره حج آمده است. دوم جهاد برای خاموش کردن آتش فتنه است که در آیه ۱۹۳ سوره «بقره» درباره آن سخن گفته شده است. سوم جهاد برای حمایت از مظلومان که در سوره نساء، مسلمانان به آن دعوت شده‌اند. البته این اقسام سه‌گانه را می‌توان به دو بخش جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی تقسیم کرد؛ ولی روح همه آن‌ها دفاعی است. به همین دلیل در تاریخ اسلام موردی نیست که کافران آمادگی زندگی مسالمت‌آمیز با مسلمانان را داشته باشند و اسلام آن را نپذیرفته باشد. محققین بر اساس معارف اسلامی و با توجه به گفتمان انقلاب اسلامی، انواع جهاد را به جهاد اصغر، جهاد اکبر و جهاد کبیر بر اساس شکل شماره ۱ نشان داده‌اند.

شکل ۱. انواع جهاد



۲-۴. مدیریت جهادی

مدیریت جهادی در واقع همان مدیریت علمی است که بر اساس فرمول‌ها و قوانین دانش که از ترکیب اضافی جهاد تشکیل شده با مدیریت بنا شده است. فرق این نوع مدیریت صرف این است که مبنای مدیریت جهادی، اسلامی و ارزشی است و می‌توان گفت مدیر مسلمان با در نظر گرفتن ابعاد دینی و ایمانی به مدیریت، تعریف تازه‌ای را می‌سازد و مفهوم مدیریت جهادی را به وجود می‌آورد. به این ترتیب مدیریت جهادی نوعی مدیریت ارزشی و با اصالت فرهنگی است که با مدیریت علمی هماهنگ است و می‌توان گفت با استفاده از تعاریف علمی مدیریت و به کارگیری پنج وظیفه اصلی هر مدیر و ادغام آن با مفاهیم اسلامی و دینی سبک جدیدی از مدیریت را به جامعه مدیریتی معرفی کرده است (عموزاد خلیلی و خاکپور، ۱۳۹۲، ص. ۹).

«مدیریت جهادی فرایندی است مبتنی بر ارزش‌های الهی-اسلامی، تفکر، کار و تلاش خستگی‌ناپذیر دسته‌جمعی و مشارکتی بر پایه نیت الهی به منظور استفاده بهینه از منابع و امکانات و عرضه مناسب‌ترین خدمت یا خدمات به جامعه هدف و با مفروض داشتن مقابله با تحریکات دشمن در تمام زمینه‌ها» و «اقدام جهادی به معنای خسته نشدن در مقابل سختی‌ها و موانع، ایمان به مسیر و حرکت بر اساس فکر و منطق است» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۱۰/۱۳).

۵-۲. حکمرانی اسلامی

در دهه‌های اخیر شاهد ظهور الگوی مدیریتی به‌عنوان حکمرانی خوب بودیم که برای مقابله با مشکلات و مسائل عصر حاضر شکل گرفته است. از ویژگی‌های مهم آن جلب مشارکت مردم در انجام امور و سپردن کارها به دست آنهاست. امروزه جامعه بشری دچار بحران اداری و اخلاقی است که با اقدامات دولت‌ها، قوانین و نهادهای اجتماعی که نظام حکمرانی را شکل می‌دهند، بی‌ارتباط نیستند. حکمرانی خوب نه دربارهٔ ایجاد تصمیم، بلکه در رابطه با بهترین فرایندهای ممکن برای تصمیم‌گیری است. نادیده گرفتن ذات و گوهر تصمیم‌حقیقت، بر این تأکید می‌کند که همه چیز بر پایهٔ بهترین گزینه خواهد بود و با توجه به محوریت نتیجه‌گرایی، همهٔ تلاش‌ها در راستای اقدام برای رسیدن به هر روش ممکن است؛ اما در الگوی حکمرانی اسلامی، در عین توجه به ضرورت تصمیم‌بهبینه باید به حقانیت و درستی آن نیز توجه داشت. هر نوع تصمیمی مشروع نیست و نمی‌توان به بهانهٔ تضمین دستیابی به هدف از وسیله‌ای بهره‌گرفت (وفاجو، رنجبر و حیدر پور، ۱۳۹۷، ص. ۴۳).

حکمرانی اسلامی را می‌توان زمینه‌سازی برای توسعه و تعمق عقلانیت تهذیب یافته، اخلاق و معنویت‌گرایی دینی و رشد، تعالی و سعادت انسان و همچنین گسترش برخورداری از زندگی بانشاط، ایمن، سالم، عادلانه، آزاد و کریمانه دانست (رضایی و همکاران، ۱۳۹۰، ص. ۱۴۳).

۳. روش پژوهش

تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و توسعه‌ای است. به‌منظور یافتن مؤلفه‌های مدیریت جهادی، از وصیت‌نامهٔ امام از راهبرد تحلیل مضمون که یکی از راهبردهای پژوهش‌های کیفی است، بهره‌گرفته شده است. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است که بر اساس پژوهش عابدی جعفری و همکاران (۱۳۹۰) روشی برای شناسایی، تحلیل و گزارش الگوها و مضامین موجود در داده‌هاست. این روش داده‌ها را به داده‌هایی غنی و تفصیلی مبدل می‌نماید (براون و کلارک، ۲۰۰۶). در واقع تحلیل مضمون، فرایندی برای تحلیل اطلاعات کیفی است نه کمی.

به‌طور کلی تحلیل مضمون روشی است برای ۱. مشاهده متون؛ ۲. برداشت و درک مناسب از اطلاعات که ظاهراً غیر مرتبط هستند؛ ۳. تحلیل اطلاعات کیفی پیش‌رو؛ ۴. مشاهده نظام‌مند پدیده، ارتباط، مجموعه، موقعیت، سازمان و فرهنگ؛ ۵. در پایان تبدیل داده‌های کیفی مستخرج شده به داده‌های کمی قابل شمارش. به گفتهٔ عابدی جعفری و همکاران شبکهٔ مضامین به‌عنوان

یک ابزار تحلیلی دارای ویژگی‌های کلیدی مشترک با بسیاری از تحلیل‌های کیفی هست. پس نمی‌توان مبانی نظری خاصی را به این روش تخصیص داد. به همین دلیل اصول راهنما، ساختارهای کلان و گام‌های خاص آن را می‌توان به راحتی در بسیاری از فنون تحلیلی دیگر مانند تئوری داده بنیاد ردیابی کرد. شبکه مضامین به دنبال کشف و درک یک مسئله یا اهمیت یک ایده به جای تبیین تعاریف متعارض از یک مسئله است. آنچه شبکه مضامین نمایش می‌دهد یک شبکه شبیه وب به عنوان یک اصل سازمان‌دهنده و یک روش ارائه است. همچنین رویه‌های قابل استنادی برای رسیدن از متن به تفسیر را نشان می‌دهد (آترید استرلینگ، ۲۰۰۱، ص. ۳۸۵). وقتی یک شبکه مضمون کامل می‌شود، می‌توان از آن به عنوان یک اصل سازمان‌دهنده و یک ابزار تصویری برای تفسیر متن بهره برد تا نتایج متن و خود متن برای پژوهشگر و خوانندگان پژوهش روشن و قابل درک گردد.

۴. اعتبار پژوهش

اکثراً محققین روش‌های کیفی، هنگامی که از اعتبار داده‌های پژوهش بحث می‌شود معمولاً به واژه‌های باورپذیری، قابل اعتماد بودن و امانت‌داری استناد می‌کنند (فقیهی و علیزاده، ۱۳۸۴، ص. ۵). در رابطه با روایی و پایایی در این بخش پژوهش باید گفت مفهوم روایی و پایایی در پژوهش‌های کیفی متفاوت با پژوهش‌های کمی است؛ بنابراین اغلب روش‌شناسان کیفی به جای روایی از اصطلاح انتقال‌پذیری و به جای مفهوم پایایی نیز از مفهوم تأییدپذیری استفاده می‌کنند (محمد پور، ۱۳۹۷، ص. ۱۸۹).

مستندسازی فرایند واکاوی و بررسی داده‌ها و استفاده از شواهد و مستندات و ثبت فعالیت‌ها در راستای تأیید پذیری به عنوان راهکار تأییدپذیری موردنظر است (طباطبایی و همکاران، ۱۳۹۲). در پژوهش حاضر برای تأمین انتقال‌پذیری از روش کدگذاری سه مرحله‌ای (توصیفی، تفسیری و رابطه‌ای) به وسیله پژوهشگر مستند و آرشیو شد. با پذیرش این معیارها به عنوان شاخص‌های اعتبار داده‌ها در پژوهش‌های کیفی، داده‌های پژوهش فعلی به دلیل نقل از سند معتبر (نهج البلاغه)، شاخص امانت‌داری و به خاطر انتساب داده‌ها به حضرت امیر (ع)، شاخص‌های باورپذیری و قابل دفاع بودن را در حد بسیار بالایی دارا هستند. همچنین برای سنجش روایی این پژوهش، علاوه بر اینکه مضامین فراگیر، سازمان‌دهنده و اصلی و فرعی با مطالعه مبانی نظری، پیشینه تحقیق، اهداف تحقیق و منبع مورد پژوهش برگزیده شدن، نظرات و آرای جمعی از خبرگان نیز در این خصوص لحاظ شده و قبل از کدگذاری، جرح و تعدیل نهایی انجام می‌شود.

همچنین در این پژوهش از روش هولستی برای محاسبه پایایی تحقیق استفاده شده که فرمول آن به این صورت است:

$$PAO = 2M / (n^1 + n^2) = 3363 * 2 / (3628 + 3463 = 95\%)$$

که در آن PAO به معنی درصد توافق مشاهده شده (ضریب پایایی)، M تعداد توافق در دو مرحله کدگذاری و n^1 تعداد واحدهای کدگذاری شده در مرحله اول و n^2 تعداد واحدهای کدگذاری شده در مرحله دوم است. این رقم میان صفر (هیچ توافق) تا یک (توافق کامل) متغیر است. با توجه به فرمول محاسبه ضریب پایایی، مقدار آن معادل ۹۵ درصد شد که نشان داد نتایج تحقیق از قابلیت اعتماد زیادی برخوردار است.

۵. یافته‌های پژوهش

بر اساس روش تحلیل مضمون، متن وصیت‌نامه امام مدنظر قرار می‌گیرد تا مفاهیم و مضمون‌ها شناسایی شود. محتوای هریک از جملات کلیدی که انتخاب می‌شوند ممکن است دارای چند مفهوم یا کد متفاوتی باشند. درواقع کدها، واحدهای خرد تحلیل است که بر پایه آن، مفهوم‌سازی داده‌ها شکل جدیدی می‌گیرد. مفاهیم مشترک یک مضمون را تشکیل می‌دهند. مضمون‌ها در مقایسه با کدها انتزاعی‌تر است و سطحی بالاتر را نشان می‌دهد. مضمون‌ها شالوده ساختن نظریه است و ابزاری فراهم می‌کند که با آن الگو می‌تواند یکپارچه شود. در این حالت، محتوای هریک از گزاره‌های انتخابی، ممکن است دارای چند مضمون باشد. درواقع کدها واحدهای خرد تحلیل است که بر پایه آن مفهوم‌سازی داده‌ها شکل می‌گیرد. مفاهیم مشترک یک مقوله را تشکیل می‌دهند. مقوله‌ها در مقایسه با مفاهیم، انتزاعی‌ترند و سطحی بالاتر را نشان می‌دهند.

۲۸۵

با توجه به مطالعه عمیق و بررسی وصیت‌نامه امام ۷۲ جمله کلیدی و به دنبال آن ۵۶ مضمون پایه و ۱۴ مضمون سازمان‌دهنده به روش تحلیل مضمون استخراج گردید. جدول شماره ۱ نمونه‌ای از نتایج تحلیل مضمون و استخراج کدهای کلیدی را نمایش می‌دهد. درنهایت مضامین پایه و سازمان‌دهنده و فراگیر (مدیریت جهادی) در جامعه اسلامی به صورت دسته‌بندی شده در جدول ۲ درج شده است. همچنین شبکه مضامین در شکل ۲ نشان داده شده است.

جدول ۱. مضامین پایه (اولیه) استخراج شده از وصیت‌نامه سیاسی - الهی امام خمینی

ردیف	کدها و واژه‌های کلیدی	مضامین پایه
۱	این جانب مناسب می‌دانم که شمه‌ای کوتاه و قاصر در باب «تقلین» تذکر دهم؛ نه از حیث مقامات غیبی و معنوی و عرفانی که قلم مثل منی عاجز است... و آنچه در فهم من و تو ناید، سنگین و تحمل آن فوق طاقت (امام خمینی، ۱۳۸۷، صص ۱-۲).	
۲	به‌عنوان یک نفر طلبه حقیق که همچون دیگر برادران ایمانی امید به این انقلاب و بقای دستاوردهای آن و به ثمر رسیدن هر چه بیشتر آن دارم، به‌عنوان وصیت به نسل حاضر و نسل‌های عزیز آینده مطالبی هرچند تکراری عرض می‌نمایم (امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۱۵).	تواضع و فروتنی
۳	برادران! شما این اوراق را قبل از مرگ من نمی‌خوانید. ممکن است پس از من بخوانید. در آن وقت من نزد شما نیستم که بخواهم به نفع خود و جلب نظر تان برای کسب مقام و قدرتی با قلب‌های جوان شما بازی کنم (امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۳۱).	
۴	این جانب هیچ‌گاه نگفته و نمی‌گویم که امروز در این جمهوری به اسلام بزرگ با همه ابعادش عمل می‌شود و اشخاصی از روی جهالت و عقده و بی‌انضباطی برخلاف مقررات اسلام عمل نمی‌کنند (امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۲۸).	صداقت داشتن
۵	از جوانان، دختران و پسران، می‌خواهم که استقلال و آزادی و ارزش‌های انسانی را، ولو با تحمل زحمت و رنج، فدای تجملات و عشرت‌ها و بی‌بندوباری‌ها و حضور در مراکز فحشا که از طرف غرب و عمال بی‌وطن به شما عرضه می‌شود نکنند (امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۴۰).	مدیریت اخلاقی
۶	و از بالاترین و والاترین حوزه‌هایی که لازم است به‌طور همگانی مورد تعلیم و تعلم قرار گیرد، علوم معنوی اسلامی [است]، از قبیل علم اخلاق و تهذیب نفس و سیر و سلوک الی الله... که جهاد اکبر می‌باشد (امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۵۳).	مدیریت اخلاقی
۷	ما مفتخریم و ملت عزیز سر تا پا متعهد به اسلام و قرآن مفتخر است که پیرو مذهبی است که می‌خواهد... و به‌عنوان بزرگ‌ترین نسخه نجات‌دهنده بشر از جمیع قیودی که بر پای و دست و قلب و عقل او پیچیده است و او را به سوی فنا و نیستی و بردگی و بندگی طاغوتیان می‌کشاند نجات دهد و ما مفتخریم که پیرو مذهبی هستیم که رسول خدا مؤسس آن به امر خداوند تعالی بوده و امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب، این بنده رها شده از تمام قیود، مأمور رها کردن بشر از تمام اغلال و بردگی‌ها است (امام خمینی، ۱۳۸۷، صص ۵-۶).	الگوپذیری از اسلام

ردیف	کدها و واژه‌های کلیدی	مضامین پایه
۸	و باکمال جد و عجز از ملت‌های مسلمان می‌خواهم که از ائمه اطهار و فرهنگ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی این بزرگ راهنمایان عالم بشریت به‌طور شایسته و به جان‌ودل و جان‌فشانی و نثار عزیزان پیروی کنند (امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۱۱).	الگوپذیری از اسلام
۹	از آن جمله دست از فقه سنتی که بیانگر مکتب رسالت و امامت است و ضامن رشد و عظمت ملت‌ها است، چه احکام اولیه و چه ثانویه که هر دو مکتب فقه اسلامی است، ذره‌ای منحرف نشوند (امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۱۱).	عمل به اسلام
۱۰	حفظ اسلام در رأس تمام واجبات است، که انبیای عظام... در راه آن کوشش و فداکاری جان‌فرسا نموده‌اند و هیچ مانعی آنان را از این فریضه بزرگ باز نداشته (امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۱۸).	
۱۱	و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های آینده، که باکمال دقت و قدرت و ظایف اسلامی و ملی خود را ایفا و تحت تأثیر هیچ قدرتی واقع نشوند... (امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۴۶).	
۱۲	و لازم است علما و مدرسین محترم نگذارند در درس‌هایی که مربوط به فقه است و حوزه‌های فقهی و اصولی از طریقه مشایخ معظم که تنها راه برای حفظ فقه اسلامی است منحرف شوند (امام خمینی، ۱۳۸۷، صص ۵۳-۵۲).	
۱۳	و از آن جمله مراسم عزاداری ائمه اطهار و به‌ویژه سید مظلومان و سرور شهیدان، حضرت ابی‌عبدالله‌الحسین... هیچ‌گاه غفلت نکنند (امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۱۱).	پایبندی به فرایض دینی
۱۴	پیغمبر اسلام (ص) تشکیل حکومت داد مثل سایر حکومت‌های جهان لکن با انگیزه بسط عدالت اجتماعی (امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۱۱).	عدالت‌محوری
۱۵	از خداوند غفور می‌خواهم که شما را به راه مستقیم انسانیت هدایت کند و از گذشته ما و شما با رحمت و اسعه خود بگذرد (امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۳۱).	خودسازی
۱۶	اهمیت انقلاب شکوهمند اسلامی که دستاورد میلیون‌ها انسان ارزشمند... است و مورد امید میلیون‌ها مسلمانان و مستضعفان جهان است، به قدری است که ارزیابی آن از عهده قلم و بیان والاتر و برتر است (امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۱۵).	شهادت‌طلبی

ردیف	کدها و واژه‌های کلیدی	مضامین پایه
۱۷	کلام مرحوم مدرس آن روحانی متعهد پاک سیرت و پاک اندیشه را به خاطر بسپرید که در مجلس افسرده آن روز گفت: اکنون که باید از بین برویم چرا با دست خود برویم (امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۷۵).	توسعه فرهنگ ایتار و شهادت
۱۸	ما مفتخریم که ائمه معصومین ما... در راه تعالی دین اسلام و در راه پیاده کردن قرآن کریم که تشکیل حکومت عدل یکی از ابعاد آن است، در حبس و تبعید به سر برده و عاقبت در راه براندازی حکومت‌های جائزانه و طاغوتیان زمان خود شهید شدند (امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۷).	فرهنگ شهادت
۱۹	و ملت ما بلکه ملت‌های اسلامی و مستضعفان جهان مفتخرند به اینکه دشمنان آنان که دشمنان خدای بزرگ و قرآن کریم و اسلام عزیزند (امام خمینی، ۱۳۸۷، صص ۸-۹).	دشمن شناسی
۲۰	من اکنون به ملت‌های شریف ستم‌دیده و به ملت عزیز ایران توصیه می‌کنم ... به صراطی که خداوند به آن‌ها نصیب فرموده است محکم و استوار و متعهد و پایدار پایبند بوده (امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۱۰).	موقعیت‌شناسی
۲۱	همه باید بدانیم که آنچه موجب وحدت بین مسلمین است این مراسم سیاسی است که حافظ ملیت مسلمین، به‌ویژه شیعیان ائمه اثنی عشر... [است] (امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۱۲).	بصیرت داشتن
۲۲	از توطئه‌های مهمی که در قرن اخیر، خصوصاً در دهه‌های معاصر و به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب آشکارا به چشم می‌خورد، تبلیغات دامنه‌دار با ابعاد مختلف برای مایوس نمودن ملت‌ها و خصوصاً ملت فداکار ایران از اسلام است (امام خمینی، ۱۳۸۷، صص ۲۱-۲۰).	جریان‌شناسی
۲۳	باید ملت بیدار و هوشیار ایران با دید اسلامی این توطئه‌ها را خنثی نمایند... و دست شیاطین توطئه‌گر را قطع نمایند (امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۲۴).	
۲۴	و شما اشکال‌تراشان به فکر بنشینید که آیا بهتر نیست به‌جای سرکوبی به اصلاح و کمک بکشید؛ و ... طرفدار مظلومان و ستم‌دیدگان و محرومان باشید (امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۲۸).	واقع‌بینی
۲۵	مصلحت خود و ملت خود و مناطق خود آن است که با دولت تشریک مساعی نموده و از یاغی‌گری و خدمت به بیگانگان و خیانت به میهن خود دست بردارند و به ساختن کشور بپردازند (امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۷۵).	

ردیف	کدها و واژه‌های کلیدی	مضامین پایه
۲۶	و شما ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان بپاخیزید... و از هیاهوی تبلیغاتی ابرقدرت‌ها و عمال سرسپرده آنان نترسید (امام خمینی، ۱۳۸۷، صص ۸۸-۸۷).	حق طلبی
۲۷	و وصیت من به همه آن است که با یاد خدای متعال به سوی خودشناسی و خودکفایی و استقلال، با همه ابعادش به پیش و بی‌تردید دست خدا با شما است (امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۹۰).	کمال‌جویی
۲۸	ما می‌دانیم که این انقلاب بزرگ که دست جهان‌خواران و ستمگران را از ایران بزرگ کوتاه کرد، با تأییدات غیبی الهی پیروز گردید (امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۱۶).	تمسک به خداوند متعال
۲۹	ما مفتخریم که بانوان و زنان پیر و جوان و خرد و کلان در صحنه‌های فرهنگی و اقتصادی و نظامی حاضر و... در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند (امام خمینی، ۱۳۸۷، صص ۸-۷).	توسعه منابع انسانی
۳۰	در هر جا هستید اگر به جنایتی دست نزدیک به میهن خود و دامن اسلام برگردید و توبه کنید که خداوند ارحم الراحمین است... (امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۷۰).	

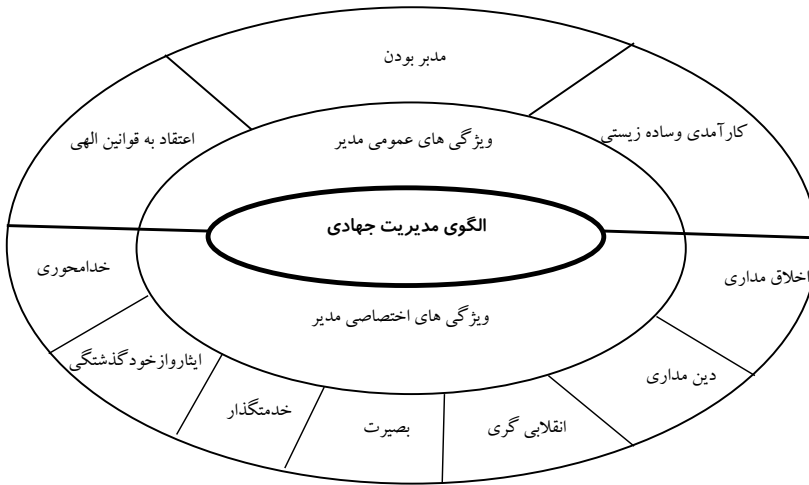
جدول ۲. انواع مضامین استخراج شده از وصیت‌نامه سیاسی - الهی امام خمینی

مضامین فراگیر	مضامین فرعی	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
		ساده‌زیستی	تواضع و فروتنی
			صداقت داشتن
توسعه فرهنگ ایثار	ویژگی‌های اختصاصی مدیر	دین‌مداری	مدیریت اخلاقی
			الگوپذیری از اسلام
			عمل به اسلام
			پایبندی به فرایض دینی
			عدالت‌محوری
			خودسازی

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فرعی	مضامین فراگیر
شهادت‌طلبی	ایثار و از خودگذشتگی	ویژگی‌های اختصاصی مدیر	مدیریت جهادی
توسعه فرهنگ شهادت			
دشمن‌شناسی	بصیرت		
موقعیت‌شناسی			
بصیرت‌داشتن			
هوشیاری			
جریان‌شناسی			
واقع‌بینی			
قیام برای خدا			
حق‌طلبی			
کمال‌جویی			
تمسک به خداوند متعال			
توسعه منابع انسانی	خادم مردم (خدمت‌گزار)		
زنده نگاه‌داشتن خدمت‌گزاری			
مردم‌محوری			
نفی استعمار و استکبار	انقلابی‌گری		
اعتقاد به نظام و ارزش‌های انقلابی			
حمایت از مستضعفان			
اعتقاد به استقلال و لزوم خودکفایی			
اعتقاد به عزم و حمایت ملی			
دنبال کردن جدی شعارها			
خودکفایی			
تعهد داشتن			
وجدان‌کاری			

مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فرعی	مضامین فراگیر
شجاعت	مدبر بودن	ویژگی های عمومی مدیر	مدیریت جهادی
مدبر بودن			
عبرت گیری			
بهبودی نیروی انسانی			
توسعه فرصت های مشارکت			
قدردانی از منابع انسانی کارآمد			
مشورت پذیری			
هوشیاری			
مسئولیت پذیری و پاسخگویی			
هدایت و رهبری			
عبرت از گذشتگان	اعتقاد به قوانین الهی		
جلوگیری از فساد و انحراف			
قانون مند بودن			
قانون مداری	کارآمدی و ساده زیستی		
وزانت سیاسی و وجهه اجتماعی			
حسن سابقه داشتن			
انتخاب کارکنان شایسته			
انتخاب افراد شایسته			
حساسیت به گزینش ها و تعهدات			
داشتن تجربه و حسن سابقه			
قابل اعتماد بودن			

شکل ۳. مدل مفهومی پژوهش



ساده‌زیستی یکی از موضوعاتی است که در زندگی فردی و اجتماعی و مادی و معنوی انسان تأثیر بسزایی دارد. از نظر فرهنگ دینی، ساده‌زیستی یکی از ارزش‌های متعالی به حساب می‌آید. در واقع ساده‌زیستی، پاسخ انسان‌های دانا به زندگی ناپایدار دنیاست که در پرتو آن، آرامش درون و برون حاصل می‌شود؛ بنابراین ساده‌زیستی با نوع شناخت انسان و نگرش او به زندگی دنیا مرتبط است. پشت پا زدن به تعلقات دنیوی و انتخاب زندگی به دور از تجملات امروزی می‌تواند تعریف درستی از ساده‌زیستی باشد.

۲۹۳

کارآمدی یعنی آگاهی از چگونگی انجام کار و تعیین اولویت اهداف برای تحقق کارآمدی. مدیر بودن از شجاعت و مسئولیت‌پذیری مدیر در انجام امور می‌آید. توان هدایت و رهبری دیگران، هوشیاری مؤلفه‌هایی هستند که نشان از مدبر بودن افراد می‌دهد. نقش خدامحوری در زندگی انسان سبب پابندی به تکالیف الهی مانند نماز، روزه، حج، خمس، زکات، جهاد، توبه و مانند آن دارند. خدا باوران همواره خداوند را در رفتارهای شخصی و اجتماعی خویش در نظر می‌گیرند و در دایره بایدها و نبایدهای الهی با کمال دقت راه رشد و بالندگی را می‌پیمایند. مقصد آن‌ها رضا و رضوان الهی است و خداوند، قطب‌نمای تنظیم کارها و رفتار آن‌هاست. خداجویان، دل را که حریم امن الهی است به بیگانگان نمی‌سپارند، دلی که با یاد خداوند می‌تپد و با ذکر فراوان آرام می‌گیرد.

دین‌مداری در فرهنگ لغت به معنای رسم، عادت، قانون، شریعت، اسلام و روش است و در اصطلاح دینی به معنی روش ویژه در زندگی دنیا که به مقام لقای الهی و عنداللهی، قرب و سعادت حقیقی ختم می‌شود و به آن با تعبیر دین الله یا دین الحق اشاره شده است. انقلابی‌گری، یعنی مسئولان کشور هدفشان راضی کردن قدرت‌ها نباشد و بدون انفعال و تسلیم در مقابل زورگویان، فریب آن‌ها را نخورند و با دوری از ضعف نفس در مقابل شیطان بزرگ، همت و هدف خود را در به‌کارگیری نیروها و عناصر داخلی، حل مشکلات و راضی کردن مردم متمرکز کنند.

بصیرت به معنی دانایی و هوشیاری است، نسبت بصیرت به نفس مثل نسبت بصر به چشم است. حتی بصیرت به معنی بذل توجه به چیزی و دقت در آن و تأمل در مورد آن است. شخص بصیر به معنی دانشمندی است که ظاهر و باطن اشیاء را بی‌کم‌وکاست می‌شناسد. تبصر و استبصار به معنی تأمل کردن و آگاه‌شدن و بصیرت داشتن است.

ایثار، فداکاری یا نوع‌دوستی در لغت به معنی برگزیدن، عطا کردن، سود دیگران را بر منفعت خویش مقدم داشتن و منفعت غیر را بر مصلحت خود مقدم‌شمردن است. در معنی اصطلاحی نیز بدان معنی است که آدمی از روی قصد و نیت خیر، دیگران را بر خود ترجیح دهد و ایشان را بر خویش برگزیند. آن‌ها که طرفدار ایثار و دیگر‌گزینی هستند، این عمل را متعالی و اخلاقی می‌دانند که در مقابل آن، استیثار و خود‌گزینی قرار دارد.

خدمت‌گزاری مفهوم وسیع و گسترده‌ای دارد. این واژه تمام فعالیت‌های مثبت و مفید انسان‌ها را در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و معنوی شامل می‌شود. خدمت به خلق و سودرسانی به آنان، عامل ارزشمندی انسان به شمار آمده است؛ بنابراین سرپای زندگی انسان معتقد به خدا و روز واپسین را این ویژگی تشکیل می‌دهد که در هر موقعیتی قرار بگیرد و به هر درجه‌ای که برسد، برای مردم و در خدمت آنان است.

خدمت‌محوری اصل اساسی در آموزه‌های دینی است. اولین و مهم‌ترین اصل در زندگی معصومان رعایت حدود و مرزهای الهی است؛ چرا که آنان خدا را محور تمام تصمیم‌گیری‌ها و اعمال خود قرار داده بودند که در خصوص این مرزها در باب خدمت‌محوری امیرالمؤمنین (ع) در حکمت ۱۰۵ نهج‌البلاغه یک دسته‌بندی از آنچه خدا برای ما بیان کرده است به دست می‌دهد. ایشان می‌فرمایند خداوند واجباتی را بر شما واجب کرده است، پس آن‌ها را تباه نکنید؛ و مرزهایی برایتان تعیین کرده است، پس از آن‌ها عدول نکنید؛ و از چیزهایی نهی فرموده است، پس حرمت آن‌ها را داشته باشید. درباره چیزهایی نیز سکوت کرده است. آن‌ها را البته از روی فراموشی رها کرده است؛ پس درباره آن‌ها خود را اذیت نکنید.

پیشنها‌ها

پیشنهاد محقق این پژوهش، تشکیل یک کارگروه تخصصی در بخش منابع انسانی برای جذب و گزینش مدیران بر اساس شاخص‌های مدیریت جهادی استخراج‌شده از این تحقیق است و همچنین استفاده سازمان‌مند از مؤلفه‌های استخراج‌شده در مصاحبه‌های استخدامی بدو ورود کارکنان و طراحی ساختاری برنامه‌ریزی‌شده بر اساس یافته‌های پژوهش برای عزل مدیران ناکارآمد. به محققان دیگر نیز پیشنهاد می‌شود هر کدام از مؤلفه‌های مدیریت جهادی استخراج‌شده به صورت جداگانه بررسی و الگوی متناسبی بر اساس آن‌ها طراحی و تبیین شود.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در راستای تولید علوم بومی با یک پرسش اساسی که «الگوی مدیریت جهادی در جامعه اسلامی مبتنی بر وصیت‌نامه سیاسی - الهی امام چگونه است» شکل گرفته است. مدیریت جهادی و مدیر جهادی از مفاهیم ریشه‌دار در جامعه اسلامی است که هر زمان مورد توجه دولت‌ها بوده موجب تعالی جامعه شده است. تز این نگاه، تحقیق حاضر، ضمن مطالعه عمیق مبانی نظری و ادبیات موضوع، با استفاده از روش تحلیل مضمون، به بررسی وصیت‌نامه امام انجام شده است و بدین طریق سعی شده است خیلی دقیق به پرسش اصلی تحقیق پاسخ مناسبی داده شود. در این تحقیق، سرانجام با استخراج ۷۲ کد باز (طبق جدول ۱) و ۵۳ مضمون پایه و ۱۰ مضمون سازمان دهنده (طبق جدول ۲) و دو مضمون فرعی، شبکه مضامین (شکل ۲) و نیز الگوی مدیریت جهادی در جامعه اسلامی مبتنی بر وصیت‌نامه امام ارائه شد (شکل‌های ۲ و ۳). الگوی ارائه شده این پژوهش به ۱۰ شاخص کلی که ۵۳ مؤلفه اصلی و دو مؤلفه فرعی ذیل آن‌ها قرار دارد تقسیم می‌شود و به تمام جوانب مدیریت جهادی اشاره دارد. در شاخص ساده‌زیستی مؤلفه‌های تواضع و فروتنی، صداقت و مدیریت اخلاقی معرفی شناسایی و معرفی شدند. شاخص‌های ساده‌زیستی، دین‌مداری، ایثار و از خودگذشتگی، بصیرت، خدامحوری، خدمتگزاری به مردم و انقلابی‌گری ذیل ویژگی‌های جهادی مدیر و شاخص‌های مدبربودن، اعتقاد به قوانین الهی و کارآمدی در ذیل ویژگی‌های عمومی مدیر شناسایی شدند. در شاخص دین‌مداری مؤلفه‌های عدالت‌محوری، عمل به اسلام و فرایض دینی و الگوپذیری از آن و نهایتاً خودسازی شناسایی و معرفی شدند. در شاخص ایثار و از خودگذشتگی، شهادت‌طلبی و توسعه فرهنگ شهادت‌طلبی شناسایی و معرفی شدند. در شاخص بصیرت که امام بیشتر به آن توصیه کرده مؤلفه‌های دشمن‌شناسی، هوشیاری،

موقعیت‌شناسی، جریان‌شناسی و واقع‌بینی معرفی شدند. در شاخص خدامحوری مؤلفه‌های قیام برای خدا، حق‌طلبی و کمال‌جویی به همراه تمسک به خداوند متعال شناسایی و معرفی شدند. در شاخص ارتباطات مؤثر مدیر جهادی مردم‌محوری، توسعه منابع انسانی و زنده نگه داشتن خدمتگزاری شناسایی شدند.

در شاخص انقلابی‌گری که نماد این پژوهش است، مؤلفه‌های نفی استعمار و استکبار، اعتقاد به نظام و ارزش‌های انقلابی، حمایت از مستضعفان، اعتقاد به استقلال و لزوم خودکفایی، اعتقاد به عزم و حمایت ملی، دنبال کردن جدی شعارها، خودکفایی، تعهد داشتن و وجدان کاری شناسایی شدند. در شاخص مدبر بودن که از ویژگی‌های عمومی مدیران نیز هست، مؤلفه‌های شجاعت، عبرت‌گیری، بهسازی نیروی انسانی توسعه و فرصت‌های مشارکت، قدردانی از منابع انسانی کارآمد، مشورت‌پذیری، هوشیاری، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، هدایت و رهبری و همچنین عبرت از گذشتگان شناسایی و معرفی شدند. در شاخص اعتقاد به قوانین الهی، مؤلفه‌های جلوگیری از فساد و انحراف، قانون‌مند بودن و قانون‌مداری شناسایی و معرفی شدند. در شاخص کارآمدی، مؤلفه‌های وزانت سیاسی و وجهه اجتماعی، حسن سابقه داشتن، انتخاب کارکنان شایسته، حساسیت به گزینش‌ها و تعهدات، داشتن تجربه و قابل‌اعتماد بودن شناسایی و معرفی شدند. در خصوص اهمیت مضمون‌هایی استخراج شده از وصیت‌نامه امام با توجه به فراوانی گفتارهای ایشان در بخش ویژگی‌های عمومی به ترتیب بصیرت، خدامحوری، دین‌مداری، ایثار و از خودگذشتگی، خدمتگزاری و ساده‌زیستی مشاهده شد که این نشان می‌دهد که از نظر امام این مؤلفه‌ها دارای اهمیت بسیاری در الگوی این پژوهش هستند.

همچنین در بخش ویژگی‌های اختصاصی، مدبر بودن، کارآمدی و ساده‌زیستی و نیز اعتقاد به قوانین و مقررات الهی به ترتیب دارای بیشترین توصیه در فرمایش‌های امام بودند. ترتیب این مؤلفه‌ها هم نشان‌دهنده اهمیت آن‌ها در گفتار امام است که الگوی مدیریت جهادی بر اساس آن‌ها تبیین و طراحی شده است. همان‌طور که توضیح داده شد، ویژگی‌های مدیر جهادی شناسایی شده در این پژوهش با ویژگی‌های معرفت‌یافته مدیر جهادی در پژوهش‌های شهبازی و صلواتیان، نادری و همکاران، حجازی فرد و همچنین احمدزاده که شناسایی شده بود، همخوانی دارد. به علاوه تفاوت‌های بنیادی با تحقیق نظری شامرادی و معظمی دارد. تفاوت عمده این پژوهش با سایر پژوهش‌های مطرح شده در این تحقیق، ارائه یک الگوی جامع و مانع از خصوصیات یک مدیر جهادی است که در سایر پژوهش‌ها دیده نشده است و این الگو می‌تواند از سردرگمی مدیران جامعه اسلامی در استفاده از مؤلفه‌های مدیر جهادی جلوگیری کند. تشدد

مؤلفه‌های مطرح شده و جمع‌آوری نشده تحقیقات قبلی موجب شده که این پژوهش جایگزین مناسبی برای الگوهای مدنظر آنها باشد. شایان ذکر است الگوی ارائه شده در این تحقیق، با الگوهای دیگر تفاوت‌هایی بنیادی دارد. الگوی ارائه شده مبتنی بر وصیت‌نامه امام است و با توجه به شرایط حاکم بر کشور تبیین و تهیه شده است.

لازم به ذکر است به کارگیری مدل‌های بومی مستخرج شده از بیانات، توصیه‌ها و اندیشه‌های امام به دلیل بینش عمیق با بصیرت ایشان نسبت به شرایط آتی ضامن پیشرفت و موفقیت سازمان‌ها در کشور است. با توجه به مؤلفه‌های ذیل خدامحوری و دین‌داری، ایشان اعتقاد به خدا و ائمه را لازمه کار مدیران جهادی می‌داند. مؤلفه‌های بصیرت و انقلابی‌گری را نیز با تأکیدات مکرر از ویژگی‌های بارز مدیران جهادی معرفی می‌کند. اندیشه سیاسی امام آن‌قدر در نوع خود جامعیت داشته که نه تنها به شکل‌گیری یک نظام سیاسی منجر شده، بلکه موجب تربیت مدیرانی شده است که با توجه به تأثیر فرهنگ غرب‌گرایی در جامعه اسلامی (بعضی کشورهای اسلامی) همچنان روحیه انقلابی‌گری و جهادی خود را حفظ کرده و موجب تعالی جامعه خود شده‌اند. اگر مدیران کنونی کشور ما به مؤلفه‌های استخراج شده از وصیت‌نامه امام و به خصوص در بعد مدیریت جهادی آن (شبکه مضامین در شکل ۲) توجه کنند و در سرلوحه مدیریت خود قرار دهند، حتماً به جامعه اسلامی خود در رسیدن به اهداف تعالی آن کمک خواهند کرد.

درنهایت با تأمل بیشتر در مؤلفه‌های مدیریت جهادی استخراج شده از وصیت‌نامه می‌توان به این نکته رسید که مدیریت جهادی یک تحول درونی است که در ذات انسان‌ها وجود دارد و فقط در صورتی قابل اجراست که مدیر به آنها اعتقاد داشته باشد و برای عمل به آنها تلاش کند؛ زیرا پایه و اساس مدیریت جهادی نظام ارزش اسلام است و برخلاف نظام ارزشی غرب که در آن ارزش‌ها ابزاری هستند، در نظام ارزشی اسلام ارزش‌ها مطلق هستند و شرایط و موقعیت‌ها تأثیری بر چگونگی عمل به آنها نمی‌گذارد.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: نویسنده به تنهایی در آماده‌سازی مقاله نقش داشته است.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسنده در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسنده حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

- احمدی، مجید و روستا، علیرضا (۱۴۰۰). تبیین عملکرد جهادی مدیران با تأکید بر قرآن کریم، نهج البلاغه و بیانات عالمانه آیت العظمی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی). *رهیافت‌های نوین در مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی*، ۱(۳)، ۸۰-۱۰۰. doi: 20.1001.1.27835243.1400.1.3.5.2
- احمدزاده، رضا (۱۳۹۸). تحلیل مضمونی ویژگی‌های جهاد در آیات قرآن کریم. *فصلنامه علمی تخصصی فرهنگ پژوهش*، ۱۲(۴۰)، ۱۰۴-۵۳. doi: 10.22081/fpq.2020.69887
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۷). *وصیت‌نامه سیاسی - الهی امام خمینی*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ ۱۸.
- امیدی، علی و یوسف‌وند، سعید (۱۴۰۱). ارائه الگوی مدیریتی انقلابی در تراز جامعه اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری. *مطالعات راهبردی بسیج*، ۲۵(۹۵)، ۷۴-۹۹. doi: 20.1001.1.1735501.1401.25.95.2.9
- باقرزاده، محمدرضا (۱۳۸۹). درآمدی بر نقش جهاد در تدوین دکترین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. *معرفت سیاسی*، ۲(۲)، ۳۳-۶۶. <http://ensani.ir/file/download/article/20130115084544-9717-23.pdf>
- بیگ‌زاد، جعفر، رزم‌جو، مریم و رحمتی، مریم (۱۴۰۰). الگوسازی تأثیر مدیریت جهادی و رفتار سیاسی بر بهره‌وری نیروی انسانی با نقش واسطه‌ای فضیلت سازمانی. *فصلنامه توسعه مدیریت و منابع انسانی و پشتیبانی*، ۱۶(۶۰)، ۲۷-۵۴. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1787544>
- حجازی‌فر، سعید (۱۳۹۴). چستی و مؤلفه‌های مدیریت جهادی. *فصلنامه دانشگاه جامع امام حسین (ع)*، ۲۳(۳)، ۹۵-۱۲۲. doi: https://journals.ihu.ac.ir/article_201829.html
- جاسبی، عبدالله (۱۳۸۰). *اصول و مبانی مدیریت*. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- داوری اردکانی، رضا و شاکری، سید رضا (۱۳۸۸). امنیت سیاسی در اندیشه امام خمینی. *دانش سیاسی*، ۵(۲)، ۸۶-۶۹. doi: 10.30497/pk.2010.17
- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۹۲/۱۰/۲۳). بیانات در دیدار با شهردار و اعضای شورای اسلامی شهر تهران.
- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (۱۴۰۰/۵/۱۲). بیانات در تنفیذ حکم ریاست جمهوری آیت‌الله دکتر ابراهیم رئیسی.
- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۹۰/۷/۲۴). بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه.

- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳/۱۰/۱۳۹۵). بیانات در دیدار نجبگان و دانشجویان بسیجی مدال‌آور دانشگاه صنعتی شریف.
- رضایی، حسن و همکاران (۱۳۹۰). *از حکمرانی اسلامی تا دولت معیار*. مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
- رضوان‌خواه، سلمان و فاضلی دهکردی، مهدی (۱۳۹۰). *احصا و بررسی مبانی، اصول و روش‌های کار و تلاش جهادی از منظر قرآن کریم*. <https://civilica.com/doc/834201>
- روحانی، روح‌الله (۱۳۹۸). *بازسازی معنایی جامعه اسلامی در اندیشه رهبر معظم انقلاب*. فصلنامه علمی- تخصصی دانش انتظامی سمنان، ۱۰(۳۵)، ۵۳-۳۰. <http://ensani.ir/fa/article/520967>
- شامرادی، سیده نیلوفر و معظمی، مجتبی (۱۴۰۰). *بررسی تأثیر مدیریت جهادی بر عملکرد سازمانی کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی*. *رهیافت‌های نوین در مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی*، ۱(۲)، ۱۱۵-۱۰۳. https://journals.iau.ir/article_683720.html
- طباطبایی، امیر، حسنی، پرخیده، مرتضوی، حامد و طباطبایی چهر، محبوبه (۱۳۹۲). *راهبردهای برای ارتقای دقت علمی در تحقیقات کیفی*. *مجله دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی*، ۵(۳)، ۶۷۰-۶۶۳. <http://dx.doi.org/10.29252/jnkums.5.3.663>
- طوطیان اصفهانی، صدیقه، رجبی فرجاد، حاجیه و سیاه‌پور، غلامرضا (۱۴۰۰). *شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های مدیریت جهادی در بنیاد شهید استان تهران*. *فصلنامه رهیافت‌های نوین در مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی*، ۱(۲)، ۲۴-۱. https://journals.iau.ir/article_683714.html
- فقیهی، ابوالحسن و عزیززاده، محسن (۱۳۸۴). *روایی در تحقیق کیفی*. *فرهنگ مدیریت*، ۳(۲)، ۱۹-۵. https://jomc.ut.ac.ir/article_14228.html
- عابدی جعفری، حسن، تسلیمی، محمدسعید، فقیهی، ابوالحسن و شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۰). *تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی*. *اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت)*، ۵(۲)، ۱۹۸-۱۵۱. <https://doi.org/10.30497/smt.2011.163>
- عموزاد خلیلی، مجید و خاکپور، سیاوش (۱۳۹۲). *نقش استراتژیک فرهنگ در مدیریت: بازشناسی مفهومی و مبانی اعتقادی*. *مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش علمی مدیریت جهادی*. تهران: دبیرخانه دائمی مدیریت جهاد.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۷). *ضد روش: زمینه‌های فلسفی و زمینه‌های علمی در روش‌شناسی کیفی*. قم: انتشارات لاگوس.

- نظری قزوینی، سمیرا، قهرمان‌زاده، نسترن، رحیمی جعفری، حسین و وکیل‌الرعايا، یونس (۱۴۰۰). طراحی و تبیین مدل توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی مبتنی بر مدیریت جهادی. سومین همایش ملی مطالعات جدید در کارآفرینی و مدیریت کسب‌وکار، سمنان.
<https://civilica.com/doc/1380675>
- نادری‌فر، علیرضا، پورکیانی، مسعود، زاینده‌رودی، محسن و شیخی، ایوب (۱۳۹۸). شاخص‌های مدیریت جهادی. نشریه خط‌مشی‌گذاری عمومی در مدیریت (رسالت مدیریت دولتی)، ۱۰(۳۴)، ۸۷-۱۰۳. https://journals.srbiau.ac.ir/article_15226.html
- وفاجو، فریبرز، رنجبر، مقصود و حیدرپور، ماشاءالله (۱۳۹۷). ارزیابی شاخص‌های حکمرانی خوب در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات سیاسی، ۱۱(۴۲)، ۴۳-۵۵.
<https://sanad.iau.ir/journal/jourm/Article/668693?jid=668693>
- Attride-Stirling, J. (2001). Thematic networks: An analytic tool for qualitative research. *Qualitative Research*, 1, 385-405.
<https://doi.org/10.1177/146879410100100307>
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3, (2) 77-101.
- Mowlana, H. (1986). *Global information and world communication: New frontiers in international relations*. White plains. N. Y.: Longman, 23(1), 234-266.



Revolution Studies
Volume 02, No.03, Summer & Spring 2024 (Serial 3)

Intellectual History and the Contextual Crises of the Islamic Revolution

Abbas Manoochehri¹

Doi : 10.22034/fademo.2024.486586.1062

Abstract

«Social Revolutions» have been studied and analyzed in several areas of human-social studies, including in «historical sociology», «political sociology», «social psychology», and «social history». One of the major topics in the studies of «revolution» is the crises on the threshold of every revolution. As regards the crises, related to the Islamic Revolution of Iran, this issue has been studied and researched mainly with objectivist-positivist, or structuralist, and sometimes cultural approaches and methods. But there is no research on contextual crises from a «discursive» perspective.

Research findings show that this was done by relying on Gadamer's dialectical approach to bring closer the intellectual horizon of the characters in question. Based on this, it can be said that the thoughts of all the evaluated thinkers in this research have identified the crisis of legitimacy, the crisis of inefficiency and the cultural-identity crisis in addition to the economic crises in the Iranian society. In addition to the heavy shadow of foreign colonialism and domestic tyranny, these thinkers have very cleverly reflected it in the form of books or films to examine the effectiveness of internal exploitation imposed by the social powerful, without the obvious anti-government political activity. and depict directness in their works. And in fact, each of them was somehow able to explain the current situation through the underlying crises of the past.

Keywords: Crises, intellectual history, Mahmoud Taleghani, Ali Shariati, Morteza Motahari, Simin Daneshvar, Jalal Al Ahmad, Seyed Hossein Nasr, Dariush Mehrjui, Masoud Kimiai.

1. Professor of Political Science Department. Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.
manoocha@modares.ac.ir

Revolution Studies

Volume 02, No.03, Summer & Spring 2024 (Serial 3)

America's Exploitation of Color Revolutions in Relations with Russia

Elaheh Koolaee¹

Doi: 10.22034/fademo.2024.478718.1055

Fatemeh Erfani²

Abstract

Color revolutions have led to important changes in the countries that experienced them, which have been followed by civilian means and social mobilization to change closed regimes. The United States has taken advantage of these revolutions to spread democracy and western values. America's democratization policies have undergone significant changes after the Cold War. The country has pursued funding, training and support for independent media. This policy has faced negative reactions from Russia, which is worried about weakening its influence and increasing the influence of the West. Russia has tried to prevent these revolutions with diplomatic, economic and military means. This article examines Russia's confrontation and the United States' democratization plans in the Middle East and the Near Abroad. The main hypothesis of the authors is that: color revolutions in these regions were formed as a tool to influence the ruling political regimes, with American policies, and affected the relations between the two countries. The purpose of this article is to analyze Russia's policies and the effect of color revolutions on that country's relations with America. In this article, the concept and theoretical foundations of color revolutions, the background of its formation, its various examples, the policies of the United States under the title of democratization, Russia's reaction and the effect of these revolutions on the relations between the two countries are examined. The effect of the color revolutions on the relations between Russia and the United States shows some aspects of the current tensions in the international system.

Keywords: Color revolutions, America, Russia, near abroad, middle east, democratization

1. Professor of Department of Regional Studies, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding author) ekolaee@ut.ac.ir

2. Doctoral student of Regional Studies, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran, fatemeh.erfani@ut.ac.ir



Revolution Studies
Volume 02, No.03, Summer & Spring 2024 (Serial 3)

Modern Ideologies and Ali Shariati's Revolutionary Thought

Fardin Ghoreishi¹

Doi: 10.22034/fademo.2023.402884.1010

Khadijeh Miri²

Abstract

Shariati was one of the main theoreticians of the Iranian Islamic revolution and his main work was the reconstruction of the Islamic thought as a revolutionary ideology. In order to comprehend the dimensions of this ideology, one can consider Shariati's impression of competing modern ideologies. In this framework, the aim of this paper is to consider how the ideologies of Nationalism, Socialism and Marxism influenced Ali Shariati's thinking. The method of work is historical research and qualitative content analysis. The results suggested the inspiring effect of mentioned ideologies on the structure of Shariati's thinking in the work of compiling the ideology of the Islamic Revolution.

Keywords: Revolution, ideology, democracy, Marxism, nationalism, religious social democracy

1. Professor, of Department of International Relations, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding author) ghoreishi3583@ut.ac.ir

1. MA in Sociology, Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution , Tehran, Iran, kadije.miri1372@gmail.com

Received: 2024/ 02/ 16

Approved: 2024/ 04/ 03

<https://trs.ri-khomeini.ac.ir/>

Revolution Studies
Volume 02, No.03, Summer & Spring 2024 (Serial 3)

**Why Did Mussadiq Fail; Investigating the Main Cause of the Failure of
the Iran National Movement**

Mohammad Samiei¹

DOI : 10.22034/fademo.2024.464226.1049

Abstract

The question why Mussadiq failed in leading Iran National Movement and why he could not finally achieve his aims is one of the most important questions that researchers on Iranian contemporary history are dealing with. Using situational analysis this research attempts to find out shortcomings of Mussadiq's political actions which enabled the opposition to remove him from power. Up until now researchers provided diverse answers to this question. Some highlighted his failure in safeguarding the unity of his allies; others highlighted his weak political leadership; some others raised his trust in the US government as a reliable mediator between him and the British government; a group found his main problem to be giving free space to the Toodeh communist party; and finally another group asserted that his main shortcoming was rooted in his trust to the unorganized masses of people. All the five cases are true, although none reflects the main cause of his failure. After scrutinizing the situation, this paper concludes that the main cause was his uncertainty between two contradicting political roles: being a liberal Prime Minister or a revolutionary leader.

Keywords: Iran national movement, Mussadiq, contemporary political movements, leadership, oil nationalization movement

1. Associate Professor, Faculty of World Studies, University of Tehran, Tehran, Iran
m.samiei@ut.ac.ir



Revolution Studies
Volume 02, No.03, Summer & Spring 2024 (Serial 3)

A Comparative Study of the Evolution of the Declarations of Reformist Political Parties and Groups Regarding the Collective Protest Actions in the Islamic Republic of Iran (1999- 2022)

Hamid Golmohammadi¹

DOI :10.22034/fademo.2024.465084.1050

Abbas Khorshidnam²

Abstract

Coup In this paper, the declarations of the Union of Islamic Iran People Party (Participation Front) and the political group of the Association of Combatant Clerics from the reformist spectrum were investigated considering the collective protest actions that took place in 1999, 2009, 2019, and 2022. In order to implement this research, the statements issued regarding collective protest actions by the Union of Islamic Iran People Party and the political group of the Association of Combatant Clerics were referred to. To collect data, their statements were reviewed and the obtained data were analyzed through thematic analysis method, which is one of the qualitative research methods (descriptive and exploratory). This research seeks to answer this main question: What has been the evolution of the devlares of the Union of Islamic Iran People Party and the political group of the Association of Combatant Clerics regarding the collective protest actions that took place in 1999, 2009, 2019, and 2022? Also, this research seeks to answer these sub-questions that what the declarations of the Union of Islamic Iran People Party and the political group of the Association of Combatant Clerics were regarding the four collective protest actions, and what the similarities and differences between these declarations are. This research reached the following results: 1. The declarations of the clerics' assembly regarding the events after the elections of 2008 and the events of 2022 have changed compared to its declarations in the events of 2019, but that of the Union of Islamic Iran People Party has not changed regarding the aforementioned protest actions. The Union of Islamic Iran People Party and the assembly of militant clergy have always emphasized democracy, referendum and freedom of expression and criticized the way of governing and the functioning of the conservative faction. 2. The declarations of the Union of Islamic Iran People Party and the political group of the Association of Combatant Clerics have little difference and they have many similar declarations.

Keywords: Comparative analysis, political statement, parties' positions, evolution of positions, theme analysis, collective protest action

1. MA in Sociology of Revolution, Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution, Tehran, Iran (Corresponding author) hgolmohammadi1394@gmail.com

2. Assistant Professor of Sociology, Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution, Tehran, Iran, abbas_khorshidnam@yahoo.com

Received: 2023/ 01/ 25

Approvd: 2023/ 04/ 30

<https://trs.ri-khomeini.ac.ir/>

Revolution Studies
Volume 02, No.03, Summer & Spring 2024 (Serial 3)

**The Regional Power of the Islamic Republic of Iran with the Title
«Axis of Resistance» in the Power System of West Asia**

Fereshteh Mirhoseini¹

Doi : 10.22034/fademo.2024.470042.1052

Abstract

Iran is one of the most important and influential players in the power equation in the West Asian region. Due to the importance of the West Asian region, important players at the regional and international level are trying to increase their influence in the region. The main goal of this research is to identify the most important regional and extra-regional influential players in the power system of West Asia. For this purpose, the theoretical framework of regional powers has been used. In general, at the level of the structure, the status of «the structure of the international power system» and «the structure of the regional power system», and at the agent level, the geopolitical weight and strategic goals of each of the extra-regional actors (United States of America, Russia and China) and regional actors (Arabia and Turkey) , have an influence on Iran's position in the West Asian region. A descriptive-analytical method has been used in this research. Despite the important regional and extra-regional competitors, currently Iran has an important and decisive geopolitical position in the network nodes of West Asia, including the countries of Iraq, Syria and Lebanon. Iran is one of the most influential actors in Iraq, its representative Hezbollah is an effective force in Lebanon. Also, Iran's effort to maintain Bashar al-Assad's government in Syria in order to maintain the axis of resistance and destroy ISIS has been successful.

Keywords: The united states of America, Iran, the structure of the regional power system, west asia, Saudi Arabia

1. Assistant Professor, Department of Islamic Education, Farhangian University, Tehran, Iran, fereshte.mirhosieni@cfu.ac.ir



Revolution Studies
Volume 02, No.03, Summer & Spring 2024 (Serial 3)

**Analysis of Hashemi Rafsanjani's Economic Development Discourse
in the Fifth Presidential Election**

Parisa Amirifard¹

DOI :10.22034/fademo.2024.484345.1059

Abstract

In the fifth term of the presidential elections with the focus on economic development, Hashemi Rafsanjani was able to attract public opinion by presenting a reading of Islam and religious values in order to improve the economic situation and construction, in his Friday prayer sermons in Tehran. After the war and the reconstructions caused by the damages caused to the country, Hashemi gave a recitation of Islam on the platform of Friday prayers, based on which prosperity was placed at the center of the discourse of Islamism. In his speech, he made the construction and reconstruction of the country a religious value. In this article, by analyzing the discourse of the Hashemite text in the sermons of Friday prayers, the change of focus of the discourse of political Islam has been investigated. Fairclough's theoretical framework is used in discourse analysis. The main question of the current research is how Hashemi Rafsanjani's economic development discourse turned the axis of the war discourse.

Keywords: Discourse, islamism, Hashemi Rafsanjani, economic development discursive turns, social acceptability, legitimacy

1. Assistant Professor of Political Science, Payam Noor University, Tehran, Iran
amirifard.parisa@gmail.com

Received: 2024/ 03/ 09

Approved: 2024/ 05/ 29

<https://trs.ri-khomeini.ac.ir/>

Revolution Studies

Volume 02, No.03, Summer & Spring 2024 (Serial 3)

Investigation of the Revolutionary Management of Imam Khomeini in the Crisis of Taking over the American Embassy

Mohammad Rahimian¹

DOI :10.22034/fademo.2024.459142.1043

Abstract

This paper aims to investigate the revolutionary management of Imam Khomeini in the crisis of taking over the American embassy. According to the findings, the causes of the crisis include the use of the embassy for espionage purposes, the intensification of America's hostile actions against the Islamic Revolution, the embassy's attempt to attract elites and statesmen, America's sheltering of the Shah, and the moderate policies of the merchant government. In the process stage, the emergence and spread of the crisis was investigated. In the consequences of the crisis, the political outcomes include referring to the United Nations, the resignation of the interim government, the Nojeh coup, the Iraq war against Iran, and the severance of Iran-US relations. The cultural consequences include the creation of a culture of independence from foreign powers and the strength of revolutionary forces, humiliation of America, strengthening convergence, national unity and the spirit of self-belief, and strengthening the liberation movements. In terms of economic consequences, creating economic sanctions against Iran and blocking Iranian assets were investigated. Crisis management includes the Imam's position and creating a wave of confidence and the resignation of the interim government. Finally, lessons learned from the crisis include Imam Khomeini's not relying on other powers to fight against the foreign enemy, the principle of placing the interests of the system in making decisions, and placing the Islamic Council as the center for determining the final task.

Keywords: Imam Khomeini, American embassy, emergence of crisis, crisis management, experience learning from crisis

1. PhD in Political Sociology, Shahed University, Tehran, Iran. mrahimian1370@yahoo.com

Received: 2024/ 05/ 18

Approved: 2023/ 07/ 16



Revolution Studies
Volume 02, No.03, Summer & Spring 2024 (Serial 3)

Qualitative analysis of Ideology Coordinates in Dr. Ali Shariati's Intellectual System Based on Arendt's Perspective

Hossein Saberdamirchi¹

Doi:10.22034/fademo.2024.469635.1051

Abstract

The influential political philosopher Hannah Arendt offers an innovative and novel definition of the totalitarian elements that make up «ideology» and their use by dominant movements and specifically totalitarian ones. According to some intellectuals, the ability to build an ideological system from the Islamic religion, especially the Shia religion, was the engine of the popular movement in the 1957 Islamic Revolution. In the meantime, Dr. Ali Shariati has played a decisive role in ideologicalizing religion and building an ideological system from the Shiite religion. The main problem of the present project is to examine the elements of totalitarian ideology and movement in Hannah Arendt's book *The Totalitarian System*, and examine the extent of its conformity and non-conformity with the issue of ideologizing religion in Shariati's intellectual system. In this research, the comparative-analytical method was used to discover the points of commonality and difference between the two researchers. In the moment of political practice, Shariati's texts call for a dual and conflicting position from the social point of authorship and the point of political application.

Keywords: Ideology, shia religion, popular movement, moment of establishment, political application

1. PhD in Sociology, Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution, Tehran, Iran, h.saber91@gmail.com

Received: 2024/ 05/ 22

Approved: 2024/ 07/ 10

<https://trs.ri-khomeini.ac.ir/>

Revolution Studies

Volume 02, No.03, Summer & Spring 2024 (Serial 3)

A Comparative Study of the Influence of the Discourses of the Islamic Revolution Ruling the Ahmadinejad and Rouhani Cabinets on Iran's Foreign Policy

Majid Golparvar¹

Zahra Mohammadi²

Doi :10.22034/fademo.2024.454986.1040

Hanane Naji³

Abstract

Although the components outside the control of the limited circle of the executive branch play a significant role in the foreign policy of governments, the discourses and in other words the sub-discourses governing the executive branch are also very important in the formation of decisions and especially the way of implementing foreign policy. The focus of this article is to study the foreign policy of the government of the Islamic Republic of Iran during sixteen years under the influence of the sub-discourses governing the country's executive system during the presidency of Ahmadinejad and Rouhani and to identify and analyze the dimensions of the evolution of the foreign policy discourse. The question of the article is what was the reflection of the semantic system of the ninth and tenth, eleventh and twelfth cabinets on the components of Iran's foreign policy during the mentioned periods. According to the results, the discourse of justice-oriented fundamentalism in the Ahmadinejad cabinet led to the adoption of an approach of reconciliation with the international system in Iran's foreign policy by stimulating public opinion inside and promoting the belief that the international order is unfair. The support of the inferior masses, the central sign of the discourse, in contrast to the moderate discourse ruling the Rouhani cabinet, by generalizing the principle of balance and balance from the domestic environment to the international environment, led to the formulation of a pragmatism approach in Iran's foreign policy. Borrowing from the discourse analysis theory of Laclau and Mouffe, the present research examines the foreign policy of the Islamic Republic of Iran.

Keywords: Ahmadinejad, justice-oriented fundamentalism, moderation, Rouhani foreign policy, discourse

1. Assistant Professor of Political Science, Islamic Azad University, Baft Branch, Kerman, Iran (Corresponding author) majid_golparvar@yahoo.com.

2. Assistant Professor of Political Science, Islamic Azad University, Baft Branch, Kerman, Iran, zahramohammadiza99@gmail.com3.

3. PhD student in political science, Islamic Azad University, Baft branch, Kerman, Iran hananenaji2010@gmail.com



Revolution Studies
Volume 02, No.03, Summer & Spring 2024 (Serial 3)

**Analyzing the Reasons for the Failure of the American Intelligence Agency
in Predicting the Islamic Revolution of Iran**

Mahdi Heidary¹

Doi :10.22034/fademo.2024.486278.1061

Mohammad Modaberi²

Abstract

The Iran's Islamic revolution in 1357 faced a fundamental challenge to the foundations of many social and political science theories regarding the causes of revolutions; Because few people predicted the occurrence of a revolution with the coordinates of the Islamic Revolution. Various studies have been done regarding the reason of the Iranian revolution and its effect on the theories of the revolution. But in these studies, the role of information devices has not been addressed. However, this failure is, first of all, an information failure. Based on this argument, the question of the article has been raised as follows: Why did the Central Intelligence Agency of America (CIA) fail to predict the Islamic Revolution of Iran in 1357? To answer this question, while reviewing the literature of the emerging field of information studies, the model of the information cycle was used and the aforementioned failure was analyzed in each of the processes of the information cycle. The research data has been collected through documentary studies and analyzed using the meta-composite method. The findings of the research indicate that the CIA organization had a fundamental challenge in the processes of guidance, collection, and analysis in connection with the Islamic Revolution of Iran, and therefore faced problems in the publication stage as well. At the same time, the central sign in the research of the intelligence failure of the CIA to estimate the Islamic Revolution of Iran can basically be evaluated as an analytical failure. institutions.

Keywords: Islamic revolution of Iran, intelligence approach, CIA, intelligence cycle, intelligence failure

1. PhD in Political Sociology, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (Corresponding author)
mheidar90@gmail.com

2. Assistant Professor of Management, Abrar Contemporary Institute, Tehran, Iran,
m.modaberi@gmail.com

Received: 2024/ 03/ 04

Approved: 2024/ 05/ 10

<https://trs.ri-khomeini.ac.ir/>

Revolution Studies
Volume 02, No.03, Summer & Spring 2024 (Serial 3)

**Presentation and Explanation of Jihadi Management Model in Islamic
Society Based on the Divine-Political Will of
Imam Khomeini**

Ali Omid¹

Doi :10.22034/fademo.2024.461005.1044

Abstract

The current study has focused on the design and explanation of the Jihadi management model in the Islamic society based on the divine-political testament of Imam Khomeini. This research was carried out qualitatively. Data and components were obtained by the content analysis method, using MAXQDA software for drawing the network of topics. By deeply studying the divine-political testament of Imam Khomeini, the themes that were representative of Jihadi management in the Islamic society were collected in the form of open, central, and selective coding. Ultimately, the codes were classified by thematic analysis in the form of 81 open codes, 53 basic themes, 10 organizing themes, and 2 sub-themes. They include ethics, religion, selflessness, insight, God-centeredness, effective communication, and revolutionariness, and the manager's general characteristics, including manager and thoughtfulness, orderliness, lawfulness, and meritocracy, were identified.

Keywords: Jihadi management, the divine-political testament of Imam Khomeini. content analysis, islamic society.

1. PhD in Public Administration, Organizational Behavior major, Lorestan University, Iran
omidomidi82@gmail.com

Received: 2022/ 10/ 26

Approved: 2023/ 04/ 29

Table of Contents

- 7 ■ **Intellectual History and the Contextual Crises of the Islamic Revolution Iran**
Abbas Manoochehri
- 27 ■ **America’s Exploitation of Color Revolutions in Relations with Russia**
Elaheh Koolaee; Fatemeh Erfani
- 51 ■ **Modern Ideologies and Ali Shariati’s Revolutionary Thought**
Khadijeh Miri; Fardin Ghoreishi
- 67 ■ **Why did Mussadiq fail; Investigating the main cause of the failure of the Iran National Movement**
Mohammad Samiei
- 93 ■ **A Comparative Study of the Evolution of the Declarations of Reformist Political Parties and Groups Regarding the Collective Protest Actions in the Islamic Republic of Iran (1999-2022)**
Hamid Golmohammadi; Abbas Khorshidnam
- 125 ■ **The Regional Power of the Islamic Republic of Iran with the Title “Axis of Resistance” in the Power System of West Asia**
Fereshte Mirhoseini
- 149 ■ **Analysis of Hashemi Rafsanjani’s Economic Development Dis-course in the Fifth Presidential Election**
Parisa Amirifard
- 175 ■ **Investigation of the Revolutionary Management of Imam Khomeini in the Crisis of Taking over the American Embassy**
Mohammad Rahimian
- 195 ■ **Qualitative analysis of ideology coordinates in Dr. Ali Shariati’s intellectual system based on Arendt’s perspective**
Hossein Saberdamirchi
- 219 ■ **A comparative study of the influence of the discourses of the Islamic revolution ruling the Ahmadinejad and Rouhani cabinets on Iran’s foreign policy**
Majid Golparvar; Zahar Mohammadi; Hanane Naji
- 241 ■ **Analyzing the reason for the failure of the American intelligence agency in predicting the Islamic revolution of Iran**
Mahdi Heidary; Mohammad Modaberi
- 271 ■ **Presentation and Explanation of Jihadi Management Model in Islamic Society Based on the Divine-Political Will of Imam Khomeini**
Ali Omid



Iranian Sociological Association

Biannual Journal of
Revolution Studies
Volume 2/Issue 3/Spring and Summer 2024



The Research Institute of
Imam Khomeini and Islamic Revolution

Proprietor:

Research Institute of Imam Khomeini
and Islamic Revolution

Director-in-Charge:

Seyyed Mohammadreza Sharifi

Editor-in-Chief:

Abbas Keshavarz Shokri

Executive Manager:

Abbas Khorshidnam

Executive Director:

Zohreh Ehsani

Technical Editor:

Azam Soleimani

Layout:

Zahra Shirkhazadeh

Cover Design:

Zahra SHirkhazadeh

Address: Tehran, Persian Gulf Highway, before tolls, Imam Khomeini Shrine, Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution, 1st floor, Revolution Studies Biquarterly Office.

Postal Code: 1815163111

PO Box: 18155/134

Fax: 55235661

Tel: 51085510

Website:

<https://trs.ri-khomeini.ac.ir/>

Email:

Revolutionstudeies@gmail.com

Senior Editorial Board:

Fardin Ghoreisihi

Professor of the Department of International Relations, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran

Seyed Ahmad Movasaghi Gilani

Professor of Political Science, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran

Shoja Ahmadvand

Professor of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

Abbas Keshavarz Shokri

Professor of Political Science, Shahed University, Tehran, Iran

Mahdi Zibaei

Associate Professor of International Relations, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran

Saeed Moeidfar

Associate Professor of Sociology, University of Tehran, Tehran, Iran

Abolfazl Delavari

Associate Professor of Political Science, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

Mohammad Salar Kasraei

Associate Professor of Sociology, Social Studies Research Institute, Humanities and Cultural Studies Research Institute, Tehran, Iran

Mohammad Reza Taleban

Associate Professor of Sociology, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute, Tehran, Iran

Sadredin Musavi

Associate Professor of Political Thought, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute, Tehran, Iran

Fateme Tabatabaei

Associate Professor of Islamic Mysticism, Imam Khomeini Research Institute and Islamic Revolution, Tehran, Iran

Materials Included in Revolution Studies biquarterly fail to necessarily express the viewpoints of the Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution. Quotation of the Revolution Studies biquarterly contents has no legal prohibition provided the source is cited.